www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

بررسی علمی پژوهشی

بررسی جلوه‌های عملی و نظری

امر به معروف و نهی از منکر

در سیره رضوی علیه‌السلام

(مجموعه مقالات برگزیده)

ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر خراسان رضوی

بسم الله الرحمن الرحیم

امر به معروف و نهی از منکر در سیره رضوی علیه‌السلام (مجموعه مقالات برگزیده)

نویسنده:

ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر خراسان رضوی

ناشر چاپي:

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی

ناشر دیجیتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌اي قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

امر به معروف و نهی از منکر در سیره رضوی علیه السلام (مجموعه مقالات برگزیده) ----- ۱۸

مشخصات کتاب ----- ۱۸

اشاره ----- ۱۸

فهرست مطالب ----- ۲۱

مقدمه ----- ۲۳

گزیده سخنرانی حضرت آیت الله علم الهدی ----- ۲۵

خلأهای قانونی در اجرای امر به معروف و نهی از منکر: زینب اصغری مرزیدره/ سید ایمان میریان حسین آبادی ----- ۲۹

اشاره ----- ۲۹

مقدمه ----- ۲۹

مفهوم شناسی ----- ۳۰

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در اسلام امر به معروف و نهی از منکر از احکام مهم اسلامی است که در نصوص دینی متعدد از آن سخن رفته است آیات ۲۱، ۱۰۴، ۱۱۰ و ۱۱۴ آل عمران، ۱۶۳ و ۱۶۶ اعراف، ۶۶ انفال ۶۷ ۷۱ و ۱۱۲ توبه، ۹۰ نحل، ۳۹ و ۴۱ حج، ۲۱ نور، ۴۵ عنکبو

تأکید قانون اساسی بر مسئله ----- ۳۴

خلأ در قانون گذاری جهت تعیین کم و کیف اصل هشتم قانون اساسی ----- ۳۵

نگاهی به ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر ----- ۳۸

نگاهی به طرح امر به معروف و نهی از منکر ----- ۳۹

نقد و بررسی طرح ----- ۴۳

نتیجه ----- ۴۷

منابع ----- ۴۸

سنخ شناسی ----- ۵۰

سازمان نظارت اجتماعی در سیره رضوی: سید علی نقی ایازی ----- ۵۱

اشاره ----- ۵۱

مقدمه ----- ۵۱

عناصر فرهنگی سازمان نظارت اجتماعی ----- ۵۳

ضرورت و اهمیت سازمان نظارت اجتماعی ----- ۵۳

الزامات سازمان نظارت اجتماعی ----- ۵۵

ارزش ها و میزان اهمیت آن ها در سیره رضوی ----- ۵۷

مکانیسم تشویق و تنبیه در سازمان نظارت اجتماعی ----- ۵۷

نظام تعامل در سازمان نظارت اجتماعی ----- ۵۸

احساسات و عواطف در سازمان نظارت اجتماعی ----- ۶۱

عنصر عقلانیت در سازمان نظارت اجتماعی ----- ۶۲

کارکرد سازمان نظارت اجتماعی ----- ۶۳

منابع ----- ۶۵

تشخیص اولویت ها، شرط لزوم و کارآمدی امر به معروف و نهی از منکر: جواد ایروانی ----- ۶۶

اشاره ----- ۶۶

طرح بحث ----- ۶۶

تابلو جامعه اسلامی با پوستین وارونه ----- ۶۶

لزوم مهندسی اجزای فرهنگ اسلامی ----- ۶۷

تشخیص اولویت ها شرط امر به معروف و نهی از منکر ----- ۶۷

شیوه تشخیص اولویت ها ----- ۶۹

اشاره ----- ۶۹
الف) منکرات اهم ----- ۶۹
اشاره ----- ۶۹
چند نکته ----- ۷۴
ب) واجبات اهم ----- ۷۷
نکته پایانی ----- ۸۴
نتایج بحث ----- ۸۵
منابع ----- ۸۷
میزان توجه به امر به معروف و نهی از منکر در برنامه درسی «پیام های آسمانی» اول راهنمایی: عالیه ایزدی ----- ۸۹
اشاره ----- ۸۹
مقدمه ----- ۸۹
سؤالات پژوهش ----- ۹۴
روش تحقیق ----- ۹۴
جامعه و نمونه آماری ----- ۹۵
ابزار گردآوری اطلاعات ----- ۹۵
روایی و پایایی ابزارها ----- ۹۵
روش تحلیل داده ها ----- ۹۶
یافته های پژوهش ----- ۹۶
بحث و نتیجه گیری ----- ۱۰۴
منابع ----- ۱۰۹
فلسفه وجوب امر به معروف و نهی از منکر: احمدرضا بسیج ----- ۱۱۲
اشاره ----- ۱۱۲
مقدمه ----- ۱۱۲
معرفت شناختی امر به معروف و نهی از منکر ----- ۱۱۳
امر به معروف و نهی از منکر ----- ۱۱۴
حقیقت انسان ----- ۱۱۵
امر به معروف و نهی از منکر و آزادی انسان ----- ۱۱۸
امر به معروف و نهی از منکر و نظام اجتماعی ----- ۱۲۲
رسالت انسان ----- ۱۳۰
نتیجه گیری ----- ۱۳۳
منابع ----- ۱۳۵
آسیب شناسی فهم، روش و اجرای امر به معروف و نهی از منکر: سیاوش پورطهماسبی - یاسر عبازاده - بهرام فاتح - شهروز دانا ----- ۱۳۶
اشاره ----- ۱۳۶
مقدمه ----- ۱۳۶
امر به معروف در قرآن ----- ۱۳۹
امر به معروف در سنّت ----- ۱۴۵
فایده بهره گیری از معروف و منکر همه کس شناس: ----- ۱۴۸
منابع و درجات شناخت معروف و منکر ----- ۱۴۹
خوبی های هر کس شناس و ارزش های ثابت ----- ۱۴۹
مصادیق معروف و منکر در قرآن ----- ۱۴۹
مصادیق معروف و منکر در روایات ----- ۱۵۴

مصادیق منکرات به زبان عصر و نسل حاضر ----- ۱۵۴
یادآوری ----- ۱۵۵
مراحل واژگونی ارزش ها در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله ----- ۱۵۶
فرجام و سر انجام ترک امر به معروف و نهی از منکر ----- ۱۵۹
نتیجه گیری ----- ۱۶۵
بایدهای امر به معروف و نهی از منکر ----- ۱۶۵
نبایدهای امر به معروف و نهی از منکر ----- ۱۶۸
عوامل آسیب زا ----- ۱۶۹
منابع ----- ۱۷۱
امر به معروف و نهی از منکر دولت از سوی مردم (نظارت ملی): مهدی پورقاسمی- زهرا ملک مطیعی ----- ۱۷۳
اشاره ----- ۱۷۳
بیان موضوع ----- ۱۷۳
اهداف و روش مطالعه ----- ۱۷۵
عقلانیت در دنیای مدرن ----- ۱۷۵
بررسی دیدگاه اسلام ----- ۱۷۷
خدا محور حقوق در اسلام ----- ۱۷۸
اخلاق به عنوان پیش نیاز ----- ۱۷۸
لزوم نظارت همگانی در اسلام ----- ۱۷۹
نگاهی به سیره امام رضا علیه السلام ----- ۱۸۰
سیره علمی حضرت ----- ۱۸۰
سیره عملی حضرت ----- ۱۸۱
مواجهه با فرودستان ----- ۱۸۱
مواجهه با فرادستان ----- ۱۸۲
مواجهه با آحاد جامعه ----- ۱۸۳
بحث و نتیجه گیری ----- ۱۸۴
منابع ----- ۱۸۷
رفتارشناسی امام رضا علیه السلام در امر به معروف و نهی از منکر: دکتر محمد حسین توانایی- مرتضی شیخ احمدی ----- ۱۸۸
اشاره ----- ۱۸۸
مقدمه ----- ۱۸۸
تحلیل فضای سیاسی و اجتماعی دوران امامت حضرت رضا علیه السلام ----- ۱۸۹
رفتارشناسی حضرت رضا علیه السلام در زمینه امر به معروف و نهی از منکر ----- ۱۹۳
شاخص های رفتاری امام رضا علیه السلام در زندگی فردی و اجتماعی ----- ۱۹۳
اشاره ----- ۱۹۳
صبر و شکیبایی ----- ۱۹۳
خوشرویی و رأفت ----- ۱۹۳
ملایمت در سخن گفتن ----- ۱۹۴
احترام به فهم دیگران ----- ۱۹۴
عیب پوشی ----- ۱۹۴
توجه به تأثیر کلام ----- ۱۹۴
جدیت ----- ۱۹۵
خیرخواهی ----- ۱۹۵

حساسیت به نزدیکان ۱۹۶
شاخص های رفتاری حضرت رضا علیه السلام در رفتار فرهنگی و سیاسی ۱۹۶
اشاره ۱۹۶
پاسخگویی به شبهات و سؤالات ۱۹۷
تشکیل مجالس درس و بحث ۱۹۷
مناظره با رؤسا و پیشوایان فرق ۱۹۸
تذکر به مأمون ۱۹۹
اشاره ۱۹۹
تذکر در خصوص حق حکومت و عدم مشروعیت زمامداری عباسیان ۱۹۹
تذکرات در مورد زندگی فردی و اعتقادی ۲۰۱
زیر نظر داشتن فعالیت های درباریان ۲۰۲
شناسایی مراتب انواع و شیوه های امر به معروف در رفتار امام رضا علیه السلام ۲۰۲
مراتب امر به معروف و نهی از منکر ۲۰۴
اشاره ۲۰۴
مرتبه قلبی ۲۰۴
مرتبه زبانی ۲۰۴
مرتبه عملی ۲۰۴
ویژگی های آمر و ناهی در سیره حضرت رضا علیه السلام ۲۰۵
شیوه های امر به معروف و نهی از منکر در سیره رضوی ۲۰۵
اشاره ۲۰۵
شیوه گفتاری یا زبانی ۲۰۵
موعظه و گفتار نرم ۲۰۷
امر و نهی آرام ۲۰۷
امر و نهی تند ۲۰۷
شیوه نوشتاری ۲۰۷
شیوه عملی ۲۰۷
شیوه فردی و جمعی ۲۰۸
شیوه تدریجی ۲۰۸
نتیجه گیری ۲۰۸
اشاره ۲۰۸
مراتب امر به معروف و نهی از منکر ۲۰۹
ویژگی های آمر و ناهی در سیره حضرت رضا علیه السلام ۲۰۹
شیوه های امر به معروف و نهی از منکر در سیره رضوی ۲۰۹
موضوعات پیشنهادی برای پژوهش های آینده ۲۱۱
منابع ۲۱۲
چیستی و آثار تواکل در کلام امام رضا علیه السلام: حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمدرضا جواهری ۲۱۴
اشاره ۲۱۴
مقدمه ۲۱۴
تواکل در حدیث رضوی علیه السلام ۲۱۵
سند حدیث ۲۱۵
چیستی تواکل ۲۱۶

عوامل و ریشه های تواکل ----- ۲۱۹
پیامدهای تواکل ----- ۲۲۱
نتایج ----- ۲۲۲
منابع ----- ۲۲۴
آسیب شناسی تأثیر عوامل اجتماعی - فردی بر عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر: فرهاد حصاری - میثم قاسمی- علی محمد حصاری - ربابه غلامشاهی ----- ۲۲۶
اشاره ----- ۲۲۶
مقدمه ----- ۲۲۶
بیان مسئله ----- ۲۲۷
تعریف مفاهیم ----- ۲۲۸
امر به معروف و نهی از منکر ----- ۲۲۸
آمر به معروف و ناهی از منکر ----- ۲۲۹
هویت دینی ----- ۲۲۹
منزلت اجتماعی ----- ۲۲۹
روش تحقیق ----- ۲۳۰
حجم نمونه و روش نمونه گیری آن ----- ۲۳۰
ابزار تحقیق ----- ۲۳۱
چارچوب نظری ----- ۲۳۱
امر به معروف و نهی از منکر از منظر امام رضا علیه السلام ----- ۲۳۲
استاد شهید مطهری ----- ۲۳۴
امام خمینی رحمه الله ----- ۲۳۶
شیوه های امر به معروف و نهی از منکر از منظر امام خمینی رحمه الله ----- ۲۳۶
رهنمودهای حضرت امام برای عملی کردن امر به معروف ----- ۲۳۶
اشاره ----- ۲۳۶
الف) اصلاح خویش: ----- ۲۳۶
ب) شرط اصلاح جامعه: ----- ۲۳۷
فرضیات تحقیق: ----- ۲۳۷
مدل تحلیل نظری: ----- ۲۳۸
شیوه امر به معروف و نهی از منکر در قرآن ----- ۲۳۸
شرایط امر به معروف و نهی از منکر ----- ۲۴۰
مراتب امر به معروف و نهی از منکر ----- ۲۴۰
صفات آمر و ناهی ----- ۲۴۱
۱- هماهنگی حرف و عمل ----- ۲۴۱
۲- برخورد شایسته و چهره باز ----- ۲۴۱
۳- خیرخواه بودن ----- ۲۴۲
۴- اخلاص ----- ۲۴۲
۵- شکیبایی ----- ۲۴۲
۶- بزرگواری ----- ۲۴۲
۷- انتقاد از کار نه از شخص ----- ۲۴۳
۸- توجه به خصوصیات اخلاقی هر فرد ----- ۲۴۳
تحلیل داده ها ----- ۲۴۳
بحث و نتیجه گیری ----- ۲۴۶

پیشنهادها ۲۵۰
منابع: ۲۵۱
امام رضا علیه السلام ها و شیوه های امر به معروف و نهی از منکر: دکتر مرتضی رحیمی ۲۵۳
اشاره ۲۵۳
طرح مسئله ۲۵۳
شیوه های امر به معروف و نهی از منکر در سیره امام رضا علیه السلام ۲۵۶
اشاره ۲۵۶
۱- تشویق ۲۵۶
۲- تنبیه ۲۵۸
۳- رفق و مدارا ۲۶۱
۴- روش رحمت و محبّت ۲۶۵
۵- روش نوشتاری ۲۶۶
۶- تأکید بر معروف ها و منکرهای اقتصادی ۲۶۸
۷- روش موعظه ۲۷۲
۸- حسن خلق یا اخلاق اجتماعی ۲۷۶
نقش الگو در تغییر رفتار ۲۷۷
نتیجه گیری ۲۸۰
منابع ۲۸۱
آسیب شناسی آمران و ناهیان: دکتر مریم رشیدی میان رودی ۲۸۴
اشاره ۲۸۴
مقدمه ۲۸۴
مفهوم آسیب شناسی ۲۸۵
چیستی فرایند ۲۸۷
فرایند امر به معروف و نهی از منکر ۲۸۸
ارکان امر به معروف و نهی از منکر ۲۸۹
اشاره ۲۸۹
الف- تعریف مخاطب ۲۸۹
ب- مفهوم آمر و ناهی ۲۹۱
ج- وظیفه آمران و ناهیان ۲۹۲
جایگاه آمران به معروف و ناهیان از منکر در قرآن و سنت ۲۹۳
اهمیت و ضرورت آسیب شناسی آمران و ناهیان ۲۹۵
مهمترین نشانه های آسیب مندی در شخصیت آمران و ناهیان ۲۹۶
اشاره ۲۹۶
تردید در آموزه ها و اعتقادات دینی ۲۹۶
سستی در انجام تکالیف دینی ۲۹۷
عدم پایبندی به هنجارهای دینی ۲۹۸
شاخص های آسیب شناسی آمران و ناهیان ۲۹۹
اشاره ۲۹۹
غیر مستقیم ۲۹۹
اشاره ۲۹۹
زمینه های شخصیتی و شخصی ۲۹۹

پیش زمینه های ارثی نامناسب ----- ۲۹۹
هوا و هوس و امیال نفسانی ----- ۳۰۰
انانیت و خودخواهی ----- ۳۰۱
عدم پرواپیشگی و پرهیزکاری ----- ۳۰۲
نداشتن خلوص نیت ----- ۳۰۲
دور بودن از متانت و و قار توأم با تواضع ----- ۳۰۳
افراط و تفریط در ظاهر و پوشش ----- ۳۰۴
انتقادناپذیری ----- ۳۰۵
امور سیاسی و اجتماعی ----- ۳۰۶
ورود در جناح ها و احزاب ----- ۳۰۶
برهم زدن انسجام و وحدت ----- ۳۰۶
مستقیم ----- ۳۰۷
اشاره ----- ۳۰۷
شیوه های ناصحیح رفتاری ----- ۳۰۷
بی توجهی به وضعیت روانی مخاطب ----- ۳۰۷
تحکم و تحمیل نه حکمت و تحلیل ----- ۳۰۸
تحقیر مخاطب و جانبداری افراطی از نظریات خویش ----- ۳۰۹
غفلت از بحث و گفت و گو و تبادل آراء و نظریات ----- ۳۱۰
اکتفا به شیوه مستقیم ----- ۳۱۰
سطحی و غیر مستمر ----- ۳۱۱
روش های غلط گفتاری ----- ۳۱۲
آغاز نامناسب سخن ----- ۳۱۲
تبیین غیر دلنشین و فطرت ستیز ----- ۳۱۳
غفلت از ظاهر آرایی کلام ----- ۳۱۴
تشتت در گفتار ----- ۳۱۴
پایان ناشیانه کلام ----- ۳۱۵
به کارگیری واژگان غیر مأنوس ----- ۳۱۵
نتیجه گیری ----- ۳۱۶
منابع ----- ۳۱۹
شناسایی روش های روزآمد امر به معروف و نهی از منکر برای مقابله با تضعیف اعتقادات و باورهای دینی در بین دانش آموزان شهر مشهد: احمد رمضانی فرخد- دکتر محمود مرویان حسینی ----- ۳۲۱
اشاره ----- ۳۲۱
بیان مسئله ----- ۳۲۱
هدف پژوهش ----- ۳۲۵
تعریف مفاهیم ----- ۳۲۶
دین ----- ۳۲۶
امر به معروف و نهی از منکر ----- ۳۲۶
چارچوب نظری ----- ۳۲۷
قلمرو معروف و منکر ----- ۳۲۷
معیار شناخت معروف و منکر ----- ۳۲۷
اشاره ----- ۳۲۷
۱. فطرت ----- ۳۲۷

۲. عقل ۳۲۸
۳. دین (وحی) ۳۲۹
جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قرآن ۳۲۹
جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در احادیث و روایات ۳۳۰
روش تحقیق ۳۳۱
اشاره ۳۳۱
۱. روش تغییرات اجتماعی برنامه ریزی شده ۳۳۲
۲. چارچوب تغییر اجتماعی برنامه ریزی شده ۳۳۲
اشاره ۳۳۲
۱) علت تغییر ۳۳۲
۲) کارگزار تغییر ۳۳۳
۳) اهداف تغییر ۳۳۳
۴) کانال های ارتباطی ۳۳۳
۵) استراتژی های تغییر ۳۳۳
جامعه آماری ۳۳۴
روش نمونه گیری ۳۳۵
یافته های تحقیق ۳۳۶
تجزیه و تحلیل استراتژی های تغییر بر اساس نوع کانال ارتباطی ۳۶۳
تجزیه و تحلیل برنامه های ترویجی تضعیف اعتقادات و باورهای دینی بر اساس نوع استراتژی ۳۶۵
تجزیه و تحلیل برنامه های ترویجی تضعیف اعتقادات و باورهای دینی براساس نوع کارگزار ۳۶۶
شناسایی پرکاربردترین ابزارهای برنامه های ترویجی تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش آموزان ۳۶۷
نتیجه گیری ۳۶۸
منابع ۳۷۱
ارزشمندی امر به معروف و نهی از منکر از انگیزش تا بازدارندگی: دکتر امیر سلمانی رحیمی ۳۷۳
اشاره ۳۷۳
درآمد ۳۷۴
آمران به معروف و ناهیان از منکر ۳۷۵
ارزشی بازدارنده! ۳۷۸
تواکل آسیبی فراگیر ۳۸۲
تذکاری تأمل برانگیز از استاد مطهری ۳۸۳
یاری رسانی و مشارکت در امر به معروف ۳۸۴
نتیجه گیری ۳۸۶
منابع ۳۸۷
امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر در سیره رضوی: زهرا شیخوند- دکتر اکرم مرادی ۳۸۹
اشاره ۳۸۹
مقدمه ۳۸۹
الف. مفهوم شناسی ۳۹۰
اشاره ۳۹۰
۱) امر به معروف ۳۹۰
اشاره ۳۹۰
امر ۳۹۱

معروف ----- ۳۹۱
۲) نهی از منکر ----- ۳۹۲
اشاره ----- ۳۹۲
نهی ----- ۳۹۲
منکر ----- ۳۹۲
ب. امر به معروف و نهی از منکر رسالت یا دخالت ----- ۳۹۳
ج. اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام ----- ۳۹۴
د. ملاک شناخت معروف و منکر ----- ۳۹۶
ه- کارایی یا ناکارایی امر به معروف و نهی از منکر در جوامع امروزی ----- ۳۹۷
و. موانع ساختاری امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر ----- ۳۹۸
ز. امام رضا علیه السلام و بایستگی امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر ----- ۴۰۰
ح. علی بن موسی الرضا علیه السلام و نقاط آغازین در امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر ----- ۴۰۱
اشاره ----- ۴۰۱
۱) خودسازی و رشد شخصیتی ----- ۴۰۲
۲) باورمندی به نظارت دائمی پروردگار ----- ۴۰۴
۳) نیندیشیدن پیش از سخن ----- ۴۰۵
۴) آموزش و یادگیری، تمرین و تکرار ----- ۴۰۵
ط. شاکله و ماهیت امر به معروف و نهی از منکر ----- ۴۰۶
اشاره ----- ۴۰۶
۱) احترام به حقوق و کرامت انسان ها ----- ۴۰۶
۲) مروت و مدارا نه خشونت و ارعاب ----- ۴۰۸
ی. حضرت رضا علیه السلام قواعد و فنون اساسی ----- ۴۰۹
اشاره ----- ۴۰۹
۱) معرفت نسبت به معروف و منکر ----- ۴۰۹
۲) پایبندی به گفته های خود ----- ۴۱۰
۳) پرهیز از دستور دادن ----- ۴۱۱
۴) شفاف، منطقی و قابل فهم بودن کلام ----- ۴۱۲
۵) اجتناب از سرزنش و عیب جویی ----- ۴۱۳
۶) برخورد نرم و آرام همراه با محبت و مهرورزی ----- ۴۱۴
نتیجه گیری ----- ۴۱۵
منابع ----- ۴۱۹
نقش رسانه ها در ترویج امر به معروف و نهی از منکر با تأکید بر سیره رضوی: سمیه صادقی ----- ۴۲۱
اشاره ----- ۴۲۱
مقدمه: ----- ۴۲۱
اهمیت و ضرورت موضوع ----- ۴۲۲
سؤالات پژوهشی ----- ۴۲۴
روش شناسی تحقیق: ----- ۴۲۴
اهمیت امر به معروف و نهی از منکر ----- ۴۲۴
جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قرآن: ----- ۴۲۶
جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در سیره رضوی: ----- ۴۲۷
اصحاب رسانه و امر به معروف و نهی از منکر: ----- ۴۲۸

رسانه های جمعی ----- ۴۳۰
کارکردهای رسانه ها ----- ۴۳۰
اشاره ----- ۴۳۰
۱. کارکرد فرهنگی: ----- ۴۳۰
۲. کارکرد سیاسی: ----- ۴۳۰
۳. کارکرد تفریحی: ----- ۴۳۱
رسانه ها و ترویج معروف ها و منکرها ----- ۴۳۱
رسانه ها و ترویج معروف ها: ----- ۴۳۱
اطلاع رسانی و هشدار: ----- ۴۳۱
۱. قانون شناسی و کیفرشناسی ----- ۴۳۴
۲. کنترل اجتماعی ----- ۴۳۵
رسانه ها و ترویج منکرها: ----- ۴۳۶
۱. ایجاد امواج جرم ----- ۴۳۶
۲. عادی سازی هنجار شکنی ----- ۴۳۶
۳. گسترش خشونت و پرخاشگری ----- ۴۳۶
۴. اشاعه فحشا و بی بندوباری ----- ۴۳۸
۵. تضعیف اعتماد اجتماعی ----- ۴۳۹
۶. شکستن حریم خصوصی افراد ----- ۴۴۰
اشاره به برخی آسیب ها و مشکلات دیگر رسانه ها در زمینه اجرا و ترویج امور دینی: ----- ۴۴۳
اخلاق حرفه ای رسانه ای ----- ۴۴۵
پیش نیازها در امر به معروف و نهی از منکر ----- ۴۴۸
اشاره ----- ۴۴۸
۱. شناساندن معروف ها و منکرها: ----- ۴۴۸
۲. تبیین حد و مرز هر یک از معروف ها و منکرها: ----- ۴۴۸
نتیجه گیری ----- ۴۴۹
سیاست ها و راهکارها ----- ۴۴۹
راه کارهای سلبی و بازدارنده ----- ۴۵۲
تدابیر عملی در این خصوص عبارت اند از: ----- ۴۵۳
نقش رسانه ها در ترویج امر به معروف و نهی از منکر: دکتر شهلا عزیزی ----- ۴۵۴
اشاره ----- ۴۵۴
مقدمه ----- ۴۵۴
نقش رسانه ها در ترویج امر به معروف و نهی از منکر: دکتر شهلا عزیزی ----- ۴۵۶
اشاره ----- ۴۵۶
مقدمه ----- ۴۵۶
اشاره ----- ۴۵۶
۱. مفهوم امر به معروف و نهی از منکر ----- ۴۵۷
۲. تعریف و ماهیت رسانه ----- ۴۵۸
اشاره ----- ۴۵۸
۱-۲) فراگیری ----- ۴۶۰
۲-۲) رضایتمداری ----- ۴۶۱
۳. انسان عصر رسانه ----- ۴۶۳

۴. چرایی نیاز به رسانه ---- ۴۶۶
۵. رسالت رسانه ها و ترویج ارزش ها ---- ۴۶۹
اشاره ---- ۴۶۹
۵-۱) دیدگاه ارتباطات و حقوق بین الملل ---- ۴۶۹
اشاره ---- ۴۶۹
۵-۱-۱) استدلال مخالفان ---- ۴۶۹
۵-۱-۲) استدلال موافقان ---- ۴۷۱
۵-۱-۳) داوری دانشمندان و نهادهای بین المللی ---- ۴۷۲
۵-۲) دیدگاه حقوق ایران ---- ۴۷۴
اشاره ---- ۴۷۴
۵-۲-۱) قانون اساسی ---- ۴۷۴
۵-۲-۲) قوانین عادی ---- ۴۷۵
۶. نقش رسانه ها ---- ۴۷۷
۷. جایگاه رسانه ها در ترویج امر به معروف و نهی از منکر در جامعه ---- ۴۸۰
۸. رسانه های مروّج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر و مهمترین نقش های آنان ---- ۴۸۱
اشاره ---- ۴۸۱
۸-۱) فرو ملی ---- ۴۸۱
۸-۱-۱) افزایش معرفت و آگاهی عمومی ---- ۴۸۱
۸-۱-۲) بازشناسی انگاره های صحیح ---- ۴۸۳
۸-۱-۳) تشویق انگیزه معطوف به نتیجه ---- ۴۸۴
۸-۱-۴) تقویت احساس تعلق اجتماعی ---- ۴۸۶
۸-۱-۵) پیوند با مقام ولایت و تبعیت از ایشان ---- ۴۸۸
۸-۱-۶) هدایت مؤثر در فرایند کنترل اجتماعی ---- ۴۸۹
۸-۲) فرا ملی ---- ۴۹۰
اشاره ---- ۴۹۰
۸-۲-۱) توسعه اطلاعات و معلومات ---- ۴۹۱
۸-۲-۲) تشابه سازی و همرنگ گرایی ---- ۴۹۱
۸-۲-۳) تقویت و انسجام هویت جوامع ---- ۴۹۳
۸-۲-۴) تحول در قالب ها و ساختارهای جامعه جهانی ---- ۴۹۵
نتیجه گیری ---- ۴۹۷
منابع ---- ۴۹۹
کارکرد امر به معروف و نهی از منکر در مبارزه با بزهکاری: طاهره غلامی سرملی- نجمه سادات حسینی ---- ۵۰۱
اشاره ---- ۵۰۱
مقدمه ---- ۵۰۱
مفهوم شناسی: ---- ۵۰۲
الف. معروف و منکر ---- ۵۰۲
ب. معنای امر و نهی ---- ۵۰۴
مبنای نظری امر و نهی ---- ۵۰۵
مزایای امر به معروف و نهی از منکر ---- ۵۱۲
تاریخچه امر به معروف و نهی از منکر ---- ۵۱۳
نتیجه گیری ---- ۵۱۳

منابع ----- ۵۱۵
کتاب ها: ----- ۵۱۵
مقاله ها: ----- ۵۱۶
رفتارشناسی امام رضا علیه السلام در امر به معروف و نهی از منکر: رمضان قوامی دربندی ----- ۵۱۷
اشاره ----- ۵۱۷
مقدمه ----- ۵۱۷
بخش اول: تعریف مفاهیم امر نهی منکر و معروف ----- ۵۱۸
اشاره ----- ۵۱۸
الف. امر ----- ۵۱۹
ب. نهی ----- ۵۱۹
ج. معروف ----- ۵۱۹
د. منکر ----- ۵۲۰
مفهوم سیره ----- ۵۲۱
ضرورت امر به معروف و نهی از منکر در سیره رضوی ----- ۵۲۱
بخش دوم: مصادیق امر به معروف و نهی از منکر در سیره رضوی ----- ۵۲۴
معروف در سیره رضوی ----- ۵۲۵
اشاره ----- ۵۲۵
اهمیت به نماز اول وقت ----- ۵۲۵
امام و نصیحت زمامدار ----- ۵۲۸
زهد امام ----- ۵۲۸
مهمان نوازی و مذمت به کارگیری مهمان ----- ۵۲۹
توجه به حقوق شهروندان، کارگران و خدمه ----- ۵۳۰
امر به انفاق ----- ۵۳۱
امام و صله رحم ----- ۵۳۲
امام و امر به دعا ----- ۵۳۳
حُسن ظنّ به خدا ----- ۵۳۴
امر به عیادت از مریض ----- ۵۳۴
امر به انجام معروف به صورت پنهانی ----- ۵۳۵
امر به میانه روی ----- ۵۳۶
امر به روزه گرفتن در ایام محرم ----- ۵۳۶
مصادیق منکر در سیره رضوی ----- ۵۳۷
اشاره ----- ۵۳۷
تواضع و فروتنی امام ----- ۵۳۸
منع قرائت و تفسیرهای نادرست ----- ۵۳۸
هدایت منحرفان ----- ۵۴۰
رازداری و افشای سر ----- ۵۴۰
نهی از اسراف ----- ۵۴۱
تذکر در مواقع ضروری ----- ۵۴۳
منع از شریک قرار دادن در عبادات ----- ۵۴۳
نهی از رها کردن اعمال نیک ----- ۵۴۴
پرهیز از دست بوسی ----- ۵۴۴

منع از ترک کردن عطر و بوی خوش ----- ۵۴۵
دوری از مشاجره ----- ۵۴۵
پرهیز از گناه ----- ۵۴۶
پرهیز از داشتن اخلاق بد ----- ۵۴۶
پرهیز از می و میگساری و شراب خواری ----- ۵۴۷
نهی از ترک ازدواج ----- ۵۴۸
نتیجه مطالب ----- ۵۴۸
منابع ----- ۵۵۰
شرایط امر به معروف و نهی از منکر در آموزه های رضوی و فتوای مراجع: سیدمهدی نریمانی زمان آبادی ----- ۵۵۲
مقدمه ----- ۵۵۲
۱. موضوع شناسی ----- ۵۵۲
اشاره ----- ۵۵۲
تفاوت با اصطلاحات مشابه ----- ۵۵۳
تبلیغ ----- ۵۵۳
حدود الهی ----- ۵۵۳
تواصی به حق و صبر ----- ۵۵۳
۲. فلسفة امر به معروف و نهی از منکر ----- ۵۵۴
۳. وجوب امر به معروف و نهی از منکر ----- ۵۵۵
۴. تاریخچه فقهی ----- ۵۵۶
بخش نخست: آسیب های ترک ----- ۵۵۸
اشاره ----- ۵۵۸
۱. ایجاد اختلال در ارتباط انسان با خدا ----- ۵۶۱
۲. ایجاد اختلال در ارتباط انسان با جامعه و دیگران ----- ۵۶۱
۳. ایجاد اختلال در ارتباط انسان با خود ----- ۵۶۱
بخش دوم: پاسخ شبهات ----- ۵۶۴
نتیجه گیری ----- ۵۷۲
منابع ----- ۵۷۳
درباره مرکز ----- ۵۷۴

امر به معروف و نهی از منکر در سیره رضوی علیه السلام (مجموعه مقالات برگزیده)

مشخصات کتاب

سرشناسه : همایش سراسری علمی - پژوهشی امر به معروف و نهی از منکر (نخستین : 1390 : مشهد)

عنوان و نام پدیدآور : همایش سراسری علمی - پژوهشی بررسی جلوه های عملی و نظری امر به معروف و نهی از منکر در سیره رضوی علیه السلام (مجموعه مقالات برگزیده)/ ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر خراسان رضوی.

مشخصات نشر : مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، 1391.

مشخصات ظاهری : [552] ص.

شابک : 110000 ریال: 978-964-971-485-1

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه: ص. [552].

موضوع : علی بن موسی (ع)، امام هشتم، 153؟ - 203ق. -- نظریه درباره امر به معروف و نهی از منکر -- کنگره ها

موضوع : امر به معروف و نهی از منکر-- کنگره ها

شناسه افزوده : ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر استان خراسان رضوی

شناسه افزوده : بنیاد پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره : BP47/35/ه78 1390

رده بندی دیویی : 297/957

شماره کتابشناسی ملی : 1684942

خیراندیش دیجیتالی: انجمن مددکاری امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم شهناز محققیان

ص: 1

اشاره

همایش سراسری علمی - پژوهشی بررسی جلوه های عملی و نظری امر به معروف و نهی از منکر در سیره رضوی (مشهد: 1390)

همایش سراسری علمی - پژوهشی بررسی جلوه های عملی و نظری امر به معروف و نهی از منکر در سیره رضوی (مجموعه مقالات) / برگزار کننده: ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر، خراسان رضوی - مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، 1390.

ISBN 978-964-971-595-7

552 ص.

فیپا.

1. امر به معروف و نهی از منکر - کنگره ها - 2. علی بن موسی الرضا علیه السلام، امام هشتم، 153 - 202 ق. - احادیث - امر به معروف و نهی از منکر خراسان رضوی. ب. عنوان.

BP 226 / 4 / ه- 1390

3775 / 297

484687

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

همایش سراسری علمی - پژوهشی

بررسی جلوه های عملی و نظری

امر به معروف و نهی از منکر در سیره رضوی علیه السلام

(مجموعه مقالات برگزیده)

ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر خراسان رضوی

ویراستاران: احسان بذرگری، سمیه امینی قره قوینلو و محمدرضا نجفی

چاپ اول: 1500/1391 نسخه، وزیری / قیمت 110000 ریال

چاپ و صحافی: مؤسسهٔ چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

بنیاد پژوهش های اسلامی مشهد صندوق پستی 366-91735

مراکز توزیع:

تلفن و دورنگار واحد فروش بنیاد پژوهش های اسلامی: 2230803

فروشگاه های کتاب بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد: 2233923، قم: 7733029

www.islamic-rf.ir

info@islamic-rf.ir

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

مقدمه...5

گزیده سخنرانی حضرت آیت الله علم الهدی...7

خلأهای قانونی در اجرای امر به معروف و نهی از منکر زینب اصغری مرزیدره- سید ایمان میریان حسین آبادی...11

سازمان نظارت اجتماعی در سیره رضوی / سید علی نقی ایازی...32

تشخیص اولویت ها، شرط لزوم و کارآمدی امر به معروف و نهی از منکر / دکتر جواد ایروانی...48

میزان توجه به امر به معروف و نهی از منکر در برنامه درسی «پیام های آسمانی» اول راهنمایی عالیه ایزدی...71

فلسفه وجوب امر به معروف و نهی از منکر احمدرضا بسیج...94

آسیب شناسی فهم، روش و اجرای امر به معروف و نهی از منکر / سیاوش پور طهماسبی - یاسر عبازاده - بهرام فاتح - شهروز دانا...118

امر به معروف و نهی از منکر دولت از سوی مردم (نظارت ملی) / مهدی پورقاسمی - زهرا ملک مطیعی...155

رفتارشناسی امام رضا علیه السلام در امر به معروف و نهی از منکر / دکتر محمدحسین توانایی - مرتضی شیخ احمدی...170

چیستی و آثار تواکل در کلام امام رضا علیه السلام/ حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمدرضا جواهری...193

آسیب شناسی تأثیر عوامل اجتماعی - فردی بر عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر / فرهاد حصاری - میثم قاسمی - علی محمد حصاری - ربابه غلامشاهی...205

امام رضا علیه السلام و شیوه های امر به معروف و نهی از منکر/ دکتر مرتضی رحیمی...232

آسیب شناسی آمران و ناهیان / دکتر مریم رشیدی میان رودی...263

شناسایی روش های روزآمد امر به معروف و نهی از منکر برای مقابله با تضعیف اعتقادات و باورهای دینی در بین دانش آموزان شهر مشهد/ احمد رمضانی فرخد - دکتر محمود مرویان حسینی...300

ارزشمندی امر به معروف و نهی از منکر از انگیزش تا بازدارندگی / دکتر امیر سلمانی رحیمی...352

امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر در سیره رضوی / زهرا شیخوند دکتر اکرم مرادی...368

نقش رسانه ها در ترویج امر به معروف و نهی از منکر با تأکید بر سیره رضوی / سمیه صادقی...400

نقش رسانه ها در ترویج امر به معروف و نهی از منکر / دکتر شهلا عزیزی...435

کارکرد امر به معروف و نهی از منکر در مبارزه با بزهکاری / طاهره غلامی سرملی - نجمه سادات حسینی...480

رفتارشناسی امام رضا علیه السلام در امر به معروف و نهی از منکر / رمضان قوامی در بندی...496

شرایط امر به معروف و نهی از منکر در آموزه های رضوی و فتوای مراجع / سیدمهدی نریمانی زمان آبادی...531

مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه عمومی است.

(مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای مدظله)

امر به معروف و نهی از منکر یکی از ارکـان اسـلام و ضـامن حفظ و بقای ارزش های متعالی و اخلاقی در جامعه است احیاء و اجرای آن موجب سعادت و نشاط جامعه می شود. بنابراین یکی از مهمترین دغدغه ها در جامعه اسلامی چگونگی فراگیری و همگانی نمودن امر به معروف و نهی از منکر است بـا توجه به اهمیت امر به معروف و نهی از منکر شـیوه هـا و روش هـای به کارگیری آن نیز از اهمیت بسـزایی برخوردار است. در قرآن و متون اسـلامی از جمله در سـیره و سـخنان ائمه معصومین علیهم السلام، به ویژه امام رضا علیه السلام از شیوه های گوناگون امر به معروف و نهی از منکر سخن به میان آمده است.

از این رو، شـناسایی و به کارگیری روش ها و شـیوه های صـحیح و عالمانه در امر به معروف و نهی از منکر نکته ای است که ضـرورت آن روشن و واضـح است. آشـنایی با سـیره و زندگی ائمه معصومین علیهم السـلام به عنوان الگوی حسـنه و مصـباح هدایت و چراغ راهنمای زنـدگی فردی و اجتمـاعی معیـار ارزشـمندی برای شـناخت روش های درست از نادرست است بر این اساس نخستین همایش سراسـری علمی، پژوهشـی بررسـی جلوه های عملی و نظری امر به معروف و نهی از منکر در سـیره رضوی در قالب برنامه های نهمین جشنواره بین المللی امام رضا علیه السـلام و با همکاری جدی و صـمیمانه بنیاد پژوهش های اسـلامی آستان قدس رضوی و با هدف گسترش و توسعه فرهنگ

احیای امر به معروف و نهی از منکر با الگوگیری از سیره رضوی در 13 مهر ماه 1390 همزمان با دهه کرامت در مشهد مقدس برگزار شد.

علاقه مندان و پژوهشگران از سراسر کشور حدود 200 مقاله به این همایش فرستادند که تمامی این مقالات را کمیته داوری مرکب از استادان حوزه و دانشگاه ارزیابی کردند و تعداد 105 چکیده مقاله (1) در کتاب چکیده مقالات چاپ شد که در روز برگزاری همایش در اختیار پژوهشگران و علاقه مندان قرار گرفت. اکنون مقالاتی را که دو داور یا حداقل یک داور شایسته چاپ تشخیص داده اند در این کتاب در اختیار محققان پژوهشگران و احیاگران امر به معروف و نهی از منکر قرار می گیرد.

ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر خراسان رضوی از همه فرهیختگان و محققانی که برای این همایش مقاله ارسال نموده اند و نیز از سازمان ها و نهادها و کسانی که در برگزاری همایش همراهی و همکاری کرده اند صمیمانه تشکر و سپاسگزاری می نماید و از خداوند متعال اجر عظیم برای آنان مسئلت می کند.

ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر خراسان رضوی

1- این کتاب را بنیاد پژوهش های اسلامی با نام امر به معروف و نهی از منکر در سیره رضوی (چکیده مقالات)، در سال 1390 منتشر ساخته است.

گزیده سخنرانی حضرت آیت الله علم الهدی

*گزیده سخنرانی حضرت آیت الله علم الهدی (1)

امروز جشـنواره بین المللی امام رضا علیه السلام از ابتکارات و حرکت های برجسته فرهنگی بی نظیر و یا کم نظیر کشور است. اکنون پس از چند سال توسـعه این جشـنواره دهه کرامت در کنار دهه عاشورا قرار گرفته است؛ شـیعه دو دهه دارد یک دهه حزن (دهه عاشورا) و یک دهه سرور (دهه کرامت) و به قدری زیبا این جشنواره در سراسر کشور و در کشورهای خارجی توسعه داده شده که چنین موقعیتی را در بین شیعه پیدا کرده است این توسـعه عمدتاً به برکت جهت دادن به این جشـنواره بوده است، یعنی که از ابتدا به سـمت برنامه ها و حرکت های علمی و معنوی و صددرصد ارزشـمدار دینی رهنمون شده و ای کاش دیگر فرهنگ دوستان و فرهنگ یاوران این کشور نیز چنین می کردند و جشـنواره انقلاب مقدس اسلامی ما نیز که هر ساله در سالروز پیروزی انقلاب اسلامی برگزار می شود به همین صورت جهت می یافت. وقتی بنا شد این گونه مسائل و این حرکت های علمی و معنوی آن هم در خط ارزش های برجسـته دینی جشـنواره جهت یابد هم در عمق فطرت ها و دل ها جای می گیرد و هم توسـعه نهادینه ای در بین جامعه شـیعه پیدا می کند. در طول برگزاری جشنواره در این چند سال می بینیم که خوشـبختانه در طول دهه کرامت در کنار برگزاری مراسم جشـنواره در نقاط مختلف کشور و نقاط مختلف جهان این همایش های مفید و مؤثر نیز برگزار می شود. جهت دادن جشـنواره امام هشـتم علیه السلام که یقیناً توجه خاص خود حضرت را نیز به همراه دارد بزرگ ترین اقدام است و با تمام وجود از دست اندرکاران آن تشکر می کنم.

1- ریاست محترم ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر خراسان رضوی و امام جمعه معزز مشهد مقدس.

مسئله امر به معروف و نهی از منکر که در عناوین و موضوعات مختلف در مقالات تهیه شده هم بسیار زیبا ترسیم و هم بسیار فصیح بیان شده است و همچنین تحلیل زیبایی در ضمن مقالات وجود دارد و نسبت به واقعیت و ابعاد مختلف امر به معروف و نهی از منکر در ضمن مقالات توجه شده است اما چیزی که جریان امر به معروف و نهی از منکر را به سیره مقدس زندگانی امام هشتم علیه السلام پیوند می دهد یک نقطه خاص است که می شود این نقطه خاص را به عنوان یک جریان دقیق در سیره اهل بیت علیهم السلام به ویژه ساحت مقدس ثامن الحجج علیه السلام دانست. من برای تحلیل این اهل نکته دقیق ابتدا یک مقدمه را از باب تذکر خدمت شما برادران و خواهران عرض می کنم در عظمت و اثر بخشی امر به معروف و نهی از منکر در نقش های سازنده شئون اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر و در تهذیب گری های این فریضه الهی در زندگی فردی و اجتماعی تمامی مباحث روشن، مشخص و مدوّن است. اما با همه عظمتی که این فریضه الهی دارد و با توجه به خطیر بودن این فریضه الهی به ویژه در بحران های گوناگون اجتماعی تاریخ اسلام تاکنون این فریضه آن چنان که باید و شاید اجرا نشده است و در همه زمان ها مشکل امر به معروف و نهی از منکر، اجرای این فریضه به وسیله مکلفان و انسان های متعهد بوده است.

ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر چندین سال است که در این کشور تشکیل شده است. تأکیدات و توصیه های پیاپی مقام معظم رهبری (مدظله) همچنین افراد و عناصر ارزش مدار و همه امکانات و قدرت های دولتی و حکومتی با انگیزه هایی قوی و نیرومند فعالیت این ستاد را تأیید می کنند. امر به معروف و نهی از منکر مانند نماز و روزه یک فریضه واجب بر فرد فرد مسلمانان است؛ مشکل اصلی در اجرای ،آن این است که دل مشغولی نسبت به دین در انسان ها یعنی در شخصیت فردی و اجتماعی ما وجود ندارد و قبل از این که دل مشغولی دین بخواهد در جامعه و در مدیریت اجتماعی سیاسی ما ایجاد شود مسائل دیگری ذهن مسئولان ما را به خود مشغول داشته است و در نتیجه طبیعی است که عدم وجود دل مشغولی باعث می شود که اقدام و حرکتی در مقابل جریان های ضد ارزشی در مقابل حرکت های غیر دینی و در مقابل منکرات شرعی صورت نگیرد و همچنین هیچ حساسیتی در مدیریت های

اجتماعی سیاسی ما به وجود نیاید.

امام رضا علیه السلام در لحظه حرکت از مدینه به خانواده خود اطلاع می دهد که مرا در این سفر به شهادت می رسانند پس به غربت من گریه کنید و این نکته امام یک جهت نداشته بلکه چند جهت داشته یک جهت سیاسی یعنی خنثی کردن توطئه مأمون و یک جهت دینی وقتی امام رضا علیه السلام از همه چیز زندگی خود برید و دل مشغولی ایشان مسئله دین شد باید در یک عرصه فرهنگی بجنگد. تمام جریان های دگراندیشی در کشور را نابود کند و در عرصه سیاسی نه تنها مأمون را شکست بدهد بلکه حاکمیت غیر امامت را تا ابد و برای همیشه از رسمیت بیندازد و این گونه بود را که امام رضا علیه السلام ولایت مطلقه الهی را به پای دین ریخت و امیرالمؤمنین علیه السلام دوم شد و همه بقاع دین و معارف دین را نهادینه کرد. اگر ما پیرو و دنباله رو امام رضا علیه السلام هستیم و اگر سر بر آستانه ایشان نهاده ایم باید این دل مشغولی دینی را از سیره امام هشتم علیه السلام بیاموزیم و با این دل مشغولی به عرصه های گوناگون جامعه وارد شویم. دل مشغولی نسبت به مسائل دینی موجب می شود فریضه امر به معروف و نهی از منکر در زندگی فردی و اجتماعی ما به می دان بیاید. امیدواریم که عزیزان ما در ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر با یک دل مشغولی دینی قاطع کار خودشان را ادامه بدهند و موفق باشند.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

ص: 9

خلأهای قانونی در اجرای امر به معروف و نهی از منکر: زینب اصغری مرزیدره/ سید ایمان میریان حسین آبادی

اشاره

*خلأهای قانونی در اجرای امر به معروف و نهی از منکر: زینب اصغری مرزیدره/ سید ایمان میریان حسین آبادی (1) (2)

مقدمه

بقـای هر جـامعه در گرو حفـظ و حراست آن از انحراف و فساد می باشـد که هر نظام اجتماعی ساز و کارهای خاص خود را به این منظور تـدارک دیـده است. دین مبین اسـلام از جمله ابزارهـای مهم و مؤثری که برای جلوگیری از انحطـاط جـامعه و ترویـج خیر پیش بینی کرده مکـانیسم نظـارت همگـانی است که از طریق امر به معروف و نهی از منکر اعمال می گردد. (3) امر بـه معروف و نهی از منکر که در فقه تشـیع، فروعات هفتم و هشـتم مـذهب محسوب می گردند اهرم نیرومندی برای ریشه کن سازی فساد و هدایت جامعه به سوی تعالی می باشند. (4) این مسئله خبرگان قانون اساسی را در سال 1358 بر آن داشت که امر به معروف و نهی از منکر را در زمره اصول اساسـی نظام جمهوری اسـلامی جای دهنـد با وجود این اجرای اصول قانون اساسـی مسـتلزم تصویب قوانین عادی می باشد که جزئیات و کیفیات هر اصل را با توجه به اقتضائات جامعه تعیین نماید.

1- دانشجوی دکتری حقوق دانشگاه علامه طباطبایی z. asqari@gmail. com

2- فوق لیسانس حقوق دانشگاه علامه طباطبایی iman. mirian@gmail.com

3- اسلامی، سیدحسن «برخوانی امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی». مجله هفت آسمان شماره 29، ص 120

4- دوست محمدی، هادی، «مبارزه منفی امر به معروف و نهی از منکر» درس هایی از مکتب اسلام، شمارهٔ 7، ص 72

در این مقاله بر آن هستیم با سیری در قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی خلاها و کاستی های موجود در جهت اجرای امر به معروف و نهی از منکر را بررسی نماییم از آن جا که اجرای امر به معروف و نهی از منکر انگیزه قیام حسینی در عاشورای 60 قمری و زمینه ساز قیام امام خمینی قدس سره در سال 1357ش می باشد، شایسته است با گذشت سال از عصر درخشان حکومت اسلامی امکانات قانونی در راستای اجرای این فریضه را مطالعه نماییم.

مفهوم شناسی

امر به معروف و نهی از منکر از فرایض مهم دینی و از ضروریات دین اسلام است که بنا به نقشی که به هر مسلمان در تعیین سرنوشت جامعه واگذار شده، به عنوان یک واجب کفایی معرفی شده است اسلام، مسئولیت را همنشین انسانیت دانسته و هر فرد را ناظر بر امور اجتماع خویش فرض کرده و بدین سان اهتمام مردم و حاکمان را برای پاکسازی جامعه و نهادینه ساختن ارزش های دینی و انسانی درخواست کرده است.

در تبیین مفهوم امر به معروف و نهی از منکر اقوال متعددی آمده است اما آن چه از معنای لغوی آن بر می آید آن است که معروف از «عرف» به معنای کار خوب و پسندیده می باشد و منکر از «نکر» به معنای عمل زشت و ناپسند است. بر پایه این معنای لغوی، در اصطلاح دینی، معروف عملی است که نزد خدا پسندیده است و منکر عملی است که خداوند انجام آن را روا ندانسته است.

حال دربارهٔ دامنه اعمال پسندیده و ناپسندیده برخی از فقها واجبات و محرمات را مصداق معروف و منکر دانسته اند و برخی دیگر مستحبات و مکروهات را نیز به دامنه آن می افزایند. (1)

در کنار این نگرش برخی از بزرگان معیار تشخیص معروف و منکر را عقل و شرع دانسته اند (2) و علامه طباطبایی نیز در تفسیر ارزشمند المیزان ذائقه افراد یک جامعه و به عبارتی عرف اجتماعی را در کنار عقل و شرع مبنای شناسایی معروف و

1- فاضل مقداد النافع ليوم الحشر في شرح باب الحادی عشر، ج 1، ص 57

2- راغب اصفهانی، حسین بن محمد المفردات فی غریب القرآن، ص 331

منکر معرفی می نمایند. (1)

بسیاری از فرهنگ ها در قبال این سؤال که وظیفه فرد نسبت به ترویج نیکی و بازداشتن از بدی در اجتماع چیست، هیچ پاسخی ندارند اما اسلام امر به معروف و نهی از منکر را یک وظیفه دینی می داند که همهٔ افراد جامعه باید به آن پایبند باشند. (2)

مطالعه مذاهب و فرق مختلف اسلامی نشان می دهد در اصل وجوب امر به معروف و نهی از منکر بین آن ها اختلافی نیست بلکه بحث بر این است که این وظیفه بر چه کسانی واجب است وجوب آن بر مبنای وحی است یا عقل، انجام آن محدود به عالمان و حاکمان است یا عامه مردم مکلف به انجام آن می باشند، آیا فقط صالحان و بی گناهان می توانند امر و نهی کنند یا گناهکاران نیز موظف به این وظیفه هستند، چه کسی را باید امر و نهی ،کرد نهی استاد و پدر و مادر باید چگونه انجام گیرد و....؟

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در اسلام امر به معروف و نهی از منکر از احکام مهم اسلامی است که در نصوص دینی متعدد از آن سخن رفته است آیات 21، 104، 110 و 114 آل عمران، 163 و 166 اعراف، 66 انفال 67 71 و 112 توبه، 90 نحل، 39 و 41 حج، 21 نور، 45 عنکبوت، 17 لقمان، 9 و 12 حجرات و بسیاری از آیات دیگر صراحتاً به امر به معروف و نهی از منکر می پردازند.

قرآن کریم در بیان اوصاف خاص مؤمنان می فرماید:

«مردان و زنان مؤمن دوستان یکدیگرند امر به معروف و نهی از منکر می نماز بر پا می دارند زکات می پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می کنند.» (3)

می بینیم خداوند از امر به معروف و نهی از منکر قبل از اقامه نماز و پرداخت زکات سخن می گوید و آن را ابتدایی ترین ویژگی گروه مؤمنان بر می شمارد. بنابر این

1- طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج 3 ص 236.

2- اسلامی، سید حسن، «برخوانی امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی»، ص 122.

3- توبه / 71.

آیه، دوستی مؤمنان و علاقه آنان به سرنوشت یکدیگر آنان را به سمت امر به نیکی و بر حذر کردن از بدی ها سوق می دهد. (1)

علاوه بر آیات روایات متعددی نیز بر اهمیت امر به معروف و نهی از منکر تأکید می نماید از حضرت رضا علیه السلام روایت شده که فرمود: رسول خدا همواره می فرموده: (إِذَا أُمَّتِي تَوَاكَلَتِ الأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَلْيَأْذَنُوا بِوِقَاعٍ مِنَ اللهِ تَعَالَى)؛ اگر روزی بر امتم برسد که امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر واگذار کنند در آن روز باید با خدای متعال اعلان جنگ کنند.

همچنین روایت شده که امام رضا علیه السلام به مأمون نامه نوشت و فرمود: اسلام خالص توحید است، تا آن که فرمود: «امر به معروف و نهی از منکر در صورتی که قدرت و توانایی فراهم باشد و ترس بر جان نباشد واجب هستند.» (2)

علاوه بر مبنای نقلی امر به معروف و نهی از منکر می توان گفت این فریضه از مبانی عقلی محکمی نیز برخوردار می باشد. خرد و عقل انسانی حکم می نماید که نظم زندگی بیشتر باید پایدار بوده و در برابر عوامل تهدید کننده و برهم زننده حفظ شود. به همین جهت است که عقل به لزوم تدارک همه اموری که در حفظ نظام نقش دارد حکم می کند و همه عوامل و ضروریات آن را واجب می داند. (3)

یکی از این عوامل مهم که مانع از اختلال نظام حاکم بر جامعه بشری می گردد امر به معروف و نهی از منکر می باشد که در پایداری زندگی اجتماعی و آسیب ناپذیری آن تأثیر جدی داشته و از این رو به عنوان مقدمه یک واجب عقلی، واجب می باشد. (4)

یکی دیگر از وجوهی که ضرورت عقلی امر به معروف و نهی از منکر را صحه می گذارد این است که عقل همان گونه که معصیت را قبیح می شمارد، جلوگیری از معصیت را نیز ضروری می شمارد حضرت امام خمینی قدس سره فقیه بزرگ معاصر با تکیه بر این استدلال می فرماید یکی از احکام مستقل عقل آن است که باید از معصیت

1- نمایی، احمد، «امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی»، مجله حکومت اسلامی شمارهٔ 33، ص 240 2

2- حر عاملی، محمد بن حسن وسائل الشیعه، ج 16، ص 129.

3- سروش محمد، «مبانی عقلانی امر به معروف و نهی از منکر»، مجله حکومت اسلامی، شماره 24، ص 48.

4- همان، ص 50.

نسبت به مولی و تخلف از دستورات او جلوگیری نمود. بنابر حکم عقل، در شیوه های جلوگیری از معصیت مانند نهی لسانی و اقدامات عملی تفاوتی نیست همه قبول دارند که اگر انسانی چه مکلف و چه نامکلف به اقدام ناپسندی مبادرت می ورزند باید مانع او شد و ملاک عمل وقوع کاری است که مورد نفرت و بغض است. حضرت امام استدلال را تا آن جا پیش می برند که می فرمایند اگر انسان شاهد باشد حیوانی در حال ورود آسیبی است وظیفه جلوگیری دارد و بی تفاوتی اش قبیح می باشد تا آن جا که چنین فردی قابل مؤاخذه است؛ زیرا در برابر مبغوض اقدامی نکرده است. (1)

از طرفی حکم عقل ایجاب می نماید انسان در برابر خداوند سر تسلیم فرود آورد، به اوامرش گردن نهد و از نواهاش پرهیز نماید و نسبت به رفتار دیگران نیز آن جا که به هتک حرمت مولی روی آورند بی تفاوت نباشد انسان در مقام بندگی مکلف است، هر آن چه را که مبغوض خداوند می بیند نهی نماید و هر چه را که مورد پسند او می داند امر نماید و در این راستا با احساس تکلیف اقدام کند.

آدمی در برابر نقض حقوق و حدود کسانی که آن ها را محترم می شمارد سکوت نکرده لب به اعتراض می گشاید؛ پس چگونه می تواند در برابر نقض حدود الهی سکوت کرده، در برابر نادیده انگاشتن حدود خداوند تسامح ورزد؟ کسی که با در اختیار داشتن قدرت و امکانات در برابر شیوع منکر و ترک معروف اقدامی نکند، رضایت خود را در قبال این شرایط بیان می کند عقل سلیم با توجه به قبح فردی و اجتماعی منکر، انسان را به سالم سازی محیط و برحذر داشتن از گناه فرمان می دهد. زندگی بشر بر بقای اجتماع استوار است و بنابراین انسان ها متأثر از اندیشه ها، عملکرد و رفتار یکدیگر هستند طبع مدنی انسان ها، سرنوشت آن ها را به هم پیوند می زند و زمینه ای را فراهم می سازد که سقوط یک فرد همه افراد اجتماع را ساقط نماید.

آیت الله مطهری در تعبیری زیبا می فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر، ایجاد

1- امام خميني قدس سره، المكاسب المحرمة، ج 1، ص 204.

نوعی تعهد و مسئولیت اجتماعی در افراد نسبت به سرنوشت اجتماع است.» (1)

این تعهد اجتماعی که مسئولیت اجتماعی برای انسان در پی می آورد، برخاسته از دیدگاه خلیفة اللهی به انسان می باشد انسان در مقام جانشینی خداوند بر زمین مکلف است در ارتقای ارزش های الهی و حفظ کرامت جامعه بشری تلاش نماید و از هر آن چه که در پاکسازی محیط انسانی تأثیر گذار است دریغ نورزد.

با این وصف روشن می شود امر به معروف و نهی از منکر برای پیکره جامعه اسلامی به مثابه جریان خون است که بازایستادن آن، مرگ و انحطاط جامعه را در پی خواهد داشت از این رو انتظار می رود با تشکیل حکومت اسلامی در جامعه امر به معروف و نهی از منکر نیز جایگاه اصیل و حقیقی خود را بازیابد، در قالب قانون نهادینه شده و ضمانت اجرا بیابد چرا که زندگی اجتماعی بدون قانون سامان نیافته و هر آن چه که فاقد ضمانت قانونی ،باشد قابل اقامه نیست.

تأکید قانون اساسی بر مسئله

امر به معروف و نهی از منکر از واجبات دین مبین اسلام است که عقل نیز بر ضرورت آن صحه می گذارد. اما هر نهاد اجتماعی زمانی می تواند در جامعه عمیق و سازمان یافته گردد که از پشتوانه قانونی لازم بهره مند باشد وجود امر به معروف و نهی از منکر بنابر شرع و عقل مستلزم آن است که زمینه های قانونی اجرای آن در یک جامعه اسلامی فراهم گردد قانونمند شدن یک نهاد دینی نه تنها اعتبار آن را زیر سؤال نمی برد، بلکه بر قوت و جایگاه آن افزوده آن نهاد را در جامعه کارآمد می سازد همین نگرش خبرگان قانون اساسی را بر آن داشت که در جلسه 22 شهریور ماه 1358 ش که به ریاست آیت الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی (نائب رئیس مجلس خبرگان) برگزار شد، به بررسی اصل امر به معروف و نهی از منکر بپردازند.

برآیند مباحث و تبادل نظر اعضا اصل هشتم قانون اساسی را در پی داشت که مقرر می دارد: «در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل برای مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به

1- مطهری، مرتضی سلسله یادداشت ها، ج 1، ص 247.

مردم و مردم نسبت به دولت شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می کند. (وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْض يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَر) (1)

در همان جلسه نمایندگان مخالف بر این عقیده بودند که شرایط امر به معروف و نهی از منکر در فقه اسلامی روشن است و باید یک وزارتخانه به آن اختصاص داده شود و لزومی ندارد شرایط و حدود آن به قوانین بعدی موکول گردد، اما از آن جا که اکثریت بر تصویب اصل به همین سیاق رأی دادند این اصل به تصویب رسید و قرار بر این شد که شرایط حدود و کیفیت این تکلیف همگانی توسط قوانین بعدی که به تصویب مجلس شورای اسلامی می رسد تعیین گردد با وجود این طی سال ها انتظار هیچ کار جدی در راستای قانون گذاری در این زمینه انجام نشده است.

البته در سال 1372ش بنا به تأکیدات رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای، ستاد امر به معروف و نهی از منکر به ریاست آیت الله جنتی تشکیل شده و شروع به کار نموده است که هدف از آن احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر در سطوح مختلف جامعه اسلامی می باشد.

خلاً در قانون گذاری جهت تعیین کم و کیف اصل هشتم قانون اساسی

بنا بر قانون اساسی امر به معروف و نهی از منکر تکلیفی همگانی است که تعیین شرایط و چندوچون آن به قانون محول شده است. با وجود این به رغم گذشت چندین سال خلا قانونی در این زمینه احساس می شود به طوری که می توان گفت بزرگ ترین معضل اجرای این اصل، فقدان قانون جامع امر به معروف و نهی از منکر می باشد. متأسفانه امر به معروف و نهی از منکر در قانون گذاری های مجلس شورای اسلامی مورد غفلت واقع شده است و به رغم اهمیت مسئله کاری جدی روی آن صورت نگرفته است. بررسی قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی نشان می دهد تنها در موارد بسیار حاشیه ای به این مسئله پرداخته شده است از جمله این که قانون احزاب مصوب 1360 امر به معروف و نهی از منکر را از وظایف انجمن های اسلامی برشمرده است و قانون وظایف آموزش و پرورش مصوب 1366 نیز این تکلیف را

1- توبه / 71

برای نهاد آموزش و پرورش به رسمیت شناخته است. قانون خط مشی کلی و اصول برنامه های سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران مصوب 1361 نیز در ماده 40 مقرر می دارد: در جهت تحقق رسالت «امر به معروف و نهی از منکر» در جامعه صدا و سیما باید روحیه انتقاد سالم و سازنده و انتقاد پذیری متواضعانه را در مردم مسئولین و دست اندرکاران ایجاد کند انتقادات مردم از مسئولین و توقعات آن ها از مردم را بازگو نماید و با نفی روش های تخریبی و ضد اسلامی زمینه مناسبی برای جلسات بحث و گفت و گوی آزاد و برخورد سالم اندیشه ها فراهم آورد تا مردم خود به انتخاب «احسن» بپردازند.

همچنین در ماده 106 قانون برنامه چهارم توسعه نیز چنین آمده است:

دولت مکلف است به منظور تعمیق ارزش ها، باورها، فرهنگ، معنویت و نیز حفظ هویت اسلامی ایرانی اعتلای معرفت دینی و توسعه فرهنگ قرآنی اقدام های ذیل را انجام دهد:

بسط آگاهی ها و فضائل اخلاقی در میان اقشار مختلف مردم و زمینه سازی اقدام های لازم برای ایجاد فضای فرهنگی سالم و شرایط مناسب برای احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر و اهتمام به آن و ....

در تدوین قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب 1361 در ماده 31 یکی از عوامل موجه جرم، امر به معروف و نهی از منکر بود به طوری که در این ماده مقرر شده بود در صورتی که ارتکاب عمل به عنوان امر به معروف و نهی از منکر باشد این عمل جرم محسوب نمی شود. به عبارتی قانون گذار بر آن بود که از آمرین به معروف و ناهیان از منکر حمایت کیفری به عمل آورده و وصف مجرمانه را از عمل آن ها بزداید. قانون گذار به ذکر شرایط امر به معروف و نهی از منکر به طوری که بتواند توجیه گر عمل مجرمانه باشد نپرداخته و به اجمال از آن گذشت، نتیجه آن شد که این ماده مورد انتقادات حملات شدیدی قرار گرفت و حتی قضات نیز علاقه چندانی و به استناد به این ماده نشان ندادند استدلال مخالفان این بود که قانون جزا باید صراحت داشته باشد و از کلی گویی و ابهام پرهیز ،نماید اما این ماده از چنان روشنی و صراحتی که لازمه یک مقرره کیفری است بهره مند نبوده و ممکن است منجر به آن

گردد که افراد با تعرض به حوزه خصوصـی دیگران ایراد ضـرب و جرح و حتی قتل به این ماده متوسل شده، تعرض به حقوق اشخاص دیگر را در قالب امر به معروف و نهی از منکر توجیه نمایند.

همچنین استدلال شد که در حکومت اسلامی افراد تنها موظف به امر به معروف و نهی از منکر لسانی هستند و بقیه اقدامات باید به دولت و نهاد دولتی واگذار گردد. از طرف دیگر بنابر متون فقهی نیز امر به معروف شـرایط و آداب خاصی را می طلبد که نمی توان بدون احراز آن هـا فرد را آمر به معروف و نـاهی از منکر قلمـداد کرد امر به معروف و نهی از منکر گاه با حریم خصوصـی افراد تعارض پیـدا کرده و حیطه آزادی هـای فردی را نقض می نمایـد بنـابراین زدودن وصف مجرمانه از یک عمل کیفری ذیل عنوان امر به معروف و نهی از منکر مسـتلزم دقت و صـراحت در قانون می باشد و وقتی که قانون گذار هنوز تعریف صحیحی از این مقوله ارائه نکرده حیطه معروف و منکر را مشخص ننموده و شـرایط و کیفیت آن را تعیین نکرده است، چگونه به حمـایت کیفری از آمرین و ناهیـان می پردازد؟ آیا مرز معروف و منکر همان واجبات و محرمات است؟ آیا افرادی که امر به معروف و نهی از منکر می نمایند باید دارای شرایط خاصی باشند؟ آیا زنان می توانند مردان را امر به معروف و نهی از منکر نماینـد؟ و ده ها سؤال دیگر در این زمینه که همه و همه از منظر قانونی بدون پاسخ هسـتند. این انتقادات و ایرادات منجر به آن شـده است که در قـانون مجازات اسـلامی مصوب 1370 که جـایگزین قانون راجع به مجازات اسـلامی 1361 شده است، این بنـد در قـانون گنجانـده نشود و امر به معروف و نهی از منکر به عنوان عامـل زایل کننـده وصف مجرمانه معرفی نگردد؛ بنابراین قوانین فعلی صـراحتاً از آمران به معروف و ناهیـان از منکر حمـایت کیفری به عمـل نیـاورده و برخلاف قانون سابق امر به معروف و نهی از منکر هر چند وظیفه ای شرعی است که فروع هفتم و هشتم مذهب تشیع را تشکیل می دهد اما رافع مسئولیت کیفری نمی باشد.

تصویب این قانون در سال 1361 و نسخ آن در سال 1370 نه تنها در قانونمنـد سازی امر به معروف و نهی از منکر مؤثر نبوده است بلکه چگونگی اجرای آن از سوی اشخاص حقیقی و نهادهای دولتی را در ابهام بیشتر فرو برد و از طرفی طرح یا

لایحه ای که به تشکیلات و سازماندهی این نهاد شرعی بپردازد به مجلس شورای اسلامی تسلیم نشد اما اهمیت بحث و تأکیدات حضرت امام خمینی قدس سره مبنی بر ضرورت تشکیل وزارتخانه امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه جدی با فساد اصلاح مطبوعات و رادیو و تلویزیون و اسلامی سازی کشور به ویژه در سالهای اول انقلاب مورد توجه حضرتشان بود از سوی رهبر معظم انقلاب پیگیری شده و با عنایات معظم له ستاد امر به معروف و نهی از منکر در سال 1372 تأسیس شده است.

نگاهی به ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر

در تنظیم اهداف، وظایف و تشکیلات ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر که رهنمودهای مقام معظم رهبری بر آن تأثیرگذار بوده است، چند محور مورد توجه ویژه قرار گرفته است.

1. احتراز از تضعیف قوای سه گانه ناهماهنگی و تداخل بین دستگاه های رسمی کشور؛

2. توجه ویژه به تهاجم فرهنگی که در نتیجه منکرها رو به رونق و معروف ها رو به افول گذارده است؛

3. اولویت امر به معروف بر نهی از منکر؛

4. اداره ستاد بنابر اساسنامه و زیر نظر مقام عظمای ولایت.

همچنین برخی از مهم ترین وظایف این نهاد را که در راستای احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر در سطوح مختلف جامعه به آن محول شده است، می توان به صورت ذیل نام برد:

1. ارتباط مستقیم و مستمر با مقام عظمای ولایت و کسب نظر ایشان درباره موارد ذی ربط؛

2. تبیین و تشریح مصادیق معروف که لازم است فعالیت های لازم در ترویج آن ها دنبال گردد؛

3. تبیین و تشریح مصادیقی از منکر که لازم است جامعه را از آن ها برحذر داشت؛

4. تعیین حدود و ثغور و تهیه معیاری که بتوان جامعه را به رعایت آن دعوت

نمود؛

5. تدوین خط مشی های اساسی ترویج امر به معروف و مبارزه با منکر؛

6. اولویت بندی مصادیق امر به معروف و نهی از منکر با توجه به اقتضائات جامعه.

در سال های گذشته، این ستاد تنها متولی امر به معروف و نهی از منکر در جامعه بوده است که در قالب کمیته های کارشناسی و معاونت های اداری فرهنگی، مردمی و اجرایی عمل کرده و سعی در ساماندهی این واجب شرعی در جامعه داشته است. اما از آن جا که هیچ مستند قانونی که مبنای عملیات و اقدامات قانونی این ستاد باشد تصویب نشده همواره خلاهای قانونی در این حوزه احساس می شده است.

نگاهی به طرح امر به معروف و نهی از منکر

طرح امر به معروف و نهی از منکر شامل 3 فصل و 28 ماده می باشد که در خرداد 1389 در مجلس شورای اسلامی مطرح شد اما پس از بررسی های اولیه از دستور کار مجلس خارج شده و تاکنون دوباره گشوده نشده است فصل اول این طرح به تعریف اصطلاحات و تعیین حدود عمل آمر و ناهی و چگونگی حمایت از او در برابر برخوردهای منفی می پردازد در فصل دوم حوزه های امر به معروف و نهی از منکر و وظایف دولت در قبال آن تعیین شده است فصل سوم به تشکیلاتی می پردازد که قرار است در حوزه امر به معروف و نهی از منکر سیاست گذاری کنند.

این طرح بر آن است که با تعیین حدود امر به معروف و نهی از منکر تثبیت آن به عنوان یک حق همگانی، تعیین وظایف دولت و قوه قضائیه و فراهم ساختن سازوکاری برای ایجاد هماهنگی میان بخش های اجرایی مختلف، زمینه را برای گسترش و اجرای امر به معروف و نهی از منکر فراهم آورد.

این طرح که در تاریخ 89/3/2 یک فوریت آن به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده بود از دو جهت حائز اهمیت می باشد.

1. پس از گذشت سی سال از تدوین اصل هشتم قانون اساسی که امر به معروف و نهی از منکر را یک وظیفه همگانی برشمرده و تعیین حدود و کیفیت آن را به قوانین عادی سپرده بود، این طرح اولین طرح مدون و نسبتاً کاملی می باشد که برآن

است حـدود و کیفیت این تکلیف شـرعی و قـانونی را مشـخص کرده و از آمران و ناهیـانی که در چارچوبی غیر از نهادهای دولتی به ادای وظیفه می پردازند حمایت نماید. البته همان طور که بیان شد پیش از این امر به معروف و نهی از منکر در قوانین مختلف به صورت پراکنده مورد توجه قانون گذار قرار گرفته و همچنین در راستای گسترش فرهنگ آن، ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر نیز تأسیس شد که در تقویت این نهاد دینی مؤثر بوده اند اما هیچ یک از آن ها نتوانسـته اند به درستی وظیفه ای را که قانون اساسـی معین کرده به انجام برسانند و از این رو طرح مورد بحث در مجلس شورای اسلامی تهیه شده است.

2. اهمیت دیگر این طرح از بابت تشـکیلات سـیاست گـذار در حوزه امر به معروف و نهی از منکر است که در این طرح پیش بینی شـده است سـتاد احیای امر به معروف و نهی از منکر هر چند بنا به تأکیدات مقام معظم رهبری تشـکیل شد، اما دارای اساسـنامه ای که به تأیید رهبری یا به تصویب مجلس شورای اسـلامی رسیده باشد نبوده است. ستاد که به عنوان اصلی ترین تشکیلات سیاست گذار در این حوزه می باشد دارای جایگاه مستحکم قانونی نیست و همین مسئله چالش های متعددی را در اجرای این فریضه ایجاد می نماید.

اما طرح مـذکور که بر دخالت حـداقلی حکومت در اجرای امر به معروف و نهی از منکر، حمایت حـداکثری از آمران و ناهیان غیر دولتی اسـتوار است زمینه ای را برای گسترش اجرای این فریضه در تمـامی سـطوح جامعه فراهم می نمایـد. در ماده یک این طرح آمـده است به منظور تحقق و اجرای اصل هشـتم قانون اساسـی جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر که وظیفه ای است مشـفقانه و خیرخواهانه در جهت نظارت عمومی که موجب کمال و تعالی انسان ها و رشد و بالندگی و افزایش کارآمدی نظام خواهد شد، در چارچوب این طرح صورت می پذیرد.

در ماده 2 اصطلاحات معروف و منکر هر گونه فعل یا ترک فعلی تعریف شده که در قوانین و مقررات و یا شرع مورد امر قرار گرفته و یا منع شده باشد. همچنین توضیح داده شد که در موارد اختلاف در احکام شرعی، نظر ولی امر مسلمین ملاک

عمل خواهد بود.

در ماده 3 نیز تأکید شده است در اجرای امر به معروف و نهی از منکر، ترک معروف و انجام منکر باید لزوماً علنی شده و یا بروز اجتماعی پیدا کرده باشد. در واقع این ماده برای حفظ حریم خصوصی افراد و منع تجسس در حوزه شخصی افراد درج شده است. همچنین در ماده 4 تأکید می شود عموم افراد مکلف به امر و نهی لسانی، کتبی، رفتاری و در نهایت ارائه گزارش و شکایت به مراجع ذی صلاح می باشند، اما امر و نهی یدی تنها به حکومت اختصاص دارد.

در ماده 5 نیز تأکید می شود افراد را نمی توان به پذیرش عقیده ای خاص اکراه کرد. در واقع این ماده تضمین کننده اصل 23 قانون اساسی است که مقرر می دارد تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

بنابر ماده 5 طرح مذکور عقاید افراد تا زمانی که بروز عملی و اجتماعی نیافته باشد، محترم است و نمی توان آن را مورد قضاوت قرار داد.

ماده 6 طرح نیز مؤید اصل 22 قانون اساسی می باشد که حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص را از تعرض مصون دانسته است. ضمن این که مقصود از امر و نهی حل مسئله است نه مسئله سازی و شخص امر و نهی شونده نیز حقوقی دارد که باید به آن احترام گذاشت از این رو باید منطق «الأیسر فالأیسر» را رعایت کرد. امام خمینی رحمه الله حتی با احتمال به هدف رسیدن در مرتبه ای تجاوز از آن را حرام می شمارد. (1) بنابر این اصل ماده ششم مقرر داشته است در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نمی توان متعرض حیثیت جان، مال، مسکن، شغل، حریم خصوصی و حقوق اشخاص گردید. (2)

در ماده 7 نیز تأکید می شود امر به معروف و نهی از منکر نباید مستمسک اعمال مجرمانه از قبیل توهین، افترا، تهدید، جرح و ضرب و قتل قرار گیرد همان طور که در ماده 4 گفته شد آن چه که وظیفه همگانی تلقی شده است امر و نهی لسانی و ارائه

1- امام خمینی رحمه الله، تحریر الوسیله، ج، 1، ص 476

2- ظهیری، عباس، «حدود آزادی از نگاه کلام و فقه و عرفان» مجله حکومت اسلامی، شمارهٔ 17، ص 176.

گزارش است نه فراتر از آن.

در فصل دوم این طرح حوزه های امر به معروف و نهی از منکر را تبیین می سازد و شئون و حدود ،اسلامی عفت عمومی خانواده امنیت اجتماعی گران فروشی و کم فروشی بهداشت عمومی حقوق شهروندی رباخواری رشوه و اموال عمومی را مشمول در این حوزه معرفی می نماید. در توضیح این ماده باید گفت اولاً احصای ده مورد فوق حصری نبوده و جنبه تمثیلی دارد بنابراین موارد دیگری نیز می تواند به آن اضافه شود از طرف دیگر این حوزه ها بسیار کلی بوده و خود تعریف روشنی ندارند؛ به عنوان مثال شأن اسلامی، عفت عمومی یا امنیت اجتماعی مفاهیم گسترده ای هستند که می توانند مورد تفاسیر مختلف قرار گیرند بنابراین شایسته است قانون گذار این مفاهیم را نیز تعریف کرده و امکان تفاسیر شخصی و سلیقه ای را کمتر سازد.

در ماده 12 نیز موضوعاتی را نام برده است که مردم در صورت مشاهده از نهادهای دولتی می توانند امر به معروف و نهی از منکر نمایند. این موارد شامل فساد اداری مفاسد مالی و اقتصادی نظم و انضباط و شئون ،اداری رعایت وجدان کاری حفظ بیت المال تجمل گرایی حقوق و کرامت ارباب رجوع و رشوه خواری می باشد. هر چند این موارد نیز از ایراد فوق مبرا نبوده و بسیار کلی و گاه مبهم می باشند، اما درج این ماده در واقع تضمین گر حق و تکلیف مردم به امر و نهی در مقابل دولت می باشد. به عبارتی بنابر قانون اساسی نه تنها مردم نسبت به یکدیگر و دولت نسبت به مردم وظیفه امر و نهی دارند مردم در قبال دولت نیز مکلف به امر به معروف و نهی از منکر می باشند و بنابراین حق دارند به صورت علنی و غیر علنی عملکرد دولت را نقد کنند و بنابر ماده 13 طرح نمی توان به این دلیل کسی را مورد تعقیب قرار داد.

همان طور که تأکید شد یکی از مزایای این طرح تأسیس تشکیلات قانونی برای سیاست گذاری در زمینه فریضه امر به معروف و نهی از منکر و گسترش فرهنگ آن در جامعه می باشد این تشکیلات که فصل چهارم طرح از ماده 24 به بعد به آن اختصاص یافته است شورایی را با عنوان شورای سیاستگذاری امر به معروف و نهی از منکر پیش بینی کرده است اعضای این شورا بنابر ماده 25 عبارت اند از:

ص: 24

نماینـده مقـام معظم رهبری به عنوان رئیس شورا یکی از معاونـان رئیس جمهور، یکی از معاونـان رئیس قوه قضـائیه وزیر فرهنـگ و ارشاد اسـلامی رئیس سازمـان صـدا و سـیما و یکی از اعضـای شورای عـالی حوزه علمیه وظـایف این شورا بنابر ماده 26 عبارت انـد از تعیین اولویت های مصادیق معروف و منکر نظارت بر حسن اجرای سیاست های مصوب در جامعه و ایجاد هماهنگی برای انجام تبلیغ و اطلاع رسانی و همچنین ارائه گزارش سالانه به مقام معظم رهبری در واقع این شورا جایگزین سـتاد احیای امر به معروف و نهی از منکر می گردد و بنابر ماده 28 تشـکیلات فعلی سـتاد احیا پس از تصویب قانون به عنوان دبیرخانه شورا ایفای وظیفه خانه شورا ایفای وظیفه می نماید که وظایف آن در ماده 29 مقرر شـده است. در این ماده دبیرخانه تـدوین سـیاست های لازم و ارائه آن به شورا ایجاد زمینه ها و سازوکارهای قانونی برای اعمال نظریات مؤثر پژوهش و تحقیق در این زمینه، کمک به تشکیل انجمن های مردمی به هدف امر به معروف و نهی از منکر نشر و حمایت آثار ذی ربط و.... را عهده دار می باشد.

نقد و بررسی طرح

هر چنـد همان طور که بیان شـد، کلیت اقدام برای تصویب طرح امر به معروف و نهی از منکر پس از گذشت سال ها از پیروزی انقلاب و تدوین قانون اساسی امری قابل ستایش و قدردانی می باشد اما این طرح با کاستی ها و ابهاماتی مواجه می باشد. در این جا برآنیم که برخی از ایراداتی را که بر این طرح وارد می شود برشماریم:

1. روشن نبودن تعریف معروف و منکر می دانیم وضوح و شـفافیت از الزامات قانون است و باید تا حد امکان مفاهیم به کار رفته در قانون صریـح و روشن باشـند به نظر می رسد تعریف ارائه شده از معروف و منکر در این طرح بسـیار گسترده بوده و احصای آن از دایره امکانات حقوقی و قانونی خارج می باشد از این رو بهتر است امر و نهی به حدود مقرر در قانون محدود گردد؛ چرا که در جمهوری اسـلامی سـعی شده برای همه حوزه های اجتماعی قوانین اسلامی وضع و جاری گردد.

همچنین برای حمایت بیشتر از آمران و ناهیان شایسـته است مقرر گردد پرونده های ذی ربط در شـعبات خاص مورد رسیدگی قرار گیرد و قوه قضائیه مکلف گردد در جهت تحقق امر به معروف و نهی از منکر نسبت به اهتمام قضات بر اجرای این

قانون حمایت قضایی از آمران و ناهیان تسریع در رسیدگی و اختصاص شعبات معین به این موضوع اقدام ورزد.

شایان تأکید است که در فرهنگ اسلامی تشکیلات قضایی اهمیت ویژه ای در اجرای امر به معروف و نهی از منکر دارد، چنان که بسیاری از بزرگان و نامداران فقهای شیعه و سنّی بر این حقیقت تصریح کرده اند. (1)

2. عـدم حمایت کافی از آمر و ناهی در ماده 7 این طرح مقرر شده است هر کس نسـبت به آمر و ناهی توهین یا تعرضـی را مرتکب شود حسب مورد به مجازات مربوط در قوانین محکوم خواهـد شـد. این ماده در صـیانت از آمر و ناهی اقـدام مؤثری انجام نمی دهد و حمایت ویژه ای از آن هـا به عمـل نمی آورد. ماده اعلام می دارد، هر نوع توهین و تعرض به آن ها حسب مورد به مجازات مقرر در قوانین محکوم می شود. پس میـان یـک شـهروند که در شـرایط عادی مورد تعرض قرار گرفته و فردی که در راسـتای امر به معروف و نهی از منکر آسـیبی متحمل شده است تفاوتی وجود ندارد در سال های اخیر بارها شاهد بوده ایم که آمران و ناهیان مورد ضرب و شتم و حتی قتل قرار گرفته و آسـیب های جبران ناپذیری به آن ها وارد شده است که حاکی از عدم حمایت کافی از این افراد می باشد. فردی که برای حفظ اصول شـرع دیگری را از منکری باز می دارد باید از نوعی حمایت مثبت قانون گذار بهره مند گردد بنابراین می توان فردی را که مبادرت به عمل مجرمانه نسـبت به آمر و ناهی می نماید به حداکثر مجازات تعزیری مقرر در قانون محکوم کرد تا به این ترتیب میان شـهروند عادی و شهروندی که در جایگاه امر به معروف و نهی اقدام می نماید تفاوتی وجود داشته باشد.

3. ایراد سوم به حوزه های امر به معروف و نهی از منکر وارد می گردد. در این طرح از یک سو کلیاتی نظیر شـئون اسلامی و عفت عمومی مطرح شده و از سوی دیگر مصادیق بسـیار جزئی مانند گران فروشی و کم فروشی تعیین گردیده که این مسئله از یکنواختی ماده می کاهد. بنابراین بهتر است این مصادیق کمی اصلاح شوند و در صورت نیاز برخی از آن ها حذف گردند احکام اسلامی جایگزین عبارت «شئون

1- دوست محمـدی، هـادی، «امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت همگانی» (2) مجله درس هایی از مکتب اسـلام، شماره 10، ص 55

اسـلامی» گردد و ضوابـط معاملات و فعالیت های اقتصادی جایگزین مصادیق کم فروشـی و گرانفروشـی شود حفظ محیط زیست نیز به سبب اهمیت ویژه آن در این موارد گنجانده شود. همچنین به نظر می رسد یکی از مهم ترین حوزه هایی که در این ماده از قلم افتاده است قوانین و مقررات جاری کشور می باشد که لازم است به صورت جداگانه در این ماده مورد تأکید قرار گیرد.

4. در حوزه مصادیق امر و نهی دولتی نیز به نظر می رسد برخی مصادیق مبهم و زائد هسـتند. می توان حفظ بیت المال را جایگزین گزینه تجمل گرایی نمود و گزینه رشوه خواری را حـذف نمود؛ چرا که پرهیز از فساد اداری خود مشـتمل بر این مورد نیز می باشـد و ضـرورتی به تأکید دوباره آن نمی باشد.

5. ضـرورت تأکیـد ویژه بر نقش رسانه ملی در ماده 17 بر نقش دسـتگاه هـای تبلیغاتی و رسانه ای در راسـتای زمینه سازی اجرای امر به معروف و نهی از منکر و ارتقای سطح آگاهی های عمومی تأکید شده اما به نظر می رسد با توجه به اهمیت رسانه لازم است به طور خاص بر اهمیت این سازمان تأکید شود. به ویژه آن که بنا به ماده 40 قانون خط مشی صدا وسیما این نهاد موظف به تحقق رسالت امر به معروف و نهی از منکر می باشد و باید زمینه های آن را در جامعه فراهم سازد.

6. پیشـنهاد دیگری که در راسـتای ارتقـای این طرح می تـوان مطرح نمود افزودن برخی دیگر از نماینـدگان دسـتگاه هـای اجرایی مؤثر به فهرست اعضای شورا می باشد. شایسـته است وزیر کشور وزیر علوم و تحقیقات و فناوری وزیر آموزش و پرورش، فرمانده نیروی انتظامی و یک عضو به نمایندگی از شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز به این فهرست اضافه شوند تا روند سیاسـتگذاری و اجرای آن ها تسهیل گردد. البته به رغم تمام موارد بیان شده و ضـرورت تصویب قانون جامع و کامل در راسـتای اجرای امر به معروف و نهی از منکر نباید از نظر دور داشت که قانون به تنهایی نه می توانـد فرهنگ سازی نماید و نه می تواند فرهنگ رایج را منسوخ سازد. امر به معروف و نهی از منکر نیازمند زمینه فرهنگی و اجتماعی لازم است (1) و قانون تا جایی که با اقتضائات فرهنگی همخوانی داشته باشد قابلیت اجرا و دوام می یابد.

1- لک زایی، شریف «آیت الله مطهری و نظارت عمومی»، مجله حکومت اسلامی، شماره 31، ص 252.

است این طرح به رغم ابهامات و کاستی ها گام شایسته ای است که می تواند اجرای این اصل را در جامعه تسهیل نماید انتظار می رود نمایندگان مجلس شورای اسلامی نسبت به این دغدغه مهم اجتماعی حساسیت بیشتری نشان داده طرح مذکور را با لحاظ داشتن نظریات کارشناسانه و حقوقی قوی تر مجدداً در دستور کار مجلس قرار دهند.

ص: 28

امر به معروف و نهی از منکر جوهره نظام اسلامی است و اگر به درستی در جامعه اجرا شود و عمومیت یابد، مدل زیبایی از دموکراسی اسلامی را به نمایش خواهد گذاشت؛ (1) چراکه این حکم مبین نقش فعال افراد در جامعه بوده، به نظارت همگانی که از مؤلفه های اساسی مردم سالاری است عینیت می بخشد.

نتیجه

با وجود اهمیتی که شرع و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای مقوله امر به معروف و نهی از منکر قائل شده اند هنوز قانون مدون و جامعی برای اجرایی شدن این اصل به تصویب نرسیده است. البته در شرح وظایف نهادهایی چون آموزش و و پرورش و صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران بر زمینه سازی امر به معروف و نهی از منکر تأکید شده و ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر نیز حدد دو دهه است که بنابر فرمایشات مقام معظم رهبری ایفای وظیفه می نماید. در عین حال خلا موجود در اجرای امر به معروف و نهی از منکر همچنان مشاهده می شود عدم تعریف مشخص از معروف و منکر، چگونگی و حدود دعوت به خیر، شرایط آمر و ناهی، اختیارات و وظایف افراد در جهت امر و نهی نهادهای دولتی و بسیاری از سؤالات دیگر در این زمینه بدون پاسخ مانده اند. از طرف دیگر آن چه مسئله را در سال های اخیر بغرنج تر ساخته است برخورد با افرادی است که آمران و ناهیان را مورد حمله قرار داده و حتی در مواردی آن ها را به شهادت رسانده اند. در حال حاضر قانون هیچ سازوکار ویژه ای برای مقابله با این گونه افراد پیش بینی نکرده است و به عبارتی هیچ حمایت قضایی و کیفری از آمران به معروف و ناهیان از منکر صورت نگرفته است.

طرح امر به معروف و نهی از منکر در سال گذشته مورد بررسی مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است، اما به دلایل برخی ابهامات و نواقص از دستور کار مجلس خارج شده است. این طرح تا حدی برخی از سؤالات فوق را پاسخ داده و تشکیلات مناسبی را برای سیاستگذاری و اجرای امر به معروف و نهی از منکر پیش بینی کرده

1- اردشیر لاریجانی، محمدجواد، «نسبت میان دموکراسی و امر به معروف و نهی از منکر»، بازتاب اندیشه، شمارهٔ 59 و 60، ص 77

منابع

1. اسلامی، سید حسن، «برخوانی امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی» مجله هفت آسمان، تهران، بهار 1385، شماره 29.

2. اردشیر لاریجانی، محمد جواد، «نسبت میان دموکراسی و امر به معروف و نهی از منکر»، تهران، بازتاب اندیشه، اسفند 1383 و فروردین 1384 - شماره 59 و 60، صفحه 77.

3. پژوهنده، محمد حسین، «ماهیت شناسی دعوت دینی»، مجله اندیشه حوزه، تهران، مرداد و شهریور 1386، شماره 65.

4. حاجی ده آبادی، محمد علی، «امر به معروف و نهی از منکر و سیاست جنایی»، مجله فقه و حقوق، تهران، تابستان 1383، شماره 1.

5. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربي، بي تا، 1409ق.

6. خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1376ش.

7. المکاسب المحرمه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1381ش.

8. دوست محمدی، هادی، «امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت همگانی» (2)، درس هایی از مکتب اسلام، دی 1376، سال 37، شماره 10.

9. «مبارزه منفی امر به معروف و نهی از منکر» درس هایی از مکتب اسلام، مهر 1358، سال نوزدهم شماره 7.

10. راغب اصفهانی، حسین بن محمد المفردات في غریب القرآن، دفتر نشر الکتاب، 1404 ق.

11. سروش محمد، «مبانی عقلانی امر به معروف و نهی از منکر» مجله حکومت اسلامی، تابستان ،1381 شماره ،24 صفحه 42 تا 62.

12. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، تهران، امیر کبیر، چاپ پنجم، 1370ش.

ص: 30

13. ظهیری، عباس، «حدود آزادی از نگاه کلام و فقه و عرفان»، مجله حکومت اسلامی پاییز 1379 شماره 17

14. فاضل مقداد، النافع ليوم الحشر في شرح باب الحادی عشر، کتابفروشی علامه، 1368ش.

15. لک زایی، شریف، «آیت الله مطهری و نظارت عمومی»، مجله حکومت اسلامی، بهار 1383، شماره 31

16. مطهری ،مرتضی سلسله یادداشت ها، تهران صدرا، 1379ش.

17. نمایی، احمد، «امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی»، مجله حکومت اسلامی، پاییز 1383، شماره 33.

18. قوانین مورد استفاده.

19. اساسنامه ستاد احیای امر به معروف و نهی از معروف.

20. قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش.

21. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

22. قانون خط مشی کلی و اصول برنامه های صدا و سیما.

23. قانون فعالیت احزاب.

24. قانون مجازات اسلامی.

ص: 31

می شود.» (1)

مکانیسم نظارت اجتماعی زمانی می تواند از ظرفیت و توانایی خود بهره مند باشد که خود سازمان یافته باشد.

ربرت فریس در فرهنگ علوم اجتماعی، سازمان اجتماعی (Organization Social) را این گونه تعریف می کند: «در علوم اجتماعی سازمان اجتماعی یعنی مجموعه نسبتاً ثابتی از روابط متقابل کارکردی میان عناصر تشکیل دهنده آن (اشخاص یا گروه ها) و واجد خصوصیاتی است که در خود این عناصر وجود ندارد و این امر سبب ایجاد ذات و هستی خاصی می گردد». (2)

بنابراین بحث درباره نظارت اجتماعی زمانی می تواند مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد که بتوان آن را در قالب سازمان تبیین کرد بر این اساس شکل سازمان یافتگی آن در این نوشتار مطلوب است.

در نهایت شکل سازمان نظارت اجتماعی در جامعه دینی در این نوشتار مبتنی بر فرهنگ دین اسلام ترسیم گردیده و براساس متون دینی که در این زمینه وجود دارد، تحلیل های جامعه شناسی سازمان نظارت اجتماعی تبیین خواهد گشت.

سنخ شناسی

اگر در تعریف جامعه پذیری بپذیریم «فرد از طریق اجتماعی شدن یاد می گیرد که در موقعیت های گوناگون چه الگوهایی رفتاری پذیرفتنی است و تفاوت میان الگوهای رفتاری شایسته و الگوهای رفتاری ناشایست چیست»، (3) در واقع با استفاده از از این مکانیسم می توانیم الگوهای رفتاری متداول را به آحاد آن جامعه منتقل نماییم. این مکانیسم دارای فرایندی است که از بدو تولد شخص آغاز می شود و تا مرگ ادامه می یابد نظارت اجتماعی در ادامه فراگرد جامعه پذیری قرار می گیرد تا تعادل الگوهای رفتاری رایج در جامعه را با هنجارهای فرهنگی (Culture Norms) موجود در جامعه برقرار نماید.

1- همان.

2- روشه، گی، سازمان اجتماعی، ص 12

3- کوئن، بروس، درآمدی برجامعه شناسی، ص 145

سازمان نظارت اجتماعی در سیره رضوی: سید علی نقی ایازی

اشاره

*سازمان نظارت اجتماعی در سیره رضوی: سید علی نقی ایازی (1)

مقدمه

عنصر امر به معروف و نهی از منکر که معادل آن در جامعه شناسی می تواند نظارت اجتماعی (Social Control) تعریف شود، در واقع بسط فراگرد اجتماعی شدن (Socialization) است که با استفاده از روش هایی افراد یاد می گیرند تا خود را با باور (Belief) ها و ارزش (Value)های پذیرفته شده جامعه ای خاص تطبیق دهند و اگر این مکانیسم به درستی عمل کند افراد با تأثیر و تأثر بر یکدیگر می توانند به یک تعدیل و توازنی دست یابند.

با این تعریف مختصر از نظارت اجتماعی می توان به اهمیت و ضرورت پرداختن به این معنا پی برد که فرایند اجتماعی شدن زمینه سازمان یافتگی (Organize) و نظم اجتماعی (Social Order) را فراهم می آورد تا آحاد جامعه اهداف تعیین شده دست یابند و هرگونه اختلالی در این فرایند وصول به اهداف را دچار اشکال می کند. مکانیسم های نظارت اجتماعی در این مواقع با استفاده از روش های خاص به کار می آید تا بتواند نظم اجتماعی مورد نظر را تداوم بخشد.

بنابراین «بحث درباره نظارت های اجتماعی به توانایی اعضای جامعه در تطبیق با هنجارهای موجود ارتباط می یابد». (2) و در تعریف هنجار (Norm) می گوییم: «به معیار تثبیت شده ای از آن چه که باید در یک فرهنگ خاص وجود داشته باشد هنجار اطلاق

1- عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

2- کوئن بروس، درآمدی بر جامعه شناسی، ص 146.

بر این اساس دین اسلام نیز یکی از هنجارهای جاری را امر به معروف و نهی از منکر قرار داده است که در دو قالب هنجار تجویزی و تحذیری ظهور پیدا کرده است و بدین وسیله نظارت های اجتماعی به شکل سازمانی در بین آحاد مسلمین اشاعه می یابد فقدان این عنصر اساسی موجب زوال یا اختلال در نظام اجتماعی مسلمین می گردد چنان که در آیات 110-104 سوره آل عمران چنین تعریف شده است. نظارت های اجتماعی به مثابه اهرمی برای نگهداری و بقای جوامع است که اختلال در آن، موجب زوال وحدت اجتماعی می شود.

علاوه بر آیات متعددی که به این هنجار اشاره می کند روایات بسیاری نیز در این زمینه وجود دارد امام باقر علیه السلام می فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه بزرگ الهی است که بقیه فرایض با آن ها بر پا می شوند و به وسیله این دو راه ها امن می گردد و کسب و کار مردم حلال می شود حقوق افراد تأمین می گردد، و در سایه آن زمین ها آباد، و از دشمنان انتقام گرفته می شود و در پرتو آن همه کارها رو به راه می گردد». (1)

چنان که در این روایت به آن اشاره شده هنجارها و نیازهای بسیاری می تواند در سایه تحقق مکانیسم نظارت اجتماعی تأمین گردد.

از دیگر سو تحقق این مکانیسم در قالب سازمان نیز مورد توجه شریعت بوده است چنان که در آیه 122 سوره توبه آمده است: «و سزاوار نیست که مؤمنان همگی رهسپار [جهاد] شوند؛ اما چرا از هر فرقه ای از آنان گروهی رهسپار نشوند که دین پژوهی کنند و چون به نزد قومشان بازگشتند ایشان را هشدار دهند تا پروا پیشه کنند؟»

«بنابراین آیه فوق، دلیل روشنی است بر این که همواره گروهی از مسلمانان به عنوان انجام یک واجب کفایی باید به تحصیل علم و دانش در زمینه تمام مسائل اسلامی بپردازند و پس از فراغت از تحصیل برای تبلیغ احکام اسلام به نقاط مختلف، مخصوصاً به قوم و جمعیت خود بازگردند و آن ها را با مسائل اسلامی آشنا

1- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج 11، ص 394.

سازند.» (1)

طبیعی است که انجام این مهم می تواند سازمانی صورت گیرد، چنان که سازماندهی آموزش ها و اعزام مبلغان دین از تاریخ تأسیس حوزه های شیعه، در راستای جامه عمل پوشیدن به این آیه شریفه بوده است.

عناصر فرهنگی سازمان نظارت اجتماعی

کنش آحاد جامعه برآمده از فرهنگی است که حاکم بر آن جامعه است و عناصر متعددی در شکل دهی فرهنگ مؤثرند:

نخست آن که این افراد دارای ارزش ها باورها و هنجارهای معین و مشترکی هستند که کنش آن ها مبتنی بر آن صورت می گیرد اما این که منبع شکل گیری این عناصر چگونه است در سازمان نظارت اجتماعی بر فرهنگ دینی عوامل متعددی می تواند تأثیر گذار باشد؛ از جمله فرهنگ مکتوبی که در شریعت وجود دارد و آن قرآن و روایات متواتری است که از ائمه معصومین وارد شده است و کنشگران براساس الگوی رفتاری که در آن ها تبیین گشته است عمل می کنند و تدریجاً این سیره در بین جامعه دینداران اشاعه یافته در طی سال ها به فرهنگ تبدیل می شود.

عامل دومی که می توان از آن یاد کرد سیره متشرعان است؛ یعنی نوع عملکرد و چگونگی آن توسط کسانی که منتسب به دینداری هستند در جامعه دینی مبنای عمل قرار می گیرد و براساس آن دست به عمل می زنند.

در این نوشتار عناصر فرهنگی سازمان نظارت اجتماعی از فرهنگ مکتوب شریعت گرفته شده است که در ادامه به برخی از آن ها از کتاب وسائل الشیعه، با محوریت سیره رضوی اشاره می کنیم.

ضرورت و اهمیت سازمان نظارت اجتماعی

امام رضا علیه السلام درباره وجوب نظارت اجتماعی می فرماید:

«هر آینه امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهید (در غیر این صورت) اشرار

1- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج 8، ص 193.

بر شما به کار گمارده می شوند در این حالت دعای نیکان شما مستجاب نمی گردد.» (1)

مجموع گزاره های قابل برداشت از باب اول عبارت اند از:

- در تقسیم بندی ارزش ها و هنجارها، کنترل اجتماعی و جامعه پذیری از با ارزش ترین هنجارها شمرده می شود.

- واداشتن دیگران در عمل به هنجارها و بازداشتن آنان از کجروی ها، هنجاری الزامی برای جامعه مسلمین است.

- کنترل و نظارت اجتماعی از بنیادی ترین مسائل مورد نیاز یک جامعه است که عدم توجه صحیح به استمرار آن می تواند جامعه را به تباهی، انحطاط و فروپاشی بکشاند.

- استمرار حیات دینی در جامعه از طریق امر به معروف و نهی از منکر ممکن می شود و ترک آن می تواند به تضعیف دین و خداباوری بینجامد.

- بقای جامعه در گرو اجتماعی کردن و نظارت اجتماعی است و به ایجاد جامعه ای سالم و متعادل کمک می کند.

- یکی از ویژگی های پایبندان به باورهای دینی بازداشتن دیگران از کجروی و ناهمنوایی است.

- همه اعضای جامعه حتی صاحبان ،قدرت باید تحت نظارت و کنترل اجتماعی قرار گیرند.

- در جامعه اسلامی باید تمهیدات مناسب برای اجرای نظارت های اجتماعی فراهم آید که بقای دین و جامعه در گرو حضور و وجود قدرتمندانه آن در جامعه در سطح فردی و اجتماعی است.

- عدم توجه و برنامه ریزی مناسب برای استمرار اجتماعی شدن و نظارت های اجتماعی، راه را برای فراگیری و گسترش نابهنجاری ها و جایگزینی فرهنگ بیگانه فراهم می سازد.

- تضعیف نهادهای اجتماعی کننده و نظارت اجتماعی زمینه ساز گرایش به فرهنگ بیگانه می شود.

1- حر عاملی، محمد بن حسن وسائل الشیعه، ج 11، ص 394.

– رشد و توسعه جوامع در گرو توجه کافی به مکانیسمهای نظارت اجتماعی مؤثر است.

– نهادینه کردن مکانیسم های نظارت اجتماعی در جامعه تنها یک هنجار فردی نیست بلکه با پیشرفت و پیچیدگی جوامع سازمان ها، نهادهای واسط و... نیز باید در این امر مهم و خطیر دخالت کنند.

– با توجه به ضرورت مکانیسم نظارت اجتماعی در جوامع مختلف باید با توجه به سطوح متفاوت پیشرفت آن ها روش ها، وسائل و کارهای مناسب برای این مهم با توجه به شرایط اجتماعی تعیین شود.

– عدم توجه به اقامه نظارت اجتماعی باعث افزایش تعارضات و کاهش همبستگی اجتماعی و افزایش احتمال فروپاشی اجتماعی می گردد.

– با استمرار فرایند نظارت ،اجتماعی هزینه نابهنجاری ها افزایش می یابد و عملاً زمینه توسعه کجروی از بین خواهد رفت.

– تداوم نظارت اجتماعی توسعه هنجارها را فراهم می کند.

– عدم توجه به امر به معروف و نهی از منکر به منزوی شدن نیروهای کارآمد و دلسوز جامعه می انجامد و عرصه برای روی کار آمدن افراد ناکارآمد فراهم می شود.

– برخی از آثار اعمال نظارت اجتماعی، امنیت عمومی، قانونمندی بازرگانی و اقتصادی و اجرای عدالت اجتماعی است.

– ترک کنترل اجتماعی و جامعه پذیر کردن اولاً موجب رشد نیروهای کجرو و ناهم نوا در لایه های مدیریتی جامعه می شود و ثانیاً هم نوایان مورد بی اعتنایی قرار گرفته، منزوی می شوند.

الزامات سازمان نظارت اجتماعی

در روایه در روایت 21243 کتاب وسائل الشیعه در باب امر به معروف و نهی از منکر شهاب می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «اگر مردم می دانستند خدا چگونه مخلوقات را آفریده است هیچ یک دیگری را سرزنش نمی کرد و در ادامه فرمودند: خداوند اجزایی را آفرید که شمارش آن ها به چهل و نه جزء رسید. او هر جزئی را به ده بخش تقسیم کرد و هر بخش را نیز ده بخش قرار داد. بعد آن را در میان

مخلوقات به این گونه تقسیم کرد که در فردی یک دهم جزء و در فرد دیگری دو دهم جزء و.... بنابراین کسی که به او یک دهم جزء رسیده است توان آن را ندارد مثل فردی باشد که به او دو دهم رسیده است و همین طور... لذا اگر مردم بدانند که خداوند آن ها را این گونه آفریده است هیچ گاه کسی دیگری را سرزنش نمی کرد». (1)

بنابراین آن چه قطعی است و از روایات متعددی که در این زمینه وجود دارد و می توان از آن بهره برد این است:

الف) وضع هنجارهای دینی برای اعضای جامعه باید مطابق توان آن ها باشد، چنان که در فقه اسلامی نیز وضع مناسک دینی تدریجی بوده است.

ب) در فرهنگ دینی انسان ها در پذیرش ارزش ها و هنجارهای دینی توان یکسان ندارند لذا از حیث همنوایی و پایبندی به هنجارهای دینی در درجات مختلفی قرار دارند.

ج) ترویج فرهنگ مطابق توان اعضای جامعه و پذیرش فکری آنان رشد فرهنگی جامعه را در پی دارد.

د) تحمیل ارزش ها و هنجارهای دینی بر کنشگرانی که توان آن را ندارند نتیجه ای معکوس به دنبال دارد و موجب بی توجهی آن ها به هنجارها و روی گردانی آنان از فرهنگ دینی می شود.

ه) در فرهنگ شیعی، الگوهای عمل پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام از بالاترین میزان پایبندی برخوردارند و پس از ایشان شیعیان سپس دیگر مسلمانان قرار دارند. و مروجان فرهنگ دینی و عوامل نظارت اجتماعی شایسته است به توان افراد به تفکیک میزان اهمیت هنجارها آگاهی و اشراف کامل داشته باشند تا بتوانند براساس آن، عملکردی موفق داشته باشند.

ز) مروجان فرهنگ دینی که از پایبندی بیشتری برخوردارند شایسته است با کنشگرانی که از پایبندی کمتری برخوردارند مدارا کرده راه پذیرش باورها، ارزش ها و هنجارهای دینی را برای آنان تسهیل کنند.

ح) دینداران که از درجات بالاتر همنوایی با فرهنگ برخوردارند، نباید به

1- حرّ عاملی، محمد بن حسن وسائل الشیعه، ج 11، ص 428

تخریب منزلت کنشگرانی که در درجه کمتری از همنوایی با فرهنگ دینی هستند بپردازند.

ط) تساهل ورزیدن با بندگان خداوند در فرهنگ دینی ارزش شمرده می شود.

نتایج نُه گانه یاد شده با استفاده از باب چهاردهم کتاب امر به معروف و نهی از منکر (با عنوان استحباب مدارا با مؤمنان در امر آنان به مستحبات و اکتفا بر اموری که بر آنان سنگین نیاید و آن ها را از دین گریزان نکند) ارائه شد.

ارزش ها و میزان اهمیت آن ها در سیره رضوی

روایت 21258: امام رضا علیه السلام فرمود: «دوست داشتن اولیای خداوند واجب است چنان که کینه و برائت نسبت به دشمنان آنان و سردمدارانشان واجب است.» (1)

آیه 7 سوره حجرات: «.... خدا ایمان را محبوب شما ساخت و آن را در دلتان بیاراست و کفر و فسق و عصیان را در نظرتان مکروه گرداند، اینان خود راه یافتگان اند».

از مجموع روایات باب پانزدهم نتایج زیر قابل برداشت است:

- از لوازم پایبندی به فرهنگ دینی پذیرش باورهای ارزش شناختی و هستی شناختی آن فرهنگ است.

- در فرهنگ دینی برقراری پیوندهای عاطفی براساس خدامحوری از ارزش والایی برخوردار بوده و براساس دنیا محوری، بی ارزش است.

- برقراری تعامل و پیوند عاطفی براساس باورها و ارزش های دینی، پاداش اخروی دارد.

- معیار و میزان کنش های دینی، عاطفی و گرم بودن کنش ها با مؤمنان است. مبنای عمل و مقبولیت خدامحوری بودن آن است.

- ایجاد تعاملات عاطفی گرم با پایبندان و تعاملات سرد با بی توجهان به هنجارهای دینی در همه کنش ها الزامی است.

مکانیسم تشویق و تنبیه در سازمان نظارت اجتماعی

روایت 21274 امام باقر علیه السلام می فرماید: «هر بنده ای از بندگان خدا که روش

1- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج 11، ص 433.

هدایتی را پایه گذاری کند پاداشی چون پاداش عامل به آن را خواهد داشت بدون این که از پاداش عمل کنندگان چیزی کاسته شود هر یک از بنـدگان خـدا که شـیوه ای گمراه کننـده پایه ریزی کنـد او نیز گناهی همچون گناه عامل به آن خواهـد داشت بدون این که از گناه دیگران کاسته شود». (1)

از مجموع روایات باب شانزدهم نتایج زیر قابل برداشت است:

- ترویج و آموزش هنجارها امری پسندیده است و پاداشی جاویدان دارد.

- کنشگر مسلمان باید به دنبال جاودانه بودن آثار کنش های خود باشد.

- پاداش مروجان به هنجارها به اندازه پاداش همه کسانی است که به آن عمل می کنند.

- ترویج کجروی ها ناپسند است و مروجان کجروی ها همچون عمل کنندگان به آن مؤاخذه خواهند شد.

- آثار کنش هایی که به توسـعه فرهنگی بینجامد برای کنشـگر جاودانه خواهد بود. تغییر نظام ارزشی و هنجاری جامعه با جایگزینی ارزش ها و هنجارهای دیگر صورت می پذیرد.

- هنجارهای دینی بهترین روش رسیدن به اهداف اند.

- ارزشمندترین کنش ها کنش های مبتنی بر ارزش هاست.

نظام تعامل در سازمان نظارت اجتماعی

روایت 21290 امام صادق علیه السـلام می فرمود: «هر که با شیعیان ما دشمنی کند با ما دشمنی کرده است. هر که با آن ها دوستی کند به ما پیوسـته است؛ زیرا آن ها از ما بوده و از طینت ما آفریده شده اند هر که به آن ها مهر بورزد از ماست و هر که به آن ها کینه بورزد از ما نیست کسـی که آنان را انکار کند خدا را انکار کرده و کسـی که آن ها را سرزنش کند خدا را سرزنش کرده است؛ زیرا آن ها بندگان حقیقی خدا و یاران راستین او هستند». (2)

نتایج قابل برداشت از روایات باب هفدهم عبارت اند از:

1- حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ج 11، ص 437

2- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج 11، ص 441

- ارزش ها و هنجارهای دینی در جامعه اسلامی دارای مراتب اند.

- محور ارزش و ضد ارزش در فرهنگ دینی خدامحوری است.

- کنش های عاطفی یا مبتنی بر ستیز باید بر خدا محوری استوار باشد.

- از مهمترین ارزش ها در جامعه دینی انسجام درون گروهی مبتنی بر خدا محوری است و باید به هنجارها تبدیل شود.

از لوازم پایبندی به دین برقراری رابطه عاطفی گرم با مؤمنان است.

- باید با برقراری کنش های عاطفی گرم میان پایبندان به دین، ترویج واکنش های مبتنی بر ستیز حذف شود.

- کنشگرانی که با مؤمنان کنش عاطفی برقرار می کنند پاداش معنوی دریافت خواهند کرد.

- کنشگرانی که با مؤمنان کنش مبتنی بر ستیز برقرار می کنند مجازات اخروی خواهند دید.

- تعاملات عاطفی یا ستیزه جویانه هنگامی ارزش محسوب می شود که مبتنی بر باورهای دینی باشد.

- کنش عاطفی یا ستیزه جویانه هنگامی ارزش محسوب می شود که مبتنی بر باورهای دینی باشد.

- معیار برای درون گروهی و برون گروهی بودن مؤمنان، میزان پیوند عاطفی با الگوهای مرجع دینی و پیروان آن هاست.

- احیای نمادهای دینی، جزء ارزش های دینی است.

- برقراری کنش عاطفی با پایبندان به دین و ستیز با دشمنان دین، جزء هنجارهای الزامی دینی است.

روایت 21507- عمر بن یزید به نقل از امام صادق علیه السلام می گوید: حضرت فرمود: «با کسانی که اهل بدعت هستند و امور غیردینی را وارد دین کرده و می گویند این ها از دین است هم سخن نشوید و با آنان همنشینی نکنید که نزد مردم از آنان شمرده می شوید پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مرد به دین دوست و همنشین خود است.» (1)

1- حرّ عاملی، محمد بن حسن وسائل الشیعه، ج 11، ص 502.

نتایج قابل برداشت از باب سی و هشتم عبارت اند از:

- یکی از چیزهایی که موجب تحقق «ما» می شود پیوندهای عاطفی است و این امر می تواند با همنشینی ها و حضور در مجالس مشترک محقق شود.

- هنجارگذارانی که به ترویج هنجارهای غیردینی می پردازند، باید از سوی دینداران منزوی شوند.

- پیوندهای فکری بر پیوندهای خویشاوندی تقدم دارد لذا در انزوا قرار دادن کجروان هر چند نسبت خونی داشته باشند هنجار شمرده می شود.

- افرادی که کنش های غالب گفتمانی ،آن ها تخریب فرهنگ دینی یا تخریب منزلت پایبندان به فرهنگ دینی است باید تحت فشار هنجاری قرار گیرند.

- گروهی که به ترویج الگوهای عمل کجروان پرداخته الگوهای عمل دینی را به فراموشی بسپارند باید منزوی شوند.

- هرگونه همگامی و همدلی مشترک با دشمنان آشکار امامان، مطرود است.

- تخریب فرهنگ شیعه و تخریب منزلت امامان، آثار ناخواسته ای دارد و همه افرادی که در آن مجالس شرکت دارند اعم از همنوایان و ناهمنوایان را در بر می گیرد.

- در صورت تخریب فرهنگ دینی و امکان دفاع فرهنگی، این امر از وظایف همگانی است.

از قرآن به عنوان فرهنگ مکتوب دین اسلام باورها ارزش ها و هنجارهای دینداران گرفته می شود. لذا با هتاکان به این کتاب مقدس باید برخورد صورت گیرد. ترک تعاملات عاطفی با کسانی که عضو گروه ایمانی هستند کجروی محسوب می شود.

- برقراری روابط عاطفی با افراد کجرو موجب سرایت کجروی های او به کنشگر می شود.

- تعامل عاطفی با خرده فرهنگ های منحرف و تخریب کنندگان هنجارهای دینی باید ترک شود.

- برقراری کنش های عاطفی گرم با دشمنان دین و کنش های سرد با پایبندان به

فرهنگ دینی، کجروی محسوب شده موجب خروج از دین می شود.

در وجوب بیزاری از بدعت گذاران در دین و دشنام دادن آن ها و ترساندن مردم از آن ها و ترک بزرگداشت آن ها.

روایت 21530- محمد بن جمهور عمی به نقل از معصوم می گوید: «هر که نزد بدعت گذاران دین برود و آن ها را بزرگ شمارد، در نابودی اسلام تلاش کرده است». (1)

نتایج قابل برداشت از این باب عبارت اند از:

- در مواجهه با افرادی که در دین شک ایجاد کرده و بدعت گذاری می کنند باید از آن ها بیزاری جست و مردم را از آن ها ترساند تا از بدعت های آن ها چیزی نیاموزند.

- تعامل گفتمانی با تخریب کنندگان فرهنگ دینی باید مبتنی بر قهر و ستیز باشد.

احساسات و عواطف در سازمان نظارت اجتماعی

روایت 21305- امام رضا علیه السلام او فرمود: «کسی که نافرمانی را دوست بدارد پس او نیز نافرمان است، و کسی که فرمانبری را دوست بدارد پس او نیز فرمانبر است و کسی که ستمگری را یاری کند پس است، او نیز ستمگر است و کسی که از ستمگری جدا شد پس او عادل است همانا بین هیچ کس و خداوند قرابتی نیست و علاقه و محبت خداوند به کسی نمی رسد مگر در فرمانبری اش» (2)

نتایج قابل برداشت از باب هجدهم عبارت اند از:

- معیار بهنجاری و نابهنجاری و میزان عضویت و عدم عضویت در گروه در جامعه دینی، فرمان برداری از خداست.

- ملاک و معیار کنش ها و از آن جمله رابطه عاطفی با دیگر کنشگران خدامحوری است.

- روابط گرم عاطفی و گرایش مثبت درون گروهی، کنش هنجاری است.

- کنش عاطفی گرم با دیگران واکنش عاطفی آنان را بر می انگیزد و به تعامل اجتماعی پیوسته تبدیل می شود.

- تعامل اجتماعی پیوسته، در کنشگر اعتماد اجتماعی ایجاد کرده، همبستگی

1- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج 11، ص 508

2- همان، ج 11، ص 446

اجتماعی بالا می رود.

مکانیسم پاداش و تنبیه برای حاکمیت ارزش ها از اهمیت شایانی برخوردار است.

عنصر عقلانیت در سازمان نظارت اجتماعی

روایت 21502- حضـرت علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام فرمود: «پسرم می دانی بی خردی چیست؟ فرمود: بی خردی دنباله روی افراد پست و همراهی گمراهان است.» (1)

نتایج قابل برداشت از این باب عبارت اند از:

- یکی از موارد منکر، دروغ بسـتن به قرآن است که این امر تخریب فرهنگ مکتوب دین بوده به منزله تعارض با کل دین شـمرده می شود و تعارض با قرآن در روایات این باب مساوی با تعارض با ائمه دین قلمداد شده، از حیث میزان کجروی یکسان است.

- افرادی که به باورها و ارزش های دینی پشت کرده اند باید با فشار هنجاری مواجه شوند.

- الگوی عمل قرار دادن افراد کجرو، از لوازم بی خردی است.

- در فرهنگ دینی همگانی شدن معصیت یا هنجار شدن کجروی ها می تواند از علل مهاجرت باشد.

- ترک همکاری اقتصادی با حاکمان ستمگر در فرهنگ دینی الزامی بوده، تداوم آن کجروی است.

- دوست داشتن بقای حاکمان ستمگر برای منافع شخصی، ناهنجاری شمرده می شود.

- همدلی مشترک با گروه ها و افراد متجاوز موجب شریک شدن در مجازات آن ها خواهد شد.

- همدلی مشترک با کجروان و جنایتکاران همبختی مشترک با آن ها را به دنبال

1- حرّ عاملی، محمد بن حسن وسائل الشیعه، ج 11، ص 500.

دارد.

- همدلی با تغییر دهندگان فرهنگ دینی و کسانی که به دنبال نفوذ در فرهنگ دینی هستند کجروی است.

- تعاملات عاطفی با کجروان و جنایتکاران و ترفیع منزلت آن ها، مجازات الهی به دنبال دارد.

- تعاملات عاطفی با بدعت گذاران دین از سوی دینداران به نابودی فرهنگ دینی می انجامد.

- ترفیع منزلت کارگزاران فرهنگی که به دنبال ایجاد تغییر در پایه ها و اساس فرهنگ دینی هستند با خروج از دین همسان است.

کارکرد سازمان نظارت اجتماعی

در آیه 105 سوره آل عمران به نکاتی چند دربارهٔ نظارت اجتماعی اشاره می کند:

- نظارت و کنترل اجتماعی باعث از میان رفتن تضادهای اجتماعی در جامعه می شود.

- ناپایبندی جامعه به نظارت و کنترل اجتماعی زمینه تضادها و کشمکش های اجتماعی را فراهم می کند که این امر انحطاط و اضمحلال جامعه را در پی خواهد داشت بنابراین وجود نظارت های اجتماعی رابطه مستقیمی با بقا و تداوم نظام های اجتماعی دارد.

- ایجاد تعارض و تضاد اجتماعی، که می تواند نتیجه ضعف یا زوال نظارت های اجتماعی باشد، سبب ناهمنوایی افراد با فرهنگ آن جامعه می شود.

در آیه 110 سوره آل عمران مسلمانانی را که نسبت به نظارت اجتماعی و باورها و ارزش های اسلامی خویش پایبند باشند دارای بهترین نظام اجتماعی معرفی می کند.

- در این آیه برقراری روابط حمایتی اجتماعی را در گرو پایبندی به ارزش ها باورها و نظارت اجتماعی دانسته است.

- ملاک برتری جوامع از همدیگر وجود نظارت اجتماعی و پایبندی به باورها و ارزش های اسلامی است.

- نظارت اجتماعی، زمینه ساز توسعه شخصیت اعضای جامعه است.

- پایبندی به ارزش ها و باورها از سوی کسانی که عهده دار امر نظارت اجتماعی هستند شرط بهگشت اجتماعی و فرهنگی جامعه است.

- رابطه اجتماعی و بهگشت اجتماعی با ناپایبندی به ارزش ها و باورهای اسلامی دیالکتیک بوده، اثر متقابل بر یکدیگر دارد در صورتی که نظارت اجتماعی وجود داشته باشد پایبندی به ارزش ها و باورها نیز وجود دارد و بالعکس.

- نظام اسلامی بهترین نظام اجتماعی است؛ زیرا دارای مکانیسم نظارت اجتماعی و ارزش ها و باورهای اسلامی است.

عـدم پایبنـدی به ارزش ها و باورها عامل بازدارنـده پویایی و توسـعه جامعه است در این صورت مکانیسم نظارت اجتماعی می تواند مانع ناپایبندان شود و توسعه و پویایی را برای جامعه اسلامی به ارمغان آورد.

ص: 46

منابع

1. آخوندی، محمد باقر و سید علی نقی ایازی، مفاهیم اجتماعی در قرآن مجید، قم، بوستان کتاب، 1389ش

2. جوهچ، ماری، تئوری سازمان ترجمه حسن دانایی فرد، تهران، افکار، 1386 ش.

3. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1403ق.

4. روشه، گی، سازمان اجتماعی، ترجمه هما زنجانی زاده، تهران، سمت، 1375ش.

5. کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی زاده، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، 1370ش.

6. کوئن، بروس درآمدی بر جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، فرهنگ معاصر، 1374ش.

7. مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامي، 1376ش.

ص: 47

تشخیص اولویت ها، شرط لزوم و کارآمدی امر به معروف و نهی از منکر: جواد ایروانی

اشاره

*تشخیص اولویت ها شرط لزوم و کارآمدی امر به معروف و نهی از منکر: جواد ایروانی (1)

طرح بحث

تردیدی نیست که در فرهنگ اسلامی، پاره ای از عناصر دارای اهمیتی بیشتر از دیگر عناصر و اجزای این مجموعه بوده، در نظریه و عمل نیز اولویت و برتری دارند. تقسیم کارهای مطلوب به واجبات و مستحبات و اولویت بندی در بین واجبات و نیز مستحبات از یکسو و تقسیم کارهای نامطلوب به حرام و مکروه و درجه بندی موارد هر یک از این دو در فقه اسلامی دلیل روشنی بر این مدعاست؛ چنان که در نظام ارزش گذاری عناصر اخلاقی و عقیدتی ،نیز چنین امری صادق است.

تابلو جامعه اسلامی با پوستین وارونه

جابه جا نمودن عناصر ارزشی در فرهنگ اسلامی و بها دادن به مسائل کم اهمیت بیش از مسائل مهم تصویر نادرست و وارونه ای از جامعه اسلامی ترسیم می کند که در بسیاری از موارد خود به ضد ارزش و منکری بزرگ تبدیل می گردد؛ برای نمونه افراد جامعه ای که در عرصه اندیشه و فکر، از مسائل اساسی غفلت نمایند و خود را به جزئیات کم اهمیت یا بی اهمیت مشغول ،کنند در عرصه اخلاق و عمل واجبات را به حاشیه برانند و سرگرم مستحبات گردند، و در نتیجه کسانی که در جریان مهم عمومی جامعه سیر کنند، مورد تکریم و احترام باشند و آنان که به مسائل کم اهمیت

1- استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دارای دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی .irvani_javad@yahoo.com

کمتر بها دهند در عین رعایت مسائل مهم هنجار شکن معرفی شوند مصداق بارز «پوستین وارونه اسلام» را شکل می دهند؛ چنان که در سخن امیر مؤمنان علیه السلام آمده است (لُبِسَ اَلْإِسْلاَمُ لُبْسَ اَلْفَرْوِ مَقْلُوباً). (1)

قرآن کریم از کسانی که عمل به کارهای اهم و مهم را در یک سطح از ارزش گذاری قرار می دهند، سخت انتقاد می کند و حتی چنین یکسان نگری در مقایسه را کاری ظالمانه می داند (أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَ جاهَدَ فِي سَبِيلِ اللّهِ لا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللّهِ وَاللّهُ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّالِمِينَ * الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جاهَدُوا فی سَبيل الله بأمْوالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللّهِ وَ أُولئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ) (2)، آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را همانند [کار] کسی پنداشته اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد می کند؟ [نه، این دو] نزد خدا یکسان نیستند و خدا بیدادگران را هدایت نخواهد کرد کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته اند نزد خدا مقامی هر چه والاتر دارند و اینان همان رستگاران اند.

لزوم مهندسی اجزای فرهنگ اسلامی

با توجه به آن چه یاد شد تردیدی باقی نمی ماند که تبیین جایگاه عناصر ارزشی در فرهنگ اسلام، ضرورتی است که باید از سوی فقیهان محققان و اسلام شناسان صورت پذیرد. هرچند تاکنون قدم هایی در این راه برداشته شده است (از جمله: کتاب فقه الاولویات نوشته یوسف قرضاوی)، لیک پژوهش های گسترده ای به ویژه براساس معارف اهل بیت علیهم السلام در این باره مورد نیاز است.

تشخیص اولویت ها شرط امر به معروف و نهی از منکر

عموم فقیهان، بر وجود چهار شرط برای وجوب امر به معروف و نهی از منکر اتفاق نظر دارند. این شرایط عبارت اند از: 1- آگاهی فرد از معروف و منکر؛ 2- احتمال تأثیر؛ 3- اصرار فاعل منکر و تارک معروف بر فعل خود؛ 4- نبود مفسده

1- نهج البلاغه، خطبه 108

2- توبه/ 19 - 20.

و ایمنی از ضـرر بر خود یا دیگران. (1) در مورد یـک شـرط نیز بین فقیهان اختلاف نظر وجود دارد و آن عامل بودن خود فرد به معروف و تارک منکر بودن اوست هر چند بیشتر فقیهان، آن را نپذیرفته اند. (2)

از سوی دیگر، برخی از فقیهان تصـریح کرده انـد که در امر به معروف و نهی از منکر، رعایت اولویت ها و تقـدیم اهم بر مهم لازم است. (3) به گونه ای که اگر کسی تنها قادر بر یکی از دو کار باشد امر به معروفی خاص یا نهی از منکری خاص، یا صرفاً احتمال تأثیر در یکی از آن دو وجود داشته باشد نه هر، دو ملاحظه اهمیت واجب است.

نیک روشن است که لزوم تقدیم موارد اهم، نیازمند آگاهی از موارد اهم است؛ چه هرچند تشخیص پاره ای از اولویت ها برای بسیاری از افراد ممکن است موارد بسـیاری وجود دارد که تشخیص اهم از مهم نیازمند تخصص یا مراجعه به متخصصان است. برای نمونه، در مورد تزاحم بین امور ذیل و عدم امکان جمع بین آن ها، کدام یک مقدم است؟

- ترک نماز و ترک روزه. - عـدم پرداخت خمس و نپرداختن زکات. - بی نمازی و بی حجابی یا بـدحجابی. - نپرداختن بدهی مردم و ترک حج. - رباخواری و شرب خمر. - آزردن مردم و بی نمازی.

براین اساس مدعای ما آن است که تشـخیص اولویت ها و شناخت اهم نیز به هنگام امر به معروف و نهی از منکر از شرایط وجوب آن می باشد تا در موارد تزاحم، امر به مهم به جای اهم، و نهی از منکر مهم به جای نهی از منکر اهم صورت نپذیرد که این خود، مانع رسـیدن به هـدف و مقصود خواهـد بود این موضوع ممکن است در نخستین شـرط پیش گفته از سوی فقیهان داخل باشـد بدین معنا که آگاهی فرد از معروف و منکر هم شامل شناخت اصل معروف و منکر و هم شامل شناخت اهم و

1- بنگریـد به: محقق حلی، جعفر بن حسن، شـرائع الإسـلام، ج 1، ص 258؛ شـهید ثانی، زین الـدین بن علی، مسالک الأفهام، ج 3، صص 101-102؛ نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج21، ص 366-372؛ خمینی، روح الله، تحریر الوسـیله، ج 2، صص 290-302.

2- بنگرید به نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج21، ص 373-374.

3- خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج 2، ص 294- 288

مهم آن باشد، لیک فقیهان بر این نکته تصریح نکرده اند. به هر حال، شرط یادشده در ضمن شرط نخست یا به صورت جداگانه لازم می نماید.

به هر حال، با توجه به این که امر به معروف و نهی از منکر در اسلام به هدف نهادینه سازی فرهنگ اصیل اسلامی در جامعه تشریع شده اند ضرورت می یابد که آمران به معروف و ناهیان از منکر پیشتر با اولویت های فرهنگ دینی آشنا بوده، در امر و نهی خود نیز آن ها را مقدم بدارند.

اکنون باید دید با چه معیارهایی تشخیص اهم و مهم در شریعت امکان پذیر .است. آن چه در پی می آید نگاهی گذرا به این معیارها و نیز بررسی مواردی از امور اهم بر اساس آن ها می باشد.

شیوه تشخیص اولویت ها

اشاره

به طور کلی با دو معیار اساسی تشخیص اولویت ها امکان پذیر است؛ بهره گیری از حکم عقل آنسان که اصولیان در مبحث تزاحم با کمک عقل به تعیین موارد اهم از مهم می پردازند. (1) عقل در این مسیر تلاش می کند موارد مهمتر شریعت را کشف نماید (همچون اهم بودن واجب مضیق بر موسع). و دوم: وحی؛ یعنی تشخیص اهمیت از راه تصریحات یا تأکیدات قرآن و روایات.

اکنون بر اساس شیوه دوم، مواردی از اولویت ها در شرع را به اختصار بررسی می کنیم. این موارد در دو بخش قرار می گیرند: الف) منکرات اهم. ب) واجبات اهم.

الف) منکرات اهم

اشاره

از مهمترین راه های شناخت منکرات اهم، بحث گناهان کبیره است. از قرآن کریم به روشنی بر می آید که گناهان به دو قسم کبیره و صغیره تقسیم می شوند و اجتناب از کبائر، زمینه آمرزش صغائر را فراهم می سازد (إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ نُدْخِلْكُمْ مُدْخَلاً كَرِيماً)؛ (2) اگر از گناهان بزرگی که از آن [ها] نهی

1- بنگرید به: انصاری مرتضی، فرائد الاصول، ج 4، ص 52-53؛ مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، ج 2، ص 191- 193

2- نساء / 31

شده اید دوری گزینید بدی های شما را از شما می زداییم و شما را در جایگاهی ارجمند در می آوریم.

در روایات، شیوه ای برای تشخیص گناهان کبیره بیان شده است: هر گناهی که خداوند بر آن وعده آتش داده است (1) از نظر مصداقی، روایاتی متعدد، گناهان کبیره را هفت مورد برشمرده اند در حالی که در روایاتی دیگر، شمار بیشتری ذکر شده است. (2) لیک به نظر می رسد بین گناهان کبیره نیز مراتبی وجود دارد و هفت گناه یادشده، در درجه نخست زشتی و در اولویت اجتناب می باشد. مؤید این نکته آن است که در برخی روایات برای این دسته از گناهان تعبیر اکبر «الکبائر» به کار رفته است. (3)

بنابراین، دیگر گناهان کبیره در رتبه ای پس از این دسته قرار می گیرند چنان که برخی از فقیهان نیز بر این نکته تصریح کرده اند. (4)

در بین سخنان حضرت رضا علیه السلام روایت مفصلی وجود دارد که مرحوم کلینی و شیخ صدوق آن را نقل کرده اند در این روایت شماری از گناهان کبیره به همراه آیاتی که بر آن ها وعده آتش داده شده است ذکر شده که در بین آن ها هفت گناه کبیره مورد اشاره نیز وجود دارد. (5)

اکنون گناهان هفت گانه یاد شده که به هنگام نهی از منکر نیز باید در اولویت قرار یادشده، گیرند و در قرآن بر همگی آن ها وعده آتش داده شده است براساس روایت ابوبصیر از امام صادق علیه السلام (6) ذکر می شود و آن گاه با سایر گناهانی که در روایت امام رضا علیه السلام یا دیگر روایات ذکر شده تکمیل می گردد. گناهان هفت گانه عبارت اند از:

1- شرک به خدا که در آیات متعدد، بر آن وعده آتش داده شده است؛ از جمله: (إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتاب وَالْمُشْرِكِينَ في نار جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيها أُولئِكَ هُمْ شَرُّ

1- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافي، ج 2، ص 276.

2- بنگرید به همان، ج 2، ص 277-278 و 281.

3- مفید محمد بن محمد بن نعمان، المقنعه ص291-290

4- بحراني، یوسف الحدائق الناضره، ج 10، ص 49

5- کلینی، محمد بن یعقوب الکافی، ج 2، ص 285- 287؛ ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 563-564 و علل الشرائع، ج 2، ص 391-392

6- بنگرید به کلینی محمد بن یعقوب، الکافی، ج 2، ص 281.

الْبَرِيّة)؛ (1) کسانی از اهل کتاب که کفر ورزیـده انـد و [نیز] مشـرکان در آتش دوزخ انـد، [و] در آن همواره می ماننـد؛ اینانند که بدترین آفریدگان اند.

(إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ مَأْواهُ النّارُ وَ ما لِلظّالِمِينَ مِنْ أَنْصار)، (2) هر کس به خدا شرک آورد، قطعاً خدا بهشت را بر او حرام ساخته و جایگاهش آتش است، و برای ستمکاران یاورانی نیست.

همچنین شـرک تنها گناهی است که بدون توبه عفو نمی شود و بدین سـبب در روایات پیش گفته به عنوان اکبر الکبائر از آن یاد شده است: (إِنّ اللّهَ لا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللّهِ فَقَدِ افْتَرى إِثْماً عَظيماً)، (3) مسـلماً خدا، این را که به او شرک ورزیده شود نمی بخشاید و غیر از آن را برای هر که بخواهد می بخشاید، و هر کس به خدا شرک ورزد، به یقین گناهی بزرگ بربافته است.

روشن است که مقصود از شـرک شـرک جلی می باشـد. یـادکردنی است یکی از گناهان کبیره با عنوان «تعرب بعـد از هجرت» در روایت مورد بحث، داخل در شـرک به شمار رفته و در برخی روایات به صورت مستقل آمده است. (4) مصداق این تعبیر در صدر اسلام، این بود که فرد پس از هجرت از بادیه ای که به دور از فرهنگ اسـلامی یا مانع از ایفای وظایف شرعی بود مجدداً به آن جا بازگردد و به طور طبیعی از ایمان یا انجام عبادات و تکالیف خود باز ماند. در عصـر تکالیف خود باز ماند. (5) در عصـر ما ممکن است به شکل اقامت در محیط کفر یـا جهل نمود یابـد که همان اثر را در پی دارد آیات آن را بنگریـد: (إِنّ الّذِينَ تَوَفّاهُمُ الْمَلائِكَةُ ظالِمِي أَنْفُسِهِمْ قالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قالُوا كُنّا مُسْتَضْعَفينَ فِي الْأَرْضِ قالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ الله واسِعَةً فَتُهاجِرُوا فيها فَأُولئِكَ مَأْواهُمْ جَهَنّمُ وَ ساءَت مَصيراً)؛ (6) کسانی که بر بر خویشتن ستمکار بوده اند [وقتی] فرشتگان جانشان را می گیرند، می گویند: «در چه

1- بینه / 6

2- مائده/ 72

3- نساء / 48

4- بنگرید به: کلینی محمد بن یعقوب الکافی، ج 2، ص 277

5- بنگریـد به: محقـق حلی، جعفر بن حسن شـرایع الاسـلام، ج 1، ص 234؛ علاـمه حلی، قواعـد الاحکام، ج 1، ص 479 و منتهی المطلب، ج 2، ص 898، کرکی علی بن حسین، جامع المقاصد، ج 3، ص 374

6- نساء / 97

[حال] بودید؟» پاسخ می دهند: «ما در زمین از مستضعفان بودیم.» می گویند: «مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید؟» پس آنان جایگاهشان دوزخ است، و [دوزخ] بد سرانجامی است.

(الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْراً وَ نِفاقاً وَ أَجْدَرُ أَلا يَعْلَمُوا حُدُودَ ما أَنْزَلَ اللهُ عَلى رَسُولِهِ وَ اللّهُ عَليمٌ حَكيمٌ) (1)، بادیه نشینان عرب، در کفر و نفاق [از دیگران] سخت تر و به این که حدود آن چه را که خدا بر فرستاده اش نازل کرده ندانند، سزاوارترند. و خدا دانای حکیم است.

2- قتل عمدی مؤمن از سر ظلم: (وَ مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِناً مُتَعَمِّداً فَجَزاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِداً فيها وَ غَضِبَ اللّهُ عَلَيْهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَاباً عَظيماً)، (2) و هر کس عمداً مؤمنی را بکشد، کیفرش دوزخ است که در آن ماندگار خواهد بود و خدا بر او خشم می گیرد و لعنتش می کند و عذابی بزرگ برایش آماده ساخته است.

3- رباخواری: (الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبا لا يَقُومُونَ إِلّا كَما يَقُومُ الَّذى يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطانُ مِنَ الْمَسِّ ذلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَ أَحَلَّ اللّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَ أَمْرُهُ إِلَى اللّهِ وَ مَنْ عَادَ فَأُولئِكَ أَصْحَابُ النّارِ هُمْ فيها خالِدُون) (3) کسانی که ربا می خورند [از گور] برنمی خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس آشفته سرش کرده است. این بدان سبب است که آنان گفتند: «داد و ستد صرفاً مانند رباست» و حال آن که خدا داد و ستد را حلال، و ربا را حرام گردانیده است. پس، هر کس اندرزی از جانب پروردگارش بدو رسید و [از رباخواری] باز ایستاد، آن چه گذشته از آن اوست و کارش به خدا واگذار می شود و کسانی که [به رباخواری] بازگردند، آنان اهل آتشاند و در آن ماندگار خواهند بود.

4- خوردن مال یتیم از سر ستم: (إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوالَ الْيَتَامَى ظُلْماً إِنَّمَا يَأْكُلُونَ في بُطُونِهِمْ ناراً وَ سَيَصْلَوْنَ سَعيراً)؛ (4) در حقیقت، کسانی که اموال یتیمان را به ستم

1- توبه /97

2- نساء / 93

3- بقره / 275

4- نساء / 10.

می خورند، جز این نیست که آتشی در شکم خود فرو می برند، و به زودی در آتشی فروزان درآیند.

5- قذف (نسبت ناروا دادن) به پاک دامن: (إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلاتِ الْمُؤمِناتِ لُعِنُوا فِي الدُّنْيا وَالآخِرَةَ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ)؛ (1) بی گمان، کسانی که به زنان پاکدامن بی خبر [از همه جا] و با ایمان نسبت زنا می دهند در دنیا و آخرت لعنت شده اند، و برای آن ها عذابی سخت خواهد بود.

6- عقوق والدین: (قُلْ تَعالَوْا أَتْلُ ما حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَ بِالْوَالِدَيْنِ إحْساناً...)؛ (2) بگو: «بیایید تا آن چه را پروردگارتان بر شما حرام کرده برای شما بخوانم: چیزی را با او شریک قرار مدهید و به پدر و مادر احسان کنید...».

(وَ قَضى رَبُّكَ أَلّا تَعْبُدُوا إِلّا إِيّاهُ وَبِالْوالِدَيْنِ إِحْساناً ...)، (3) و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را مپرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید... .

(وَ بَراً بوالِدَتي وَ لَمْ يَجْعَلْنى جَبّاراً شَقِيًّا)، (4) و مرا نسبت به مادرم نیکوکار کرده و زورگو و نافرمانم نگردانیده است.

7- فرار از جنگ: (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفاً فَلَا تُوَلُّوهُمُ الْأَدْبَارَ * وَ مَنْ يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلّا مُتَحَرِّفاً لِقِتال أَوْ مُتَحَيِّزاً إِلى فِئَةٍ فَقَدْ باءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللّهِ وَ مَأْواهُ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ)؛ (5) ای کسانی که ایمان آورده اید، هر گاه [در می دان نبرد] به کافران برخورد کردید که [به سوی شما] روی می آورند به آنان پشت مکنید و هر که در آن هنگام به آنان پشت کند- مگر آن که [هدفش] کناره گیری برای نبردی [مجدد] یا پیوستن به جمعی [دیگر از همرزمانش] باشد- قطعاً به خشم خدا گرفتار خواهد شد، و جایگاهش دوزخ است و چه بد سرانجامی است.

1- نور / 23

2- انعام / 151

3- اسراء / 23

4- مریم / 32.

5- انفال / 15-16.

چند نکته

در مورد گناهان کبیره یاد کرد چند نکته شایسته است:

1- بیشتر گناهان کبیره یاد شده به نوعی بازگشت به حفظ حقوق دیگران (حق الناس) دارند. گناهانی همچون قتل، قذف، ربا، اکل مال یتیم و عقوق والدین که برخی از آن ها حفظ حقوق مادی و برخی دیگر پاسداشت حقوق معنوی افراد را هدف دارند. از مجموع احکام فقهی در شریعت و نیز روایـات بر می آیـد که حقوق مردم به هنگـام تزاحم با تکالیف شـرعی محض و حتی نماز، از اولویت برخوردار است؛ برای مثال هرگاه طلبکار طلب خود را مطالبه نماید بر مدیون لازم است ادای دین را بر نماز مقدم دارد. (1)

همچنین در روایات حقوق مردم گناه نابخشودنی نامیده شده است. (2)

افزون بر موارد یاد شده تعبیرات قرآن در خصوص دیگر موارد حق الناس نیز

شدید و تهدید آمیز است؛ برای مثال می توان سوره مطففین را یاد کرد که آغاز آن هشدار به حفظ حقوق مادی مردم (تهدید کم فروشان) و پایان آن، هشـدار نسـبت به پاسـداشت حقوق معنوی افراد (تهدیـد مسـخره کننـدگان) است که با بیان عذاب های اخروی در وسط سوره ضمانت اجرایی خود را یافته است

و این گونه است که امام رضا علیه السـلام فرمود: «قال رسول الله صـلی الله علیه و آله: (لَیْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّ مُسْلِماً أَوْ ضَرَّهُ أَوْ مَاکَرَهُ)؛ (3) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس مسلمانی را پنهانی بفریبد یا به او زیان رساند یا با او از در مکر در آید از ما نیست.

براین اساس، پاره ای از منکرات موجود در جامعه که در قالب «ارزش ها» نمود می یابند، آشـکار می گردد؛ برای نمونه پخش ادعیه نوحه و روضه و حتی صوت قرآن در مجالس ترحیم از طریق بلنـدگو که همسایگان مسـجد یا مجلس مربوط را آزار می دهد شـرکت کارکنان یک اداره در مراسم مذهبی زیارت عاشورا و مانند آن در آغاز ساعات اداری در حالی که ارباب رجوع به انتظار ایستاده اند، و نمونه هایی از این

1- بنگرید به: توضیح المسائل مراجع، ص 441، مسئله 754 2

2- بنگرید به: مجلسی محمد باقر، بحار الانوار، ج 72، ص 222

3- ابن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج1، ص 32.

دست، که بی گمان خود نیازمند نهی از منکر می باشد.

2- چنـان که اشـاره شـد، به جز گناهـان هفت گانه گناهان کبیره دیگری نیز وجود دارد که در آیات و روایات بیان گردیـده است و طبعاً در درجه دوم از اهمیت - نسبت به دسته اول - قرار می گیرد؛ از جمله:

- قطع صله رحم: (وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَ يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ)، (1) و کسانی که پیمان خدا را می گسـلند و در پس از بسـتن آن می شکنند و آن چه را خدا به پیوستن ان فرمان داده زمین فساد می کنند بر ایشان لعنت است و بد فرجامی آن سرای ایشان راست.

- دوستی بـا دشـمنان خـدا (ولاـ تَجِـدُ قَوْماً يُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللّهَ وَرَسُولَهُ وَ لَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَ يُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ رَضِيَ اللّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ۚ أُولَٰئِكَ حِزْبُ اللّهِ ۚ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)، (2) قومی را نیابی که به خدا و روز بازپسـین ایمان داشته باشند [و] کسانی را که با خـدا و رسولش مخالفت کرده انـد هر چند پدرانشان یا پسـرانشان یا برادرانشان یا عشـیره آنان باشـند دوست بدارند. در دل این هاست که [خـدا] ایمان را نوشـته و آن ها را با روحی از جانب خود تأیید کرده است و آنان را به بهشت هایی که از زیر [درختان] آن جوی هایی روان است در می آورد همیشه در آن جا ماندگارنـد خـدا از ایشان خشـنود و آن ها از او خشـنودند. ایناننـد حزب خدا ،آری حزب خداست که رستگاران اند.

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَ عَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَ إِيَّاكُمْ ۙ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي ۚ تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ ۚ وَ مَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ)، (3) ای کسانی که ایمان آورده اید، دشـمن من و دشـمن خودتان را به دوستی بر مگیرید [به طوری] که با آن ها اظهار دوستی کنید، و حال آن که

1- رعد / 25

2- محادله/ 22

3- ممتحنه / 1.

قطعاً به آن حقیقت که برای شما آمده کافرند [و] پیامبر [خدا] و شما را [از مکّه] بیرون می کنند که [چرا] به خدا، پروردگارتان ایمان آورده اید اگر برای جهاد در راه من و طلب خشنودی من بیرون آمده اید [شما] پنهانی با آنان رابطه دوستی برقرار می کنید، در حالی که من به آن چه پنهان داشتید و آن چه آشکار نمودید داناترم و هر کس از شما چنین کند قطعاً از راه درست منحرف گردیده است.

تأکید قرآن در این باره بسیار قابل توجه است. بی تردید از منکرات مهم موجود در جهان اسلام رابطه بسیاری از حاکمان مدعی اسلام و حتی مدعی خدمت به حرم خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله با دشمنان کینه توز اسلام و مسلمانان به ویژه اسرائیل است.

- یأس از رحمت خدا و در امان دانستن خود از مکر او، آن سان که در روایات پیش گفته از حضرت رضا علیه السلام این بدان تصریح شده است. در قرآن در این باره آمده است: (وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللّهِ إِنَّهُ لا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللّهِ إِلا الْقَوْمُ الْكَافِرُون)، (1) و از رحمت خدا نومید مباشید، زیرا جز گروه کافران کسی از رحمت خدا نومید نمی شود.

(أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللّهِ فَلا يَأْمَنُ مَكْرَ اللّهِ إِلّا الْقَوْمُ الْخاسِرُون)، (2) آیا از مکر خدا خود را ایمن دانستند؟ [با آن که] جز مردم زیانکار [کسی] خود را از مکر خدا ایمن نمی داند.

- زنا: (وَ الَّذِينَ... وَلَا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذلِكَ يَلْقَ أَثاماً * يُضاعَفْ لَهُ الْعَذابُ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَ يَخْلُدْ فِيهِ مُهاناً * إِلا مَنْ تاب...)؛ (3) و [عباد الرحمان] کسانی اند که... زنا نمی کنند، و هر کس این ها را انجام دهد سزایش را دریافت خواهد کرد برای او در روز قیامت عذاب دو چندان می شود و پیوسته در آن خوار می ماند مگر کسی که توبه کند... .

- خیانت: (وَ مَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِما غَلَّ يَوْمَ الْقِيامَةِ ثُمَّ تُوَفّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ)، (4) و هر کس خیانت ورزد، روز قیامت با آن چه در آن خیانت کرده بیاید. آن گاه به هر کس [پاداش] آن چه کسب کرده به تمامی داده می شود و بر آنان ستم نرود.

1- یوسف /87

2- اعراف/ 99

3- فرقان / 68-70

4- آل عمران/ 161.

این دو مورد نیز در سخن پیش گفته از امام رضا علیه السلام آمده است.

ب) واجبات اهم

تردیدی نیست که در رأس اهم واجبات حفظ اصل اسلام است. این اهمیت به گونه ای است که در صورت به خطر افتادن آن، همه شرایط پیش گفته برای امر به معروف و نهی از منکر- از جمله نبود ضرر جانی و مالی - لغو می گردد. قیام امام حسین علیه السلام با وجود محرز بودن خطر، که به فرموده امام با هدف امر به معروف و نهی از منکر انجام گرفت مصداق این امر است. (1)

بر اساس معیار پیش گفته، یعنی تصریحات و تأکیدات قرآن و روایات، اهم واجبات در عرصه های مختلف چنان است که در پی می می آید:

الف: در عرصه عقیده. داشتن عقیده راسخ و مبتنی بر تحقیق، در کلیات مربوط به مبدأ و معاد و راهنما شناسی بر هر فردی لازم است. بنگرید: (لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَالْمَلائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ... أولئِكَ الَّذينَ صَدَقُوا وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ)، (2) نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید، بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد... آنانند کسانی که راست گفته اند و آنان همان پرهیزگاران اند.

در مقابل ورود به مباحث پیچیده قضا و قدر جبر و اختیار و بحث های بی حاصلی همچون حدوث و قدم قرآن - که سوگمندانه وقت و انرژی فراوانی از مسلمانان سده های پیشین را به هدر داد و حتی نزاع ها و درگیری هایی را موجب گشت - نه لازم است و نه - در غالب موارد - مفید. چنین است مباحث مربوط به جن و جزئیات آن و ... .

چنان که در عرصه اندیشه و دانش سرگرم ساختن خود و دیگران به پاره ای جزئیات مسائل تاریخی، و غفلت از اهداف درس ها و عبرت ها مورد انتقاد قرآن

1- بنگرید به: مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج 44، ص 329 نیز مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، ج 2، ص193؛ خمینی روح الله، تحریر الوسیله، ج 2، ص 304.

2- بقره / 177

کریم قرار گرفته است آن جا که در مورد نزاع افراد بر سر تعداد اصحاب کهف، چنین می فرماید: (سَ یَقُولُونَ ثَلاثَةٌ رابعُهُمْ کَلْبُهُمْ وَ یَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ کَلْبُهُمْ رَجْماً بِالْغَیْبِ وَ یَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَ ثَامِنُهُمْ کَلْبُهُمْ قُل رَبِّي أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِمْ ما یَعْلَمُهُمْ إلا قَلِیلٌ فَلا تُمار فیهِمْ إلا مِرَاءً ظاهِراً وَ لا تَسْتَفْتِ فِیهِمْ مِنْهُمْ أَحَداً)؛ (1) به زودی خواهند گفت: «سه تن بودند [و] چهارمین آن ها سگشان بود.» و می گویند: «پنج تن بودند [و] ششمین آن ها سگشان بود.» تیر در تاریکی می اندازند و [عده ای] می گویند: «هفت تن بودند و هشتمین آن ها سگشان بود.» بگو: «پروردگارم به شماره آن ها آگاه تر است، جز اندکی [کسی شماره] آن ها را نمی داند.» پس درباره ایشان جز به صورت ظاهر جدال مکن و در مورد آن ها از هیچ کس جویا مشو.

ب: در عرصه اخلاق و رفتار. در میان ارزش های اخلاقی و رفتاری به دو مورد اشاره می کنیم که به نظر می رسد بیش از دیگر موارد از اهمیت برخوردار است و در عین حال، در جامعه کنونی ما در عرصه نظر، عمل و رسانه، مورد غفلت قرار گرفته است:

نخست: صداقت و امانت. نگاهی گذرا به آموزهای دینی نشان می دهد در نظام ارزش گذاری اسلام، صداقت و راستی جایگاهی بس فرازمند دارد و در مقایسه با بسیاری از ارزش ها و به ویژه در مقام تزاحم اهم و مهم اهمیت و تقدم از آن این اصل است. قرآن کریم صداقت مردان و زنان با ایمان را از ویژگی های برجسته آنان برشمرده که موجب آمرزش و پاداش بزرگ الهی است (إِنَّ الْمُسْ لِمِینَ وَالْمُسْ لِمَاتِ... وَ الصَّادِقِینَ وَالصَّادِقات... أَعَدَّ اللّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْراً عَظیما)، (2) مردان و زنان مسلمان... و مردان و زنان راستگو... خدا برای [همه] آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است. (3)

در نقطه اوج ارزش گذاری صداقت، قرآن هنگام بیان عملی که در جهان آخرت

1- کهف / 22

2- احزاب / 35

3- نیز بنگرید به: آل عمران/ 17

سودمند است، تنها از صداقت یاد می فرماید: (قالَ اللهُ هذا یَوْمُ یَنْفَعُ الصّادِقِینَ صِدقُهُمْ)، (1) خدا فرمود: «این، روزی است که راست گویان را راستیشان سود بخشد.»

در نقطه مقابل، در قرآن تقابل معناداری میان «دروغ» و «ایمان» برقرار شده و بی ایمانی منشأ سخنان افترا آمیز و دروغ بیان شده است: (إنّما یَفْتَرَی الْکَذِبَ الّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ بِآیَاتِ اللّهِ وَ أُولئِکَ هُمُ الْکَاذِبُونَ)؛ (2) تنها کسانی دروغ پردازی می کنند که به آیات خدا ایمان ندارند و آنان خود دروغ گویان اند.

در روایات نیز از یک سو دروغ کلید همه بدی ها معرفی شده امام باقر علیه السلام فرمود: (اِنَّ اللهَ عزوجلّ جَعَلَ لِلشَّرِّ اَقفالاً وَ جَعَلَ مَفاتیحَ تِلکَ الاَقفالِ الشَّرابَ. وَالکِذبُ شَرٌ مِنَ الشَّرابِ)؛ (3) به راستی خداوند برای بدی، قفل هایی نهاد و شراب را کلیدهای آن قفل ها قرار داد و دروغ از شراب بدتر است.

تحلیل حدیث می تواند این باشد که در جامعه بشری مفاسد مترتب بر دروغ در مجموع قابل قیاس با مفاسد مترتب بر شراب خواری نیست؛ چه، پیدایش آیین های انحرافی - برای نمونه - زائیده دروغ و انتشار آن است و گاه یک دروغ، موجب ویرانی شهرها، کشته شدن افراد بی گناه و هتک حرمت هایی بسیار می شود که در مجموع، می تواند از مفاسد شرب خمر فزون تر باشد. (4)

از سوی دیگر، بر تقابل معنادار بین دروغ و ایمان تصریح شده است:

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: (سُئِلَ رَسُولُ اَللَّهِ صَلَّی اَللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ : یَکُونُ اَلْمُؤْمِنُ جَبَاناً قَالَ نَعَمْ قِیلَ: وَ یَکُونُ بَخِیلاً؟ قَالَ نَعَمْ قِیلَ وَ یَکُونُ کَذّاباً؟ قَالَ: لاَ)؛ (5) از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال شد: [آیا ممکن است] مؤمن ترسو باشد؟ فرمود: آری. گفته شد [ممکن است] بخیل باشد؟ فرمود: آری. گفته شد و دروغ گو باشد؟ فرمود: نه.

امیر مؤمنان علیه السلام نیز ترجیح دادن راستی بر کذب را از نشانه های ایمان برشمردند:

1- مائده/ 119.

2- نحل/ 105.

3- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 2، ص 339.

4- خمینی، روح الله، المکاسب المحرمه، ج 2، ص 60.

5- برقی، احمد بن محمد المحاسن، ج 1، ص 118؛ حرّ عاملی، محمد بن حسن وسائل الشیعه، ج 8، ص573

(عَلَامَهُ الْإِیمَانِ أَنْ تُؤْثِرَ الصِّدْقَ حَیْثُ یَضُرُّکَ عَلَی الْکَذِبِ حَیْثُ یَنْفَعُکَ)؛ (1) نشانه ایمان آن است که راستی را آن جا که به تو زیان رساند بر دروغی که تو را سود دهد، ترجیح دهی.»

از سوی سوم، در روایـات تأکیـد شـده که معیار ارزیابی افراد – برای گزینش ها و اظهار نظرها – نه انجام عبادات فراوان، که راست گویی و امانت داری است امام صادق علیه السـلام فرمود: (لاَ تَغْتَرُّوا بِصَلاَتِهِمْ وَ لاَ بِصِیَامِهِمْ فَإِنَّ اَلرَّجُلَ رُبَّمَا لَهِجَ بِالصَّلاَهِ وَ اَلصَّوْمِ حَتَّی لَوْ تَرَکَهُ اِسْتَوْحَشَ وَ لَکِنِ اِخْتَبِرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ اَلْحَدِیثِ وَ أَدَاءِ اَلْأَمَانَهِ)؛ (2) به نمـاز و روزه آنان فریفته نگردیـد؛ چه آدمی گاه به نماز و روزه عادت می کند چونان که اگر آن را رها سازد وحشت نماید بلکه آنان را هنگام راستی سخن و ادای امانت بیازمایید.

دوم: امر به معروف و نهی از منکر، که به تصـریح امیر مؤمنـان علیه السـلام فوق تمـامی واجبـات و ارزش هـاست (مَا أَعْمَالُ الْبِرِّ کُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِی سَبِیلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْیِ عَنِ الْمُنْکَرِ إِلَّا کَنَفْثَهٍ فِی بَحْرٍ لُجِّیٍّ)؛ (3) تمامی کارهای نیک و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چونان قطره ای بر دریای مواج و پهناور است.

در سخنان امام رضا علیه السلام نیز بر اهمیت امر به معروف و نهی از منکر تأکید شده است محمد بن عرفه گوید: شنیدم ابوالحسن الرضا می فرمود: (کَانَ رَسُولُ اللهِ صـلی الله علیه وآله یَقُولُ: إِذَا أُمَّتِي تَوَاکَلَتِ الأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْکَرِ، فَلْیَأْذَنُوا بِوِقَاعٍ مِنَ اللهِ تَعَالَی) (4)؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: هر گاه امت من امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر وانهند، با جنگ با خدای تعالی روبه رو خواهند شد.

ج: در عرصه سیاست. در این عرصه اهتمام فوق العاده اسـلام نسبت به وحدت امت اسلامی، بسیار قابل توجه است اهمیت فراوان حفظ اتحاد را از این آیه قرآنی

1- نهج البلاغه، حکمت 458

2- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 2، ص 104.

3- نهج البلاغه، حکمت 374

4- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 5، ص 59؛ طوسی محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، ج 6، ص 177.

می توان دریافت که هارون در غیبت موقت موسی علیه السلام برای جلوگیری از گوساله پرستی آن ها، به اقدام شدیدی دست نزد و اجازه داد به طور موقت به این کار ادامه دهند تا مبادا بین صفوف بنی اسرائیل تفرقه ایجاد شود: (قالَ یا هارون ما مَنَعَكَ إِذْ رَأَیْتَهُمْ ضَلُّوا * ألا تَتَّبِعَن أَ فَعَصَیْتَ أَمْرِی * قالَ یَا بْنَ أُمَّ لا تَأْخُذْ بِلِحْیَتِي وَ لا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِیتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَیْنَ بَنِي إِسْرَائِیلَ وَ لَمْ تَرْقُبْ قَولی)؛ (1) [موسی] گفت: «ای هارون، وقتی دیدی آن ها گمراه شدند چه چیز مانع تو شد که از من پیروی کنی؟ آیا از فرمانم سر باز زدی؟» گفت: «ای پسر مادرم، نه ریش مرا بگیر و نه [موی] سرم را من ترسیدم بگویی: میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی و سخنم را مراعات نکردی.»

این موضوع نشان می دهد برای حفظ اتحاد امت اسلامی برجسته نمودن نقاط اختلاف بین فرقه های مسلمان روا نیست و اهانت هر فرقه ای به نمادهای مقدس فرقه ،دیگر جزء منکرات بزرگ به شمار می رود.

از سوی دیگر- چنان که پیشتر اشارت رفت - قرآن نسبت به برقراری رابطه دوستی با دشمنان سخت هشدار می دهد و به صراحت مجاهدان راه خدا را بر دیگر خدمت کاران به مسلمانان برتری می دهد (أَجَعَلْتُمْ سِقایَةَ الْحاجِّ وَعِمارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرام کَمَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَالْیَوْمِ الآخِرِ وَ جاهَدَ فِي سَبِیلِ اللّهِ... الَّذِینَ آمَنُوا وَهاجَرُوا وَ جاهَدُوا فِي سَبِیلِ اللّهِ بِأَمْوالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللّهِ وَ أُولئِكَ هُمُ الْفائِزُونَ)؛ (2) آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را همانند [کار] کسی پنداشته اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد می کند؟... کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته اند نزد خدا مقامی هر چه والاتر دارند و اینان همان رستگاران اند.

در آیه ای دیگر می فرماید:

(لا یَسْتَوِي الْقاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ غَیْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجاهِدُونَ فِي سَبِیلِ اللهِ بِأَمْوالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللهُ الْمُجاهِدِینَ بِأَمْوالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَیٰ الْقاعِدِینَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللهُ الْحُسْنیٰ وَفَضَّلَ اللهُ الْمُجاهِدِینَ عَلَیٰ الْقاعِدِینَ أَجْراً عَظِیماً * دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَ رَحْمَةً وَ كانَ اللهُ

1- طه / 92-94

2- توبه/ 19-20.

غَفُوراً رَحِیماً)؛ (1) مؤمنان خانه نشین که زیان دیده نیستند با آن مجاهدانی که با مال و جان خود در راه خدا جهاد می کنند یکسان نمی باشند خداوند کسانی را که با مال و جان خود جهاد می کنند به درجه ای بر خانه نشینان مزیت بخشیده و همه را خدا وعده [پاداش] نیکو داده، و [لی] مجاهدان را بر خانه نشینان به پاداشی بزرگ، برتری بخشیده است؛ [پاداش بزرگی که] به عنوان درجات و آمرزش و رحمتی از جانب او [نصیب آنان می شود] و خدا آمرزنده مهربان است.

مصداق بارز این آیه در عصر حاضر از یک سو حکومت وابسته آل سعود در عربستان است که خود را خادم حرمین شریفین و قیم مسلمانان می داند و از سوی دیگر حزب الله لبنان و نظام اسلامی در ایران است که راه جهاد و پایداری را برگزیده اند.

د: در عرصه عبادات. تردیدی نیست که نماز و زکات قرآنی (یعنی هرگونه کمک مالی به نیازمندان) در رأس واجبات است آنسان که از آیات برمی آید. از جمله، آن جا که عوامل سقوط به دوزخ را بی توجهی به آن ها می داند: (ما سَلَکَکُمْ فِي سَقَرَ * قَالُوا لَمْ نَکُ مِنَ الْمُصَلِّینَ * وَ لَمْ نَکُ نُطْعِمُ الْمِسْکین)؛ (2) «چه چیز شما را در آتش [سَقَر] درآورد؟» گویند: «از نمازگزاران نبودیم و بینوایان را غذا نمی دادیم.»

با این حال، مواردی از تزاحم در این زمینه وجود دارد که نیازمند تحلیل متون و اجتهاد است و نمونه آن در بحث بعدی خواهد آمد.

ه- : در عرصه تبلیغ. نیک روشن است که هر آن چه در مقام نظر و عمل اولویت دارد، در تبلیغ نیز باید در اولویت قرار گیرد بنابراین نهادهای مسئول امر تبلیغ همچون سازمان روحانیت و صدا و سیما باید تبلیغ موارد پیش گفته را در اولویت قرار دهند. با این حال یادکرد نکته ای سزامند است قرآن کریم تبلیغ یکی از ارزش ها را فرمان داده و نسبت به بی توجهی به آن سخت هشدار داده و تهدید نموده است و آن تشویق مردم به کمک مالی و رسیدگی به محرومان می باشد. بنگرید:

1- نساء / 95-96

2- مدثر / 42-44

(وَ أَمّا مَنْ أُوتِيَ كِتابَهُ بِشِمالِهِ فَيَقُولُ يا لَيْتَنی لَمْ أُوتَ كِتابِيَهْ * ... خُذُوهُ فَغُلُّوهُ * ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ * ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُها سَبْعُونَ ذِراعاً فَاسْلُكُوهُ * إِنَّهُ كانَ لا يُؤْمِنُ بِاللّهِ الْعَظِيمِ وَ لا يَحُضُّ عَلی طَعامِ الْمِسْكِينِ * فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هاهُنا حَمِيمٌ * وَ لا طَعامٌ إِلا مِنْ غِسْلِينٍ * لا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخاطِؤُونَ)، (1) و اما کسی که کارنامه اش به دست چپش داده شود، گوید: ای کاش کتابم را دریافت نکرده بودم..... [گویند] «بگیرید او را و در غُل کشید. آن گاه میان آتشش اندازید. پس در زنجیری که درازی آن هفتاد گز است وی را در بند کشید. چرا که او به خدای بزرگ نمی گروید. و به اطعام مسکین تشویق نمی کرد. پس امروز او را در این جا حمایتگری نیست و خوراکی جز چرکابه ندارد که آن را جز خطاکاران نمی خورند.»

این آیات، از کسی که دیگران را به اطعام مسکین ترغیب نمی کند، سخت انتقاد کرده و این ویژگی را در کنار ایمان نداشتن به خدا سبب گرفتار آمدن در عذاب های دوزخی و حسرت های قیامت دانسته است؛ چرا که آیات (إِنَّهُ كَانَ لا يُؤْمِنُ ... وَلا يَحُضُّ عَلی طَعامِ الْمِسْكِين) تعلیل آیات پیشین می باشد. در آیاتی دیگر نیز چنین مطلبی بازگو شده است. (2)

باری افراد در جامعه اسلامی پیوسته بخشی از درآمد خود را برای رضای خدا و کسب پاداش های اخروی به امور معنوی اختصاص می دهند، ولی به سبب ناآشنا بودن با اولویت های مورد نظر شرع و ضعف یا کوتاهی نهادهای فرهنگ ساز به ویژه صدا و سیما، شاهد افراط و تفریط های فراوانی در موارد تخصیص آن هستیم. برای مثال تبلیغات غیر سازمان یافته موجب گشته بسیاری از افراد هزینه های فراوانی را برای رفتن مکرر به حج یا عمره اختصاص دهند و با این کار مشکلات متعددی را برای افراد واجد شرایط وجوب و اعزام به حج پدید آورند، به گونه ای که در خصوص حج واجب مدت انتظار برای اعزام طی سه سال اخیر، به حدود بیست سال رسیده است. این در حالی است که از یک سو براساس روایات عهده دار شدن هزینه زندگی حتی یک خانوار نیازمند از ده ها حج غیر واجب، فضیلت فزون تری

1- حاقه / 25-37.

2- بنگرید به: ماعون / 3؛ فجر / 18.

دارد. (1) و از سوی دیگر، سوگمندانه رسانه های عمومی کم ترین تبلیغات را نیز در این عرصه ها ساماندهی و مدیریت نمی کنند/

حال به راستی آیا نهادهایی همچون صدا و سیما به آن اندازه که مستقیم یا غیر مستقیم از بازیگران و ورزشکاران و.... و حتی سفرهای زیارتی تبلیغ می کنند که نتیجه آن، موج احساسات عظیم و گاه مخرب و مهار نشدنی است که در سطح جامعه به راه می افتد آیا نسبت به موضوع مهم رسیدگی به محرومان تلاش می نمایند؟

و: در عرصه علمی و آموزشی. تأکید آموزه های اسلامی از یک سو بر فراگیری علم و دانش و از دیگر سو بر مفید بودن علم مورد طلب مسلمانان است. پناه بردن به خدا از علم غیر نافع در قالب «ادعیه اعوذ بک من علم لاینفع» (2) نشان از لزوم تمرکز نظام آموزشی و مطالعات افراد بر دانش های سودمند دارد؛ دانشی که به پیشرفت مادی، صنعتی و دنیوی بینجامد یا به کشف حقایق عالم و دستیابی به اسرار طبیعت منتهی گردد و یا به سود آخرت و معنویت فرد باشد.

توجه به این امر از یک سو لزوم بازنگری در متون درسی به هدف کارآمدسازی بیشتر آن ها را نمایان می سازد و از دیگر سو مسئولیت نویسندگان در ارائه مطالب سودمند برای جامعه را نشان می دهد باشد تا بار دیگر تفوق علمی مسلمانان مسلمانان بر جهان آن گونه که مطلوب اسلام است تحقق یابد.

نکته پایانی

اکنون با توجه به نکاتی که اختصار گونه مطرح شد هرگاه در جامعه ای، رباخواری

1- بنگرید به: (عن مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ (مُحَمَّدِ بْنِ) بِی عَبْدِ اَللَّهِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ خَلَفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ إِسْمَاعِیلَ اَلْجَوْهَرِیِّ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ عَلَیْهِ اَلسَّلاَمُ قَالَ: لَأَنْ أَحُجَّ حَجَّةً أَحَبُّ إِلَیَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ رَقَبَةً وَ رَقَبَةً حَتَّی اِنْتَهَی إِلَی عَشْرَهٍ وَ مِثْلَهَا وَ مِثْلَهَا حَتَّی اِنْتَهَی إِلَی سَبْعِینَ وَ لَأَنْ أَعُولَ أَهْلَ بَیْتٍ مِنَ اَلْمُسْلِمِینَ أُشْبِعَ جَوْعَتَهُمْ وَ أَکْسُوَ عَوْرَتَهُمْ وَ أَکُفَّ وُجُوهَهُمْ عَنِ اَلنَّاسِ أَحَبُّ إِلَیَّ مِنْ أَنْ أَحُجَّ حَجَّةً وَ حَجَّةً وَ حَجَّةً حَتَّی اِنْتَهَی إِلَی عَشْرٍ وَ عَشْرٍ وَ عَشْرٍ وَ مِثْلَهَا وَ مِثْلَهَا حَتَّی اِنْتَهَی إِلَی سَبْعِینَ). (کلینی، محمد بن یعقوب الکافي، ج 4، ص 2؛ حر عاملی، محمد بن حسن وسائل الشیعه، ج 6، ص 259-260)

2- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج 83، ص18.

و اکل مال یتیم و بی توجهی به حقوق مردم رواج داشته باشد، مردم از دروغ گویی و تظاهر و دادن نسبت هایی ناروا به افراد ابایی نداشته باشند رسیدگی به محرومان و تبلیغ برای آن کمرنگ ،باشد بی نظمی، جهل و بی سوادی و عقب ماندگی در آن موج ،زند در برقراری رابطه با دشمنان خدا تردیدی به خود راه ندهند و در عین حال تفرقه و نزاع در بین آنان حکم فرما باشد و... آیا صرفاً با نام اسلامی بودن یا تظاهر به برخی شعائر مذهبی و سرگرم شدن به مباحث کم اهمیت فکری می توان آن را جامعه اسلامی و قرآنی دانست؟ و آیا ترسیم چنین تابلوی از سوی برخی مسلمانان، خود منکری بزرگ نیست که چهره اسلام را در جهان مخدوش می سازد و نیازمند نهی از منکر دلسوزان و آگاهان می باشد؟!

نتایج بحث

1- وجود اهم و مهم در اجزای فرهنگ اسلامی ساختار سازی متناسب آن را در عرصه عمل الزامی می سازد، آن سان که عناصر کم اهمیت یا بی اهمیت، جای عناصر مهم را نگیرد و تصویری وارونه از جامعه اسلامی ارائه ندهد پیش نیاز این کار شناخت و آگاهی عمومی از اولویت ها و جایگاه هر یک از اجزای ارزشی یاد شده است که باید از سوی اندیشمندان و متخصصان اسلامی ،کشف و از سوی نهادهای تبلیغ و ،آموزش به عموم مردم منتقل گردد با توجه به این نکته، گروه ها و افراد آمر به معروف و ناهی از منکر نیز باید اولویت ها را بشناسند و در امر و نهی خود - به ویژه به هنگام تزاحم - اهم و مهم را رعایت کنند بر این اساس، می توان آگاهی از آن را یکی از شرایط امر به معروف و نهی از منکر دانست.

2- راه تشخیص اهم و مهم به طور کلی عقل و وحی است. در خصوص راه دوم، تصریحات و تأکیدات کتاب و سنت بر مواردی خاص اهم بودن آن ها را نشان می دهد.

3- در طرف ضد ارزش ها - که در نهی از منکر کاربرد دارد- تعیین گناهان کبیره هفت گانه و سپس دیگر گناهان کبیره و در مرحله بعد گناهان صغیره و در سمت ارزش ها تأکید بر مواردی خاص در عرصه های عقیده اخلاق و رفتار سیاست عبادت، تبلیغ و علم مصداق های اهم در شریعت اسلام را نشان می دهد، چنان که در

متن مقاله حاضر به اختصار بررسی گردید.

4- برای تحقق شناخت عمیق و مستند از اولویت ها از یک سو تحقیقات دقیق مبتنی بر قرآن، روایات و فقه و توجه به شرایط کنونی جامعه و جهان و از دیگر سو تلاش نهادهای تبلیغی و رسانه ها برای انتقال آن ها به عموم مردم، ضرورت دارد.

ص: 68

منابع

1. قرآن کریم

2. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، علل الشرائع، نجف، المکتبة الحیدریه، 1386ق.

3. عیون اخبار الرضا علیه السلام، تحقیق حسین اعلمی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، 1404ق.

4. من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، 1404ق.

5. انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، قم، مجمع الفکر الاسلامی، 1419ق.

6. بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، تحقیق محمدتقی ایروانی، قم، جامعه مدرسین، بی تا.

7. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تحقیق سید جلال الدین حسینی دار الکتب الاسلامیه بي تا.

8. توضیح المسائل مراجع تهیه و تنظیم محمدحسن بنی هاشمی خمینی، چاپ ششم: دفتر انتشارات اسلامی، 1380ش.

9. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربي، بي تا.

10. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.

11.-، المکاسب المحرمه، قم، مؤسسه اسماعیلیان، 1368ش.

12. شریف الرضي، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه و شرح سید علی نقی فیض الاسلام.

13. شهید ثانی زین الدین بن علی مسالك الافهام، قم، مؤسسة المعارف الاسلامیه، 1413ق.

14. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام چاپ چهارم: دار الکتب الاسلامیه،

ص: 69

1365ش.

15. علامه حلّی، حسن بن یوسف قواعد الاحکام، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، 1413ق.

16. –، منتهی المطلب، تبریز، حاج احمد، 1323.

17. کرکی، علی بن حسین، جامع المقاصد في شرح القواعد، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، 1408ق.

18. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافي، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ سوم تهران دار الکتب الاسلامیه، 1367ش.

19. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، چاپ سوم بیروت مؤسسة الوفاء، 1403ق.

20. محقق حلی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام تحقیق سید صادق شیرازی، چاپ دوم تهران، انتشارات الاستقلال، 1409ق.

21. مظفر، محمدرضا، اصول الفقه تحقیق عباس علی زارعی سبزواری، چاپ دوم قم، بوستان کتاب، 1424ق.

22. مفید محمد بن محمد بن نعمان، المقنعه، قم، جامعه مدرسین، 1410ق.

23. نجفی، محمدحسن بن باقر، جواهر الکلام، تحقیق عباس قوچانی، چاپ دوم: دار الکتب الاسلامیه 1365ش.

ص: 70

میزان توجه به امر به معروف و نهی از منکر در برنامه درسی «پیام های آسمانی» اول راهنمایی: عالیه ایزدی

اشاره

*میزان توجه به امر به معروف و نهی از منکر در برنامه درسی «پیام های آسمانی» اول راهنمایی: عالیه ایزدی (1)

مقدمه

با نگاهی گذرا به سـر قدمتی برابر حضور انسان در این کره خاکی دارد و از دیرباز در زمان ها و مکان های گوناگون، انسان های آزاده ای که بر پهنه زمین قدم گذارده اند دیگران را به نیکی ها و گذشت بشر در می یابیم که امر به معروف و نهی از منکر ارزش ها دعوت کرده اند و از عمل به کارهای زشت و ناپسند برحذر داشته اند.

تفاوت عمـده ای میان آرای اسـلامی و غربی در مورد امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد و آن این که اندیشه غربی بر امداد تأکید می کند و نهی از منکر را به فراموشـی می سـپارد و علت آن مبتنی بر این حقیقت است که در اندیشه غربی مقوله جرمِ بدون قربانی یا به عبارتی دیگر گناه مطلق، اگر نگوییم به کلی از میان رفته بیشتر اهمیت عملی اخلاقی خود را از دست داده است. (2)

فریضه امر به معروف و نهی از منکر بعد از اصول اساسی توحید و نبوت مورد توجه همهٔ ادیان آسمانی به ویژه ادیان ابراهیمی بوده است در تطبیق این فریضه به نظر می رسد که دین یهود و اسـلام بیشتر از دین زرتشت و مسـیحیت بر نهی از منکر تأکید دارند تا امر به معروف این فریضه در ادیان یهود و اسلام به حوزه عملی مربوط می شود و در این راه مبارزه بدنی را هم جایز می دانند حال آن که این موضوع

1- دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد مرودشت.

2- کوک، مایکل، امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی، ترجمه احمد نمایی، 1386ش.

در دین زرتشت و مسیح به حوزهٔ نظری مربوط می شود (1) بررسی های تاریخی نشان می دهد این امر حتی در جوامع اولیه و منهای مذهب نیز به صورت های مشابهی و گاهی با اندک اختلاف وجود داشته و دارد. (2)

این اصل در اسلام در شمار فروع دین است و بالذات به حوزه عمل تعلق دارد و در ابتدا به ابتکار معتزله وارد حوزه کلام اسلامی و مباحث نظری شد و در قرون بعد توسط دیگران به صورت یک سنت درآمد. (3) مسئله امر به معروف از همان روزهای اوّل بعثت در مکه مورد عنایت اسلام بوده است قرآن اولین وظیفه همه انبیاء را امر به معروف و نهی از منکر می داند. (4) می فرماید: «ما در میان هر امتی، پیامبری را مبعوث کردیم که مهمترین وظیفه آن ها دو چیز بود یکی امر به یکتاپرستی که بزرگ ترین معروف هاست و دوم نهی از اطاعت طاغوت ها که بزرگ ترین منکرهاست». (5)

آیات و روایات بسیاری، از جهات متعدد و متنوع این وظیفه اجتماعی، دینی و سیاسی را مورد تأکید قرار داده و ابعاد مختلف آن را گوشزد نموده اند علت برتری امت اسلامی بر دیگر امت ها نیز عمل به همین فریضه دانسته شده است:

(كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُؤْمِنُونَ بِاللّهِ؟) (6) شما مسلمانان به سبب این که به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر قیام می کنید و به خداوند ایمان دارید بهترین امت های جهان می باشید.

امام رضا علیه السلام در مورد اهمیت این فریضه فرمود اگر مردم آن دو وظیفه را ترک کنند عذاب سخت پروردگار آن ها را فراگیرد و خداوند نیکان را در محیط بدان هلاک سازد. (7)

همچنین یکی از نشانه های برتری یک فرد نسبت به فردی دیگر همین مسئله

1- فتح اللهی، علی بررسی تطبیقی دیدگاه ادیان و مذاهب پیرامون نظارت همگانی ص 221

2- قائمی، علی، جوان و نظارت اجتماعی، ص 81

3- جابری زاده، عبدالامیر، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ص 204

4- قرائتی، محسن، امر به معروف و نهی از منکر، ص 13

5- نحل / 36

6- آل عمران / 110.

7- مشکینی، علی نصایح (سخنان چهارده معصوم علیهم السلام)، ترجمه احمد جنتی، ص 9

است. کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می کننـد نزد خداوند، شـریف تر و عزیزتر از کسانی هسـتند که به این دو فریضه عمل نمی کنند. (1)

امر به معروف و نهی از منکر از مهمترین فرائض اسـلامی است ولی فقهای بزرگ ما که پرچم های اسلام و پاسداران احکام هستند، با این که برای بررسی و تبیین و اقامه دلیل و آسان کردن محل اخذ دلائل احکام تلاش فراوانی نموده اند، درباره این دو فریضه مهم ،الهی در باب و مورد خود به طور مشروح و کافی همچون دیگر امور فقهی بحث و بررسی نکرده اند. (2)

بنابراین برای حفظ و تـداوم انقلاب اسـلامی بایـد هویت آن را که باورهای دینی است تقویت نمود و لازمه این امر احیای امر به معروف و نهی از منکر به عنوان محور فرائض دینی است برای احیـای این دو فریضه بزرگ ضـروری است که آن را در قـالب اصول برگرفته از تعـالیم قرآن و بیانـات اولیـای دین به شـکلی جـذاب، نو و متفـاوت به اجرا درآورد و با پدیـده هایی همچون بحران هویت، بالا رفتن سن ازدواج، گرایش برخی از جوانان به بی بنـدوباری آلودگی های اخلاقی و مصـرف مواد مخـدر رفتارهای ضد اجتماعی و هنجار شـکن .... که ذهن اندیشمندان و دست اندرکاران امور فرهنگی و اخلاقی و تربیتی جامعه را سخت به خود مشغول نموده است به مقابله برخاست. (3) شاید بتوان گفت اولین گـام برای احیـای این دو اصل بزرگ اسـلام، طرح مباحث آن در کتب درسـی از دوره دبسـتان به بعـد است. لازم اسـت کودکـان و نوجوانـان و جوانـان به خوبی بـا این مسائل آشـنا و به جایگاه عظیمی که این دو واجب در اسـلام دارنـد واقف گردنـد. در دوره دانشگاه نیز مقتضی است مهمترین مسائل آن در یکی از کتب دروس عمومی که همه دانشجویان موظف به خواندن آن هستند تبیین گردد. (4)

نتایج پژوهشی با عنوان «نظر سنجی از اقشار فرهنگی پیرامون امر به معروف و نهی

1- شریفی، احمد حسین آیین زندگی اخلاق کاربردی، ص 124.

2- نوری همدانی، حسین امر به معروف و نهی از منکر، ترجمه محمدمهدی اشتهاردی، ص 23.

3- شرفی، محمدرضا، مطالعات روش شناختی در حوزه امر به معروف و نهی از منکر، ص 198

4- انصاری محمدجواد، امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، ص 57

از منکر» نشـان می دهـد که در مقـام اجرا تمایـل، جـامعه نسـبت به امر به معروف و نهی از منکر در جایگـاه پـایین تری قرار گرفته اسـت مهمترین مـانع تحقق امر به معروف و نهی از منکر مسائـل فرهنگی و آموزشـی است. همچنین در مجموع 62/4% از افراد مورد بررسی نسبت به اصل فریضه نگرش مثبتی نشان داده اند. (1)

ملک پور افشار و پور ابراهیمی (1379ش) در بررسی میزان دانش و نگرش دانش آموزان راهنمایی و دبیرستان شهر کرمان نسبت به فریضه امر به معروف و نهی از منکر نشان دادند که 46/33 همهٔ پاسخ دهندگان آگاهی لازم را نسبت به این فریضه دارند و 53/67 دانش و آگاهی لازم را ندارنـد بین نگرش کلی دانش آموزان دختر و پسـر تفاوت معنی داری وجود نـداشت از حداکثر نگرش (معیار از 0 تا 20) میانگین نگرش همـهٔ دانش آموزان پاسخ دهنده 7/26 بوده است. همچنین تفـاوت معنی داری بین نگرش دانش آموزان راهنمایی و متوسـطه وجود دارد به طوری که دانش آموزان مقطع راهنمایی دارای نگرش مثبت تری نسبت به امر و نهی هستند.

محمدیان و عباسی (1387 ش) تحقیقی را با عنوان مطالعه جامعه شـناختی فریضه امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه اسلام و عوامل مؤثر بر میزان گرایش شـهروندان تبریزی نسبت به این فریضه الهی با هدف بررسی دیدگاه اسلام در مورد امر به معروف و نهی از منکر و نیز سنجش میزان گرایش افراد به این فریضه در جامعه انجام دادند روش مطالعه در این تحقیق پیمایشی بوده و از دیگر روش های تحقیق مانند اسـنادی نیز اسـتفاده شـده است. نتایـج حاصل از تحقیق حاکی از آن است که به طور کلی ویژگی های فردی ماننـد سن، جنس و تأهل یا مجرد بودن تأثیری در گرایش آنان به امور معروف نداشته و متغیرهای دیگری همانند وضعیت اقتصادی آموزشی، گروه دوستان و نیز تشکل های مردمی و هیئت های مـذهبی بر گرایش افراد به امور معروف تأثیر مثبتی را دارا می باشـند. گفتنی است که در بین گروه های مرجع نیز گروه هـای روحـانیت خانواده گروه دوسـتان و نیز گروه های فرهنگیان تأثیر مثبت و شایان ذکری را بر روی گرایش افراد به امور معروف دارا می باشند.

غدیری خسروی نژاد و آزادبخت (1387ش) تحقیق بررسی موانع احیا و ترویج

ص: 74

1- صداقت نامدار، نظر سنجی از اقشار فرهنگی پیرامون امر به معروف و نهی از منکر، ص 37

امر به معروف و نهی از منکر را با هدف بررسی موانع و احیای این فریضه انجام دادند این تحقیق از نوع تحلیلی – توصیفی با روش پرسش نامه ای از 300 نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی خرم آباد در مقاطع تحصیلی مختلف با گرایش های تحصیلی متفاوت با توزیع تصادفی انجام شده است از جمله یافته های این پژوهش این بود که نگرش 66/8. نمونه نسبت به این فریضه مثبت بوده است و با افزایش میزان آگاهی سن و تحصیلات میزان تمایل به انجام این فریضه افزایش می یابد.

شرفی (1388ش) تحقیقی را با عنوان مطالعات روش شناختی در حوزه امر به معروف و نهی از منکر با هدف مشخص ساختن روش های کارآمد و مؤثر متکی به اصول مدوّن در حوزه امر به معروف و نهی از منکر انجام داد این پژوهش از نوع بنیادی و بر اساس روش توصیفی و تحلیلی انجام شد و 10 اصل و 20 روش امر به معروف و نهی از منکر را تبیین ساخت.

مزیدی، شیخ الاسلامی و احمدی (1388ش) تحقیقی با عنوان «بازتولید امر به معروف و نهی از منکر در گستره رشد» را با هدف توصیف و توجیه عملی روش های امر به معروف و نهی از منکر در انطباق با نظریه رشد روانی – اجتماعی اریکسون انجام دادند در این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی – تطبیقی به بررسی متون موجود دربارهٔ امر به معروف و نهی از منکر پرداخته و در تطابق با مبانی نظری رشد روانی – اجتماعی اریکسون روش های امر به معروف و نهی از منکر را در مراحل مختلف رشد انسان نشان دادند بر این اساس می توان با استفاده از یافته های علم روان شناسی امر به معروف و نهی از منکر را به عرصهٔ عمل وارد نمود و پی ریزی تربیت دینی را در پدیده امر به معروف و نهی از منکر آشکار کرد.

بحث پیرامون امر به معروف و نهی از منکر از دیرباز مورد توجه محققان و صاحب نظران بوده است؛ اما به دلیل گستردگی موضوع و مقتضیات زمان، در هر عصری ابعاد مختلفی از این دو فریضه الهی مورد پژوهش قرار می گیرد در نظام آموزش و پرورش کشور ما برنامه درسی مدارس یکی از اساسی ترین منابع و مراجع یادگیری دانش آموزان محسوب می شود و اکثر فعالیت ها در چارچوب برنامه های درسی قرار می گیرد موضوع بررسی میزان توجه به امر به معروف و نهی از منکر در

برنامه درسی «پیام های آسمانی» اول راهنمایی موضوع تازه ای است که تا به حال پژوهشی پیرامون آن صورت نگرفته است آن چه مسئله پژوهش حاضر را تشکیل می دهد این است که در اهداف و محتوای برنامه درسی «پیام های آسمانی» اول راهنمایی، چه میزان مفاهیم مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر و مانند آن ارائه شده است تا از این طریق بستر مناسبی برای تجدید نظر و ارائه پیشنهادهای لازم برای بازنگری و تغییر در برنامه درسی فراهم شود.

سؤالات پژوهش

1- در برنامه درسی «پیام های آسمانی» اول راهنمایی به چه میزان و چگونه به امر به معروف و نهی از منکر توجه شده است؟

2- در اهداف برنامه درسی «پیام های آسمانی» اول راهنمایی به چه میزان و چگونه به امر به معروف و نهی از منکر توجه شده است؟

3- در محتوای کتاب پیام های آسمانی» اول راهنمایی به چه میزان و چگونه به امر به معروف و نهی از منکر توجه شده است؟

4- به چه میزان به بعد شناختی امر به معروف و نهی از منکر در برنامه درسی «پیام های آسمانی» اول راهنمایی توجه شده است؟

5- به چه میزان به بعد عاطفی امر به معروف و نهی از منکر در برنامه برنامه درسی «پیام های آسمانی» اول راهنمایی توجه شده است؟

6- به چه میزان به بعد عملکردی امر به معروف و نهی از منکر در برنامه درسی «پیام های آسمانی» اول راهنمایی توجه شده است؟

روش تحقیق

روش انجام این پژوهش تلفیقی بوده است؛ یعنی از روش توصیفی و تحلیل محتوا استفاده شده است. در مرحله اول روش انجام پژوهش در گروه پژوهش های توصیفی است. در این مرحله با استفاده از منابع علمی و معتبر و پیشینه پژوهش مؤلفه های امر به معروف و نهی از منکر مشخص و فهرستی از مؤلفه ها تنظیم گردید. مرحله دوم انجام پژوهش، تحلیل محتوای برنامه درسی «پیام های آسمانی» اول راهنمایی بوده است.

از نظر کریپندورف (1) (1980م) و وبر (2) (1990م) تحلیل محتوا عبارت است از تکنیک نظام مند تبدیل عبارت ،متن به طبقات خاص بر اساس قوانین صـریح کدگذاری به منظور تعیین تأکیدات افراد، گروه ها و پیام های مندرج متن تحلیل همچنین برای پژوهشـگران امکان تلفیق داده ها را با استفاده از مجموعه ای از روشها فراهم می سازد

هولستی (3) (1969م) تحلیل محتوا را تکنیکی عینی و نظام منـد برای اسـتنباط پیام های موجود در یک متن تعریف می کند که می توان آن را در حوزه های دیگری مانند تحلیل نقاشی تا تحلیل فعالیت های مشاهده شده در یک نوار ویدئویی به کار برد.

در این پژوهش با استفاده از سیاهه های تحلیل محتوا که بر اساس مطالعات نظری در مرحله اول تنظیم شد اهداف و محتوای کتاب درسی «پیام های آسمانی» اول راهنمایی مورد تحلیل قرار گرفت تا میزان انطباق آن با مؤلفه های امر به معروف و نهی از منکر مشخص شود.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری در این پژوهش برنامه درسـی «پیام های آسـمانی» اول راهنمایی بود و کل جامعه مورد مطالعه قرار گرفت. بنابراین جامعه و نمونه آماری برابر است.

ابزار گردآوری اطلاعات

یک سـیاهه بر اساس مطالعات نظری پژوهش درباره امر به معروف و نهی از منکر به منظور میزان توجه اهـداف و محتوای برنامه درسـی به این مؤلفه ها و برای سه بُعد شناختی، عاطفی و عملکردی تنظیم شد.

روایی و پایایی ابزارها

برای بررسـی روایی محتوایی و صوری، سیاهه ها در اختیار ده نفر از استادان علوم تربیتی و معارف اسلامی دانشگاه های استان فارس قرار گرفت و پس از دریافت

1- krippendorff.

2- weber.

3- Holesti.

نظریات آن ها تجدید نظرهایی به عمل آمد و فهرست نهایی آن تنظیم شد. به منظور اطمینان از پایایی تحلیل محتوا، سیاهه ها در اختیار یک کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی قرار داده شد که به صورت موازی و همگام برنامه درسی مذکور را تحلیل محتوا نماید. مقدار ضریب توافق بین اندازه گیری های مستقل دو محقق حدود 0/93 برآورد شد که نشان از پایایی ابزار مورد استفاده دارد.

روش تحلیل داده ها

به منظور تحلیل داده های حاصل از سیاهه های تحلیل کتاب درسی از روش تحلیل محتوا استفاده شد. واحد تحلیل، جملات موجود در متن کتاب درسی بود. پس از مطالعه هر صفحه، جملات مربوط به مؤلفه های مورد نظر مشخص گردید و در سیاهه های مربوط وارد شد و در نهایت نسبت به محاسبه ،فراوانی درصد و میانگین و تفسیر و تحلیل یافته ها اقدام شد.

یافته های پژوهش

پژوهش مورد نظر میزان توجه به امر به معروف و نهی از منکر در برنامه درسی پیام های آسمانی اول راهنمایی بود.

سؤال کلی پژوهش آن بود که در برنامه درسی پیام های آسمانی اول راهنمایی به چه میزان و چگونه به امر به معروف و نهی از منکر توجه شده است؟

جدول شماره 1: میزان توجه به امر به معروف و نهی از منکر در برنامه درسی پیام های آسمانی موقعیت مورد تحلیل

عکس

موقعیت مورد تحلیل	اهداف		محتوا	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
مجموع جملات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر	۲۱	۴۰/۳۸	۴۷۶	۲۱/۹۲
مجموع جملات مندرج	۵۲	۱۰۰	۲۱۷۱	۱۰۰

ص: 78

جدول شماره 2: میزان توجه به امر به معروف و نهی از منکر در ابعاد شناختی، عاطفی و عملکردی

عکس

ابعاد	اهداف		محتوا	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
مجموع جملات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکردر بعد شناختی	۶	۲۸/۶	۲۵۳	۵۳/۲
مجموع جملات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در بعد عاطفی	۷	۳۳/۳	۱۲۱	۲۵/۴
مجموع جملات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در بعد عملکردی	۸	۳۸/۱	۱۰۲	۲۱/۴
مجموع کل جملات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر	۲۱	۱۰۰	۴۷۶	۱۰۰

در پاسخ به سؤال کلی پژوهش، میزان توجه به امر به معروف و نهی از منکر در اهداف و محتوای کتاب پیام های آسمانی اول راهنمایی مورد تحلیل قرار گرفت. همان طور که جدول شماره (1) گویاست چنین جمع بندی شد که از 52 جمله مندرج در ،اهداف 21 جمله مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر و از 2171 جمله محتوا، 476 جمله مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر بوده است بنابراین 40/38 درصد از جملات اهداف و 21/92 درصد از جملات محتوای کتاب مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر می باشد.

همچنین میزان توجه به امر به معروف و نهی از منکر در ابعاد شناختی، عاطفی و عملکردی در اهداف و محتوای برنامه درسی «پیام های آسمانی» مورد تحلیل قرار گرفت. همان طور که جدول (شماره 2) گویاست از 21 جمله مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در اهداف 6 جمله به بُعد شناختی، 7 جمله به بعد عاطفی و 8 جمله به بعد عملکردی پرداخته است. بنابراین از 21 جمله مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در اهداف 28/6 درصد به بعد شناختی، 33/3 درصد به بعد عاطفی و 38/1 درصد به بعد عملکردی پرداخته است و از 476 جمله مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در محتوا 253 جمله مرتبط با بعد شناختی، 121 جمله مرتبط با بعد عاطفی و 102 جمله مرتبط با بعد عملکردی می باشد. بنابراین از 476 جمله مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر 53/2 درصد در ارتباط با بعد شناختی، 25/4 درصد در ارتباط با بعد عاطفی و 21/4 درصد در ارتباط با بعد عملکردی می باشد.

میزان توجه به امر به معروف و نهی از منکر در اهداف برنامه درسی «پیام های آسمانی» اول راهنمایی

اولین سؤال فرعی پژوهش آن بود که در اهداف برنامه درسی «پیام های آسمانی»

ص: 79

اول راهنمایی به چه میزان و چگونه به امر به معروف و نهی از منکر توجه شده است؟

جدول شماره 3: میزان توجه به امر به معروف و نهی از منکر در اهداف برنامه درسی پیام های آسمانی اول راهنمایی

عکس

امر به اقامه نماز	۳	۱۴/۳
امر به احسان و نیکوکاری	۲	۹/۵
امر به عدالت‌ورزی	-	-
امر به حیا و عفت	-	-
امر به صبر و استقامت	۳	۱۴/۳
امر به وحدت	۲	۹/۵
امر به احترام به والدین و بزرگ‌ترها	۵	۲۳/۸
نهی از خرافات	-	-
نهی از تبعیض در احکام دین	-	-
نهی از مد پرستی و تقلید کورکورانه	-	-
نهی از شرکت در جلسات گناه	-	-
نهی از تهمت و آبروریزی	۳	۱۴/۳
نهی از سوء ظن و تجسس و غیبت	-	-
نهی از سخن‌چینی	-	-
نهی از بی‌تفاوتی نسبت به دیگران	۳	۱۴/۳
مجموع جملات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر	۲۱	۱۰۰
مجموع کل جملات مندرج در اهداف	۵۲	-
درصد جملات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در کل اهداف	-	۴۰/۳۸

در پاسخ به این سؤال جملات مندرج در اهداف بر اساس سیاهه امر به معروف و نهی از منکر مورد تحلیل قرار گرفت. همان طور که جدول (شماره 3) گویاست از 52 جمله مندرج در اهداف 21 جمله مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر بوده است که 40/38 درصد از جملات اهداف مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر می باشد.

میزان توجه به امر به معروف و نهی از منکر در محتوای کتاب «پیام های آسمانی» اول راهنمایی

سؤال دیگر پژوهش این بود که در محتوای کتاب پیام های آسمانی اول راهنمایی

ص: 80

به چه میزان و چگونه به امر به معروف و نهی از منکر توجه شده است؟

جدول شماره 4: میزان توجه به امر به معروف و نهی از منکر در محتوای کتاب پیام های آسمانی اول راهنمایی

عکس

امر به اقامه نماز	۱۸۹	۳۹/۷
امر به احسان و نیکوکاری	۷۲	۱۵/۲
امر به عدالت‌ورزی	۲۱	۴/۴
امر به حیا و عفت	۲۱	۴/۴
امر به صبر و استقامت	۳۷	۷/۸
امر به وحدت	۱۰	۲/۱
امر به احترام به والدین و بزرگ‌ترها	۱۶	۳/۴
نهی از خرافات	-	-
نهی از تبعیض در احکام دین	-	-
نهی از مد پرستی و تقلید کورکورانه	-	-
نهی از شرکت در جلسات گناه	۱	۰/۲
نهی از تهمت و آبروریزی	۲۳	۴/۸
نهی از سوء ظن و تجسس و غیبت	۷	۱/۴
نهی از سخن‌چینی	۴	۰/۸
نهی از بی‌تفاوتی نسبت به دیگران	۷۵	۱۵/۸
مجموع جملات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر	۴۷۶	۱۰۰
مجموع کل جملات مندرج در اهداف	۲۱۷۱	-
درصد جملات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر درکل اهداف	-	۲۱/۹۲

در پاسخ به این سؤال جملات مندرج در محتوای کتاب «پیام های آسمانی» براساس سیاهه امر به معروف و نهی از منکر مورد تحلیل قرار گرفت. همان طور که جدول (شـماره 4) گویاست از 2171 جمله مندرج در محتوا، 476 جمله مرتبـط با امر به معروف و نهی از منکر بوده است که 21/92 درصد از جملات مندرج در محتوا مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر می باشد.

میزان توجه به بعد شناختی امر به معروف و نهی از منکر در برنامه درسی «پیام های آسمانی» اول راهنمایی

سؤال دیگر پژوهش این بود که به چه میزان به بعد شناختی امر به معروف و نهی

ص: 81

از منکر در برنامه درسی «پیام های آسمانی» اول راهنمایی توجه شده است؟

جدول شماره 5: میزان توجه به بعد شناختی امر به معروف و نهی از منکر در برنامه درسی پیام های پیام های آسمانی اول راهنمایی

عکس

مؤلفه‌های مورد تحلیل در بُعد شناختی	اهداف		محتوا	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
آشنایی با نماز	۱	۱۶/۶۶	۱۰۰	۳۹/۵
آشنایی با احسان و نیکوکاری	-	-	۳۵	۱۳/۸
شناخت عدالت ورزی	-	-	۱۷	۶/۷
آشنایی با حیا و عفت	-	-	۱۴	۵/۵
شناخت صبر و استقامت	۱	۱۶/۶۶	۲۵	۱۰
شناخت وحدت	۱	۱۶/۶۶	۱۰	۳/۹
آشنا شدن با احترام به والدین و بزرگ‌ترها	۱	۱۶/۶۶	۴	۱/۶
آشنایی با بد بودن خرافات	-	-	-	-
شناخت بد بودن تبعیض در احکام دین	-	-	-	-
شناخت زشت بودن مدپرستی و تقلید کورکورانه	-	-	-	-
آشنا شدن با بدی شرکت در جلسات گناه	-	-	۱	۰/۴
آشنایی با زشت بودن تهمت و آبروریزی	۱	۱۶/۶۶	۲۰	۷/۹
آشنایی با زشت بودن سوء ظن و تجسس و غیبت	-	-	۳	۱/۲
آشنایی با قبیح بودن سخن‌چینی	-	-	-	-
شناخت بدی بی‌تفاوتی نسبت به دیگران	۱	۱۶/۶۶	۲۴	۹/۵
مجموع جملات مرتبط با بعد شناختی	۶	۱۰۰	۲۵۳	۱۰۰
مجموع کل جملات مندرج	۵۲	۱۱/۵۳	۲۱۷۱	۱۱/۶۵
درصد جملات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در بُعد شناختی نسبت به مجموع کل جملات				
مجموع جملات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر	۲۱	۲۸/۶	۴۷۶	۵۳/۲
درصد جملات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در بُعد شناختی نسبت به مجموع جملات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر				

در پاسخ به این سؤال جملات مندرج در اهداف بر اساس سیاهه امر به معروف و نهی از منکر مورد تحلیل قرار گرفت. همان طور که جدول (شماره 5) گویاست، از 21 جمله مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در اهداف، 6 جمله به بعد شناختی پرداخته است که 28/6 درصد از جملات اهداف مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در ارتباط با بعد شناختی می باشد همچنین جملات مندرج در محتوای کتاب «پیام های آسمانی» بر اساس سیاهه امر به معروف و نهی از منکر مورد تحلیل قرار

ص: 82

گرفت. همان طور که جدول (شماره 5) گویاست از 476 جمله مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر 253 جمله به بعد شناختی پرداخته است که 53/2 درصد از جملات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در محتوا مرتبط با بعد شناختی می باشد.

میزان توجه به بعد عاطفی امر به معروف و نهی از منکر در برنامه درسی پیام های آسمانی اول راهنمایی

سؤال دیگر پژوهش این بود که به چه میزان به بعد عاطفی امر به معروف و نهی از منکر در برنامه درسی «پیام های آسمانی» اول راهنمایی توجه شده است؟

جدول شماره 6: میزان توجه به بعد عاطفی امر به معروف و نهی از منکر در برنامه درسی پیام های آسمانی اول راهنمایی

عکس

مؤلفه‌های مورد تحلیل در بُعد عاطفی	اهداف		محتوا	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
علاقه‌مند شدن به اقامه نماز	۱	۱۴/۲۸	۴۶	۳۸
گرایش به احسان و نیکوکاری	-	-	۱۹	۱۵/۷
اشتیاق به عدالت ورزی	-	-	۲	۱/۷
نگرش مثبت به حیا و عفت	-	-	۴	۳/۳
نگرش مثبت به صبر و استقامت	۱	۱۴/۲۸	۱۰	۸/۲
احساس نیک به وحدت	۱	۱۴/۲۸	-	-
علاقه‌مندی به احترام به والدین و بزرگ‌ترها	۲	۲۸/۵۷	۲	۱/۷
حس انزجار به خرافات	-	-	-	-
حس انزجار به تبعیض در احکام دین	-	-	-	-
متنفر شدن از مدپرستی و تقلید کورکورانه	-	-	-	-
احساس تنفر نسبت به شرکت در جلسات گناه	-	-	-	-
متنفر شدن از تهمت و آبروریزی	۱	۱۴/۲۸	-	-
متنفر شدن از سوء ظن و تجسس و غیبت	-	-	۴	۳/۳
متنفر شدن از سخن‌چینی	-	-	۳	۲/۵
عدم علاقه به بی‌تفاوتی نسبت به دیگران	۱	۱۴/۲۸	۳۱	۲۵/۶
مجموع جملات مرتبط با بُعد عاطفی	۷	۱۰۰	۱۲۱	۱۰۰
مجموع کل جملات مندرج	۵۲	۱۳/۴۷	۲۱۷۱	۵/۵۷
درصد جملات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در بُعد عاطفی نسبت به مجموع کل جملات				

عکس

مجموع جملات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر	۲۱	۳۳/۳	۴۷۶	۲۵/۴
درصد جملات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در بعد عاطفی نسبت به مجموع جملات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر				

در پاسخ به این سؤال جملات مندرج در اهداف بر اساس سیاهه امر به معروف و نهی از منکر مورد تحلیل قرار گرفت همان طور که جدول (شماره 6) گویاست از 21 جمله مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در اهداف 7 جمله به بعد عاطفی پرداخته است که 33/3 درصد از جملات اهداف مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در ارتباط با بعد عاطفی می باشد همچنین جملات مندرج در محتوای کتاب پیام های آسمانی بر اساس سیاهه امر به معروف و نهی از منکر مورد تحلیل قرار گرفت. همان طور که جدول (شماره 6) گویاست از 476 جمله مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر 121 جمله به بعد عاطفی پرداخته است که 25/4 درصد از جملات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در محتوا مرتبط با بعد عاطفی می باشد.

میزان توجه به بعد عملکردی امر به معروف و نهی از منکر در برنامه درسی «پیام های آسمانی» اول راهنمایی

سؤال دیگر پژوهش این بود که به چه میزان به بعد عملکردی امر به معروف و نهی از منکر در برنامه درسی «پیام های آسمانی» اول راهنمایی توجه شده است؟

جدول شماره 7: میزان توجه به بعد عملکردی امر به معروف و نهی از منکر در برنامه درسی پیام های آسمانی اول راهنمایی

عکس

مؤلفه‌های موردتحلیل در بُعد عملکردی	اهداف		محتوا	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
برپاداشتن نماز	۱	۱۲/۵	۴۳	۴۲/۱
انجام احسان و نیکوکاری	۲	۲۵	۱۸	۱۷/۶
توانایی نسبت به عدالت ورزی	-	-	۲	۲
رعایت حیا و عفت	-	-	۳	۳
توانایی صبر و استقامت	۱	۱۲/۵	۲	۲

ص: 84

عکس

اقدام برای وحدت داشتن	-	-	-	-
تلاش برای احترام به والدین و بزرگ‌ترها	۲	۲۵	۱۰	۹/۸
عدم قبول خرافات	-	-	-	-
تبعیض قائل نشدن در احکام دین	-	-	-	-
پیرو مدیرستی و تقلید کورکورانه نبودن	-	-	-	-
عدم شرکت در جلسات گناه	-	-	-	-
انجام ندادن تهمت و آبروریزی	۱	۱۲/۵	۳	۲/۹
سوء ظن نداشتن و عدم انجام تجسس و غیبت	-	-	-	-
عدم انجام سخن‌چینی	-	-	۱	۱
تلاش برای قبول مسئولیت نسبت به دیگران	۱	۱۲/۵	۲۰	۱۹/۶
مجموع جملات مرتبط با بُعد عملکردی	۸	۱۰۰	۱۰۲	۱۰۰
مجموع کل جملات مندرج	۵۲		۲۱۷۱	
درصد جملات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در بُعد عملکردی نسبت به مجموع کل جملات		۱۵/۳۸		۴/۷
مجموع جملات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر	۲۱		۴۷۶	
درصد جملات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در بُعد عملکردی نسبت به مجموع جملات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر		۳۸/۱		۲۱/۴

در پاسخ به این سؤال جملات مندرج در اهداف بر اساس سیاهه امر به معروف و نهی از منکر مورد تحلیل قرار گرفت همان طور که جدول (شماره 7) گویاست، از 21 جمله مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در اهداف 8 جمله به بعد عملکردی پرداخته است که 38/1 درصد از جملات اهداف مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در ارتباط با بعد عملکردی می باشد. همچنین جملات مندرج در محتوای کتاب پیام های آسمانی بر اساس سیاهه امر به معروف و نهی از منکر مورد تحلیل قرار گرفت. همان طور که جدول (شماره 7) گویاست از 476 جمله مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر 102 جمله به بعد عملکردی پرداخته است که 21/4 درصد از جملات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در محتوا مرتبط با بعد عملکردی می باشد.

ص: 85

بحث و نتیجه گیری

سؤال کلی پژوهش آن بود که در برنامه درسی «پیام های آسمانی» اول راهنمایی به چه میزان و چگونه به امر به معروف و نهی از منکر توجه شده است؟

در پاسخ به سؤال کلی پژوهش میزان توجه به امر به معروف و نهی از منکر در اهداف و محتوای کتاب «پیام های آسمانی» اول راهنمایی مورد تحلیل قرار گرفت. همان طور که در جدول (شماره 1) مطرح شد 40/38 درصد از جملات اهداف و 21/92 درصد از جملات محتوای کتاب مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر می باشد همچنین میزان توجه به امر به معروف و نهی از منکر در ابعاد شناختی، عاطفی و عملکردی در اهداف و محتوای برنامه مذکور مورد تحلیل قرار گرفت. همان طور که در جدول (شماره 2) مطرح شد از 21 جمله مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در اهداف 28/6 درصد به بعد شناختی 33/3 درصد به بعد عاطفی و 381 درصد به بعد عملکردی پرداخته است که بیشترین توجه در اهداف به بعد عملکردی می باشد و از 476 جمله مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر 53/2 درصد در ارتباط با بعد شناختی 25/4 درصد در ارتباط با بعد عاطفی و 21/4 درصد در ارتباط با بعد عملکردی می باشد که بیشترین توجه در محتوا به بعد شناختی است در صورتی که برای ایجاد علاقه و نگرش مثبت نسبت به مؤلفه های امر به معروف و نهی از منکر بهتر است در بعد عاطفی توجه بیشتری گردد.

اولین سؤال فرعی پژوهش آن بود که در اهداف برنامه درسی «پیام های آسمانی» اول راهنمایی به چه میزان و چگونه به امر به معروف و نهی از منکر توجه شده است؟

در پاسخ به این سؤال جملات مندرج در اهداف بر اساس سیاهه امر به معروف و نهی از منکر مورد تحلیل قرار گرفت. همان طور که در جدول (شماره 3) مطرح شد، از 52 جمله مندرج در اهداف 21 جمله مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر بوده است که 40/38 درصد از جملات اهداف مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر می باشد که بیشترین توجه به مؤلفه امر به احترام به والدین و بزرگ ترها با فراوانی 5 مورد و 23/8 درصد می باشد و مؤلفه های امر به عدالت ورزی، امر به حیا و عفت، نهی از خرافات، نهی از تبعیض در احکام دین، نهی از مدپرستی و تقلید کورکورانه،

نهی از شرکت در جلسات گناه، نهی از سوءظن و تجسس و غیبت و نهی از سخن چینی رد بی توجهی قرار گرفته است. در تبیین این سؤال می توان بیان داشت که میزان توجه به این فریضه در اهداف متوسط و در سایر مؤلفه ها ضعیف می باشد.

سؤال دیگر پژوهش این بود که در محتوای کتـاب «پیـام هـای آسـمانی» اول راهنمـایی چه میزان و چگونه به امر به معروف و نهی از منکر توجه شده است؟

در پاسخ به این سؤال جملات مندرج در محتوای کتاب پیام های آسـمانی بر سیاهه امر به معروف و نهی از منکر مورد تحلیل قرار گرفت. همان طور که در دول (شماره 4) مطرح شد از 2171 جمله مندرج در محتوا 476جمله مرتبط با امر معروف و نهی از منکر بوده اسـت که 21/92 درصـد از جملات منـدرج در محتوا بط با امر به معروف و نهی از منکر می.باشـد چنان که گویاست، بیشترین فراوانی را امر به اقـامه نماز داراست که فراوانی آن 189 مورد و 39/7 درصـد می باشـد و مولفه های نهی از خرافات نهی از تبعیض در احکام ،دین نهی از مـدپرستی و تقلیـد کـورانه مـورد بی تـوجهی قرار گرفته است در تـبیین این سـؤال می توان بیـان داشت میزان توجه به این فریضه در محتوا ضعیف و از بین مؤلفه ها میزان توجه به مؤلفه ز در حد متوسط و بقیه مؤلفهها ضعیف می باشد

سؤال دیگر پژوهش این بود که به چه میزان به بعد شـناختی امر به معروف و نهی از منکر در برنامه درسـی پیام های آسـمانی اول راهنمایی توجه شده است؟

در پاسـخ به این سؤال جملات منـدرج در اهـداف بر اساس سـیاهه امر به معروف نهی از منکر مورد تحلیل قرار گرفت. همان طور که در جدول (شماره 5) مطرح شد، 21 جمله مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در اهداف، 6 جمله به بعد شناختی شناخته است که 28/6 درصد از جملات اهداف مرتبط با امر به معروف و نهی از در ارتباط با بعد شناختی می باشد. بنابراین کمترین توجه نسبت به سایر ابعاد در بعد شناختی می باشد و بیشترین فراوانی امر به اقامه نماز، امر به صبر و استقامت، امر به وحدت، امر به احترام به والدین و بزرگترها، نهی از تهمت و آبروریزی، نهی از بی تفاوتی نسبت به دیگران که هر یک با فراوانی 1 مورد می باشد و مولفه های امر به احسان و نیکوکاری امر به عدالت ورزی امر به حیا و عفت نهی از

خرافات، نهی از تبعیض در احکام دین نهی از مـدپرستی و تقلید کورکورانه، نهی از شـرکت در جلسات گناه نهی از سوء ظن و تجسـس و غیبت، نهی از سـخن چینی مورد بی توجهی قرار گرفته است. همچنین جملاـت منـدرج در محتوای کتاب «پیام های آسـمانی» بر اساس سیاهه امر به معروف و نهی از منکر مورد تحلیل قرار گرفت. همان طور که در جدول (شـماره 5) مطرح شد از 476 جمله مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر 253 جمله به بعد شـناختی پرداخته است که 53/2 درصـد از جملاـت مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در محتوا مرتبط با بعد شـناختی می باشد. بنابراین بیشترین توجه نسـبت به سایر ابعاد در محتوا به بعد شـناختی می باشد از مؤلفه های مطرح شـده در محتوا بیشترین توجه به امر به اقامه نماز با فراوانی 100 مورد و 39/5 درصد و کمترین توجه به نهی از شـرکت در جلسات گناه با فراوانی 1 مورد می باشـد و مؤلفه های نهی از خرافات نهی از تبعیض در احکام دین، نهی از مـدپرستی و تقلید کورکورانه و نهی از سـخن چینی مورد بی توجهی قرار گرفته است در تبیین این سؤال می توان بیان داشت که میزان توجه به بعد شـناختی امر به معروف و نهی از منکر در اهـداف ضـعیف و در محتوا متوسط می باشد در محتوا از میان مؤلفه ها میزان توجه به بعد شـناختی مؤلفه نماز متوسط و میزان توجه به بعد شناختی سایر مؤلفه ها ضعیف است.

سؤال دیگر پژوهش این بود که به چه میزان به بعد عاطفی امر به معروف و نهی از منکر در برنامه درسـی «پیام های آسمانی» اول راهنمایی توجه شده است؟

در پاسـخ به این سؤال جملات مندرج در اهداف بر اساس سـیاهه امر به معروف و نهی از منکر مورد تحلیل قرار گرفت. همان طور که در جدول (شماره 6) مطرح شد، از 21 جمله مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در اهـداف، جمله به بعد عاطفی پرداخته است که 33/3 درصد از جملات اهداف مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در ارتباط با بعد عاطفی می باشد که بیشترین توجه به مؤلفه امر به احترام به والـدین و بزرگترها با فراوانی 2 مورد و 28/57 درصـد می باشـد و مؤلفه های امر به احسان و نیکوکاری امر به عـدالت ورزی امر به حیا و عفت نهی از خرافات نهی از تبعیض در احکام دین نهی از مدپرستی و تقلید کورکورانه نهی از شرکت در

جلسـات گنـاه، نهی از سـوء ظن و تجسـس و غیبت نهی از سـخن چینی مـورد بی توجهی قرار گرفته است همچنین جملاـت منـدرج در محتوای کتاب «پیام های آسمانی» بر اساس سیاهه امر به معروف و نهی از منکر مورد تحلیل قرار گرفت. همان طور که در جدول (شماره 6) مطرح شد از 476 جمله مرتبـط با امر به معروف و نهی از منکر 121 جمله به بعد عاطفی پرداخته است که 25/4 درصد از جملات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در محتوا مرتبط با بعـد عاطفی می باشـد و بیشترین فراوانی مربوط به مؤلفه امر به اقامه نماز با فراوانی 46 مـورد و 38 درصـد می باشـد و مـؤلفه هـای امر به وحـدت نهی از خرافـات نهی از تبعیض در احکـام دین نهی از مـدپرستی و تقلید کورکورانه نهی از شـرکت در جلسـات گنـاه و نهی از تهمت و آبروریزی مورد بی توجهی قرار گرفته است در تبیین این سؤال می توان بیـان داشت که میزان توجه به بعـد عاطفی امر به معروف و نهی از منکر در اهـداف متوسط و در محتوا ضـعیف می باشد در محتوا از میان مؤلفه ها میزان توجه به بعد عاطفی مؤلفه نماز متوسط و میزان توجه به بعد عاطفی دیگر مؤلفه ها ضعیف است.

سـؤال دیگر پژوهش این بـود که به چه میزان به بعـد عملکردی امر به معروف و نهی از منکر در برنـامه درسـی «پیـام هـای آسـمانی» اول راهنمایی توجه شده است؟

در پاسـخ به این سؤال جملات منـدرج در اهداف بر اساس سـیاهه امر به معروف و نهی از منکر مورد تحلیل قرار گرفت همان طور که در جدول (شماره 7) مطرح شد از 21 جمله مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در اهـداف، 8 جمله به بعد عملکردی پرداخته است که 38/1 درصد از جملات اهداف مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در ارتباط با بعد عملکردی می باشد بنابراین بیشترین توجه نسبت به دیگر ابعاد در اهداف به بعد عملکردی می باشد. در این بعد بیشترین توجه به مؤلفه های امر به احسان و نیکوکاری و امر به احترام به والدین و بزرگترها و هر کـدام با فراوانی 2 مورد و 25 درصـد می باشـد. همچنین جملات مندرج در محتوای کتاب پیام های آسـمانی بر اساس سیـاهه امر به معروف و نهی از منکر مورد تحلیل قرار گرفت همان طور که در جـدول شـماره 7 مطرح شد از 476 جمله مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر 102 جمله به بعد عملکردی پرداخته است که 21/4 درصد از

جملاـت مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در محتوا مرتبط با بعـد عملکردی می باشـد و کمترین میزان توجه نسـبت به دیگر ابعاد در محتوا به بعـد عملکردی می باشد. بیشترین توجه به مؤلفه امر به اقامه نماز با فراوانی 43 مورد و 42/1 درصد می باشد و مؤلفه های امر به وحدت نهی از خرافات نهی از تبعیض در احکام دین نهی از مدپرستی و تقلید کورکورانه نهی از شـرکت در جلسات ،گناه نهی از سوءظن و تجسـس و غیبت مورد بی توجهی قرار گرفته است در تبیین این سؤال می توان بیان داشت که میزان توجه به بعد عملکردی امر به معروف و نهی از منکر در اهداف متوسط و در محتوا ضعیف می باشد و در محتوا از میان مؤلفه ها میزان توجه به بعد عملکردی مؤلفه نماز متوسط و میزان توجه به بعد عملکردی دیگر مؤلفه ها ضعیف است.

بیشترین فراوانی جملاـت مرتبـط بـا امر به معروف و نهی از منکر در اهـداف به ترتیب در بعـد عملکردی عاطفی و شـناختی می باشـد در صورتی که در محتوا بیشترین فراوانی به ترتیب در بُعـد شـناختی، عاطفی و عملکردی می باشـد و این دقت برنامه ریزان را در تهیه و تدوین اهـداف و محتوا می طلبـد بـا توجه به اهمیت مؤلفه امر به حیـا و عفت لاـزم است در ایجاد نگرش مثبت و درونی کردن اهمیت حجاب و عفاف برای نوجوانان توجه بیشتری مبذول گردد همچنین با زیاد شدن مدپرستی در جامعه و تقلیدهای کورکورانه نوجوانان، بهتر است برای آشنایی بیشتر نوجوانان اهمیت بیشتری در برنامه درسی به این مؤلفه داده شود با توجه به اهمیت امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از فروع دین پیشـنهاد می شود درسـی با این عنوان برای آشنایی دانش آموزان با این فریضه به عنوان یکی از واجبات لحاظ گردد و این دقت بیشتر برنامه ریزان را می طلبد.

ص: 90

منابع

1. قرآن کریم.

2. انصاری محمدجواد امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی رحمه الله (فیروز رضایی گردآورنده)؛ دفتری برای تذکر ،لسانی ،تبریز اداره کل آموزش و پرورش آذربایجان شرقی – معاونت آموزشی، ستاد احیای امر به معروف و نهی از ،منکر، 1389ش.

3. جابری زاده، عبد الامیر دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: انتشارات مرکز دائرة المعارف، 1380ش.

4. شرفی محمدرضا مطالعات روش شناختی در حوزهٔ امر به معروف و نهی از منکر، مجموعه مقالات مفهوم شناسی نظریه پردازی و نوآوری در حوزه امر به معروف و نهی از منکر شیراز، مرکز پژوهش های اسلامی دانشگاه شیراز و ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر استان فارس، 1388ش.

5. شریفی، احمد حسین، آیین زندگی اخلاق کاربردی (تدوین نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها) مرکز برنامه ریزی و تدوین متون درسی، قم، دفتر نشر معارف 1384ش.

6. صداقت نامدار نظر سنجی از اقشار فرهنگی پیرامون امر به معروف و نهی از منکر، چکیده مقالات نخستین اجلاس پژوهش امر به معروف و نهی از منکر ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، 1379ش.

7. غدیری، جهان بخش – خسروی نژاد کبری – آزاد بخت، نادر بررسی موانع احیاء و ترویج امر به معروف و نهی از منکر، مجموعه مقالات همایش ملی نظارت همگانی، خرم آباد دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد، 1387ش.

8. فتح اللهی، علی، بررسی تطبیقی دیدگاه ادیان و مذاهب پیرامون نظارت همگانی، مجموعه مقالات همایش ملی نظارت همگانی، خرم آباد، دانشگاه آزاد

ص: 91

.Methodology. Beverly Hills

.Weber, R. Ph. (1990). Basic Content Analysis. Newbury park. C. A. Sage .19

The amount of attention paid to commanding right and forbidding wrong in the first grade of the . 20 .secondary school curriculum of Payamhaye Asemani

.Abstract .21

The aim of this research was studying the amount of attention paid to commanding right and forbidding . 22 wrong in the first grade of the secondary school curriculum of Payamhaye Asemani."This is a descriptive research based on content analysis. The subject of this research was curriculum of Payamhaye Asemani in the Iranian highschool which was totally analyzed. The instruments for this research were the table of certified goals for Payamhaye Asemani; the table for Payamhaye Asemani textbook analysis which has been written after the theoretical bases and legal grounds were studied Validity of the instruments was certified by educational sciences experts in university; also, the reliability of the instruments were estimated as 0.93. Unit of analysis were sentences in the body of

the curriculum elements (goals, content). The results showed that the 40/38 percent and 21/92 percent of the sentences related to commanding right and forbidding wrong in the content is denied. More

.attention to functional as well as the objectives and content in the most attention are cognitive

.Keywords: Commanding Right Forbidding Wrong, Payamhaye Asemani Curriculum, Content Analysis

اسلامی واحد خرم آباد، 1387ش.

9. قائمی، علی، جوان و نظارت اجتماعی ،تهران ستاد امر به معروف و نهی از منکر سازمان صدا و سیما 1382 ش.

10. قرائتی، محسن، امر به معروف و نهی از منکر ،قم مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، 1377ش.

11. کوک، مایکل، امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی، ترجمه احمد نمایی، مشهد بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، 1386ش، سال تألیف اثر به زبان اصلی 2002م

12. محمدیان، مهرداد – عباسی کاظم، مطالعه جامعه شناختی فریضه امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه اسلام و عوامل مؤثر بر میزان گرایش شهروندان تبریزی نسبت به این فریضه الهی مجموعه مقالات همایش ملی نظارت همگانی، خرم آباد دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد، 1387ش.

13. مزیدی، محمد – شیخ الاسلامی، راضیه – احمدی ساره، بازتولید امر به معروف و نهی از منکر در گستره رشد، مجموعه مقالات مفهوم شناسی، نظریه پردازی و نوآوری در حوزه امر به معروف و نهی از منکر شیراز، مرکز پژوهش های اسلامی دانشگاه شیراز و ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر استان فارس، 1388ش.

14. مشکینی علی نصایح سخنان چهارده معصوم علیهم السلام، ترجمه احمد جنتی. قم، نشر الهادی، 1372ش.

15. ملک پور افشار عزت الله – پورابراهیمی، فاطمه. میزان دانش و نگرش دانش آموزان راهنمایی و دبیرستان شهر کرمان نسبت به فریضه امر به معروف و نهی از ،منکر چکیده مقالات نخستین اجلاس پژوهش امر به معروف و نهی از منکر ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، 1379ش.

16. نوری همدانی، حسین. امر به معروف و نهی از منکر ترجمه محمدمهدی اشتهاردی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، 1379ش.

17. Holesti, Ole. R(1969). Content analysis for Social science and humanities. Reading–MA: Addison .Wesley

18. Krippendorff, k. (1980). Content analysis: An Introduction to its

فلسفه وجوب امر به معروف و نهی از منکر: احمدرضا بسیج

اشاره

*فلسفه وجوب امر به معروف و نهی از منکر: احمدرضا بسیج (1)

مقدمه

فلسفهٔ یک چیز یعنی بررسی مبانی دلایل و علل عقلی آن چیز به تعبیر دیگر تبیین عقلانی هر پدیده ای را فلسفه آن پدیده می گویند. فلسفه وجوب امر به معروف و نهی از منکر یعنی برشمردن دلایل عقلی ضرورت احیاء و اجرای امر به معروف و نهی از منکر در عرصه زندگی فردی و جمعی و اثبات این نکته که حذف این دو از صحنه زندگی به تباهی و سقوط فرد و جامعه می انجامد.

وجوب عقلی امر به معروف و نهی از منکر از یک سو با تعامل انسان ها در تکیه به اولویت ها و نیازمندی های آن ها مرتبط می شود و از سوی دیگر با کسب آزادی های اجتماعی آن ها پیوند می خورد.

امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حدیثی نقل می کند که بیانگر همین حقیقت است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر گاه انسان در خفا مرتکب گناهی گردد، فقط به خود ضرر می رساند و اگر آشکارا انجام دهد و کسی از او انتقاد نکند، سعادت عموم را در خطر می افکند». (2)

امام علیه السلام پس از نقل این حدیث می فرماید: «او با عمل ناهنجار خود، دین خدا را

1- دانشجوی دکتری رشته تفسیر قرآن و متون Basij_581@yahoo.com

2- حرّ عاملی، محمد بن حسن وسائل الشیعه، ج 6، ص 72

موهون ساخته دشمنان خدا را به پیروی از خود دعوت می نماید» (1)

از این بیان روشن می شود که عقل و خرد برای حفظ سعادت اجتماع که ضامن سعادت فرد نیز هست بر لزوم امر به معروف و بازداری از منکر به طور اجمال حکم می کند کند؛ یعنی یعنی آن جا که آن جا که اگر سهل انگاری شود، سعادت جامعه و خود انسان دستخوش اختلال می گردد و چون تشخیص موارد آن به صورت دقیق روشن نیست از باب مقدمه در همه جا باید در اجرای این دو اصل کوشش کرد تا غرض اصلی تحقق پذیرد.

تردید در وجوب عقلی این دو فریضهٔ سعادت بخش، نوعی شک در امور بدیهی است. آنان که در وجوب عقلی این دو فریضه تردید می کنند به زندگی افراد از دیدگاه کسانی می نگرند که عقیده دارند هر فردی برای خود زندگی مستقلی دارد؛ ولی اگر به زندگی انسان ها از دیدگاه اجتماعی بنگرند و این که سعادت انسان ها کاملاً به یکدیگر بستگی دارد و اگر در جامعه کار خوبی صورت گیرد همگان از آن بهره مند می شوند و اگر کار بدی تحقق پذیرد دامن همه را می گیرد قطعاً در گفتار خود تجدید نظر می کنند به سبب چنین وابستگی است که آزادی های فرد در اجتماع حد و مرز پیدا می کند.

در این نوشته این حکم اجمالی عقل را در استناد به تعامل انسان ها و تکیه به اولویت ها و نیازمندی های آن ها و احراز آزادی های اجتماعی افراد مورد مطالعه قرار می دهیم.

معرفت شناختی امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از مصادیق حکمت عملی هستند و در این حوزه از معرفت، باید دربارهٔ آن ها سخن گفت توضیح آن که حکمت نظری درباره هست و نیست، بود و نبودِ حقایق جهان تکوین بحث می کند و حکمت عملی درباره باید و نباید اخلاقی فقهی و حقوقی نشئه اعتبار به بحث می پردازد و چون هر دو صرفاً مطلبی علمی اند، مدرک آن ها عقل نظری است. در واقع این عقل نظری است که بر

1- همان.

اساس فهم حقایق هستی و چگونگی مراحل خلقت و چیستی و ماهیت انسان در ارتباط بخشی میان مبدأ و معاد چرایی و چگونگی گذر از معبر دنیا و ناسوت را تحلیل نموده و در مراحلی از وقوف در دار دنیا وجوب امر و نهی انذار و تبشیر تنبیه و تشویق و تحذیر و تشجیع را دریافته و ضرورت عقلی آن امور را برای طی مراحل کمال و کسب منازل تعالی تفسیر و تبیین نموده، آن گاه با استناد به آموزه های نقلی کمیت کیفیت شرایط و لوازم اجرا و اعمال آن ها را در می یابد. سپس عقل عملی راهبر انگیزه شده عمل به یافته های عقل نظری را که راهنمای اندیشه است وجهه کار خود می سازد.

در مرحله کاربست عقل نظری غلبه بر وسوسه های حس و وهم و خیال لازم و ضروری و بلکه اساس تعقل است و در مرحله کاربست عقل عملی غلبه بر شهوت و غضب کارگشاست.

بررسی حکمی و عقلی این دو فریضه مستلزم تبیین مطالبی است که در ادامه خواهد آمد؛ اما پیش از آن توجه به معنا و ضرورت این هر دو بایسته می نماید.

امر به معروف و نهی از منکر

مردم را قولاً و عملاً به کار نیک واداشتن و از زشت کاری بازداشتن از «واجبات کفائیه» و به فتوای مرحوم شیخ طوسی عینیة «دین مقدس اسلام» است و به ادله عقلیه و نقلیه به اثبات رسیده و در قرآن و حدیث بسی بر آن تأکید شده است و امر به مستحب و نهی از مکروه مستحب است. (1) البته بعضی از مراتب امر به معروف و نهی از منکر واجب عینی است نه کفایی؛ مانند انزجار قلبی و تنفر طبعی از تمرد از طاعت و مبادرت به معصیت. (2)

بنابراین امر به معروف عبارت است از تشویق و واداشتن دیگران به انجام افعال و کسب صفاتی که سعادت دنیا و آخرت فرد را تأمین و تضمین می کند؛ از قبیل ایمان، تفکّر، تقوا، احسان خوش خلقی نیکوکاری عبادت نظم در امور، کار کردن، دفاع از ناموس خاک و جان تحصیل علم و کمالات روحی و روانی و جسمی

1- حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف، ج 2، ص 504

2- جوادی آملی، عبدالله، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، ج 15، ص 267

نهی از منکر نیز عبارت است از بازداشتن و نهی دیگران از انجام افعال یا داشتن صفاتی که از سوی خداوند و عقل و شرع زشتی آن ها معلوم شده است؛ مانند شرک نفاق دنیامداری، غفلت، جهالت، فسق و فجور ظلم به هر نحوی و به هر کسی، عهدشکنی بی تقوایی بی نظمی ،بیکاری بی حیایی و بی سوادی.

حقیقت انسان

قرآن در معرفی حقیقت انسان می فرماید:

(كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللّهِ وَكُنتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمّ يُمِيتُكُمْ ثُمّ يُحْيِيكُمْ ثُمّ إِلَيْهِ تُرجَعُونَ)، (1) چگونه به خدا کافر می شوید؟ در حالی که شما مردگان بودید و او شما را زنده کرد سپس شما را می میراند و بار دیگر شما را زنده می کند سپس به سوی او بازگردانده می شوید.

انسان در آغاز، خاک یا نطفه ای است، خدا به او حیات می بخشد، آن گاه پس از طی زندگی دنیا با مرگ او را به جهان برزخ منتقل می کند و پس از طی حیات برزخی نیز او را با مرگی دیگر به قیامت انتقال می دهد پس انسان از یک سو به مبدأ ازلی و از سوی دیگر به مرجع ابدی مرتبط است و این امتداد حقیقی وجود انسان است از اویی و به سوی اویی، خلاصه و اجمال حقیقت و هویت هر انسانی است. ضمن این که محتوای وجودی انسان چیزی جز تجلیات حضرت حق نیست و انسان واقعیتی در عرض یا بیگانه از خالق خویش .ندارد هویت انسان همه این مراحل است مابقی از خاک تا عوالم ربوبی گسترده شده است بدون حذف مرحله ای از مراحل شناخت این گستره عظیم که عین مربوبیت ربّ عظیم است به شناخت ربّ ختم می شود.

انسان از بابت هستی جامع خود دارای روح و جسم است که روح او محل تجلّی جمیع اسماء و صفات خداوند می باشد و از این رو خلیفه خداوند به شمار می آید. در این باره از معصوم رسیده است: (خَلَقَ اَللَّهَ تَعَالَی آدَمَ عَلَی صُورَتِهِ).

و از بابت مبدأ هدایت، متصل به مبدأ ازلی است که این ارتباط ظرفیت اجمالی و استعدادی او را برای تحمل اسماء و صفات الهی تأمین می نماید.

1- بقره /28

است و عذاب و عقاب.

5. زندگی انسان در هیچ حالی چه در جنبه فردی و چه در حوزه اجتماعی، هرگز بی تأثیر از علل و عوامل گوناگون و به عبارتی علل بیرونی نیست.

ما خواه ناخواه، تحت تأثیر عوامل بیرون از خودمان قرار می گیریم. دانه خوب داشتن یک طرف است، خاک، آب، هوا و نور مناسب هم طرف دیگر. دانه خوب در خاک نامناسب رشد مناسب ندارد و چه بسا اصلاً رشد نکند. حال اگر این عوامل بیرونی مثبت باشند تأثیرشان بر روح و روان و زندگی فردی و اجتماعی مفید بوده، در راستای به سعادت رسیدن ما نقشی سازنده ایفا می کنند و اگر این عوامل منفی باشند نیز بر ما اثر گذاشته مانعی برای رسیدن به سعادت ایجاد می کنند یا حداقل ما را از دسترسی به مراتب بالای سعادت محروم می سازند.

اکنون با نگاهی دیگر به موارد یاد شده می توان دریافت که هر یک از انسان ها اگر سعادت اخروی و بهره مند از رحمت ایزدی و دخول در بهشت سرمدی را می خواهد دو وظیفه مهم را برعهده دارد:

اول: بازداشتن نفس خود از سرکشی و خودپرستی و پیمودن راه تقوا ایمان عبادت و بندگی حق تعالی.

دوم: بازداشتن جامعه از خدا، فراموشی گناه خلاف و در یک کلمه منکرات و تلاش در جهت گسترش خیرها، خوبی ها، خدا پرستی توجه به معاد و در یک واژه نیکی ها و خلاصه ساختن بستری مناسب برای رشد و تعالی عقلی و روحی خود و دیگران.

از این جاست که اهمیت و ضرورت امر به معروف و نهی از منکر روشن می گردد با نگاهی دقیق می توان دریافت که ارسال رسل و انزال کتب و تشریع دین نیز در راستای بسترسازی برای همین دو مهم است. مگر نه این که امام علی علیه السلام به ما توصیه فرمود: (تَخَلَّقُوا بِاَخْلاقِ اللّه)؛ (1) به اخلاق الهی متصف و متخلق شوید.

1- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج 1، ص 129.

و از بابت غایت نیز متصل به مرجع ابـدی است که این ارتباط ظرفیت تفصـیلی و فعلیت او را برای تحمل اسـماء و صـفات الهی بیان می نماید در انسان شناسی دینی موارد ذیل را نیز باید لحاظ کرد.

1. وجود انسـان فقـط جسم و مـاده نیست بلکه ما روحی داریم که رو به کمال دارد و به سوی تجرد تام و تمام می رود تا آن جا که از قالب تن بیرون شود و به عـالم دیگر رخت برکشـد و در آن جـا برای همیشه یا برخوردار از نعمت فضل و رحمت الهی گردد، یا معـذب به قهر و غضب و عدل الهی.

2. دوران زنـدگی انسان محـدود به عالم ماده و دنیای فانی زودگـذر و ناماندگار نیست، بلکه ورای این جهان عوالم دیگری نیز هست که در پیش داریم و به آن ها خواهیم رسـید؛ همان عوالمی که در تعابیر دینی به نام برزخ و قیامت و بهشت و جهنم و معاد خوانـده شـده اند و در حدیثی از علی علیه السلام وارد است که فرمود: دنیا برای آخرت آفریده شده است. (1)

3. غایت هستی انسان رسـیدن به سـعادت است که ماهیت آن اکتسابی است نه اهدایی یعنی برای رسـیدن به آن باید مراحل و منازلی را با سختی طی کرد.

4. سنت همیشگی الهی چنین است که انسان برای رسیدن به هر چیزی به ویژه جاودانگی و سعادت و نعیم اخروی باید خود تلاش کند و شرایط و لوازم و عوامل حصول سـعادت را به دست آورد؛ چنان که در قرآن می خوانیم: (وَأَنْ لَيْسَ لِلإِنْسانِ إِلّا ما سَعى * و اَنّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرى)؛ (2) برای آدمی چیزی جز نتیجه کوشش او نیست که البته این نتیجه را به زودی خواهد دید.

و از رسول اعظم صـلی الله علیه و آله نقـل است که فرمود دنیا مزرعه آخرت است. (3) این دنیـا محل اعظم کشت و زرع است و آخرت محل برداشت و استفاده هر کس در جان و روح خود تخم خوبی و تقوا و عبادت و بندگی حق را کاشت، در آخرت نصیب بهشت می برد و هرکس دانه زشتی و گناه و خودپرستی را کاشت در سرای دیگر بهره اش آتش

1- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، ص 1692

2- نجم / 39- 40.

3- محمدی ری شهری، محمد میزان الحکمه، ص 1690

امر به معروف و نهی از منکر و آزادی انسان

اختیـار ورزی و بهره گیری از حقیقت آزادی منطبق، متکی و متنـاسب بـا این سـرمایه عظیم و گسترده وجود انسان از بعـد ملکوتی و الهی است و در صورتی که آزادی انسان متناسب با مرحله ای از مراحل سـلوک او مورد توجه قرار گرفت و تعریف شـد، باید اعتراف کرد که این تعریف نه با انسان سازگاری دارد و نه با آزادی او.

اگر انسان تجزیه و هویت جمعی او نادیده گرفته شود در این صورت نه انسان قابل شـناخت است و نه هیچ یک از عناصـر شخصی او و نه هیچ کدام از اوصاف و آثار او به کمند شناخت مطابق با واقع کشیده می شوند و چون آزادی حقیقی ثمره حسن اختیار ورزی انسان در پهنه بی انتهای سـرمایه وجود اوست در صورتی که تعریف پـذیرفته شده ما برای اختیار عبارت باشد از تسـلط و نفوذ آگاهانه شخصـیت بر دو ضلع عمل و ترک عمل، آن گاه که انسان کاری انجام می دهـد، شخصـیت انسان در پرتو آگاهی به خویش و آگاهی به عمل در حال انجام از ابتدای آن تا پایان عمل همراه آن گردد، آن گاه انسان آزاد است؛ یعنی از اسارت عوامل جبری و شـبه جبری بیرونی و درونی در امان می باشد اما چنان چه از تسـلّط و نفوذ شخصیت در انجام کاری به واسطه نفوذ عوامل بیرونی و درونی بی بهره باشد، در این صورت نمی تواند آزاد باشد، بلکه در حقیقت به اسارت عوامل بیرونی و درونی گرفتار است و دیگر آن کار به او نسـبت داده نمی شود بلکه آن کار منتسب به همان عوامل جبری بیرونی یا درونی بازدارنده خواهد بود بنابراین ثمره حسن اختیار ورزی انسان حقیقتی است به نام آزادی.

از سوی دیگر بر اساس دلایل عقلی آزادی انسان محـدود است؛ چه این که موصوف محـدود اوصاف محـدود دارد و چون انسان محـدود است هر صـفتی از او از جمله آزادیاش محدود است البته در میان انسان ها هر کس بیشتر از کمالات علمی و عملی بهره برده باشد سـهم بیشتری از آزادی دارد.

بر اسـاس انـدیشه اسـلامی انسـان از ابتـدای پیـدایش آزاد است و با توجه به این سـخن امیرمؤمنان می توان گفت که آدمی و آزادی همزاد یکدیگرند.

ص: 100

حضرت علی علیه السلام می فرماید (وَلا تَکُنْ عَبْدَ غَیْرِکَ وَ قَدْ جَعَلَک اللّه حُرّا)؛ (1) برده دیگری مباش، که خدا تو را آزاد آفرید.

این آزادی پایه، هم قابل ترقّی است و هم قابل تنزل اگر انسان بر دانش خود بیفزاید و گرایش های فطری خود را تقویت کند به اوج آزادی خواهد رسید. اما اگر از نظر گزارش های علمی جاهل و از بابت گرایش های فطری دچار فقر باشد با آزادی حقیقی خویش بسیار فاصله پیدا خواهد کرد؛ چون جهل علمی و فقر گرایش های فطری از سنگین ترین مصادیق جهل برای انسان می باشند که زندگی او را تباه می سازند.

قرآن کریم در این باره می فرماید:

(کُلُّ نَفْس بمَا کَسَبَتْ رَهِینَةٌ * إِلّا أَصْحَابَ الْیَمِینِ)، (2) هر کس در گرو اعمال خویش است، مگر اصحاب یمین.

این آیه بیانگر این است که رهن گیری از ،نفس او را از آزادی باز می دارد؛ یعنی کسی که حقوق الهی یا مردمی را ادا نکرده است مدیون است و در رهن می باشد و کسی که در بند و رهن و اسارت است اجازه و حق هیچ گونه تصرفی را در جان خویش ندارد ریشه کوتاهی در حقوقی که انسان را به اسارت خویش درآورده است «بما کسبت» است؛ یعنی آن چه او خود برای خویش کسب کرده است و این بندگی بزرگ ترین نوع اسارت به شمار می آید؛ چون در این جا جان انسان به اسارت در آمده است.

به عبارت دیگر، جهل علمی و فقر عملی همچون میله های آهنی از طبیعت نفس انسان سر برآورده برای خود نفس قفسی می سازند و او را کاملاً در احاطه خود در می آورند یعنی انسان که در فطرت خویش آزاد آفریده شده است گاه با اعمال و افکار خویش خود را اسیر و در بند می کند؛ بدون این که بداند یا متوجه این اسارت شود؛ چرا که جسم او که وجود ظاهر اوست در ظاهر آزاد است اما روح و روان او که در باطن است گرفتار و از آن جا که معمولاً انسان علم به ظاهر دارد و از باطن در

1- نهج البلاغه / نامه 31

2- مدثّر / 38 - 39

غفلت به سر می برد (يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَوة الدُّنْيَا وَهُمْ عَن الآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ) (1) این اسارت را در نمی یابد، مگر این که کسی او را از اسیر بودنش مطلع و آگاه سازد: (الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِندَهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَالإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُواْ بِهِ وَ عَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)، (2) همانان که از این فرستاده پیامبر درس نخوانده که [نام] او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می یابند پیروی می کنند (همان پیامبری که) آنان را به کار پسندیده فرمان می دهد و از کار ناپسند باز می دارد و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می گرداند و از [دوش] آنان قید و بندهایی را را که بر ایشان بوده است بر می دارد؛ پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاری اش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند آنان همان رستگاران اند.

این همان نکته ای است که حکیم سهروردی در کتاب قصه غربت غربی به صورت رمزی آن را مورد توجه قرار داده است:

لازمه تحقق آزادی برای انسان پذیرش محدودیت هایی است؛ چون آزادی برای انسان نمی تواند مطلق باشد چرا که اوصاف هر موجودی تابع خود آن موجود است. موجود محدود، وصف محدود دارد و موجود نامحدود وصف نامحدود دارد و از آن جا که انسان موجودی است محدود، به ناچار اوصاف کمالی او نیز مانند حیات، علم، آزادی، قدرت، اراده و.... محدود و متناهی می باشد بنابراین ممکن نیست که انسان محدود آزادی نامحدود داشته باشد و وصفش تابع او نباشد. خداوند اگرچه انسان را آزاد آفریده و به او اراده و اختیار داده است اما اراده و اختیاری محدود نصیب او نموده است و لذا انسان این قدرت و توانایی را ندارد که با اراده خود هر آن چه را که می خواهد محقق سازد؛ و همسان همین محدودیت طبیعی و تکوینی وقتی که انسان در محیط اجتماعی خود زندگی می کند محدودیت قانونی و حقوقی

1- روم/7.

2- اعراف/ 157.

و اجتماعی نیز جلو رهایی مطلق و آزادی بی قیـد و حصـر او را می گیرد چگونه ممکن را است که هر فردی در اجتماع از آزادی نامحـدود برخوردار باشد و در عین حال چنین جامعه ای دچار هرج و مرج نگردد و به سعادت و کمال شایسته خویش نایل گردد؟ (1)

اگر انسان را به طبیعت او واگذار کنیم او هیچ حدی را برای آزادی خود قائل نخواهد بود و خواستار آزادی مطلق خواهد شد و روشن است که فراهم آمـدن آزادی مطلق برای موجود محـدود همراه با شکسـتن و در هم ریختن حـدود و حقوق دیگران است. در این صورت غیر از هرج و مرج و فساد نصیب انسان نمی شود.

پس از این که دانسـته شد انسان آزاد است و آزادی او همراه با حدود و قیودی است که در محدوده آن ها آزادی جایگاه انسانی خود را پیدا می کنـد، سـخن از این است که مرجع تعیین کننـده حـدود آزادی انسـان در شـئون اعتقادی، حقوقی، اعمال احوال و ... کیست؟ پاسـخ منطقی و درست به این پرسـش آن است که تنها کسـی می توانـد و مرز آزادی انسان را معین سازد، که برای اصل هستی او حـد و مرز قرار داده و او را محدود و متناهی آفریده است: (خُلِقَ الإِنسَانُ ضَعِيفًا). (2)

اسـلام در عین حال که حریت را ارج می نهد و از آن حمایت می کند رهایی را نمی پذیرد و عنان گسـیختگی را زیانبار می داند: (أَيَحْسَبُ الْإِنسَانُ أَن يُتْرَكَ سُدًى)، (3) آیا انسان گمان می کند بی هدف رها می شود.

معنای دیگر محدود بودن انسان این است که وجود و سـرشت او با هر چیز و هر امری سازگاری و توافق ندارد. نه با هر عقیده ای هماهنگ است و نه با هر خلق و رفتاری همساز.

تفکیک بین آزادی که حق است و یاوگی که باطل است مایهٔ استقبال از فریضه امر به معروف و نهی از منکر و طرد توهم ناسازگاری این دو حکم الهی با حریت است، چنان که توجه به شرایط و احکام ویژه این فریضه الهی مانع ادعای خشونت گرایی اسلام است؛ زیرا این دستور دینی نه حقی را از کسی سلب می کند و نه مانع رسیدن

1- جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، ص 26.

2- نساء /28.

3- قیامت / 36

صاحب حق به حق مشـروع خود خواهد بود. چنان که اجرای حدود و تعزیرات قضایی نیز صـبغه خشونت گرایی ندارد؛ یعنی درمان بیمار یـا علاـج بیماری فردی یا اگر با قطع عضو فاسـد همراه باشـد مهری است به صورت قهر و وصـلی است جمعی در جامـهٔ فصل و رحمتی است در کسوت غضب، که روا بودن آن بر محققان پوشیده نیست. (1)

در واقع در هنگام امر به معروف مخاطب به چیزی نزدیک و آشـنا و دعوت می گردد که با فطرت و سـرشت متکامل او سازگاری دارد و در راستای فلاح و صلاح اکبر یا اصغر اوست و به هنگام نهی از منکر مخاطب از چیزی نهی و بازداشته می شود که با وجود و فطرت او تنافی دارد و در راسـتای هلاک اکبر یا اصغر اوست به تعبیر دیگر، امر به معروف و نهی از منکر نه مخالف آزادی انسان، بلکه به طور دقیق موافق و به مسیر درست انداختن آزادی واقعی و معنوی اوست.

امر به معروف و نهی از منکر و نظام اجتماعی

زندگی اجتماعی برای انسان ضـرورت دارد و هدف از آفرینش انسان در صورتی تحقق می یابد که انسان ها زندگی اجتماعی داشته باشند با همدیگر همکاری کنند و از همدیگر بهره برگیرند عقل با توجه به هدف خلقت و حیات آدمی زندگی اجتماعی را ضروری می شمارد

هـدف از زنـدگی اجتمـاعی رسـیدن انسـان به کمـال غایی است که در اثر افعال اختیاری تحقق می یابـد بنابراین افعال اختیاری اجتماعی انسان، با هـدف مذکور ارتباطی واقعی و تکوینی دارد همان گونه که در زندگی ،فردی هر فعل اختیاری خواه ناخواه – با هدفی که از حیات انفرادی مطلوب است ارتبـاطی مثبت یـا منفی دارد – و چنین نیست که هر فعلی موجب تـأمین هـدف مطلوب شود بلکه بعضـی از افعال انسان را به هدف نزدیک می کنند و بعضی دیگر او را از آن دور می سازند – در زندگی اجتماعی هم هر فعل اختیاری یا هماهنگ و همسو با هدف مطلوب از حیات جمعی است یا چنین نیست اگر هست، رفتاری مطلوب و مجاز خواهد بود و

1- جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ج 15، ص 269.

در غیر این صورت نـامطلوب و ممنوع است. در واقع هر یـک از راه هـا و کارهای انسان در حوزه زیست اجتماعی او اگر در جهت موافق هـدف زنـدگی باشـد، خوب و شایسـته است و اگر در جهت مخالف آن باشد، بد و ناشایست خواهد بود؛ چون افعال اجتماعی انسان هم بخشـی از افعال اختیاری اوست و میزان خوبی هر فعل اختیاری، متناسب با میزان نزدیک کنندگی آن به کمال غایی است و مقدار بدی هر فعل اختیاری نیز با مقدار دور کنندگی آن از کمال نهایی تناسب دارد.

به دیگر سخن انسان دو زندگی مستقل و دارای هدف های جداگانه ندارد بلکه زندگی اجتماعی جزئی از حیات انسان است. بنابراین، همان هدف کل حیات باید هدف زندگی اجتماعی هم باشد. (1)

پس میزان و نحوه استفاده از حقوق مانند حقوق فردی و جنبه های دیگر حقوق، هم متصف به خوب و شایسته و بد و ناشایست است و هم نیازمند حراست و آسیب شناسی و آفت زدایی.

برای رسـیدن به سـعادت نیازمند توجه به جنبه های فردی و اجتماعی هستیم زندگی بشر به نظم و قانون نیاز دارد. انسانی که در یک جامعه فاسد زندگی کند دچار بدبختی و هلاکت می شود؛ یعنی سـعادت فرد و جامعه از هم جدا نیست. دین اسـلام برای سـعادت بشر و جامعه برنامه و دستور و احکام دارد. از جمله امر به معروف و نهی از منکر که سرنوشت هر مسلمانی با مسلمان دیگر در ارتباط است و هیچ کس چشم خود را بر اعمال دیگران نمی بنـدد؛ چرا که می داند زندگی جمعی چون سـفر با یک کشتی است که هرگونه آسـیبی که منجر به غرق شدن یا انحراف یا توقف کشتی گردد، همه در آن شریک اند؛ چه مایل به آن نتیجه باشند و چه نباشند؛ چه بدانند و چه ندانند.

توضـیح مطلب این که برای قوام و دوام جامعـهٔ انسانی که آحاد جامعه بتواننـد فرصت کمال را پیـدا کننـد بعـد از ارسال رسل انزال کتب و تشـریع شـرایع وظیفه و مسـئولیت متقابل شهروندان در قبال یکدیگر سه چیز است که با حفظ مراتب هر کدام و ایفای آن توسط آشنایان به هر مورد با لحاظ شرایط باید به طور صحیح انجام

1- مصباح یزدی، محمدتقی، حقوق و سیاست در قرآن، ص 147.

گیرد و البته این هر سه وظیفه با عقل سلیم نیز دریافت می شود؛ هر چند در شرع قویم نیز تبیین شده است. آن سه وظیفه به ترتیب عبارت خواهند بود از:

1. برای کسانی که با حقوق و تکالیف عقلی و نقلی خود آشنا نیستند دعوت به خیر و تفسیر و تعلیم بایسته است. در این جا نمی توان و نباید کسی را قبل از علم داشتن مکلف ساخت یا در مورد او تنبیه و تعزیری روا داشت مگر این که مانع هدایت دیگران شود.

تأیید نقلی این کلام در آیاتی از قرآن از جمله در توضیح اهداف انبیاء آمده است.

2. بعد از فهم حقایق و علم پیدا کردن به خیر و شر و معروف و منکر، دچار غفلت شد یا در آستانه پیروی از گام های شیطان نفس، ابلیس هوا و هوس و وسوسه خناسان قرار گرفت و معروفی را ترک نمود یا منکری را مرتکب شد، امر به معروف متروک و نهی از منکر معمول لازم و ضروری است تا زندگی فرد یا جمع به مسیر خلاف و هرج و مرج و تباهی نیفتد.

ضمن این که اجرای این فرایض به لحاظ مخاطبان، گستره ای از خود تا خانواده خویشان و عموم مردم را شامل می شود:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا)، (1) ای کسانی که ایمان آورده اید خودتان و کسانتان را از آتش [جهنم] حفظ کنید.

(أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنسَوْنَ أَنفُسَكُمْ وَأَنتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ)؛ (2) آیا مردم را به نیکی فرمان می دهید و خود را فراموش می کنید با این که شما کتاب [خدا] را می خوانید؟ آیا [هیچ] نمی اندیشید؟

(الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلوةَ وَ آتَوُا الزَّكَوةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ)، (3) همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز برپا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده وامی دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند و فرجام همه کارها از آن خداست.

1- تحریم /6.

2- بقره /44.

3- حج / 41.

یعنی اولاً به عبادت و عبودیت خـدای متعال و تقویت و تحکیم پیونـد با او اهتمام دارنـد. ثانیاً نیازمنـدی های مادی و اقتصادی دیگران را پیش چشم دارنـد و در رفع آن ها می کوشـند و ثالثاً نظارت و مراقبت سـخت و مؤکّـد دارنـد تا مبادا مردم به انحراف و کـج روی در عقیده اخلاق و عمل دچار شوند می توان گفت که همه ویژگی های جامعه آرمانی اسلامی از این سه خصوصیت اصلی، متفرع می گردد. (1)

مسلّم است امر و نهی زمانی تأثیرگذار خواهد بود که شخص آمر و ناهی واقعاً معتقد و مقید به آن چه می گوید باشد. بنابراین شکی نیست که کم ترین مرتبه در هر مرحله، ناخشنودی درونی شخص آمر و ناهی از ترک معروف و انجام منکر توسط خود یا دیگران است.

رسول خدا صـلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس از شـما منکری را دید اگر می تواند با دسـتش آن را رد کند و اگر نمی تواند با زبانش و اگر نمی تواند با قلبش؛ زیرا برای او بس است که خداوند بداند او با قلبش آن را نمی پسندد» (2)

که امام صادق علیه السلام فرمود: «در عزت مؤمن همین بس هرگاه منکری را دید آن را با قلبش انکار کند». (3)

3. برای کسانی که به رغم آگاهی و تـذکر و امر و نهی اضـرار به نظام اجتماعی و افساد در جامعه انسانی را به صورت حـداقلی یا حداکثری پیشه خود کردنـد و به گونه ای مـانع آزادی و اختیـار ورزی دیگران شدنـد اجرای حـدود، دیـات، تعزیرات و قصـاص حیات بخش جامعه خواهد شد.

تأیید نقلی این کلام نیز در آیاتی از قرآن وجود دارد.

بنـابراین در جـامعه دینی، نظـارت همگانی ضامن دوام و بقای جامعه و نیروی عظیمی برای مبارزه با مفاسـد است و اگر همه مسـلمانان با اعمال این نظارت جامعه را سالم ،سازند می توانند بزرگ ترین مشکلات را حل کنند و موانع کمال را از میان ببرند.

1- مصباح یزدی، محمد تقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص 422

2- حر عاملی، محمد بن حسن وسائل الشیعه، ج 6، ص 72.

3- همان، ج 6، ص 73.

رمز بقای تمدن ها و حکومت ها ادای این وظیفه مهم است و ملت هایی که به این وظیفه نپرداختند، نابود شدند؛ چنان که سرنوشت اقوام گذشته مثل عاد و ثمود و لوط این گونه بود.

در قرآن فرمود:

(وَلَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَأُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)، (1) و باید دسته ای از شما باشند که مردم را به سوی کارهای نیک فرا خوانند و از بدی ها بازدارند و این دسته جزء رستگاران اند.

در هر جامعه ای عده ای ساکت اند و به دیگران کاری ندارند و مسئولیت نمی پذیرند. این گونه افراد هم در بین عوام و هم در میان خواص وجود دارند و از این رو ضربه های ناگواری از سوی این ها به جامعه وارد می شود اینان به دلیل منافع شخصی خود تماشاگر اضمحلال جامعه در اثر رواج فساد بوده اند. قرآن در مورد اینان ماجرای عبرت آموزی دارد:

(وَاسْأَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعاً وَيَوْمَ لا يَسْبِتُونَ لا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ * وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْماً اللهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَاباً شَدِيداً قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَى رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ * فَلَمَّا نَسُواْ مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ * فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ ما نُهُوا عَنْهُ قُلْنا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خاسِئِينَ) (2)

و از اهالی آن شهری که کنار دریا بود از ایشان جویا شو آن گاه که به [حکم] روز شنبه تجاوز می کردند آن گاه که روز شنبه آنان، ماهی هایشان روی آب می آمدند و روزهای غیرشنبه به سوی آنان نمی آمدند. این گونه ما آنان را به سبب آن که نافرمانی می کردند می آزمودیم آن گاه که گروهی از ایشان گفتند: «برای چه قومی را که خدا هلاک کننده ایشان است، یا آنان را به عذابی سخت عذاب خواهد کرد پند می دهید؟» گفتند: «تا معذرتی پیش پروردگارتان باشد و شاید که آنان پرهیزگاری کنند». پس هنگامی که تذکراتی که به آن ها داده شد فراموش کردند نهی کنندگان را از

1- آل عمران / 104.

2- اعراف / 163-166

بدی رهایی بخشیدیم و آن ها را که ستم کردند به عذاب شدیدی به خاطر نافرمانیشان گرفتار ساختیم. هنگامی که در برابر فرمانی که به آن ها داده شده بود سرکشی نمودند، به آن ها گفتیم به شکل میمون درآیید و طرد شوید.

کمال جو بودن انسان به حکم فطرتش معنای دیگری هم دارد این که انسان زیاده طلب و زیاده خواه است؛ زیادتی در لذت، زیبایی، حیات، قدرت، تفوّق، آزادی و اختیار و هر امر دیگری که از شؤون انسانی است لکن این زیاده خواهی همچون دیگر موارد اگر کنترل ناشده و بی حد باشد به ضد خود تبدیل می گردد. در نظام آفرینش الهی هم چنین است که است که هر قضایی مبتنی بر قدری است چه رسد به شئون و امور انسانی که بی توزین و تقدیر به عدالت و کمال نمی انجامند زیادی در نور چشم را می زند و نمی انجامند. زیادی در تیرگی سوی آن را می برد چون همه طالب قدرت اند اگر مرزی نباشد تداخل و تعارض قدرت به ویرانی جامعه می انجامد همین گونه است ،آزادی که هر کس طالب آزادی بیاندازه باشد؛ یعنی نفی آزادی دیگری و در نتیجه نفی آزادی خود را رقم می زند.

در جامعه شناسی به هرگونه خطر فرا روی افراد جامعه که ادامه حیات آنان را با مخاطره روبه رو سازد آسیب گفته می شود. بعضی از آسیب ها در اختیار انسان است؛ مثل مواردی که ناشی از بی توجهی و اهمال کاری افراد در توجه به امور زندگی است و بعضی دیگر از آسیب ها به ظاهر جنبه اختیاری ندارند و ناشی از سوانح و حوادث زمینی و آسمانی است. اما بر اساس جهان بینی اسلامی اعمال و رفتار انسان ها در همان موارد نیز اثر گذار است. هم پدید آمدن، هم از بین رفتن و هم تسریع و تأخیر آن ها به گونه ای متأثر از رفتار انسان هاست.

(ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُم بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُون)، (1) به سبب آن چه دست های مردم فراهم آورده فساد در خشکی و دریا نمودار شده است تا [سزای] بعضی از آن چه را که کرده اند به آنان بچشاند؛ باشد که بازگردند.

تازه این بخشی از نتیجه اعمال انسان هاست و خداوند بسیاری از آن را می بخشاید.

1- روم / 41.

(وَ مَا أَصَابَكُم مِّن مُّصِيبَة فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْفُوا عَن كَثِير). (1)

نیکی ها هم چون بدی ها در زایش و افزایش نعمت ها تأثیر گذارند:

(وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُواْ وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُواْ يَكْسِبُونَ)، (2) و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم ولی تکذیب کردند؛ پس به [کیفر] دستاوردشان [گریبان] آنان را گرفتیم.

رهیدن از جهالت و ضلالت و رسیدن به هدایت و معرفت نیز در گرو خواست و عمل خود انسان هاست و جبری در هیچ یک نیست.

(وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُواْ نِعْمَتَ اللّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَة مِّنَ النَّارِ فَأَنقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ). (3) و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن گاه که دشمنان [یکدیگر] ،بودید، پس میان دل های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید این گونه خداوند نشانه های خود را برای شما روشن می کند؛ باشد که شما راه یابید.

بسیاری از آسیب هایی که اقوام گذشته را به هلاکت رساند ناشی از اعمال و رفتار خود آنان بود. قوم عاد و ثمود و لوط و اصحاب حضرت نوح از این جمله اند و حتی پسر نوح که با بدان بنشست، خاندان نبوتش گم شد.

(فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُواْ بَقِيَّة يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُواْ مَا أُتْرِفُواْ فِيهِ وَكَانُواْ مُجْرِمِينَ * وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ * وَلَوْ شَاء رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ) (4)

پس چرا از نسل های پیش از شما خردمندانی نبودند که [مردم را] از فساد در

1- شوری / 30.

2- اعراف / 96

3- آل عمران /103.

4- هود / 116 - 118.

زمین بازدارند؟ جز اندکی از کسانی که از میان آنان نجاتشان دادیم و کسانی که ستم کردند به دنبال ناز و نعمتی که در آن بودند رفتند و آنان بزهکار بودنـد و پروردگار تو [هرگز] بر آن نبوده است که شـهرهایی را که مردمش اصـلاحگرند به سـتم هلاک کنـد. و اگر پروردگار تو می خواست قطعاً همه مردم را امت واحدی قرار می داد، در حالی که پیوسته در اختلاف اند.

به هر صورت در آسیب های اجتماعی هم فرد و هم جامعه نقش دارند و با رفتارهای صحیح می توان بسیاری از آسیب ها را کنترل کرد.

اگر رفتار افراد جامعه از هنجارهای رایـج و عمومی جامعه جـدا شود، به شـخص کجرو گفته می شود اما اگر کجروی او زیاد شـد انحراف است و انحراف اجتماعی یعنی رفتاری که با معیارهای جامعه سـنخیت و همخوانی نـدارد و مانع زندگی عادی افراد جامعه است. بعضـی آسـیب ها و انحرافات کاملاً محسوس است، ولی بعضـی آشـکار نیست و خزنده حرکت می کند. مفاسد اجتماعی که پنهانی صورت می گیرد در ادامه، آثـاری زیـان بـار بر جای می گـذارد در هر حال انحراف چه کم و چه زیاد، چه پنهان و چه آشـکار از عوامل سـقوط جامعه است و بر عهده حاکمان و مردم است که نه تنها جلو آن را بگیرند بلکه افراد جامعه را واکسینه کرده، از وقوع و بروز آن ها پیشگیری نمایند؛ مثلاـً وقتی گفته می شود حجـاب پیشـگیری است تا درمان یا جلوگیری از تولیـد و ورود مواد مخـدر پیشـگیری است از اعتیاد در این گونه موارد باز بحث محوری، مسـئله امر به معروف و نهی از منکر است که در انحرافات اجتماعی نقش اصـلی را دارد چه برای پیشـگیری و چه درمان جامعه ای که افراد نسبت به رفتار دیگران بی تفاوت باشند خادم تشویق و خائن مجازات نشود، خادم دست از خدمت بر می دارد و خائن در خیانت کردن جسور می شود.

امـام رضا علیه السـلام از رسول خـدا صـلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «پیوسـته امت من در طریق صـلاح و خیر و رفاه اسـت مادامی که با یکـدیگر دوستی می کننـد و به هم ارمغان می دهنـد و امانت را ادا می کننـد و از حرام اجتناب و دوری می نماینـد مهمان را گرامی می دارنـد نماز جماعت را بر پا می دارنـد و حقوق مالی زکات را می پردازنـد و چنان چه در این امور سـستی کننـد و آن ها را انجام ندهند به خشکسالی و گرانی و تنگی معیشت دچار

می گردند». (1)

مسئولان سلامت جامعه در ابعاد روان و جسم و محیط باید وظیفه خود را با برنامه ریزی انجام دهند و نظارت عمومی و همگانی هم به عنوان وظیفه شرعی و انسانی و اجتماعی مانع ایجاد و رسوخ ضد ارزش ها و انحرافات در جامعه شود.

رسالت انسان

رسالت انسان در احراز و معرفت به خویشتن و مهار مهاجمان بیرونی و درونی و گشودن افقهای روشن برای پیمودن راه طولانی کمال و سعادت خویش است.

اگر کسی هویت حقیقی و استقلالی خود و همین طور هویت اجتماعی و انفعالی خود را فراموش کرد یا آن ها را نادیده گرفت و از کنار آن ها به راحتی گذشت، هم در نبرد داخلی میان خواهش های نفسانی و هدایت ربانی محکوم به شکست خواهد بود و هم در مبارزه و مصاف بیرونی در معرض آماج زهرآگین فتنه و فتنه گران و جهالت جهالت پیشگان و کید مکاران، اسیر دست ظالمان می گردد.

خلاصه آن که انسان به حاجب و دربان و امر و نهی و توصیه و موعظه و راهبری و راهنمایی هادیان و راهنمایان و واعظان نیاز دارد تا بتواند خویشتن را احراز نموده سپس حفظ نماید و ابواب معرفت به خویش را در مبادی راه و مسیر و پایان سفر به روی خود بگشاید قدرت تحرک و اقتدار پرواز و قابلیت سفر برای انسان از هر موجودی بیشتر و عظیم تر است؛ زیرا انسان با استخدام دیگران و تسخیر وسایل و ابزار و قرار گرفتن در معرض دستاوردهای دیگران می تواند از ذلّت ماده به عزّت معنا و از هوای نفسانی به هدایت روحانی و از کفر و الحاد به توحید دست پیدا کند و چون یوسف از چاه به جاه برسد با این اوصاف انسان باید امیر آزادی باشد نه اسیر او. که این امارت برای خود آداب ویژه ای دارد.

انسان ذاتاً هم در مقابل خوبی ها خاضع است و هم نیازمند به جلب خوبی هاست و هم مایل است تا خود فاعل خوبی ها باشد و این نیاز یک نیاز دو جانبه است.

در این داد و ستد انسانی آن چه سلامت و دوام این روابط را ضمانت می نماید به

1- ابن بابویه، عیون أخبار الرضا، ج 22، 15.

جریان درآمـدن معروف و نهی و طرد منکر از مسـیر زنـدگی انسان است. که انسان این حقیقت را به عقل فطری خود می باید؛ هر چند در تعیین مصادیق معروف و منکر نیاز دیگری و راه دیگری در پیش روی او گشوده می شود که حل مسئله و معرفی راه باید بر عهده ادیان الهی قرار گیرد.

کوتاه سـخن این که بر اساس انسان شناسـی حقیقی بشـر پیوسـته در نوسان و دغدغه دریغ کردن از دیگران و بازماندن خود و رعایت کردن دیگران و مراعات خود، رشد دادن دیگران و به فعلیت رسـیدن خود امر و نهی به دیگران و عمل و پرهیز خود، در حرکت است و این انسان شناسی انسان شناسی عینی و واقعی است که در عمل و عکس العمل سالم خود و دیگران شکل می گیرد و ساخته می شود.

خداوند سبحان در این باره می فرماید:

(مَثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللهِ كَمَثَلِ حَبَّة أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَة مِائَةُ حَبَّة وَاللّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ وَاللّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ)، (1) مثل کسانی که اموالشان را در راه خـدا اتفاق می کننـد مثل دانه ای است که هفت خوشه از آن روییده و هر خوشه هم صد دانه داشـته باشد. خداوند به هر آن کس که بخواهد افزون تر می دهد و خداوند فزونی دهنده آگاه است.

شاید بتوان چکیدهٔ همهٔ سـخن را در آیات کوتاه و گویای سوره عصـر دید که روال عادی زندگی انسان را ملازم با زیان معرفی می کند مگر این که کسـی از لاک خویشـتن بیرون آید و به نور ایمان زنده شود و با انجام عمل صالح به حضرت حق نزدیک گردد و با سفارش به حق و لزوم تحمل دشواری های حق مداری سـعادت را برای خود مهیا سازد. در واقع سورهٔ «عصر» می فهماند که تارک امر به معروف و نهی از منکر اهل خسارت است.

برای تحقق موارد چهارگانه مذکور در سوره عصـر، اسلام کار درون سازی را در راستای کار برون سازی و تعمیرات روبنایی و ساختاری به گونه ای توصـیه کرده که تحولاـت و تغییرات روحی و فکری و ارادی جامعه، تغییرات روبنایی و ساختاری را فراهم آورد و برعکس توجه به ساختار و روبنا موجب تغییر در بطن و زیربنا گردد.

1- بقره / 261.

در ایـن محـدوده اسـت که شـناخت و اجرا و عینیت بخشـی دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر جایگـاه حقیقی خـود را پیـدا کرده به تحولات ساختاری و محتوایی جدیدی در عرصه جامعه و فرهنگ و تثبیت معنویات خواهد انجامید.

انـدیشه و اراده آزاد انسـان در ساختـار زیرین حیـات اجتماعی و روابط انسان ها با یکـدیگر به عنوان یک امت واحـد حفظ و حراست این سرمایه عظیم و به فعلیت آوردن آن به دست اراده آزاد انسان در تکیه به شـناخت واقع گرایانه از آزادی و اراده و انـدیشه و حقایق مندرج در روابط اجتماعی، ضـرورت امر به معروف و نهی از منکر را به روشـنی تبیین می نماید به طوری که اگر این فریضه از حیات اجتماعی انسان حـذف شود یـا از آن غفلت شود انسان در حوزه حیات درونی و بیرونی خود متزلزل شـده ساختار درونی و بیرونی زنـدگی انسان نیز ویران خواهد شد.

از این رو امام رضا علیه السـلام فرمود: «اگر کسـی بپرسـد چرا خداونـد بنـدگان را امر و نهی فرموده؟ پاسـخ این است که بقا و دوامشان و صلاح و امنیتشان وابسته به امر و نهی و جلوگیری و بازداشتن از فساد و چپاول اموال بود». (1)

و نیز فرمود: «اگر کسی بپرسد چرا خداوند آنان را به عبادت و بندگی فرمان داد گفته می شود: تا او را از یاد نبرند و آیین او را رها نکنند و امر و نهی اش را به بازی نگیرند؛ زیرا در آن آرامش و دوام ایشان است. اگر بندگان بدون دستور عبادات رها می شدند و روزگار بر آنان دوام می یافت دل هایشان سخت شده، بی رحم و سنگدل می گشتند». (2)

اساسـاً انسـان بـا اعمـال خود بهشت یـا جهنم را خلق می کنـد؛ زمین را آباد می کنـد؛ فرشـتگان را تعلیم می دهـد؛ وساطت در ولایت، خلافت، خلقت، حکومت، ربوبیت، رزاقیت .... پیـدا می کنـد؛ یعنی به اذن الله کار خـدایی انجام می دهد. این ها همه حکایت اختیار انسان است که از خالق خویش به امانت دارد.

انسان در قبال آزادی و اختیار نسبی خود چهار نوع مسئولیت بر عهده دارد: مسئولیت در پیشگاه خداوند مسئولیت نسبت به خود مسئولیت نسبت به جامعه و

1- ابن بابویه، عیون أخبار الرضا، ج 2، ص 211.

2- همان.

مسئولیت نسبت به دیگر موجودات و مخلوقات خداوند از قبیل حیوان، گیاه و جماد.

در اسلام هیچ کس بدون مسئولیت نیست و راه فرد از درون جامعه می گذرد این دستور در کنار نماز و روزه و دیگر عبادات برای سعادت فرد و جامعه آمده و جزء احکام عملی دین اسلام است و سهل انگاری در ادای این وظیفه موجب تباهی جامعه و اعضای آن یعنی افراد می شود.

چنان که یاد شد در جامعه اسلامی نظارت عمومی و همگانی ضامن دوام و بقای جامعه و نیروی عظیمی برای مبارزه با مفاسد است و اگر همه مسلمانان با انجام آن جامعه را سالم سازند، می توانند بزرگ ترین مشکلات را حل و دشمن را منکوب کنند. بالاخره این که عزت و عظمت امت اسلام در گرو امر به معروف و نهی از منکر است. (1)

نتیجه گیری

اگر افرادی از یک جامعه به عمل خاصی دست بزنند آثار خوب یا بد آن عمل بر همهٔ افراد دامن گستر خواهد شد این تأثیر تکوینی ،است نه قراردادی که با حس و حال آدمی تغییر پذیر باشد به تعبیر دیگر، تأثیر اعمال بر نفس آدمی و نیز طبیعت پیرامونی و آن چه در آن وجود دارد اعم از انسان و غیر انسان، مربوط به نوع و بطن آفرینش است نه قراردادهای بشری یا الهی این همان چیزی است که در دین با عنوان نوامیس هستی یا قوانین علی و معلولی مطرح می شود.

از این رو ترویج عمل خیر و عملی که در راستای کمال انسان باشد، یعنی آن چه معروف نامیده می شود و محدود کردن و از بین بردن عمل شر و عملی که خلاف کمال و تعالی فرد و جامعه است یعنی آن چه منکر نامیده می شود، دو فایده و اثر دارد: یکی اثر فردی که باعث رشد فرد و مانع سقوط او می گردد و دوم اثری که باعث پیشرفت، امنیت و سلامتی جامعه و مانع سقوط ناامنی و فساد آن می گردد.

امر به معروف و نهی از منکر در راستای تحقق چنین اهداف ارزشمندی ضرورت

1- جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ج 15، ص263.

عقلی پیـدا می کنـد ضـمن این که این دو فریضه تنظیم اختیار ورزی و بهره گیری از نعمت آزادی انسان را در مسـیر صـحیحی که منجر به کمال گردد، بر عهده دارد.

اجرا و احیای امر به معروف و نهی از منکر به افراد جامعه این امکان را می دهد که در فضایی سالم به شـکوفایی ویژگی ها و اسـتعدادهای فطری خود بپردازنـد و به امری مشـغول شونـد که سـعادت اخروی آنان در گرو آن است و از نعمت ها و اسـتعدادهای خـدادادی خود در راستای عبودیت حق تعالی بهره ببرند تا وجود ناقص و فقیر آن ها به سوی کمال و غنا در سیر و حرکت قرار گیرد.

ص: 116

منابع

1. قرآن کریم

2. ابن بـابویه (صـدوق)، محمـد بن علی عیون اخبـار الرضـا، ترجمه حمیـدرضا مسـتفید و علی اکبر غفاری، چاپ دوم: تهران دارالکتب الاسلامیه، تهران، 1384ش.

3. جوادی آملی، عبدالله تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، مرکز نشر اسراء، 1387ش.

4. ولایت فقیه، چاپ دوم مرکز نشر اسراء، پاییز 1379ش.

5. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه قم، نشر ذوی القربی، 1387ش.

6. حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، 1379ش.

7. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، چاپ دوم: بیروت، مؤسسه الوفاء، 1403ق.

8. محمدی ری شهری، محمد میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، چاپ پنجم، دار الحدیث، 1384ش.

9. مصباح یزدی، محمدتقی جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن چاپ دوم مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، بهار 1372ش.

10. حقوق و سیاست در قرآن، چاپ دوم مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، زمستان 1379ش.

11. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین، انتشارات محدث، 1379ش.

ص: 117

آسیب شناسی فهم، روش و اجرای امر به معروف و نهی از منکر: سیاوش پورطهماسبی - یاسر عبازاده - بهرام فاتح - شهروز دانا

اشاره

*آسیب شناسی فهم، روش و اجرای امر به معروف و نهی از منکر: سیاوش پورطهماسبی - یاسر عبازاده - بهرام فاتح - شهروز دانا (1) (2) (3) (4)

مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر یکی از بزرگ ترین فرائض الهی است که در همه ادیان، مذاهب و امت های پیشین و از جمله در کامل ترین دین آسمانی، یعنی اسلام وجود داشته و به عنوان واجب مطرح شده است و دارای آثار و نتایج و برکات زیاد معنوی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است به طوری که بدون اقامه آن، اشرار بر جامعه تسلط می یابند و دعاها مستجاب نمی شوند و عذاب الهی بر همگان فرود می آید و کارهای نیک ترک می شوند و منکرات ظاهر می گردند دو واژه معروف و منکر از جمله واژه هایی است که ریشه در گذشته ای بس دور دارد و پیشینه کاربرد آن ها به پیش از اسلام بر می گردد و برای اعراب جاهلی ناشناخته نبود. نزد آن ها معروف یعنی آشنا و منکر به معنای ناشناخته بود آن هم نزد عرف و سنت؛ اما قرآن این دو واژه را به معنای محدودتری به کار گرفت به گونه ای که در معنای قرآنی معیار معروف و منکر عرف و سنت نیست، بلکه اراده خداوند است به این معنا که معروف هر عملی است که از ایمان واقعی ناشی می شود و مطابق و سازگار با آن است و منکر یعنی

1- مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمی ایمیل: tahmasbesiavash@yahoo.com

2- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی- واحد گرمی

3- مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمی

4- مدرس دانشگاه آزاد اسلامی- واحد گرمی

هر عملی که با احکام الهی در تعارض باشد. (1)

معروف و منکر به این مفهوم اولین بـار در قرآن و سـپس در روایات به کار رفته است. با بررسـی آیات مربوط این نکته به دست می آیـد که مصادیق معروف و منکر در آیات قرآنی و حتی روایاتی که در این باره از پیامبر اسـلام و ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده است سه حوزه را در بر می گیرد اعتقـادی و فکری، اخلاـقی، فقهی و رفتـاری که در ادامه این نوشـتار به برخی از مهمترین این مصادیق خصوصاً در آیات قرآنی اشاره می شود.

با توجه به کاربرد دو واژه معروف و منکر در آیات و روایات و مصادیقی که برای آن دو ذکر شده است می توان این دو مفهوم اصـیل دینی را این گونه تعریف نمود:

الف- امر به معروف: کنشی است برای تحقق آن چه مطابق تعالیم دین و عرف دینداری آشنا و پسندیده است.

ب- نهی از منکر: واکنشی برای از میان بردن آن چه در عرف دینداری ناآشنا و نکوهیده است. (2) بر این اساس معروف خوبی هایی است که «همه کس شناس» است و منکر بدی های «همه کس شناس» است؛ از همین جا در می یابیم اسلام آیینی است که از روش معروف و منکر همه کس شناس بهره می گیرد نه معروف و منکرهایی که متغیر و تابع عرف است؛ عرفی که تابع ازمنه و امکنه است. چنین معروف و منکرهایی نمی توانند از جمله خوب و بدهای همه کس شـناس باشد، خوب و بدهای همه کس شـناس با فطرت انسان به هم تنیده است و اقتضای فطرت بیدار، همیشه و همه جا یکسان است؛ مثلاً یکی از معروف های عرف دینداری اعتقاد به خداست و این اعتقاد تابع سلایق و علایق و نظامات و فرهنگ ها نمی باشد همان گونه که نمی باشد، در دعای جوشن کبیر نیز آمده است: «یا خیر معروف عرف». پس در این نوشـتار امر به معروف به معنـای اموری که مطلوب طبع عموم است و امر به منکر به معنای اموری که مطرود طبع عموم است نمی باشـد. اگر طبع به معنای فطرت لحاظ شود سخنی

1- ایزوتسو، توشی هیکو، ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن ترجمه فریدون بدره ای، ص : 271 - 268

2- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج 5 - 6، ص 76-140؛ ج 7-8، ص 500.

نیست؛ اما اگر به معنای عرف متغیر و لرزان جوامع منظور شود از قلمرو بحث این نوشتار خارج است.

در ذیل به موارد قرآنی و روایی امر به معروف و نهی از منکر اشاره می شود:

- امام علی علیه السلام می فرماید: (إِنّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنّهْیَ عَن الْمُنْکَر ... لَا یُقَربان مِنْ - الا أجَل وَ لَا یَنْقُصَان مِنْ رِزْق)، (1) همانا امر به معروف و نهی از منکر ... مرگ را نزدیک نمی کند و از روزی انسان نمی کاهد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: (أُمْرُكَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهْیُكَ عَن الْمُنْکَرِ صَدَقَة)، (2) امر تو به معروف و نهی تو از منکر صدقه است.

- آن حضرت همچنین می فرماید: (الدّالُ عَلَی الْخَیْر کَفَاعِلِه)؛ (3) راهنمایی کننده بر خیر (مانند امر به معروف و نهی از منکر) همانند انجام دهنده آن [در برخورداری از ثواب] است.

این امر مهم از آثار و برکات فراوانی برخوردار است که در این مختصر نمی گنجد بنابراین به چند مورد از آن ها فقط اشاره می شود.

مشمول عزّت و رحمت خدا شدن تأیید مؤمنان و ذلت فاسقان نجات از عذاب عمومی، به خیر دنیا رسیدن جانشین خدا و رسول شدن، بهترین مردم بودن حکم شهید را داشتن، در مسیر حق قرار داشتن و.....

عواقب و آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر نیز فراوان است که تنها به ذکر برخی از آن ها بسنده می شود:

- پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم می فرماید: (لَیْسَ مِنّا مَنْ لَمْ یَرْحَمْ صَ غِیرنَا وَ لَمْ یُوَقّرْ کَبیرنَا وَلَمْ یَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَمْ یَنْهَ عَن الْمُنْکَر)؛ (4) از ما نیست کسی که به صغیر ما رحم نکند و احترام بزرگ ما را پاس نمی دارد و امر به معروف و نهی از منکر نمی کند.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: (إِذَا رَأَی الْمُنْکَرَ فَلَمْ یُنْکِرْهُ وَ هُوَ یَقْدِرُ عَلَیْهِ

1- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد غرر الحکم ص 332؛ نهج البلاغة، خطبه 156.

2- ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، ج1، ص8.

3- ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 55؛ همو، ثواب الأعمال، ص 1.

4- محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج 12، ص 185

فَقَدْ أَحَبَّ أَنْ یُعْصَی اللّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ یُعْصَی اللّهُ فَقَدْ بَارَزَ اللّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِالْعَداوة)؛ (1) هر گاه کسی منکری را مشاهده کند و آن را انکار نکند، در حالی که قدرت بر آن دارد در حقیقت دوست دارد که خدا معصیت گردد، و کسی که دوست داشته باشد نافرمانی خدا شود با خدا به مبارزه پرداخته و دشمنی کرده است.

امام رضا علیه السلام فرموده است (لَتَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهُنَّ عَنِ الْمُنْکَرِ أَوْ لَیُسَلِّطَنَّ عَلَیْکُمْ شِرَارُکُمْ فَیَدْعُو خِیَارُکُمْ فَلَا یُسْتَجَابُ لَهُمْ)، (2) یا امر به معروف و نهی از منکر می کنید، یا این که خداوند شما افراد بدی از میان خودتان مسلط خواهد کرد؛ پس هر چه خوبان شما دعا می کنند مستجاب نخواهد شد.

امر به معروف در قرآن

در قرآن آیات بسیاری وجود دارد که به فریضه امر به معروف و نهی از منکر پرداخته و زوایای گوناگونی از این واجب عقلی و شرعی را بیان فرموده است که در ادامه به چند مورد اشاره می شود:

1- (کُنتُمْ خَیْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنکَرِ وَ تُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْکِتَابِ لَکَانَ خَیْراً لَّهُم مِّنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَکْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ)، (3) شما بهترین امتی بودید که برای مردم پدیدار شدید؛ زیرا به کار نیک فرمان می دادید و از کار ناپسند باز می داشتید و به خدا ایمان آوردید پس اگر اهل کتاب نیز دعوت خدا را پذیرفته بودند، قطعاً برایشان بهتر بود؛ ولی تنها گروهی از آنان ایمان آوردند و بیشترشان از فرمان خدا خارج شدند.

در این آیه امر به معروف و نهی از منکر، اولاً دلیل خیر بودن امت معرفی شده و ثانیاً مخاطب آمر و ناهی، همه مردم هستند و کسی استثناء نیست و ثالثاً سود این کار به خود مردم بر می گردد و رابعاً در ردیف ایمان به خدا ذکر شده که نشان از جایگاه والای آن دارد

1- ابن بابویه معانی الأخبار، ص 252؛ کلینی، محمد بن یعقوب اصول کافی ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، ج 5، ص 108

2- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج 5، ص 56

3- آل عمران/ 110.

2- (وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْض يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَر وَ يُقِيمُونَ الصَّلوةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَوةَ وَ يُطِيعُونَ اللهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللهُ إِنَّ اللهَ عَزِيز حَكِيمٌ)، (1) و مردان و زنان مؤمن همه سرپرست و مسئول یکدیگرند همواره مردم را به کار نیکو امر می کنند و از کار زشت باز می دارند و نماز را بر پا می دارند و زکات را می پردازند و از خدا و رسولش اطاعت می کنند. اینان همان هایی هستند که خداوند به زودی به آنان ترحم می نماید و خدا عزیز و حکیم است.

در این آیه جالب توجه است که اولاً امر به معروف و نهی از منکر را فرع بر ولایت معرفی کرده است و این نشان می دهد که اگر چنین ولایتی در کار نبود کسی حق نداشت چنین امر و نهی کند. ثانیاً قبل از اقامه نماز و پرداخت زکات آمده و این امر نشانه اهمیت آن است.

در آیه دیگری در همین سوره آن جا که از منافقان سخن به میان می آورد می فرماید (الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُم مِنْ بَعْض يَأْمُرُونَ بِالْمُنكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَن الْمَعْرُوفِ..)، (2) مردان و زنان منافق همه در داشتن صفات ناپسند و ارتکاب کارهای ناروا مانند یکدیگرند. آنان به کار ناروا فرمان می دهند و از کار پسندیده باز می دارند...

در این آیه چند نکته قابل توجه است: اولاً منافقان را در مقابل مؤمنان قرار داد و نه کافران را ؛ چرا که فعالیت منافقان در درون جامعه دینی است و مراقبت از اعمال آنان و سرکوب دشمن داخلی مقدم بر دیگران است. ثانیاً خداوند زنان و مردان منافق را از هم معرفی می کند نه ولی بر هم چون در این نفاق از هم تأثیر پذیرفته اند؛ در حالی که نباید این اتفاق می افتاد و اینان هیچ ولایتی بر هم ندارند، نه همدیگر را دوست می دارند و نه نسبت به هم احساس سرپرستی می کنند. ثالثاً اینان برعکس مؤمنان عمل می کنند؛ یعنی امر به منکر و نهی از معروف می کنند.

(وَلْكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَن الْمُنكَرِ وَأُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)، (3) و باید از شما گروه و جمعیتی باشند که مردم را به خیر دعوت کنند و

1- توبه / 71

2- توبه / 67

3- آل عمران/ 104

امر به نیکی و نیکوکاری کنند و از بد و بدکاری نهی کنند و اینان همان رستگاران اند.

در ایـن آیه اولاً اگر «مِن» را بعضـیه بگیریم امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه بعضـی از مردم می شـود و اگر من را بیـانیه بگیریم امر به معروف و نهی از منکر، یک وجوب همگانی می شود. ثانیاً کلمة ولتکن فعل امر است و امر، وجوب را می رساند ثالثاً ذکر امر به معروف و نهی از منکر پس از دعوت به خیر از قبیـل ذکر خـاص بعـد از عـام است و نشـان می دهـد که امر و نهی یکی از مصادیق خیر است. رابعاً حصر رستگاران در دعوت کنندگان به خیر و آمران به معروف و ناهیان از منکر جلوه خاصی به این امر بخشیده است.

در حدیثی وارد شده است که راوی می گوید: از امام صادق علیه السـلام سؤال شد: آیا امر به معروف و نهی از منکر بر همه واجب است؟ امام فرمود: نه. سؤال شد: چرا؟ فرمود: تنها برای افراد مقتدر، مطاع و عالم به معروف و منکر واجب است؛ نه بر ضعیف و ناتوانی که خود، راه را از چاه باز نمی شـناسد و نمی داند از کجا به کجا می رود؟ از حق می گوید یا از باطل؟ و دلیل بر این مطلب آیه شـریفه است که می فرمایـد: (وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ...) (1) که خاص می باشد نه عام. (2) همان طور که خداوند فرمود: (وَمِن قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ) (3) و خدا نفرموده: بر موسی یا بر کل قوم موسی (4) .....» (5)

4- (الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِندَهُمْ فِي التَّوراة والإنجيـل يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنكَرِ و... فَالَّذِينَ ءَامَنُواْ بِهِ وَ عَزَرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِى أُنزِلَ مَعَهُ أُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)؛ (6) همان ها که از این فرستاده و پیامبر امی پیروی می کنند، پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیلی که نزدشان است می یابند؛ آن ها را به

1- آل عمران/ 104

2- یعنی در آیه، دو کلمهٔ «من» و «امة» آمده که هر دو بر بعض دلالت دارد.

3- اعراف/ 159.

4- در این آیه نیز، دو کلمهٔ «من» و «امة» آمده که اولی بر بعض دلالت دارد و دومی نشان می دهد از میان امت های موسـی علیه السلام، وجود یک امت برای این امر کافی است

5- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج 11، ص 400، حدیث 1.

6- اعراف / 157

معروف دستور می دهد و از منکر باز می دارد... پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاری اش کردند و از نوری که با او نازل شده (قرآن) پیروی نمودند، آنان رستگاران اند.

در این آیه امر به معروف و نهی از منکر، یکی از مصادیق دعوت انبیاء معرفی شده است که نتیجه تبعیت از آن رستگاری است.

5- (یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَکُمْ وَأَهْلِیکُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ ...)؛ (1) ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خانواده هایتان را از آتشی که هیزمش مردم و سنگ ها خواهند بود، نگه دارید... .

در این آیه نگه داشتن اهل و عیال از آتش جهنم بر شخص واجب شده است و این کار بدون امر به معروف و نهی از منکر امکان ندارد.

6- (یَا بُنَیَّ أَقِمِ الصَّلَوةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنکَ ...)؛ (2) ای پسرک من! نماز را به پا دار و به کار شایسته فرمان ده و از کار ناشایست نهی کن... .

در این آیه امر به معروف و نهی از منکر در ردیف نماز قرار داده شده است که نشان از اهمیت آن دارد.

7- (التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاکِعُونَ السَّاجِدونَ الآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنکَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِینَ)؛ (3)، توبه کنندگان، عبادت کنندگان حمدکنندگان جابه جاشوندگان برای عبادت، رکوع کنندگان سجده کنندگان و آمران به معروف و ناهیان از منکر و حافظان حدود الهی (مؤمن اند) و به مؤمنان بشارت ده.

در این آیه امر به معروف و نهی از منکر از لوازم ایمان به شمار آمده و به آن بشارت داده شده است.

8- (الَّذِینَ إِن مَّکَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَوةَ وَآتَوُا الزَّکَوةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنکَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ)، (4) آنان که اگر در زمین به ایشان قدرت دهیم، نماز را به پا

1- تحریم / 6.

2- لقمان / 17.

3- توبه/ 112

4- حج / 41.

می دارند و زکات را می پردازند و به آن چه شایسته است فرمان می دهند و از آن چه ناشایسته است نهی می کنند و فرجام امور به دست خداست.

در این آیه نیز امر به معروف و نهی از منکر در ردیف نماز و زکات ذکر شده است که نشان از اهمیت آن دارد همچنین به لزوم تشکیل حکومت اشاره رفته تا بتوان به این فرائض الهی، جامه عمل پوشاند.

9- (لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالأَحْبَارُ عَن قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ)، (1) چرا علمای نصاری و یهود ملت خود را از گفتارهای گناه و حرام خواری بازنمی دارند؟ راستی چه رفتار بدی است که می کنند.

این آیه علما را مسئول کارهای مردم معرفی کرده سکوت آنان را در برابر اعمال زشت تقبیح می کند. از دیدگاه قرآن، علمای هر مذهب مسئولیت دارند که خیر و صلاح امت ها را در نظر بگیرند و آنان را به سوی رستگاری رهنمون شوند وگرنه ملعون و مبغوض خدا و مردم قرار خواهند گرفت. بدیهی است لازمه انجام چنین مسئولیت بزرگی برخورداری از نوعی ولایت نسبت به مردم است که اولاً در شئونات آنان دخالت کنند و ثانیاً مردم نیز موظف باشند از علماء حرف شنوی داشته باشند و اینان را اطاعت کنند.

10- (لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُواْ مِن بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ * كَانُواْ لَا يَتَنَاهَوْنَ عَن مُنكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ)، (2) از میان بنی اسرائیل آنان که کافر شدند بر زبان داوود و عیسی بن مریم لعنت شدند این بدان سبب بود که آنان نافرمانی کردند و همواره از حدود الهی تجاوز می کردند و هرگز از کارهای ناپسندی که انجام می دادند باز نمی ایستادند و به راستی کارهایی که می کردند، بد بود.

در این آیه آنان به خاطر این که نهی از منکر را نمی پذیرفتند، مستحق لعن شده اند.

11- (فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُواْ بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلاً مِّمَّنْ

1- مائده / 63

2- مائده 78 -79

أَنجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُواْ مَا أُتْرِفُواْ فِيهِ وَكَانُواْ مُجْرِمِينَ)، (1) شگفت است که چرا از امت هایی که پیش از شما می زیستند گروهی نبودند که قومشان را از فسادگری در زمین بازدارند و از عذاب برهانند؟ آری عده ای اندک باقی ماندند همانان که چون عذاب فرا رسید نجاتشان دادیم و کسانی که ستم کردند، از پی لذت ها و نعمت هایی رفتند که در آن غوطه ور بودند در حالی که گناهکار بودند.

در این آیه آمده است کسانی که از فساد در زمین نهی نمی کردند نابود شدند و عده اندکی که از این وظیفه سر باز نمی زدند مورد عنایت خدا قرار گرفتند.

12- (فَلَمَّا نَسُواْ مَا ذُكِّرُواْ بِهِ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُواْ يَفْسُقُونَ)، (2) پس چون گناهکاران آن چه را که بدان تذکر داده شده بودند به فراموشی سپردند کسانی را که از گناه نهی می کردند نجات بخشیدیم و کسانی را که ستم کردند به سزای این که از اطاعت خدا خارج شدند به عذابی ناگوار دچار کردیم.

در این آیه نیز خودداری از نهی از فساد در زمین، عامل هلاکت و نهی از عمل سوء، عامل نجات از عذاب الهی معرفی شده است.

13- (... مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَ هُمْ يَسْجُدُونَ * يُؤْمِنُونَ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ) (3) ... از میان اهل کتاب گروهی هستند که به ایمان و اطاعت خدا پایدارند و در ساعاتی از شب، آیات خدا را تلاوت می کنند و سر به سجده می نهند. به خدا و روز جزا ایمان دارند و به کار پسندیده فرمان می دهند و از کار ناپسند باز می دارند و در انجام کارهای نیک شتاب می کنند و آنان از شایستگان اند.

در این آیه اولاً امر به معروف و نهی از منکر جزء اعمال نیک اهل کتاب معرفی شده است که معلوم می شود در شرایع سابق نیز بوده است. ثانیاً عمل به این فریضه جزء مصادیق خیر و صلاح است.

1- هود / 116

2- اعراف/ 165.

3- آل عمران/ 113 - 114.

14- (اذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى * فَقُولَا لَهُ قَوْلاً لَيْناً لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى)؛ (1) به سراغ عون بروید که او طغیان کرده است و به نرمی با وی سخن بگویید؛ شاید که پند برد یا بترسد.

در این آیه، موسی و هارون مأموریت یافته اند که برای امر به معروف و نهی از منکر فرعون به سراغ وی بروند و با وی به نرمی سخن بگویند.

امر به معروف در سنّت

فریضه امر به معروف و نهی از منکر در احادیث و روایات معصومین فراوان وارد شده است و همگی دلالت دارند بر این که امر به معروف و نهی از منکر به مصلحت عموم مردم و از فرائض شرعی و ضروریات دینی و بلکه از افضل فرائض و اشرف و اعظم آن هاست؛ چرا که به برکت آن دیگر واجبات بر پا داشته می شوند؛ به طوری که در امر به معروف و نهی از منکر ترک شود، موجب عذاب و هلاک عمومی می گردد خداوند غضبناک شده، اشرار بر جامعه مسلط گشته، دعاها مستجاب نمی شود و در وحی از روایات آمده است که امر به معروف و نهی از منکر، موجب نزدیکی اجل و منع روزی نمی شود. در ادامه به چند مورد از روایات اشاره می کنیم:

1- از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل است که فرمود جبرئیل نزد من آمد و گفت: (يَا أَحْمَدُ اَلْإِسْلاَمُ عَشَرَةُ أَسْهُمٍ وَ قَدْ خَابَ مَنْ لاَ سَهْمَ لَهُ فِيهَا أَوَّلُهَا شَهَادَةُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اَللَّهُ وَ هِيَ اَلْكَلِمَةُ وَ اَلثَّانِيَةُ اَلصَّلاَةُ وَ هِيَ اَلطُّهْرُ وَ اَلثَّالِثَةُ اَلزَّكَاةُ وَ هِيَ اَلْفِطْرَةُ وَ اَلرَّابِعَةُ اَلصَّوْمُ وَ هِيَ اَلْجُنَّةُ وَ اَلْخَامِسَةُ اَلْحَجُّ وَ هِيَ اَلشَّرِيعَةُ وَ اَلسَّادِسَةُ اَلْجِهَادُ وَ هُوَ اَلْعِزُّ وَ اَلسَّابِعَةُ اَلْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ هُوَ اَلْوَفَاءُ وَ اَلثَّامِنَةُ اَلنَّهْيُ عَنِ اَلْمُنْكَرِ وَ هُوَ اَلْحُجَّةُ وَ اَلتَّاسِعَةُ اَلْجَمَاعَةُ وَ هِيَ اَلْأُلْفَةُ وَ اَلْعَاشِرَةُ اَلطَّاعَةُ وَ هِيَ اَلْعِصْمَةُ) (2)

2- هر کسی مردم را به کارهای پسندیده فرا بخواند و از کارهای ناشایست دارد جانشین خدا و فرستاده او در زمین است. (3)

3- امام موسی کاظم علیه السلام از حضرت علی علیه السلام نقل فرمود که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

1- طه / 43 - 44

2- حرّ عاملی، محمد بن حسن وسائل الشیعه ج 1، حدیث ،23 من أبواب مقدمة العبادات، ص 1127.

3- محمدی ری شهری، محمد میزان الحکمه، ج 3، ص 1940.

قومی که امر به معروف و نهی از منکر نکنند قوم بدی هستند. کسانی که آمران به معروف و ناهیان از منکر را مورد تهمت قرار می دهند، بد مردمانی هستند. بد هستند کسانی که برای خدای متعال به عدل قیام نکنند...». (1)

4- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «همانا خداوند عزّ و جلّ مؤمن سست را که دین ندارد دشمن می دارد، عرض کردند: ای رسول خدا! مؤمنی که دین ندارد، کیست؟ فرمود: کسی است که از کارهای ناشایست منع نمی کند. (2) کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج 5، ص 59. (3)

5- ابوعبیده جراح از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کرد: روز قیامت، عذاب چه کسی از همه سخت تر است؟ فرمود: (رَجُلٌ قَتَلَ نَبِیّاً أَوْ رَجُلاً أَمَرَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ نَهَی عَنْ مُنْکَرٍ). (4) در این حدیث آمر به معروف و ناهی از منکر در ردیف انبیاء قرار گرفته است.

6- از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل است که فرمود: (إنَّ اللّهَ عز و جل لا یُعَذِّبُ العامَّهَ بِعَمَلِ الخاصَّهِ حَتّی یَرَوُا المُنکَرَ بَینَ ظَهرانَیهِم وهُم قادِرونَ عَلی أن یُنکِروهُ فَلا یُنکِروهُ، فَإذا فَعَلوا ذلِکَ عَذَّبَ اللّهُ الخاصَّهَ وَالعامَّهَ)؛ (5) خداوند عموم مردم را به خاطر عمل خواص عذاب نمی کند مگر هنگامی که مردم منکرات را بین خود آشکار ببینند و با وجود قدرت، امر به معروف و نهی از منکر نکنند که در این صورت خواص و هم عموم مردم را عذاب می کند.

7- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: (لا تَزَال أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالمَعْرُوفِ و نَهَوْا عَنِ المُنْكَرِ، و تَعَاوَنُوا عَلى البِرِّ والتَّقْوَى، فَإِذَا لَمْ يَفْعَلوا ذَلكَ نُزِعَتْ مِنْهُمُ البَرَكَاتُ و سُلطَ بَعْضُهُمْ عَلى بَعْضٍ ولَمْ يَكُنْ لهُمْ نَاصِرٌ فِي الأَرْضِ ولا فِي السَّمَاءِ).

8- از امام علی علیه السلام نقل شده که در وصیت به فرزندش محمد بن حنفیه آورده (يَا بُنَيَّ اِقْبَلْ مِنَ اَلْحُكَمَاءِ مَوَاعِظَهُمْ، وَ تَدَبَّرْ أَحْكَامَهُمْ وَ كُنْ آخِذَ اَلنَّاسِ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ، وَ أَكَفَّ اَلنَّاسِ عَمَّا تَنْهَى عَنْهُ، وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ، فَإِنَّ اِسْتِتْمَامَ اَلْأُمُورِ عِنْدَ اَللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى اَلْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ اَلنَّهْيُ عَنِ اَلْمُنْكَرِ). (6)

1- راوندی، ص 153 و 154.

2-

3-

4- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج 1 و 2، ص 423

5- رضا محمدرشید تفسیر المنار، ج 9، ص 638

6- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، محمد بن حسن وسائل الشیعه، ج ،11، حدیث 2 من باب 10، من ابواب الامر و النهی.

9- علی علیه السلام فرمود: امر به معروف، برترین اعمال مردم است. (1)

10- همچنین فرمود هدف و غایت دین، امر به معروف و نهی از منکر و بر پا داشتن حدود الهی است. (2)

11- امام علی علیه السلام می فرماید: (وَ مَا أَعْمَالُ اَلْبِرِّ كُلُّهَا وَ اَلْجِهَادُ فِی سَبِیلِ اَللَّهِ عِنْدَ اَلْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ اَلنَّهْیِ عَنْ اَلْمُنْكَرِ إِلاَّ كَنَفْثَةٍ فِی بَحْرٍ لُجِّیٍّ ..)؛ (3) همه اعمال نیکو به انضمام جهاد در راه خدا نزد امر به معروف و نهی از منکر چیزی نیست جز قطره ای در مقابل دریای پهناور امر به معروف و نهی از منکر نه اجلی را نزدیک می کند و نه از مقدار روزی می کاهد از همهٔ این ها برتر، گفتن سخن حق در پیش روی حاکمی ستمکار است.

12- از امام علی علیه السلام نقل شده که در یکی از خطبه هایش پس از حمد و ثنای خدا فرمود: (أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّهُ إِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ حَیْثُمَا عَمِلُوا مِنَ اَلْمَعَاصِی وَ لَمْ یَنْهَهُمُ اَلرَّبَّانِیُّونَ وَ اَلْأَحْبَارُ عَنْ ذَلِكَ وَ أَنَّهُمْ لَمَّا تَمَادَوْا فِی اَلْمَعَاصِی وَ لَمْ یَنْهَهُمُ اَلرَّبَّانِیُّونَ وَ اَلْأَحْبَارُ عَنْ ذَلِكَ نَزَلَتْ بِهِمُ اَلْعُقُوبَاتُ فَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ اِنْهَوْا عَنِ اَلْمُنْكَرِ وَ اِعْلَمُوا أَنَّ اَلْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ اَلنَّهْیَ عَنِ اَلْمُنْكَرِ لَنْ یُقَرِّبَا أَجَلاً وَ لَنْ یَقْطَعَا رِزْقاً) (4)

13- در روایت دیگری می فرماید به واسطهٔ امر به معروف و نهی از منکر نقص برطرف می شود یا کمال افراد فزونی می گیرد یا هر دو به دست می آید.

14- و در جای دیگر می فرماید: (أَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ وَالنَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ). (5)

15- در خطبه معروف حضرت زهرا علیها السلام آمده است: (فَجَعَلَ الإيمانَ تَطهيراً لَكُم مِنَ الشِّرْك ... وَالأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعامَّةِ).

16- امام باقر علیه السلام می فرماید امر به معروف و نهی از منکر، واجبی عظیم است که

1- محمدی ری شهری، محمد میزان الحکمه، ج 3، ص 1941

2- همان.

3- نهج البلاغة، حکمت 374

4- کافی، نظیر تتمه این حدیث از امام صادق علیه السلام در وسائل الشیعه، ج 11، باب 1، من ابواب الامر بالمعروف و النهي عن المنكر ص 159 آمده است.

5- نهج البلاغه، خطبه 34

دیگر واجب هـای الهی بـا آن بر پـا می شود امر به معروف و نهی از منکر، راه پیـامبران و روش صالحـان است؛ واجب بزرگی است که به وسیلهٔ آن دیگر فریضه ها اقامه، راه ها امن، درآمدها حلال، مظالم بازگردانده، زمین آباد و حق از دشمنان گرفته و کارها مستقیم می شود.

17- از امام صادق علیه السـلام نقل است که فرمود: مردی از قبیلهٔ خثعم نزد پیامبر آمد و گفت: (یَا رَسُولَ اللهِ! أَخْبِرْنِي مَا أَفْضَلُ الإِسْلامِ؟ قَالَ: الإِیمَانُ بِاللهِ. قَالَ: ثُمَّ مَاذَا؟ قَالَ: صِلَةُ الرَّحِمِ. قَالَ: ثُمَّ مَاذَا؟ قَالَ: الأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ. قَالَ: فَقَالَ الرَّجُلُ: فَأَخْبِرْنِي أَيُّ الأَعْمَالِ أَبْغَضُ إِلَى اللهِ؟ قَالَ: الشِّرْكُ بِاللهِ. قَالَ: ثُمَّ مَاذَا؟ قَالَ: قَطِيعَةُ الرَّحِمِ قال: ثم ماذا؟ قال: الأمرُ بالمُنكر و النهی عَنِ المُعْروفِ). (1)

18- مسـعدة بن صدقه از امام صادق علیه السـلام نقل می کند که پیامبر اکرم صـلی الله علیه و اله فرمود: (کَیْفَ بِکُمْ إِذَا فَسَدَتْ نِسَاؤُکُمْ وَ فَسَقَ شَبَابُکُمْ وَ لَمْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَلَمْ تَنْهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ؟! فَقِیلَ لَهُ وَ یَکُونُ ذَلِکَ یا رَسُولَ اللَّهِ؟! فَقَالَ: نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِکَ، کَیفَ بِکُمْ إِذَا أَمَرْتُمْ بِالْمُنْکَرِ وَ نَهَیْتُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ؟! فَقِیلَ لَهُ یارَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ یَکُونُ ذَلِکَ؟! قَالَ: نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِکَ، کَیفَ بِکُمْ إِذَا رَأَیْتُمُ الْمَعْرُوفَ مُنْکَراً وَ الْمُنْکَرَ مَعروفاً؟!). (2)

فایده بهره گیری از معروف و منکر همه کس شناس:

چنین بهره گیری با آهنگ فطرت همه انسان ها هماهنگ است. اگر فطرت ها زنـده و بیـدار باشـد یا از حجاب خفگی و خفتگی بیرون آید، خود به خود بر خوبی یـا بـدی اعتقاد یا ارزش یا عملی صـحیح مهر تأییـد می نهـد. به بیان دیگر، شـناخت معروف و منکر به صورت فی الجمله یک شـناخت فرادینی و ماقبل دینی است و بشـر به هـدایت فطری می تواند آن چه را به نیکی شـناخت به خوبی و معروف بودن آن حکم کند و آن چه را به بدی شـناخت به بدی و منکر بودن آن حکم نماید و وحی در این راسـتا کمک کار عقل است و ریزه کاری هایی را که دست عقل بـدان نمی رسـد و ابعادش برای عقل مجهول است در اختیار او می گذارد این یک واقعیت است که مانه بی عقلیم و نه عقل کل هستیم اکنون این سؤال پدید می آید که آیا در شناخت خوبی ها و

1- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج 11، حدیث 11، باب 1 من ابواب الامر و النهي، ص 1501.

2- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج 11 من ابواب الامر بالمعروف و النهي عن المنکر، ص 1413.

بدی ها فطرت کافی است یا منابع دیگری نیز در این راستا نقش دارند.

منابع و درجات شناخت معروف و منکر

در نگـاهی دقیق تر می توان گفت: آن چه را که منطق و فطرت، بینش هـای عمومی همه انسـان هـا در همه جا بررسـی های دقیق علمی و عقلی و منبع پرارج وحی آن را به نیکی می شـناسد، «معروف» است و آن چه را که یکی از این منابع و درجات ناپسند می شمارد، «منکر» است و شناخت پاره ای از این مراحل در قلمرو امامت امت است. (1)

در این جا باز این سؤال پدیـد می آیـد که با توجه به این که برخی ارزش ها ثابت اند و برخی متغیر حال همه ارزش ها اعم از ثابت و متغیر داخل در قلمرو معروف بوده و به منزله خوبی های همه کس شـناس محسوب می شوند یا ارزش های متغیر از جرگه خوبی های همه کس شناس بیرون اند؟

خوبی های هر کس شناس و ارزش های ثابت

با توجه به این که معروف و منکر مایه و پایه در فطرت دارند و شـناخت های فطری، شـناخت های فرا دینی است و شـناخت های فرا دینی فطری، همیشـگی و همگانی و همه جایی است ارزش های متغیر از دایره خوبی های همه کس شناس بیرون اند؛ چه این که این خوبی ها دسـتخوش دگرگونی نظـام ها و فرهنگ ها و.... می شود در حالی که مصادیقی که برای ارزش های ثابت برشـمرده شـده است دسـتخوش دگرگونی نظـام هـا و فرهنـگ هـا نمی شود و مـا بـا معیارهـای فرادینی که دست تکوین در وجود مـا قرار داده است می فهمیم خـدا به چه چیزهایی امر می کند و از چه چیزهایی باز می دارد.

مصادیق معروف و منکر در قرآن

مصادیق معروف و منکر را در آیات قرآنی می توان در سه حوزه به نظاره نشست معرفتی و ایمانی، اخلاقی فقهی و رفتاری. اگر چه معروف و منکر در عمـل ظـاهر می شود امـا فراتر از عمـل گاه خاسـتگاه معروف و منکر در خُلق است و گاه ریشه در بینش و شـناخت دارد که به مصادیق این سه قلمرو اشاره می شود:

1- حسینی بهشتی، سید محمد بازشناسی یک اندیشه 206-209

معرفتی و ایمانی: معروف ها و منکرهای این حوزه را می توان در موارد ذیل مورد تأمل قرار داد:

عکس

معروف‌های شناختی و ایمانی			منکرات شناختی و معرفتی		
شماره	عنوان	سوره	شماره	عنوان	سوره
۱	ایمان به خدا و توحید	سوره ۱۰۴/۱۰ـ نساء/۱۳۶	۱	کتمان حق و حقیقت	بقره/ ۴۲، ۱۵۹ و ۱۶۰ ـ آل عمران / ۷۱ و ۱۸۷
۲	ایمان به آخرت	سوره ۷۲/۹	۲	آموختن مطالب مضر	بقره /۱۰۲
۳	خود را در محضر خدا و در حال امتحان دانستن	سوره / ۱۶/۹	۳	پیری از گمان و هوی و آرزو	مائده /۷۰و۷۱ – حدید /۷۱ـ جاثیه /۲۳ـ فرقان /۴۳ـ بقره /۱۲۰ – یونس /۳۶ – مؤمنون /۷۱ – محمد /۱۴ –بقره /۷۸ – رعد/۳۷
۴	ایمان به نبوت و رسالت و کتب آسمانی	نساء /۱۳۶ –حدید ۲۸	۴	ایمان به جهان غیب و فرشتگان الهی	غافر /۷
۵	لزوم فراگیری علم نسبت به متعلقات ایمان	بقره /۲۰۳ و۲۰۹ و۲۳۱ و۲۳۳ – حدید / ۱۷ و ۲۰ – مائده /۹۲ -انفال / ۲۱ – توبه /۱۲۲ – علق / ۱ و ۵	۵	پیروی کورکورانه	انبیاء / ۵۲ و ۵۴ – شعراء /۱۲۶ و ۱۳۸ – اعراف / ۳۸ – زخرف / ۲۳ – احزاب /۶۷ و ۶۸ – سبأ / ۳۱ و ۳۲ بقره / ۱۷ – مائده / ۱۰۴ – اعراف / ۲۸ – لقمان / ۲۱
۶	کسب معرفت نسبت به هدف خلق و بعثت	طلاق/۱۲ـ بقره/۱۵۱ و۱۲۹ـ آل عمران/۱۶۴ – جمعه/۲	۶	سستی در راه حق	نساء /۱۰۴ـ آل عمران/۱۳۹
۷	تفکر و تعقل	انعام/۵ ـ بقره/۲۱۹و۲۴۲ـ اعراف/۱۷۶ روم/۸ ـ محمد/۲۴ـ سبأ۴۶ـ آل عمران/۱۹۰ـ نحل/۷۸ـ ق/۳۶و۳۷	۷	جهالت و غفلت و عدم تعلق و اختلاف	اعراف/۱۷۹ـ ملک/۱۰ و ۱۱ـ انفال/۲۲ـ۶۵ رعد/۱۹ـ حج/۵ـ نحل/۷۰ـ اعراف/۱۳۸ نمل/۵۵ ـ یوسف/۳۳ـ حشر/۱۴
۸	افزودن علم خود در ابعاد مختلف	طه/۱۱۴ ـ کهف/۶۶ـ نمل/۱۵و۱۶	۸	تعصب و لجاجت و بهانه جویی	فتح/۲۶ـ بقره/۱۱۸ـ انعام/۳۵ـ اسراء۴۵و۴۶ـ روم/۵۲ و ۵۳ و ۵۸ و ۵۹
۹	دعوت به بسترساز ایمان و تقوا و خشیت	سبأ/۶ ـ اسراء/۱۰۷ و ۱۰۸ـ حج/۵۴ ـ آل عمران/۷ـ فاطر/۲۸ـ آل عمران/۱۹۷ـ مائده/۱۰۰ـ بقره/ ۱۸۷	۹	سوء ظن و نفاق و غرور	آل عمران/۱۵۴ـ بقره/۹و۱۰و۱۷و۱۸ـ انفال/۴۹ـ احزاب/۱۲ـ مائده/۷۱
۱۰	مطالعه تاریخ	یوسف/۳و۱۱۱ـ اعراف/۱۷۶ـ هود/۱۰۰ـ نازعات/۲۶ـ حج/۴۶ـ محمد/۱۰ـ آل عمران/۱۳۷ـ عنکبوت/۳ـ فجر/۶و۷ـ فیل/۱	۱۰	روحیه تجاوز و عدوان	یونس/۷۴
۱۱	سیر در نفس	شمس/۷و۸ـ انبیاء/۶۴ـ لقمان/۲۵ـ عنکبوت/۶۵ـ بقره/۲۸۵ـ مائده/۱۰۵ـ روم/۳۰	۱۱	تکذیب آیات الهی	مطففین/۱۱و۱۴ـ محمد/۲۲و۲۳ـ اعراف ۱۰۰ـ روم ۱۰
۱۲	آگاهی از موانع معرفت	فاطر/۱۸ـ انعام/۴۲ـ آل عمران/۷ـ مطففین/۱۴ـ حج/۵۳ـ اسراء/۴۶ـ بقره/۷ـ اعراف/۱۰۰ـ توبه/۸۷ـ بقره/۸۸ـ جاثیه/۲۳ـ محمد/۲۴ـ حج/۴۶ـ اعراف/۱۷۹	۱۲	حب دنیا	نحل/۱۰۷و۱۰۸ـ توبه/۹ و ۸۶ و۸۷ و ۹۳

اخلاقی: معروف ها و منکرهای اخلاقی در آیات قرآنی بسیار است، اما مهم ترین آن ها را می توان این گونه برشمرد:

عکس

معروف‌های اخلاقی			منکرات اخلاقی		
شماره	عنوان	آیه	شماره	عنوان	آیه
۱	حسن سلوک	فرقان/۶۳ـ بقره/۱۰۴ـ نساء/۸۶ نحل/۵۳ـ هود/۴۲ تا ۴۸ـ مؤمنون/۹۶ ـ شعراء/۲۷، ۲۸، ۵۸، ۵۹، ۶۱ ـ ۶۲ـ فرقان/۶۳	۱	کارنابیست	نساء/۱۲۳ـ مائده/۱۰۰ـ انعام/۱۳۵ـ هود/۴۷ـ روم/۱۰
۲	دفع بدی با نیکی	رعد/۲۲و۲۳ـ مؤمنون/۹۶ـ فرقان/۶۳ـ قصص/۵۴	۲	سرکشیدن در کار مردم (تجسس)	حجرات/۱۲ـ مائده/ ۴۱، ۱۰۱
۳	نیکوکاری و انفاق در خیرات	بقره/۱۴۸و۱۹۵ـ آل عمران/۱۱۵ـ اعراف/۸۵ـ هود/۲۶ـ نحل/۳۰ـ طه/۱۱۲ـ مؤمنون/۹۶ـ قصص/۵۴	۳	اختیال و عجب	نساء/۴۹ـ لقمان/۱۸ـ حدید/۲۳
۴	شتاب در کار خیر	آل عمران/۱۱۴، ۱۳۳ـ مائده/۴۸، توبه/۱۰۰ـ انبیاء/۹۰ـ مؤمنون/۵۶ـ۶۱، فاطر/۳۲ـ واقعه/۱۰	۴	تکبر و استکبار	بقره/۳۴ـ آل عمران/۱۷۲و۱۷۳ـ اعراف/۱۳، ۳۶، ۱۳۳، ۲۰۶ـ نحل/۲۳و۲۹ـ اسراء/۳۷و۳۸ـ فرقان/۲۱و۶۳ـ لقمان/۱۸
۵	حکمت و فرزانگی	بقره/۱۲۹، ۱۵۱، ۲۳۱، ۲۵۱، ۲۶۹ـ آل عمران/۴۸، ۱۶۴ـ نساء/۱۱۳ـ نحل/۱۲۵ـ اسراء/۳۹ـ احزاب/۳۴	۵	غرور	اعراف/۵۱ـ آل عمران/۱۸۵ـ نساء/۱۲۰ـ انعام/۷۰و۱۳۰
۶	اصلاح ذات البین	نساء/۱۱۴ـ حجرات/۹و۱۰	۶	مخاصمه و منازعه	انفال/۴۶ـ بقره/۱۸۸ـ آل عمران/۱۵۲ـ نساء/۲۹و۵۹
۷	صدق	احزاب/۲۳ـ بقره/۱۷۷ـ آل عمران/۱۷ـ مائده/۱۱۹ـ توبه/۱۱۹	۷	تعارض گفتار و کردار	بقره/۴۴ـ صف/۲
۸	با مخالفان به شیوه‌ای هر چه نیکوتر سخن گفتن	اسراء/۵۳ـ بقره/۸۳و۲۶۳ـ فصلت/۳۳	۸	بانگ برداشتن به بدی	نساء/۱۴۸
۹	خوشرویی	احزاب/۴۸	۹	پیروی از شهوات	نساء/۲۷ـ آل عمران/۱۴ـ مریم/۵۹
۱۰	استقامت	فصلت/۳۰ـ آل عمران/۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۷ـ نساء/۸۱ـ انفال/۱۱، ۱۲، ۴۵ ـ هود/۲و۸۹ـ یونس/۱۱۲ـ ابراهیم/۲۷	۱۰	دروغ و دروغ پراکنی	بقره/۱۰ـ انعام/۲۴ـ توبه/۲۷ـ حج/۳۰ـ لقمان/۳ـ صف/۲و۳ـ اعراف/۸۶ـ احزاب/۶۰
۱۱	سلامت قلب	انعام/۱۲۶، ۱۲۷ـ انفال/۶۱ـ هود/۹و۱۰	۱۱	گمان بد (سوء ظن)	حجرات/۱۲ـ آل عمران/۱۵۴ـ انعام/۱۱۶و۱۲۸ـ هود/۲۶ـ۴۶ـ۶۰
۱۲	گذشت در حق مردم	آل عمران/۱۳۴ـ بقره/۲۳۷و۲۶۳ـ نساء/۱۴۹ـ نحل/۱۲۶ـ نور/۲۲	۱۲	غیبت و بهتان	حجرات/۱۲ـ نساء/۲۰و۱۱۲و۱۵۶ـ نور/۴و۵و۱۶و۱۹و۲۳و۲۴و۲۵ـ احزاب/۵۸ـ حجرات/۶ـ قلم/۱۰ تا ۱۶ـ همزه/۱
۱۳	مهربانی	بلد/۱۷ـ فتح/۲۹ـ عصر/۳ـ حدید/۲۷ـ توبه/۱۲۸	۱۳	عیب جویی و سخن چینی	همزه/۱ـ مؤمنون/۹۷ـ قلم/۱۱ـ توبه/۷۹ـ حجرات/۱۱ـ توبه/۴۷ـ مائده/۴۱ـ قلم/۱۱
۱۴	دوستی	توبه/۷۱ـ احزاب/۶ـ ممتحنه/۱، ۷، ۸، ۹ – آل عمران/۲۸و۱۱۸	۱۴	لهو و لعب	انعام/۳۲ـ مائده/۵۷و۵۸ـ انعام/۷۰ـ اعراف/۵۱ـ انبیاء/۱۷ـ عنکبوت/۶۴
۱۵	تعاون	مائده/۲	۱۵	سخریه	حجرات/۱۱ـ بقره/۱۴و۱۵و۶۷و۲۱۲ـ نساء/۱۴ـ مائده/۵۷و۵۸ـ انعام/۵و۱۰ـ توبه/۶۴ـ۶۵و۷۹
۱۶	برادری	توبه/۱۱ـ بقره/۸۳ـ آل عمران/۱۰۳ـ	۱۶	همدیگر را	حجرات/۱۱

ص: 133

مصادیق معروف و منکر در روایات

روایـات اهـل بیت علیهم السـلام نیز در هر سه حوزه شـناختی، اخلاقی و رفتاری بیانگر همین مصادیق است؛ کافی است برای شـناخت مصادیق معروف و منکر نیم نگاهی به حدیث عقل و جهل و جنودی که برای این دو شمرده شده است بیندازیم، (1) یا روایات دیگری که به نوعی بیانگر مصادیق است. (2) در منبع اخیر، حـدود سـیصد منکر رایج در آخرالزمان از زبان پیامبر بزرگوار اسـلام و امام صادق علیه السلام آمده است که جلوه بسیاری از مصادیق ذکر شده در روایات را می توان در جهان و جامعه کنونی مشاهده نمود.

مصادیق منکرات به زبان عصر و نسل حاضر

شاید بتوانیم همه یا بیشتر مصادیق منکرات را به دو نگاه و منظر برگردانیم:

الف- نگاه ماکیاولیستی: بر اساس این نگاه هدف وسـیله را مباح می سازد و انسان مجاز است برای رسـیدن به هدف و مطلوب خود از هر راه و ابزاری بهره گیرد؛ مثلاً اگر هـدف اقتصادی است می تواند به، دزدی، ربا، ارتشا، اختلاس، کلاهبرداری، تقلب، دروغ، سوگند به دروغ کم فروشی و.... متوسل شود. اگر هدف روانی و کسب آرامش است در این راستا مهم رسیدن به آرامش است؛ حال فرد مجاز است از هر مُسـکر و ماده ای که این آرامش موقت و کاذب را برای او به ارمغان می آورد استفاده نماید. یا اگر هدف سیاسی و رسیدن به پست و قدرت و کسب شهرت است در این راستا می تواند از قتل نفس، بهتان، دروغ پراکنی، ترور شخصیت، شایعه سازی و شایعه پراکنی، جسس و.... بهره برداری کند تا به هدف و آرمان خود برسد؛ پس در نگاه ماکیاولیستی سـخن از رسـیدن به هدف است؛ راه و ابزار هر که و هر چه باشد مهم نیست، مهم آن است کدام ابزار و راه فرد را به مقصود مورد نظر می رساند.

ب- نگاه لیبرالیسـی: در این جا نوعی نگرش فردگرایانه حاکم است؛ یعنی فرد فقط به حقوق و استعدادها و نیازها و خواسته ها و رشد خود می اندیشـد. فرد برای خـود حـق بهره منـدی از هر کس و هر چیزی را قائـل است؛ تفکر گوهری در این جـا این است که من به عنوان یک انسان حق دارم هر چه را بخواهم تجربه و امتحان کنم و از آن

1- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج 1، ص 24-26؛ حرانی ابن شعبه تحف العقول، 423-424

2- بنگرید به: طباطبایی سیدمحمد حسین، تفسیر المیزان، ج 5، ص 603 - 611.

بهره مند گردم و در این مسیر هیچ مانع و محدودیتی نباید باشد. در این منظر، گویی فرد به جز نیازها و خواسته های غریزی و نفسانی هیچ نیاز دیگری را نمی شناسد. موانع احتمالی در این مسیر دین یا دولت یا خانواده است از این رو دین باید خود را با من وفق بدهد در غیر این صورت یا این دین باید از سر راه من کنار رود یا آن را از سر راهم کنار خواهم زد؛ دولت نیز باید خواسته های مرا از هر رنگ و نوع و جنسی که باشد به عنوان حقوق من به رسمیت بشناسد و جزء حقوق قانونی محسوب گردد و حتی زمینه را تمهید نماید تا به تدریج به هنجار تبدیل گردد؛ در زمینه خانواده نیز یا من تشکیل خانواده نمی دهم یا طرف من باید تعهد نماید که مزاحم خواسته های آزاد من نشود، در غیر این صورت از حریم خانواده نیز عبور خواهم نمود. از این رو در مکتب فردگرایانه لیبرالیستی آزادی های فردی بر هنجارها و قوانین جمعی یک جامعه تحمیل می شود و اصولاً هنجارشکنی در جوامع لیبرالیستی یک اصل برای پیشرفت قلمداد می شود؛ مثلاً همجنس گرایی در این جوامع امروزه به عنوان یک هنجار و حق شخصی مطرح است که باید واجد حقوق قانونی نیز باشد یا تغییر شکل خانواده از گسترده به هسته ای و در شکل هسته ای تجربه کردن انواع خانواده، مانند خانواده های یک نفره (زن تنها و مرد تنها) یا خانواده های دو نفره (زن و مرد بدون بچه، زن و زن، مرد و مرد) در راستای همین اندیشه است که «من به عنوان یک انسان حق دارم هر چه را بخواهم امتحان کنم».

یادآوری

در این جا ذکر چند نکته ضروری می نماید:

نکته اوّل: هر دو نگاه مذکور کاملاً با منظر و دیدگاه دین مباینت و مخالفت دارد؛ زیرا از یک سو از منظر دین برای رسیدن به هدف مشروع و معقول باید از راه و ابزار مشروع و معقول بهره گرفت و هدف و وسیله از هم جدا نمی باشند. بلکه این دو در طول هم و از مراتب یک حقیقت می باشند. از همین روست که در دین دروغ، غیبت، بهتان، کم فروشی، رباخواری و .... مطرود و منفور بوده راه رسیدن به مطلوب نمی باشند.

از سوی دیگر گوهر اصل امر به معروف و نهی از منکر بیانگر این حقیقت است

که انسـان مجـاز است چه اموری را تجربه کنـد و تجربه چه اموری مجاز نیست قرآن آن چه را خداونـد بـدان امر نموده است؛ یعنی تجربه کنید و این تجربه اسـباب صلاح و نجات و فلاح آدمی است و از آن چه خداوند نهی نموده است؛ یعنی تجربه خوبی خوب ها و بدی بدها را فی الجمله بـا هـدایت فطری و به طور عقلی در می یابـد اما به هر روی انسان در قبال اوامر و نواهی الهی در انتخاب خویش آزاد اسـت همـان طور که در قرآن می خوانیم (إِنّا هَـدَیناهُ السّبِیلَ إِمّا شاکراً و إمّا کَفُوراً) (1) یعنی انسـان در تجربه کردن یا نکردن آزاد است و همین اراده آزاد اوست که سـرشت و سـرنوشت او را رقم و قلم می زنـد اگر اراده آزاد بـا نیروی تعقـل و ارشاد وحی همراه شود، نتیجه مبارک و میمونی در پی دارد.

نکته دوم: در نگـاه ماکیاولیستی و لیبرالیستی از یک سو انسان در جسم و ماده و نیازهای جسـمانی خلاصه شـده است و از سوی دیگر در این دو منظر برای انسان هیـچ ارزش ثابت و مطلقی دیـده نشـده است. از این رو در بن نگاه حاکم بر این دو رویکرد نگاه جامع و متوازن و واقع گرایانه ای نسبت به انسان وجود ندارد.

مراحل واژگونی ارزش ها در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله

اگر در جـامعه انسانی امروز کمی عمیق شویم در می یابیم نگاه ماکیاولیستی و لیبرالیستی به زنـدگی فکری، اخلاقی، معیشتی، اجتماعی و سیاسـی انسان ها راه یافته است تا بدانجا که این سـخن نغز رسول گرامی اسـلام را به تصویر می کشد که فرمود: «چگونه باشـید آن گاه که زنانتان فاسـد شونـد و جوانانتان فاسق گردند و امر به معروف نکنید و نهی از منکر ننمایید چگونه باشـید آن گاه که به منکر فرمان دهید و از معروف نهی کنید چگونه باشید آن گاه که معروف را منکر می بینید و منکر را معروف؟» (2)

در این روایت برای دور شدن از اصل امر به معروف و نهی از منکر سه مرحله بیان شده است:

مرحله اوّل، ترک امر به معروف و نهی از منکر است. غافـل شـدن از این اصـل، پیامـدهایی دارد که در ادامه به گـوشه ای از آن هـا اشـاره خواهد شد.

1- انسان/3؛ ما راه را بدو نمودیم؛ یا سپاسگزار خواهد بود و یا ناسپاسگزار.

2- حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ص 5049؛ محمدی ری شهری، محمد، ج 8، ص 3729.

مرحله دوم، امر به منکر و نهی از معروف است قرآن چنین رویکردی را رویه منافقان معرفی می کنـد و می فرمایـد: (الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضٌ هُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَ يَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ). (1) تا بر جامعه ای غبار نفاق ننشـیند و زن و مرد این جامعه در صـفت نفاق یک رنگ و هماهنگ نگردنـد و به نوعی وحدت روحی نرسـند جامعه وارد فاز غلبـه بر معروف نمی گردد. (2) از دیـدگاه قرآن تکذیب آیات الهی (انعام 147 -148)، استکبار (جاثیه/ 31)، نفاق (توبه/67) و افترا به دروغ (یونس/ 17) همه جرم است و مصداق نهایی مجرم تقریباً بی بی هیچ تغییری همیشه کفر است (3) پس هر منافقی کافر است.

جامعه منافق جامعه ای است که از یاد خدا اعراض نموده و به خدا فراموشی دچار شده است؛ از این رو خدا نیز آن ها را فراموش کرده و آن ها را به حال خودشان رها نموده ،است چنین جامعه ای چون از عبادت مهمی ماننـد امر به معروف و نهی از منکر که تجلی ذکر و یاد خدا و حافظ نام و یاد اوست دور افتاده از نتیجه ذکر که آرامش است محروم گردیـده است؛ چنان که در قرآن می خوانیم: (أَلا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ). (4)

جامعه ای که از آرامش و حتی احساس آرامش بی نصیب شده است از تمرکز و تفکر بر اهداف و عواملی که باعث اوج و عروج آن جامعه است نیز محروم می گردد. در این جـا یک سؤال اساسـی و مهم رخ می دهـد و آن این که چگونه در جامعه اسـلامی امر به منکر و نهی از معروف امکان دارد؟ آیا اصولاً ممکن است در یک جامعه اسلامی متعلق امر و نهی دگرگون گشته جای معروف و منکر عوض شود؟

در پاسـخ بایـد گفت: قطعاً منافق امر به منکر به حمل اولی نمی کنـد؛ یعنی به صـراحت نمی گویـد کار بد بکنید و کار خوب نکنید، بلکه منافقان با استفاده از روش های مغالطه ای و عوام فریبی مردم را به منکر امر می کنند؛ از این رو آن ها:

1- توبه /67

2- طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج 9، ص 526.

3- ایزوتسو، توشی هیکو ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن، ص 311.

4- رعد 28؛ آگاه باش که با یاد خدا دل ها آرامش می یابد.

1- نخست زمینه را فراهم می کنند که یک سری از کارها «خوب» وانمود شود؛

2- در مرحله بعد از مردم می خواهند که این کارهای به ظاهر خوب و در واقع بد را انجام دهند؛

3- از سوی دیگر روی برخی کارهای خوب چنان تبلیغ منفی می کنند که وانمود شود این کار بد است اگر چه در واقع خوب است؛

4- سرانجام به مردم می گویند این کارهای بد را که در واقع همان مصادیق کارهای خوب است انجام ندهید؛ مثال یکی از مفاهیم ارزشی مشترک برای زن مرد صفت حیاء است، به ویژه این صفت برای زنان یک صفت برجسته است حال برای نهی زنان از آراسته شدن به این صفت ابتدا باید زمینه یک استحاله مفهومی را ایجاد کرد، بدین سان که منافق می گوید: 1- شرم و حیاء از سنخ و جنس خجالت است؛ 2- زن با حیاء برابر است با زن خجالتی؛ 3- خجالت صفت بدی است و انسان خجالتی انسانی ناموفق است؛ 4- خجالت مانع از آن است که انسان خواسته ها و نیازهای خود را ابراز کند و از حقوق خود دفاع نماید؛ 5- پس زن نباید از مرد خجالت بکشد و حیاء داشتن امر پسندیده ای نیست و باید حیاء را کنار گذاشت و بی حیایی را باید تمرین کرد تا برای انسان ملکه شود؛ 6- ملکه شدن این صفت خود به خود یعنی شکسته شدن حریم معاشرت و آزاد شدن روابط زن و مرد. (1)

در این جاست که به صورت غیر مستقیم امر به منکر رخ داده است؛ از این رو تا زمینه فرهنگی این موضوع فراهم نشود و از راه تکرار و تلقین و تقلید زمینه رسوخ و نفوذ آن مهیا نگردد؛ امر به منکر معنا پیدا نمی کند در این جاست که جامعه به فرموده پیامبر گرامی اسلام وارد مرحله سوم می شود.

مرحله سوم، معروف را منکر دیدن و منکر را معروف دیدن است. در این مرحله نوعی دگرگونی در نگرش افراد جامعه پدید آمده دروغ گویی و کلاهبرداری و میانبر زدن نشان زندگی و خردمندی به شمار می آید در چنین جامعه ای دیگر قباحت منکر برای افراد مسئله محسوب نمی شود مانند سهل انگاری نسبت به عبادات دینی بی تفاوتی مردم نسبت به رواج اخلاق ناپسند، رواج یافتن نوعی شکاکیت معرفتی و اعتقادی و

1- مصباح یزدی، محمد تقی آذرخشی دیگر از آسمان کربلا، ص 254252

دینی، روابط آزاد پسر و دختر و بی مبالاتی در روابط محرم و نامحرم؛ شفاف نبودن مرز حلال و حرام، دین گریزی و بی تفاوتی نسبت به دین، مال پرستی، همجنس گرایی، رواج ربا و رشوه، تفاخر به مال و پوشاک و امکانات ظاهری زندگی، عینی شدن بدی هایی مانند فسق، حرام خواری، زنا، و... مباح شدن اموال، تحقیر عالمان، خود فروشی، فزونی یافتن حرمت غنی بر مؤمن، ریاست طلبی، بی اهمیت شدن خون ریزی، ازدیاد، طلاق و از هم گسیختگی ارکان خانواده، تزلزل شخصیتی، (شباهت مردان به زنان و بالعکس) فرج و شکم، همت و محور زندگی واقع شدن و....(1) حال این پرسش در این جا قابل طرح است که جامعه ای که به دلیل غفلت یا نسیان یا ترک امر به معروف نهی از منکر در چنین وضعیتی دست و پا می زند، چه سرانجام و فرجامی در انتظار اوست؟

فرجام و سر انجام ترک امر به معروف و نهی از منکر

همان گونه که قرآن جامعه و امتی را که از امر به معروف در همه احوال غافل نیست و به مرحله معروف پذیری و منکرناپذیری رسیده و تحقق چنین امری در میان آن ممکن شده است بهترین امت و جامعه می نامد (آل عمران/110) و بهترین امت از منظر قرآن، هم از زاد و توشه تقوا برخوردار است (بقره /197)، هم اهل سبقت و سرعت در امور خیر است (آل عمران /114 - بقره 148) هم اهل صدقه و صداقت و انفاق است (محمد / 21- بقره 215) و هم از ذخیره آخرت برخوردار است (مزمل/20) دارای روح عبادت (حج/ 77) و نور حکمت (بقره /269) و واجد زینت عفت است (نور/60) و هم اهل توبه و انابت است (توبه/3) چنین امتی هم متوجه است که از اوست (یوسف /39) و هم متوجه است که به سوی اوست (نساء/ 77). در میان این امت شعائر الهی مورد تکریم و تعظیم است (حج/11، 36) پس شاخصه بهترین امت بودن آن است که معروف پذیر و منکرناپذیری است اما امتی که از این اصل و شاخص اساسی به دلیل ضعف علمی (جهل) یا شهوت عملی طمع و مستی به زندگی یا ترس از دست دادن منافع یا موقعیت عدول و عبور می کند، خواسته یا

1- طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج 5، ص 603 - 611.

ناخواسته در دام آتشی می افتد که شراره های آن خشک و تر را با هم می سوزاند؛ مانند آن چه در مورد قوم شعیب (یوشع بن نون) به وقوع پیوست که خداوند به شعیب علیه السلام فرمود: من صد هزار نفر از قوم را هلاک می کنم؛ چهل هزار نفر از آن ها اهل گناه اند و شصت هزار نفر هم از خوبان هستند وقتی حضرت شعیب پرسید چرا خوبان عذاب می شوند؟ خداوند فرمود: (أَنَّهُمْ دَاهَنُوا أَهْلَ اَلْمَعَاصِی وَ لَمْ یَغْضَبُوا لِغَضَبِی)؛ زیرا ایشان با اهل معصیت سازش نمودند (بی تفاوت بودند) و در موردی که من بر مردم غضب داشتم این ها غضب نکردند. (1)

از مضمون این روایت نکته دیگری نیز فهمیده می شود و آن این که نه تنها بی تفاوتی نسبت به سرنوشت جامعه انسان را گرفتار عذاب جمعی می کند، بلکه این بی تفاوتی با روح یکی دیگر از فروعات دینی مذهب تشیع یعنی «تولی و تبری» نیز منافات دارد؛ زیرا در تولی و تبری مرز جاذبه ها و دافعه ها، دوست و دشمن، پاسداران و شکنندگان حدود و حریم های الهی مشخص است اما هنگامی که جمع کثیری نیک مرد در میان نگون بختان و اشراری باشند اما «با دیگران دشمنی نکنند و از خوردن و خاستن و معاملت کردن با ایشان حذر ننمایند» (2) به سرنوشتی مبتلا می شوند که سزاوار بدان و تیره بختان است از این رو آن ها نیز خود را در معرض عذاب و هلاکت الهی قرار داده اند و در این هنگام راه خروجی برای ایشان نیست. از همین روست که در تعالیم ،اسلامی تربیت انسانی در کانون توجه است که خودخواه و خودبین نباشد، خوبی ها و فضائل را فقط برای خود نخواهد دوری و اجتناب از زشتی ها را اختصاصی نکند، بلکه باید بکوشد تا خوبی ها را در قلمرو خود، خانواده خود، جامعه خود، کشور خود و حتی در جهان گسترش دهد همین اصل است که می تواند جامعه اسلامی و انسانی را به پیکر واحدی تبدیل کند که اگر روزگاری عضوی را به درد آورد، دیگر اعضا از آن درد بیقرار نمانند در این فرهنگ خدامدارانه است که دیگر از نگاه فردگرایانه لیبرالیستی «به من چه» و «به تو چه» خبری نیست. در این فرهنگ

1- مصباح یزدی، محمدتقی، آذرخشی دیگر از آسمان کربلا ص 164؛ غزالی امام محمد، کیمیای سعادت، ج 1، ص 460.
2- همان.

و جامعه شهروند غیر مسئول وجود نخواهد داشت از همین روست که در نگاه قرآنی مؤمنان بر یکدیگر ولایت دارند همچنان که در آیه زیر می خوانیم: (وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلوةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَوةَ وَ يُطِيعُونَ اللّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللّهُ إِنَّ اللّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ). (1)

از این آیه که پس از بیان وضعیت منافقان در مورد امر به معروف و نهی از منکر (توبه/67) آمده است نکات مهمی استخراج می گردد.

1- لازمه ایمان، ولایت مؤمنان نسبت به یکدیگر است؛ ولایت را خواه به معنای محبت و رابطه دوستی بگیریم یا به معنای نوعی تسلط و حق قانونی. شاید در این آیه از هر دو معنا بتوان استفاده کرد.

2- لازمه ولایت آن است که مؤمنان امر به معروف و نهی از منکر کنند؛ یعنی هم می توان گفت:

2-1) مؤمنان چون یکدیگر را دوست دارند دلسوز یکدیگرند و یکدیگر را به خوبی ها ارشاد می کنند و از بدی ها باز می دارند

2-2) مؤمنان به حکم قانون نوعی تسلط و حق ثانوی دارند که به واسطه آن می توانند یکدیگر را امر به معروف نهی از منکر کنند.

3- ولایت داشتن مؤمنان در امور یکدیگر به گونه ای است که همه سطوح و مراتب جامعه را در بر می گیرد و نسبت به همهٔ افراد قابل اجراست؛ از ضعیف ترین تا قدرتمندترین سطوح جامعه هیچ کس از دایره امر به معروف و نهی از منکر بیرون نیست؛ هر چند اعمال این امر و نهی مناسب با سطح و رتبهٔ افراد است.

از سویی این حکم در همه زمان ها قابل اجراست اگر چه در هر برهه مرتبه خاص خود را ه و حداقل در بعد ایمانی و قلبی می تواند همیشه و همه جا سریان و جریان داشته باشد اما بقیه مراحل و مراتب اجرایی آن به موقعیت و مخاطبان و.... بستگی دارد.

4- لازمه امر به معروف و نهی از منکر برپایی نماز و توسعهٔ معنویت و همچنین ادای زکات و دستگیری از ضعیفان و مستمندان است نماز و زکات دو رکن وثیق در

1- توبه /71

دین اسلام است. نماز رکن عبادات غیر مالی است که رابطه میان خدا و خلق است؛ پس در امر به معروف و نهی از منکر از امور معنوی و عبـادی فرد که حاکی از ارتباط شـخص با خداونـد است نمی توان غافل شـد زکات نیز که رابطه ای است که در معاملات میان فرد و دیگر افراد جـامعه حـاکم است از قلمرو اصـل امر به معروف بیرون نهاده نمی شود. از همین رو در می یابیم دایره امر به معروف و نهی از منکر همه احکام و مسائل شرعی اجتماعی، فردی و اجتماعی را در بر می گیرد.

5- از دیگر لوازم امر به معروف و نهی از منکر «اطاعت خدا و رسول» است. اطاعت از خدا شامل تمام احکام شـرعی می شود و اطاعت از رسول همه احکام ولایتی را که پیامبر در اداره امور امت و اصـلاح شئون ایشان دارد از قبیل دستورهای جنگی و احکام قضایی و اجرای حـدود و امثـال آن را در بر می گیرد؛ به بیـان دیگر، این اصـل علاـوه بر در بر گرفتن احکـام فردی و اجتمـاعی ابعاد سیاسـی و حکومتی و فرهنگی و اخلاقی را پوشش می دهد. (1)

6- لاـزمه همه این امور نزول رحمت هـای بی پایان الهی است؛ یعنی در این جاست که قضای الهی شامل حال چنین افرادی می شود و مشـمول رحمت الهی می گردنـد و برخورداری جامعه از چنین رحمتی هیچ منافاتی با عزت و سـلطنت الهی ندارد و به هیچ وجه حکمت خداوند را دچار اختلال و وهن و گزاف نمی کند. (2)

پس مؤمنـان نسـبت به انـدیشه هـا و ارزش ها و کردارهای ساری و جاری در جامعه خود ساکت و خاموش نمی نشـینند و نسـبت به امور یکـدیگر کمال اهتمام و توجه را دارند و بر اجتماع مؤمنان نوعی وحدت و همدلی حاکم است که همین وحدت استیلای بدان را بر جامعه ناممکن می سازد. جامعهٔ تارک معروف و عامل به منکر یک جامعه ایمانی و مؤمنانه نیست بلکه جامعه ای است که ارزش های اسـلامی و ایمانی در آن سطحی و ظاهری است. در چنین جامعه ای است که بر اساس آیه 67 سوره توبه:

1- نوعی خدا فراموشی و خداگریزی و خودناآگاهی حاکم است و در جامعه ای که

1- طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج 9، ص 530 - 531

2- همان.

خـدا در کانون واقعیت ها و ارزش ها قرار ندارد هر کاری مباح است و خبری از ارزش های ثابت و مطلق نیست. در چنین جامعه ای مدار و محور همه چیز انسـان و خواسـته هـا و نیازهـای اوست حتی اگر به معنویت و دین هم گوشه چشـمی شود نوع نگـاه و نگرش انتفاعی و ابزاری است؛ یعنی دین در خدمت دنیاست.

2- در این جامعه دیگر خبری از رابطه ولایی میان انسان ها نیست بلکه سـخن از (بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ) (1) است. هر کسی به فکر منفعت خود است. اگر منافع شـخص تأمین نشود حتی به حذف یا ترور یکدیگر نیز مبادرت می نمایند. اگر در این اجتماع و مشارکت ظاهری که (تَحْسَبُهُمْ جَمِیعًا وَ قُلُوبُهُمْ شَتّی) (2) تزاحمی پدید آید و منافع شخصی به خطر افتد، همه چیز تمام می شود.

3- استیلای بدان و اشرار از دیگر آثار سستی و مداهنه در قبال امر به معروف و نهی از منکر است؛ آن هم استیلایی که هر چه دست به دعا برداشـته شود دعا مسـتجاب نمی شود یکی از موارد عـدم اسـتجابت دعا همین جاست. در موردی که راه معلوم است و انسان می داند که برای حصول نتیجه باید از کدام راه برود، دعا کردن روا نیست و اگر کسی هم دعا کند دعای او شنیده نخواهد شد. برای کنار رفتن سایه شوم و سـیاه اشـرار بایـد به اجرای اصـل امر به معروف و نهی از منکر مبـادرت کرد و تـا این راه طی نشود، دستیابی به مقصود و مطلوب ممکن نیست.

4- از دیگر آثار ترک این فریضهٔ مهم که حتی اقامه دیگر فرائض در گرو آن بوده و غایب دین معرفی شده است (غرر الحکم) عبارت اند از:

الف) رنگ باختن آیات نبوت و سست شدن ارکان شریعت؛ (3)

ب) ابتر ماندن و به کمال و تمام منتهی نشدن کارها؛ (4)

ج) آسیب پذیری مسلمانان و جامعه اسلامی؛ (5)

د) مجال و میدان یافتن انسان های منافق و سبکسر و مست از باده ملاهی و

1- توبه /67

2- حشر / 14

3- تمیمی آمدی، غرر الحکم ص 6817؛ متقی هندی کنز العمال، ص 6070

4- ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 387

5- نهج البلاغه، حکمت 31

معاصی؛ (1)

ه-) ناامنی راه و روش ها رواج حرام خواری، زورگیری و حق شکنی، خرابی جامعه، جری و جسور شدن دشمنان؛ (2)

و) همسو شدن با ظالم و تقسیم و توزیع ناعادلانه ثروت عمومی و نابجا هزینه شدن اموال عمومی؛ (3)

ز) فرو رفتن در گناهان و گرفتاری به عذاب عمومی و سلب شدن برکات و محروم شدن از حامی و یاور؛ (4)

ح) محرومیت دانا و نادان از رحمت الهی نادان به سبب ارتکاب گناهان و دانا به سبب ترک نهی از منکر؛ (5)

ط) رواج شرک و قطع پیوند با خویشاوندان. (6)

شاید برای اهمیت و جایگاه این فریضه الهی اشاره به دو روایت زیر از پیامبر اسلام کفایت کند که فرمودند:

«هر گاه امت من در امر به معروف و نهی از منکر سستی و کوتاهی کنند به خدا اعلان جنگ داده اند». (7)

«همه کارهـای نیکو در جنب غزا و (جهاد) کردن چون قطره ای است در دریای عظیم و غزا (و جهاد) کردن در جنب امر به معروف چون قطره ای است در دریای عظیم هر سخن که آدمی گوید همه بر ضد اوست مگر امر به معروف و نهی از منکر و یادکرد خدای تعالی» (8)

1- همان حکمت 252

2- کلینی، محمد بن یعقوب اصول کافی، ج 5، ص 56

3- حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ص 237

4- متقی هندی، کنز العمال، ص 5575؛ مشکاة الانوار، ص 51

5- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 13، ص 180.

6- طوسی، محمد بن حسن تهذیب الأحکام، ج 6، ص 177؛ محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ص 8 باب المعروف.

7- نراقی، مهدی، علم اخلاق اسلام، ج 2، ص 315

8- غزالی، امام محمد، کیمیای سعادت، ج 1، ص 459

نتیجه گیری

قرآن کریم وظیفه همه انبیاء را امر به معروف و نهی از منکر می داند و در سوره اعراف اوّلین وظیفه پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله را امر به معروف و نهی از منکر نامیده است. در این مقاله از آغاز تا پایان موضوعاتی گوناگون دربارهٔ دو وظیفه مهم امر به معروف و نهی از منکر بیان گردیده است که پس از تجزیه و تحلیل نتایج زیر به دست آمده است:

1- برپایی دیگر فرائض و واجبات و امنیت راه های زندگی، و حلال بودن کار و کسب مردم و ادای حقوق به صاحبانش، و برپایی عدالت فردی و اجتماعی، و آبادی زمین و انتقام از دشمن و روبه راه شدن امور مسلمانان تحقق نمی یابد، مگر در پرتو دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر.

2- ترک این دو فریضه باعث رفع برکات و کمبود بهره های زندگی و بستن راه استجابت دعا و سلطه اشرار بر نیکان و فرود آمدن عذاب الهی و استحقاق هلاکت و درماندگی و دگرگونی معروف به منکر و منکر به معروف و بسیاری دیگر از انحرافات و بلاهای فاجعه آمیز خواهد گردید.

3- امر به معروف و نهی از منکر از مسائل اساسی دین مقدس اسلام و ضامن حفظ و بقای ارزش های متعالی اخلاقی در جامعه است و از عالی ترین و شریفترین واجبات الهی است که به وسیله آن ها واجبات دیگر به پا داشته می شود.

4- امر به معروف و نهی از منکر اساس و زیربنای اصل عبادی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی است که ارکان ملی و معارف بنیاد دین اسلام بر مبنای آن استوار است.

5- امر به معروف و نهی از منکر راه پیامبران و روش صالحان است که به سبب آن دیگر فرایض برپا می شود.

6- امر به معروف و نهی از منکر دو صفت خداوند هستند.

بایدهای امر به معروف و نهی از منکر

1- امر به معروف باید متناسب با واقعیت های جهان و جامعه امروز انجام یابد.

2- اگر در امر به معروف و نهی از منکر در پی احقاق حق و ابطال باطل هستیم و اگر این احقاق و ابطال امری مقدس است، باید برای تحقق یک پدیده مقدس از

روش ها و ابزارهای متناسب و مشروع کمک گرفت در راستای تحقق هر چه بهتر این اصل بر حسب شیوه ای که اتخاذ نموده ایم به محصول ویژه ای می رسیم که متناسب با آن شیوه است. از این رو در طراحی مقاصد بسیار عالی و عظیم نباید از تأمل در باب روش غفلت نمود از همین روست که پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله فرمود: «کسی که به کار خوبی فرمان می دهد باید این کار را با شیوه خوبی انجام دهد». (1)

تحولات اجتماعی عظیم در جهان جدید می طلبد شیوه های زمینه سازی و تحقق این امر مورد بازبینی قرار گیرد.

3- استفاده از شیوه های غیر مستقیم هم اندیشانه به صورت پرسش و پاسخ مباحثه ای مقدم داشتن اصل ترغیب بر تخویف تقدم داشتن چگونه گفتن بر چه گفتن، تقدم اصل ارتباط عاطفی و صمیمانه بر ارتباط رسمی و دستوری؛ توجه به این نکات خصوصاً در مجامع علمی و دانشگاهی می تواند ترویج و تأثیر و تحقق هرچه بهتر این اصل را دو چندان کند.

4- اعتمادآفرینی: تا مخاطب صداقت گفتاری و رفتاری را در مروج معروف نیابد، به سمت او جذب نمی شود.

5- الگوسازی: مروّج معروف باید خود نقشی الگو داشته باشد، آن هم الگویی غنی و متناسب با فرهنگ جامعه؛ در روایات آمده است که آمر و ناهی باید خود فردی عامل به معروف و تارک منکر باشد و در این مسیر از عدالت و ملایمت و مدارا خارج نشود. (2) از این رو این کار به عهده کسانی است که قدرت داشته باشند، اثر گذار اثرگذار باشند دانا به خوب بد باشند (3) و در همان حال روش به کار گرفته شده در راستای تحقق این اصل «منطقی و مبتنی بر اصول علمی علم النفسي و اجتماعي باشد». (4) از جمله اصولی که به صرف گفتن و جنجال کردن و اعمال زور و فشار به نتیجه نتیجه نمی رسد همین اصل است. (5)

1- محمدی ری شهری، محمد میزان الحکمه، ج 8، ص 3717

2- محمدی ری شهری، محمد میزان الحکمه، ج 8، ص 3717

3- همان.

4- مطهری، مرتضی، ده گفتار، ص 61

5- همان.

6- تکریم شخصیت اقامه معروف به عنوان یک هدف عالی باید به دور از هرگونه رفتار اهانت آمیز و مغایر با کرامت نفس باشد در این باره امام خمینی رحمه الله به آمر و ناهی چنین توصیه هایی دارند:

1- مرتکب گناهانی مانند ،دروغ توهین و تحقیر نشود؛ 2- مانند طبیبی مهربان و پدری رئوف باشد؛ 2- رعایت مصلحت طرف را بکند؛ 4- از خودستایی بپرهیزد؛ 5- قصدش فقط برای رضای خدا باشد؛ 6- خود را منزه از گناه و برتر از گناهکار نبیند؛ 7- چه بسا گناهکار، دارای صفات و اعمالی نیک و نزد خدا محبوب تر باشد؛ 8- چنان چه بداند یا احتمال دهد که امر به معروف و نهی از منکر با تکرار مؤثر است تکرار واجب می شود. (1)

7- تأکید بر جنبه های مثبت مخاطب با اهرم تشویق و تقدیر بهتر می توان استعدادهای خفته را بیدار و در دل ها نفوذ نمود و افراد را به سوی معروف سوق داد.

8- رعایت مقتضیات زمان و مکان نسل امروز به ویژه نسل تحصیل کرده و دانشگاهی زبان خاص خود را می طلبد عدم توجه به مهارت ها و فنون مرتبط در این زمینه کار را قرین توفیق نخواهد نمود، خصوصاً امروزه در ارتباطات باید علاوه بر لحاظ نمودن زمینه ها و توجه به ابعاد روانی و ظرفیت مخاطب از فنون هنری نیز غافل نبود و در این راستا از جدیدترین امکانات هنری و تبلیغی نهایت استفاده را نمود

9- درآمیختن معروف با زندگی واقعی مخاطب.

10- زمینه سازی و فراهم آوردن بستر احیای معروف تا مخاطب از حیث روانی و عاطفی آماده نشود و نوعی خودانگیختگی در او بیدار نگردد و فرد به نوعی باور و آگاهی و خودفهمی و خودانگیزی نرسد و درون او آماده پذیرش معروف و کنار نهادن منکر نگردد هرگونه اقدامی در این راستا ابتر خواهد بود. از این رو تا بسترهای لازم برای اجرای این امر پیش بینی نشود و جامعه به مرحله معروف پذیری و منکرناپذیری نرسد توصیه به امر به معروف و نهی از منکر ابتر و عقیم خواهد بود؛ پس باید زمینه های تحقق این مهم را به خوبی فراهم کرد و تمهید این زمینه بر عهده حکومت اسلامی است و برای آماده سازی و تحقق این امر باید روابط و قوانین حاکم

1- بی آزار شیرازی، عبدالکریم، رساله نوین، ج 4، ص 156-157.

بر جامعه و انسان را شناخت.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: (إِنَّ لِلْقُلُوبِ شَهْوَةً وَ إِقْبَالاً وَ إِدْبَاراً. فَأْتُوهَا مِنْ قِبَلِ شَهْوَتِهَا وَ إِقْبَالِهَا فَإِنَّ اَلْقَلْبَ إِذَا أُكْرِهَ عَمِيَ). (1)

11- در احیاء و ترویج معروف باید از توسل به هرگونه اجبار و اکراه و تنبیه و تحمیل یا دادن پاداش های افراطی پرهیز نمود، تا زمینه هر چه بیشتر برای درونی شدن ارزش ها فراهم آید.

12- طبقه بندی کردن معروف ها و منکرها و اولویت بندی معروف ها و منکرها؛ معروف و منکر فکری و ،ایمانی معروف و منکر ارزشی و اخلاقی، معروف و منکر رفتاری هرگونه اصلاحی در ناحیه رفتارها و اخلاقیات نیازمند اصلاح در ناحیه باورها و نوع نگاه فرد است و تا نگاه اصلاح نشود راه عوض نمی شود و این اصلاح امری تدریجی و زمان بر است.

از سوی دیگر باید معروف ها و منکرات بنیادی و اساسی را از معروف ها و منکرات غیر بنیادی و روبنایی جدا کرد؛ از این رو شناخت خوبی ها و بدی های بنیادی و اصلی به تخصص و علم و آگاهی ویژه خود نیازمند است.

13- باید در احیای معروف و دور شدن از منکر بر خوب و بدهای همه کس شناس تأکید داشت و تا این همه کس شناسی لحاظ نشود جامعه در این راستا مجاب نمی شود و در این مسیر حرکت جدی و اساسی را آغاز نمی کند به بیان دیگر، اگر معروف و منکرهای اجتهادی و سلیقه ای و شخصی و غیر مسلم مورد توجه قرار گیرد. چنین حرکتی به وحدت انسجام جامعه نمی انجامد.

نبایدهای امر به معروف و نهی از منکر

1- سطحی نگری در معنا و مفهوم معروف و در شاخص ها و روش ها و راهکارها از همین روست که در روایات تصریح و تأکید شده است که اجرای این اصل «بر افراد ناتوانی که راه و چاه را تشخیص نمی دهند و نمی دانند از چه به چه دعوت کنند حق یا باطل» واجب نیست. (2)

1- نهج البلاغه، حکمت 193

2- محمدی ری شهری، محمد میزان الحکمه، ج 8، ص 3717

2- ظاهر بینی: توجه بیش از حد به ظواهر و غفلت از حقایق و واقعیت ها.

3- رفتارگرایی محض یا معنی گرایی صرف را دنبال نمودن.

4- نگرش غیر جامع و ناموزون در احیای این اصل.

5- پراکنده نگری و عدم نگرش سیستمی.

6- عوام زدگی و غفلت از مرتبه مخاطب و جزم اندیشی.

7- سنت زدگی: خلط معرفتی آداب و رسوم محلی قومی یا ملی با شاخص های دینی و تأکید بر قالب ها و روش های سنتی محض.

8- تجدد زدگی فاصله گرفتن از شاخص ها و معیارهای دینی.

9- شتاب زدگی: انتظار نتایج سریع و فوری از تلاش های خود داشتن با روح امر به معروف و نهی از منکر منافات دارد و چه بسا منکراتی باشد که به قول سعدی «بیرون نمی توان کرد الا به روزگاران»؛ چه این که یک منکر ریشه دار نیز در طی روزگاران در دل یک جامعه راسخ شده و ریشه دوانده است.

10- برخورد بخشنامه ای با موضوع به ویژه در مجامع علمی و دولتی.

عوامل آسیب زا

باید از عوامل آسیب رسان ذیل نیز در توسعه معروف و کاهش منکر در جامعه غافل نبود:

1- شفاف نبودن شاخص ها و معیارها، خصوصاً هنگام اصطکاک ارزش ها.

2- تعداد متولیان فرهنگی کشور و شفاف نبودن جهت گیری ها سیاست ها و مأموریت ها.

3- تداخل وظایف و فعالیت های موازی و تکراری در این راستا.

4- به روز نبودن نهادهای مسئول در این راستا به ویژه در بعد ارتباطی.

5- کمبود نیروی انسانی متخصص و دارای دغدغه های واقعی در حوزه فرهنگ چه این که اشاعه این مهم علم، همت، صبر، قدرت و ایمان می طلبد.

6- عدم ارزیابی کارنامه کاری در این راستا به طور مستمر و شناخت قوت ها و ضعف ها.

7- فقدان یک نظام رایزنی و نظر سنجی جدی و مستمر از نخبگان.

8- فقدان نظام آماری و اطلاع رسانی دقیق در این حوزه.

9- تقدم تفکر آموزشی بر تربیتی در محیط های آموزشی.

10- سیاست زدگی بینش از حد مراکز علمی، خصوصاً دانشگاه ها.

11- عدم پاسخ گویی صحیح نسبت به شبهات دینی.

12- ضعف تولیدات فرهنگی نهادهای دینی.

13- آمیخته شدن فرهنگ دینی با برخی اغراض شخصی و سیاسی.

14- فقدان نظام برنامه ریزی صحیح فرهنگی برای نسل جوان به علت نبودن مدیریت واحد فرهنگی و عدم وجود یک استراتژی.

15- سرگرمی به درگیری های سیاسی و غفلت از مردم و پیامدهای سوء درگیری های سیاسی.

16- انفعال دستگاه های دینی و کاهش کارایی آن ها به علت توسعه شبکه های اطلاع رسانی و جهانی شدن.

17- اولویت یافتن منافع فردی و حزبی و گروهی و نهادی در برابر منافع جمعی.

18- کم رنگ بودن فرهنگ پژوهش در این راستا در نهادهای دینی.

19- شفاف نبودن حریم حقوق خصوصی و عمومی و خلط نظارت ها.

20- به جای استفاده نظام مند از اهرم های باورانند برانگیزاننده و بازدارنده، معکوس حرکت کردن.

21- نوع تلقی و گفتمان رایج در جامعه از ماهیت معروف و منکر و مصادیق و روش های ترویج و تبلیغ آن ها.

22- عدم تبیین نوع نسبت عقلانیت جدید با عقلانیت دینی.

23- عدم بازبینی دائمی شیوه های امر به معروف و نهی از منکر با لحاظ نمودن تحولات اجتماعی و فرهنگی و سیاسی عظیم در جهان.

24- افراط یا تفریط در مواجهه با ماهیت فرهنگ و تمدن جدید غرب و عدم تلاش برای شناخت صحیح غرب (غرب پذیری یا غرب گریزی یا غرب ستیزی).

25- عدم تلاش برای تفکیک و تشخیص معروف و منکر بنیادی و اصلی.

منابع

1 قرآن کریم.

2. نهج البلاغه.

3. ایزوتسو، توشی هیکو ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی – دینی در قرآن، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، انتشارات قلم 1360ش.

4. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، رساله نوین امام خمینی ذحمه الله (سیاسی، حقوقی)، تهران، مؤسسه انجام کتاب 1360ش.

5. جابری زاده، عبدالامیر، امر به معروف و نهی از منکر در دایرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

6. حرانی، ابن شعبه تحف العقول تهران انتشارات اسلامیه 1366ش.

7. حسینی بهشتی، سید محمد، باز شناسی یک اندیشه (یا نامه)، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1380ش.

8. خرمشاهی، بهاءالدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران، انتشارات دوستان و ناهید، 1381ش.

9. طباطبایی، سید محمد حسین تفسیر المیزان ترجمه حجتی کرمانی و کرامی قمی، تهران، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی 1366ش.

10. طبرسی، فضل بن الحسن، مجمع البیان ،تهران انتشارات ناصر خسرو، 1406ق.

11. طوسی محمد بن حسن التهذیب، بیروت دار الاضواء، 1413ق.

12. غزالی امام محمد (1379): کیمیای سعادت انتشارات گنجینه، تهران (ج 1).

13. کلینی، محمد بن یعقوب اصول کافی، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، انتشارات فرهنگ اهل بیت 1365 ش.

14. محمدی ری شهری ،محمد میزان الحکمه ترجمه حمیدرضا شیخی قم دارالحدیث، 1379ش.

15. مصباح یزدی محمدتقی آذرخشی دیگر از آسمان کربلا، قم، مؤسسه آموزشی و

پژوهشی امام خمینی رحمه الله، 1379ش.

16. مطهری، مرتضی، ده گفتار، قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1363ش.

17. مکدرموت مارتین، اندیشه های کلامی شیخ مفید ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران 1372ش.

18. نراقی، احمد معراج السعاده، قم، انتشارات هجرت، 1387ش.

19. نراقی، مهدی، علم اخلاق اسلام (ترجمه جامع السعادات)، ترجمه جلال الدین مجتبوی، تهران، انتشارات حکمت 1366ش.

ص: 154

امر به معروف و نهی از منکر دولت از سوی مردم (نظارت ملی): مهدی پورقاسمی- زهرا ملک مطیعی

اشاره

*امر به معروف و نهی از منکر دولت از سوی مردم (نظارت ملی): مهدی پورقاسمی- زهرا ملک مطیعی (1) (2)

بیان موضوع

به مقوله امر به معروف و نهی از منکر مـدیران و نظـام هـای اداری در جامعه ایران به عنوان یکی از اقسام مهم فروع دین اسـلام کمتر توجه شـده است. بـدین ترتیب، بـا وجود تأکیـد فراوان نخبگـان جامعه و از جمله مقام معظم رهبری بر لزوم اهمیت و توجه به ارباب رجوع در ادارات به واسـطه ضـعف نظام های اجرایی در مفهوم سازی علمی و تشریح پشتوانه های ایدئولوژیک این عرصه از امر به معروف و نهی از منکر (تحت عنوان نظارت ملی یا همگانی) بیشتر به سوی رفتارهای شعارگونه سوق یافته است و در عمل گامی رو به جلو ننهاده ایم.

در نتیجه فقـدان بازخوردهای مناسب از نحوه خدمات رسانی ادارات و دیدگاه های منتقدانه نسـبت به وضـعیت موجود در جامعه ضـعف های عدیده ای را در شیوه های مدیریتی و اجرایی کنونی شاهدیم؛ از جمله تفسیر به رأی مدیران از قوانین و

1- کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی و کارشناس پژوهش مؤسسه خدمات مشاوره آستان قدس رضوی

2- کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی و کارشناس پژوهش روابط عمومی مخابرات استان خراسان رضوی

مقررات، مدیریت های استبدادی و بسیاری معضلات دیگر که علاوه بر غیراخلاقی بودن، مخالف تمامی توصیه ها و تأکیدات دین مبین اسلام است. حال آن که اصل نظارت ملی و حس مسئولیت عمومی نسبت به نظام توان آن را می بخشد که سطح آگاهی مردم و قدرت خود کنترلی به طور مداوم تا آن حد بالا رود که هرگز قدرتی در ورطه فساد نیفتد.

از جمله تلاش ها برای ایجاد سازوکارهای مشارکتی مراجعان با دستگاه های دولتی و نهادینه ساختن موضوع نظارت همگانی بر نظام های اداری می توان به «طرح ارتقاء و حفظ کرامت مردم در نظام اداری» اشاره داشت که شورای عالی اداری کشور آن را در تاریخ 1381/1/25 تهیه و به کلیه وزارتخانه ها، سازمان ها و مؤسسات دولتی ابلاغ کرد. اما با گذشت حدود ده سال از آن شاهدیم که به واسطه ضعف در نگرش مدیران به امر به معروف و نهی از منکر (به عنوان یک ضرورت علمی دنیای حاضر یا فریضه ای دینی در مواجهه با مشکلات جامعه)، وضع مقررات فوق راه به جایی نبرده است. تلقی تخریب، توهین، توطئه، سیاه نمایی و... از جمله برداشت های بسیار شایع در مدیران نسبت به مقوله امر به معروف و نهی از منکر یا انتقاد از عملکرد مدیریتی آن هاست. (1)

با وجود سوءبرداشت های مذکور بر مبنای آیه (وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْض يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَر) (2) نظارت ملی نیرومندترین اهرم کنترل قدرت حفظ آن در نظام اسلامی است اصل نظارت ملی و حس مسئولیت همگان نسبت به نظام نشان می دهد که انتقاد صحیح هدفدار خداپسندانه، منطقی و دلسوزانه نه تنها حق که وظیفه و تکلیفی بر دوش شهروندان است. شاید گذاردن چنین تکلیف عظیمی بر عهده شهروندان در هیچ یک از نظام های حقوقی و سیاسی سابقه نداشته باشد.

با توجه به تعارضات مورد اشاره مقاله حاضر پاسخ به پرسش های اساسی زیر را دنبال خواهد کرد:

1. در جوامع حاضر ضرورت های علمی نظارت ملی یا همگانی چگونه توجیه

1-

2- هاشمی، بررسی عوامل مؤثر بر میزان رعایت حقوق شهروندی در نظام اداری کشور.

می شود؟

2. دین اسلام درباره نظارت ملی یا همگانی چه تأکیدات خاص و متمایزی دارد؟

3. بر مبنای پشتوانه های مذکور و امام رضا علیه السلام راهکارهای احیاء نظارت ملی یا همگانی چیست؟

اهداف و روش مطالعه

به دنبال پاسخ سؤالات اساسی فوق، هدف کلی «بررسی زمینه های علمی و اعتقادی نظارت ملی در نظام های مدیریتی جامعه و راهکارهای گسترش آن» قابل نظام های طرح است که روش اتخاذ شده جهت دستیابی به هدف مذکور، مطالعه کتابخانه ای و بررسی اسناد و مدارک مرتبط می باشد.

عقلانیت در دنیای مدرن

به موازات سیطره کنش های عقلانی هدف مدار در دنیای مدرن که موجب رشد نیروهای تولیدی و افزایش نظارت فنی بر زندگی انسان ها شده است، نظام اجتماعی با ابزارهای خود از جمله قدرت و مشروع سازی ها موجبات نوع جدیدی از استعمار را فراهم آورده است. در چنین وضعیتی ابزارهای تکنولوژیک مختلف از جمله تلویزیون، ماهواره و.... در خدمت سرکوب عاملیت انسانی اند تکنولوژی نوین به آزادی درونی افراد تجاوز کرده است نتیجه امر همان است که مارکوزه «جامعه تک بعدی» می خواند در چنین جامعه ای افراد به مرور توانایی تفکر منتقدانه دربارهٔ وضعیت خود و جامعه را از دست می دهند. (1) نگرش تفاهمی و ارتباط عقلانی تضعیف می شود و در نتیجه «عرصه عمومی» رو به زوال می رود و عقلانیت ارتباطی در سلطه نظام عقلانیت هدف مدار گرفتار می آید.

در میان جامعه شناسانی که وضعیت دنیای حاضر را لمس نموده و درصدد تحلیل آن برآمده اند، یورگن هابرماس در بیشتر آثارش بر عقلانیت مربوط به کنش هدف مدار تأکید می کند؛ همان عقلانیتی که شاید مهمترین عامل از خودبیگانگی در

1- ریتزر، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر

جهان نوین باشد. (1) به نظر وی، حوزه های وسیعی از زندگی انسانی برحسب علایق نظام علمی، سیاسی و اقتصادی مسلط یعنی عقلانیت دنیای مدرن بازسازی شده است. نتیجه سلطه این نظام از دست رفتن معانی تزلزل هویت جمعی، بیگانگی و شیء شدگی جامعه است عقلانیت کنش ارتباطی راه حلی است که هابرماس برای مسئله کنش معقول و هدف مدار پیشنهاد می کند. عقلانیت ارتباطی مستلزم رهاسازی و رفع محدودیت های ارتباط است و تنها در این صورت است که می توان یک جامعه آزاد و رها از سلطه را ایجاد نمود.

به دنبال گسترش عقلانیت ارتباطی کنش های افراد درگیر نه از طریق حسابگری های خودخواهانه موفقیت بلکه از طریق کنش های تفاهم آمیز هماهنگ می شود افراد دخیل در کنش ارتباطی اساساً در بند موفقیت شخصی شان نیستند بلکه اهدافشان را در شرایطی تعقیب می کنند که بتوانند برنامه های کنشی خود را بر مبنای موقعیت مشترک هماهنگ سازند. (2) از جمله آمال وی «موقعیت آرمانی گفتاری» است که در آن نیرو و قدرت برنده را تعیین نمی کند بلکه تنها استدلال بهتر پیروز خواهد بود. بر این مبنا ارتباطات تحریف شده موجود را نیز می توان تحلیل انتقادی کرد؛ لذا وی به آن ساختارهای اجتماعی توجه دارد که ارتباط را تحریف می کنند.

با مرور بخشی از نظریات هابرماس که هدف سیاسی اش استقرار جامعه ای با امکان ارتباط تحریف نشده ،است به ضرورت مشارکت همگانی در امور مختلف اداری می توان پی برد؛ مشارکتی که نمی تواند در خلاً وقوع یابد و به فضایی نیازمند است که در دیدگاه هابرماس، «حوزه عمومی» عنوان می گردد این حوزه حائل میان دولت و حوزه خصوصی زندگی افراد است و در آن تصمیم گیری های جمعی از طریق مشارکت فعالانه شهروندان در شرایطی آزاد و برابر صورت می گیرد.

حوزه عمومی نیازمند انجمن های داوطلبانه و مستقل شهروندان و دستگاهی نهادینه است که اجازه انتشار بدون محدودیت اطلاعات و اندیشه ها را بدهد بنابراین انواع گوناگون سازمان ها از انجمن های اولیا و مربیان و باشگاه های محلی گرفته تا

1- ریتزر، به نقل از هابرماس نظریهٔ جامعه شناسی در دوران معاصر

2- همان.

اتحـادیه های کارگری سازمان های حقوق بشـر سازمان های محیط زیست و غیره - جزء جـدایی ناپـذیر آننـد. آگاهی شـهروندان درباره مسائـل اساسـی روز و فراهـم سـاختن وسایل بیان انواع گوناگون دیـدگاه ها و نگرش ها درباره مسائل و موضوعات مورد اختلاف نیز همین گونه اند. (1)

در واقع هابرماس تأکیـد دارد که شـهروندی واقعی با مشارکت تمامی اعضای جامعه در نهادهای حکومتی امکان پذیر می شود بر اساس اصول دموکراسـی افراد یک جامعه نمی توانند زندگی و کار کنند اما از فرصت اتخاذ تصمیمات در مورد آینده خود و جامعه شان برخوردار نباشـند؛ زیرا عضویت در یک جامعه سیاسـی افزون بر حقوق دربردارنده مسـئولیت ها و وظایفی نیز می باشد که بدین سان برخورداری از حقوق، تعهدات متقابل را به وجود می آورد. (2)

بررسی دیدگاه اسلام

در مقایسه جایگاه حقوق شهروندی نزد مکاتب بشری (با نظریه پردازانی همچون هابرماس) و ادیان الهی به جرئت می توان ادعا داشت که دیدگاه اسلام در عالی ترین مرتبه قرار دارد. در ادامه به دلایل و شواهد چنین ادعایی خواهیم پرداخت. اما به اختصار قابل ذکر است که:

اولاً اسـلام حقوق و آزادی های اجتماعی را در مقام «خلیفـةاللهی» به انسان داده است و لذا در عین برخورداری از حقوق و آزادی وی را مسـئول و مکلف به شـناخت خیر خود و دیگران دانسته است اساساً در نظام حقوقی اسلام حق و تکلیف توأم با یکدیگر تعریف می شوند. لذا در چنین نظام حقوقی، نوعی ضمانت اجرایی تکلیفی و شرعی نیز به چشم می خورد. در همین خصوص است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «هر کس شب را به صبح برساند در حالی که به امور مسلمین اهتمام ندارد از ایشان نیست».

ثانیاً، تعاون و همکاری نیز در اسلام اهمیت به سزایی دارد. در این راستا به عنوان مهم ترین منبع حقوق اسلامی در قرآن با آیاتی مواجه می شویم که ما را به همکاری

1- هاشمی، بررسی عوامل مؤثر بر میزان رعایت حقوق شهروندی در نظام اداری کشور 2

2- شیانی، شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی

در کار خیر و عدم تعاون بر گناه و زشتی سفارش می کنند که به خوبی نشانگر اهمیت و جایگاه مشارکت افراد در تعیین سرنوشت جامعه است.

در تحلیل بیشتر امر مذکور قابل ذکر است که نظام های حقوقی به طور کلی شامل دو دسته حقوق بشری (غیر دینی یا سکولار) و حقوق الهی (دینی یا مذهبی) می شوند. دسته حقوق دینی نیز به نوبهٔ خود دو صورت را شامل می شوند یکی آن که تمام یا بیشتر قواعد خود را از متن دین گرفته؛ دیگر آن که تنها کلیات و قواعد خود را از دستورات دینی گرفته (مانند نظام حقوقی مسیحیت) و به طور حداقلی، کلیات آن مورد تأیید دین باشد. (1) در ادامه سعی خواهد شد تا برخی مبانی حقوق اجتماعی اسلام بررسی شود تا در پرتو آن چارچوب حاکم بر حوزه عمومی و حقوق شهروندی اسلام روشن تر گردد.

خدا محور حقوق در اسلام

از دیدگاه اسلام، خداوند متعال نه تنها خالق جهان هستی است، بلکه به تنهایی و بدون هیچ شریکی جهان را تدبیر می کند و نیز قوانین حاکم بر افراد و جوامع انسانی را وضع می کند. مکتب حقوقی اسلام نیز از این قاعده مستثنی نیست و بنابراین قواعد حقوقی اسلام همه به جعل و اعتبار الهی اعتبار و مشروعیت می یابند. (2)

از سوی دیگر برخی حقوق انسانی منشأ طبیعی دارد که نظام تکوین عهده دار تأمین آن است و برخی منشأ قراردادی دارد که نظام تشریع عهده دار تبیین آن است؛ اما به لحاظ آن که خدای سبحان هم خالق جهان در نظام تکوین است و هم قانونگذار نظام تشریع و این دو نظام هماهنگی کامل دارند منشأ و سرچشمه حقوق انسان ها در حقیقت واحد است و آن، خداوند خالق جهان هستی است. (3)

اخلاق به عنوان پیش نیاز

در دین اسلام بر خلاف مکاتب غربی که حقوق شهروندی ریشه در فلسفه اصالت

1- دانش پژوه، فلسفه حقوق

2- همان.

3- ورعی، حقوق و وظایف شهروندان و دولتمردان

فرد دارد، حقوق شـهروندی بر مـدار توحید و معرفت و قرب به خداوند تفسـیر می شود. ارتباط انسان با خداوند خود دیگران و عالم هستی درون مایه شـکل گیری حقوق را پیریزی می کند و از این رو هندسه حقوق شـهروندی در درون چهار رکن خود خداوند شهروندان و عالم هستی معنـا می.یابـد غفلت از هر رکن مـذکور به مثـابه از دست دادن یک بعـد از ابعاد انسان و در نتیجه ارائه ناقص از حقوق شـهروندی است؛ همـان اتفـاقی که در غرب رخ داده است. در این چارچوب است که حقوق شـهروندی سـطوح مختلفی از حقوق تا اخلاق را در بر می گیرد و به طور دقیق تر، نظـام حقوقی بر پـایه نظـام اخلاقی اسـتوار است از این رو تفکیک مرز اخلاق از حقوق در سیسـتم دین اسـلام امکان پذیر نیست.

آن چه درباره پیونـد حقوق و اخلاق عنوان گردیـد منافاتی با مرزبنـدی های این دو علم ندارد؛ زیرا در اسـلام دو نوع حقوق وجود دارد یک دسـته از ،حقوق که از آن ها به حقوق اخلاقی یاد می شود و در صورت عـدم رعایت شـخص را مسـتوجب عـذاب اخروی می گردانند؛ و دسـته دیگر که از آن هـا به حقوق وضـعی تعبیر می گردد، در صورت عـدم رعایت شـخص را مسـتوجب مجازات حکومتی می گردانـد. حقوق دسته نخست بیشتر فردی و حقوق دسته دوم بیشتر اجتماعی است. (1)

لزوم نظارت همگانی در اسلام

بی تردیـد کامل ترین نظام سیاسـی، نظامی است که در درون خود عوامل تضـمین بقا را داشـته باشد و بتواند با عواملی که جزء عناصـر آن نظام است، زمینه رشـد عوامل منفی را در درون خود منتفی سازد. بدین ترتیب نظام مذکور در برابر خطرات بسـیاری مصونیت ذاتی دارد و دین مبین اسـلام به وضوح دارای این خصـیصه پرفایده است. اصل اسـلامی نظارت ملی و همه مسـئول هم بودن وظیفه همگانی و متقابل دعوت به خیر و نهی از منکر است که در آیه یکصـد و دهم سوره مبارکه آل عمران بـدان اشاره شـده است چنین اصـلی، به نظام اسـلامی چنان توانایی را می بخشد که به صورت مداوم سطح آگاهی های مردم و کارایی و قدرت داخلی خود را بالا می برد،

1- احمدزاده، حقوق شهروندی

تاحـدی که هرگز قدرتش به فساد کشـیده نشود. (1) از همین روست که اصـل هشـتم قانون اساسـی چنین مقرر می دارد که در جمهوری اسـلامی ایران، دعوت به خیر و نهی از منکر وظیفه ای همگـانی و متقابل بر عهـده مردم نسـبت به یکـدیگر، دولت نسـبت به مردم و مردم نسبت به دولت که شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می کند.

نگاهی به سیره امام رضا علیه السلام

یکی از دلایل اسـتمرار خط امامت تحکیم پایه های معرفت دینی در میان امت اسلامی و تفسیر صحیح وحی به تناسب استعداد و شرایط گوناگون جامعه اسـلامی بوده است. بدین ترتیب هر یک از امامان در زندگی ،سیاسـی اجتماعی و علمی خود با توجه به شـرایط متفاوت و نیازهای متنوع جامعه شیوه خاصی را پیموده اند.

در مقاله حاضـر سـعی خواهد شد تا نکات ارزشمند زندگانی حضرت رضا را که زمینه ساز امر نظارت ملی یا همگانی در جامعه بوده طی دو محور سیره علمی و سیره عملی ایشان دنبال نماییم بدین ترتیب سعی خواهد شد که به الگوهای لازم جهت مواجهه با معضلات عدیده جوامع حاضر بیشتر و دقیق تر توجه شود:

سیره علمی حضرت

از جمله ویژگی های عصـر امام رضا علیه السـلام گسترش و رواج گفت و گوهای ادیان و مذاهب بوده است. گرایش محافل علمی و دینی به مجادلاـت فلسـفی و کلاـمی در آن عصـر، نشـان دهنـده نفوذ این مبـاحث به درون جامعه است در این میان، امام رضا علیه السـلام با اطمینان به حقانیت دین و واقع گرایی شـریعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ضمن استقبال از ژرف کاوی عقلی در مباحث دینی همواره دیدگاه های گوناگون (موافق یا مخالف) و پرسش های موجود در عرصه دین را ارج می نهادند و پیروان خود را به تحمل اندیشه های مقابل تأمل تدبر و مباحثه علمی دعوت می نمودند.

در واقع همزمان با تحولات فکری و فرهنگی در جامعه اسـلامی عصر امام رضا علیه السلام، مسائل نوینی جایگزین مسائل موجود شدند و معیارها، مبانی و روش ها نزد افراد جامعه تغییر کردند در این زمان، برخلاف بسیاری از رهبران ادیان و مذاهب که

1- عمید زنجانی، فقه سیاسی، حقوق سیاسی و مبانی قانونی اساسی

پرسش را زمینه ساز گسترش شبهات و مقدمه شک و بی اعتقادی می دانستند و در مواجهه با آن دچار گسست فکری می شدند حضرت رضا علیه السلام به جای نقل حکایت به درک و درایت استقبال از تضارب آرا و طرح مسائل نوین دین شناسی پرداختند.

ایشان با استفاده از فرصت های فراهم آمده در مباحث و احاطه علمی بر مبانی ادیان و مذاهب دیگر تاریخ اسلام را دچار تحول علمی نمودند. و با نوسازی قالب ها و روش های مناظره در عصر خویش که به دنبال ترجمه کتب فلسفی یونان و تغییر ظاهری علمی در جوامع اسلامی صورت داده شد یک انقلاب علمی ایجاد نمودند.

ایشان شیوه تفکر و اندیشه ورزی را به پیروان خود این گونه آموزش می دهد که ابتدا باید سخنان را شنید آن گاه با تجزیه و تحلیل اطلاعات و مطابقت آن ها با معیارهای درست و با استقلال کامل سره را از ناسره بازشناخت. با توجه بیشتر به اشارات موجود در روش عالمانه حضرت رضا علیه السلام برای مواجهه با تضارب آراء و اعتقادات موجود در جامعه نکات اجتماعی بسیاری را می توان یافت که می بایست سرلوحه افراد و مخصوصاً مدیران در گسترش عقلانیت ارتباطی قرار گیرد.

سیره عملی حضرت

علاوه بر آموخته هایی که آن حضرت در قلمرو اندیشه به بشریت عرضه داشت، در میدان رفتار و عمل نیز پیشتاز و تجسم بخش کامل آن تعالیم بودند. امام در تعالیم والای خویش به کارگزاران و دیگر مسئولان نظام اسلامی می آموزد که هر کسی باید نخست در اندیشه ساختن خویش باشد؛ شایستگی های لازم را در وجودش آشکار سازد و با دیگران با تعهد و به خوبی رفتار نماید. در ادامه رفتار امام رضا علیه السلام را با سه دسته از مردم فرودستان فرادستان و مردم نیازمند بررسی می کنیم:

مواجهه با فرودستان

امام رضا علیه السلام بسیار مراقب کارکنان و خدمتگزاران خود بود. در همین زمینه از ابراهیم بن عباس نقل است: «هیچ گاه ندیدم امام ابوالحسن الرضا علیه السلام کلمه ای به زیان کسی بر زبان آورد و نه سخن کسی را پیش از پایان آن قطع کند و نه حاجت کسی را که به ادای آن توان داشت ردّ کند. هیچ موقع نزد کسی که در حضورش نشسته ،بود پایش را دراز نکرد و بر متکا در برابر افراد تکیه نداد. به دوستان و کارگزارانش

هرگز سخنی ناشایست نگفت». (1)

همچنین یاسر، خدمتگزار امام عنوان می نماید: «امام رضا علیه السلام هر وقت فرصت پیدا می کرد، تمامی خدمتگزاران از کوچک و بزرگ را دور خود جمع می کرد. با آنان گفت و گو می کرد و مأنوس می گشت و آنان هم با او انس پیدا می کردند. هرگاه سر سفره می نشست از هیچ کدام آنان غفلت نمی کرد چه کوچک و چه بزرگ، حتی اصطبل دار و حجامت گر را هم کنار خودش بر سر سفره می نشاند». (2)

شایان یادآوری است امام در شرایطی چنین برخوردهایی با زیردستان داشت که به ظاهر نفر دوم حکومت بود و در منصب ولی عهدی قرار داشت.

مواجهه با فرادستان

مرحوم شیخ مفید می گوید: «امام رضا علیه السلام هنگامی که با مأمون خلوت می کرد، او را زیاد موعظه می نمود و از خدا می ترساند و کارهای خلافی را که وی مرتکب می شد تقبیح می نمود مأمون نیز در ظاهر می پذیرفت و ناراحتی و سنگینی آن را پنهان می نمود. (3)

همچنین از ایشان توصیه های فراوانی برای مدیران در جامعه اسلامی نقل شده است که نمایانگر روش و منش ایشان در مواجهه با صاحب منصبان و قدرتمندان جامعه است. از جمله حضرت در جایی می فرمایند: پنج چیز اگر در کسی نبود در امور دنیا و آخرت از او انتظار کار نیک نداشته باش اصالت خانوادگی اخلاق نیکو پایداری در خلق و خوی بزرگواری روح و کرامت نفس و پرهیز از پروردگارش. مدیری که از این خصال بهره ای ندارد نه تنها در کارهای خود موفق نخواهد بود و مردم به خیرش امیدی ندارند بلکه برای اقشار جامعه کارشکنی می کند، به فردی دردسرساز و مشکل آفرین تبدیل می گردد و سطح نارضایتی عمومی را افزایش می دهد دست اندازی به منصب مدیریت به عنوان ریاست و نه برای خدمت انحطاط

1- مجلسی، بحار الانوار

2- خالد برقی، محاسن.

3- کلینی، الکافی.

و هلاکت هر چه بیشتر را رقم می زند». (1)

در جایی دیگر حضرت رضا علیه السلام تأکید می نمایند: «خداوند بر بندگان خود پیروی کسی که می داند بر آن ها ستم کرده و گمراهشان می نماید را واجب نکرده؛ پس دستورات مدیری که از مسیر شرع و دیانت، قانون و عدالت خارج گردیده قابل اطاعت و اجرایی کردن نمی باشد و بر نیروی انسانی که در اختیار چنین مدیری می باشند فرض است که از پیرامونش پراکنده شوند مردم نیز نباید از توصیه ها بخشنامه های باطل و بیهوده و ظالمانه چنین مدیری متابعت کنند». (2)

آن حضرت در سخنی نیکو والی مسلمانان و مدیر امت مسلمان را به ستون خیمه تشبیه کرده و فرموده اند: «آیا نمی دانی که والی مسلمانان همچون ستون میان خیمه است (که اولاً تمام بار سقف بر روی آن استوار است و ثانیاً مانند نقطه مرکزی دایره شعاعش نسبت به همه جوانب یکسان است) به طوری که هر کس در هر زمان و از هر طرف که اراده کند به او دسترسی خواهد داشت». (3)

مواجهه با آحاد جامعه

امام رضا علیه السلام در طول حیات ارزشمند خود هیچ گاه از رسیدگی و دستگیری افراد ضعیف جامعه غفلت نورزیدند و بر آن تأکید خاصی نیز داشتند. ایشان تصریح می نمایند افرادی در جامعه زندگی می کنند که بر اثر عواملی از نظر سلامتی دچار مشکل شده اند و وجود چنین افراد ضعیفی بر اثر بیماری سالخوردگی، حوادث طبیعی و جنگ ها طبیعی است اما بقای آنان به همان حال نگران کننده و از نظر اسلام محکوم است لذا باید کارشان را در کمترین زمان سامان داد و از تعهد و تکلیف انسانی و حکومتی در این زمینه فراموش نکرد و ضرورت دارد کار این گونه افراد درست شود تا از آن وضع آشفته رهایی یابند. خداوند توانمندان (آنان که امکانات، قدرت و شرایطی در اختیار دارند) را مکلف کرده که امور زندگی بیماران از کار

1- گلی زواره، مدیریت از دیدگاه امام رضا علیه السلام.

2- همان.

3- همان.

افتاده و بلا دیدگان را سامان دهند». (1)

در سخن دیگری، ایشان از این واقعیت بیشتر پرده برداشته و با صراحت افزون تری مسئولیت کارگزاران مسلمان را مطرح می فرمایند: «اگر زمام حکومت را در دست گیرم غذای ساده تر و کم ارزش تری (نسبت به زمان زمامداری) خواهم خورد و لباس خشن و زبر (پس از لباس های نرم) دربر خواهم کرد و (پس از آسایش) با سختی و مشقت خواهم زیست». (2)

همواره ایشان به رسیدگی اوضاع مسلمانان تأکید داشتند از نظر ایشان هر فردی از کارگزاران با مردمان تحت قلمرو خویش برادر دینی است و از این منظر باید با آنان در هر چیزی که برابری در آن رواست به برابری و برادری رفتار کند. (3)

بحث و نتیجه گیری

در مطالعه حاضر ابتدا سعی شد تا وضعیت جوامع حاضر از منظر جامعه شناختی ترسیم گردد. در واقع با وجود عقلانیت ظاهری دنیای مدرن مکتب انتقادی دنیا را سرشار از عدم عقلانیت می انگارد. این وضعیت را می توان عدم عقلانیت عقلانیت یا به گونه ای دقیق تر عدم عقلانیت عقلانیت ظاهری نامید. (4) از این رو می توان پی برد که برهم زدن قواعد خشک و بی روح دنیای مدرن که در جنبه های مختلف ساختار شهری و اداری نیز ریشه دوانده است تا چه اندازه ضرورت دارد در ادامه از وجوه تمایز و برتری دیدگاه و حقوق اسلامی برای جامعه پرده برداشته شد و به سه محور خدا، اخلاق و نظارت همگانی که ارکان حقوق اجتماعی (شهری و اداری) در اسلام به شمار می رود اشاره شد در انتها پاره ای از آموزه های سیره علمی و عملی امام رضا علیه السلام که می تواند سرلوحه نظام های مدیریتی و اجتماعی در سطوح مختلفی قرار گیرد، بیان گردید. پاره ای از نکات اجتماعی موجود در سیره علمی امام رضا علیه السلام که زمینه ساز گسترش عقلانیت ارتباطی و نظارت همگانی در جوامع حاضر خواهد شد،

1- نک: همان

2- همان.

3- همان.

4- ریتزر به نقل از مارکوزه نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر

عبارت اند از:

- برخورد منطقی با وجود تضارب اندیشه ها در جامعه
- فراهم آوردن فرصت طرح اندیشه های مقابل
- تحمل اندیشه های مقابل در هنگام طرح آن ها
- ژرف کاوی عقلی و تدبر در اندیشه های طرح شده

در مروری بر سیره امام رضا علیه السلام دریافتیم که آموزه های ایشان تنها به پاره ای پند و موعظه ختم نشده و ایشان در میدان عمل نیز پیشتاز و تجسم بخش تعالیم خویش ،بوده اند چنان که در سیره عملی ایشان علاوه بر دیدگاه انتقادی منصفانه و جسارت در مواجهه با فرادستان (تصمیم گیرندگان و مدیران سازمان ها) شاهد معیارهایی جهت ارتباط با فرودستان (کارکنان سطوح اجرایی سازمان ها) و آحاد جامعه (شهروندان یا ارباب رجوع سازمان ها) تحت عنوان حقوق شهروندی هستیم. این معیارها که جهت احیا یا زنده نگه داشتن امر نظارت همگانی در جامعه ضرورت دارند و اسلام بر آن بسیار تأکید کرده است؛ عبارت اند از:

- حقوق مفروض برای افراد بدون هیچ گونه تبعیضی بر مبنای جنسیت، سن، زبان، مذهب، عقیده، ریشه قومی یا نژادی به طور یکسان تضمین شود. (معیار برابری و عدم تبعیض)
- هر فرد شهروندی حق دارد که در برنامه ریزی، مدیریت، کنترل و توسعه سازمان ها و ادارات مرتبط با خود سهیم باشد (معیار مواجهه دموکراتیک)
- عملکرد اجتماعی سازمان ها باید معطوف به تضمین بهره مندی تمام ذی نفعان توزیع منصفانه و سود از اقتصاد، فرهنگ و منابع موجود باشد. (معیار شفافیت عملکرد)
- افراد و گروه های آسیب پذیر حق بهره مندی از شرایط ویژه جهت حفظ یکپارچگی را دارند تا از این راه با فراهم آمدن خدمات اولیه بر آنان با تبعیض مبارزه شود. (معیار حمایت های ویژه)

موارد و معیارهای مذکور که هر یک نیازمند توضیحات مبسوطی جهت عملیاتی ساختن در بستر جامعه هستند نشان دهنده توجه شایسته ائمه – و به خصوص امام

رضا علیه السلام- به توسعه عقلانیت ارتباطی و همت ایشان به اداره امور برمبنای نظام مدیریت مشارکتی هستند. لذا به دنبال احساس نیاز برای برون رفت از مشکلات عدیده جوامع حاضر که در نظریات هابرماس بدان اشاره گردید و تحقق نظارت همگانی یا ملی، جای آن دارد که علما و اندیشمندان از پیشینه غنی سیره ائمه به نحو روزآمد و کاربردی تری استفاده نمایند تا آن چه را خود داریم، از بیگانه تمنا نکنیم.

ص: 168

منابع

1. احمدزاده، مصطفی، حقوق شهروندی اندیشه حوزه و دانشگاه شماره 56، بی تا.

2. خالد برقی، احمد بن محمد، محاسن برقی، قم مجمع جهانی اهل بیت 1413 ق.

3. دانش پژوه، مصطفی و قدرت الله خسروشاهی، فلسفه حقوق، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی 1381ش.

4. ریترز، جرج، ترجمه محسن ثلاثی، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، تهران، انتشارات علمی، چاپ ششم، 1381ش.

5. شیانی، ملیحه شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، انتشارات پژوهشکده تأمین اجتماعی سال اول شماره 1، 1384ش.

6. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی حقوق سیاسی و مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، 1368ش.

7. کلینی، محمد بن یعقوب الکافی ،تهران دار الکتب الاسلامیه، 1363 ق.

8. گلی زواره، غلامرضا، مدیریت از دیدگاه امام رضا علیه السلام، پاسدار اسلام شماره 315 و 316 اسفند 1386 و فروردین 1387 ش. 1387ش.

9. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار المکتبة الاسلامیه تهران، 1371ش.

10. هاشمی سید ضیاء بررسی عوامل مؤثر بر میزان رعایت حقوق شهروندی در نظام اداری کشور، تهران، سازمان بازرسی کل کشور 1388ش.

11. ورعي سید جواد حقوق و وظایف شهروندان و دولتمردان، قم، دبیر خانه مجلس خبرگان، 1381ش.

ص: 169

رفتارشناسی امام رضا علیه السلام در امر به معروف و نهی از منکر: دکتر محمد حسین توانایی- مرتضی شیخ احمدی

اشاره

*رفتارشناسی امام رضا علیه السلام در امر به معروف و نهی از منکر: دکتر محمد حسین توانایی- مرتضی شیخ احمدی (1) (2)

مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر در آموزه های اسلامی از جمله مهم ترین فرائض می باشد که باعث برپایی دیگر فرائض می گردد در فرهنگ تشیع، این فریضه الهی یکی از مهمترین شئون امامت محسوب شده است که با مطالعه زندگی ائمه معصومین علیهم السلام نقش این واجب دینی در سیره فردی و اجتماعی ایشان به وضوح دیده می شود.

در بین امامان علیهم السلام زندگانی با برکت حضرت رضا علیه السلام به لحاظ شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر آن عصر وجوه قابل تأملی را برای مطالعه و تحقیق در این زمینه طرح می کند. کند. وجود فرقه ها و نحله ها توجه حکومت وقت به نشر مطالب ضد دین تکثرگرایی مذهبی، شبهات و مغالطه های وارد شده در دین و تزویر حاکمان عباسی و عوام فریبی ایشان از جمله مسائل مهم دوران حضرت رضا علیه السلام می باشد. در این مقاله سعی گردیده است تا با نگاهی تحلیلی به این شرایط و مطالعه سیره و روایات مربوط به آن عصر، ویژگی ها و شاخصه های رفتاری حضرت رضا علیه السلام را در مواجهه با منکرات اجتماعی و سیاسی آن دوران بررسی کنیم همچنین کوشیده ایم، بر اساس

1- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

2- پژوهشگر معارف اسلامی

روایـات آن حضـرت، نگرش کلی و برنـامه عملی ایشـان را در موضوع امر به معروف و نهی از منکر به طور خلاصه بیان نماییم برای نیل به این مهم، مقاله ای که در ذیل ارائه خواهد شد دارای بخش های زیر می باشد:

- تحلیل فضای سیاسی و اجتماعی دوران امامت حضرت رضا علیه السلام،
- رفتارشناسی حضرت رضا در زمینه امر به معروف و نهی از منکر
- شناسایی مراتب انواع و شیوه های امر به معروف در رفتار امام رضا علیه السلام
- نتیجه گیری
- موضوعات پیشنهادی برای پژوهش های آینده

تحلیل فضای سیاسی و اجتماعی دوران امامت حضرت رضا علیه السلام

در مطالعه شاخص های رفتاری ائمه اطهار علیهم السلام شناخت عناصر سیاسی و اجتماعی عصر ایشان از ضرورت های انکارناپذیر می باشـد؛ چراکه شخصـیت امامان شـیعه علیهم السـلام همواره در دو جنبه اجتماعی (به مثابه یک معلم و راهنما) و سیاسـی (در مقام چهره صـاحب حق حکومت) تبلوری خـاص داشـته است. این دو جنبه ارتباطی تنگاتنگ با سـطح فرهنگی و شـرایط اجتماعی جامعه دارد و از طرف دیگر در رابطه ای مستقیم با شرایط سیاسی حاکم بر آن می باشند.

دوران جوانی و حدود ده سال از دوران پربرکت امامت حضـرت در عصـر هارون الرشید واقع گردید در این دوران به علت احساس خطری که از جانب علویان به عنوان مهمترین مخالفان دولت عباسـی وجود داشت فضای سیاسـی و عرصه فعالیت برای امام موسی کاظم و امام رضـا علیهما السـلام تنگ و بر زنـدگی این امامان بزرگوار مراقبت شدیـدی وجود داشت. البته پس از شـهادت امام موسـی بن جعفر علیه السـلام قدری از این فشارها کاسـته شد این کاهش فشارها در ظاهر امر، که از بیم خشم شیعیان پس از شهادت حضرت موسی بن جعفر علیه السـلام صورت می گرفت به معنای این نیست که دولت عباسـی از نفوذ شـیعیان غافل بوده است بلکه هارون پس از اعلام جانشـینی امین و مأمون و به شـهادت رسانـدن امام هفتم به سـرکوب قیام هایی که در اقصـی نقاط قلمرو حکومت خود می دیـد پرداخت و مبارزه با شیعیان را به جبهه فرهنگی و سرکوب در خفا کشانید. برخی مصادیق شرایط سیاسی در این عصر عبارت اند از:

1. فرقه واقفیه (1) که پس از شـهادت حضـرت موسـی بن جعفر علیهما السـلام با هدف ایجاد دو دستگی در شیعیان اعلام وجود نمود و حمایت حکومت را یافت.

2. شناسایی و تطمیع برخی سادات و شیعیان دنیاطلب جهت تخریب چهره تشیع.

3. رواج عقاید انحرافی نظیر معرفی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام به عنوان قائم موعود.

4. قتل شیعیان و سادات در زندان های مخفی.

5. حمایت از فرقه های کلامی و سایر مذاهب اسلامی برای تضعیف تشیع.

6. حمایت از رشـد و شـکوفایی نهضت ترجمه که از زمان بنی امیه آغاز گردیده بود و به عنوان بازوی فرهنگی دولت عباسـی در پوشانیدن ضعف معرفتی دولت هارون در قبال تشیع به شمار می رفت.

موضع حضـرت رضا علیه السلام در این اوضاع سیاسی، تقیه و مبارزه فرهنگی برای رفع آثار مخرب فعالیت های ضد دینی دستگاه عباسی بود.

پس از هارون فرزندش امین که مورد حمایت عباسـیان بود به حکومت رسـید که این دوران مصادف با پنج سال از امامت امام هشتم علیه السـلام بود امین که هرگز به اقتـدار هـارون دست نیافت نتوانست ادامه فعالیت های وی را در سـرکوب آشوب ها دنبال نمایـد و همین امر سبب شـد تا علویان در گوشه و کنار قلمرو دولت عباسـی اقـدام به قیام های متعـددی نمایند این قیام ها علاوه بر اختلاف امین با مأمون و عزل وی از مقـام ولایـت عهـدی، سـبب شـد تا فشارها بر شـیعیان کمتر شـده و موقعیت مناسبی برای حضـرت رضا علیه السـلام جهت روشنگری و تربیت نفوس پدید آید.

با شـکست امین توسط مأمون و کشـته شـدن وی، حکومت به یکی از سـیاس ترین خلفای بنی عباس عبدالله مأمون رسـید. وی که دارای هوش سـرشار و قریحه ای دانش دوست بود توانست اوضاع عباسـیان را ساماندهی نماید. وی در ادامه راه هارون مسیر مبارزه فرهنگی را با شیعیان در پیش گرفت. بنا بر اقوال مشهور مأمون حتی در

1- افرادی را که بعـد از شـهادت امام موسـی کاظم علیه السـلام قائل به زنده بودن آن حضـرت شدند و در امامت حضـرت توقف نمودند واقفیه می نامند که پس از اثبات حقانیت امامت حضرت رضا علیه السلام کم کم به انزوا رفته و نابود شدند.

مجالس عمومی اظهار به تشیع و محبت اهل بیت علیهم السلام می نمود و در خفا برای تثبیت حکومت خود از هیچ عملی برای تضعیف پایگاه دینی مردم فروگذار نمی نمود. این دوران که مقارن با پنج سال پایانی عمر با برکت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام بود به لحاظ سیاسی و اجتماعی مهمترین و تأثیرگذارترین بخش امامت حضرت را شامل می شود.

این عصر را باید آغاز تحول فکری مسلمانان و دوره آشنایی با معارف بیرونی نامید، اگرچه نهضت ترجمه از دوران اموی شروع شده و در عصر عباسی به اوج رسیده بود تا پیش از خلافت مأمون ترجمه ها عمدتاً به متون حوزه های غیرفلسفی مربوط می شد. (1) و (2) او اما در این عصر تشکیل بیت الحکمه (3) در مرکز حکومت اسلامی (4) و گردآمدن ،اندیشمندان محققان و مترجمان در این مرکز علمی و دستیابی به مکتوبات دگر اندیشان، فرصت و موقعیتی بی سابقه برای تقابل آرا و افکار پدید آورد، ضمن این که وجود دو جریان فکری افراطی یکی خردگرایی معتزلی و دیگری ظاهرگرایی اهل حدیث و رویارویی دشمنانه آنان با هم یکی دیگر از عوامل بحران ساز است که این عصر را اهمیت و حساسیتی ویژه می بخشد. علاوه بر این برخورداری عقل گرایان معتزلی از قدرت سیاسی (5) باعث شد راه، برای عرضه اندیشه های گوناگون فلسفی و کلامی باز شود و فضایی برای جولان اندیشه های مختلف ایجاد گردد که این امر خود پدیدآورنده فرصت ها و تهدیدات فراوانی بود که حضرت رضا علیه السلام از آن به بهترین وجه استفاده فرمودند. (6)

1- مأمون کتاب اقلیدس را از رومیان به دست آورد و دستور به ترجمه و تفصیل آن داد. (الاخبار الطوال، ص 401).

2- تلافی داریانی، فضائل الرضاع علیه السلام، ص 26

3- چون خلافت در خاندان عباسی به دست هفتمین آن ها افتاد.... با سلاطین روم در آمیخت و از آنان کتاب های فلسفه را درخواست نمود... و با حکما به خلوت می نشست... (مختصر تاریخ الدول، ص 136)

4- تلافی ذاریانی، فضائل الرضا علیه السلام، ص 27

5- مأمون و بسیاری از شخصیت های سیاسی و صاحب نفوذان درباری همچون یحیی بن اکثم، یحیی بن مبارک ابوالهذیل علاف و ابراهیم بن یسار از پیروان و نظریه پردازان این گروه بودند.

6- تلافی ذاریانی، فضائل الرضا علیه السلام، ص 28

می توان گفت یکی از مهمترین ویژگی هـای این عصـر تنوع و تکثر دینی و قرائت ها از دین بوده است. اندیشـمندانی ماننـد رأس الجالوت یهودی جـاثلیق مسـیحی، نسـطاس رومی، فرنبغ مجوسـی یزدانبخت مـانوی و متکلمـانی چون عمران صابی و سـلیمان مروزی هر یک با آخرین برگ برنده و تیغ برنده خود از اسـتدلال منطقی گرفته تا شـبه اسـتدلال مغالطه و سفسطه به میدان کارزار آمدند، در این میان دستگاه عباسی سعی داشت تا با حمایت از نحله ها و جلسات بحث به این تکثرگرایی معرفتی دامن زند و به این وسیله اسلام ناب را که توسط اهل بیت علیهم السلام ارائه می گردید از رونق بیندازد و به حاشیه براند.

در این عصـر انـدیشه اصـیل اسـلامی، که در مکتب اهل بیت علیهم السـلام ظهور یافته بود، با چالش های فکری و اعتقادی چنـدگانه در داخل حوزه اسـلامی و خارج از آن روبه رو .بود. اگر اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم هجری عصـر ظهور نحله های کلامی و شکل گیری مبـاحث درون دینی و در نـتیجه پیـدایش نوعی تکـثر دینی است، در عصـر حضـرت رضـا علیه السـلام علاـوه بر تکثر، تنوع و تعمیق این مباحث، چالش های برون دینی و ظهور تکثر معرفتی بر آن افزوده شـد. در چنین شـرایطی امام علیه السـلام باید از یک سو شـبهاتی را که اصل انـدیشه دینی را زیر سؤال می برد پاسـخ دهد و از اصالت و حقانیت آن دفاع کند و از سوی دیگر تعارض های درون حوزه تفکر دینی را حل کند حضرت رضا علیه السلام کوشیدند در کشاکش دو جریان عقل گرایی افراطی و ضدیت با عقل با ایجاد موازنه میان عقل و نقل و تبیین نحوه تعامل آن دو اعتدال و عقلانیت اسلام را توأمان به اثبات برسانند.

حضـرت امـام رضـا علیه السـلام و در مواجهه بـا چنین فضـایی پیش و پس از ولایت اجباری شـیوه مناظره و گفت وگو با صاحبان افکار و پیروان ادیان را برگزیدند و با سعه صدر و آرامش خاصی به پاسخگویی به شبهات و اشکالات پرداختند.

ایشـان پس از سـفر به خراسان نیز از شـرایط تحمیلی و تهدیـدات آن بهترین فرصت ها را برای آگاه سازی جامعه اسـلامی و قوام نهضـت علمی تشـیع ایجاد نمودند و همچنین در مقاطع مختلف با امر به معروف و نهی از منکر مأمون و اطرافیان، شـرایط اصلاح جامعه را فراهم ساختند.

ص: 174

رفتارشناسی حضرت رضا علیه السلام در زمینه امر به معروف و نهی از منکر

شاخص های رفتاری امام رضا علیه السلام در زندگی فردی و اجتماعی

اشاره

پس از آن که حضـرت رضا علیه السـلام بعد از پدر بزرگوارشان مسـئولیت رهبری و امامت را به عهده گرفتند و در جهان اسـلام به سـیر و گشت پرداختنـد، نخستین مسافرت ایشان از مدینه به بصـره بود تا بتواند به طور مسـتقیم با پایگاه های مردمی خود دیدار کنند و درباره همه امور به گفت و گو پردازنـد ایشان با گروه های بسـیار بزرگ مردم اجتماع بر پا می کردند و درباره امامت و رهبری خود با مردم به گفت وگو می نشسـتند. آن گاه از آنان می خواستند تا در زمینه های گوناگون معارف اسلامی از ایشان سؤال نمایند. بنا به گفته محمد بن عیسی تعداد مسائلی که در این سفرها از حضرت رضا علیه السلام پرسیده شد بالغ بر هجده هزار مسئله هجده هزار مسئله بوده است. (1)

همچنین از صـفوان نقل گردیده است که شخصـی از مخالفان حضـرت رضا علیه السـلام به ملاقات ایشان آمد و حضرت با خوشرویی و صبر به سخنان وی گوش فرا دادند به گونه ای که در پایان ملاقات وی به امامت حضرت مؤمن گردید و از مجلس خارج شد. (2)

علاوه بر روایت فوق روایات بسیاری در خصوص تذکراتی که حضرت رضا علیه السلام در مواضع مختلف به نزدیکان خود داده اند وجود دارد که از مجموع این روایات موارد ذیل استنباط می شود:

صبر و شکیبایی

حضـرت رضا علیه السـلام به طور مسـتمر در مجالس بحث و سؤال حاضـر می شدند و حتی گاهی سوار بر مرکب به سرکشی از اطراف و اکناف می رفتند و با صبر و شکیبایی به سخنان گوش می سپردند و پاسخ سؤالات را به طور کامل ارائه می نمودند. (3)

خوشرویی و رأفت

حضرت رضا علیه السلام همواره به زیبایی ظاهر اهمیت می دادند و با خوشرویی و رأفت

1- خسروی زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، ص 66

2- عطاردی، اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام، ص53

3- همان.

با مردم مراوده می نمودند از ایشان همواره بوی خوش به مشام می رسید و همواره تبسم می نمودند. (1)

ملایمت در سخن گفتن

حضرت رضا علیه السلام از درشت گویی بیزار بودند و در حضور ایشان یا در منزلشان کسی اجازه نداشت صدای خود را بلند نماید ایشان همواره با مردم به نرمی و آرامی سخن می گفتند. (2)

احترام به فهم دیگران

آن چه از مناظرات حضرت بر می آید چنین است که ایشان با برخورداری از روحیه بالای علمی و حلم و بردباری الهی شان کاملاً به سخنان طرف مقابل گوش فرا می دادند و پس از اتمام سخن از وی برای اقامه حجت و دلیل سؤال می نمودند ایشان نه تنها در طول مناظره با احترام به طرف مقابل برخورد می فرمودند، بلکه پس از غلبه بر شخص مناظره کننده شخصیت علمی وی را تخریب نمی کردند و از موضع تقوا خارج نمی شدند. (3)

عیب پوشی

حضرت رضا علیه السلام همواره بر این صفت تأکید داشتند و اجازه نمی دادند کسی عیب دیگری را در حضور ایشان ابراز نماید. حدیثی از ایشان در جلد اول از ترجمه جلد 16 بحار الانوار نقل گردیده است که بر پوشاندن عیب برادر مؤمن توصیه می فرمایند.

توجه به تأثیر کلام

حضرت رضا علیه السلام همواره دقت ویژه ای بر زمان، مکان، مخاطبان و لحن کلام خود داشتند تا با توجه به نظارت دستگاه حکومتی بر ایشان از اندک فرصت های به وجود آمده بیشترین بهره را ببرند و بالاترین تأثیرگذاری را بر مخاطبان داشته باشند.

1- عطاردی، مسند الامام الرضا علیه السلام، ص 438

2- عطاردی، اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام علیه السلام، ص 53

3- خسروی، احتجاجات، ج 4، ص 158

نمونه این توجه را می توان در اهتمـام ایشان به شـرکت در مناظرات و بحث های علمی (1)، خـداحافظی با خویشان در هنگام عزیمت به خراسان، (2) حدیث سلسلة الذهب، (3) ماجرای بیعت مردم، (4) مـاجرای محاکمه درویش سارق توسط مأمون، (5) نماز عید سعید فطر (6) و نماز باران (7) مشاهده کرد.

به عنوان مثـال حضـرت رضا علیه السـلام از مناظرات و مجالس بحثی که حکومت برپا می داشت، به مثابه تریبون اختصاصـی برای تبلیغ فرهنگ و عقلانیت تشـیع بهره بردند یا در مسئله عزیمت به خراسان مراسم وداع نمادینی را ترتیب دادند. همچنین در واقعه سلسلة الذهب به نقل تواریخ مسئله ولایت را به عنوان والاترین معروف در مقابل جمعیت کثیری بیان فرمودند. (8)

جدیت

حضـرت رضا علیه السـلام در امر به معروف و نهی از منکر همواره با جـدیت عمل می نمودنـد به نحوی که ضـمن حفظ ملایمت و نرمی گفتار و رفتار به گونه ای مسـئله را بیان می فرمودند که مخاطبان بر اهمیت موضوع وقوف کامل پیدا نمایند. این امر در روایات بسـیاری اعم از نصایحی که ایشان به مأمون داشته اند یا برخورد با غلامان و خدمتکاران به چشم می خورد. (9)

خیرخواهی

در روایات بسـیاری از حضـرت رضا علیه السلام توصیه های بهداشتی برای بهبود یا حفظ سلامت افراد به چشم می خورد ایشان با دقت و رأفت بسیار مراقب احوال اطرافیان

1- خسروی، احتجاجات، ج 2، ص 291

2- ابن بابویه عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 217.

3- همو، امالی، ص 208

4- مطهری، مجموعه آثار، ص 215.

5- ابن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 578

6- مفید، الارشاد، ج 2، ص 256

7- ابن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 283

8- مالکي الفصول المهمه، ص 254.

9- عطاردی، اخبار و آثار امام رضا علیه السلام، ص 53.

خود بودانـد و همواره ایشـان را با نصایـح خیرخواهانه خویش مورد تفقـد قرار می دادنـد، نمونه ای از این مطلب در روایتی که از ایشان در برخورد با خدمتکاران رومی نقل شده است، به چشم می خورد. (1)

حساسیت به نزدیکان

حضرت رضا علیه السلام همواره با دقت امور نزدیکان خویش را زیر نظر داشتند و کوچک ترین خطاها از دید ایشان پنهان نمی ماند ایشان به شـدت بـا سوء اسـتفاده سوءاسـتفاده اطرافیـان از قرابت بـا ایشان که منجر به خروج از دایره حق گردد، واکنش نشان می دادنـد نمونه این برخورد را می توان در تذکری که به برادرشان زید در حالی که در مجلسی تفاخر می کرد مشاهده نمود. (2)

شاخص های رفتاری حضرت رضا علیه السلام در رفتار فرهنگی و سیاسی

اشاره

همان طور که پیش از این نیز عنوان گردید عصـر امامت حضـرت رضا علیه السـلام به لحاظ سیاسـی و فرهنگی عصـر خاص و منحصر به فردی در تاریخ اسلام می باشد و این امر از دو سو قابل بررسی است.

اول این که خلفای عباسـی که با شـعار «رضی من آل محمد صلی الله علیه و آله وارد عرصه سیاست شده بودند برای فریب افکار و پیشبرد اهداف خود سیاست تزویر را به اجرا درآوردند که اوج این مسئله را می توان در زمان مأمون و تظاهر وی به تشیع (3) در محافل مختلف و انتخاب حضـرت رضا علیه السـلام به ولایت عهدی ملاحظه کرد. البته در کنار این رفتار متظاهرانه - بالاخص در عصـر هارون - در خفا جنایات چشـمگیری علیه علویان و سادات صورت می گرفت ابوبکر خوارزمی در کتاب رسائل خوارزمی اوضاع حکومت عباسـیان را در زمان مرگ هارون چنین توصیف می نماید: «هارون در حالی مرد که درخت نبوت را درو کرده و نهال امامت را از ریشه برافکنده بود. چون یکی از پیشوایان هدایت... در می گذشت کسی جنازه اش را تشییع نمی کرد و

1- عطاردی، زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، ص 444

2- ابن بابویه، محمد بن علی عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 565

3- همان، ج 2، ص 433

مرقدش را با گچ نمی آراست.... متعرض کسانی که کتب فلسفی و مانوی را تدریس می کردند نمی شدند ولی هر شیعه ای سرانجام به قتل می رسید...» (1)

وجهه دوم سیاست عباسیان که بالاخص در دوران مأمون به ظهور رسید مکاتب و جریان های التقاطی و انحرافی بودند که بر حیات فکری اسلام و تشیع ضربه وارد می ساختند این جریان ها همواره مورد حمایت حکومت مأمون واقع می شدند و در سایه ترویج حکمت و عقل گرایی نوعی کثرت گرایی دینی و مذهبی را در جامعه اسلامی دامن می زدند.

در واقع مهمترین منکری که در این عصر حیات علمی جامعه اسلامی را تهدید می نمود فرقه گرایی و تشتت آرای صاحب نظران دینی بود و حضرت رضا علیه السلام در ادامه راه پدران بزرگوارشان علیهم السلام وارد عرصه روشنگری دینی گردیدند تا حقیقت دین را از گزند تحریفات و انحرافات محفوظ دارند شیوه و سیره حضرت رضا علیه السلام را در مواجهه با این شرایط می توان در موارد زیر خلاصه نمود:

پاسخگویی به شبهات و سؤالات

حضرت رضا علیه السلام همواره خود را در دسترس جویندگان حقیقت و دانشمندان قرار می دادند و به رفع شبهات و پاسخ به سؤالات ایشان می پرداختند. مشهور است که شبی تا اذان صبح به پاسخگویی به شبهات پرداخته و این امر خطیر را بر نماز شب ترجیح داده بودند روایت زیر بیانگر اهتمام حضرت بر این امر می باشد:

«در روضه جدم رسول الله صلی الله علیه و آله می نشستم در حالی که دانشمندان مدینه بسیار بودند هرگاه یکی از آنان در مسئله ای در می ماند همگی متوجه من می شدند و سؤالات را نزد من می فرستادند و من پاسخ آن ها را می دادم». (2)

تشکیل مجالس درس و بحث

حضرت رضا علیه السلام در زمانی که تحت نظر مأمون در خراسان بودند اقدام به برپایی مجالس بحث و پرسش و پاسخ می نمودند که این امر مایه خشم و شکست نقشه های

1- تلافی ذاریانی، فضائل الرضا علیه السلام، ص 10.

2- اربلی کشف الغمه، ج 3، ص 107.

مأمون در تخریب چهره امامت (با بها دادن به فرق مختلف) بود روایت زیر نمونه ای از این مجالس و تأثیر آن را بیان می دارد:

«صدوق رحمه الله به دو طریق از عبدالسلام هروی نقل کرده که گفت: به مأمون خبر رسید که ابوالحسن علی بن موسی علیه السلام مجالسی علمی مربوط به اصول دین و مذهب تشکیل می دهد و مردم فریفته مقام علمی او شده اند. مأمون محمد بن عمرو طوسی حاجب خود را مأمور کرد که مردم را از شرکت در این مجالس مانع شود، و آن حضرت را احضار کرد و چون چشمش به او افتاد پرخاش نمود و بی احترامی کرد...» (1)

مناظره با رؤسا و پیشوایان فرق

امام رضا علیه السلام، تهدیدات مورد نظر دولت عباسی از برپایی مناظرات را به فرصت های نابی جهت ترویج فرهنگ عقلانی تشیع بدل ساخت و با شکست علمای شناخته شده آن عصر در علوم و مذاهب مختلف توانست بیش از پیش جایگاه مکتب امامت را در میان مردم روشن سازد و حق غصب شده خویش را در رهبری جامعه اسلامی یادآور گردد. گوشه ای از مناظرات حضرت رضا علیه السلام به صورت فهرست وار به شرح زیر می باشد:

- مناظره عمران صابی که از متکلمان بزرگ عصر بود. (2)
- مناظره با ابوقره (3)
- ابن السکیت (4)
- جاثلیق، عالم بزرگ مسیحی (5)
- رأس جالوت، عالم بزرگ یهود (6)

1- ابن بابویه محمد بن علی عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص 398
2- طبرسی، الاحتجاج، ج 2، ص 447 خسروی احتجاجات، ج 2، ص 303.
3- خسروی، احتجاجات، ج 2، ص 329
4- طبرسی، الاحتجاج، ج 4، ص 158.
5- ابن بابویه عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 313
6- همان.

- هر بذ بزرگ، عالم زرتشتیان (1)
- سلیمان مروزی، متکلم بزرگ خراسان (2)
- نسطاس، عالم رومیان (3)
- علی بن محمد جهم (4)
- یحیی بن ضحاک سمرقندی (5)
- عمرو بن هداب ناصبی (6)

البته ایشان در کنار مناظرات به تربیت شاگردان خاصی نیز مشغول بودند که دامنه این روشنگری ها را بسیار گسترده می ساخت از این میان می توان به مناظرات افراد زیر که از تربیت شدگان حضرت رضا علیه السلام بودند اشاره نمود:

- مناظرات علی بن میثم با ابوهذیل علاف و.... (7)
- مناظرات فضل بن شاذان (8)

تذکر به مأمون

اشاره

حضـرت رضا علیه السـلام، در مواضع مختلف و در نهان و آشـکار تذکراتی به مأمون می دادند که این تذکرات از نظر محتوایی به صورت زیر قابل دسته بندی می باشد.

تذکر در خصوص حق حکومت و عدم مشروعیت زمامداری عباسیان

امام رضا علیه السـلام همواره در دفاع از حق ولایت و رهبری جامعه که از ایشان سـلب شده بود به عنوان وظیفه و مهمترین روش مبارزه با حاکمان ،جور، می کوشیدند. این

1- طبرسي، الاحتجاج، ج 3، ص 93

2- خسروی، زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، ص166.

3- ابن بابویه، التوحید ص 461؛ همو، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 154

4- صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 389.

5- همان، ج 2، ص 559

6- خسروی، زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، ص 66.

7- خسروی، احتجاجات، ج 2، ص 351

8- همان، ج 2، ص 362

کوشش گاه به شکل آگاه سازی عمومی گاه در مجالس خصوصی و گاه به وسیله اثبات ناتوانی دستگاه حکومتی و بی کفایتی مأمون صورت می پذیرفت. در این خصوص در اخباری که از ایشان به دست ما رسیده است روایاتی به چشم می خورد که همگی در بردارنده اوامر و نواهی و پندها و تذکرات حضرت رضا علیه السلام به مأمون است و عجز او را در برابر قدرت معنوی و نفوذ کلام امام علیه السلام نشان می دهد؛ از جمله این روایات می توان به ماجرای بیعت و شرمساری مأمون از نداشتن روش بیعت رسول خدا صلی الله علیه و آله (1) ماجرای پیشنهاد خلافت توسط مأمون به حضرت رضا علیه السلام که با برهان حضرت مبنی بر جایز نبودن بخشش چیزی که مالک آن نیست؛ (2) ماجرای درویش سارق که در آن حضرت رضا علیه السلام مأمون را تلویحاً سارق اموال مسلمین خواندند (3) و حکایت فتح کابل و تذکر حضرت رضا علیه السلام به مأمون در خصوص وضع بد مسلمانان و ظلم و ستم فرمانداران (4) اشاره نمود.

تذکرات در مورد زندگی فردی و اعتقادی

امام علیه السلام همواره حساسیتی خاص نسبت به عملکرد اطرافیان خود داشتند. در دوران حضور ایشان در خراسان، مأمون نیز از این قاعده مستثنی نبود و حضرت رضا علیه السلام در بسیاری از موارد نکات بسیاری را به وی گوشزد می نمودند که این خود مؤید نالایقی مأمون نسبت به منصبی بود که اشغال کرده بود نمونه این تذکرات را می توان در روایت زیر ملاحظه نمود:

«آئین حضرت رضا علیه السلام آن بود هرگاه با مأمون خلوت می کرد، او را پند می داد و از خدا می ترسانید و کارهای خلافی را که مرتکب می شد تقبیح می کرد و سرانجام آن ها را به نامبرده گوشزد می فرمود مأمون ظاهراً به سخنان حضرت احترام می گذارد و تصدیق می کرد اما در باطن بسیار ناراحت بود و گفتار حضرت بر وی گران

1- مطهری، مجموعه آثار، ج 18، ص 215.

2- مشایخ، قصص الانبیا، ص 813.

3- خسروی، زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، ص 264؛ ابن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 578

4- خسروی، زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام ص 152

می آمد.

روزی حضـرت رضا علیه السـلام بر مأمون وارد شـد. دیـد مشـغول وضو گرفتن است و غلام آب بر دست او می ریزد حضـرت رضا علیه السـلام از عمـل بر خلاف شـرع او متأثر شـده، فرمود: «در عبادت خـدا انبازی اختیار مکن مأمون ناچار ظرف آب را از غلام گرفته و خود وضو را تمام کرد و این سخن امام که «حق تلخ است» بر کینه و عداوت درونی او افزود و ناراحت تر شد». (1)

زیر نظر داشتن فعالیت های درباریان

با این که امام رضا علیه السـلام شرط عدم دخالت در امور حکومتی را برای پذیرش ولایت عهدی قرار داده بودند آن چه از ظاهر روایات و اخبار بر می آید این است که هرگز امور مسلمانان غافل نبود و همواره با تیزبینی خاصی رفتار کارگزاران حکومتی را زیر نظر داشت و آن جا که خطر جـدی جـامعه اسـلامی را تهدیـد می نمود وارد عمـل می شـد از جمله نمونه هـای این مسـئله برخورد امـام با فضل بن سـهل و همفکران و همچنین تفکرات اعتزالی که دارای نفوذ زیادی در دربار مأمون بود، می باشد.

در این مقاله مجال پرداختن به ابعاد پیچیده شخصیتی مانند فضل بن سهل نمی باشد، اما آن قدر که از بررسی روایات روشن می گردد وی دارای عقاید و نقشه های شومی برای امت اسلام به ویژه در منطقه ایران بوده ایران بوده است.

همچنین کینه و عداوت ایشان با امام در روایات بسـیاری نظیر روایت نماز عید یا پیشـنهاد قتل مأمون به حضـرت رضا علیه السـلام (2) و سعایات و بدگویی هایی که از آن حضرت نزد مأمون داشتند، (3) روشن و مبرهن است.

شناسایی مراتب انواع و شیوه های امر به معروف در رفتار امام رضا علیه السلام

در این بخش به بررسی مراتب و انواع و شیوه های امر به معروف و نهی از منکر در سیره رضوی پرداخته و با استفاده از مطالب ارائه شده در بخش های قبل نکته ها و

1- مفید الارشاد، ص 611؛ عطاردی، زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، ص 452

2- خسروی، زندگانی حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، 151.

3- مفید، الارشاد، ص 611

راهکارهای اجرای این فریضه را در رفتار حضرت رضا علیه السلام مورد بحث قرار می دهیم.

روایاتی از حضـرت رضا علیه السـلام در زمینه امر به معروف و نهی از منکر نقل گردیده است که بیانگر میزان اهمیت و اهتمام این فریضه در نزد ایشان است؛ از جمله این روایات می توان به موارد زیر اشاره نمود:

ایشان در قسمتی از دستورالعمل هایی که برای مأمون در خصوص اسلام واقعی، دستورات دین و مطالبی از جوامع علوم نگاشته بودند می فرمایند: «... امر به معروف و نهی از منکر (به زبان) واجب است...». (1)

از ایشان نقل است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می فرمودند: «هرگاه امت من امر به معروف و نهی از منکر را ترک کند بایستی آماده عذاب خداوند متعال باشند». (2)

در روایتی از ایشان دفاع از حق در مراتب امر به معروف و نهی از منکر آمده و حضـرت ادامه دفاع را تا کشـته شدن در این راه جایز دانسـته اند. (3)

ایشان در حدیثی کسانی را که در برابر منکرات راه بی تفاوتی را در پیش می گیرند، در عذاب مرتکبین به معاصی شریک می دانند. (4)

ایشان در پاسخ به سؤال کسی که در خصوص آیه 6 سوره تحریم سؤال نمود، فرمودند: «یعنی ایشان را بدانچه خداوند امر فرموده امر کنید و از آن چه خداوند نهی فرموده، بازدارید». (5)

همچنین از ایشان روایت شده که می فرمایند: (إِنَّمَا یُؤْمَرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ یُنْهَی عَنِ اَلْمُنْکَرِ مُؤْمِنٌ فَیَسْتَیْقِظُ أَوْ جَاهِلٌ فَیَتَعَلَّمُ أَمَّا صَاحِبُ سَیْفٍ وَ سَوْطٍ فَلاَ). (6) و (7)

1- خسروی، احتجاجات، ج 2، ص 345؛ حرانی، تحف العقول، ص 397.

2- ابن بابویه، التوحید، ص 582

3- عطاردی، مسند الامام الرضا علیه السلام، ص 747

4- ابن بابویه قمی فقه الرضا، ص 375

5- ابن بابویه قمی فقه الرضا، ص 375

6- همانا مؤمن امر به معروف و نهی از منکر می شود پس بلافاصله بیدار و متوجه می گردد و نادان آن را می آموزد ولی صاحب شمشیر و تازیانه نمی پذیرد.

7- ابن بابویه فقه الرضا، ص 376

با توجه به روایات یاد شـده و مطالعات ارائه شده در بخش های گذشـته می توان سـیره امام رضا علیه السـلام را در امر به معروف و نهی از منکر به صورت زیر تشریح نمود:

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

اشاره

در این قسمت به معرفی مراتب امر به معروف و نهی از منکر و ارائه مصادیقی از روایات در خصوص آن ها پرداخته خواهد شد.

مرتبه قلبی

این مرتبه از امر به معروف و نهی از منکر عبـارت از شـادی از نیکی هـا و نفرت از بـدی هـا در دل می باشـد. بعـد دیگری از این مرتبه در روایتی از امیرمؤمنان حضـرت علی علیه السلام چنین مطرح گردیده است: «رسول خدا به ما دستور داده است که با اهل معصیت با چهره های گرفته برخورد کنیم». (1)

حضـرت رضا علیه السلام که همواره با خوش رویی با مردم روبه رو می شدند در مواجهه با منکرات با جدیت برخورد می نمودند که نمونه آن را در برخورد ایشان با فضل بن سهل و یا ماجرای تعیین نکردن مزد کارگر می توان مشاهده کرد.

مرتبه زبانی

بر اساس روایات وارده از حضـرت رضا علیه السـلام، ایشان این مرتبه از امر و نهی را امری واجب می دانستند و روایات بسیاری در بخش های قبل از تذکرات و نصایح ایشان به نزدیکان درباریان و شخص مأمون ذکر گردید.

مرتبه عملی

این مرتبه از امر و نهی که عبـارت از وادار کردن شـخص به کـار نیک و بازداشـتن وی از عمل بـد به وسـیله اعمال زور می باشـد در سـیره حضـرت رضا علیه السلام به ندرت و مگر در ضرورت های خاصی به چشم می خورد؛ چرا که ایشان همواره و حتی با مخالفان سرسخت نیز از طریـق گفـت و گـو و نرمش برخـورد می فرمودنـد نمـونه هـایی از این مرتبه امر به معروف و نهی از منکر را می تـوان در معین کردن شخصی برای

1- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 16، ص 143.

بیدار نمودن اهل حرمشان برای برپایی فرائض و نوافل (1) یا جلوگیری از ورود عیسی جلودی به منزلشان در ماجرایی که در مدینه رخ داد (2)، ملاحظه کرد.

ویژگی های آمر و ناهی در سیره حضرت رضا علیه السلام

چنان که از روایات و اخبار ارائه شده از حضرت رضا علیه السلام استفاده می شود ایشان همواره در برپایی فریضه امر به معروف و نهی از منکر بر نکات زیر توجه داشته اند.

- صبر و شکیبایی خوشرویی و رأفت

- ملایمت در سخن گفتن

- احترام به فهم دیگران

- عیب پوشی

- توجه به تأثیر کلام و موارد مؤثر بر آن

- جدیت

- خیر خواهی

- حساسیت به نزدیکان و دقت در عمل

شیوه های امر به معروف و نهی از منکر در سیره رضوی

اشاره

با مطالعه و بررسی احادیث و روایات وارد شده در این زمینه چنین بر می آید که ایشان از شیوه های زیر در امر به معروف و نهی از منکر بهره می بردند.

شیوه گفتاری یا زبانی

یکی از بارزترین شیوه هایی که توسط حضرت رضا علیه السلام برای امر به معروف و نهی از منکر استفاده می گردید روش گفتاری بوده است که مصادیق آن را می توان در مناظرات وتذکرات گوناگون حضرت به افراد ملاحظه کرد امام رضا علیه السلام در اجرای تذکر لسانی مراتب زیر را بر حسب موقعیت و با توجه به تأثیر انتخاب می فرمودند:

1- عطاردی، مسند الامام الرضا علیه السلام، ص 55.

2- خسروی، زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام ص 154

موعظه و گفتار نرم

این مرتبه از تذکر لسانی در سیره حضرت رضا علیه السلام بسیار به چشم می خورد و از روایات چنین استفاده می شود که ایشان در اغلب موارد برخوردی نرم و جاذب داشته اند از نمونه های این مورد می توان به مجالس وعظ و مباحثات و مناظرات ایشان با مخالفان اشاره نمود.

امر و نهی آرام

این شیوه عبارت است از فراتر رفتن از موعظه و افزایش جدیت در گفتار با مخاطب که در صورتی که احتمال اثر در گفتار نرم نباشد از آن استفاده می شود. از نمونه های این مرتبه از تذکر لسانی در سیره رضوی علیه السلام می توان تذکر حضرت به هنگام وضو به مأمون و تذکر ایشان بر ترک اسراف، به خدمتکاران را برشمرد.

امر و نهی تند

رفتار حضرت رضا علیه السلام در موقعیت هایی که نیاز به تأکید بیشتر بود (مانند ماجرای فضل بن سهل و پیشنهاد شرکت در قتل مأمون) و همچنین مواردی که پس از چند بار تذکر تأثیری نمی داشت (مانند ماجرای تعیین مزد خدمتکاران جدید قبل از شروع به کار) (1) از مصادیق این مرتبه از امر و نهی می باشد.

شیوه نوشتاری

این شیوه امر به معروف و نهی از منکر که حسب شرایط خاصی انجام می پذیرد، در پاسخ های مکتوب حضرت رضا علیه السلام به شبهات و سؤالات علمی و نامه هایی که به مناسبت های مختلف برای مأمون نگاشته اند، به چشم می خورد.

شیوه عملی

تمام رفتار و کردار امام علیه السلام مصداق معروف و دعوت به آن می باشد. از این رو هر فعل امام را می توان امر به معروف و نهی از منکر محسوب نمود؛ چرا که ایشان با تقواترین و زاهدترین افراد زمان خویش بودند، استاد شهید مطهری در این خصوص عبارتی به شرح زیر دارد شما اگر بخواهید به شکل غیر مستقیم (عملی) امر به

1- عطاردی، مسند الامام الرضا علیه السلام، ص 700

معروف و نهی از منکر بکنید یکی از راه های آن این است که خودتان صالح و با تقوا باشید. وقتی خودتان این طور بودید مجسمه ای خواهید بود از امر به معروف و نهی از منکر». (1)

شیوه فردی و جمعی

انتخاب مخاطب امر به معروف و نهی از منکر تابعی از شرایط احتمال تأثیر و اهمیت موضوع می باشد حضرت رضا علیه السلام با توجه به درایت بی مثال و بصیرتی که در مسائل مختلف داشتند هم به صورت فردی (امر به معروف اطرافیان و مأمون در بعضی موارد به خصوص موارد شخصی) و هم به صورت جمعی (مانند حدیث سلسلة الذهب و بسیاری از مناظرات در مسائل مهم دینی و سیاسی) به امر و نهی اطرافیان می پرداختند.

شیوه تدریجی

این شیوه در مواقعی مورد استفاده قرار می گیرد که آمر و ناهی تشخیص می دهد بیان تمامی مطلب به دلایل مختلف از قبیل عدم آمادگی ذهن مخاطب به تأثیر آن لطمه وارد ساخته و یا به کلی اثر منفی .در بردارد این شیوه می تواند با بیان استدلالات و براهین و مقدمات یک موضوع به طوری که مخاطب را به شنیدن اصل مطلب راغب سازد، صورت پذیرد نمونه این روش در مناظرات حضرت با علمایی چون عمران صابی جاثلیق و رأس جالوت مشاهده می گردد همچنین حدیث سلسلة الذهب با نحوه زیبای بیان آن توسط حضرت رضا علیه السلام از مصادیق شیوه تدریجی است.

نتیجه گیری

اشاره

از مجموع مطالعات صورت گرفته در خصوص دوران امام رضا علیه السلام به طور خلاصه نتایج زیر حاصل می گردد:

دوران سیاسی معاصر حضرت رضا علیه السلام مصادف با عصر تحول فکری و اوج گیری نهضت ترجمه به سمت ترجمه متون فلسفی یونان و روم و به بیانی دیگر عصر

1- مسعودی، آموزش ملی امر به معروف و نهی از منکر، ج 1، ص 68

تشتت آراء و عقاید مذهبی و دینی بود.

سیاست حکومت وقت در دوره ایشان سیاست تزویر و اظهار دوستی و کشاندن جنگ به جبهه فرهنگی و تبلیغاتی بود.

از مهمترین منکرات اجتماعی در این زمان می توان از نشر تعالیم ضد اسلامی به نام دین و آزادی بیان فرقه گرایی ایجاد تفرقه در میان مسلمانان، غصب خلافت و سوء استفاده از نسبت با رسول خدا صلی الله علیه و آله نام برد.

- شیوه برخورد امام علیه السلام را با منکرات در این عصر (در موارد فردی و در ساحت اجتماعی) می توان به صورت زیر خلاصه و طبقه بندی نمود:

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

- مرتبه قلبی
- مرتبه زبانی
- مرتبه عملی

ویژگی های آمر و ناهی در سیره حضرت رضا علیه السلام

- صبر و شکیبایی
- خوشرویی و رأفت
- ملایمت در سخن گفتن احترام به فهم دیگران
- عیب پوشی
- توجه به تأثیر کلام و موارد مؤثر بر آن
- جدیت
- خیرخواهی
- حساسیت به نزدیکان و دقت در عمل

شیوه های امر به معروف و نهی از منکر در سیره رضوی

شیوه گفتاری یا زبانی

- موعظه و گفتار نرم

- امر و نهی آرام
- امر و نهی تند

شیوه نوشتاری

شیوه عملی

شیوه فردی و جمعی

شیوه تدریجی

موضوعات پیشنهادی برای پژوهش های آینده

در برخی مطالعـات که بر روی منـابع مختلف صورت گرفت، به نکـاتی برخورد شـد که قابلیت طرح مسـئله برای پژوهش های آتی را دارا بودند. این نکات و موضوعات می تواند مورد توجه پژوهشـگران علاقه مند و جشـنواره هایی که در آینده برگزار خواهد شد قرار گیرد. برخی از این موضوعات به شرح زیر می باشد:

- بررسی سیاست های عباسیان در ضربه زدن به اسلام و تشیع
- تأثیر دولت های خارجی مانند روم و ادیان دیگر در مبارزه با اسلام
- برخورد امام رضا علیه السلام با فرقه های انحرافی
- زندگی سیاسی حضرت رضا علیه السلام
- مسئله ولایت عهدی و فرصت ها و تهدیدها
- امر به معروف و نهی از منکر در عرصه سیاست
- نقش برپایی مناظرات، پرسـش و پاسخ و جلسات بحث در نشـر معروفات و کمرنگ ساختن منکرات در محافل علمی با رویکرد کرسی های آزاداندیشی
- راهبرد کارآمدی رسانه های ارتباط جمعی در احیا و اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر

منابع

1. ابن بابویه، محمد بن علی التوحید، ترجمه محمد علی اردکانی، تهران، علمیه اسلامیه، اول.

2. امالی ترجمه محمدباقر کمره ای، تهران، اسلامیه، ششم، 1376ش.

3. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال ترجمه غفاری، تهران، کتابفروشی صدوق، اول.

4. عیون اخبار الرضا علیه السلام ترجمه غفاری و مستفید ،تهران، نشر صدوق، اول، 1372ش.

5. فقه الرضا علیه السلام، مشهد، المؤتمر العالمي للامام الرضا علیه السلام، اول، 1406ق.

6. اربلی، محدث، کشف الغمه فی معرفة الائمه، ترجمه علی ،زواره ای تهران اسلامیه، سوم، 1382ش.

7. اکبری، محمدرضا، معجزه تذکر زبانی، تهران، پیام آزادی، چهارم، 1387ش.

8. تلافی داریانی، علی اکبر، فضائل الرضا علیه السلام، تهران، نیک معارف، سوم، 1413ق.

9. حجازی، علاء الدین، صحیفة الرضا علیه السلام، مشهد، ندای اسلام، اول.

10. حجازی، سیدمهدی درر الاخبار، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، اول، 1419ق.

11. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، آل البیت اول، 1409ق.

12. حرانی، ابن شعبه تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه محمدباقر کمره ای، تهران، کتابچی، ششم، 1376ش.

13. خسروی، موسی زندگانی حضرت علیی بن موسی الرضا علیه السلام، تهران، اسلامیه، اول، 1380ش.

14. احتجاجات، تهران اسلامیه، اول، 1379ش.

ص: 191

15. خوانساری، آقا جمال، دفاع از تشیع، قم، امیرالمؤمنین، اول، 1377ش.

16. شهید اول، ابو عبدالله محمد بن مکی الدرة الباهرة من الاصداف الطاهره، ترجمه عبدالهادی مسعودی، قم، زائر اول، 1379ش.

17. طبرسی، احمد بن علی الاحتجاج علی اهل اللجاج ترجمه بهزاد جعفری، تهران، اسلامیه، اول، 1381ش.

18. عطاردی، عزیز الله مسند الامام الرضا علیه السلام، مشهد، آستان قدس، اول، 1406 ق.

19. اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام علیه السلام، تهران، کتابخانه صدر، اول، 1397ق.

20. زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، تهران، اسلامیه اول، 1390ق.

21. مالکی علی بن محمد بن احمد الفصول المهمه تهران اعلمی

22. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران، اسلامیه.

23. محرمی، غلام حسن، جلوه های اعجاز معصومین اسلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، دوم، 1378ش.

24. مسعودی، محمد اسحاق، آموزش ملی امر به معروف و نهی از منکر، تهران، پیام آزادی، اول، 1386ش.

25. مشایخ، فاطمه، قصص الانبیا تهران، فرحان، اول، 1381ش.

26. مطهری، مرتضی مجموعه آثار استاد شهید مطهری (18)، تهران، صدرا، پنجم، 1385ش.

27. مفید، الارشاد في معرفة حجج الله علی العباد، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران اسلامیه دوم

28. نیشابوری، فتال، روضة الواعظین وبصیرة المتعظین، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نی، اول، 1366ش.

29. پایگاه اینترنتی طرح مطالعه توسعه کمی و کیفی زیارت امام رضا علیه السلام، مصاحبه با دکتر محمدحسین رجبی دوانی در خصوص شرایط سیاسی عصر امامت حضرت رضا علیه السلام

ص: 192

چیستی و آثار تواکل در کلام امام رضا علیه السلام: حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمدرضا جواهری

اشاره

*چیستی و آثار تواکل در کلام امام رضا علیه السلام: حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمدرضا جواهری (1)

مقدمه

«آسیب شناسی» رفتار و گفتار مسلمانان در جامعه اسلامی و بررسی کارنامه آنان در امر به معروف و نهی از منکر برای آسیب زدایی و رفع ضعف ها ضرورت دارد.

باید آسیب ها و خطرات را شناخت و برطرف نمود شناسایی عوامل بازدارنده امر به معروف و نهی از منکر و آگاهی از موانع اجرا و عمل به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، برای احیای امر به معروف و نهی از منکر لازم است توانمندسازی جامعه اسلامی در امر به معروف و نهی از منکر نیازمند شناخت دردها و آسیب ها و تلاش در راه درمان دردها و اقدام بر آسیب زدایی است آسیب شناسی وضعیت مسلمانان در ارتباط با امر به معروف و نهی از منکر از راه های گوناگون امکان پذیر است راه برتر و قطعی برای آسیب شناسی رفتار دینی مسلمانان، بهره گیری از گنجینه بی نظیر احادیث اهل بیت علیهم السلام و سنجش و مقایسه و تطبیق با رفتار و گفتار آنان است.

مرجعیت علمی مسلمانان و مرجعیت سیاسی جامعه اسلامی و جهان بشری اختصاص به اهل بیت علیهم السلام دارد از این رو گفتار و رفتار آنان بهترین منبع شناسایی راه سعادت و شقاوت است مواضع و رفتار و گفتار ناروا در زمینه امر به معروف و نهی از منکر کدام است؟ عمل و اجرای امر به معروف و نهی از منکر از کجا آسیب دیده و آسیب می بیند؟ عوامل دور شدن مردم از امر به معروف و نهی از منکر

1- عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد Javaheri@ferdowsi.um.ac.ir

چیست؟ یکی از آفـات بزرگ در حوزه امر به معروف و نهی از منکر که در سـخنان اهل بیت علیهم السـلام بیان شـده است «تواکل» می باشد تواکل چیست؟ ریشه های آن کدام است؟ آثار آن چیست؟ نویسنده در این تحقیق در جهت پاسخ به پرسش های پیرامون تواکل گام بر می دارد.

تواکل در حدیث رضوی علیه السلام

از آسـیب هـای بزرگ اجرای امر به معروف و نهی از منکر و موانع فراگیری آن در جـامعه اسـلامی «تواکل» است. این خطر بزرگ را امام رضا علیه السـلام یادآوری نموده و اهل ایمان و شـیعیان را از آن بازداشـته اند. محمد بن عرفه گفته است: امام رضا علیه السـلام فرمودند: (کَـانَ رَسُولُ اللَّهِ صـلی الله علیه و آله و سـلم یقول: إِذَا أُمَّتِی تَوَاکَلَتِ (تواکلوا)الْأَمْرَ بِـالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْیَ عَنِ الْمُنْکَرِ فَلْیَأْذَنُوا بِوِقَاعٍ مِنَ اللَّهِ). زمانی که امت من در امر به معروف و نهی از منکر تواکل کنند باید خود را آماده نزول عذاب الهی کنند.

سند حدیث

این حدیث رضوی - نبوی سـند صـحیح و معتبری دارد و در کتب حدیثی مهم و مورد اعتماد ذکر شده است ثقة الاسلام ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی رازی در فروع کافی (1)، شیخ طوسی در تهذیب الاحکام (2)، شیخ صدوق در عقاب الاعمال (3)، شیخ حر عاملی در وسائل الشـیعة الی تحصیل مسائل الشریعه (4)، علامه مجلسـی در بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السـلام (5) و فیض کاشانی در المحجـة البیضاء في تهذیب الاحیاء (6) و سایر کتب (7) این حـدیث را ذکر کرده اند. بنابراین حدیث نبوی تواکل که از طریق امام رضا علیه السلام رسیده است در دو کتاب از کتب اربعه دارای اعتبار عالی و مورد

1- کلینی، الکافی، ج 5، ص 59

2- طوسی، تهذیب الاحکام، ج 2، ص 57.

3- صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص 582

4- حر عاملی، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه، ج 11، ص 394، حدیث 21131.

5- مجلسی، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام ج 100، ص 78

6- فیض کاشانی المحجة البیضاء في تهذیب الاحیاء، ج 4، ص 105.

7- صدوق، ثواب الاعمال و عقابها، باب 1071، ص 1071

اعتماد شیعیان جهان (کافی و تهذیب الاحکام) و سایر کتب ارزشمند حدیثی شیعه نقل گردیده است. روشن است که تمام احادیث امامان علیهم السلام از طریق پیامبر خدا با وحی الهی پیوند دارد و گاهی در آغاز حدیث به این ارتباط و اتصال در بیان اهل بیت تصریح شده است. در «حدیث تواکل» امام رضا علیه السلام یادآوری نموده اند آن چه می گویند از پیامبر خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله است و به صراحت فرموده اند: «کان رسول الله یقول» پیامبر خدا گفته است. پس حدیث تواکل حدیث رضوی است که در آن امام رضا علیه السلام منبع حدیث و گوینده آن را که وحی و پیامبر خداست، معرفی کرده اند. با توجه به صحت و اعتبار سند «حدیث تواکل» باید محتوای حدیث را شناخت و از آن بهره برد.

«حدیث تواکل» هم پیام و نکته ای دارد و هم درس و سنت و قانونی را بیان می کند و راهنمای همه مسلمانان است. در موضوع امر به معروف و نهی از منکر و در آسیب شناسی اجرای آن سزاوار است محتوای حدیث تواکل واکاوی گردد و تمام آن چه در آن نهفته است، استخراج شود و هشدارهای آن مورد توجه جدی همگان قرار گیرد.

چیستی تواکل

بر اساس این حدیث رضوی - نبوی «تواکل» ناهنجاری و گرایش و رفتار نادرست و بیماری خطرناک و آسیب زیانبار در بین امت اسلامی و مسلمانان جهان است. شناخت مفهوم و معنای تواکل و ریشه ها و آثار آن برای درمان این بیماری و فرهنگ سازی الهی و شور و نشاط در اجرای امر به معروف و نهی از منکر بسیار مؤثر و سودمند است.

بررسی مفهوم لغوی و اصطلاحی تواکل در کالبد شکافی این بیماری و تلاش برای درمان آن به محققان کمک می کند «تواکل» مصدر باب تفاعل از ماده «وکل» است. راغب اصفهانی نوشته است: التوکیل ان تعتمد علی غیرک و تجعله نائباً عنک و الوکیل فعیل بمعنی المفعول (1)؛ وکیل کردن این است که بر غیر خود اعتماد کنی و او را نائب از خودت قرار دهی. وکیل فعیل به معنای مفعول است.

1- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ماده و کل، ص531

ابوالحسن احمد بن فارس زکریا در وجه تسمیه وکیل نوشته است: «سمّی الوکیل لانه توکل الیه الامر» (1)، وکیل نامیده شده است زیرا امر به او واگـذار می شود. ابن منظور می گویـد: «وکیل الرجل الذی یقوم بأمره ، سـمّی وکیلاً لأن موکله قد وکل الیه القیام بأمره فهو موکول الیه الأمر و الوکیل علی هـذا القول فعیل بمعنی مفعول» (2) ؛ وکیل مرد کسـی است که به اجرای فرمان او می ایسـتد وکیل نامیده شده، چون وکیـل گیرنـده اش قیام به امرش را به او واگـذار کرده است. پس وکیل فردی است که امر به او موکول شـده است و وکیل بر این قول فعیل به معنای مفعول می باشد.

سعید خوری شرتونی لبنانی می نویسد: «وکل الیه الأمر: سلمه و فوضه الیه واکتفی به» (3) امر را به او موکول نمود یعنی به او تسلیم نمود و به او تفویض کرد و واگـذاشت و به او اکتفا نمود فؤاد افرام البسـتانی گفته است: «وکل الیه الأمر»؛ (4) آن مطلوب یـا آن کار را موکول به او کرد و به او سپرد در کاری او را وکیل خود قرار داد، کار را به او حواله کرد.

ناصر علی عبدالله وکالت را به نمایندگی ترجمه کرده است. (5)

حسن عمیـد در معنای وکیل می نویسد: «گماشـته، نماینده، کسـی که به او اعتماد کنند و کاری را به او بسـپارند کسـی از طرف کس دیگر برای انجام دادن کاری تعیین شود». (6)

مـاده «وکـل» به بـاب تفاعـل برود «تواکل» می گردد و آن چه در ثلاثی مجرد آن یک طرفه جاری بود در ثلاثی مزیـد آن در باب تفاعل به صورت دو طرفه جـاری می شود، چون در بـاب تفاعل هر دو طرف فاعلانـد و معنا و مفهوم ماده هر فعل به دو طرف نسـبت داده می شود معنای وکیل هر چه باشد در تواکل در دو طرف هست.

1- ابن فارس، ترتیب مقاییس اللغه، ماده وکل ص 1033

2- ابن منظور، لسان العرب، ج 11 ماده وکل، ص 736

3- شرتونی، اقرب الموارد في فصح العربیة و الشوارد، ج 2، ماده وکل ص 1482

4- بستانی، منجد الطلاب ماده وکل، ص 691

5- ناصر علی عبدالله، المعجم البسیط فرهنگ روان فارسی - عربی ماده وکل، ص 376.

6- فرهنگ فارسی عمید، ماده وکیل، ص 1194

راغب اصفهانی می گوید: «تواکل القوم اذا اتکل کل علی الآخر»؛ (1) قوم تواکل کردند زمانی به کار می رود که هر یک بر دیگری اتکال نمایـد و کار را به دیگری واگـذار کنـد ابن منظور نیز در تعریف مواکله می نویسـد: «هو من الاتکال في الامور و ان یتکل کل واحد منهما علی الآخر» (2) آن از واگذار نمودن امور است و این که هریک از آن دوکار را بر دیگری واگذار نماید.

ابوالقـاسم محمود بن عمر زمخشـری گفته است از مـاده وکـل، تواکلوا سـاخته شـده است و هم معنـا هسـتند ولی در تواکل هر دو طرف یکدیگر را وکیل می گیرند. (3) سـعید خوری شرتونی لبنانی تواکل و مواکله را به یک معنا شمرده و نوشته است: «تواکله الناس ترکوه و لم یعینوه فیما نابه و تواکلا الکلام: اتکل کل واحد علی صاحبه فیه»؛ (4) مردم در آن تواکل نمودند یعنی آن را ترک کردند و رها نمودند و او را در آن چه نایب گرفته بود، یاری و کمک نکردنـد و آن دو در کلام تواکل کردنـد یعنی هر یک از آن دو بر دیگری در آن کلام اتکال کرد و به او واگذار نمود.

علی اکبر غفاری در تعلیق بر این حدیث در تصـحیح کتاب المحجة البیضاء في تهذیب الاحیاء نوشـته است: «تاکلوا ای تقاعدوا و تواکل القوم ای اتکل بعضهم علی بعض» (5) تواکلوا یعنی دست برداشـتند و نشستند. و تواکل القوم یعنی برخی بر برخی اتکال نمودند و کار را به یکدیگر واگذار نمودند.

علی اکبر دهخـدا در معنـای تواکـل می نویسـد: «ترک دادن ترک گفتن کسـی و یاری نکردن، بر یکـدیگر اتکال کردن، بر یکـدیگر اعتماد کردن». (6) فؤاد افرام البستاني می گوید «تواکل القوم»؛ یعنی این قوم به یکدیگر اعتماد و تکیه کردند و کارهای یکدیگر را به هم سپردند و «تواکلوه» یعنی او را ترک کردند و به او کمک نکردند و «تواکلوا الکلام» یعنی هر یک بیان سخن را به دیگری احاله کردند و از یکدیگر

1- راغب اصفهانی، المفردات في غریب القرآن ماده وکل، ص 531

2- ابن منظور، لسان العرب، ج 11، ماده وکل، ص 735.

3- زمخشری، اساس البلاغه، ماده وکل، ص 508

4- شرتوني، اقرب الموارد في فصح العربیه و الشوارد، ج 2، ماده وکل، ص 1483.

5- فیض کاشانی، المحجة البیضاء في تهذیب الاحیاء، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، ج 4، پاورقی، ص 105

6- لغت نامه دهخدا، ذیل واژهٔ تواکل

خواستند سخن را بیان کند. (1)

بـا توجه به مفهوم وکـالت و تواکل در کتب لغت روشن می شود «تواکل» درباره امر به معروف و نهی از منکر به معنای موکول کردن انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر به یکدیگر به هم سپردن، همدیگر را وکیل گرفتن، یکدیگر را نماینده قرار دادن، از یکدیگر خواسـتن، به هم حواله دادن، بر عهده یکدیگر گذاشتن، به گردن یکدیگر انداختن، از انجام کار شانه خالی کردن، مسئولیت را به یکدیگر واگذار نمودن، اظهـار ناتوانی نمودن، ترک کردن و رها نمودن است. تواکل در زمینه امر به معروف و نهی از منکر در امت رسول الله روی می دهـد تواکل کار دشـمنان دین و دشـمنان پیامبر خـدا و مخالفان مذهب نیست بلکه چیزی است که در بین مدعیان امت پیامبر پیدا می شود در جامعه اسـلامی و در میان پیروان پیامبر و اهل بیت علیه السـلام و با ادعای اسلام و تشیع جامعه گرفتار آسیب تواکل می گردد. تواکل درون امت پیـامبر و در جامعه اسـلامی پدیـد می آیـد گرچه دشـمنان دین در راه فراهم ساختن بستر تواکل و زمینه سازی برای تواکل و بهره برداری از تواکل تلاش می کنند بدون اقدامات دشـمنان خارجی نیز امکان دارد در جامعه اسلامی در ارتباط با مسئولیت بزرگ امر به معروف و نهی از منکر تواکل روی دهد باید ریشه های بیماری تواکل را شـناخت و تواکل را ریشه کن ساخت تا امت اسلامی از ناهنجاری تواکل نجات یابـد و امر به معروف و نهی از منکر احیـا گردد و جـامعه اسـلامی و مردم جهـان از آثـار و برکـات امر به معروف و نهی از منکر برخوردار گردند.

عوامل و ریشه های تواکل

با روشن شدن ماهیت و چیستی «تواکل» و با آشـکار شدن ابعاد آسـیب، برای درمان آن باید عوامل و ریشه ها را شناخت و آن ها را از بین برد. شـناسایی همه عوامل بازدارنده امر به معروف و نهی از منکر و موانع اجرای آن در تواکل شناسی و برای نابود ساختن تواکل لازم است چرا یک فرد مسلمان و شیعهٔ اهل بیت از امر به معروف و نهی از منکر دوری می کند؟ چرا ظرفیت بالای سازندگی امر به معروف و

1- بستانی، منجد الطلاب، ماده وکل، ص 691

نهی از منکر رها شده است؟ چرا و چگونه دیانت و ترک امر به معروف و نهی از منکر با هم سازگار شده اند؟ چه چیزهایی مسلمانان را از امر به معروف و نهی از منکر باز می دارد؟ باید اسباب و علل این وضعیت غیر اسلامی و سیاه در حوزه اجرا و عمل به مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر را شناسایی نمود تا ریشه های تواکل روشن گردد. با پاسخ به این پرسش ها علل تواکل بازشناسی می شود. آسیب شناسی و آسیب زدایی جامعه اسلامی شیعی در حوزه امر به معروف و نهی از منکر وابسته به تواکل شناسی و توانمندسازی مسلمانان در تواکل زدایی .است علل تواکل بسیار است. از این رو مبارزه با تواکل کاری سخت و پر زحمت و رنج است و اراده و همتی عالی را می طلبد.

«ضعف ایمان و تقوا و باورهای دینی»، «ضعف وجدان بیدار اخلاقی»، «ناامیدی از تأثیر و تغییر»، «فشارهای خردکننده اقتصادی و دل مشغولی و گرفتاری به تأمین نیازهای اساسی زندگی»، «غرب زدگی و تقلید از فرهنگ غرب»، «پیروی از هوای نفس و وسوسه های شیطانی»، «ناآگاهی از پیامدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر»، «بی خبری از آثار و برکات بی نظیر امر به معروف و نهی کننده از منکر»، «سقوط اعتبار و پایگاه و احترام اجتماعی امرکننده به معروف و نهی کننده از منکر»، «عدم صبر و پایداری»، «احساس تنهایی»، «حرص و آز»، «سختی ها و رنج ها و مشکلات عمل به مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر»، «بی اطلاعی از اجر و پاداش فراوان تلاش در امر به معروف و نهی از منکر»، «سودجویی و مصرف گرایی و رفاه طلبی»، «جوزدگی و همرنگی با جماعت»، «ترس از جنگ روانی و نکوهش و سرزنش دیگران»، «توسعه ارتباطات و رسانه ها در دهکده جهانی»، «افزایش ناهنجاری ها و رواج منکرات» و «حیای حماقت آمیز و شرم ناروا» از عوامل تواکل و ترک امر به معروف و نهی از منکر است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در ریشه یابی تواکل فرموده اند: (غَشِیَتکُمُ السَّکرَتانِ: سَکرَهُ حُبِّ العَیشِ، وحُبِّ الجَهلِ، فعِندَ ذلکَ لا تَأمُرونَ بِالمَعروفِ ولا تَنهَونَ عَنِ المُنکَرِ)؛ (1) دو مستی شما را فرا گرفته است مستی عشق زندگی و مستی عشق به نادانی. با این دو مستی

1- متقی هندی، کنز العمال في سنن الاقوال و الافعال، ج 3، ص 31، حدیث 5516

امر به معروف و نهی از منکر نمی کنید.

ماده «غشـی» زمانی به کار می رود که چیزی پدیـد آید و تمام فکر و ذکر انسان را مشـغول کند و فرا بگیرد و چیزهای دیگر را بپوشاند. (1) علاقه انسان ها به عیاشـی و عشق به زنـدگی آرام و بی دغدغه و بی دردسـر و میل به آرامش و رفاه طلبی و خوش گذرانی و عشق به نادانی و رهایی از مسئولیت های آگاهی عامل تواکل و ترک امر به معروف و نهی از منکر است.

پیامدهای تواکل

نتیجه ذاتی تواکل «ترک امر به معروف و نهی از منکر» است. از این رو در برخی نسـخه ها در متن حـدیث نبوی - رضوی به جای تواکلت «ترکت» را گذاشته اند. (2) تواکـل عامـل ترک و رها شـدن امر به معروف و نهی از منکر است. زمانی که هر فردی انجام امر به معروف و نهی از منکر را به دیگری وانهد و هیچ کس خود انجام ندهد، هرگز امر به معروف و نهی از منکر اجرا نخواهد شد. در وضعیتی که هیچ یک از افراد جامعه حاضر نشود خود به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عمل کند و این مسئولیت را به گردن دیگری بیندازد امر به معروف و نهی از منکر زمین می ماند آن جا که دو نفرند و هر یک دیگری را در انجام یک کار وکیل بگیرد و هیچ یک پیشگام در عمل نشود و هر یک به دیگری بگوید تو انجام بده ! سرانجام آن کار انجام نخواهد شد.

«تواکل» و ترک امر به معروف و نهی از منکر علت و معلول انـد. پس در تواکل تمام پیامدهای خطرناک ترک امر به معروف و نهی از منکر جاری خواهد شد.

در حـدیث «تواکل» پایان دردناک تواکل گزارش شـده است اثر تواکل عذاب الهی است. امام رضا علیه السـلام به اهل تواکل هشدار داده اند که آماده عذاب الهی باشـند. مطابق «حدیث تواکل» به بیان پیامبر خدا صـلی الله علیه و آله و امام رضا علیه السلام «وقاع من الله» اثر تواکل است. «وقاع» مصدر است و به معنای «عذاب شدید الهی» یا «جنگ» است. (3) اهل تواکل

1- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ماده غشی، ص 361

2- مجلسی، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، ج 100، ص 78

3- اساس البلاغه، ماده وقع، ص 506 و ص 507؛ شـرتونی، اقرب الموارد في فصح العربية والشوارد، ج 2، ماده وقع، ص 1476؛ فیض کاشانی، المحجة البیضاء في تهذیب الاحیاء، ج 4، ص 105 پاورقی. ابن بابویه، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص 582

قطعاً گرفتار عـذاب الهی می شونـد؛ چون با تواکل خود اذن نزول عـذاب را صادر کرده انـد اهل تواکل در جنگ با خدا قرار دارند؛ چون با تواکل تکلیف شرعی بزرگ خویش را رها و ترک کرده اند. بازتاب تواکل تجسم و تحقق عذاب الهی بر بشریت است. محمد بن عرفه راوی حـدیث تواکـل، در حـدیثی دیگر ضـرر و زیان تواکل و ترک امر به معروف و نهی از منکر را از قول امام رضا علیه السـلام آورده است. وی گفته است شـنیدم امـام رضا علیه السـلام فرمود: (لَتَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهُنَّ عَنِ الْمُنْكرِ أَوْ لَيسْتَ تَعْمَلَنَّ عَلَيكمْ شِرَارُكمْ فَيـدْعُو خِيارُكمْ فَلَا يسْتَجَابُ لَهُمْ)؛ (1) باید امر به معروف و نهی از منکر کنید تا بدانتان بر شما حاکم نشوند که در این صورت خوبانتان دعا می کنند و دعای آنان مستجاب نگردد.

مطـابق بیـان امـام رضـا علیه السـلام اثر تواکل و ترک امر به معروف و نهی از منکر، سـلطه اشـرار و نابودی دین و سـنت های الهی و کنار گذاشتن خوبان و بی اثر شدن دعای آنان است.

نتایج

دسـتاورد این تحقیق، روشن شدن ماهیت و ابعاد واقعی بیماری تواکل در امر به معروف و نهی از منکر و آثار و زیان های آن است با کالبد شکافی واژه تواکل در کتب لغت و کشف مفهوم دقیق آن خطر و زیان تواکل آشکار گردید. نتیجه عقلی تواکل ترک امر به معروف و نهی از منکر از سوی مسلمانان و تعطیلی تفکر و عمل به امر به معروف و نهی از منکر است در تواکل تمام آثار منفی ترک امر به معروف و نهی از منکر نهفته است؛ چون تواکل و ترک لازم و ملزومانـد و علت و معلولانـد و از یکـدیگر جـدا نمی شونـد عوامل و علل تواکل و ترک امر به معروف و نهی از منکر تفکیک ناپذیرنـد بایـد جامعه را از اسـباب تواکل پاکسازی کرد تا امر به معروف و نهی از منکر زنـده و پایدار گردد. امام رضا علیه السلام در آسیب شناسی رفتار فردی و

1- کلینی، الکافی، ج 5، ص 56؛ حر عاملی وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه، ج 11، ص 394؛ المحجة البیضاء في تهذیب الاحیاء، ج 4، ص 103.

اجتمـاعی مسـلمانان در امر به معروف و نهی از منکر تواکـل و خطر آن را گوشـزد نموده انـد این هشـدار رضوی راهنمای دلسوزان و اهل ایمان و تقوا و عامل بیداری و توفیق در آسیب شناسی است شناخت آسیب و درد راه آسیب زدایی و درمان درد را به روی انسان می گشاید بـا خشـکاندن ریشه هـای تواکـل روح و نشـاط و شوق در عمـل به امر به معروف و نهی از منکر رواج خواهـد یافت و اجرای این فریضـه گسترش می یابد.

ص: 202

منابع

1. ابن بابویه، محمـد بن علی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال ترجمه علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات کتابفروشـی صدوق، چاپ اول، 1400ق.

2. ثواب الاعمال و عقابها، علی محمد علی دخیل بیروت دار المرتضی، چاپ اول، بی تا.

3. عیون اخبار الرضا علیه السلام ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری تهران، دارالکتب الاسلامیه چاپ اول، 1380ش.

4. ابن فـارس، احمـد بن فارس ترتیب مقاییس اللغه تحقیق و ضـبط عبدالسـلام محمـد هارون، پژوهشـگاه حوزه و دانشـگاه، چاپ اول، 1387ق.

5. ابن منظور محمد بن مکرم لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه ایران چاپ اول، محرم 1405ق - 1363 ش.

6. البستاني، فؤاد افرام، منجد الطلاب (فرهنگ جدید عربی - فارسی)، ترجمه محمد بندر ریگی تهران، انتشارات اسلامی 1362ش.

7. دهخدا علی اکبر، لغت نامه، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید، 1377ش.

8. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات في غریب القرآن، دفتر نشر الکتاب، چاپ دوم، 1404ق.

9. زمخشری، محمود بن عمر، اساس البلاغه، تحقیق عبدالرحیم محمود، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه چاپ اول، بی تا

10. شرتوتی، سعید، اقرب الموارد في فصح العربیة و الشوارد، قم، منشورات مکتبة آیة الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ اول، 1403ق.

11. عاملی محمد بن حسن وسائل الشـیعة الی تحصـیل مسائل الشـریعه تحقیق شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ پنجم

1403ق/1983م.

12. عبدالله ناصر علی المعجم البسیط فرهنگ روان عربی به فارسی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ دوم، 1380ش.

13. عمید حسن فرهنگ فارسی ،عمید ،تهرن ،امیرکبیر، چاپ اول، 1362ش.

14. فیض کاشانی محمد بن مرتضی، المحجة البیضاء في تهذیب الاحیاء، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه چاپ دوم، بی تا

15. کلینی محمد بن یعقوب، الکافی، بیروت، دار صعب و دارالتعارف للمطبوعات، چاپ سوم 1401ق.

16. المتقی، علی بن حسام الدین کنز العمال في سنن الأقوال و الافعال، تحقیق محمود عمر الدمیاطی بیروت منشورات محمد علی بیضون، دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول، 1419ق./ 1998م.

17. مجلسی محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، بیروت، مؤسسة الوفاء – دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، 1403ق/ 1983م.

ص: 204

آسیب شناسی تأثیر عوامل اجتماعی - فردی بر عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر: فرهاد حصاری - میثم قاسمی- علی محمد حصاری - ربابه غلامشاهی

اشاره

*آسیب شناسی تأثیر عوامل اجتماعی - فردی بر عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر: فرهاد حصاری - میثم قاسمی - علی محمد حصاری - ربابه غلامشاهی (1) (2)

(مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه 1390)

مقدمه

(وَ لَتَکُن مِنکُم أُمَّةٌ یَدَعُونَ إِلَی الخَیْرِ وَ یَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَیَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنکَرِ وَأُولَئکَ هُمُ المُفْلِحُونَ)

«و باید برخی از شما مسلمانان خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و این ها (که واسطه خلق هستند) رستگار خواهند بود». (3)

انسان به دلیل اجتماعی بودنش نیاز به جمعی دارد که انیس او باشند. به همین دلیل زندگی انسان شکل گروهی به خود گرفته و اجتماعات متفاوت در عین حال، شبیه به هم را به وجود آورده است و رشد و تعالی انسان ها تنها در محیط و اجتماع سالم و پاک امکان پذیر است چون افراد یک اجتماع سالم، همانند اعضای یک بدن، در طریق حیات اجتماعی و سازمان دادن به زندگی صحیح انسانی سهیم و شریک اند و هیچ یک از آنان نمی تواند خود را در قبال سودها و زیان های اجتماعی بی تفاوت دانسته و عکس العملی از خود نشان ندهد این جاست که مسئله امر به معروف و نهی

1- کارشناس ارشد جامعه شناسی Email: f. hesary@yahoo. com

2- کارشناس الهیات.

3- آل عمران/ 104.

از منکر ضرورت پیدا می کند و موقعیت اساسی و بنیادی آن در صحنه حیات اجتماعی انسان جلوه می کند.

امر به معروف و نهی از منکر در آموزه های دینی از جایگاهی بس بلنـد و ویژه برخوردار است. اساس نبوت پیامبران الهی بر امر به معروف و نهی از منکر اسـتوار بوده است. از این رو قرآن کریم نخستین وظیفه همه انبیـا را امر به معروف و نهی از منکر معرفی کرده است. «ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید خداوند گروهی را هدایت کرد و گروهی ضلالت و گمراهی دنبالشان را گرفت پس در روی زمین بگردیـد و ببینیـد عاقبت تکـذیب کنندگان چگونه بود». مبنای وجوب «امر به معروف و نهی از منکر» متون دینی یعنی قرآن و روایات معصومین علیهم السـلام می باشـد. اگر درصدد احصای اوامر و نواهی خداوند در قرآن کریم باشـیم، می بینیم که خداونـد در موضوعـات مختلف امر و نهی فرموده است. بنـابراین خداونـد خود به عنوان اولین آمر به معروف و ناهی از منکر گام برداشته است. (1)

بیان مسئله

دین اسـلام که سـعادت بشر را عهده دار است احکام زندگی اجتماعی او را نیز در نظر گرفته و گاه به احکام اجتماعی بیشتر از احکام فردی توجه کرده است. اسـلام بر این نکته نیز تأکید دارد که سلامت فرد از سلامت جامعه جدا نیست. بنابراین، با طرح نظارت عمومی یا امر به معروف و نهی از منکر امیـد به آینـده ای درخشان و به دور از فساد را در دل ها می پرورانـد و ترک این دو امر مهم را موجب گرفتاری مردم می دانـد. رسول اکرم صـلی الله علیه و آله در این بـاره می فرماینـد: «هر زمان که امت من امر به معروف و نهی از منکر را ترک کننـد پس منتظر بلاهای الهی باشند». (2)

از آن جا که امر به معروف و نهی از منکر نگهدارنده دین و ضامن اجرای واجبات دینی است و بهترین فرد و بهترین امت آنان هستند که امر به معروف و نهی از منکر می کنند و فلاح و رستگاری نتیجه دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر

1- محمدی، امر به معروف و نهی از منکر و نقش آن در جامعه، ص 56

2- کهریزی، مطالعه امر به معروف و نهی از منکر در آیات و روایات، ص 52

است و اقامه آن یکی از ادله لزوم تشکیل حکومت اسلامی است و بالاخره این که جایگاه آن برتر از جایگاه جهاد در راه خدا می باشد لذا جای آن دارد که زوایای مبهم آن مورد کنکاش دقیق قرار گرفته و این مسئله و جایگاه آن در قرآن و سنت بیش از پیش روشن گردد. (1)

امر به معروف و نهی از منکر از مهمترین فروع دین مبین اسلام و واجب کفایی است. اما متأسفانه در جامعه چندان مورد توجه قرار نمی گیرد و مردم از این امور مهم و شیوه اجرای آن آگاهی چندانی ندارند. گاهی چنان برخورد می کنند که فرد مقابل را به نشان دادن عکس العمل منفی وادار می نمایند و گاهی این وظیفه را از دوش خود برداشته و بار خود را به اصطلاح سبک می کنند و در برابر منکراتی که در جامعه رخ می دهد، می گویند به ما مربوط نیست و هر کس اختیار کار خودش را دارد.

امروزه ما در جامعه شاهد افزایش برخی منکرات مخصوصاً در قشر جوان (مانند: بی حجابی، دوستی های نامشروع، به کار بردن الفاظ زشت و ...) می باشیم که در این زمینه نه تنها امر و نهی آمران و ناهیان تأثیر چندانی بر رفتار انحرافی این گونه افراد ندارد، بلکه در برخی موارد سبب جبهه گیری و افزایش رفتار انحرافی می شود.

لذا با توجه به موارد ذکر شده دربارهٔ اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در جامعه و همچنین با رویکرد به ساختار جمعیتی کشور ما که کشور جوانی می باشد در این تحقیق برآنیم به بررسی علل اجتماعی - فردی عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر در بین جوانان (دانشجویان) بپردازیم.

تعریف مفاهیم

امر به معروف و نهی از منکر

در احکام دین به تمام واجبات و مستحبات «معروف» و به تمام محرمات و مکروهات «منکر» گفته می شود. بنابراین واداشتن افراد جامعه به انجام کارهای واجب و مستحب امر به معروف و بازداشتن آن ها از کارهای حرام و مکروه نهی از منکر است.

1- فراهانی آسیب شناسی جهانی سازی رسانه ها بر هویت فرهنگی، ص56

امر به معروف و نهی از منکر واجب کفـایی است که اگر افرادی – به قـدر کفایت – به انجام آن اقـدام کننـد از دیگران ساقط می شود و اگر همهٔ افراد آن را ترک کرده باشند چنان چه شرایط آن موجود باشد همهٔ آن ها ترک واجب کرده اند. (1)

آمر به معروف و ناهی از منکر

آمر شخصـی است که فرد یا افرادی را به انجام عمل نیک و پسـندیده دعوت (امر) نماید و ناهی شخصـی است که فرد یا افرادی را از انجام عمل حرام مکروه و... بازدارد (نهی کند). روش برخورد فرد ناهی از منکر بسـیار مهم است. چه بسا یک برخورد اشـتباه موجب اصـرار بر منکر شود. در سیره عملی ائمه معصومین علیهم السلام موارد ظریف بسیاری در این زمینه دیده شده است؛ به عنوان نمونه وقتی امام حسن و امام حسین علیهما السلام، در کودکی دیدند که پیرمردی در وضو گرفتن دچار اشتباه است او را داور برای خود انتخاب کردند که بگوید: وضوی کدام یک از آن دو دو صحیح است و با این روش پیرمرد را متوجه اشتباهش نمودند. (2)

هویت دینی

در این تحقیق هویت دینی به معنای مجموعه خصوصـیاتی است که فرد را به واسطه داشتن نوع احساسات و تعلقات مذهبی، به شخصیتی متمایز تبـدیل کرده .است. در واقع «هویت دینی به عنوان یکی از ابعاد هویت اجتماعی متضـمن سـطحی از دینـداری است که با «ما»ی جمعی یـا همـان اجتماع دینی یا امت مقارنه دارد و نشان دهنـده احساس تعلق به ،دین جامعه دینی و تعهـد به دین و جامعه دینی است». (3)

منزلت اجتماعی

«منزلت» مقام فرد یا گروه با توجه به توزیع شأن (حیثیت) در یک نظام اجتماعی است. طبقه بنـدی انسان ها در گروه های منزلتی بیشتر در الگوهای مصرف آن ها مبتنی است تا جایگاه آن ها در بازار یا در فراگرد تولید. گروه های منزلتی معمولاً اجتماعاتی

1- فلاح زاده، آموزش فقه، ص 281

2- محمد کرمی، بیانات آسمانی (مقاله) ص 25

3- چیت ساز قمی، هویت دینی جوانان در ایران، ص 194.

هستند که با سبک های شایسته زندگی و بر اساس احترام اجتماعی که دیگران برایشان قائل هستند، به همدیگر وابستگی پیدا می کنند به عبارت دیگر منزلت اجتماعی، یک ارزیابی است که بر پایه معیارهای ارزش اجتماعی معتبر در جامعه از موقعیت یک شخص در ذهن دیگران به عمل می آید و نشان می دهد که موقعیت یک شخص نسبت به اشخاص دیگر در فضای اجتماعی کجاست. (1)

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف در زمره پژوهش های کاربردی قرار می گیرد و از جنبه نحوه گردآوری داده ها از نوع توصیفی - پیمایشی است. در این پژوهش از دو دسته اطلاعات اولیه و ثانویه برای دستیابی به هدف استفاده می شود:

الف- برای جمع آوری اطلاعات مربوط به پیشینه تحقیق و ادبیات موضوع از کتاب ها و مقالات تخصصی پایان نامه ها و جستجو در پایگاه های اینترنتی استفاده می شود (روش کتابخانه ای).

ب- به منظور گردآوری داده های مورد نیاز در بررسی تأثیر علل اجتماعی- فردی بر عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر در بین جوانان (دانشجویان) از روش می دانی استفاده می شود به این ترتیب که از طریق توزیع پرسشنامه در جامعه آماری، به جمع آوری داده ها اقدام خواهد شد. جامعه آماری پژوهش شامل 6351 نفر از دانشجویان ورودی سال 1389 دانشگاه آزاد واحد کرمانشاه می باشند.

حجم نمونه و روش نمونه گیری آن

«نمونه معمولاً گروهی از افراد جامعه است که معرف آن جامعه است و کمابیش ویژگی ها و مشخصات افراد جامعه را دارا می باشد». (2) برای تعیین حجم نمونه از روش حجم نمونه کوکران استفاده شد و حجم نمونه 362 نفری به دست آمد و همچنین از روش نمونه گیری طبقه ای برای انتخاب نمونه ها استفاده گردید.

فرمول کوکران:

1- ساروخانی، فرهنگ علوم اجتماعی، ص 214.

2- کرلینجر، مبانی پژوهش در علوم رفتاری، ص 136

عکس

$$N = 6351,\ t = 1.96,\ d = 0.05,\ q = 0.5,\ p = 0.5:$$
$$n = \frac{Nt^2pq}{Nd^2 + t^2pq} = \frac{6351 \times (1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5}{6351 \times (0.05)^2 + (1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5} = 362$$

ابزار تحقیق

ابزار تحقیق پرسشنامه محقق ساخته (32 شامل سؤال با طیف لیکرت) می باشد که برای سنجش پایایی پرسشنامه از روش کرونباخ استفاده شد ضریب پایای به دست آمده برای هر یک از متغیرهای تحقیق به شرح زیر می باشد:

جدول1: میزان اعتبار متغیرهای تحقیق

عکس

معرف ها	تعداد گویه	مقیاس	آلفای کرونباخ	آلفای کل
منزلت اجتماعی(آمران و ناهیان)	۴ گویه	ترتیبی	./۷۷	./۷۸
هویت دینی	۶ گویه	ترتیبی	./۹۰	
عدم صداقت (آمران و ناهیان)	۵ گویه	ترتیبی	./۸۲	
کاربرد زور (توسط آمران و ناهیان)	۵گویه	ترتیبی	./۷۹	
نوع گروه‌های دوستی و معاشرت	۶ گویه	ترتیبی	./۷۱	
نحوه بیان و موقعیت(آمران و ناهیان)	۶ گویه	ترتیبی	./۷۰	

مشاهده می شود که آلفای تمامی معرفها بالای 70 درصد می باشد که نشان روایی قابل قبولی می باشد. همچنین آلفای کل به دست آمده برابر با 78 درصد می باشد.

برای سنجش اعتبار گویه ها از روش سنجش اعتبار محتوای س. اچ. لاوشه استفاده شد و ضریب اعتبار 72 درصد به دست آمد با توجه به نمره به دست آمده پرسشنامه دارای اعتبار لازم می باشد. در ادامه داده های جمع آوری شده، براساس نرم افزار رایانه ای SPSS مورد تحلیل قرار گرفته و با استفاده از جدول و نمودارها و انواع آزمون های آماری روابط متغیرها بررسی شده اند.

چارچوب نظری

در چارچوب نظری تحقیق به صورت تلفیقی از نظریات امام رضا علیه السلام، امام

ص: 210

خمینی رحمه الله و شهید مطهری استفاده شده است و سعی گردیده با استفاده از نظریات فوق فرضیات تحقیق طراحی شوند.

امر به معروف و نهی از منکر از منظر امام رضا علیه السلام

بـا توجه به فرمایش حضـرت رسول اکرم صـلی الله علیه و آله. که: بالاترین جهاد سـخن عـدلی است که نزد فرمانروای ظالمی ایراد گردد، حضـرت رضا علیه السلام در مقاطع مختلف زندگی خویش با جلوه های گوناگون توانست با بالاترین جهاد سیاست های باطل زمامداران ستمگر زمـان خـویش را نقش بر آب نمایـد و چهره حـق و حقیقت را بنمایانـد نقش امر به معروف و نهی از منکر به حـدی در زنـدگی آن حضرت بارز بود که یکی از مهمترین علل شهادت حضرت رضا علیه السلام محسوب می گردد مرحوم شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السـلام در باب اسباب شهادت آن حضرت، سه خبر نقل کرده است که مؤید ادعای مزبور می باشد. جالب این جاست که در ضمن خبر اول حضرت به پرونده ثروت های بادآورده مأمون و غیرقانونی بودن آن ها نیز اشارت کرده است.

مرحوم شـیخ کلینی (در گذشته به سال 329 ه- . ق) درباره عـذاب تارکان امر به معروف و نهی از منکر حـدیثی از امام رضا علیه السـلام علیه السـلام نقل کرده که آن حضـرت از قول رسول خدا صـلی الله علیه و آله فرموده است: (إِذَا أُمَّتِي تَوَاكَلَتِ الأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَلْيَأْذَنُوا بِوِقَاعٍ مِنَ اللهِ تَعَالَى)؛ زمانی که امت من نسـبت به امر به معروف و نهی از منکر سـهل انگاری کنند و مسئولیت را به گردن یکدیگر اندازند (و هر کس منتظر این باشد که دیگری آن را انجام دهد) در این صورت بایستی منتظر عذاب الهی باشـند و این کار آن ها به منزله اعلان جنگ با خداست.

یکی از کنیزان مـأمون چنین گفته است: «هنگـامی که در منزل مـأمون بودیم در بهشتی از خوردنی هـا و نوشـیدنی ها و بوی خوش و پول فراوان به سـر می بردیم. اما همین که مأمون مرا به امام رضا علیه السـلام بخشید دیگر از آن همه ناز و نعمت خبری نبود. زنی که سرپرست ما بود شب ما را بیدار می کرد و به نماز وادار می ساخت که بر ما سخت و گران می آمد و آرزو می کردم از آن جا رهایی یابم... همان طور که ملاحظه می شود امام نسـبت به نماز شب خوانـدن اهل منزل عنایت داشـتند و لذا به سـرپرست زنان امر نموده بودند که آن ها را در آن موقع بیدار نمایند در این جا یادآوری این نکته

بجـاست که میـان تحمیل عقیـده و «تحمیل عمل در برخی امور» تفاوت وجود دارد. در قرآن کریم می خوانیم (لا إِکْراهَ فِی الـدِّینِ): هیچ اجبـاری در دین نیست. در صورتی که تحمیـل عمـل در برخی از موارد که مصـلحت بالاـتری وجود دارد نه تنها جایز بلکه ضـروری می باشـد؛ به عنوان مثال وقتی معلمی دلسوز، دانش آموز خود را به انجام پاره ای تکالیف و ادار می سازد هیـچ گاه نمی خواهد تحمیل عقیده نمایـد بلکه به خاطر در نظر گرفتن صـلاح و مصـلحت دانش آموزش به وی نوعی عمل را اجبار می کند و چه بسا همان دانش آموز پس از رسیدن به مدارج عالی علمی از کار معلم بسیار خشنود و دلشاد گردد.

در اهمیت امر به معروف و نهی از منکر حضـرت امام رضا علیه السـلام می فرمایند: «وقتی امت من از امر به معروف و نهی از منکر شانه خالی کردند و آن را به یکدیگر واگذار کردند، حتماً بدانند که با هلاکت و عذاب الهی روبه رو خواهند شد».

همچنین در جایی دیگر می فرمایند: «باید امر به معروف و نهی از منکر کنید. اگر چنین نکنید بدهای شما بر شما مسلط می شوند پس هر چه خوبانتان دعا کنند مستجاب نمی شود».

نمونه ای از سیره عملی حضرت امام رضا علیه السلام در مورد امر به معروف و نهی از منکر:

به دستور مأمون علمای برجسته از فرقه های گوناگون در مجالس مناظره حاضر می شدند و حضرت امام رضا علیه السلام با آن ها مناظره و بحث می کردند. در یکی از این مجالس «عمران صابی» که یکی از دانشـمندان بزرگ بود، حاضـر شد و درباره توحید خدا با حضرت امام رضا علیه السلام به بحث پرداخت هر سؤالی که او مطرح می کرد امام علیه السلام با استدلال های روشن و قطعی جواب می داد. بحث و مناظره به اوج خود رسـیده بود که هنگام نماز ظهر فرا رسـید. حضرت امام رضا علیه السلام به مأمون فرمودند، وقت نماز فرا رسیده است. «عمران صـابی» گفت: ای آقای من پاسـخ سؤال من را قطع نکن. اکنون قلب من نازک گشـته است (یعنی آمادگی پـذیرش حقیقت را یافته است). حضـرت امـام رضا علیه السـلام تحت تأثیر احساسات عمران صابی قرار نگرفت و فرمود، نماز می گزاریم و سـپس باز می گردیم. حضرت امام رضا علیه السلام با همراهان برخاستند و نماز

خواندند و پس از نماز به همان مجلس بازگشتند و به بحث و بررسی ادامه دادند.

استاد شهید مطهری

از نظر استاد مطهری، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر قبل از هر چیز دو شرط اساسی دارد: «یکی بصیرت در دین و دیگری بصیرت در عمل بصیرت در دین همچنان که در روایت آمده است اگر نباشد زیان این کار از سودش بیشتر است و اما بصیرت در عمل لازمه دو شرطی است که در فقه از آن ها به «احتمال تأثیر» و «عدم ترتب مفسده» تعبیر شده است و مآل آن به دخالت دادن منطق است در این دو تکلیف یعنی امر به معروف و نهی از منکر برای این است که «معروف» رواج گیرد و منکر محو شود. پس در جایی باید امر به معروف کرد و نهی از منکر نمود که احتمال ترتب این اثر در بین باشد اگر می دانیم که قطعاً بی اثر است دیگر وجوب چرا؟ و دیگر این که اصل تشریع این عمل برای این است که مصلحتی انجام گیرد. قهراً در جایی باید صورت بگیرد که مفسده بالاتری بر آن مترتب نشود». (1)

لازمه این دو شرط بصیرت در عمل است. آدمی که بصیرت در عمل را فاقد است نمی تواند پیش بینی کند که آیا اثری بر این کار مترتب هست یا نیست و آیا مفسده بالاتری را در بردارد یا ندارد؟ این است که افساد امر به معروف های جاهلانه همان طوری که در حدیث است، بیش از اصلاح است.

در سایر تکالیف گفته نشده که شرطش احتمال ترتب فایده است و اگر احتمال اثر دارد باید انجام داد و اگر احتمال اثر ندارد نباید انجام داد و حال آن که در هر تکلیفی، فایده و مصلحتی منظور است اما تشخیص آن مصلحت ها بر عهده مردم گذاشته نشده است؛ مثلاً دربارهٔ نماز گفته نشده اگر دیدی به حالت مفید است بخوان و اگر دیدی مفید نیست نخوان اما در باب امر به معروف و نهی از منکر این قید هست که باید دید چه اثر و چه عکس العملی دارد و آیا این عمل در جهت صلاح اسلام و مسلمین است یا نه؛ یعنی تشخیص مصلحت بر عهده خود عاملان اجراست». (2)

1- مطهری یادداشت ها، ص253.

2- همان، ص 254

«در اخبار وارد شـده که امر به معروف و نهی از منکر سه مرحله دارد مرحله قلب مرحله زبان مرحله ید و عمل ما معمولاً از مرحله قلب به جـای آن که اخلاص و حسن نیت و علاقه به سـرنوشت مسـلمانان را درک کنیم جوش و خروش و عصـبانیت های بی جا می فهمیم، و از مرحلـه زبـان به جـای آن که بیـان هـای روشن کننـده و منطقی بفهمیم که قرآن می فرمایـد: (وَ اُدْعُ اِلی سَبیـلِ رَبِّکَ بِـالْحِکْمَهِ وَ الْمَـوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ)، موعظه ها و پندهای تحکم آمیز می فهمیم؛ و از مرحله ید و عمل هم به جای این که تبلیغ عملی و حسن عمل و همچنین تدابیر عملی بفهمیم، تنها این مطلب را فهمیده ایم که باید اعمال زور کرد». (1)

«مـا چنـد جهت را بایـد در نظر بگیریم یکی این که در مرحله قلب، آمر به معروف و نـاهی از منکر باشـیم؛ یعنی عمل از عمق ضـمیر ما سرچشـمه بگیرد و دارای اخلاص و دلسوزی و علاقه باشـد امر به معروف ما برای ترویـج یک شـخص و یا یک صـنف معین نباشـد. دوم مرحلهٔ زبـان یعنی بیـان ما حقیقت روشن کن و هادی باشـد نه تحکم و آمریت و کور شو و ببین و کر شو و بشـنو و دیوانه شو و بفهم. سوم مرحله عمل و ید البته نه به معنای زور بلکه به معنای پیشقدمی در راه خیر و استباق که در قرآن آمده است». (2)

«امر به معروف چون تنها گفتن و بیان نیست بلکه اجراست، بایـد دید از چه طریقی بهتر اجرا می شود. شک نیست که جلو افتادن در عمل و پیشـقدمی در عمل بهترین طریق اجراست. بایـد جلو افتاد و مردم را تشویق کرد در نهی از منکر هم بایـد مبارزه با فساد باشد نه با فاسـد مبارزه با فاسـد معنایش این است چرا آن شـخص مرتکب شـده نه این شـخص اگر مسـلمانان می خواهنـد امر به معروف بکننـد باید مثلاً مؤسـسات نشـر کتاب به وجود آورند مدارس مفید به وجود بیاورند، بیمارسـتان تأسیس کنند، بنگاه حمایت یتیمان و مؤسسه خیریه اطفال فلج به وجود بیاورند، مردم در عمل ببینند که دین در این جا بیمارشان را و جاهلشان را و یتیمشان را نجات داد». (3)

1- مطهری مجموعه آثار، ص 88

2- همان، ص 247

3- مطهری، ده گفتار، ص 95

امام خمینی رحمه الله

بدون مبالغه باید گفت امام خمینی رحمه الله احیاء کننده این دو وظیفه مهم الهی در عصر خود بود. این شخصیت کم نظیر عالم اسلام در راه انجام این دستور الهی از هیچ کاری فروگذار نکرد مباحث امر به معروف و ملحقات آن و فتاوای فقهی ایشان را در این باره می توان از رسالة في التقیه المکاسب المحرمه در بحث «حکم المبیع اذا بیع ممن یصرفه فی الحرام» و تحریر الوسیله و استفتائات به دست آورد. (1)

شیوه های امر به معروف و نهی از منکر از منظر امام خمینی رحمه الله

1- در راه آن مرتکب گناهی مانند دروغ توهین و تحقیر نشود. 2- مانند طبیبی مهربان و پدری رئوف باشد 3- رعایت مصلحت طرف را بکند 4- از خودخواهی و خودستایی بپرهیزد. 5- قصدش تنها برای رضای خدا باشد 6- خود را منزه از گناه و برتر از گناهکار نبیند. 7- چه بسا که گناهکار دارای صفات و اعمال نیکی بوده و نزد خدا محبوب تر باشد 8- چنان چه بداند و یا احتمال دهد که امر به معروف و نهی از منکر با تکرار مؤثر است، تکرار واجب می شود.

رهنمودهای حضرت امام برای عملی کردن امر به معروف

اشاره

برخی رهنمودهای حضرت امام خمینی رحمه الله برای اثرگذاری بهتر امر به معروف و نهی از منکر:

الف) اصلاح خویش:

مهمترین شرط موفقیت انسان در اصلاح دیگران اصلاح خویشتن است. قرآن کسانی را که مرد سخن هستند نه عمل یعنی آنان که دیگران را به نیکی ها دعوت می کنند ولی خود اهل نیکوکاری نیستند سرزنش کرده است: «آیا مردم را به نیکی دعوت می کنید ولی خودتان را فراموش می نمایید». فردی که خود مرتکب خلاف می شود، نمی تواند دیگران را از کار خلاف بازدارد و سخن او اثر ندارد.

بنابراین برای این که سخن اثر کند باید گوینده قبل از هر کس به گفته خود عمل کند. علی علیه السلام می فرماید: «ای مردم به خدا سوگند شما را به هیچ طاعتی تشویق

1- بیرکی، آزادی در اندیشه امام خمینی رحمه الله، ص 28

نمی کنم مگر قبلاً خودم آن را انجام می دهم و از هیچ کار خلافی باز نمی دارم مگر این که پیش از شما از آن دوری جسته ام». امام خمینی در سخنرانی های خود مکرر به این جهت اشاره می فرمودند که برای موفقیت در اصلاح دیگران قبل از هر چیز خودتان را اصلاح کنید.

ب) شرط اصلاح جامعه:

امام خمینی شرط اصلاح جامعه را اصلاح خود فرد می داند. ایشان می فرماید: «انسان اگر خودش منحرف باشد نمی تواند دیگران را مستقیم کند. این بدون شک آدمی که خودش خدای نخواسته شراب خوار است، نمی تواند دیگران را از شراب خواری بازدارد. اگر شما خودتان را اصلاح، و خودتان همان طور که اسم انجمن اسلامی روی خودتان گذاشتید اسلامی نباشید و خودتان را اسلامی نکنید نمی توانید دیگران را به اسلام دعوت کنید خدای تبارک و تعالی که برای مردم هادی و پیغمبران را انتخاب می کند کسی که خودش از اول عمر تا آخر عمرش می فرستد یک لغزش نداشته معصوم بوده یک همچو موجودی را انتخاب می کند برای این که تربیت کنند مردم را تزکیه کنند و تعلیم کنند. اگر آن کسی که می خواهد مربّی جامعه ای باشد مربی دستگاهی باشد این ها را به اسلام دعوت کند اول باید خودش را اسلامی کند... تا بتواند دیگران را اسلامی کند». (1)

فرضیات تحقیق:

- به نظر می رسد بین منزلت اجتماعی آمران و ناهیان و عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر رابطه وجود دارد.

- به نظر می رسد بین صداقت آمران و ناهیان (در اعمال و گفتار) و عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر رابطه وجود دارد.

- به نظر می رسد بین کاربرد زور توسط آمران و ناهیان و عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر رابطه وجود دارد.

- به نظر می رسد بین موقعیت و نحوه بیان آمران و ناهیان و عدم پذیرش امر به

1- همان، ص 30.

معروف و نهی از منکر رابطه وجود دارد.

– به نظر می رسد بین میزان هویت دینی دانشجویان و عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر توسط آن ها رابطه وجود دارد.

– به نظر می رسد بین نوع گروه های دوستی و معاشرت (دانشجویان) و عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر (توسط آن ها) رابطه وجود دارد.

مدل تحلیل نظری:

عکس

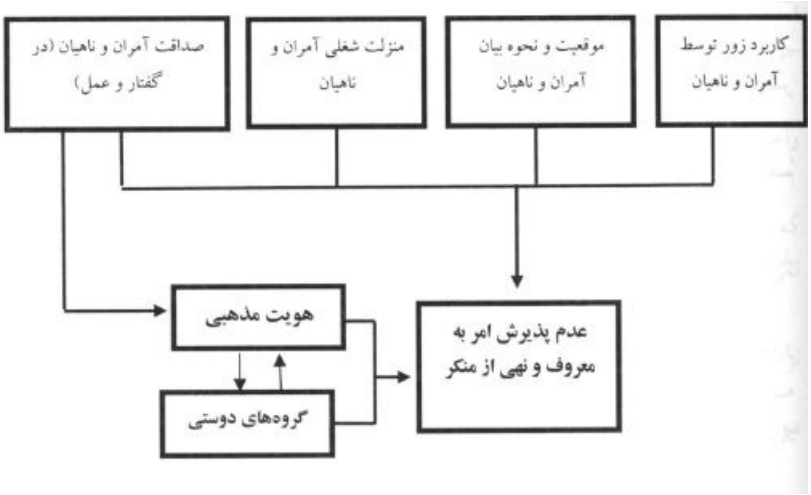

شیوه امر به معروف و نهی از منکر در قرآن

آیات زیادی در قرآن وجود دارد که مخاطب خود را به «امر به معروف و نهی از منکر» دعوت می کند خداوند کریم در این آیات به آثار حیات بخش این فریضه در دنیا و آخرت اشاره می فرماید اما در کنار این آیات آیاتی نیز هستند که به شیوه امر به معروف و نهی از منکر می پردازند. در زیر به برخی از این آیات اشاره شده:

(وَ عِبادُ الرَّحْمنِ الَّذینَ یَمْشُونَ عَلَی الْاَرضِ هَوْناً و اِذا خاطَبَهُمُ الجاهِلوُنَ قالُو سَلاماً): و بندگان خاص خدا آنان هستند که بر روی زمین به تواضع و فروتنی راه می روند و هرگاه مردم جاهل به آن ها خطاب (و عتابی) کنند با سلامت نفس (و زبان خوش)

ص: 217

جواب دهند. (1)

(فَقُولا لَهُ قَولًا لَيّناً لَعَلّهُ يَتَذَكّرُ أَو يَخشي):

اما به نرمی با او سخن بگویید؛ شاید متذکر شود یا (از خدا) بترسد. (2)

- آیه بر شرایط تأثیر امر به معروف و نهی از منکر دلالت می کند و برای این که امر و نهی مؤثر باشد باید با زبان خوش و مهربانی باشد تا فرد مقابل آن را بپذیرد و در وی تنفر به وجود نیاورد.

- پیامدهای جهل به نیازهای امر به معروف و نهی از منکر نتیجه بد عمل کردن است و نفرت به دنبال خواهد داشت.

- داشتن شناخت و علم و آگاهی نسبت به نیازهای امر به معروف و نهی از منکر در سریع تر پذیرفته شدن آن کمک می کند و محقق می یابد. (3)

(وَ لَتَكُن مِنكُم أُمّةٌ يَدعُونَ إِلَى الخَيرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالمَعْرُوفِ وَ يَنْهَونَ عَن المُنكَرِ وَأُولئِكَ هُمُ المُفْلِحُونَ):

و باید از میان شما گروهی مردم را به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وا دارند و از زشتی باز دارند و آنان همان رستگاران اند. (4)

از آیه بالا به روشنی در می یابیم که باید گروهی ویژه باشند تا امر به معروف و نهی از منکر کنند این گروه باید دارای یک سری امکاناتی باشند که تأثیر امر به معروف و نهی از منکر را دو چندان کنند. حساب این گروه از حساب بقیه افراد جداست و دارای امکاناتی چون زبان گویا، علم کافی، قدرت و... می باشند.

(وَأمُرْ أهْلَكَ بالصّلاة واصْطَبِرْ عَلَيْهَا لا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتّقْوَى).

خانواده خود را به نماز فرمان ده؛ و بر انجام آن شکیبا باش، از تو روزی نمی خواهیم؛ بلکه ما به تو روزی می دهیم و عاقبت نیک برای پرهیزکاران است. (5)

همان گونه که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مأمور شد تا دعوت خودش را از خانواده و

1- فرقان/ 63.

2- طه / 44

3- طبرسی، مجمع البیان.

4- آل عمران/ 104.

5- طه / 132.

خویشاوندان خود شروع نماید، آمران به معروف و ناهیان از منکر نیز باید آن گونه عمل نمایند. (1)

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر با وجود برخی شـرایط واجب می باشد و در صورت نبود آن شرایط تکلیف ساقط می شود و آن ها عبارت اند از:

1- کسـی که امر یا نهی می کنـد بدانـد آن چه را که دیگری انجام می دهد حرام است و آن چه را ترک کرده واجب است پس هر کس نمی داند این عمل که او انجام می دهد حرام است یا نه، جلوگیری واجب نیست.

2- احتمال بدهد امر یا نهی او تأثیر دارد بنابراین اگر می داند تأثیر ندارد امر و نهی واجب نیست.

3- شـخص گناهکار اصـرار بر ادامه کار خود داشته باشد پس اگر معلوم شود، یا گمان کند، یا احتمال صحیح بدهد، گناهکاری بنای ترک عمل را دارد و دوباره تکرار نمی کند یا موفق به تکرار نمی شود امر و نهی واجب نیست.

4- امر و نهی سبب ضرر جانی یا آبرویی یا ضرر مالی قابل توجه به خودش یا نزدیکان و همراهان یا سایر مؤمنان نباشد. (2)

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

برای امر به معروف و نهی از منکر مراتبی است که اگر با عمل به مرتبه پایین تر، مقصود حاصل شود عمل به مرتبه بعـدی جایز نیست و آن مراتب چنین است:

1- با معصـیت کار طوری عمل شود که بفهمـد به سـبب انجام آن گناه با او این گونه عمل می شود مثل این که از او رو برگرداند یا با چهره عبوس با او برخورد کند یا با او رفت و آمد نکند.

امر و نهی با زبان یعنی به کسـی که واجبی را ترک کرده است، دسـتور دهد که واجب را به جا آورد و به گناهکار دسـتور دهد که گناه را ترک کند.

1- طبرسی، مجمع البیان ج و ص

2- فلاح زاده، آموزش فقه، ص 12.

3- استفاده از زور برای جلوگیری از منکر و برپایی واجب. (1)

«بنـا بر فتوای حضـرت آیـة الله خامنه ای مواردی که امر به معروف و نهی از منکر متوقف بر چیزی بیشتر از امر و نهی زبانی باشـد، اگر در سرزمینی باشـد که دارای نظـام و حکومت اسـلامی است و به این فریضه اسـلامی اهمیت داده می شود احتیاج به اذن حاکم و مسـئولان ذیربط و پلیس محلی و دادگاه های صالح دارد». (2)

صفات آمر و ناهی

1- هماهنگی حرف و عمل

مردم بیش از حرف، به عمل انسان آمر و ناهی می نگرنـد و از رفتار او بیش از سـخنش تأثیر می پذیرند؛ چنان که گفته اند: امام صادق علیه السلام می فرمایند: «با عمل خودتان مردم را به راه حق دعوت کنید». (3)

امام علی علیه السـلام نیز می فرماینـد: «لعنت خدا بر کسانی که امر به معروف می کنند، ولی خودشان آن معروف را انجام نمی دهند و از منکر نهی می کنند ولی خودشان آن را انجام می دهند». (4)

2- برخورد شایسته و چهره باز

داشتن چهره گشاده و جذاب عامل جذب دیگران است. از این رو، برخورداری از ملایمت و برخورد نرم و پرهیز از اخمو بودن می تواند در موفقیت شـخص آمر به معروف مؤثر باشد. در حدیثی از امام حسـین علیه السلام آمده است: «کسی که امر به معروف می کند، باید ... با مردم مهربان و رفیق باشد و تا ضرورت پیش نیاید خشونت نکند. او باید با لطافت و محبت مردم را به کار خیر دعوت کند». (5)

1- همان، ص 282

2- آیة الله خامنه ای، رسالة اجوبة الاستفتائات، ص 283.

3- حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 11، ص 194

4- نهج البلاغه، خطبه 139

5- مجلسی، بحار الانوار، ج 17، ص 83

3- خیرخواه بودن

در حدیثی از امام حسین آمده است: «کسی که امر به معروف می کند، باید... خیرخواه مردم و انگیزه اش سوز درونی و غیرت دینی باشد». (1)

4- اخلاص

اگر آمر انتقاد می کند، نباید بر اساس سلیقه شخصی، حزب سیاسی، عقده درونی و کینه و انتقام باشد. اگر کار مخلصانه انجام پذیرد، خداوند در تأثیر گذاری بهتر آن یاری رسان او خواهد بود در انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر، علاوه بر هدایت زبانی شایسته است که رفتار و عمل شخص، الگویی شایسته بر این معنا باشد. امام صادق علیه السلام در این باره می فرمایند: «مردم را با اعمالتان (به خیر) دعوت کنید و (فقط) با زبان مردم را دعوت نکنید».

5- شکیبایی

کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند در برابر تمایلات مردم ایستاده است و به یقین از طرف بعضی مردم مورد نامهربانی قرار خواهد گرفت. او اگر صبر نداشته باشد با چند برخورد تند دست از انجام وظیفه برخواهد داشت. قرآن در نشانه بندگان خوب خداوند می فرماید: «آنان کسانی اند که هرگاه با افراد ناآگاه برخورد کنند با سلام (و زبان خوش) از کنار آن ها گذر می کنند». (2)

6- بزرگواری

مردی نصرانی با جسارت به امام باقر علیه السلام گفت: تو بقر هستی؟ امام فرمود: «من باقر (شکافنده علم) هستم». نصرانی گفت: تو پسر آشپز هستی؟ امام فرمود: «این حرفه او بود». نصرانی گفت: تو پسر کنیز سیاه بدزبان می باشی؟ (در حالی که مادر امام باقر علیه السلام زنی بافضیلت و دختر امام حسن مجتبی علیه السلام بود.) امام فرمود: «اگر راست می گویی، خدا او را بیامرزد و اگر دروغ می گویی، خدا از تو درگذرد».

مرد نصرانی که این بزرگواری و شکیبایی را از امام باقر علیه السلام دید، به شگفت آمد و

1- همان.

2- فرقان / 63.

مسلمان شد. (1)

7- انتقاد از کار نه از شخص

اگر خلافکار احساس کند شخصیت دارد و محبوب است و تنها نقطه ضعف او کار خلافش است به راحتی آن را ترک می کند در روایات می خوانیم: «چه بسا خداوند افرادی را دوست دارد اگر چه از عمل آن ها ناخشنود است». (2)

شخصی از امام کاظم علیه السلام پرسید: یکی از یاران شما شراب خورده است. آیا از او دوری جویم؟ امام فرمود: «از کارش دوری جویید، نه از خودش» (3)

8- توجه به خصوصیات اخلاقی هر فرد

در حدیثی از امام حسین علیه السلام آمده است کسی که امر به معروف می کند... باید بداند که هر کس خلق و خویی دارد و با هر کس باید به طور خاصی سخن گفت». (4)

تحلیل داده ها

فرضیه اول: به نظر می رسد بین منزلت اجتماعی آمران و ناهیان و عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر رابطه وجود دارد.

جدول شماره 1: تا اوبی

عکس

جدول شماره ۱: تااوبی

		Value	Asymp. Std. Error[a]	Approx. T[b]	Approx. Sig.
Ordinal by Ordinal	Kendall's tau_b	.000	.070	-.007	.994
N of Valid Cases		362			

با توجه به جدول شماره 1 مقدار تا اوبی محاسبه شده T = 0/007 و سطح معناداری آن (0/994) که بیشتر از sig = 0/05 می باشد در نتیجه بین منزلت اجتماعی آمران و ناهیان و عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر رابطه معناداری وجود

ص: 222

1- اکبری قطره زلال امر به معروف و نهی از منکر، ص 66

2- مجلسی، بحار الانوار، ج 36، ص 233

3- همان، ج 27، ص 137.

4- همان، ج 97 ، ص 83

ندارد، در نتیجه فرضیه فوق اثبات نمی شود (محاسبه شده sig = 0/994)

فرضیه دوم: به نظر می رسد بین صداقت آمران و ناهیان (در گفتار و رفتار) و عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر رابطه وجود دارد.

جدول شماره 2: تا اوبی

عکس

		Value	Asymp. Std. Error[a]	Approx. T[b]	Approx. Sig.
Ordinal by Ordinal	Kendall's tau _ b	. 214	. 069	3. 569	. 049
N of Valid Cases		362			

با توجه به جدول شماره 2 مقدار تااوبی محاسبه شده T= 3/569 و سطح معناداری کمتر از (sig=0/05) است در نتیجه بین صداقت آمران و ناهیان و عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد. به نحوی که با افزایش صداقت آمران در گفتار و کردار میزان عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر کاهش می یابد و بالعکس در نتیجه فرضیه فوق اثبات می شود محاسبه شده (sig = 0/049)

فرضیه سوم: به نظر می رسد بین کاربرد زور توسط آمران و ناهیان و عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر رابطه وجود دارد.

جدول شماره 3: تا اوبی

عکس

		Value	Asymp. Std. Error[a]	Approx. T[b]	Approx. Sig.
Ordinal by Ordinal	Kendall's tau _ b	. 282	. 069	4. 023	. 000
N of Valid Cases		362			

با توجه به جدول شماره 3 مقدار تا اوبی محاسبه شده T 4/023 و سطح معناداری (0 / 000) که کمتر از (sig = 0/05) می باشد در نتیجه بین کاربرد زور توسط آمران و ناهیان و عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر رابطه معنادار مستقیم و مثبتی وجود دارد به نحوی که با افزایش کاربرد زور در امر و نهی میزان عدم پذیرش

ص: 223

امر به معروف و نهی از منکر افزایش یافته است در نتیجه فرضیه سوم نیز مورد رد تأیید قرار می گیرد. (محاسبه شده sig = 0/00)

فرضیه چهارم: به نظر می رسد بین موقعیت و نحوه بیان آمران و ناهیان و عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر رابطه وجود دارد

جدول شماره 4: تا اوبی

عکس

		Value	Asymp. Std. Error[a]	Approx. T[b]	Approx. Sig.
Ordinal by Ordinal	Kendall's tau _ b	. 207	. 068	3. 029	. 002
N of Valid Cases		362			

با توجه به جدول شماره 4 مقدار تا اوبی محاسبه شده 3/029 = 7 و سطح T معناداری آن (0/002) که کمتر از sig = 0/05 می باشد در نتیجه بین موقعیت و نحوه بیان آمران و ناهیان و عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر رابطه معناداری وجود دارد. در نتیجه فرضیه فوق اثبات می شود. (محاسبه شده sig = 0/002)

فرضیه پنجم: به نظر می رسد بین میزان هویت دینی دانشجویان و عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر (توسط آن ها) رابطه وجود دارد.

جدول شماره 5: تا اوبی

عکس

		Value	Asymp. Std. Error[a]	Approx. T[b]	Approx. Sig.
Ordinal by Ordinal	Kendall's tau _ b	. 279	. 079	3. 983	. 000
N of Valid Cases		362			

با توجه به جدول شماره 5 مقدار تا اوبی محاسبه شده T= 3/983 و سطح معناداری آن (0 /00) که کمتر از (sig = 0/05) می باشد در نتیجه بین میزان هویت

دینی دانشـجویان و عـدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر رابطه معنادار معکوس و منفی وجود دارد به نحوی که با افزایش هویت دینی دانشـجویان از میزان عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر توسط آن ها کاهش یافته است و بالعکس. در نتیجه فرضیه پنجم تحقیق نیز مورد تأیید قرار می گیرد. (محاسبه شده sig = 0/00)

فرضـیه شـشم: به نظر می رسد بین نوع گروه های دوستی و معاشـرت (دانشجویان) و عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر (توسط آن ها) رابطه وجود دارد.

جدول شماره 6: تا اوبی

عکس

		Value	Asymp. Std. Error[a]	Approx. T[b]	Approx. Sig.
Ordinal by Ordinal	Kendall's tau_b	. 256	. 081	3. 219	. 034
N of Valid Cases		362			

با توجه به جدول شماره 6 مقدار تااوبی محاسبه شده T= 3/219 و سطح معناداری آن (0/034) که کمتر از (sig = 0/05) می باشد در نتیجه بین نوع گروه های دوستی و معاشـرت دانشـجویان و عـدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر رابطه معناداری وجود دارد در نتیجه فرضیه ششم تحقیق مورد تایید قرار می گیرد. (محاسبه شده sig = 0/034).

بحث و نتیجه گیری

بـا توجه به شـرایط حساس کنونی جامعه ما و تهاجمات ناشـی از جهانی شـدن اسـتکبار جهانی و ارزش های غربی که ارزش های ملی و مـذهبی ما را تهدیـد می کند امر به معروف و نهی از منکر یکی از راه های دفع این خطر است. اگر این فریضه به درستی و با تکیه بر سـیره پیامبر صـلی الله علیه و آله امامان معصوم علیهم السـلام و بزرگان دین صورت گیرد و اجرا شود، می تواند تا حدودی مانع از آسـیب های اجتماعی و کاهش انحرافات و منکرات در جامعه شود.

با توجه به داده های توصـیفی به دست آمده در این تحقیق 19 درصد از دانشجویان در حد بالا 38 درصد در حد متوسط و 43 درصد در حد پایین نسبت به امر و نهی و

نصیحت آمران و ناهیان (شامل اعضای خانواده روحانیان، استادان دانشگاه، دوستان و همکلاسی ها) توجه و عمل نموده اند.

همچنین با توجه به آمار استنباطی نتایج آزمون فرضیه اول نشان داد که رابطه معناداری بین منزلت اجتماعی آمران و ناهیان و عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر وجود ندارد. در بین گروه های آمران و ناهیان (شامل: اعضای خانواده، روحانیان، استادان دانشگاه، دوستان و همکلاسی ها) دانشجویان نصیحت دوستان خود را بیشتر مورد توجه قرار داده و کمترین عدم پذیرش امر و نهی را از گروه های روحانیان و استادان دانشگاه داشته اند در این باره می توان گفت با توجه به شرایط حساس دوران جوانی و میزان توجه ای که در این سنین نسبت به گروه های دوستی وجود دارد دانشجویان بیشتر تحت تأثیر دوستان خویش قرار دارند. همچنین تبلیغات گسترده رسانه ای کشورهای غربی که سعی در تغییر ارزش های جوانان و تخریب چهره های دینی و دانشگاهی دارد می تواند در این مسئله تأثیر گذار باشد.

فرضیه دوم که بیانگر وجود رابطه بین صداقت آمران و ناهیان (در اعمال و گفتار) و عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر بود مورد تأیید قرار گرفت و ارتباط معکوسی سی بین میزان صداقت آمران و ناهیان و عدم پذیرش امر و نهی در بین دانشجویان مشاهده شد به نحوی که با افزایش صداقت آمران (در گفتار و رفتار) میزان عدم پذیرش امر و نهی کاهش نشان می دهد به بیانی دیگر با افزایش صداقت آمران و ناهیان میزان مقبولیت امر و نهی نیز در بین دانشجویان افزایش می یابد.

اگر صدق کردار سالم در باورها و اعتقادات (آمران و ناهیان) نباشد جوان احساس دوگانگی می کند و نمی تواند به یک روحیه فعال و با نشاط و توانمندی دست یابد. از این روست که گاه عصیان می نماید و هنجارهای دینی و شرعی را کنار می گذارد؛ برای نمونه نماز نمی خواند و یا روزه نمی گیرد و به دنبال یادگیری و آموزش تعالیم اولیا و بزرگان دین نمی رود حجاب و پوشش دینی را نمی پذیرد و حتی مسخره می کند.

طبق داده های جدول ،تا اوبی فرضیه سوم پژوهش مبنی بر وجود ارتباط بین کاربرد زور توسط آمران و ناهیان و عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر مورد تأیید

قرار داد و مشخص شد بین کاربرد زور توسط آمران و ناهیان و عدم پذیرش امر و نهی رابطه ای مستقیم و مثبت وجود دارد به نحوی که با افزایش کاربرد زور و فشار در امر به معروف و نهی از منکر میزان عدم پذیرش امر و نهی در بین دانشجویان نیز افزایش پیدا کرده است در بین برخی جوانان و دانشجویان تعاریف خاصی نسبت به برخی از ارزش های جامعه وجود دارد و برخی از ارزش های فرهنگی و مذهبی از دید آن ها اهمیت کمتری دارد در این جا باید فرق بین ارزش و هنجار مشخص شود. ارزش های اجتماعی مقوله ای فرهنگی هستند که روح و فکر و ایدهٔ حاکم بر هنجارهای اجتماعی را تشکیل می دهند. ارزش ها به اصطلاح نشانه های ذهنی امور مطلوب و مورد پسند و علاقه مردم می باشند و به عنوان ملاک و معیارهای شکل گیری هنجارهای اجتماعی عمل می کنند هنجارهای اجتماعی «قالب ها» و «مسیرها» و بسترهایی برای انجام فعالیت ها وظایف و رفتارهای اجتماعی مردم در موقعیت «نقش ها و منزلت های» اجتماعی می باشند (1) به عنوان مثال ارزش حجاب زن مسلمان یک الگوی ذهنی و فکری را القا می کند که در عمل اجتماعی زنان در جامعه خود را با خط مشی (هنجار) پوشش اسلامی آراسته می نمایند با توجه به موارد ذکر شده می توان گفت تا زمانی که برخی هنجارهای موجود در جامعه برای جوانان ارزش نشود کاربرد زور در امر و نهی تأثیر چندانی نخواهد داشت.

فرضیه چهارم پژوهش که به نظر می رسد بین موقعیت و نحوه بیان آمران و ناهیان و عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر رابطه وجود دارد نیز مورد تأیید قرار گرفت. امر و نهی در زمان و مکان نامناسب ممکن است نه تنها مفید واقع نشود بلکه اثر منفی نیز در برداشته باشد.

در مورد فرضیه پنجم: یعنی وجود ارتباط بین میزان هویت دینی دانشجویان و عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر (در بین دانشجویان) رابطه معنادار و معکوس مشاهده شد به طوری که با افزایش میزان هویت دینی دانشجویان میزان عدم پذیرش امر و نهی توسط آن ها کاهش می یابد و بالعکس.

تغییر در ارزش ها و هنجارهای فرهنگی امری است که در هستی اجتماعی گاه کم

1- امام جمعه جامعه شناسی فرهنگی، ص 131

یا زیاد اتفاق می افتد و گاه عوارضی دارد؛ به عنوان مثال (مدها و هوس های اجتماعی) به ویژه در حال حاضر که تأثیر الگوهای فرهنگی در آن فراوان است، زمینه مستعدی را برای تغییر در سبک پوشش افراد فراهم می نماید. آراسته شدن به این گونه مدهای پوششی گاه جوانان را در معرض تضاد و گسیختگی با نظام فرهنگی سنتی و الگوهای اخلاقی و تربیتی خانواده قرار می دهد که اگر اولیای خانواده به جریان «مدها در جامعه» توجه نداشته باشند و با فرزندانشان برخوردهای تند و خشن و منفی کنند قهراً جوانان را در شرایط تعارض و گسستگی و دافعه قرار می دهند که ممکن است عوارضی منفی داشته باشد. (1)

فرضیه ششم تحقیق، وجود ارتباط بین نوع گروه های دوستی و معاشرت (دانشجویان) و عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر (توسط آن ها) نیز مورد تأیید قرار گرفت. نوع گروه های دوستی دانشجویان و نوع معاشرت آن ها تأثیر مستقیمی با پذیرش و یا عدم پذیرش امر و نهی دارد.

امروزه با توجه به جهانی شدن رسانه ها و افزایش استفاده از ماهواره اینترنت و.... مخصوصاً در بین جوانان معیارهای هویتی در حال تغییرند و رسانه های فوق الذکر با استفاده از برنامه های هدفمند و جذاب خود سعی در کمرنگ کردن و از بین بردن ارزش های فرهنگی و مذهبی دارند وقتی که هویت ملی و مذهبی در بین جوانان کمرنگ شود و توجه به ارزش های غربی و فرهنگ مصرفی در بین جامعه افزایش یابد، در آن صورت امر به معروف و نهی از منکر از سوی هر آمر و ناهی که صورت گیرد و به هر نوعی که اجرا شود تأثیر چندانی در عمل این گونه افراد نخواهد داشت و در آن صورت پذیرش امر و نهی با مشکل اساسی مواجه خواهد شد. با توجه به شرایط فوق در ابتدا باید با شناخت نیازهای جوانان سعی شود هنجارهای جامعه را در نزد آن ها به ارزش تبدیل نماییم که در این صورت افراد جامعه بدون نیاز به امر و نهی سعی در رعایت ارزش ها می نمایند در مرحله بعد می توان در صورت عدم رعایت ارزش ها با کاربرد صحیح امر به معروف و نهی از منکر همان گونه که در سیره انبیا و امامان علیهم السلام آمده است و رعایت کامل شرایط آن نسبت به اصلاح افراد و

1- امام جمعه، جامعه شناسی فرهنگی، ص 138

دعوت به معروف اقدام نمود.

پیشنهادها

– به کارگیری امر به معروف و نهی از منکر توأم با عمل: مؤمنان موظف اند ابتدا خود عامل به وظیفه فردی و اجتماعی خود باشند و سپس درصدد نشر و گسترش آن در جامعه برآیند تا تأثیر به سزایی را به دنبال داشته باشد.

– ایجاد کارگاه های آموزشی (گفتاری، رفتاری) برای آمران و ناهیان سازمان های دولتی و غیر دولتی.

– تقویت هویت مذهبی و ارزش های فرهنگی – دینی جامعه و تبدیل هنجارهای جامعه به ارزش های مورد قبول جوانان از راه درونی کردن و استفاده از برنامه های سمعی و بصری جذاب برای نیل به این هدف.

– عدم کاربرد زور در امر به معروف و نهی از منکر تا حد امکان (مخصوصاً در برخورد با قشر جوان و تحصیل کرده).

– توجه بیشتر خانواده و نهادهای آموزشی به دوست یابی و گروه های دوستی جوانان و ایجاد کلاس های آموزشی مناسب در مورد روابط اجتماعی و گروه های دوستی در بین مدارس و دانشگاه ها.

– توجه به موقعیت مناسب در امر به معروف و نهی از منکر(در هر مکانی نمی توان به افراد امر و نهی نمود).

– صحبت کردن با دیگران با زبان خودشان ضمن در نظر گرفتن شرایط روحی و روانی آنان.

– اتخاذ شیوه های رفتاری مناسب و رعایت ادب و نزاکت هنگام انجام این فریضه محترم شمردن عقاید افراد و تذکر نکات مورد اتفاق و مشترک.

منابع:

1. قرآن کریم.

2. نهج البلاغه، ترجمه علامه جعفری، تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1380ش.

3. اکبری، محمدرضا، قطره زلال امر به معروف و نهی از منکر، قم، انتشارات معروف، 1380ش.

4. امام جمعه فرهاد، جامعه شناسی فرهنگی، تهران انتشارات بهمن برنا، 1387ش.

5. چیت ساز قمی، محمد جواد، هویت دینی جوانان در ایران، کتاب مبانی نظری هویت و بحران هویت مجموعه مقالات، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، 1383ش.

6. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1389ش.

7. حضرت آیة الله خامنه ای، سید علی، رساله اجوبة الاستفتائات، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، 1383ش.

8. داستانی بیرکی، علی، آزادی در اندیشه امام خمینی رحمه الله، تهران، تبیان، 1375ش.

9. ساروخانی، محمد باقر، فرهنگ علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کیهان، 1379ش.

10. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان، تصحیح و تعلیق ابوالقاسم گرجی، قم، مدیریت حوزه علمیه 1368ش.

11. فراهانی، مجتبی، آسیب شناسی جهانی سازی رسانه ها بر هویت فرهنگی پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، 1389ش.

12. فلاح زاده، محمدحسین، آموزش فقه، قم، انتشارات الهادی، 1384ش.

13. کرلینجر، فردریک نیکلز، مبانی پژوهش در علوم رفتاری ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زند، تهران، آوای نور، 1376ش.

14. کهریزی، سعید مطالعه امر به معروف و نهی از منکر در آیات و روایات، پایان نامه کارشناسی الهیات دانشگاه پیام نور، 1386ش.

ص: 230

15. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، (تصحیح) محمدباقر بهبودی ابراهیم میانجی، تهران، نشر کتابچی، 1386ش.

16. محمد کرمی، مجید، بیانات آسمانی، مقاله، فصلنامه روزنه، 1376ش.

17. محمدی، محسن، امر به معروف و نهی از منکر و نقش آن در جامعه، تهران، انتشارات خجسته، 1385ش.

18. مطهری مرتضی، ده ،گفتار، تهران، انتشارات صدرا، 1375ش.

19. مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، 1389ش.

20. یادداشت ها، تهران، انتشارات صدرا، 1369ش.

ص: 231

امام رضا علیه السلام ها و شیوه های امر به معروف و نهی از منکر: دکتر مرتضی رحیمی

اشاره

*امام رضا علیه السلام ها و شیوه های امر به معروف و نهی از منکر: دکتر مرتضی رحیمی (1)

طرح مسئله

روش ها دستورالعمل هایی هستند که به ما می گویند برای رسیدن به مقصد و مقصود مورد نظر چه باید بکنیم. (2) به تعبیر دیگر روش ها بیانگر خط مشی عملی انسان برای رسیدن به هدف مطلوب هستند. هدف نیز بیانگر وضعیت مطلوبی برای انسان ها است که باید آن را محقق کرد. بنابراین، پس از آگاهی به معروف ها و منکرها که از راه عقل سلیم و دین شناخته می شوند یکی از پرسش های اساسی که با آن مواجه می شویم آن است که روش های اجرایی کردن امر به معروف و نهی از منکر کدامند؟

روش های امر به معروف و نهی از منکر همانند شرایط، مراتب و.... از اهمیت به سزا برخوردارند این امر در شرایط زمانی و مکانی و افراد مختلف تفاوت می یابد و به همین سبب امر به معروف و نهی از منکر کردن خانواده، خویشاوندان همسایگان که رابطه نزدیک تر و عاطفی تری با انسان دارند با امر به معروف و نهی از منکر کردن دیگر آحاد جامعه تفاوت دارد همچنین امر به معروف و نهی از منکر نمودن کودکان جوانان، بزرگسالان و... با هم یکسان نیستند؛ چه آن که مثلاً پدر و مادر غالباً از فرزندانشان نصیحت نمی پذیرند چه بسا عدم توجه به روش های مقتضی در موقعیت ها و

1- استادیار دانشگاه شیراز

2- باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص 64

افراد گوناگون و عدم استفاده از روش های مناسب امر به معروف و نهی از منکر نتیجه عکس را موجب می شود یعنی موجب نهی از معروف یا امر به منکر می گردد. از همین روی در متون اسلامی اعم از قرآن و روایات به روش های مناسب امر به معروف و نهی از منکر توجه خاص شده است.

از جمله مواردی که اهمیت استفاده از روش های مناسب امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه متون اسلامی را نشان می دهد آن است که در ذیل تفسیر آیه (وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِها وَلكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقى وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوابِها وَاتَّقُوا الله لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)؛ کار نیک آن نیست که از پشت خانه ها وارد شوید بلکه نیکی آن است که تقوا پیشه کنید و از در خانه ها وارد شوید و از خدا بپرهیزید تا رستگار شوید (1)، از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرموده اند: (يَعْنِي أَنْ يَأْتِيَ اَلْأُمُورَ عَنْ وَجْهِهَا، فِي أَيِّ اَلْأُمُورِ كَانَ) یعنی کارها را هر نوع که باشند از راه شایسته و مناسب آن انجام دهند. (2) نیز فرموده اند: (اِيتُوا اَلْأُمُورَ مِنْ وَجْهِهَا) یعنی کارها را از راه درست و مناسب آن ها انجام دهید. (3)

بر اساس پاره ای از شأن نزول های بیان شده در مورد آیه مورد بحث، مردم در جاهلیت و آغاز اسلام در حال احرام از در وارد حیاط خانه و چادر و اتاق نمی شدند اگر شهرنشین بودند سوراخی در پشت خانه کنده و از آن جا رفت و آمد می کردند، صحرانشین از پشت خیمه و چادر وارد می شد و تا خروج از احرام، دخول از در خانه و خیمه را گناه می دانستند مگر این که از طوایف قریش و کنانه و خزاعه و ثقیف و خثعم و بنو عامر بن صعصعه و بنونضر بن معاویه باشد که به مناسبت تعصب و پایداری در مراسم دینی حمس» نامیده می شدند. (4)

با توجه به روایت امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه مورد بحث، آیه یادشده مفهومی وسیع و فراگیر دارد و از هر کاری که از راه درست و منطقی آن انجام نشود نهی

1- بقره / 189.

2- بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج 1، ص 409.

3- همان.

4- طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ج 2، ص 58 - 59.

می کند. بدیهی است که امر به معروف و نهی از منکر از طریق روش های غیر منطقی و نابجا و نادرست نیز از مصادیق آیه است. از همین روی اسلام در تبلیغ خود روش های معین و محدودی را مشخص نکرده بلکه بر اساس مقتضیات زمان و مکان آن را به عهده مسلمانان نهاده و ائمه علیهم السلام و اصحاب ایشان در موقعیت های گوناگون از روش های مختلف در امر به معروف و نهی از منکر بهره می گرفتند. خواهیم دید که تنوع روش ها در سیره و سخنان امام رضا علیه السلام نیز به خوبی مشهود است.

نظر به اهمیت توجه و به کارگیری روش های مناسب در امر به معروف و نهی منکر، طبرسی در ذیل تفسیر آیه (وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ) (1) در خصوص معنای حرف «من» در «منکم» به دو دیدگاه تبعیضی و تبیینی بودن «من» اشاره نموده و در فرض تبعیضی بودن «من» به نقش و اهمیت روش در وجوب کفایی امر به معروف و نهی از منکر توجه نموده و گفته است: «من، برای تبعیض است؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر از واجبات کفایی است و فقط کسی صلاحیت آن را دارد که: اولاً معروف و منکر را بشناسد و ثانیاً روش امر به معروف و نهی از منکر را بداند؛ زیرا اگر به این دو شرط جاهل باشد، بسا ممکن است به منکر امر و از معروف نهی کند». (2)

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز به اهمیت و لزوم به کارگیری بهترین و مناسب ترین روش ها در امر به معروف و نهی از منکر اشاره نموده و فرموده است (مَن أمَرَ بِمَعروفٍ فلیَکُنْ أمرُهُ ذلکَ بِمَعروفٍ)؛ هر کس امر به معروف می کند باید شیوه اش نیز معروف باشد. (3) و در جای دیگر فرموده اند: (مَن رَأی مِنکُم مُنکَراً فَلْیُغَیِّرْهُ بِیَدِهِ ، فإن لَم یَستَطِعْ فبِلِسانِهِ ، فإن لَم یَستَطِعْ فبِقَلبِهِ وذلکَ أضعَفُ الإیمانِ)؛ اگر کسی از شما منکری دید، باید آن را با دست خویش دگرگون سازد. اگر نتوانست، پس به زبان خویش، پس اگر باز هم نتوانست با دل خویش، و آن کمترین درجه ایمان است. (4)

1- آل عمران/ 104.

2- طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ج 1، ص 315

3- ری شهری میزان الحکمه، ج 6، ص 282

4- همان، ج 3، ص 195.

در خصوص شیوه های امر به معروف و نهی از منکر در سیره امام رضا علیه السلام تحقیق مستقلی وجود ندارد اما در منابع نگارش یافته دربارهٔ آن حضرت و نیز از سخنان و اقوال ایشان و منابع تاریخی می توان به مواردی دست یافت از این روی در تحقیق حاضر به اهمیت شیوه و نیز شیوه های گوناگون امر به معروف و نهی از منکر در اقوال و سیره امام رضا علیه السلام علیه السلام اشاره شده است.

شیوه های امر به معروف و نهی از منکر در سیره امام رضا علیه السلام

اشاره

همان گونه که در قرآن از روش های متعددی برای امر به معروف و نهی از منکر سخن گفته شده است، در سیره و سخنان معصومین علیهم السلام از جمله امام رضا علیه السلام نیز روش های چندی در این خصوص به چشم می خورند در عین حال همان گونه که گذشت روش های مذکور در قرآن و سیره و سخنان معصومین علیهم السلام به عنوان نمونه بیان شده اند، و ممکن است با توجه به تغییر مقتضیات زمانی و مکانی و پیشرفت های علمی روش های جدیدی برای امر به معروف و نهی از منکر قابل استفاده باشند. در سیره و سخنان امام رضا علیه السلام ضمن بیان نکاتی در خصوص اهمیت مصادیق مراتب امر به معروف و نهی از منکر و... روش های چندی در خصوص امر به معروف و نهی از منکر قابل استفاده و برداشت هستند، از جمله:

1- تشویق

تشویق از جمله روش های مؤثر تربیتی است که در امر به معروف و نهی از منکر نیز به عنوان یکی از روش های مهم و تأثیر گذار تلقی می شود. تشویق مصدر باب تفعیل و در لغت به معنای به شوق آوردن، راغب کردن و کار کسی را ستودن و او را دلگرم ساختن در تعلیم و تربیت می باشد. تشویق یکی از عوامل و محرک های مهم یادگیری است آثار تشویق و پاداش دادن در امر تربیتی و یا تغییر بعضی رفتارها بارها و بارها از سوی دانشمندان علوم گوناگون مطرح شده است.

در قرآن و دیگر متون اسلامی بارها و به صور گوناگون از نقش مؤثر تشویق و تنبیه در انجام معروف و ترک منکر یا تغییر رفتار سخن به میان آمده است از جمله این موارد می توان به آیه (فَبَعَثَ اللّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِين)؛ خداوند پیامبران را

مبعوث فرمود که نیکوکاران را بشارت و بدکاران را بیم دهند، (1) اشاره نمود.

در سیره و سخنان امام رضا علیه السلام به اهمیت تشویق به عنوان یکی از روش های مؤثر در تغییر رفتار یا امر به معروف و نهی از منکر به ویژه درباره کودکان تصریح و اشاره شده است چنان چه زکریا بن آدم گفته که خدمت امام رضا علیه السلام بودم که حضرت جواد علیه السلام را نزد ما آوردند. وی که حدود چهار ساله بود دست ها را بر زمین نهاد و به سوی آسمان سر بلند کرد و به فکر فرو رفت امام رضا علیه السلام به وی فرمود: جانم به فدایت در چه موضوعی چنین اندیشه می کنی؟ امام علیه السلام جواد فرمود: در آن چه نسبت به مادرم فاطمه علیها السلام انجام داده اند. به خدا قسم، آن ها را از قبر بیرون می آورم، می سوزانم و خاکسترشان را به دریا می ریزم، امام رضا علیه السلام او را به خود نزدیک ساخت، بین دو چشمش را بوسید و فرمود: پدر و مادرم به فدایت باد، تو برای امامت شایستگی داری. (2)

تشویق در خصوص معروف ها و ارزش ها، همچون قرآن خواندن، احترام به پدر و مادر و... نیز در سیره و سخن امام رضا علیه السلام به چشم می خورد؛ چه آن که تشویق به قرآن موجب آگاهی و شناخت ارزش ها و معروف ها و منکرها می گردد و احترام به والدین گذشته از توصیه های مکرر قرآن و روایات به آن می تواند در الگوپذیری و تغییر رفتار مؤثر باشد، امام رضا علیه السلام فرموده اند: (اَلنَّظَرُ فِی ثَلاَثَهِ أَشْیَاءَ عِبَادَهٌ اَلنَّظَرُ فِی وَجْهِ اَلْوَالِدَیْنِ وَ فِی اَلْمُصْحَفِ وَ فِی اَلْبَحْرِ). (3)

تشویق به صور گوناگون قابل تصور است. مدح و تعریف کارهای خوب و افرادی که کارهای خوب انجام می دهند نوعی تشویق تلقی شده و در تغییر رفتار دیگران نقش به سزا دارد از همین روی افراد خوب بارها در قرآن و روایات از طریق مدح و تعریف تشویق شده اند بارها امام رضا علیه السلام با مدح و تعریف ارزش ها و انسان های خوب به تشویق خوبی ها و تشویق دیگران به انجام کارهای خوب اقدام نموده اند.

1- بقره /213.

2- مسعودی، اثبات الوصایة للامام علی بن ابی طالب، ص 218.

3- غازی، مسند الرضا علیه السلام، ص 120

تردیـدی نیست که تأثیر و کارآمدی هر روش منوط به رعایت آداب مخصوص همان روش است. تشویق نیز آداب و شـرایطی دارد که باید رعایت شود تا نتیجه بخش گردد. تشویق و تنبیه بایـد به عمل و ویژگی های نیک و بـد افراد تعلق گیرد تا برانگیزاننده و نیز بازدارنده باشـند و موجب غرور و خودخواهی شخص نیکوکار و یأس و سرخوردگی فرد بدکار نشوند. به علاوه تشویق و تنبیه باید متناسب با کمیت و کیفیت عمل نیک و بد اتخاذ شود این دو ابزارهایی در جهت ترغیب افراد به اعمال نیک و پسـندیده و بازداشـتن از اعمال بد و ناپسند هستند. نباید این شیوه ها و ابزارها جایگزین هدف قرار گیرند.

2- تنبیه

«تنبیه» در لغت به معنای آگاه و بیـدار کردن و ادب و مجازات نمودن است. در اصـطلاح علم تربیت مراد از تنبیه اسـتفاده از محرک های آزارنده برای فرد، پس از انجام عمل برای کاهش و حذف رفتار است. (1)

تنبیه برای برخی از افراد و در پاره ای از شـرایط می توانـد از جمله روش هایی تغییر رفتار و امر به معروف و نهی از منکر باشد در عین حال بهترین روش در برانگیختن انسان ها به سوی کمال و دور کردن ایشان از نقص تشویق و قـدردانی است، نه تنبیه و مجازات تنبیه و مجازات فقـط آن هنگام به کار گرفته می شود که روش های دیگر نتیجه ندهـد و چاره ای جز آن برای بیـداری و هوشـیاری آدمی، و درمان و سامان انسان ها نباشد، این روش در متون اسلامی با عناوینی همچون نکوهش، عقاب، کیفر مجازات و... یاد گردیده است

در سـیره و سـخن امام رضا علیه السـلام در شرایطی از این روش بهره گرفته شده است، چنان چه برخی کارها و افراد را نکوهش کرده و در برخی موارد به شـیوه عملی از آن بهره گرفته انـد چنان چه در نکوهش و مـذمت ظلم پذیری و ظلم پذیر فرموده اند: (مَنِ اِحْتَمَلَ اَلْجَفَاءَ لَمْ یَشْکُرِ اَلنِّعْمَهَ) کسـی که جور و سـتم را تحمل کند، سپاسگزار نعمت نیست. (2) و در جـای دیگر به نکوهش گمراهـان در مورد امامت پرداخته و با استناد به

1- آذربایجانی، اخلاق اسلامی، ص 214

2- ابن بابویه، فقه الرضا، ص 365

آیه (فَتَعْسًا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ)، کسانی که کافر شدنـد مرگ بر آنان، و اعمالشان نابود باد (محمد/ 8) و مشابه آن فرموده اند: «آیا بر چنین چیزی توانایی و دسترسـی دارنـد که بتوانند وی را برگزینند یا فرد منتخب آنان چنین اوصافی را دارد تا او را بر دیگران را مقدم دارند؟ به کعبه سوگند از حق تجاوز کردند و قرآن را پشت سـر انداختند گویا نمی دانند که در کتاب الهی شـفا و هدایت است و ایشان آن را کنار نهادند و از هوای نفس خویش پیروی کردند پس خداوند آنان را نکوهش نمود و دشـمن دانست و تباهشان کرد. (1) در جای دیگر فرموده اند: (مَنْ لَقِیَ فَقِیراً مُسْ لِماً فَسَلَّمَ عَلَیْهِ خِلاَفَ سَلاَمِهِ عَلَی اَلْأَغْنِیَاءِ لَقِیَ اَللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یَوْمَ اَلْقِیَامَهِ وَ هُوَ عَلَیْهِ غَضْبَانُ)؛ هر که فقیر مسلمانی را ببیند و او را متفاوت با سلام ثروتمندان سلام نماید، در روز قیامت خدا را در حالی ملاقات کند که بر وی خشمگین است. (2)

در برخی از موارد امـام رضـا علیه السـلام از راه تنبیه عملی در تغییر رفتار بعضـی از خطاکاران کوشـیده انـد چنان چه امام عسـکری علیه السلام فرموده اند: «هنگامی که مأمون امام رضا علیه السلام را به ولایت عهدی خود برگزید خادمش نزد ایشان آمد و گفت: گروهی دم در هسـتند و می گویند ما از شـیعیانیم امام فرمودند من امروز مشـغول هسـتم به آن ها بگویید بروند خادم گفت و آن ها هم رفتند ایشان روز دیگر آمدند و مانند روز گذشـته اذن ورود خواستند، بار دیگر آن ها را برگرداندند مدت دو ماه در رفت و آمد بودند تا آن که مأیوس شده و به حـاجب گفتنـد به مولایمان بگو ما از شـیعیان پـدرت هستیم، ما را راه بدهیـد چنان چه ما بـدون ملاقات شـما از این جا برویم مردم ما را شماتت می کنند و دیگر رو نداریم به شـهر و خانه خود برگردیم؛ زیرا همواره مورد سرزنش مردم خواهیم بود. در این هنگام امام دستور داد که به ایشان اجازه ورود داده شود آن ها وارد شـده و سـلام کردنـد و امام هم به ایشان اجازه نشسـتن داد. آن ها همچنان که ایسـتاده بودند گفتنـد یا ابن رسول الله! این چه جفای بزرگی بود که درباره ما روا داشتیـد و ما را سـبک کرده و به ما اجازه ملاقات ندادیـد؟ ما بعـد از این چگونه در میان مردم حاضر شویم و به خانه و کاشانه خود مراجعت کنیم؟ برای

1- کلینی، الکافی، ج 1، ص 203

2- ابن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 57.

ما آبرویی باقی نماند امام رضا علیه السلام فرمود شما این آیه شریفه را بخوانید: «هر مصیبتی که به شما برسد به وسیلهٔ خودتان به دست آمده و خداوند از بیشتر گناهان شما در می گذرد» (1) من در این جا به خدای خود اقتدا کردم و از رسول خدا و امیرالمؤمنین و پدران خود اسلام پیروی نمودم. گفتند یا ابن رسول الله چرا چنین کردی؟ فرمود چون شما مدعی هستید که شیعیان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب هستید وای بر شما! شیعیان او حسن و حسین و ابوذر و سلمان و مقداد و عمار و محمد بن ابی بکر هستند که در هیچ جا با او مخالفت نکردند و اوامر و نواهی او را انجام دادند. شما ادعا دارید که از شیعیان آن ها می باشید در حالی که در کارهای خود با آن ها مخالفت می کنید کنید و در واجبات کوتاهی می کنید و در کمک به برادران خود سستی می ورزید در جایی که تقیه لازم نیست تقیه می کنید و در جایی که باید تقیه کنید تقیه نمی کنید. شما باید بگویید ما از دوستان او هستیم دوستان او را دوست می داریم و با دشمنان آن ها دشمنی می کنیم من از این گفتار شما ناراحت نیستم ولی شما مقام بزرگی را ادعا می کنید و اگر گفتارتان با کردار مطابقت نکند هلاک می گردید مگر این که رحمت خداوند شما را دریابد.

گفتند: یا ابن رسول الله ما استغفار نموده و از گفته خود توبه می کنیم و همان طور که فرمودید ما دوستان شما و دوستان دوستان شما هستیم و با دشمنان شما دشمن می باشیم. امام علیه السلام فرمود: اکنون خوش آمدید و اینک برادران و دوستان من هستید، بیایید در بالا قرار گیرید.

آن ها اندک اندک جلو رفتند تا نزدیک آن حضرت رسیدند، پس از آن، امام رضا علیه السلام به حاجب خود فرمود این ها چند بار در خانه ما آمدند و اذن ملاقات داده نشد؟ حاجب گفت: ایشان شصت بار برای زیارت شما آمدند و توفیق نیافتند. امام علیه السلام فرمود: شما هم شصت بار به دیدار آنان برو و سلام مرا به ایشان برسان؛ آن ها در گفته خود استغفار کردند و خداوند هم از آن ها در گذشت و شایسته کرامت شدند. اینک به دلیل آن که ایشان ما را دوست می دارند به آن ها احسان کن و مشکلاتشان را

1- شوری / 30.

برطرف نما تا به زندگی خود برسند سند». (1)

در جای دیگر همنشینی با بدان را نکوهش نموده و فرموده اند: (مُجَالَسَةُ الْأَشْرَار تُورِثُ السوء [سُوءَ الظَّنِّ بِالْأَخْيَار])؛ همنشینی با بدان موجب بدگمانی به خوبان می گردد. (2) بدیهی است که ترک همنشینی با برخی افراد به نوعی تنبیه آن ها تلقی شده و در تغییر رفتار آن ها مؤثر بوده و موجب تشویق افراد خوب به کارهای خوب و تغییر رفتار بدکاران است.

امام رضا علیه السلام از روش تنبیه برای تارکان امر به معروف و نهی از منکر نیز بهره جسته و از طریق گفتار ایشان را به عواقب سوء دنیوی و اخروی هشدار داده است چنان چه به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و اله فرموده اند: (كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يقول: إِذَا أُمَّتِي تَوَاكَلَتِ اَلْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ اَلنَّهْيَ عَنِ اَلْمُنْكَرِ فَلْيَأْذَنُوا بِوِقَاعٍ مِنَ اَللَّهِ.) رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: هرگاه امت من امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر واگذار کنند باید خود را برای حوادثی از جانب خداوند آماده کنند». (3) و در جای دیگر فرموده اند: (لَتَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهُنَّ عَنِ اَلْمُنْكَرِ أَوْ لَيُسَلَّطَنَّ عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ فَيَدْعُو خِيَارُكُمْ فَلاَ يُسْتَجَابُ لَهُمْ) باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه خدا بدان شما را بر نیکانتان مسلط می.کند و چون چنین شود، هر چه نیکان دعا کنند دعایشان مستجاب نمی شود. (4) امام صادق علیه السلام می فرمود: باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه خداوند بدهایتان را بر شما مسلّط می گرداند و هر چه نیکان شما دعا کنند دعایشان مستجاب نشود.

3- رفق و مدارا

رفق و مدارا در انجام امور اعم از معاشرت با مردم و انجام امور دنیوی و امور دینی و هدایت و ارشاد خلق و باب امر به معروف و نهی از منکر و ایجاد تغییر در رفتار دیگران و در خصوص ریاضت نفس و سلوك إلی الله نقش به سزا دارد. از

1- عطاردی، ترجمهٔ ایمان و کفر بحار الانوار، ج 1، ص 278

2- ابن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 58

3- عطاردی، مسند الامام الرضا علیه السلام، ج 2، ص 382.

4- حرّ عاملی، وسائل الشیعه ج 16، ص 118.

همین روی پیـامبر صـلی الله علیه و آله فرموده انـد: (اَلرِّفْقَ یُمْنٌ وَ اَلْخُرْقَ شُؤْمٌ)؛ رفق میمنت دارد و خرق و عنف شوم است. (1) با رفق و مدارا ممکن است انسان تصـرف در قلوب مردم نموده و آن ها را خاضع و رام کند. ممکن نیست با شدت و عنف، موفقیت نسـبت به کاری حاصـل شود بر فرض که بـا شـدت و سـلطه اطاعتی از فردی صورت گیرد چون قلب وی همراهی نکرده هر آن احتمال خیانت وی است، ولی رفق و دوستی، دل را رام کند و کند و با رام شدن دل تمام قوای ظاهری و باطنی رام شده و فتح قلوب حاصل گردد.

در قرآن به اهمیت رفق و مدارا اشاره شده چنان چه خداوند به حضرت موسی و هارون علیهما السلام توصیه نموده که پیش فرعون رفته و او را دعوت و ارشاد کرده و با او با نرمی و مدارا سخن بگویند: (اذْهَبَا إِلَی فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَی * فَقُولا لَهُ قَوْلًا لَیِّناً لَعَلَّهُ یَتَذَکَّرُ أَوْ یَخْشی) (2)

در همین باره امام صادق علیه السلام ضمن بیان داستانی که در آن مسلمانی همسایه نصرانیاش را مسلمان نموده و پس از آن به دلیل روش های سـخت گیرانه همچون وضو گرفتن نیمه شب وادار کردن آن نصـرانی به نمازهای طولانی نافله تلاوت قرآن، روزه، کارهای مسـتحبی، و.... موجب زدگی وی شده بود، فرمود: (أمَا عَلِمْتَم أَنَّ إِمَارَةَ بَنِی أُمَیَّةَ کَانَتْ بِالسَّیْفِ وَ الْعَسْفِ وَ الْجَوْرِ وَ أَنَّ إِمَامَتَنَا بِالرِّفْقِ وَ التَّأَلُّفِ وَ الْوَقَارِ وَ التَّقِیَّةِ وَ حُسْنِ الْخُلْطَةِ وَ الْوَرَعِ وَ الِاجْتِهَادِ فَرَغِّبُوا النَّاسَ فِی دِینِکُمْ وَ فِی مَا أَنْتُمْ فِیهِ)؛ آیا نمی دانید که روش سـیاست اموی بر سخت گیری و عنف و شـدت است ولی راه و روش ما بر نرمی و مدارا، حسن معاشـرت به دست آوردن دل ها، وقار، تقیه، ورع و کوشـش است؟ تا می توانید کاری کنید که مردم متمایل به دین گردند و فراری نشوند. (3)

علی علیه السـلام بر تـأثیر نرم گویی در تغییر رفتـار دیگران تأکیـد نموده و آن را وسـیله صـید دل ها دانسـته و فرموده انـد: (لینُ الکَلامِ قَیدُ القُلوبِ)؛ نرم گویی دل ها را به بند

1- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص 395

2- طه / 44

3- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 16، صص 160 و 165؛ مطهری، مجموعه آثار، ج 18، ص 252.

می کشد (1) و در جـای دیگر از آن به سـنت خوبان تعبیر نموده و فرموده انـد: (سُنَّةُ الاَخْیارِ لِینُ الْکَلامِ وَ اِفْشاءُ السَّلامِ) (2) و در جای دیگر در تأثیر نرمگویی و سلام در افزایش دوستان و کاهش دشمنان فرموده اند: (عَوِّدْ لِسَانَکَ لِینَ اَلْکَلاَمِ وَ بَذْلَ اَلسَّلاَمِ یَکْثُرْ مُحِبُّوکَ وَ یَقِلَّ مُبْغِضُوکَ)؛ عادت بده زبان خود را به نرمی گفتار و دادن سلام تا دوستانت بسیار شوند و دشمنانت کاهش یابند. (3)

امام خمینی قـدس سـره در اهمیت این روش فرموده انـد: «در باب امر به معروف و نهی از منکر یکی از مهمات همین رفق نمودن و مدارا کردن است ممکن است اگر انسان مرتکب معصـیت یا تارک واجبی را با شدت و عنف بخواهد جلوگیری کند کارش از معصـیت کوچک به معاصـی بزرگ یـا به رده و کفر منتهی شود؛ در ذائقه انسان امر و نهی تلـخ و ناگوار است و غضب و عصبیت را تحریک می کنـد. آمر به معروف و ناهی از منکر باید این تلخی و ناگواری را با شـیرینی بیان و رفق و مدارا و حسن خُلق، جبران کند تا کلامش اثر کند و دل سـخت معصیت کار را نرم و رام نماید». (4)

نرم گفتاری سـیره همه معصومان علیهم السلام و از جمله حضرت رضا علیه السلام است که علاوه بر پایبندی عملی به نرم گفتاری و مدارا خود به آن توصیه نموده و آن را شیوه پیامبر صلی الله علیه و آله و از ویژگی های مؤمن بر شمرده و فرموده است ایمان مؤمن به درجه کمال نرسد مگر آن که در وی سه منش پدیدار شود شـیوه و طریقه ای از خداوندش، و راه و رسمی از پیغمبرش و روشی از ولی و رهبرش. اما راه و رسم پروردگارش راز پوشـی است که خداوند عزوجل فرموده: (عالِمُ الْغَیْبِ فَلا یُظْهِرُ عَلَی غَیْبِهِ أَحَداً * إِنّا مَنِ ارْتَضی مِنْ رَسُول) او دانای پوشیده و غیب است و احدی را بر آن آگاه نگرداند، مگر آن کسی را که پسندیده و برگزیده باشد از پیغمبران. (5) اما شیوه پیامبرش با مردم به نرمی و ملاـطفت رفتـار کردن است چون پروردگـار پیامبرش را به مـدارا با مردم دسـتور داده و به او فرموده: (خُذِ اَلْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ اَلْجاهِلِینَ)؛ فراگیر صفت

1- شیخی، نثر اللآلی سخنان درربار امام علی علیه السلام، ص 100

2- خوانساری، شرح غرر الحکم، ج 4، ص 130.

3- همان، ج 4، ص 329

4- خمینی روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص 317

5- جن / 26 و 27

بخشـودگی را و دسـتور ده مردم را به نیکویی و از نادانـان روی گردان. (اعراف/ 199) و اما روشـی که از امام خود باید آموخت شـکیبایی نمودن در سـختی و زیـان است، خداونـد می فرمایـد: (وَ الصّـابرینَ فِی الْبَأْسـاءِ وَالضّـرّاءِ وَ حِینَ الْبَأْسِ أُولئِكَ الّـذِینَ صـدَقُوا وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ)؛ و بردباران در سختیهای سهمگین و در تنگدستی و رنجوری و هنگام گیر و دار ،نبرد آنان کسانی هستند که راست گفتند و ایشان همان پرهیزکاران می باشند (بقره / 177)

در جای دیگر فرموده اند: (أَنَّ اَلْمُؤْمِنَ آخِذٌ عَنِ اَللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اَلْكِتْمَانَ وَ عَنْ نَبِیِّهِ صـلَّی اَللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ مُدَارَاهَ اَلنَّاسِ وَ عَنِ اَلْعَالِمِ عَلَیْهِ السَّلاَمُ اَلصَّبْرَ)، مؤمن از خداوند عزوجل کتمان و از پیامبر صلی الله علیه و آله مدارا کردن با مردم و از امام شکیبایی در گرفتاری ها (جنگ ها) و ناراحتی ها را گرفته است. (1) در جای دیگر از مدارا در مورد دوسـتان و غیردوستان سخن گفته و در پاسخ عقل چیست؟ آن را نشانه عقل دانسـته و فرموده انـد: (انه سأل ما العقل؟ فقال علیه السـلام: اَلتَّجَرُّعُ لِلْغُصَّهِ وَ مُدَاهَنَهُ اَلْأَعْدَاءِ وَ مُدَارَاهُ اَلْأَصْدِقَاءِ). از امام رضا علیه السـلام پرسش شد که عقل چیست؟ فرمود: «غصه خوردن (تحمل سختی ها) و با دشمنان مسامحه نمودن و با دوستان مدارا کردن» (2)

منظور از غصه خوردن در روایت اخیر با توجه به کلمه «التجرع»، تحمل سـختی ها و مشکلات و عدم انتقام و اقدام عجولانه و نسنجیده و در انتظـار فرصت منـاسب بودن است. از سویی، مـداهنه اظهار چیزی است بر خلاف آن چه در درون انسان می باشـد. (3) از این روی کلمات مدارا و مداهنه از نظر معنا به هم نزدیک هستند.

در زیـارت جـامعه کبیره نیز در مورد همه معصومـان علیهم السـلام گفته شـده که (وَ سـجِیَّتُکُمُ الْکَرَمُ، وَ شـأْنُکُمُ الْحَقُّ وَالصِّدْقُ وَالرِّفْقُ)؛ اخلاق شـما بزرگواری و منزلتتان حقیقت و راستی و مهربانی و مدار است. (4) بدیهی است که جملات یاد شده و دیگر موارد مذکور در زیارت یاد شده در مورد همه معصومان علیهم السلام از جمله امام رضا علیه السلام صادق است، از

1- علی بن موسی الرضا علیه السلام، امام هشتم، فقه الرضا علیه السلام، ص 368

2- ابن بابویه، الامالی، ص 284.

3- مجلسی، بحار الانوار، ج 1، ص 130.

4- همان، ج 99، ص 132.

همین روی از سویی در موارد عدیده در خصوص همه ائمه علیهم السلام از جمله امام رضا علیه السلام به جملات این زیارت استناد می شود و از طرفی در همه زیارت ها به زیارت یادشده توصیه شده است. از سویی در سیره عملی امام رضا علیه السلام در برخورد با زیردستان و دیگر افراد رفق و مدارا به خوبی مشهود است.

4- روش رحمت و محبّت

محبت داروی شفابخش دردها، تسکین دهنده قلب ها و بهترین راه حل مشکلات و ناسازگاری های تربیتی است از همین روی از جمله روش های تربیتی اسلام که در اجرای صحیح امر به معروف و نهی از منکر و در تغییر رفتار می تواند نقش مؤثری ایفا ،کند روش رحمت و محبّت .است روش رحمت و محبت جلوه ای از رحمت و محبّت عام خداوند به همه مخلوقات است نقش این روش در اصلاح فرد و جامعه و اتصاف به خصلت های نیکو و ریشه کن کردن بدی ها اعجاز انگیز است. عشق به کمال مطلق (مرتبه اعلای محبّت به خدا) و آثار وجودی او در عالم تنها اکسیری است که مس وجودی آدمی را به طلایی ناب مبدل می سازد از این رو گفته اند از نیکوترین و اساسی ترین روش های تربیت، روش محبّت است که بیشترین تناسب را با فطرت آدمی و سرشت انسانی دارد نیروی محبّت در تربیت، نیرویی برانگیزاننده و تحول آفرین است و اگر درست و به اعتدال به کار گرفته شود تأثیری شگفت در نزاهت (پاک شدن) آدمی و تحقق تربیت کمالی دارد با توجه به میدان گسترده تأثیر محبّت در تربیت و نقشی که محبّت در مشاکلت و مشابهت دارد اولیای خداوند آن را بهترین بستر تربیت می دانستند و آن را محور تربیت قرار می دادند. (1)

علی علیه السلام از قول پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: (اَلْحُبُّ أَسَاسِی وَ اَلشَّوْقُ مَرْکَبِی) (2) محبّت اساس روش و سنت من و شوق مَرکَب (رهوار) من است. محبّت به کسی از معرفت نسبت به وجود کمالی که در آن است، پرده بر می دارد.

با توجه به نقش محبت و رحمت امام رضا علیه السلام از این شیوه مفید تربیتی به شکل های گوناگون بهره می گرفت؛ گاهی در مورد فرزندش امام جواد علیه السلام اوج محبت خود را با

1- دلشاد تهرانی، تربیت در نهج البلاغه، ص 441

2- نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ص 173

جمله زیبای بِأبی أنْتَ وَ اُمّی»؛ پـدرم و مادرم فـدایت باد، نشان می داد و زمانی ایشان را در آغوش می گرفت و می فشـرد. (1) هنگامی که حضـرت رضا علیه السلام در بستر شهادت بود، با ورود حضرت جواد علیه السلام حضرت از جای برخاست و به سوی جواد علیه السلام رفت و دست بر گردن ایشان انداخت و او را به سـینه خود فشرد و میان دو چشمش را بوسید. گاهی از محبت به خویشان و تأثیر صله رحم در ایجاد محبت سخن می گفت و گاهی رفتارهای محبت آمیز نسبت به زیردستان و بردگان و دیگر افراد جامعه نشان می داد.

با توجه به نقش و تأثیر روش یادشـده در امر به معروف و نهی از منکر و تغییر رفتار امام رضا علیه السـلام به محبت نسـبت به مردم توصـیه نموده و آن را نیمی از عقل دانسته و فرموده اند: (اَلتَّوَدُّدُ إِلَی اَلنَّاسِ نِصْفُ اَلْعَقْلِ). (2)

از جمله مواردی که اسـتفاده امـام رضـا علیه السـلام از روش محبت و روش تنبیه را در تغییر رفتار دیگران نشان می دهـد آن است که نقل شده که حضـرت دسـتور دادند تا سـفرهای انداخته شود و خدمتکاران، غلامان، سیاهان و غیر ایشان همگی بر سر آن سفره بنشینند و غذا میل کنند مردی بلخی به حضرت گفته است برای ایشان سفره جداگانه می انداختید و حضرت به وی فرموده اند ساکت باش پروردگار همه یکی است و پاداش و جزا فقط به عمل بستگی دارد. (3)

ماجرای یاد شـده از یک سو نشان می دهد که امام رضا علیه السـلام در مورد نهی از منکر نمودن مرد بلخی از روش تنبیه گفتاری اسـتفاده نموده انـد و از طرفی از طریق محبت عملی به زیردسـتان تواضع و فروتنی و عـدم غرور و احـترام به دیگران را به عنوان کارهـای خوب امر نموده اند.

5- روش نوشتاری

از جمله روش های مورد استفاده برای تربیت و تغییر رفتار و امر به معروف و نهی از منکر نمودن دیگران روش نوشتاری است که می تواند به شکلهای گوناگون از

1- مجلسی، بحارالانوار، ج 5، ص 59.

2- عطاردی، مسند الامام الرضا علیه السلام، ج 1، ص 285.

3- عطاردی، اخبار و آثار امام رضا علیه السلام، ص 66

جمله نوشتن مقالات در مجلات و روزنامه ها و... تألیف کتاب ها، تذکرات و یادآوری ها و نصب آن ها در مکان های قابل دید مخاطبان، نوشتن آیات یا روایات یا سخنان بزرگان دین استفاده از اینترنت و نامه و دیگر اشکال نوشتاری نمود یابد.

این روش به لحاظ پوشاندن زشتی ها عدم اشاعه آن ها و تأثیرگذاری از اهمیت به سزا برخوردار است و از سویی به دلیل عدم رویارویی با فاعل منکر و تارک معروف می تواند مفید باشد. از همین روی اهل بیت علیهم السلام فراوان از این روش بهره گرفته اند، چنان چه رسول خدا صلی الله علیه و آله به پادشاهان ایران و روم و.... نامه نوشته و قسمت مهمی از نهج البلاغه را نامه های علی علیه السلام به افراد مختلف همچون معاویه و... تشکیل می دهد. دیگر معصومان علیهم السلام نیز از این روش بهره گرفته اند چنان چه امام رضا علیه السلام با همین روش به نهی از منکر منحرفان زمان خویش همچون واقفیه اقدام نموده اند چنان چه علی بن عبدالله زبیری گفته در ضمن نامه ای به حضرت رضا علیه السلام از ایشان در خصوص واقفیه پرسش نمودم. ایشان در پاسخ نوشتند واقفی ها از حق منحرف هستند، و آلوده به گناه می باشند، چنان چه با این حال بمیرند، جایگاهشان دوزخ است که بدجایگاهی می باشد. (1) و در موردی دیگر فردی از آن حضرت در خصوص زکات دادن به واقفیه پرسش نموده و حضرت در پاسخ فرموده اند: «به آن ها زکات ندهید، چون آن ها کافر، مشرک، منکر و ملحد هستند». (2)

هر چند امام رضا علیه السلام از طریق نوشته به تنبیه منحرفان (واقفیه) اقدام نموده اند و از این روی می توان از آن در روش تنبیه نیز سخن به میان آورد از آن جا که استفاده از نوشته برای تشویق نیز ممکن است و نیز از آن جا که در عصر حاضر که به برکت پیشرفت های روزافزون بشری جهان به دهکده ای کوچک تبدیل شده، استفاده از انواع نوشتار اهمیت خاص دارد می توان از روش نوشتاری به عنوان روشی مستقل یاد نمود، به ویژه آن که در امر به معروف و نهی از منکر استفاده از روش های روز و جدید ضروری است. در عین حال در این روش باید خدا و اخلاقیات را در نظر گرفت و با شرایط درست از آن استفاده کرد به گونه ای که استفاده از آن موجب ارتکاب منکر و

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 48، ص 363

2- همان.

ترک معروف دیگری نشود.

نـامه هـای امـام رضـا علیه السـلام به امام جواد علیه السـلام نیز در این باره حایز اهمیت است، چه آن که از نامه های مزبور نکات تربیتی جـالبی همچون احترام و محبت به فرزنـدان و کودکـان، نوجوانان، جوانان و... قابل اسـتفاده است که در امر به معروف و نهی از منکر می توانند کارساز و راهگشا باشند.

6- تأکید بر معروف ها و منکرهای اقتصادی

با توجه به گستره محـدوده و مصادیق معروف و منکر معروف ها و منکرات اقتصادی نیز از اقسام معروف و منکر بوده و به دلیل تأثیر شـدید آن هـا بر ارزش هـای اخلاقی و دینی و نیز با توجه به نقش مهم اقتصاد در زنـدگی مردم و معروف ها و منکرهای دیگر و نیز با توجه به نقش کمـک هـای مالی همچون هبه، صـدقه، زکات و... در گسترش کارهای خوب و جلوگیری از کارهای بـد در اسـلام بر منکرات اقتصادی، همچون گرانفروشـی، رباخواری، قماربازی، غصب و دیگر انواع حرام خواری تأکید خاص شده و به معروف های اقتصادی سـفارش شده است و معصومان علیهم السـلام نیز از طرق گوناگون در پی مبارزه با منکرات اقتصادی و ترویـج معروف های اقتصادی برآمده اند این امر در خصوص امام رضا علیه السـلام نیز صادق است؛ زیرا ایشان بارها به آن حساسیت نشان داده اند چنان چه به اهمیت اقتصاد و رفاه مادی اشاره نموده و مثلاً فرموده اند: (مَنْ اَصْبَحَ مُعافی فی بَدَنِهِ آمِناً فی شِربِهِ عِنْدَهُ قُوتُ یَوْمِهِ فکأنَّما خُیِّرتْ لَهُ الدُّنیا) هر که صبح کند در حالی که تنش سالم و خاطرش آسوده و معاشش تأمین باشد از مواهب یک زندگی خوب برخوردار است. (1)

همچنین یسع بن حمزه گفته در مجلس حضـرت رضـا علیه السـلام بودم با هم صـحبت می کردیم عـده زیادی نیز خـدمتش بودنـد که از مسائل حلال و حرام می پرسـیدند. در این هنگام مردی بلنـد قـد و گنـدمگون وارد شد و گفت یا ابن رسول الله سـلام علیکم من مردی از دوسـتان و ارادتمندان شـما خانواده هسـتم از مکه می آیم پول خود را گم کرده ام و آن قدر که مرا به وطنم برساند ندارم اگر صلاح بدانید به من کمک کنید تا به شهر خود برسم. در آن جا من ثروتمند هستم و من ثروتمند هستم و خدا مرا از نعمت خویش بهره مند

1- عطاردی، مسند الامام الرضا علیه السلام، ج 1، ص 270.

کرده وقتی به شـهر خود رسـیدم آن چه به من عنایت فرموده ای از طرف شـما صـدقه می دهم؛ من خود نمی توانم از صـدقه اسـتفاده کنم حضرت فرمود: خدا رحمتت کند بنشین. شروع کرد با مردم به صحبت کردن تا همه متفرق شدند آن مرد با سلیمان جعفری و جثیمه و من باقی ماندیم فرمود اجازه می دهید من وارد اندرون شوم. سـلیمان عرض کرد خدا شما را موفق کند امام علیه السلام وارد اتاق شد و ساعتی در آن جا بود. بعـد در را باز نمود و پشت در ایسـتاد دست خود را خارج کرد و از بالای در فرمود خراسانی کجاست؟ عرض کردم من این جـا هسـتم، فرمود: این دویست دینار را بگیر و از آن برای مخارج خویش اسـتفاده کن و به آن تبرک بجو. نمی خواهـد از طرف من صـدقه بدهی برو که مرا نبینی و من تو را نبینم. آن مرد خارج شد، سلیمان عرض کرد خیلی به او لطف کردید و مورد شفقت خویش قرارش دادید، چرا صورت خود را از او پوشانیدی؟ فرمود ترسـیدم خواری سؤال را در چهره اش مشاهده کنم کسـی که کار بد را شیوع دهد خوار است و هر که پنهان نماید خدایش او را می آمرزد نشنیدهای این شعر شاعر را؟

متی آته یوماً لاطلب حاجه *** رجعت إلی أهلی و وجهی بمائه (1)

روزی حلاـل به عنـوان یـک معروف، تـأثیری عمیق و ریشه دار در واقعیت وجود انسـانی و در سـاختن بـدن و روح آدمی دارد و در جهت شکفتن اسـتعدادهای نیـک و حصول تصـمیم ها و نیت های خوب در انسان از نقشـی سـرنوشت ساز برخوردار است. از همین روی امام صادق علیه السـلام فرموده اند: (لاتَدْع طلبَ الرِّزقِ مِنْ حِلِّهِ، فَاِنَّه عونٌ لکَ فی دینِکَ) طلب روزی حلال را فرومگذار که روزی حلال تو را در دینداری کمک می کند (2) همچنین در پاره ای از روایات اشاره شـده که طلب روزی حلال یکی از سه چیزی است که اساس اخلاق نیک را تشـکیل می دهند، چنان چه علی علیه السـلام فرموده اند: (حُسْنُ اَلْخُلُقِ فِی ثَلاَثٍ اِجْتِنَابُ اَلْمَحَارِمِ وَ طَلَبُ اَلْحَلاَلِ وَ اَلتَّوَسُّعُ عَلَی اَلْعِیَالِ)؛ نیک خلقی در سه چیز است دوری از گناهان، در پی حلال بودن و گشایش

1- خسروی، زندگانی حضرت علی بن موسی علیه السلام، ص 92 و 93.

2- آرام و دیگران ترجمه الحیاه، ج 4، ص 65

بر خانواده. (1)

بـا توجه به نقش مهم روزی حلالـ در اخلاق نیک، امام رضا علیه السـلام آن را به عنوان یک معروف مهم تشویق و سـفارش کرده و حتی برای آن دعا نموده اند، چنان چه فرموده اند: (مَنْ رَضِیَ بِالْیَسِیرِ مِنَ اَلْحَلاَلِ خَفَّتْ مَئُونَتُهُ و نُعِّمَ أَهْلُهُ وَ بَصَّرَهُ اللَّهُ دَاءَ الدُّنْیَا وَ دَوَاءَهَا وَ أَخْرَجَهُ مِنْهَا سَالِماً إِلَی دَارِ السَّلَامِ)؛ و هر که به روزی اندک خدا خشـنود باشد خدا نیز عمل اندک او را بپذیرد و هر که به روزی حلال اندک قانع و راضـی باشد، هزینه او سبک است و خانواده اش در نعمت باشند و خدا او را به درد دنیا و درمان آن بینا سازد و او را سالم از آن برون برد و به دارالسلام رساند. (2) به نقل از امام رضا علیه السـلام در طلب روزی حلال فرموده اند که امام باقر علیه السـلام به شخصی که در طلب روزی حلالـ می گفت: (اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ مِنْ رِزْقِکَ اَلْحَلاَلِ)، فرمودنـد: قوت پیامبران را درخواست کردی بگو: (اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ رِزْقاً وَاسِعاً طَیِّباً مِنْ رِزْقِکَ). (3)

امام رضا علیه السلام نسبت به منکرهای اقتصادی نیز حساسیت نشان داده است، چنان چه روزی متوجه شدند که غلامانش میوه ای را نیم خورده بیرون انداخته اند، حضـرت ناراحت شده و فرمودند: (إِنْ کُنتُمْ اسْتَغْنَیْتُمْ فَإِنَّ أُناساً لَمْ یَسْتَغْنُوا أَطْعِمُوهُ مَنْ یَحْتَاجُ إِلَیْهِ)؛ اگر سیر شده اید و به آن نیازی ندارید برخی از مردم به این میوه محتاج هسـتند، آن را به نیازمندان بدهید و این گونه اسراف نکنید (4) در این عبارات امام رضا علیه السـلام از یک بیماری و منکر رایـج در جوامع سـخن گفته انـد و آن بیماری و منکر اسـراف و تبذیر است که اتلاف و نابود کردن مواد غذایی یکی از مظاهر آن می باشد.

همچنین در بیان آثار سوء رباخواری به عنوان یک منکر شـرعی و نقش آن در تعطیلی و ترک کارهای خوب فرموده اند: «و سر تحریم ربای قرضـی آن است که کار خیر از میان می رود و اموال تلف می شود و مردم به بردن منفعت بی تلاش مایل می شوند و دادن قرض الحسنه از بین می رود و قرض دادن از نیکوکاری ها است و

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 68، ص394

2- عطاردی، مسند الامام الرضا علیه السلام، ج 1، ص 269

3- همان، ج 2، ص 298.

4- همان، ج 2، ص 348

صمیمی باشد. (1)

نصیحت به اقتضای موارد مختلف در اشکال گوناگون ظاهر می شود. چنان چه نصیحت نسبت به خداوند با نصیحت نسبت به رسول خدا صلی الله علیه وآله و ائمه علیهم السلام یا نسبت به مؤمنان از نظر مصداق متفاوت می باشند همچنین نصیحت پدر نسبت به فرزند با نصیحت فرزند نسبت به پدر فرق دارند. هر چند همه آن ها از مصادیق خیرخواهی بوده و از نظر محتوا و مفهوم یکی هستند ولی از نظر شکل متمایز می باشند. از همین روی محدث قمی گفته است: «نصیحت در مورد کتاب خدا تصدیق کردن و عمل به آن است و نصیحت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام به معنای تصدیق آن ها و پیروی از اوامر و اجتناب از نواهی ایشان است و نصیحت مردم به معنای ارشاد کردن آنان به مصالح و مفاسد دنیوی و اخروی ایشان است». (2)

در روایات اسلامی اشاره شده که اساس و بنیان دین را نصیحت تشکیل می دهد، چنان چه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند: (الدِّینَ النَّصِیحَةُ) کمال دین خیرخواهی است. (3) و نیز فرموده اند: (رأس الدین النصیحة لله و لدینه وَ لِرَسُولِهِ، وَ لِکِتَابِهِ، وَ لأَئِمَّةِ الْمُسْلِمِینَ عَامَّة)؛ اساس دین خیرخواهی برای خدا و دین خدا و پیغمبر خدا و کتاب خدا و پیشوایان مسلمانان و همه مسلمانان است. (4)

جملاتی از امام رضا علیه السلام نیز نشان دهنده تفاوت معنای کلمات موعظه و نصیحت و دخیل بودن معنای خیرخواهی در نصیحت است، چنان چه فرموده اند: (حَقُّ الْمُؤْمِنِ عَلَی الْمُؤْمِنِ أَنْ یَمْحَضَهُ النَّصِیحَةَ فِی الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِیبِ کَنَصِیحَتِهِ لِنَفْسِهِ)؛ حق مؤمن بر مؤمن آن است که در نهان و آشکار خیرخواه خالص وی باشد، مثل آن که خیرخواه خودش است. (5) نیز فرموده اند: (مَنْ مَشَی فِی حَاجَهِ أَخِیهِ فَلَمْ یُنَاصِحْهُ کَانَ کَمَنْ حَارَبَ اَللَّهَ وَ رَسُولَهُ)؛ هر که برای رفع نیاز برادرش قدم بردارد و خیرخواهی وی نکند، مثل

1- معلوف المنجد، ص 811

2- قمی، سفینة البحار، ج 2، ص 595

3- پاینده، نهج الفصاحه، ص 490.

4- همان، ص 496

5- علی بن موسی الرضا علیه السلام، امام هشتم، الرضا علیه السلام، امام هشتم، فقه الرضا، ص 369.

از برای فساد و ستمی است که به قرض گیرنده می شود و نابودی و بر باد رفتن ثروت ها است.» (1) در در عین حال آن حضرت در پیش از عبارات یادشده به حرمت و منکر بودن ربای معاملی که در آن از خرید و فروش سخن به میان می آید همچنین به فلسفه تحریم و علت منکر بودن آن نیز اشاره نموده اند.

7- روش موعظه

«موعظه» از نظر صرفی، مثال واوی و از ریشه «وعظ» در لغت به معنای بازداشتن همراه با ترساندن می باشد خلیل بن احمد گفته است وعظ تذکر و یادآوری سخنی است که با خیر و خوبی همراه باشد که قلب و دل را لطیف و روشن سازد». (2) برخی در تعریف موعظه، قید ترس را دخیل و شرط ندانسته و بلکه بر این باورند که موعظه به معنای امر و توصیه به اطاعت است، چنان چه در آیه (إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ) (سبأ/46) به همین معنا یعنی امر و سفارش می کنم، به کار رفته است. (3)

در عرف، کلمات نصیحت و موعظه یک معنا دارند و بارها به جای یکدیگر و به صورت مترادف به کار می روند اما در اصطلاح آن دو معانی متفاوتی دارند؛ زیرا نصیحت از نظر مفهوم به معنای پند و اندرز و موعظه نیست بلکه به معنای خیرخواهی و مصلحت اندیشی صادقانه و واقع بینانه نسبت به دیگران است، در برابر غش و خدعه که به معنای بدخواهی و فریب و خیانت است راغب اصفهانی گفته است «النصح تحری فعل او قول فیه صلاح صاحبه» (نصیحت انتخاب کردار یا گفتاری است که به صلاح رفیق و دوست انسان باشد). در مفهوم نصیحت، صفا و خلوص معتبر است، بدین جهت به عسل خالص «ناصح العسل» (عسل ناصح) می گویند. (4) همچنین لویس معلوف در ذیل ماده «نصح» در معنای نصح گفته است «نصح: اخلص له المودة»، نصیحت آن است که انسان در دوستی، با اخلاص و

1- مستفید و غفاری ترجمه عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 185.

2- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص 876

3- مدنی شیرازی، ریاض السالکین، ج 5، ص 169

4- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص 808

آن است که به جنگ با خدا و رسولش اقدام نموده است. (1) در جای دیگر به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند: (أَوَّلُ مَنْ یَدْخُلُ اَلْجَنَّهَ شَهِیدٌ وَ عَبْدٌ مَمْلُوکٌ أَحْسَنَ عِبَادَهَ رَبِّهِ وَ نَصَحَ لِسَیِّدِهِ وَ رَجُلٌ عَفِیفٌ مُتَعَفِّفٌ ذُو عِبَادَهٍ). (2) در عبارت یادشده نصیحت به معنای خیر خواهی است و با توجه به قرینه ،سید معنا شدن این کلمه به صورت پند و اندرز نامعقول به نظر می رسد.

می توان گفت که موعظه تذکر دادن به خیر و عواقب امور است. به گونه ای که موجب نرم شدن دل و تنبه آدمی گردد. در اصطلاح قرآن موعظه هم امر به نیکی ها را شامل می شود و هم نهی از بدی ها را (إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُ بِالْعَدل وَالإِحْسَانِ وَإِیتَاءِ ذِي الْقُرْبَی وَ یَنْهَی عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْکَرِ وَالْبَغْی یَعِظُکُمْ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ). (3) در حقیقت، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می دهد و از کارهای زشت و ناپسند و ستم باز می دارد به شما اندرز می دهد باشد که پند گیرید [تذکّر یابید]. معنای تذکّر و بیدار شدن و توصیه به رعایت اوامر و نواهی خداوند و عبرت آموزی از سرگذشت و فرجام شوم اقوام و ملل پیشین و ترساندن و انذار و سخنی که به قلب نرمی و رقت می بخشد و عواطف را تحریک می کند همه در معنای قرآنی موعظه اشباع شده است. (4) «موعظه را می توان یک روش تربیتی برگرفته از قرآن دانست؛ چرا که طی آن واعظ درصدد هدایت و وادار کردن مخاطب به انجام کارهای پسندیده و برحذر داشتن او از کارهای ناپسند است و این همان چیزی است که مربی درصدد انجام آن است». (5)

روش موعظه تا حد زیادی در تربیت دینی مردم از سوی معصومان علیهم السلام از جمله امام رضا علیه السلام به کار گرفته شده که نشانگر اهمیت آن در تربیت دینی است.

بر این اساس تردیدی دربارهٔ موعظه به عنوان یک روش تربیتی کارآمد و روش مؤثر در امر به معروف و نهی از منکر و تغییر رفتار در منابع اسلامی و در سیره

1- علی بن موسی الرضا علیه السلام، امام هشتم، فقه الرضا، ص 369.

2- عطاردی، مسند الامام الرضا علیه السلام، ج 1، ص 281

3- نحل / 90

4- قائمی مقدم، دو فصلنامه علمی - تخصصی تربیت اسلامی، ص219 220.

5- همان، ص 221

عملی پیشوایان معصوم علیهم السلام وجود ندارد. البته شکی نیست که هر موعظه ای مؤثر نبوده و ممکن است نقش تربیتی نداشته باشد به همین دلیل است که در قرآن کریم از «موعظه حسنه» سخن به میان آمده است. (1) منظور از موعظه حسنه آن است که روش تربیتی و امر به معروف و نهی از منکر باید به گونه ای باشد که بتواند در دل طرف مقابل وارد شود شیوه امام حسن و امام حسین علیهما السلام در امر به معروف و نهی از منکر کردن پیرمردی که وضویش نادرست بود یکی از بهترین نمونه های موعظه حسنه است؛ زیرا آن پیرمرد به نادرستی وضوی خود و درست بودن وضوی حسنین علیهما السلام پی می برد.

با توجه به آن چه گذشت چنان چه شرایط لازم برای موعظه رعایت شود، این روش می تواند به عنوان یک روش تربیتی کارآمد در کلیه امور و به ویژه در امر به معروف و نهی از منکر مورد استفاده قرار گیرد در موقعیت هایی که انسان دچار غفلت می شود و مسئولیت های انسانی خود را فراموش می کند این روش می تواند نقش مؤثری در برطرف کردن غفلت ها و بیداری ضمیر و زنده شدن قلب داشته باشد. علی علیه السلام می فرماید: (أَحْيِ قَلْبَکَ بِالْمَوْعِظَهِ). [فرزندم] دل خود را به اندرز [و موعظه] زنده دار. (2)

برای این که موعظه تأثیر مطلوب را در مخاطب ایجاد کند، باید موعظه گر خود از صمیم قلب به آن چه به عنوان موعظه مطرح می کند ایمان داشته و عامل به آن باشد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «هرگاه عالم به علمش عمل نکند، موعظه اش بر [سطح] دل ها می لغزد [و در آن ها نفوذ نمی کند] چنان که باران بر [سطح] سنگ» (3) موعظه گر باید به احکام دین آگاهی داشته باشد تا اموری را که در مرتبه واجبات و محرمات نیستند، در مرتبه واجب و محرم قرار ندهد و باعث تحریف دین و انحراف مردم شود. برای وعظ نیز شرایطی مانند در نظر گرفتن حساسیت فکری و شخصیتی مخاطب در وعظ، ارتباط دادن موعظه با مسائل زندگی مخاطب به منظور تأثیرگذاری

1- نحل / 125.

2- فولادوند نهج البلاغه، ص 350.

3- کلینی، الکافی، ج 1، ص 44

آن، ایجـاد زمینه منـاسب برای موعظه، اسـتفاده از موقعیت هـای مناسب برای موعظه کردن، موعظه کردن به طور پنهانی و عـدم سـرزنش موعظه شونده، لحاظ شده است. (1) موعظه شونده (متّعظ) نیز باید موعظه پذیر و به اصولی مانند؛ خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و معاد که موعظه دینی به اسـتناد آن هـا صورت می گیرد اعتقـاد داشـته باشـد. برخی علاوه بر این ویژگی ها از ویژگی های دیگری در واعظ مانند صداقت و راستی خیرخواهی تواضع و نرمش، محبت و احترام و تکریم موعظه شونده سـخن گفته اند. (2) امام صادق علیه السلام به لزوم باور و ایمان موعظه پذیر (متعظ) به مواردی همچون ایمان به اصول دین اشاره نموده و فرموده اند: (إِنَّمَا يُؤْمَرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ يُنْهَى عَنِ اَلْمُنْكَرِ مُؤْمِنٌ فَيَتَّعِظُ) امر به معروف و نهی از منکر با مؤمنی است که پند گیرد. (3)

امام رضا علیه السـلام ضـمن اسـتفاده مکرر از این روش در امر به معروف و نهی از منکر به صور گوناگون موعظه پنهانی را مورد تشویق و ترغیب قرار داده انـد، چنـان چه فرموده انـد: (مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرّاً فَقَدْ زَانَهُ وَ مَنْ وَعَظَهُ عَلاَنِيَةً فَقَدْ شَانَهُ)؛ هر که برادر دینی خود را مخفیانه موعظه کند او را زینت داده و هر که او را آشـکارا نصـیحت کند شرمنده اش نموده است. (4) امام رضا علیه السـلام بارها از روش پنهانی موعظه برای امر به معروف مأمون و دیگر افراد اسـتفاده نموده است چنان چه درباره ایشان گفته شده هرگاه آن حضرت با مأمون خلوت می نمود وی را بسـیار موعظه می نمود و او را در مورد کارهای زشتش سرزنش می کرد و از عذاب الهی هشدارش می داد. مأمون در ظاهر می پذیرفت ولی در باطن ناراحت می شد. روزی امام رضا علیه السـلام بر مأمون وارد شد و دید که وضو می گیرد و غلامش به دست وی آب می ریزد حضـرت به وی فرمودنـد: ای رئیس مؤمنان هیچ کس را در عبادت خدا شـریک قرار نده مأمون ناچار ظرف آب را از غلام گرفته و خود وضو را تمام کرد و این سخن امام «که حق تلخ است» بر کینه و عداوت درونی او افزود و ناراحت تر شد. (5)

1- داودی، سیره تربیتی پیامبر اسلام و اهل بیت علیهم السلام، ص 202-209.

2- قائمی مقدم، دو فصلنامه علمی تخصصی تربیت اسلامی ص 237 و 238 و 240 و 241

3- مجلسی، بحار الانوار، ج 75، ص 240

4- همان، ج 75، ص83.

5- ساعد خراسانی ترجمه الارشاد، ص611

با توجه به تأثیر شگرف موعظه پنهانی، امام رضا علیه السلام نه تنهانی موعظه پنهانی را تعویق می نمود و عملاً در پنهان اقدام به موعظه می نمود، بلکه پخش کردن هر نوع را نکوهش و نهی نموده اند چنان چه فرموده اند (االْمُسْتَتِرُ بِالْحَسَنَةِ یَعْدِلُ سَبْعِینَ حَسَنَةً وَ الْمُذِیعُ بِالسَّیِّئَةِ مَخْذُولٌ وَ الْمُسْتَتِرُ بِالسَّیِّئَةِ مَغْفُورٌ لَهُ) هر که کار خوبی را انی انجام دهد ثوابش معادل هفتاد کار خوب است و هر که کار زشت را پخش کند، خوار گردد، و هر که کار زشت را پنهان سازد مورد آمرزش خداوند قرار گیرد. (1) با توجه به نقش تربیتی موعظه امام رضا علیه السلام علیه السلام موعظه حسنه را از وظایف امام پس خود برشمرده و فرموده است (وَ یَدْعُو إِلَی سَبِیلِ رَبِّهِ بِالْحِکْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ) به روش پروردگارش به حکمت و موعظه نیکو دعوت می کند. (2)

علاوه بر روش های گذشته مواردی در سخنان و سیره امام رضا علیه السلام به چشم می خورند که می توان از آن ها به عنوان روش های مؤثر در تغییر رفتار تعبیر نمود، از جمله:

8- حسن خلق یا اخلاق اجتماعی

حسن خلق آمر به معروف و ناهی از منکر یا داشتن اخلاق اجتماعی مناسب وی خواند از عوامل مؤثر در تغییر رفتار و تربیت دیگران باشد از همین روی از رسول خدا صلی الله علیه و آله به عنوان «خلق عظیم» (3) تعبیر گردیده و سه چیز مایه و موجب معرفت اسلام دانسته شده که تبلیغ سوء پیشرفت اسلام به وسیله شمشیر را نفی و می کند. موارد یاد شده عبارت اند از (4): مال خدیجه برای طمع به مال، شمشیر او علیه السلام برای ترس و اخلاق پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای طالبان حق.

حسن خلق و نیز سوء خلق که نقطه مقابل آن در دو معنای اعم و اخص به کار می روند: در حسن خلق به معنای ،اعم متخلق بودن انسان به همه اخلاق نیکو ستوده شده است، در مقابل، سوء خلق به معنای متصف بودن آدمی به

1- ابن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 197.

2- همان

3- قلم/ 4

4- مسیب، اطیب البیان، ج 6، ص 154

صفـات زشت و نکوهیـده دانسـته شـده است امـا حسن خلق به معنای اخص به معنای برخورد با مردم با گفتار خوش و روی شاد و چهره گشاده و پرهیز از خشونت در گفتار و ترش رویی و درشت خویی و دیگر خصوصیات لازم در اخلاق اجتماعی است.

اخبار و روایاتی که حسن خلق را تشویق و ترغیب و از سوء خلق نکوهش و مذمت و نهی می کنند بیشتر حسن خلق و سوء خلق به معنای دوم یا معنای اخص آن ها را مورد توجه دارند. (1) از همین روی علاـمه طباطبایی در ذیل آیه (إِنَّكَ لَعَلى خُلُقٍ عَظِيمٍ) گفته است: «آیه یاد شده گرچه به خودی خود حسن خلق پیامبر صـلی الله علیه و آله را سـتوده و بزرگ می شـمارد اما از نظر سـیاق به اخلاق اجتماعی پیامبر صلی الله علیه و آله که ناظر به معاشـرت با مردم است مانند پایداری بر حق شکیبایی بر آزار مردم و جفای فرومایگان، گذشت و اغماض، فراگیری بخشش، رفق و مدارا، فروتنی و غیره اشاره دارد». (2)

نقش الگو در تغییر رفتار

بر فرض که خلق را به معنـای عـام آن بگیریم و آن را به اخلاـق اجتماعی محـدود نسازیم باز می توانـد از روش های مؤثر تربیتی باشـد از همین روی در متون اسـلامی افرادی که گفتارشان با اعمالشان مغایر است مورد انتقاد قرار گرفته اند و از سویی توصـیه شده که دیگران را با اعمـال خویش به کارهای خوب دعوت کنیـد، چنان چه امام صادق علیه السـلام فرموده انـد: (كُونُوا دُعَاةَ النّاسِ بِغَيْرِ الْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمُ الْإِجْتِهَادَ وَالصّدقَ وَالْوَرَع) (3) و در جـای دیگر فرموده انـد: (كُونُوا دُعَاةَ اَلنَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَ لاَ تَكُونُوا دُعَاةَ بِأَلْسِنَتِكُمْ). مردمان را با اعمال خود تبلیغ کنید نه با زبان های خود. (4)

از اخلاـق در معنای عام آن می توان به عنوان «روش الگوسازی» تعبیر نمود که یکی از روش های تربیتی برای تقویت و ترویـج افعال نیک در جامعه و اصـلاح رفتارها و زدودن بدی ها می باشد بر اساس این روش، انسان ها از طرز رفتار و شیوه زندگی یکدیگر تأثیر می پذیرند و این تأثیر پذیری تا جایی است که گاه برخی انسان ها

1- مینوی، علم اخلاق اسلامی، ج 1، ص 373 به بعد.

2- طباطبایی، المیزان، ج 19، ص 369

3- مجلسی، بحارالانوار، ج 67، ص 309

4- آرام، ترجمه الحیاه، ج 1، ص 522

برای برخی دیگر به صورت الگو و سرمشق در می آیند. «کودکان با مشاهده رفتار والدین، آن را الگوی رفتار خود قرار می دهند و از آن ها تبعیت می کنند بدون تردید اگر مدل و سرمشق یعنی والدین دارای رفتار مناسبی باشند رفتار کودک درست شکل می گیرد». (1) از همین روی بر معاشرت های افراد با یکدیگر حساسیت نشان داده شده و از برخی معاشرت ها و دوستی ها نهی شده و به برخی از دوستی ها و معاشرت ها سفارش گردیده است چنان چه امام رضا علیه السلام از شفاعت چهار گروه خبر داده اند از جمله افرادی که به دلیل دفاع از ذریه ایشان (سادات و علوی ها) با شمشیر کشته شوند، آنان که رفع نیاز ایشان می کنند آنان که در رفع نیاز ایشان می کوشند و کسانی که ایشان را دوست دارند. (2)

امام خمینی قدس سره در مورد اهمیت روش الگوسازی فرموده اند: «از عظیم ترین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر و شریف ترین و دقیق ترین و شدیدترین آن ها از نظر تأثیر و دلنشین ترین آن ها مخصوصاً اگر آمر و ناهی از علمای دین و رؤسای مذهب - اعلی الله کلمتهم - باشد، آن است که از شخصی صادر شود که خودش لباس معروف - چه واجب و چه مستحبش- را پوشیده (و به آن عمل کرده) باشد و از منکر، بلکه از مکروه دور باشد و به اخلاق انبیاء و اهل معنویت متخلق باشد و از اخلاق بی خردان و اهل دنیا منزه باشد تا آن که با کار و روش و اخلاقش آمر و ناهی باشد و مردم به او اقتدا نمایند و اگر - العیاذ بالله - خلاف این باشد و مردم ببینند عالمی که ادعای جانشینی انبیاء و رهبری امت را دارد به آن چه می گوید عمل نمی کند این وضع موجب ضعیف شدن عقیده مردم و جرأت آنان بر گناهان و بدگمانی آن ها به پیشینیان صالح می شود». (3)

شهید مطهری رحمه الله نیز در این باره گفته است: «شما اگر بخواهید به شکل غیر مستقیم امر به معروف کنید یکی از راه های آن این است که خودتان صالح و باتقوا باشید خودتان اهل عمل و تقوا باشید وقتی خودتان این طور بودید، مجسمه ای

1- احمدی، اصول و روش های تربیت در اسلام ص 74.

2- عطاردی، مسند الامام الرضا علیه السلام، ج 1، ص 105.

3- خمینی، روح الله، ترجمه تحریر الوسیله، ج 1، ص 547

خواهیـد بود از امر به معروف و نهی از منکر هیـچ چیز بشـر را بیشتر از عمل تحت تأثیر قرار نمی دهد شـما می بینید مردم از انبیاء و اولیاء زیاد پیروی می کننـد ولی از حکما و فلاسـفه آن قـدرها پیروی نمی کنند چرا؟ برای این که فلاسـفه فقط می گویند فقط مکتب دارند، فقط تئوری می دهنـد؛ در گوشه حجرهـاش نشسـته است پی در پی کتـاب می نویسـد و تحویل مردم می دهـد ولی انبیاء و اولیاء تنها تئوری و فرضـیه ندارنـد، عمل هم دارنـد. آن چه می گوینـد اول عمل می کننـد. حتی این طور نیست که اول بگویند بعد عمل کنند، اول عمل می کنند بعد می گویند. وقتی انسان بعد از آن که خودش عمل کرد گفت، آن گفته اثرش چندین برابر است». (1)

در سـخنان و سـیره امام رضا علیه السـلام بر اخلاق در معنای خاص آن و حسن خلق و نقش آن در تغییر رفتار و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر نیز زیاد تأکیـد شـده است، زیرا ایشان علاوه بر آن که بر اساس تصـریح «باب اخلاق الرضا» در منابع حـدیثی همچون عیون اخبار الرضا الگو و سـرمشق کاملی برای شـیعیان و دیگر افراد جامعه زمان خود و پس از آن بوده اند فرموده اند: (عَلَیْکُمْ بِحُسْنِ الْخُلُقِ فَإِنَّ حُسْنَ الْخُلُقِ فِی الْجَنَّهِ لَامَحَالَهَ وَ إِیَّاکُمْ وَ سُوءَ الْخُلُقِ فَإِنَّ سُوءَ الْخُلُقِ فِی النَّارِ لامَحالَـهَ) بر شـما باد حسن خلق که حسن خلق به ناگزیر در بهشت است و حـذر کنیـد از بدی خلق که به ناگزیر در جهنم خواهد بود. (2) در جای دیگر رسول خدا صـلی الله علیه و آله فرموده اند: (أَکْمَلُ اَلْمُؤْمِنِینَ إِیمَاناً أَحْسَنُهُمْ خُلُقاً وَ إِنَّمَا اَلْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ اَلْمُسْلِمُونَ مِنْ یَدِهِ وَ لِسَانِهِ وَ یَدِهِ). کامل ترین مؤمنان کسی است که بهترین اخلاـق را دارد و به راستی مسـلمان کسـی است که مسـلمانان از زبان و دست وی آسوده باشـند. (3) همچنین فرموده انـد: (عَجِبْتُ لِمَنْ یَشْتَری العَبیدَ بمَالِهِ فَیُعْتِقُهُمْ کَیْفَ لَا یَشْتَری الْأَحْرَارَ بحُسْن خُلُقِه)؛ در شگفتم از کسی که با مال خویش بنده را خریده و آزاد می کند اما با اخلاق خویش آزاده ها را نمی خرد». در جای دیگر در تأثیر گشاده رویی و حسن برخورد با دیگران در تغییر رفتار ایشان فرموده اند: (إِنَّکُمْ لَنْ تَسَعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِکُمْ فَسَعُوهُمْ بِطَلَاقَهِ الْوَجْهِ وَ حُسْنِ اللِّقَاءِ)؛ شما با اموالتان هرگز به دل دیگران راه نمی یابید پس

1- مطهری، مجموعه آثار، ج 17، ص 253 2

2- غازی، مسند الرضا علیه السلام، ص 100.

3- عطاردی، مسند الامام الرضا علیه السلام، ج 1، ص 298

گشاده رویی و حسن برخورد با ایشان به دل آن ها راه یابید. (1) نیز در سخنی دیگر از شیوه های برخورد متفاوت با دوست دشمن حاکمان و عموم مردم سخن گفته و همراهی نمودن با مردم را با روی خوش «اصحب.... العامة بالبشر» توصیه نموده اند. (2)

امام رضا علیه السلام از شیوه برخورد منطقی و داشتن سعه صدر در مناظرات خود با افرادی همچون جاثلیق رأس الجالوت و.... بهره گرفته و به نوعی در تغییر رفتار و دیدگاه ایشان کوشیده اند از همین روی در مناظره با ایشان به متن انجیل و گفته های حواریون استناد جسته است این امر می تواند یکی از مصادیق اخلاق اجتماعی یا حسن خلق باشد.

نتیجه گیری

از آن چه گذشت نتایج زیر به دست می آید:

1. انجام امر به معروف و نهی از منکر با شرایط مناسب و در مورد افراد مختلف تأثیر بهتری در تغییر رفتار دارد.

2. علی رغم مطلوب بودن روش های مناسب امر به معروف و نهی از منکر و لزوم استفاده از آن ها برخی از روش ها همچون موعظه وفق و مدارا، محبت و... مورد استفاده قرآن و معصومان از جمله امام رضا علیه السلام قرار گرفته اند، که می توان به نقش کلیدی آن ها در تغییر رفتار دیگران پی برد.

3. معصومان از جمله امام رضا علیه السلام علاوه بر توصیه های گفتاری نسبت به روش های مناسب امر به معروف و نهی از منکر عملاً نیز از آن روش ها بهره گرفته و نهایت استفاده را برده اند.

4. در عین مطلوب بودن و لزوم استفاده از روش های مورد استفاده و توصیه شده امر به معروف و نهی از منکر توسط معصومان علیهم السلام روش ها به موارد مزبور محدود نمی شوند بلکه با توجه به مقتضیات زمانی و پیشرفت های علمی می توان از روش های جدید و نوین بهره گرفت.

5. از جمله موجبات شهادت امام رضا علیه السلام امر به معروف و نهی از منکر نمودن ایشان است.

1- حسینی قزوینی، موسوعة الامام الجواد علیه السلام، ج 2، ص 546

2- مجلسی، بحار الانوار، ج 71، ص 167

منابع

1. قرآن کریم

2. نهج البلاغه، ترجمه فولادوند، 1381ش.

3. آرام احمد و اخوان ،حکیمی، ترجمه الحیاة، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ مکرر، 1380ش.

4. آذربایجانی، مسعود و دیلمی احمد، اخلاق اسلامی قم، دفتر نشر معارف، معاونت امور اساتید و معارف اسلامی، چاپ چهلم، سال 1385ش، ویراست دوم.

5. ابن شعبه حرانی، ابو محمد حسن بن علی تحف العقول عن آل الرسول، قم، مؤسسة النشر الاسلامی تحقیق علی اکبر غفاری، سال 1404ق.

6. احمدی، سید احمد، اصول و روش های تربیت در اسلام، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ چهارم، 1380ش.

7. باقری، خسرو نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، انتشارات مدرسه، چاپ چهارم، سال 1376ش.

8. بحرانی، سیدهاشم، البرهان في تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، چاپ اول، 1416ق.

9. پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحة تهران، دنیای دانش چاپ چهارم، 1383ش.

10. حر عاملی، محمد بن حسن عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسة آل البیت لاحیاء التراث علیهم السلام، 1414ق.

11. حسینی قزوینی، محمد، موسوعة الامام الجواد علیه السلام، قم، مؤسسه ولی عصر (عج) للدراسات الاسلامیة، چاپ اول، 1419ق.

12. خسروی ،موسی زندگانی حضرت علی بن موسی علیه السلام تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ اول، 1380ش.

13. خمینی، امام روح الله، ترجمه تحریر الوسیله دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم قم، چاپ 21، 1425ق.

14. شرح حدیث جنود عقل و جهل، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام

خمینی، چاپ اول، 1377ش.

15. خوانساری، جمال الدین شرح غرر الحکم تهران انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، سال 1366ش.

16. داودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، بی جا، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول سال 1385ش.

17. دلشاد تهرانی، مصطفی، تربیت در نهج البلاغه، تهران، انتشارات دریا، چاپ اول، سال 1379ش.

18. ذکاوتی قراگوزلو، علیرضا، ترجمه اسباب النزول، تهران، نشر نی، چاپ اول، 1383ق.

19. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات في غریب القرآن، بیروت، دارالعلم الشامیة، چاپ اول، 1404ق.

20. ری شهری، محمد، میزان الحکمة قم دار الحدیث، چاپ اول، 1375ش.

21. ساعد خراسانی، محمدباقر ترجمه الارشاد في معرفة حجج الله علی العباد شیخ مفید، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ ،اول 1380ش.

22. شیخی، حمیدرضا، نثر اللئالی سخنان درر بار امام علی علیه السلام، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ اول، سال 1380ش.

23. ابن بابویه، محمد بن علی فقه الرضا، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، چاپ اول، سال 1406ق.

24. عیون اخبار الرضا، بیروت، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، چاپ اول، سال 1404ق.

25. الامالی، بیروت، ناشر اعلمی، چاپ پنجم، 1400ق.

26. طباطبایی، محمد حسین، المیزان في تفسیر القرآن، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم، چاپ پنجم، 1417ق.

27. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ اول 1418ق.

28. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.

29. طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم، 1378ش.

30. عطاردی، عزیزالله، ترجمه ایمان و کفر بحار الانوار ،تهران، انتشارات عطارد، چاپ اول، سال 1378ش.

31. اخبار و آثار امام رضا علیه السلام، تهران، انتشارات کتابخانه صدر، چاپ اول، سال 1397ق.

32. مسند الامام الرضا علیه السلام، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ اول سال 1406ق.

33. غازی داود بن سلیمان، مسند الرضا علیه السلام، تحقیق محمد جواد حسینی جلالی، بی جا، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، 1418ق.

34. غفاری، علی اکبر و حمیدرضا، مستفید ترجمه عیون اخبار الرضا، تهران، نشر صدوق، چاپ ،اول 1373 ش.

35. قائمی مقدم، محمدرضا، دو فصلنامه علمی تخصصی تربیت اسلامی، سال دوم پاییز و زمستان شماره سوم

36. قمی، عباس، سفینة البحار، نجف، چاپخانه علمی، 1352ش.

37. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، 1407ق.

38. لویس، معلوف، المنجد، بیروت، المکتبة الشرقیة، 1986م.

39. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت مؤسسة الوفاء چاپ دوم، سال 1403ق.

40. مدنی ،شیرازی سید علیخان ریاض السالکین بی جا دفتر انتشارات اسلامی چاپ اول، سال 1409-1411ق.

41. مسعودی، ابوالحسن، اثبات الوصایة للامام علی بن ابی طالب، قم، انتشارات انصاریان چاپ سوم

42. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، بی جا، بی تا.

43. مینوی، جلال الدین علم اخلاق اسلامی بی جا چاپ چهارم، سال 1377ش.

44. نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بی جا، مؤسسة آل البیت لاحیاء التراث چاپ اول، سال 1408ق.

ص: 262

آسیب شناسی آمران و ناهیان: دکتر مریم رشیدی میان رودی

اشاره

*آسیب شناسی آمران و ناهیان: دکتر مریم رشیدی میان رودی (1)

مقدمه

جامعه ایرانی امروز به دلایل بی شماری یکی از پیچیده ترین جوامع جهان را تشکیل می دهد که تراکم افزوده شدن و انباشت لایه های متعددی از مشکلات و تنش ها و تقابل های گاه آشتی ناپذیر در آن موقعیت بسیار بغرنجی را به وجود آورده است. از این رو شاید ادعایی مبالغه آمیز نباشد که ایران امروز را بتوان یکی از بزرگ ترین آزمایشگاه های روابط و مناسبات اجتماعی و از گلوگاه های حساس تاریخی و فرهنگی در جهان پیرامون طرح توسعه و ترویج و نهادینه نمودن ارزش های اسلامی به حساب آورد که سرنوشت آن می تواند به بسیاری از پرسش های اساسی که در روابط کنونی در جهان وجود دارد پاسخ دهد. به همین جهت است که بسیاری از پژوهشگران اجتماعی اعم از جامعه شناسان انسان شناسان روان شناسان و به طور کلی فرهنگ شناسان از سراسر عالم بر آنند که به ایران سفر کنند و این جامعه پُر شور و شکوفا و در عین حال پرتنش و تناقض (به اعتقاد آنان) را از نزدیک ببینند و حتی آن ها که چنین اقبالی را نمی یابند از ایرانی و غیرایرانی هر سال صدها مقاله و کتاب را به کشور ما اختصاص می دهند.

حال که وضعیت کشور ما در جامعه بین الملل چنین است و کارنامه درخشان و پرغرور و افتخاری از ارزش های اسلامی را از آن خود نموده است، شناخت افت و خیزها و فراز و فرودها و نیز واکاوی موانع و آسیب ها پیرامون رفع اختلالات و

1- استادیار دانشگاه

نابسامانی ها در حوزه عدم رعایت هنجارها و ارزش ها در جامعه توسط برخی افراد ناآگاه یا گاه ناآشنا از اهمیت به سزایی برخوردار است که البته هر یک از موارد عنوان شده، در جایگاه خود شایسته تأمل و ارزیابی است اما تنها در این جا قصد داریم موقعیت افرادی را ترسیم نماییم و دربارهٔ آنان سخن گوییم که در کنار سایر افراد متخصص مجرب کارآزموده و متعهد قصدشان تنها سالم سازی و نهادینه نمودن قالب های مثبت رفتاری گفتاری و.... در جامعه است؛ افرادی که ایمان اعتماد و عزم راسخ تا حدود بسیاری در وجودشان رسوخ کرده است. این گروه شامل همه عالمان، مبلغان، محققان، داعیان و از آن جمله «آمران به معروف و ناهیان از منکر» هستند که به رغم میل باطنی در ترویج و بسط ارزش ها خود با برخی از آسیب ها و چالش ها مواجه شده اند که در نوشتار پیش روی به شکل مبسوط آسیب شناسی آن انجام خواهد شد.

مفهوم آسیب شناسی

«آسیب» در لغت به معنای «زخم، ضرب، صدمه، عیب و نقص، تعب، رنج، مشقت، جرح، خستگی، فکاری، آفت، بلا، فتنه و مصیبت است. (1) در اصطلاح و به معنای عام عبارت است از: شناخت دردها، کاستی ها، مصیبت ها و آفت های فکری، جنسی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و.... به عبارتی دیگر «ناهمنوایی با هنجارها یا مجموعه ای از هنجارهای معین را آسیب می گویند» (2)

واژهٔ «آسیب شناسی» (Pathology) از ریشهٔ یونانی «Path=Patho» به معنای رنج، محنت، احساسات و غضب و «Logy» به معنای دانش و شناخت از علوم پزشکی به علوم اجتماعی وارد شده است و در اصل به مفهوم «مطالعه علل بیماری و عوارض و علایم غیرعادی» است. (3) به تعبیر دیگر آسیب شناسی در اصطلاح علوم طبیعی به معنای «مطالعه و شناخت عوامل بی نظمی ها در ارگانیزم انسانی جهت درمان بیماری های

1- عمید ،حسن فرهنگ عمید، ص 60

2- آنتونی گیدنز، جامعه شناسی عمومی، ص 130.

3- عباس آریان پور فرهنگ کامل انگلیسی - فارسی، ج 2، ص 1569.

جسمانی است». (1)

اما آسیب شناسی اصطلاح جدیدی در حوزه اندیشه دینی است و به مفهوم «شناخت آسیب ها و اشکالاتی است که به اعتقادات و باورهای دینی و یا به آگاهی و معرفت دینی و علمی در یک جامعه دینی وارد می شود و یا ممکن است وارد شود». (2) شاید بتوان گفت که استاد مطهری اولین کسی است که اصطلاح آسیب شناسی دینی را وارد حوزه اندیشه دینی کرد و در آثار خود از آن بهره برد.

آسیب شناسی دینی حوزه های متعددی را شامل می شود مانند: آسیب شناسی عقاید دینی، آسیب شناسی دینداری آسیب شناسی نهادهای دینی آسیب شناسی جامعه دینی و آسیب شناسی معرفت دین شناسان.

تعریف دیگری که می توان به طور مختصر از این اصطلاح ارائه داد عبارت است از: «مطالعه عدم انطباق کنش و عمل دینداری با هنجارهای دینی آسیب شناسی دینی». (3)

آسیب شناسی دینی نتیجه کژوی در عرصه روابط عملی و حاصل کج اندیشی در مقام نظر است. با توجه به تعامل و درهم تنیدگی عمل و نظر، آسیب ها شکل بسیط نظری یا عملی ندارند بلکه به صورت بافت های پیچیده و تو در تو آشکار می گردند که در اعمال و اندیشه ها یکدیگر را تأیید و تقویت می کنند.

حال مقصود از آسیب در این جا شکل بالفعل یا بالقوه آسیب های موجود در شخصیت آمران و ناهیان در گفتار رفتار و کردار و.... ایشان است.

این لفظ «آسیب» از «موانع» که معمولاـ به آسیب های خارجی گفته می شود و «آفت ها» که معمولاً به آسیب های داخلی اطلاق می گردد، اعم است.

در مجموع می توان گفت مقصود از «آسیب شناسی» در این نوشتار شناخت مجموعه آفات و مشکلاتی است که ممکن است به شکل بالفعل یا بالقوه با شاخص غیر مستقیم و مستقیم در ،رفتار ،کردار شیوه و روش آمران و ناهیان شکل گرفته باشد که در تأثیرگذاری این فریضه ارزشی و با اهمیت می تواند نقش مهمی را ایفا نماید.

1- همان، ج 4، ص 3821.

2- دژاکام، تفکر فلسفی غرب، ج 1، ص 6.

3- رهنمایی، آسیب شناسی فرهنگی، ص28.

چیستی فرایند

لغت «فرایند» معادل انگلیسی پروسس (Process) می باشد و در زبان فارسی به فرایند، فراگرد، چرخه، دوره .... ترجمه شده است. در لغت نامه های رایج در مقابل واژهٔ پروسس معمولاً به کلماتی چون: عمل، کار، دوره، جریان، مرور، زایده، طی، حادثه، دعوا، عمل آوردن، روال، طرز، انجام دستورالعمل پردازش و پردازش کردن برمی خوریم. (1)

جالب این است که در لغت نامه های مشهور فارسی مانند دهخدا و معین به دلیل غنای ادبی و توجه به ادبیات اصیل فارسی کمتر به این نوع ترجمه توجه شده است. آنان یا در مقابل این واژه ها توضیحی ارائه نکرده اند یا مانند فراگرد اگر توضیحی ارائه داشته اند بیشتر در محیط شعر و نثر فارسی است؛ مانند چرخه و فرایند در دائرة المعارف مشهور ویکی پدیای انگلیسی در مقابل واژه «Process» آمده است: فرایند به دنباله ایی از تغییرات رخ دهنده در ویژگی های یک سیستم یا شیء گفته می شود. این تغییرات می تواند طبیعی رخ دهد یا طراحی شده باشد. این سخن ما را به مفهوم فرایند بیش از پیش رهنمون می سازد و آن معنای کلیدی ایجاد تغییر می باشد. گر چه منبع این تغییر می تواند طبیعی یا مدیریتی باشد، چرا که فرایند را یک پدیده سامان یافته مد نظر قرار می دهیم که نظام سازمان تشکیلات یا افراد به شکل آگاهانه و برنامه ریزی شده به منظور کسب هدفی یا رفع معایب یا کاهش مشکلات اجرا می کنند. پس می توان در ساده ترین شکل، فرایند یا فراگرد را به صورت زیر تعریف کرد فراگرد هر رویدادی است که یک تغییر ممتد در زمان را نشان دهد یا هر عمل یا نحوه عملی که ممتد باشد». (2)

این تغییرات باید در درون سیستم، افراد یا اجزاء طراحی شود. پس نقش عناصر محیطی و اجزاء آن حائز اهمیت خواهد بود. این تحول در هر سطحی که طراحی می شود تنها در صورت مشارکت عناصر تشکیل دهنده کلی مجموعه است که امکان عملی می یابد به این دلیل است که وقتی ما مفهوم فراگرد را برای چیزی بپذیریم در

1- لغت نامه نرم افزاری تاکناز

2- محسنیان راد، ارتباط شناسی، ص 73

واقع به این نکته توجه کرده ایم که رویـدادها و روابـط بین عناصـر آن چیز به صورتی پویـا و به طور مـداوم در حال تغییر است آغاز و پایان ندارد یک تسـلسل ایسـتا از رویدادها وجود ندارد و اصولاً فراگرد چیزی ایستا نیست بلکه پویاست. این امر کاملاً بر فریضه ای چون امر به معروف و نهی از منکر که توسط آمران و ناهیان صورت می گیرد منطبق است.

مفهوم فراگرد چه از دیـدگاه علمی و چه حقیقت تجربی حـالتی مـارپیچی و به هم بـافته دارد. دنیای اطراف ما فراینـدهایی شـناخته شـده و ناشـناخته است و مـا در محیطی پر از فراگرد غوطه می خوریم که به طور آگاه و حتی ناخودآگاه، در بسـیاری از آن ها ایفای نقش می.کنیم جنس این فراینـدها متفـاوت است؛ گـاه سیاسـی، گاه اقتصادی زمانی صـنعتی است و هنگامی اجتماعی نشان می دهـد البته بخش عظیم فرایندهای اطراف ما فراگردهای ارزشی – معنوی است و ما در این چرخه های ارزشی زندگی می کنیم و دنیای خود را می سازیم.

فرایند امر به معروف و نهی از منکر

حـال که با مفهوم فراینـد آشـناتر شـدیم بهتر می توانیم به فراینـد امر به معروف و نهی از منکر فکر کنیم در دنیایی که خود را به جهان تبلیغ منسوب کرده است و در جـامعه بشـری که مالامـال از روابـط و جریان های تأثیرگـذار است گرچه می توان به شـکل غریزی و تنها فطری عملی انجـام داد امـا در مقـام رقـابت، مقـابله، اسـاس نظام تبلیغات امروز حاکم بر جهان کافی نیست این نکته برای ما که خود را آمران به معروف و ناهیـان از منکر می دانیم و به دلیـل ورود به این رسـالت، شـرایط ویژه ای قائـل هسـتیم، بیش از دیگران مهم است؛ زیرا شـرایط اجرایی این فریضه به ما آموخته است که «برای انسان نسـبت به شروع یک عمل، تنها ایمان و شور و شوق کافی نیست؛ زیرا در این صورت احیاناً گرفتار شـکست و سـقوط می شود». پس آمران و ناهیان نه تنها بایـد برای امر به معروف و نهی از منکر برنامه ریزی نماینـد و آن را به مراحل مشخص تقسیم کنند بلکه بر آنان واجب است که در هر مرحله ای بدانند که گام هایشان در چه سمتی برداشته می شود و آیا در این مسیر ممکن است دچار آسیب هایی در گفتار، رفتار، کردار و شخصیت خویش شده باشند؟ و...

ص: 267

گاهی در بعضـی از مراحل بایـد کار فرهنگی کرد در حالی که در مراحل دیگر باید کار سیاسـی کرد و چه بسا در مرحله دیگر باید به عمل خیر روی آورد و بدین ترتیب اگر در یک مرحله میان کارها خلط شود طبیعی است که در اسـلوب ها و دریافت نهایی ثمرات از آن مسـئله دچار سرخوردگی می شویم.

جهان اسـلام امروزه نیاز به نگاه فراینـدی به فریضه امر به معروف و نهی از منکر دارد راهی که دشـمنان ما در جهت شـیوع ضـد ارزش ها مـدت ها قبل شـروع کرده و گوی سـبقت را از ما ربوده انـد. سال های سال است که مانور دادن بر ضد ارزش ها که در بین دشـمنان ما به عنوان یک پدیـده فراینـدی نهادینه شـده است، حرکت های سازمانی و تشـکیلات فرایندهای برنامه ریزی شده و تعیین اهداف در سـطوح مختلف چینش آدم ها، دسـته بنـدی مخاطبان، سـنجش ابزار و ساماندهی تخصصـی رسانه ها و... همه و همه اجزای فراگردهای امروزین کار فرایندی آنان است. این نیازها را حضـرت امام رحمه الله به طور کلی در دوران انقلاب اسلامی این چنین بیان فرمودند: «اگر شما صد تا اعلامیه صادر کنیـد و صـد تا نطق بکنیـد و صـد تا محکوم بکنیـد، بعـدش دنبالش را نگیرید این تمام می شود یک صـحبت کردید یک زحمتی کشیدید، نتیجه ای هم نبرده اید». (1)

نگاه فراینـدی به این فریضه در بیانات مقام معظم رهبری نیز کاملاً مشـهود است. رهنمودهای ایشان می توانـد ما را به کار ارزشـی آمران و ناهیان که توانایی برنامه ریزی های اساسی را جهت تغییرات در جامعه دارند، رهنمون سازد. (2)

ارکان امر به معروف و نهی از منکر

اشاره

ارکان امر به معروف و نهی از منکر را می توان در قالب های ذیل طرح نمود:

الف- تعریف مخاطب

مفهوم مخاطب حکایت از آغازین رکن امر به معروف و نهی از منکر دارد؛ چرا که اگر مخاطبی در این مسئله نباشد، اساساً امر به معروف و نهی از منکر معنای خود

1- امام خمینی رحمه الله، روزنامه رسالت، 1365/6/9

2- مقام معظم رهبری. روزنامه اطلاعات، 1360/11/29

را از دست می دهد، زیرا آمر و ناهی به دنبال فرد یا گروهی هستند که بتوانند در فرایندی آن چه را که در دستورات دینی آمده است و آنان رعایت نمی نمایند، به ایشان منتقل کنند و به تعبیر صحیح تری درصدد هستند که شریکی برای اجرای ارزش ها در جامعه جهت دنبال نمودن این رسالت انتخاب نمایند پس اگر این وجه مخاطب روشن نباشد، اساساً کار آمر و ناهی نیز به یک مجموعه رفتار بیهوده و نامشخصی تبدیل می.شود لذا اهمیت این بخش بسی روشن است.

یک سخن ارزشی هر قدر هم عالی و دارای شرایط نفوذ و اثر باشد و آمران و ناهیان با شیوه هایی بدیع آن را نشر دهند، چنان چه زمینه کار یا واقع بینی خاص فراهم نباشد، چیزی جز سنگ بر سندان کوفتن و بذر در زمین شوره زار پاشیدن نیست قرآن کریم به پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: (إِنَّكَ لا تُسْمِعُ الْمَوْتى وَلا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعاءَ إِذا وَلَّوْا مُدْبِرينَ)؛ همانا تو (با آن که پیغمبر به حق و هادی مطلق می باشی، باز) نتوانی که مردگان (و مرده دلان کفر) را سخنی بشنوانی و یا کران (باطن) را که (به گمراهی) از گفتارت روی می گردانند به حقیقت شنوا کنی. (1) در مقابل از وضع نفسانی و زمینه مساعدت مخاطب تعبیر به «خشیت» می کند: (فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى * سَيَذَّكَّرُ مَن يَخْشَى * وَ يَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى)؛ پس به آیات الهی خلق را یادآوری کن اگر سود دهد. البته آن که خشیت دارد متذکر شود و آن که بدبخت ترین است از آن دوری کند. (2)

در این نگاه در می یابیم که علاوه بر عنصر آمر به معروف و ناهی از منکر که با فعالیت و تلاش خود می تواند نقش رکنی در فرایند امر به معروف و نهی از منکر ایجاد کند، طرف دیگری نیز وجود دارد که آن هم به عنوان یک عنصر فعال دیگر باید در میدان حضور پیدا کند تا فریضه امر به معروف و نهی از منکر هویت خود را کسب کند.

این اثر وجودی در نظام ارتباطاتی فقط زمانی نقش خود را می یابد که بتواند به ایفای نقش رکنی از زاویه ای که ما مطرح کردیم بپردازد. در کلمات امام و مقام معظم رهبری به این مطلب توجه شده است؛ از جمله مقام معظم رهبری می فرمایند: «اگر

1- نمل / 80

2- أعلی / 9 - 11.

بخواهیم بی دغدغه به سرمنزل جمهوری اسلامی و حکومت واقعی الهی برسیم، باید مردم ما هر چه بیدارتر هوشیارتر و آگاه تر باشند». (1)

این نقش زمانی بیشتر عیان می شود که ما مفهوم مخاطب را گسترش داده و از مخاطب فردی به مخاطب جمعی برسیم در این شرایط میزان فعالیت و اثرگذاری عنصر مخاطب بیشتر جلوه می کند که عده ای نقش آن را برابر و حتی بیشتر از آمران به معروف و ناهیان از منکر می دانند زیرا امر به معروف و نهی از منکر هرگز به یک دایره بسته و در قلمرو کوچک محدود نمی شود و دامنه نفوذ آن به همه عرصه های زندگی جامعه گسترش می یابد.

پس مخاطب به فرد گروه یا جامعه ای اطلاق می شود که نظام معروف ها به منظور اثر پذیری و تغییر (بینشی، گرایش، کنشی) در آن شکل می گیرد.

معمولاً به جای مخاطب از واژه هایی چون «گروه هدف»، «آماج» یا «گیرنده پیام»، «آموزه»، «متربی» نیز استفاده می شود که هر کدام از این واژه ها را در علم خاص خود به کار می برند، اما باید بدانیم که این لغات هر کدام یکی از وجوه مخاطب را مدنظر قرار می دهند.

معمولاً واژه گروه هدف و آماج در جنگ روانی اطلاق می شود. گیرنده پیام در ارتباطات، آموزه در آموزش و متربی در علوم تربیتی و البته همان گونه که تأکید کردیم مخاطب نیز در امر به معروف و نهی از منکر و اموری از این قبیل که برای حاکم نمودن، بسط و توسعه ارزش های دینی اسلامی است، استفاده می شود.

ب- مفهوم آمر و ناهی

در فرهنگ لغت واژه آمر» را چنین معنا کرده اند: «امر کننده، فرمان دهنده» (2) و در اصطلاح «آمر» بر هر امر کننده یا فرمان دهنده به سوی ،فکر عمل یا هر چیزی اطلاق می،شود اما «آمر» در این نوشتار به معنای فرمان دهنده به سوی ارزش های موجود در دین و اعتصام و نهادینه ساختن آن هاست. به تعبیر دیگر می توان آمر را تبلیغ کننده هر ارزش کرداری، رفتاری، گفتاری و.... در اسلام دانست که در ایفای آن نهایت

1- مقام معظم رهبری، روزنامه رسالت، 1368/9/2.

2- انوری، فرهنگ روز سخن، ص 27

تلاش و سعی خویش را به کار می گیرد.

پس با توجه به تعریف فوق می توان کسی را که تماماً مشغول کار امر می شود آمر و کسی را که هم جزیی از زندگی اش را صرف دعوت به ارزش ها می نماید نیز آمر ،نامید با این تفاوت که فرد نخست آمر کامل تری است.

شاید بتوان آمر را نوعی دعوت کننده به سوی خیرها، خوبی ها و ارزش ها نیز بدانیم. با این اوصاف او فردی است که به سوی اوامر مطلوب و حق دعوت می کند: «و داعیاً الی الله» نه به سوی دنیا و نه به سوی مجد و بزرگی دنیایی و نه به سوی شرف قومی و تعصبات جاهلی و نه زرق و برق های دنیایی و جاه و مقام و.... بلکه او تنها دعوتگری به سوی خدا و ارزش های خدایی است که تنها در راهی که به خدا منتهی شود و فقط ارزش های الهی تبیین و اجرا شود گام می گذارد (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا * وَ دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُنِيرًا). (1)

حال «ناهی» یعنی «بازدارنده و نهی کننده از زشتی ها و ضدارزش ها» در همه امور و از آن جمله امور دینی و معنویات که مانع حاکمیت و تثبیت امور معنوی در زندگی انسان ها محسوب می شود ناهی از منکر همچون آمر به معروف در پی تحقق هنجارهای دینی و آرمان های عالی اسلام در جامعه است و می کوشد آن چه را مایه تضعیف این امور می شود از میان بردارد؛ چرا که او در واقع شخصیتی است که ایمان و مقتضیات آن را در زندگی اش عملی نموده است پس خود را موظف به نهی نمودن افراد از هر آن چه زشتی و ناهنجاری خوانده می شود می داند تا بدین وسیله افراد را به کمال عزت و بیدار نمودن ایمان خفته درونشان رهنمون شود.

در مجموع می توان آمران و ناهیان را مسلمانان مکلف مسئول وظیفه شناس و حساس به اصول و ارزش های اساسی دین قلمداد نمود که به منظور ادای فریضه و وظیفه دینیشان به امر و نهی در حد توانایی و وسع خویش اقدام می نمایند.

ج- وظیفه آمران و ناهیان

از تعاریفی که از آمر و ناهی ارائه شد چنین بر می آید که وظیفه اصلی آن ها امر به ارزش ها و نهی از ضد ارزش ها به منظور رشد و پویایی جامعه اسلامی و در نهایت

1- احزاب / 45 - 46

اتخاذ دین در برنامه عملی زنـدگی آنان به عنوان منهج زندگی و تطبیق آن در حیات عملیشان می باشد اما چون آمران به معروف و ناهیان از منکر حاملاـن برنـامه هـایی انـد نه صـرفاً عقلی، بلکه برنامه ای فکری – عملی از یک طرف و از طرف دیگر جوهر امر یا نهی ایشان تطبیق عملی آن در زنـدگی است بنابراین امر یا نهی آن ها به تنهایی در کارشان کافی نیست و نخواهد بود هر چند که لازمه و اصل برنامه هایشان را تشکیل می دهد.

آن چه مقتضـیات فراینـد امر و نهی آمران و ناهیان به منظور دگرگونی، تغییر و تحول و اصـلاح را تشـکیل می دهـد قبل از هر چیزی عملی کردن و تطبیق آن موارد در زنـدگی فردی و سـپس فراخوانـدن و درخواست از دیگران بر تمسک به آن و تلاش در جهت عملی کردن آن در حیاتشان می باشد.

جایگاه آمران به معروف و ناهیان از منکر در قرآن و سنت

آن گونه که پیشتر نیز اشـاره شـد اگر مخاطبـان رکن نخستین و آغـازین فریضه امر به معروف و نهی از منکر هسـتند پس آمران به معروف و ناهیـان از منکر نیز رکن دوم این فریضه به شـمار می رونـد امر به معروف و نهی از منکر بـدون «آمران و ناهیان» نه تنها ممکن نیست بلکه اساساً انجامش غیر ممکن خواهد بود؛ چرا که ستون انجام هر امر ارزشی و نیکی فرد مؤمنی است که به انجام عملش ایمان دارد ایمانی که احساساتش را تحت الشعاع قرار داده است و وجدانش بر آن مسیطر و تأثیرش در تمام جوانب در راستای سوق به ارزش ها به حدی نمایان است که او الگوی واقعی آن ارزش است که به آن ایمان دارد.

در واقع آمران به معروف و ناهیـان از منکر را می توان رائـد، پیش آهنگ و پیش قراولانی دانست که با توصـیه، پنـد، امر و فرمان هایشان در جذب هدایت و دعوت افراد به سوی امور ارزشی و معرفتی شایستگی عنوان افرادی با عزت و شرف را کسب می کنند که فراخواننده افراد به سوی ارزش های الهی و ناهیان از امور ضد ارزشی اند.

به تعبیر دیگر می توان آمران به معروف و ناهیـان از منکر وظیفه شـناس را چون سایر گروه های دعوت کننـده به امور راستین اسـلام وارثان واقعی و حقیقی انبیاء و اولیای دین دانست؛ چرا که ،ایشان ادامه دهنده راه این بزرگوارانند. اینان نه تنها

فرمان دهندگان و وسیلهٔ هدایت افراد به سوی ارزش ها و معروف هایند که تمام تلاش خویش را نیز در این راستا به کار می بندند پس آنان صادق ترین مردم و راهشان بزرگ ترین راه و در نتیجه اعمالشان مستمد از دستورات و فرامین الهی است و این چنین است که در قرآن جایگاهشان با آیات الهی مورد تقدیر قرار گرفته شده است «بهشت گرفتن بر شما مبارک باشد و خود به این معامله بشارت دهید که رستگاری بزرگی است». (1) سپس در ادامه می فرماید: «این مؤمنان جان برکف هم از لغزش های خود توبه می کنند، هم خدا را می پرستند و ستایش می کنند و هم اهل روزه رکوع و سجودند، این افرادند که امر به معروف و نهی از منکر می کنند و حدود الهی را پاس می دارند و بشارت ده مؤمنان را». (2)

در حقیقت، آمران به معروف و ناهیان از منکر سخن علی علیه السلام را در رسیدن به این جایگاه باور داشته اند که (إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَخُلُقَانِ مِنْ خُلُقِ اللَّهِ)؛ امر به معروف و نهی از منکر دو صفت از صفات خداست» (3) و چه زیبا آنان این فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله را پیرامون جایگاه خود عینیت بخشیده اند که: «کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند جانشین خداوند در زمین و جانشین رسول خدا و جانشین کتاب خدا می باشد». (4)

آمران به معروف و ناهیان از منکر نمی خواهند برکت از زمین گرفته شود: «امت من همواره در خیر و نیکی است تا آن گاه که یکدیگر را به معروف امر کنند و از منکر باز دارند و یکدیگر را در انجام نیکی ها یاری نمایند و اگر چنین نکردند، از آنان برکت گرفته می شود» (5) و چه ارزشمند است جایگاه این آمران به معروف و ناهیان از منکر؛ چرا که دنیا و آخرتشان سالم است زیرا این کلام علی علیه السلام است که: «هرکس سه خصلت در او باشد، دنیا و آخرتش سالم می ماند: 1. امر به معروف کند و خود نیز بدان عمل نماید، 2. نهی از منکر نماید و خود هم ترک نماید، 3. عامل و حافظ

1- توبه/ 111.

2- توبه / 112.

3- نهج البلاغه، خطبه 155

4- طبرسی، مجمع البیان، ج 2، ص 484

5- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 11، ص398.

حدود خداوند بزرگ باشد». (1)

اهمیت و ضرورت آسیب شناسی آمران و ناهیان

اهمیت و ضرورت بحث دربارهٔ آسیب شناسی آمران و ناهیان در حقیقت به جایگاه و نقش ایشان در جامعه جهت نهادینه نمودن ارزش ها بـاز می گردد؛ چرا که واقعیت این است که زنـدگی معنا و حقیقت خود را در پرتو حاکمیت ارزش هایی با صـبغهٔ دینی می یابـد و انسان با پـذیرش این امور و اطاعت از تعالیم آن به عالی ترین کمالات می رسد؛ چنان که از دیدگاه اسـلامی نیز ارزش ها و عمل به آنان محافظت کننده انسان از کژی و انحراف است: (اَلدِّینُ یَعْصِمُ) (2)؛ زیرا این ارزش ها برخاسته از دینی است که برترین ستون و تکیه گاه آدمی است: (اَلدِّینُ أَقْوَی عِمَادٍ) (3)؛ عامـل نجـات انسان است: (مَنْ لاَ دِینَ لَهُ لاَ نَجَاهَ لَهُ)، (4) بهترین همنشـین و همدم است: (نِعْمَ اَلْقَرِینُ اَلدِّینُ)؛ (5) نـور دل و جـان است: (اَلـدِّینُ نُورٌ) (6) و برترین مطلـوب است (اَلـدِّینُ أَفْضَـلُ مَطْلُوبٍ). (7) لـذا لـذا با انـدک تأملی در معنای این ،جملات ضـرورت بحث دربارهٔ آسـیب شناسـی پیرامون آمران و ناهیان و عملکرد آنان معلوم می شود؛ چرا که وجود آسیب در هر یک از ایشان می تواند در انحراف جامعه نقش آفرین باشد از این رو شـناخت آسـیب ها در آمران و ناهیان از منکر می تواند دسـتمایه خوبی برای پیشـگیری از آفت زایی در اشاعه امر به معروف و نهی از منکر و نیز بسط ترویج توسعه و در نهایت نهادینه شدن این فرهنگ باشد. چنان که امام علی علیه السـلام در یک کلام بسیار معنادار می فرمایند: (مَنْ لَمْ یَعْرِفْ مَضَرَّهَ اَلشَّیْءِ لَمْ یَقْدِرْ عَلَی اَلاِمْتِنَاعِ مِنْهُ)؛ هر کس زیان چیزی را نشناسد قادر به خودداری و

1- علی بن ابی طالب، امام اوّل غرر الحکم و دررالکلم شرح خوانساری، ج 5، ص 440.

2- همان، ج 1، ص 9 و 342

3- همان، ج 1، ص 132.

4- همان، ج 5، ص363.

5- همان، ج 6، ص 158.

6- همان، ج 1، ص 57.

7- همان، ج 1، ص 58.

پیشگیری از آن نیست». (1)

مهمترین نشانه های آسیب مندی در شخصیت آمران و ناهیان

اشاره

شناخت «آسیب شناسی آمران و ناهیان» بدون توجه به برخی نشانه های آسیب مند در ایشان کاری ناقص است چنان که در بیماری های جسمی شناخت علائم بیماری لازمه شناخت علل پدیدآورندهٔ آن است. در این زمینه نیز شناخت علائم ناهنجاری و نقصان تربیتی آمران و ناهیان لازمه شناسایی شاخص های آسیب زا در آنان است. شناسایی این ناهنجاری ها و اختلال ها هنگامی ممکن است که پیش از آن هنجارها و میزان ها که به مشابه بنیادهای اساسی تربیت خود هستند، نیز شناسایی شوند با وجود این و به تناسب موضوع مقاله تنها به مهمترین نشانه های آسیب مندی در شخصیت ایشان خواهیم پرداخت توضیح این نکته نیز لازم است که فهرست کردن همه ناهنجاری ها و آسیب مندی ها در آمران و ناهیان کاری بس مهم و دشوار است که مجال و توانی بیشتر می طلبد:

تردید در آموزه ها و اعتقادات دینی

نتیجه تربیت دینی صحیح در آمران و ناهیان اعتقاد قلبی و عمیق ایشان به آموزه ها و ارزش های دینی است. هر قدر تربیت دینی ایشان قوی تر باشد و به اصطلاح روان شناسان درونی شده و رسوخ یافته باشد دینداری آنان نیز پایداری بیشتری خواهد داشت. از این رو در بیان اهمیت ارزش ها و توصیه به آن و نیز ترک ضد ارزش ها و دوری از منکرات به یقین و اطمینان کامل سخن می گویند و متربی و مخاطب خویش را به زیبایی قانع می کنند و زمینه هدایت آنان را فراهم می نمایند؛ چرا که در برخی موارد خلاف این روحیه در آمران و ناهیان مشاهده می شود، یعنی آنان خود نخست به آن درجه از یقین در آموزه ها اعتقادات و ارزش های دینی خویش نرسیده اند پس کلام آنان در توصیه به معروف ها و ترک منکرات از آن نفوذ و جذبهٔ کافی برخوردار نیست همان گونه که آمده است (ثَبَاتُ اَلدِّینِ بِقُوَّهِ اَلْیَقِینِ)؛

1- علی بن ابی طالب امام اول، غرر الحکم و دررالکلم، شرح خوانساری، ج5، ص419.

پایداری در دین به قوت یقین بسته است»، (1) همچنین: (بِالْیَقینِ تَتِمُّ الْعِبادَهُ)؛ «عبادت، با یقین کمال یابد». (2)

نکته مهم این است که یقین چیزی غیر از علم (شناخت) محض است و از این رو نباید آن را با معلومات دینی و انباشتن آن ها در ذهن آمران و ناهیان یکسان دانست. حفظ کردن و به خاطر سپردن امور و آگاهی از آن ها هیچ گاه به معنای یقین به آن ها نیست. یقین مرتبه ای از معرفت است که شدیداً با عمل و احساس پیوند دارد؛ چه با وجود یقین است که شک از قلب و روح آدمی رخت بر می بندد. با این بیان جای تعجبی نیست که هرکس آمر به معروف و ناهی از منکر در ترویج ارزش ها باشد، اما این علوم در عمل و احساس او بروز نیابد و در هنگامه های خطیر تردید او را فراگیرد، حتی شخص غیر مذهبی نیز می تواند دانش بسیاری دربارهٔ ارزش های اسلامی اندوخته باشد در آموزه های اسلامی نیز تردید از شاخصه های آسیب مندی در این زمینه است که حکایت از فقدان دینداری به معنای درونی نشدن آموزه ها و ارزش های دینی در روح و روان آمران و ناهیانی می کند که می خواهند برای هدایت جامعه گام بردارند (فَاقِدُ اَلدِّینِ مُتَرَدِّدٌ فِی اَلْکُفْرِ وَ اَلضَّلاَلِ)؛ «بی دین در میانه کفر و ضلالت در تردید است». (3)

سستی در انجام تکالیف دینی

ارزش مداری حقیقی اعمال، گفتار، کردار و رفتار آمران و ناهیان گذشته از اعتقاد قلبی به آموزه های دینی مستلزم پایبندی عملی ایشان به تکالیف دینی - ارزشی نیز هست و چنان که اشاره شد، وقتی سخن از اعتقاد و باور دینی می رود فقط شناخت و آگاهی از دین و ارزش های نهفته در آن مقصود نیست، بلکه مراد حالتی درونی در آمران و ناهیان است که با عمل و احساس دینی اینان شدیداً پیوند خورده باشد.

بدون تردید ثمرهٔ تربیت دینی صحیح در این گروه جز این نیست. با وجود این در میان برخی آمران و ناهیان به افرادی بر می خوریم که یا در انجام دادن تکالیف

1- علی بن ابی طالب امام اوّل، شرح غرر الحکم و دررالکلم شرح خوانساری، ج 3، ص 350.

2- همان، ج 3، ص 301

3- همان، ج 4، ص 416.

دینی، سستی روا می دارند و به تعبیری با اعمال و مناسک دینی تنها با جنبه ابزاری دین و شعارگونگی در توصیهٔ مردم به ارزش ها برخورد می کنند و پاره ای اوقات نیز این گروه به برخی از تکالیف ارزشی که آن ها را خوشایند خود می دانند، عمل می نمایند و از بخش دیگر این امور که انجام دادن آن ها را ناخوشایند می دانند، دوری می نمایند از باب نمونه سرزدن برخی رفتارها از این گروه در بعضی مراسم مذهبی یا نمازهای جمعه و جماعات که تنها به امر و نهی مردم بعضاً با برخوردهای تند و نامناسب پرداخته و به هنگام ادای فریضه واجب (مثلاً نماز) نه تنها با مردم همراه نمی شوند که گاه با آشفته و شلوغ کردن جو و پُرگویی های بیهوده و بی مورد، دیگران را نیز از انجام صحیح فریضهٔ واجب باز می دارند و پس از اتمام مراسم در حالتی که ادای واجب را ننموده اند از جماعت و حتی جلوتر از مردم صحنه را ترک می کنند؛ به واقع نوجوان یا جوانی که به تازگی در این گونه مراسم جذب شده اند چه برداشتی از برخورد این افراد به عنوان آمران و ناهیان و مبلغان ترویج ارزش های ناب و اصیل اسلامی می نمایند؟

بدون تردید چنین رفتارهایی از سوی آمران و ناهیان علاوه بر تأثیرگذاری منفی در جامعه، نشان از دینداری ناقص و ثمره تربیت دینی ناصواب ایشان است. «تهاون در دین» از مواردی است که در کلام امام علی علیه السلام شدیداً نکوهش شده است: (مَا أَوْهَنَ اَلدِّینَ کَتَرْکِ إِقَامَهِ دِینِ اَللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَضْیِیعِ اَلْفَرَائِضِ)؛ «هیچ چیز مانند ترک برپایی دین خدا و ضایع کردن فرایض دین را خوار نمی کند». (1)

عدم پایبندی به هنجارهای دینی

از دیدگاه اسلامی ارزش ها فقط انجام دادن شعائر و مناسک نیست، بلکه بخش عظیمی از این مسئله در اخلاقیات تجلی می یابد و اساساً هدف از رسالت پیامبر اکرم علي صلی الله علیه و آله تمیم مکارم اخلاقی است به همین جهت و با نگرش کلان به مجموعهٔ آموزه های اسلامی به وضوح می توان دریافت که آمر و ناهی انسانی اخلاقی هم هست و قطعاً ایشان باید بیش از دیگران قواعد اخلاقی را پاس بدارند حتی بالاتر از این برخی آموزه های دینی محصول ایمان را منوط به سطحی از اخلاق فردی

1- علی بن ابی طالب، امام اول، شرح غرر الحکم و دررالکلم، شرح خوانساری، ج6، ص112.

می دانـد. در آموزه های اسـلامی نیز به این مسـئله به صـراحت تأکیـد شـده است که نه تنها اخلاقیات فاسـد مانع تکوین و بروز دینداری حقیقی و بسط و توسـعه و نهادینه شدن ارزش هاست بلکه آمران و ناهیانی (که موضوع بحث ما هستند) که از اخلاق صحیح بی بهره اند به معنای حقیقی کلمه دیندار هم نیستند (لاَ أَمَانَهَ لِمَنْ لاَ دِینَ لَهُ)؛ «برای بیدین امانتی (اعتمادی) نیست» (1) و نیز: (مَنْ لاَ دِینَ لَهُ لاَ مُرُوَّهَ لَهُ) «بی دین، مروت ندارد» (2)

از این رو هرگاه رفتار آمران و ناهیان با ضعف اخلاق حسنه در میان ایشان همراه بود باید در صحت فرایند تربیتی ایشان تردید کرد.

شاخص های آسیب شناسی آمران و ناهیان

اشاره

شاخص های آسیب شناسی در آمران و ناهیان را می توان از منظر غیر مستقیم و مستقیم بررسی نمود:

غیر مستقیم

اشاره

مقصود از شاخص های غیر مسـتقیم در آسـیب شناسـی درباره شخصیت آمران و ناهیان همهٔ آن جنبه ها و مواردی است که به زمینه های شخصـیتی و شخصی یا به امور سیاسی و اجتماعی ایشان مربوط می شود در ذیل به مهم ترین این شاخص های غیر مستقیم اشاره خواهد شد:

زمینه های شخصیتی و شخصی

پیش زمینه های ارثی نامناسب

شخصیت انسان محصول تعامل وراثت و محیط است بخشی از ساختار روحی و روانی انسان از طریق وراثت و بخش دیگر آن در تعامل بـا محیـط شـکل می گیرد. این که مثلاً در دین اسـلام بیشترین توصـیه هـای پیشوایـان دینی در خصوص توجه پیرامون انتخاب همسـر یا موضوعات گوناگون همچون: عفت پاکدامنی، (3) چشم پاکی و... و

1- علی بن ابی طالب امام اول، شرح غرر الحکم و دررالکلم، شرح خوانساری، ج6، ص403.

2- همان، ج 5، ص 191.

3- احزاب /59.

به ویژه وصلت با افراد با ایمان از خانواده های اصیل و ریشه دار شده است، به این دلیل است که پایبندی به ارزش های دینی از مهم ترین شاخص های ارثی پس از تولد افراد محسوب می شود به همین جهت پیش زمینه های ارثی نامناسب نخستین شاخص های غیر مستقیم در بعد شخصیتی و شخصی در آسیب شناسی پیرامون آمران و ناهیان همچون سایر افراد محسوب می شود چنان که در آموزه های اسلامی نیز اشارات روشنی به این امر وجود دارد (إِذَا كَرُمَ أَصْلُ اَلرَّجُلِ كَرُمَ مَغِيبُهُ وَ مَحْضَرُهُ)؛ «وقتی اصل و ریشه ،انسان شریف باشد نهان و آشکارش نیز شریف خواهد بود». (1) همچنین: (حُسْنُ الْأَخْلاقِ بُرْهانُ كَرَمِ الْأَخْلاقِ) «نیکویی اخلاق، دلیل پاکی و فضیلت در ریشه خانوادگی است» (2)

هوا و هوس و امیال نفسانی

نفس خود ناکرده ای رام ای فلان *** چون کنی تسخیر نفس دیگران

نفس را اول برو در بند کن *** پس برو آهنگ وعظ و پند کن (3)

تربیت نفس (خودسازی) مهمترین مسئله در شخصیت آمران به معروف و ناهیان از منکر است چرا که این امر از حیث رتبی و زمانی بر تربیت نفوس (ساختن دیگران) تقدم دارد فلسفه تربیتی اسلام ناظر به تعالی فرد و جامعه است. لیکن اولی را مقدم بر دومی تلقی می کند. چنان چه آدمی قادر به سلطه برخویشتن شود در پرورش دیگران نیز توفیق خواهد یافت.

بی تردید آمران و ناهیانی که قادر به خودسازی و تعالی خود باشند، در ترویج این فریضه موفق تر خواهند بود و در جلب اعتماد دیگران نیز از موفقیت چشمگیرتری برخوردار خواهند شد؛ و الا این مسئله خود به آسیبی جدی مبدل خواهد گشت که بعضاً قابل جبران نیست چنان که امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرمایند: «هیچ چیز مانند هوی و هوس، دین را تباه نمی کند» (4)

1- علی بن ابی طالب امام اوّل» غرر الحکم و دررالکلم شرح خوانساری، ج 3، ص188

2- همان، ج 3، ص392.

3- نراقی ملا احمد، مثنوی طاقدیس، ص 282

4- علی بن ابی طالب، امام اوّل، غرر الحکم و دررالکلم شرح خوانساری، ج 6، ص 72.

امام خمینی رحمه الله هم در این زمینه می فرمایند: «تا اصلاح نکنید نفوس خودتان را از خودتان شروع نکنید و خودتان را تهذیب نکنید شما نمی توانید دیگران را تهذیب کنید...» (1) پس رمز تقدم تربیت نفس بر تربیت نفوس در این زمینه (امر به معروف و نهی از منکر) توسط آمران و ناهیان را با توجه به بیانات حکیمانه مولا علی علیه السلام و حضرت امام رحمه الله می توان به دلایل ذیل تبیین نمود:

1. آمران و ناهیانی که راه و رسم خودسازی را آموخته و در شخصیت خویش آن را تحقق بخشیده اند بیشتر می توانند در جامعه در جهت ترویج و بسط ارزش ها و نهی از ضد ارزش ها تأثیر گذار باشند.

2. آمران و ناهیانی که مشقت ها و سختی هایی را در مراقبت نفس تحمل کرده اند، آن چنان از جاذبه کلام برخوردار هستند که گاهی یک تذکر لسانی، پند، توصیه و نصیحتشان دل های مشتاقان و جویندگان راه فضیلت را سرشار از جذبه و عشق به تعالی می کند.

3. آمر و ناهی خودساخته در طریق مبارزه با نفس به مراحلی می رسد که نشان از موفقیت او در این وادی دارد پس در این موفقیت جهت عملی شدن فریضه امر به معروف و نهی از منکر به جلب اعتماد دیگران نیز قادر خواهد بود.

انانیت و خودخواهی

لازمه تحول آدمی، شکستن دایره تنگ و بسته خودبینی و خودخواهی و گام نهادن در فراخنای بیکران خداخواهی و عبودیت است لازمه خداخواهی، نفی خودخواهی است از این روست که آمران و ناهیان باید در رسالت خود به آیات قرآن و رهنمودهای معصومان که انسان ها را به سوی او (خدا) فرامی خوانند تا به رشد و تعالی برسند، دقت و توجه بسیاری نمایند. چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیف رابطه این دو می فرمایند: برای دانایی مرد همین بس که از (خشم) خدا بترسد و برای نادانی او همین بس که مفتون خویش (خودخواه) باشد» (2) که متأسفانه در شخصیت برخی از آمرین و ناهیان این مسئله (انانیت و خودخواهی) مشاهده می شود.

1- خمینی رحمه الله، روح الله آیین انقلاب اسلامی، ص213

2- تنکابنی، راهنمای انسانیت، ص 253

عدم پرواپیشگی و پرهیزکاری

یکی دیگر از آسیب های غیر مستقیم در زمینه های شخصیتی و شخصی آمران و ناهیان عدم پرواپیشگی و پرهیزکاری است؛ چرا که هیچ چیز چون این امور نگهدار آدمی و راهبر او به سوی تعالی نیست، به طوری که امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می فرماید: (التُّقیَ رَئیسُ الْأَخْلاقِ) «پرواپیشگی سرآمدِ خُلق هاست» (1)

آمران و ناهیان باید بدانند آن چه آنان را به کمال مطلوب می رساند، در سایه تقوا به دست می آید و این امر کلید تمام درهای نیکبختی آدمی است؛ چرا که آنان با رعایت این امور در تشویق و ترویج به ارزش ها و نهی از ضد ارزش ها به درستی در پندار، گفتار و کردار دست می یابند و از هر انحرافی دور می مانند و در همه امور به عدالت سیر می کنند و زمینه و سبب کمالات فراوانی اولاً برای خود و ثانیاً نهادینه ساختن این وظیفه باشکوه برای دیگران خواهند شد پس اگر در این زمینه تقوا و پرهیزگاری را رعایت کنند مصداق این کلام زیبای علوی خواهند شد: (فَالْمُتّقون فیها هُمْ أَهْلُ الْفَضائِلِ)؛ «پرهیزکاران خداوندان فضیلت اند» (2)

نداشتن خلوص نیت

زان سبب فرمود آن شاه اجل *** نیت مؤمن بود به از عمل

زانکه او جان است و اعمال تو جسم *** نیت معنی بود کردار اسم (3)

در کتاب های فقهی و اخلاقی نیت به دو معنا اطلاق می شود:

الف. نیت به معنای قصد محقق عنوان عمل.

ب. نیت به معنای انگیزه و داعی بر عمل.

اخلاص، پاک کردن نیت از شرک و ریا است. اما نکته مهم این است که به فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله: «همانا اعمال وابسته به نیت است و برای انسان همان است

1- نهج البلاغه، حکمت 410

2- همان، خطبه 193.

3- نراقی، ملااحمد، مثنوی طاقدیس، ص 84

که قصـد کرده و هـدف قرار داده است». (1) تـأثیر نیت تـا آن حـد است که انسان به صـرف هواداری از گروهی در ثواب و عقاب با آن ها شریک می شود و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز می فرماید» «در روز قیامت مردم بر طبق نیات خود برانگیخته می شوند». (2)

بنابراین یکی دیگر از بایسته های با اهمیتی که برای آمران و ناهیان توجه به آن ضروری و ارزش آفرین است، پاکسازی نیت و دوری از ریا و ظاهرسازی است؛ چرا که نبود آن تبدیل به آسیبی جدی در اعمال گفتار و کردارشان خواهد گشت. پس توصیه به ارزش ها و احیای شعائر الهی امری عبادی است و عبادت بـدون قصد قربت و خلوص نیت هیچ گاه پذیرفته نمی شود؛ از این رو لازم است آمران و ناهیان اخلاص را که جوهر خـدایی است در خود پدیـد آورند و فقط برای رضای خداوند و خشـنودی پیامبر و امامان معصوم و نیز ترویج فرهنگ ارزشـی آنان رفتار نمایند تا عمل بی شائبه ایشان نزد خدا مقبول واقع شود؛ در غیر این صورت هیچ تأثیری در قلوب برجای نخواهد گذاشت.

دور بودن از متانت و و قار توأم با تواضع

«ای انسـان هرگز در زمین با کبر و غرور راه مرو که هر قـدر پا را محکم بر زمین بکوبی، آن را نمی توانی بشـکافی و هرچه گردن برافرازی به بلندی کوه ها نخواهی رسید» (3)

به عنوان یک فضـیلت اخلاقی، متانت و وقار توأم با تواضع برای آمران و ناهیان از منزلتی خاص تر جهت تأثیر گـذاری برخوردار است و از هر فرد که تجلی یابـد قابل تحسـین است ولیکن از ایشان که مروج ارزش ها و نیکی ها و برحـذر دارنده از زشتی ها و بدی ها هسـتند این عمل شایسـته تر است؛ چرا که تواضع نشانه شـرف و بزرگی انسان است و موجب جلب رحمت الهی می.شود پس ضـروری است ایشان (آمران و ناهیـان) در هنگـام تـذکرات لسـانی جانب متانت و وقار را نگهدارنـد و از به کار بردن عبارات نامناسب در برخوردهایشان پرهیز نمایند و مخاطبان را با تعبیرهای وزین

1- ترمذی، سنن ترمذی، ج 4، ص179.

2- ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج 2، ص 414

3- اسراء /37.

مورد خطاب قرار دهند؛ چرا که اگر عفت، متانت، وقار و تواضع را در این گونه برخوردها مراعات نکنند نه تنها ارزش ها را ترویج نداده اند، بلکه موجب دفع آنـان (مخاطبان) از ارزش ها و سوق دادن ایشان به ضـد ارزش ها و نیز سـبب به وجود آوردن آسـیب جبران ناپـذیری نیز شده اند.

پس آمران و ناهیان حتی باید در راه رفتن در نوع برخورد با دیگران نشسـتن و برخاستن و بالاخره در تمام شئون زندگی خویش کمال فروتنی و افتـادگی را رعـایت نماینـد و بداننـد که به فرمـایش امـام حسن عسـکری علیه السـلام «تواضع و فروتنی، نعمتی است که هیـچ گاه مورد حسادت قرار نمی گیرد» (1)

افراط و تفریط در ظاهر و پوشش

پاکیزگی لباس و ظاهری نیکو و آراسـته از مهمترین نشانه های شخصیت و فرهنگ انسان است و انسان ها به طور فطری زیبایی و آراستگی را دوست دارنـد و چه بسا افرادی که در برخورد اولیه با دیگران پیش از آن که به خصوصـیات باطنی او بنگرنـد خصوصـیات ظاهری اش را مـدنظر قرار می دهنـد از این رو حتی می توان گفت معمولاً قضـاوت هـا و ارزیابی های اولیه بر روی ظاهر افراد است تا باطن آنان؛ حال آمران و ناهیانی که می خواهند به عنوان مروج ارزش ها در اجتماع ظاهر شوند و پیوسـته با افراد جامعه سـروکار داشـته باشند اگر نسبت به آراستگی ظاهر خود بی توجه باشند به گونه ای که افراد این گروه را به عنوان نماینده و مروج ارزش ها این چنین ژولیده، ناآراسته و نامناسب ببینند آیا سـخنان و تذکرات ایشان را خواهند پذیرفت؟ در حالی که یکی از ارزش های اسـلامی که بدان بسـیار توصـیه و تأکید شده است حفـظ ظـاهر و آراسـتگی است که از سوی برخی از این گروه به غفلت سپرده شـده است یا احیاناً در این راه افراط به خرج دهنـد و طوری لباس بپوشـند و ظاهر خود را آراسته سازند که دور از شأن واقعی یک آمر و ناهی است پس گروه اول (تفریط) و دوم (افراط) نمی توانند در کار خویش جهت نهادینه سازی فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر موفق باشـند؛ حال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام به عنوان بهترین نمادهای آراستگی و پیراستگی و نیز ساده پوشی و ساده زیستی ظاهری می توانند به عنوان

1- تنکابنی، راهنمای انسانیت، ص 157

الگوهایی برای آمران و ناهیان جهت زدودن این آسیب در این وادی قرار بگیرند.

انتقادناپذیری

انتقـاد، حرکتی است اصـلاحگرانه بـا قصـد پالایش و زنگار زدایی و نجات حقیقت چیزی از نفوذ باطل در حریم آن و برگردانـدن طبیعت شخص یا امری از آمیختگی به ناخالصی و غش به سوی خلوص و فطرت ناب آن. چه بسا انسان بر اثر حب نفس، در آغاز از توجه به انتقاد دیگران درباره خویش رنجیده خاطر شود؛ زیرا آن را نشانه نوعی شکست و عدم توفیق خود دانسته و اعتبار خود را در معرض خطر و تهاجم می پنـدارد در حالی که اگر خردمنـدانه بنگرد خواهد یافت که حتی همان «حب ذات» او را به قبول نقدهایی که از روی خیرخواهی و نیک اندیشـی بر او وارد می شود دعوت می کنـد چنان که در روایات و احادیث ائمه معصومین علیهم السـلام نیز از انتقادگری و انتقاد پذیری با اهتمامی ویژه سـخن رفته است به عنوان نمونه علیا در یک سـخن روان شناختی این گونه می فرماید: (دَاهَنَکَ فِی عَیْبِکَ عَابَکَ فِی غَیْبِکَ)؛ «کسـی که با چرب زبانی با تو روبه رو شود در پشت سر از تو بدگویی کرده و غیبتت را بازگو خواهد کرد». (1) امام صادق نیز می فرماید: (أَحَبُّ إِخْوَانِی إِلَیَّ مَنْ أَهْدَی إِلَیَّ عُیُوبِی)؛ «محبوب ترین برادران دینی ام نزد من کسی است که عیب مرا - با بازگو کردن آن - به من هدیه کند» (2)

بنـابراین با توجه به آن چه گفته شـد انتقادناپـذیری نشان عجب و خودخواهی و دلیل کم دانشـی برخی آمران و ناهیان است. پس ایشان در رسالتی که به آن ها محول گشـته است بایـد به انتقاد صـحیح و سازنده با کمال میل و رغبت توجه نمایند و در صدد رفع نواقص خویش نیز برآمده و برای نظر انتقاد و پیشـنهاد دیگران ارزش و احترام قائل ،شوند تا عدم رعایت این امر از سوی آنان سـبب آسـیب شخصیتی برایشان نشود.

1- علی بن ابی طالب امام اوّل غرر الحکم و دررالکلم شرح خوانساری، ج 2، ص418.

2- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 8، ص 413.

امور سیاسی و اجتماعی

ورود در جناح ها و احزاب

آمران و ناهیانی که به ترویج ارزش ها و نهی از ضدارزش ها آراسته شده اند باید توجه داشته باشند که از هر نظر اسوه و نماد خوبی ها باشند و به همین سبب مردم انتظار دینداری کامل تری از آن ها را دارند. پس بایسته و شایسته است بیشتر از دیگران پایبند به دستورات و تعالیم اسلام و ارزش ها باشند و مراقب باشند که از ورود به هرگونه جناح و احزاب سیاسی خودداری نمایند؛ چرا که گاهی در بعضی از جناح های موجود افراد فرصت طلبی هستند که در صدد اجرای مقاصدی غیر اسلامی می باشند، پس آمران و ناهیان به ویژه آنانی که در پست های حساس و کلیدی قرار دارند، باید مراقب باشند تا آلت دست این افراد واقع نشوند و تنها در حدود و وظایف و تکالیف شرعی خود به ترویج و بسط ارزش ها و پرهیز از ضد ارزش ها بپردازند تا به شکل غیر مستقیم آب به آسیاب دشمن نریزند.

برهم زدن انسجام و وحدت

یکی دیگر از بازتاب های آسیب شناسی سیاسی در آمران و ناهیان عدم انسجام و وحدتی است که در رفتار گفتار و کردار آنان در اجتماع مشاهده می شود؛ چرا که بعضاً از سوی برخی آمران و ناهیان مشاهده می شود که در تذکرات لسانی خویش به جای تأثیر گذاری و جذب افراد به ارزش های ناب اسلامی نه تنها سبب دفع گروه نخست می شوند بلکه اظهار نظرهای تفرقه برانگیز ایشان سبب ایجاد دشمنی، نفاق و عدم وحدت نیز خواهد گشت. این مسئله در حالی است که امام رضا علیه السلام مکرراً می فرمودند: «خدای رحمت کند آن که علوم و ارزش های ما را بسط و ترویج دهد». (1)

اجرای این آسیب توسط برخی از آمران و ناهیان در حالی است که در آموزه های هیچ مکتبی مانند اسلام، تا این اندازه بر وحدت، همدلی، همکاری و راه های به دست آمدن آن و نیز پرهیز از اختلاف دودستگی تفرقه و پیامدهای زشت آن تأکید نشده است؛ تا جایی که گفته اند: (بُنِی الاسلامُ عَلی کَلِمَتَینِ: کَلِمَهُ التَّوحیدِ وَتَوْحِید الکَلِمَه)؛ «اسلام بر دو پایه استوار گردیده است یکتاپرستی و یکپارچگی» پس وحدت و

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 2، ص 30.

یکپارچگی در فرهنگ اسلامی از چنان جایگاه بالایی برخوردار است که برخی ضرورت آن را با استناد به قرآن، امری فطری و لازمه فطرت پاک انسان تلقی می کنند. (1) قرآن مجید، امت اسلامی را به عنوان «امتی واحد» می ستاید (2) و حتی فراتر از ،این همه انسان ها را با همهٔ گونه گونگی شان دارای اصلی واحد و مشترک می داند.

پس آمران و ناهیان باید بدانند در این وادی نیز رسالت خطیری بر عهده ایشان است و در بیان تذکرات لسانی خویش بسیار محتاطانه عمل نمایند و طوری سخن نگویند که این وحدت و انسجام را از میان ببرند.

مستقیم

اشاره

بخش دیگری از آسیب شناسی آمران و ناهیان پیرامون شیوه های رفتاری و گفتاری ایشان است که با عنوان شاخص های مستقیم از آن یاد خواهد شد

شیوه های ناصحیح رفتاری

بی توجهی به وضعیت روانی مخاطب

رسول اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان بهترین انسان شناس که بر گسترهٔ خاکدان ظاهر شده، درباره انسان ها چنین فرموده است: (اَلنَّاسُ مَعَادِنُ کَمَعَادِنِ اَلذَّهَبِ وَ اَلْفِضَّهِ)؛ «مردم به سان کانهای طلا و نقره اند». (3)

کان طلا و نقره بودن به این معناست که در درون جان آدمیان چنین گنج های گران بها وجود دارد که تنها به کاویدن و استخراج نیازمند است و درست به همین خاطر حضرت امیر علیه اللسام نیز یکی از اهداف و برنامه های پیامبران را به فوران درآوردن عقول پنهان مردم دانسته است: (و لِیُثیرُوا لَهُم دَفائِنَ العُقُول)؛ «(پیامبران آمدند) تا اندیشه های پنهان مردم را به فوران درآورند». (4)

حال برخی از آمران و ناهیان در ابلاغ ارزش ها و پرهیز دادن از ضد ارزش ها نه تنها مخاطبان خویش را به تفکر و تعقل فرا نمی خوانند که حتی حالات روانی آنان

1- طباطبایی، المیزان، ج 2، ص 124.

2- انبیاء/ 92

3- کلینی، اصول کافی، ج 8، ص 177.

4- نهج البلاغه، خطبه 1

را نیز در نظر نمی گیرند و در این راستا با تلاش بیهوده سعی در اقناع اجباری افراد می نمایند و استدلالاتی غیر معقول غیر منطقی و ناموجه را در طرح موارد ارزشی خویش به کار می گیرند و شاید در این لحظات به خاطر بی توجهی آمر و ناهی نسبت به حالت مخاطب (مثلاً عصبانیت) حتی کار به درگیری و فراتر از این هم برود. پس این مسئله یعنی بی توجهی به وضعیت روانی مخاطب را می توان نخستین و مهمترین آسیب در شیوه های ناصحیح رفتاری از سوی آمران و ناهیان دانست.

تحکم و تحمیل نه حکمت و تحلیل

فراهم سازی بستر خردورزی در راستای ترویج و توسعه ارزش ها در سایه تحلیل آموزه های دینی حاصل می شود. بی تردید یکی دیگر از آسیب های مستقیم در بعد شیوه های ناصحیح رفتاری آمران و ناهیانی که کم و بیش از ایشان مشاهده می شود، این است که برخی از ایشان به جای زبان تحلیل تفهیم و بیان حکمت ارزش ها با زبان تحکم و تحمیل و همراهی آن با خشونت با مخاطبان سخن می گویند که نتیجه این عمل احساس ناامنی طرد، شدگی بدبینی افراد و فاصله گرفتن ایشان از هنجارهای ارزشی و نیز ایجاد مقاومت از سوی فرد را در برخواهد داشت.

به تعبیر دیگر آنان به هنگام تذکر لسانی ارزش ها را به صورت مطالب کلیشه ای و تکراری مطرح می کنند بدون آن که آن مسئله را به روشنی تحلیل کنند و به مخاطب بفهمانند با فقدان این دو عنصر مخاطب احساس می کند که باید چشم بسته قوانین و تعالیم و ارزش هایی را بپذیرد و در حافظه جای دهد مخاطبان هر قدر بیشتر اهل اندیشه ورزی باشند به شیوه تحلیلی علاقه فزون تری دارند ضرورت این امر (توجه به حکمت و تحلیل در توصیه به ارزش ها) به ویژه در فضای خردگرایی جاری جامعه و جوانان که تا حدی در فرهنگ راسیونالیسم غرب ریشه دارد، به خوبی محسوس است. اگر مخاطب متناسب سن خود، تحلیلی از موضوع ارزشی و یا ترک منکری دریافت نکند تأثیر اندکی از آن می پذیرد آمران و ناهیانی که چنین توانایی ندارند کمتر کار آنان به نتیجه می رسد.

در حالی که ایشان (آمران و ناهیان) باید بدانند که قرآن کتابی بصیرت بخش است که پیروان خود را به بینش کامل فرا می خواند بصیرت بخشی نه با تحمیل که با

تحلیل و هدایت شـنونده به روشـنی و آگاهی سازگار است (هَذَا بَصَائِرُ لِلنّاسِ وَ هُدًی وَ رَحْمَةٌ لِقَوْمٍ یُوقِنُونَ)؛ این قرآن بصیرت هایی است برای مردم و هدایت و رحمتی است برای گروهی که یقین آورند (1)؛ «بگو راه من این است که من و پیروانم با بصیرت کامل همه مردم را به سوی خدا می خوانیم خدای یکتا منزه است و من از مشرکان نیستم». (2)

تنهـا بـا اعمـال چنین شـیوه ای از سوی مروجـان ارزش ها و ناهیان از زشتی هاست که دین چارچوب پیـدا می کنـد و مردم می تواننـد از اختیارشـان اسـتفاده کننـد؛ در نتیجه دین و عمـل به ارزش های آن نیز صـبغه اجبار و الزام به خود نمی گیرد و همان گونه که افراد تعالیم و ارزش های دیگر را یاد می گیرند این ارزش های آمیخته با حکمت و تحلیل را هم فرا گرفته و در زندگی خویش عملی می سازند.

تحقیر مخاطب و جانبداری افراطی از نظریات خویش

یکی دیگر از آسـیب های مسـتقیم در شیوه های ناصحیح رفتاری آمران و ناهیان تحقیر مخاطب و جانبداری افراطی از نظریات خویش در مطرح نمودن ارزش ها است؛ به گونه ای که برخی از آمران و ناهیان هنگامی که در مقام اثبات ارزشـی هسـتند به گونه ای از آن جانبـداری می کننـد که شـنونده را نسـبت به صـداقت گوینـده در نقل قول مخالف بدبین می سازند اگر آمر یا ناهی در آغاز موضع گیری خنثی داشـته باشـد، از خنثی سازی کلام خود جلوگیری می کنـد برخی از آمران و ناهیان به سادگی و بـدون مقدمات لازم آرا و نظریات برخلاف ارزش مخاطبـان خویش را تحقیر و حتی حامیـان آنـان را هم سـرزنش می کننـد غافل از آن که سـرزنش تقویت حس لجاجت و عـدم پـذیرش حقیقت برای نهادینه سازی ارزش ها و ترک منکرات را در پی دارد چنان که علی علیه السـلام می فرمایـد: (اَلْإِفْرَاطُ فِی اَلْمَلاَمَهِ یُشِبُّ نِیرَانَ اَللَّجَاجَهِ)؛ «افراط و زیاده روی در سرزنش آتش عناد را شعله ور می سازد» (3)

1- جانیه / 20.

2- یوسف / 108

3- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص 82

غفلت از بحث و گفت و گو و تبادل آراء و نظریات

پاره ای از آسیب های ناصحیح رفتاری از سوی آمران و ناهیان در پی عدم به کارگیری شیوه های درست بحث و گفت وگو و تبادل آراء و نظریات پدیدار می شود. در انتقال ارزش ها از سوی آمران و ناهیان به این روش کمتر بها داده می شود و به تعبیری آمران و ناهیان نقش سخنگویانی یک طرفه را عهده دار می شوند و اجازه بحث و طرح نظر را به نفر مقابل نمی دهند.

در نتیجه مخاطبانی که دعاوی مخالف و پرسش های ویژه در باب ترک ضد ارزش ها و عمل به ارزش ها را دارند فرصت طرح آزادانه سخنان خود و شنیدن پاسخ آن ها را از سوی آمران و ناهیان ندارند؛ در حالی که به دلیل چالش زدایی موضوعات ارزشی شایسته است به این ،روش از جانب ایشان حیات تازه ای دمیده شود. همان گونه که قرآن کریم نیز مخالفان خود را به ارائه دلیل و برهان فرامی خواند: «آیا آن ها خدا معبودانی برگزیدند؟ بگو برهانتان را بیاورید. این سخن من و سخن (پیامبرانی است) که پیش از من بودند». (1)

آمران و ناهیان باید بدانند که امامان ها علیهم السلام نیز به وفور از این مسئله سود می جستند و قوت ارزش های دینی را آشکار می ساختند. (2)

اکتفا به شیوه مستقیم

در توصیه به ارزش ها و نهی از ضدارزش ها آمران و ناهیان باید از روش های گوناگون مستقیم و غیر مستقیم بهره بگیرند؛ در حالی که در غالب برخوردها از سوی ایشان که به عنوان آسیبی جدی مطرح است در فراخوانی به ارزش ها و پرهیز از ضدارزش ها فقط شیوه مستقیم رایج .است همیشه وضعیت، اقتضای بیان صریح و قاطع را ندارد؛ به ویژه امر و نهی هایی که با عقاید و رفتار مخاطب اصطکاک شدید دارد. در این موارد سبک غیر مستقیم مؤثرتر است همه به توصیه و تذکری که خطاب به آنان نباشد، گوش می سپارند ولی حاضر نیستند که توصیه و امر و نهی خطاب به خود را بشنوند؛ به ویژه اگر با کوچکترین توهین و تحقیر همراه باشد که

1- انبیاء/ 24.

2- عیاشی، تفسیر عیاشی، ج 1، ص 319

تأثیر منفی نیز در پی دارد؛ چه رسد به رواج معروفی یا ترک منکری. جای بسی تأسف است که در برخورد بسیاری از آمران و ناهیان هنوز هم روش مستقیم بسی شایع تر است و در زمینه روش های غیر مستقیم به ندرت چاره اندیشی، برنامه ریزی و اعمال رفتاری از سوی ایشان مشاهده می شود گویا تنها راه نیل به مقصود در این عرصه برای برپایی این فریضه با ارزش بیان توصیه ها و امر و نهی های صریح و تند اخلاقی است و آمران و ناهیان غافلند از آن که سبک های غیر مستقیم که امروزه در جهان رواج دارد، کارآمدی ویژه دارد.

مقصود از امر به معروف و نهی از منکر غیر مستقیم آن است که آمران و ناهیان به عنوان کسانی که درصدد اصلاح و تغییر جامعه هستند مخاطب خود را مورد خطاب مستقیم قرار نمی دهند به فرموده امام صادق علیه السلام با آن که خطاب های قرآن به پیامبر صلی الله علیه و آله است، ولی به واقع مؤمنان مورد خطاب .هستند قرآن (به سبک به در بگو تا دیوار بشنود) است: (نَزَلَ اَلْقُرْآنُ بِإِيَّاکِ أَعْنِی وَ اِسْ مَعِی یَا جَارَهِ)؛ «قرآن به سبک این ضرب المثل عربی نازل شده است که می گوید به تو می گویم ولی ای همسایه تو بشنو» (1) امام صادق علیه السلام در جای دیگر می فرماید: «هر جا خداوند عزوجل پیامبرش را سرزنش کرده، مقصودش دیگران است؛ مانند آن چه در سوره اسراء آمده که می فرماید: اگر ما تو را ثابت قدم نمی کردیم نزدیک بود که به سوی آنان (کافران) متمایل شوی». (2)

سطحی و غیر مستمر

فرایند امر به معروف و نهی از منکر در بسیاری از موارد به طور سطحی و زودگذر است و در ذهن و ضمیر مخاطب جای نمی گیرد توصیه های ارزشی و بالعکس، توسط آمران و ناهیان تنها در زمان های خاص یا مقاطعی ویژه صورت می گیرد؛ از باب نمونه تذکر لسانی به بدحجابان یا بی حجابان در فصل گرم، در حالی که در فصول سرد سال هم شاهد پوشش های نامناسب از سوی این افراد (مخاطبان) با پوشیدن انواع پوتین های مارکدار، پالتوهای کوتاه و نامناسب، شال و کلاه بدون پوشیدن روسری یا مقنعه و.... هستیم پس با چنین عملکردی از سوی

1- کلینی، اصول کافی، ج 2، ص 630

2- همان، ج 2، ص 632

آمران و ناهیان آموزه های رفتاری مخاطبان به عادات سلوکی تبدیل نمی شود لذا شیوه مورد استفاده توسط آمران و ناهیان در بسیاری از موارد به گونه ای است که در یک مقطع خاص به کار گرفته می شود و نه زمان اقناع فکری و نه تربیت تا نیل به تثبیت قلبی و درونی سازی آن تا ارزش ادامه یابد. غافل از آن که حرکت ایشان در جاده نهادینه سازی امر به معروف و نهی از منکر مثل طی مسیری پر فراز و نشیب به سوی قله بلندی است که به رغم فراز و فرودهای تپه های بین راه سرانجام به قله ای مرتفع منتهی می شود؛ به این جهت اگر مخاطبان پیش از طی یک فراز رها شوند امکان ندارد به عقب بازگردند و به دامنه سقوط کنند. اصل استمرار، شیوه نزول وحی و سبک آموزگاران الهی بوده است که بسیاری از آمران و ناهیان متأسفانه آن را به بهانه این که ممکن است توصیه ها تأثیر گذار نباشند و ... رها می نمایند. در حالی که خداوند در یک دستورالعمل کلی خطاب به همگان می فرماید: (وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ)؛ و به تحقیق که ما قرآن را پیوسته فرستادیم، باشد که متذکر شوند. (1)

با این که سال هاست که آمران به معروف و ناهیان از منکر در جامعه با مردم همراهند، اما این جریان به درونی سازی ارزش ها و رفتارها در آن ها منجر نشده است.

روش های غلط گفتاری

آغاز نامناسب سخن

آغاز نامناسب سخن نخستین آسیبی است که آمران و ناهیان در روش های غلط گفتاری خویش از آن بهره می جویند؛ به تعبیری این مسئله همچون تیغی است که قلب مخاطبان بعضاً مشتاق را جریحه دار می سازد و آنان را به فغان و فریاد و شکایت از شیوه های گفتاری ایشان وا می دارد برخی از آمران و ناهیان کلام خویش را نیک نمی آغازند، بلکه به رغم وجود ارزش مشخص گاه برای سخن خود بعضاً با تعجب، چیز دیگری را تعیین و طرح می کنند یا به بیان آن مسئله به شیوه ای نامعقول اکتفا کرده و مخاطب را با این برخورد در بوته ابهام می گذارند؛ در حالی که باید موضوع کلی و سپس ریز موضوع جزیی طرح ارزشی خود را در طلیعه سخن برای مخاطبش

1- قصص /51.

روشن سـازد و این همان روش مهمی است که از سوی آمران و ناهیان چنـدان به آن توجه نمی شود و با گویش پراکنـده از محور ،بحث به امر به معروف و نهی از منکر اقدام می نمایند.

تبیین غیر دلنشین و فطرت ستیز

سبک تبیین غیر دلنشین و ناهماهنگ با فطرت از دیگر آسیب های مستقیم در روش های غلط گفتاری آمران و ناهیان است. آمران و ناهیان به تشـنگی روانی افراد توجه کـافی نداشـته و به احیـای فطرت خفته آنـان اقـدام نمی کننـد. آنان به عنوان مروجان معارف و ناهیان منکرات غافلنـد که بخشـی از مشـکل پذیرش محدودیت های ارزشـی توسط همگان و به ویژه جوانان تمایلات غریزی آنان است. زمینه شـناختی عـاطفی و گرایش فطری به ارزش هـا در همه افراد وجود دارد، ولی از دیگر سو کشـش هـای غریزی آنان به ویژه جوانان ایشان را به ارضای آزادانه غرایز مـادی سوق می دهـد؛ زیرا از جمله گرایش های حیوانی بشـر میل به آزادی از هر قیـد و بنـد اخلاقی و ارزشـی و محـدودیت رفتاری است؛ چنان که قرآن کریم می فرمایـد: (بَلْ يُرِيدُ الإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ)، (1) بلکه انسان می خواهـد (آزاد باشد و) مادام العمر گناه کند.

اجرای این روش تبیین غیر دلنشـین و فطرت ستیز می توانـد در برابر احیای گرایش های قدسـی - ارزشـی ،افراد سدی سـتبر باشد. در عین حال سـخن نافذ در فطرت همگان می تواند افراد را در برابر تمایلات افراطی ضد ارزشـی در هر مسئله ای به خروش آورد و عزم و اراده ای راسـخ و الهی و ارزش آفرین در آنان پدیـدار شود؛ اما روش رایـج آمران و ناهیان چنین نیست؛ چه بسـیارند آمران و ناهیانی که از وجدان و فطرت در توصـیه پند و تذکر لسانی بهره نمی برند و از روش های کاربردی قرآن فاصله می گیرند زبان قرآن در تعلیم آموزه ها و ارزش های خود زبان احیاگر فطرت خفته، به تأمل واداشـتن آدمی و آتش زدن به خرمن درونی آن هاست. امیر بیان و تقوی علی علیه السلام در طلیعه نهـج البلاغه به این حقیقت اشاره دارد: «ذات وارسـته خداونـدی از فرزنـدان آدم پیامبرانی را برگزیـد... تا میثاق فطرت توحیـدی را از آنان مطالبه کنند و نعمت های از یادرفته خداوندی را یادشان آورند و با تبلیغ حقایق

1- قیامت /5

توحیدی احتجاج کنند و عقل های مدفون را برانگیزانند و آیه های دقیق و سنجیده ای را در خداشناسی برایشان به نمایش گذارند». (1)

امام علیه السلام در این جا وظیفه انبیاء، آموزگاران دین و مروجان ارزش ها را در بیدارسازی فطرت خفته آدمیان ذکر کرده است.

غفلت از ظاهر آرایی کلام

برخی آمران و ناهیان فاقد آراستگی ظاهر کلام هستند؛ ابزاری که سخن را شنیدنی، بحث را چشیدنی و محتوا را خریدنی می سازد و غفلت از آن رغبت از مخاطب می ستاند امروزه در بازار اقتصاد، جایگاه بسته بندی کالا و ظاهر آرایی آن بر همگان روشن است بسا کالای کم ارزشی که به سبب بسته بندی دلربا به راحتی به فروش می رسد.

ارزش های اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیستند؛ بلکه راهکارهای عرضه آن ها بسی ثمر بخش تر و منطقی تر است. در چنین بازار رقابت فرهنگی بر سر ارزش ها آمران و ناهیانی که بهترین کالا (ارزش های اسلام) را در اختیار دارند، باید افزون بر ارزش محتوایی به ظرافت های عرضه و رنگ آمیزی های لازم نیز توجه داشته باشند؛ وگرنه صرف داشتن کالای مطلوب برای فروش در بازار جاری کافی نیست؛ زیرا بدترین کالاهای فرهنگی به دلیل تبلیغ بهتر بیشتر مخاطبان افزون تری را به خود جذب خواهند نمود.

تشتت در گفتار

فقدان نظم و انسجام در ارائه بحث از جانب مروجان فرهنگ ارزش ها و ناهیان از منکرات از آفات ثمر سوز آموزش ارزش هاست توجه به عدم انحراف از بحث در این گونه برخوردها توسط آمران و ناهیان بیش از سایر افراد است؛ زیرا زمینه تشتت و عدم انسجام در تعلیم ارزش های اسلامی بیش از سایر موضوعات وجود دارد؛ چون این ارزش ها با امور روزمره و رفتارهای اخلاقی پیوند بیشتری دارند، بدین جهت ممکن است فرد به آسانی از مسیر اصلی رشته کلام منحرف شود.

1- نهج البلاغه، خطبه 1.

برخی از آمران و ناهیـان نظمی از پیش تعیین شـده برای بحث ارزشـی خویش آمـاده نمی کننـد و هرچه به ذهنشـان ،آیـد در لحظه دیـدن ناهنجاری مطرح می کننـد. برخی نیز ضـمن سـخن به دلیل غفلت از اصل موضوع رشـته کلام را در تذکر و توصـیه گم می کنند و از نظم منطقی خارج می شوند؛ در نتیجه کلامی ارزشـی اما غیر منسـجم ارائه می دهند. هماهنگی در کلام را می توان از قرآن که متن آموزش و تربیتی دین است، فرا گرفت. نخستین امام همام که آموزگاری تمام و مثالی بی مثال است، قرآن را کتاب منسـجمی توصـیف می فرماید که بخش های مختلف آن هر یک مفسـر، مؤید و مرتبط با دیگری است (كِتَابُ اللّهِ ... يَنْطِقُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ، وَ يَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ) «کتاب خدا پاره ای از آن پاره ای دیگر را تفسیر می کند و برخی از آن بر برخی دیگر گواهی می دهد». (1)

پایان ناشیانه کلام

همان گونه که سخن از سوی آمران و ناهیان در نصیحت و توصیه به تارکان ارزش ها آغازی نیکو می طلبد پایانی پسندیده نیز می جوید اگر سخنی ابهام زاست و اشـکالی در ذهن شـنونده از سوی آمران و ناهیان تثبیت کرده است، ختم آن بـدون ایضاح کامل رشـته های آموزش ارزش ها را پنبه می کند. گاه آمران توصـیه به معروفی و ناهیان یک ضدارزش را به خوبی بیان می کنند ولی برای انتهای بحث پایانی ناشیانه را تـدارک می بیننـد با این که قرار است ارزشـی را جهت همراهی مطلوب در زمانی کوتاه ارائه دهد برای اجتناب از پایان ناشـیانه کلام این آمران و ناهیان تدبیری مناسب نیندیشیده اند؛ در حالی که قطع بحث در نقطه ای حساس، انگیزه مخاطب برای استفاده از این ارزش یا ترک ضدارزش را می کاهد و این یکی از همان آسـیب های مهم در شیوه مستقیم و غلط گفتاری آمران و ناهیان است که تأثیرات نامطلوب و به سزایی را بر مخاطب بر جای خواهد گذاشت.

به کارگیری واژگان غیر مأنوس

از دیگر آسـیب های موجود در روش های غلط گفتاری آمران و ناهیان در تذکرات لسانی و... به کارگیری واژه های سخت و نامانوس برای مخاطبان است. آنان بدون در

1- نهج البلاغه، خطبه 133.

نظر گرفتن مفـاهیم مـأنوس اذهان مخاطبان بر اساس واژه های ذهنی خود سـخن می گوینـد و به نظام واژگانی متناسب سن و فرهنگ آنان جهت جذب به ارزش ها و نهادینه شدن آن ها توجه ندارند وجود این آسـیب در گفتار آمران و ناهیان در آموزش باورهای مهم و ارزشی که بعضـاً حـاوی مفـاهیم انتزاعی و دیر فهم در بـاب اصول و فروع اعتقادی اخلاق نظام اجتماعی و سیاسـی است مشـکل مخاطبان (به ویژه مخاطبان باسـطح سواد کم و اطلاعات محدود) را مضاعف می سازد. منظور از نظام واژگانی مأنوس در فرهنگ ،خاص مفاهیمی است که در زندگی، محیط و فرهنگ مربوطه کاربرد بیشتری دارد.

کم نیستند آمران و ناهیانی که در دستگاه واژگانی در ترویج ارزش ها و انتقال مفاهیم مربوطه تابع خصوصیات ذکر شده نیستند در حالی که قرآن کریم به همگان و از آن جمله آمران و ناهیان می آموزد که به جای اسـتفاده از دسـتگاه واژگانی فلاسـفه، منطقیون، دانشـمندان و اهل علوم خـاص از قبیـل برهـان، قیـاس جزیی، کلی، علت، معلول، وجود، ماهیت و.... از واژه های مأنوس سـهل قابل فهم و درک اسـتفاده نمایند. قرآن از همین روش جهت جذب قلوب و هدایت بشر و تربیت او و تبیین راه های سعادت دنیوی و اخروی استفاده کرده است. اگر سایر لغات برای بسیاری ممکن است ناآشنا باشد، ولی این مفاهیم و لغات، مأنوس اذهان مختلف و آشنای اقوام گوناگون است که آمران و ناهیان باید در گفتارهای ارزشی خویش جهت تأثیر گذاری اصلاح و تغییر آنان (مردم) از این شیوه یاری جویند.

نتیجه گیری

بدون شک اجرای هر امری هنری یا کاری که بتواند سیمای پر ابهت اسلام و ارزش های موجود در آن را بیش از پیش نمایان سازد مطلوب بوده و هر گونه تلاشـی در راسـتای احیای این فرهنگ ناب می توانـد سودمنـد و اثرگذار باشد؛ البته نباید این نکته را فراموش کرد که سـخن گفتن از ارزش ها یا ضد ارزش ها روش و شـیوه خاصـی را می طلبد و برای طرح اجرا بسط و توسعه قطعاً نیازمند افراد آشنا به حقیقت الفبا راه و هـدف بوده؛ چرا که در غیر این صورت ترویـج ارزش ها یا نهی و توصـیه به دوری از ضد ارزش ها توسط اشـخاص ناآشـنا به اهداف نهایی جامعه اسلامی را

جهت تعالی و سعادت و رشد انسان دستخوش تحریف و آسیب می نماید لذا:

آن گاه که از این فرایند (امر به معروف و نهی از منکر) سخن می گوییم معنای رسالتی آمر و ناهی به عنوان انسان هایی مهذب و متعهد در راه معرفی و ترویج ارزش های اصیل و برحذر دارنده از زشتی ها و ناصافی ها برایمان تداعی می شود که به نیکی فرایند امر به معروف و نهی از منکر را با بینش عمیق و منطقی در فهم دینی کارآمد با عنصر عقل، عشق، خرد و معنویت گره زدهاند تا در تبیین ارزش ها و نهی از ضد ارزش ها کارشناسانه و آگاهانه گام بگذارند و از این طریق راه را بر هرگونه شبهه، پرسش و وسوسه ببندند.

بنابراین از آن جا که ساده ترین برنامه ها نیاز مبرم به اعمال و ارکان دارد، این فرایند نیز مستثنی از سایر امور نخواهد بود لذا اگر از یک سو آمران و ناهیان توانا، متعهد و دلسوز و وظیفه شناسی را می طلبد که به خوبی از جایگاه خویش آگاهند (قرآن و سنت) از سوی دیگر نیز مخاطبانی تیزهوش زیرک و مشتاق را داراست که هر سخن و رفتار پندآموز توصیه محور و تذکر گرا را بدون دلیل و علت پذیرا نیستند؛ پس اگر گروه نخست (آمران و ناهیان) که در طی پژوهش به آسیب شناسی آنان پرداختیم به خوبی و مهارت تمام سخنان ارزش محور خویش را با رعایت زمینه های شخصیتی و شخصی و نیز امور سیاسی و اجتماعی با کلیدواژه های زیباشناختی از ارزش های فضیلت محور اسلام و ظرایف و دقایق هوشمندانه در روش ها و شیوه های گفتاری و رفتاری مستقیم به مخاطب خود نرسانند قطعاً آسیب هایی را ایجاد می نمایند که دارای تأثیرات نامطلوب و فراوانی بر روی مخاطبان و از آن جمله جامعه هست زیرا همان گونه که گفته شد بی توجهی به شاخص های آسیب شناسی در زمینه های شخصیتی و شخصی و... نخستین چالش فراروی آمران و ناهیانی است که در فرایند امر به معروف و نهی از منکر به عنوان حاملان این رسالت ارزشمند محسوب می شوند. از سوی دیگر در بعد مستقیم این مسئله (آسیب شناسی آمران و ناهیان) در صورت نداشتن هندسه معرفتی و جامع و متناسب با مقتضیات زمان و مکان از سوی ایشان پیرامون شیوه های صحیح رفتاری و نیز روش های غلط گفتاری هم به سادگی نمی توان گذشت؛ زیرا این امور هم حکایتگر عدم نگرش جامع و مهندسی استراتژیک و راهبردی آمران و ناهیان در حوزه رسالتشان است.

ص: 296

پس اگر این نیروهای ارزشی که مروج فرهنگ و معارف اصیل اسلامی هستند، سعی در به حاشیه راندن رسالت اصلی خویش که بسط توسعه و گسترش فضایل و ارزش های اخلاقی - انسانی و نفی از ضدارزش ها و رذایل اخلاقی (جهت تشکیل جامعه ای متعالی و آرمانی) داشته باشند آن گاه تمامی عناصر و ماهیت رسالت ارزش محور ایشان، اعم از ظاهر و شاکله یا باطن و محتوای گفتار رفتار و کردار ایشان لبریز از ضدارزش هایی خواهد گشت که صد درصد با آموزه های کاربردی و ارزشی اسلامی ناسازگار است و راه ورود بیگانگان، دشمنان و دزدان ارزش ها که امروزه در صدد به چالش کشیدن حقیقت ناب اسلامی و از آن جمله ارزش های متعالی آن هستند را باز نموده و بدین ترتیب میدان مبارزهٔ فرهنگی را به آنان واگذار خواهند کرد. پس:

آمران و ناهیان به یاد داشته باشند که سخن گفتن از ارزش ها آموزه ها و گزاره های دینی و پند و توصیه یا نهی و اجتناب از آن ها نخست بدون توجه به مهمترین نشانه های آسیب مندی در شخصیت خویش و سپس بررسی شاخص آسیب با زیرساخت ها و زمینه های شخصیتی و شخصی و سپس عدم به کارگیری شیوه ها و روش شناسی رفتاری و گفتاری، پیامدهای منفی بر مخاطبان و به ویژه نسل جوان را متضمن خواهد شد و چه بسا ایشان را با اصل ارزش و سخنان مطروحه، بی اعتماد سازند و ترویج ارزش مورد نظر نه تنها نتیجه ای را به دست ندهد که عکس العمل معکوسی را نیز در برداشته باشد بنابراین آمران و ناهیان این دستورالعمل قرآنی را فراموش ننمایند که (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید چرا چیزی را می گویید که عمل نمی کنید. گفتن آن چه عمل نمی کنید دشمنی بزرگی نزد خداست، (1) تا این که رستگاری وعده داده شده و بهشت برین برایشان محقق شود. (2)

1- صف / 2-3

2- توبه/ 112.

منابع

1. قرآن کریم، ترجمه آیة الله مکارم شیرازی.

2. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.

3. آریان پور، عباس، فرهنگ کامل انگلیسی – فارسی، تهران، نشر امیرکبیر، 1382ش.

4. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، قم، نشر مکتبه بصیرتی، 1394ق.

5. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بی جا، نشر دار الاحیاء، بی تا.

6. انوری، حسن، فرهنگ روز سخن، تهران، نشر سخن، 1383ش.

7. البخاری، محمد بن اسماعیل صحیح بخاری شرح و تحقیق قاسم شماعی رفاعی، بی جا، نشر دار القلم، 1407ق.

8. الترمذی، محمد بن عیسی سنن الترمذی، بی جا، نشر دار الفکر، بی تا.

9. تنکابنی، فرید، راهنمای انسانیت، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، 1374ش.

10. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه، تصحیح و :تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بی جا، نشر دار الاحیاء التراث العربي، بی تا.

11. خمینی رحمه الله، روح الله، آیین انقلاب اسلامی، تهران، نشر آثار امام خمینی، 1376ش.

12. دژاکام، علی، تفکر فلسفی غرب از نظر استاد مطهری تهران نشر اندیشه، 1375ش.

13. طباطبایی، محمدحسین، المیزان في تفسیر القرآن، قم، نشر دار الکتب الاسلامي، 1393ق.

14. الطبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان في تفسیر القرآن، قم، نشر مکتبة المرعشی النجفي، 1403ق.

15. علی بن ابی طالب ،امام ،اوّل غرر الحکم و دررالکلم به شرح جمال الدین محمد خوانساری، مقدمه و تصحیح از میر جلال الدین حسینی ارموی تهران نشر دانشگاه ،تهران، 1360ش.

16. غرر الحکم و دررالکلم، عبدالواحد تمیمی آمدی، نشر مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بی جا، 1407ق.

17. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، نشر جاویدان، 1354ش.

18. العیاشي، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی تحقیق: هاشم رسولی محلاتی تهران، نشر المکتبة العلمیة الاسلامیه بي تا.

19. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، نشر دارالکتب العلمیه، 1388ق.

20. گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی عمومی ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، 1377ش.

21. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، قم، نشر دار الکتب الاسلامیه، 1408ق.

22. محسنیان راد، مهدی، ارتباط شناسی، تهران، نشر سروش، بی تا.

23. نراقی، ملا احمد مثنوی طاقدیس، تهران، نشر فرهومند، بی تا.

ص: 299

شناسایی روش های روزآمـد امر به معروف و نهی از منکر برای مقابله با تضـعیف اعتقادات و باورهای دینی در بین دانش آموزان شهر مشهد: احمد رمضانی فرخد- دکتر محمود مرویان حسینی

اشاره

*شـناسایی روش هـای روزآمـد امر به معروف و نهی از منکر برای مقابله با تضـعیف اعتقادات و باورهای دینی در بین دانش آموزان شـهر مشهد: احمد رمضانی فرخد- دکتر محمود مرویان حسینی (1)، (2)

بیان مسئله

دین به عنوان یک پدیده اجتماعی در طول تاریخ همواره از جایگاه ویژه ای در نزد اندیشـمندان برخودار بوده است. اندیشـمندان بسیاری در باب اهمیت دین و نقشی که دین در انسجام عاطفی بازآفرینی فرهنگی معناسازی و انسجام اجتماعی دارد، سخن به میان آورده اند. (3) در کشور مسـلمان نشـین ما که دین و تدین امری ریشه دار است حساسـیت نسـبت به باورهای دینی و حفظ آن ها امری حیاتی است؛ چرا که دین و ایمان دینی است که برای بشر آرامش به ارمغان می آورد و از درد و رنج های درونی او می کاهد.

پس از گذشت سه دهه از انقلاب اسـلامی در ایران که همه دست اندرکاران نظام جمهوری اسـلامی سعی و تلاش فراوانی در جهت رشد فضیلت های معنوی و حاکم گرداندن ارزش ها و باورهای دینی در نسل جدید به خرج داده اند، متأسفانه شاهد این

1- کارشناس ارشد علوم اجتماعی ahmad, ramezani60@gmail.com

2- رئیس سازمان تبلیغات اسلامی خراسان رضوی

3- مانند نظریه های وبر، دورکیم، کنت، ابن خلدون، سید جمال الدین اسدآبادی

هستیم که یک مجموعه از کشورها با تکیه بر قدرتی که دارند با تدارک مجموعه ای از برنامه ها و فعالیت های سیاسی یا اقتصادی و با هدف هجمه به بنیـان های فرهنگی یک ملت برای دستیابی به مقاصـد شوم سیاسـی و به منظور ریشه کن کردن فرهنگ ملی از طریق فراگیر کردن بی قیدوبندی فرهنگی هرزگی اخلاقی و فروپاشـی ارزشـی سـعی در نابودی هویت ملی دارند به طوری که در طول دهه گذشته نظام سلطه جهانی برای رسیدن به این اهداف (1) در سطح وسیعی ابزارهای متعدد خود را در تهاجم به بنیان های فرهنگی و اعتقادی مسلمانان به کار گرفته است و تحقیر جریـان ادب، هنر، فرهنـگ انقلابـی، اخلاـق اسـلامی، اعتماد به نفس، توکل به خـدا، ایمان، جهاد، شـهادت، ایثار و ولاـیت را در کشورهـای اسـلامی خصوصاً در کشورمان به گونه ای جـدی دنبال می کنـد تا در نتیجه آن انزوای عناصـر فرهنگی، ادیب و هنرمنـد و نیز منصـرف کردن جوانان مؤمن از پایبنـدی متعصـبانه به ایمان و اعتقادات خود که یکی از اهـداف مهم تهاجم فرهنگی است، محقق شود. (2)

در این بین بی تردید قشـرهای نوجوان و جوانان بیشتر مورد خطر آسیب این پدیده شوم هستند که این امر از دو جهت قابل تبیین است یکی از جهت محـدودیت تجربه و دیگری غلبه احساسـات بر فرد جـوان و ،نوجـوان که از این روی احساسـات ملکه وجـود آدمی می شود و با قـدرت تمـام او را مسـخر خود می نمایـد. نوجوانـان و جوانان حوادث و رویـدادها را از دریچه عواطف می بیننـد و تفسـیر می کننـد و در محاسبات آنان جاذبه ها و کشش ها جایگاه خاصی را اشغال می کند از سوی دیگر فقدان تجربیات اجتماعی موجب می شود که این گروه سنی نتواند معادلات پیچیده محیط ارتباطی خود را به دقت ارزیابی نموده و تحلیل کند، لذا در مواجهه با این گونه مسائل به ساده اندیشی و خوش بینی افراطی کشیده می شود. در همین راستا فرهنگ مهاجم غرب با استفاده از این ویژگی های تبلیغی روانشناسانه سعی در

1- مجلس نمایندگان ایالات متحده با تخصـیص بودجه سالانه به توسعه شبکه های ماهواره ای فارسی زبان ضدانقلاب به صورت مستقیم در امور داخلی جمهوری اسـلامی ایران مـداخله می کنـد زیرا این شـبکه ها با بهره گیری از ترفندهای تبلیغاتی تلاش می کنند زمینه های ناامنی های مـدنی در پنج سـطح صـنفی، دانشـجویی، قومی، فرقه ای و اجتماعی را فراهم کنند (پایگاه اطلاع رسانی حوزه رؤیت شده در تاریخ 89/8/29).

2- یعقوبی، آموزش سپاه.

فروپاشی نظام اعتقادی و فکری نسل جوان داشته و از طریق تهی ساختن آن ها از درون زمینه جذبشان را به مبانی فرهنگی بیگانه فراهم می آورد. بنابراین این مسئله بیش از هر عنصر دیگری تهدید جدی برای کشور و ملت ما به شمار می آید و اهمیت این موضوع تا به حدی بوده است که مقام معظم رهبری بارها با اشاره به تهاجم فرهنگی و مقولات شبیخون فرهنگی، (1) ناتوی فرهنگی (2) و جنگ نرم (3) لزوم بررسی این مسئله را به مسئولان گوشزد کرده و همواره از این مسئله به عنوان دغدغه دیرینه خود یاد می کنند. (4)

گرچه رهنمودهای رهبر فرزانه انقلاب در طول این سال ها سبب شده که هر روز شاهد برنامه های مختلف و تلاش های فراوانی در جهت اعتلای سطح فرهنگی جامعه و افزایش پایبندی اقشار مختلف جامعه و بالخصوص نوجوانان و جوانان به اعتقادات دینی باشیم، این که این برنامه ها و تلاش ها چقدر در برابر هجوم انبوه برنامه های مبتذل

1- «تهاجم فرهنگی مثل خود کار فرهنگی، اقدام بی سر و صدایی است که یکی از راه های تهاجم فرهنگی این بوده است که سعی کنند جوان های مؤمن را از پایبندی متعصبانه به ایمان که همان چیزهایی است که یک تمدن را نگه می دارد منصرف کنند و این در حقیقت همان شبیخون فرهنگی است» (سایت مقام معظم رهبری رؤیت شده در تاریخ 1386/10/11).

2- اصطلاح ناتوی فرهنگی در ادبیات سیاسی جهان دارای تاریخچه طولانی می باشد، اما این اصطلاح در ادبیات سیاسی ایران اصطلاح جدیدی می باشد که اولین بار مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان و دانشگاهیان استان سمنان در تاریخ 1385/8/18) مطرح کردند (سایت مقام معظم رهبری رؤیت شده در تاریخ 1386/10/11)

3- «در این جنگ نرم شما جوان های دانشجو افسران جوان این جبهه اید. نگفتیم سربازان، چون سرباز فقط منتظر است که به او بگویند پیش برود جلو عقب بیا، بیاید عقب یعنی سرباز هیچ گونه از خودش تصمیم گیری و اراده ندارد و باید هر چه فرمانده می گوید عمل کند نگفتیم هم فرماندهان طراح قرارگاه ها و یگان های بزرگ چون آن ها طراحی های کلان را می کنند. افسر جوان تو صحنه است؛ هم به دستور عمل می کند هم صحنه را درست می بیند؛ با جسم خود و جان خود صحنه را می آزماید. لذا این ها افسران جوانند؛ دانشجو نقشش این است حقیقتاً افسران جوان فکر هم دارند عمل هم دارند تو صحنه هم حضور دارند اوضاع را هم می بینند در چهارچوب هم کار می کنند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اساتید ،دانشگاه ها 8 شهریور 1388)

4- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان شورای عالی انقلاب فرهنگی (مورخ 1386/4/21).

و صـرف میلیون هـا دلاـر هزینه برای انحراف و کجروی جوانانمـان توسط اسـتعمارگران از طریق رسانه ها ماهواره ها (1) ورود کالاهای ،مسـتجهن راه اندازی سایت های ضداخلاقی و.... ثمربخش باشد قابل بحث و بررسـی است. بنابراین بدون تردید امروزه مبارزه با تهاجم فرهنگی به عنوان عامل تضعیف کننده اعتقادات دینی و مذهبی در بین جوانان یکی از برنامه های مهم و اساسی مدیران سازمان ها، نهادها پژوهشـگران عرصه هـای اجتماعی و بالخصوص مـدیران سازمان آموزش و پرورش محسوب می شود. برای تحقق این مهم ایجاد و به کار بستن راهکارهای روزآمد کاربردی و مناسب برای حفظ جامعه در برابر این تهاجم بسیار مهم ضروری می باشد.

بی شک در این راستا نهادینه کردن فریضه امر به معروف و نهی از منکر با توجه به سفارش های اکید قرآن (2) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السـلام می توانـد بهترین راه حـل باشـد به طوری که این اصـل را می توان اصل مشارکت اجتماعی برای دفع منکرات و اجرای خوبی ها نام نهاد (3) در این بین باید به یک مسـئله اساسی پرداخت و آن روزآمد کردن روش های امر به معروف و نهی از منکر (4) (به عنوان راهکار اصلی مقابله

1- هم اکنون 5/4 میلیون گیرنـده مـاهواره ای غیر مجاز در کشور فعال است و از 17 هزار و 666 شـبکه ماهواره ای جهانی نزدیک به سه هزار شـبکه در داخل کشور قابل دریافت است. از این تعـداد 380 شبکه به موسیقی 74 شـبکه به تبلیغات مد لباس و لوازم آرایش 273 شبکه به تبلیغ ادیان ساختگی و 235 شبکه به برنامه های مبتذل اختصاص یافته اند سایت خبرنامه دانشجویان (ایران رؤیت شده در تاریخ 1389/9/1). به گفته یک مقام آگاه در حال حاضر از تعداد کل کانال های ماهواره ای 11 شبکه آن به زبان فارسی علیه نظام اسلام ایران و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی برنامه پخش می کنند (هفته نامه بصیرت، ص 4)

2- «شـما بهترین امتی بودیـد که به سود مردم آفریـده شـده ایـد؛ (زیرا) امر به معروف و نهی از منکر می کنیـد و به خدا ایمان دارید» (آل عمران/ 110).

3- نتایـج پایـان نامه کارشناسـی ارشـد آقای رسولی نشان می دهـد که دو تعبیر کلیـدی «صـد عن سبیل الله» و «اضـلال عن سبیل الله» نمایـانگر موضوع تهـاجم فرهنگی در قرآن است که با تـدبر و بررسـی و تحلیل آیات و سـیاق های قرآنی و نیز روایات و احادیث اسـلامی مشخص شده است که قرآن بزرگ ترین راه مقابله با تهاجم فرهنگی را برگشت به دین و برپایی امر به معروف و نهی از منکر می داند.

4- نتایج تحقیق دیگر این محقق با نام «فراتحلیل تحقیقات صورت گرفته در باب تهاجم فرهنگی» که زیر نظر مؤسـسه خدمات مشاوره ای و پژوهش هـای جوانـان آسـتان قـدس رضوی در سال 1387 انجـام گردیـد، حـاکی از آن است که از مجمـوعه 30 پژوهشـی که توسط پژوهشـگران در دو شهر مشهد و تهران در مقوله تهاجم فرهنگی انجام گردیده در 23 پژوهش احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر، را به عنوان مهمترین و بادوام ترین راهکار مقابله با تهاجم فرهنگی غرب شناسایی کرده اند.

تضـعیف اعتقادات دینی به خصوص در حوزه جوانان) می باشـد زیرا بـدون تردید مقابله با روش های مدرن و جدید این پدیده شوم روش های کارآمـدی می طلبـد که توان مقابله با تهاجم فرهنگی غربیان را داشـته باشد لذا سؤال اصـلی ما در این تحقیق بررسـی و کشف روش های روزآمـد جدیـد و کاربردی امر به معروف و نهی از منکر برای مقابله با تضـعیف اعتقادات دینی در بین دانش آموزان دبیرسـتانی شـهر مشهد می باشد.

هدف پژوهش

پژوهش منبع اصـلی تولید دانش است. منظور از پژوهش فعالیتی خردمندانه منتظم است که به صورت نظری و تجربی در جهت تولید ایده ها و داده های بنیادی تجربی و توسـعه ای انجام می شود در جامعه در حال گـذار ایران که با مسائل عدیده اجتماعی، فکری، فرهنگی و ... مواجهه است پژوهش اجتماعی در جهت تولید اطلاعات علمی مورد نیاز برنامه ریزی های توسعه از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است. همچنین با توجه به این که پژوهش اجتماعی مسـتلزم در نظر گرفتن مجموعه ای از اهداف با توجه به ویژگی پدیده مورد بررسـی می باشد تحقیق حاضر نیز درصدد تحقق اهداف ذیل است.

- شـناسایی برنامه های ترویجی در راسـتای دستیابی به روش های روزآمـد امر به معروف و نهی از منکر برای مقابله با تضـعیف اعتقادات دینی در بین دانش آموزان دبیرستان های شهر مشهد

- شناسایی مهمترین کارگزاران برای تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش آموزان دبیرستان های شهر مشهد

- شناسایی مهمترین ابزارهای مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش آموزان دبیرستان های شهر مشهد

- شناسایی مهمترین کانال های ارتباطی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش آموزان دبیرستان های شهر مشهد

تعریف مفاهیم

دین

دین معـادل کیش، طریقت، مسـئولیت و مقابـل کفر است. اصـطلاحاً دین، مجموعه عقایـد موروث مقبول در بـاب روابـط انسـان با مبـدأ وجودی و التزام بر سـکوت و رفتار بر مقتضای آن عقاید است. (1) مسلمانان دین را عبارت از مجموعه قواعد اصولی می دانند که انسان را به پروردگار نزدیک می کنـد. شـهید مطهری ایمان و دین را این گونه تعریف می کنـد ایمان مـذهبی، پیونـدی است دوسـتانه میان انسان و جهان به عبارت دیگر نوعی هماهنگی است میان انسان و آرمان های کلی جهان. (2)

امر به معروف و نهی از منکر

برای بررسی معنای امر به معروف و نهی از منکر ابتدا لازم است معنای کلمات آن را بدانیم:

امر در لغت، به معنای دستور و فرمان است. معروف، به معنای هر عملی است که عقل و شرع آن را خوب و نیکو دانسته باشد که واجبات و مستحبات را دربر می گیرد نهی به معنای بازداشتن از چیزی (3) و منکر نیز در مقابل معروف و به معنای هر عملی است که شرع و عقل سلیم به قبح آن حکم کنند و با فطرت پاک آدمی نامأنوس و بیگانه باشد که شامل اعمال حرام و مکروه است. (4)

بـا توجه به آن چه گفته شـد معنـای امر به معروف و نهی از منکر عبـارت است از وادار کردن دیگران به اطاعت و منع آنان از گناه با زبان یا عمل، (معنای خاص). در مقابل معنای عامی هم برای آن ذکر شده و آن هرگونه تلاشـی است که فرد به منظور اثر گذاردن در دیگری انجام دهد به نحوی که او را وادار به انجام کار واجب کند یا از حرام بازدارد. (5)

1- سبحانی نیا، کارکرد دین در زندگی بشر، ص11.

2- مطهری مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، ص 16.

3- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص 48

4- ابن منظور، لسان العرب طریحی، مجمع البحرین.

5- مصباح آذرخش دیگر از آسمان کربلا

چارچوب نظری

قلمرو معروف و منکر

از آن چه در تعریف معروف و منکر گذشت روشن گردید که معروف و منکر دامنه وسیعی دارند و در محدوده مسائل فردی و عبادی باقی نمی ماند و منحصر به شرع نمی باشد. در کتاب های فقهی (مانند منتهی تذکرة، تحریر الاحکام) و کتاب های کلامی (مانند مناهج الیقین شرح اصول خمسه) معروف به هر کاری گفته می شود که علاوه بر نیکی آن انجام دهنده اش نیز آن را به وصف نیکی بشناسد، یا توسط دیگری شناسانده شود. نیز منکر به کاری گفته می شود که انجام دهنده آن خودش آن را به وصف زشتی بشناسد یا توسط دیگری شناسانده شود بنابراین معروف در مقابل منکر است که علاوه بر واجبات شامل مباح و مستحب نیز می شود. همچنان که منکر علاوه بر حرام شامل مکروه نیز می گردد.

بنابراین تعریف، امر به معروف و نهی از منکر به واجب و مستحب تقسیم می شود:

1) امر به معروف واجب نسبت به کارهای واجب

2) امر به معروف مستحب نسبت به کارهای مستحب

3) امر به معروف واجب، نسبت به کارهای حرام

4) امر به معروف مستحب نسبت به کارهای مکروه.

بنابراین می توان گفت آن چه از نظر عقل و شرع نیک و پسندیده است به طوری که حسن آن عمل از نظر عقلی درحد ضرورت و الزام باشد و از نظر شرعی نیز به حد وجوب رسیده باشد، در این صورت امر به آن واجب است و در غیر این صورت امر به آن مستحب است نه واجب.

معیار شناخت معروف و منکر

اشاره

از سه طریق می توان معروف و منکر را شناخت:

1. فطرت

یکی از راه های شناخت زشتی ها و زیبایی ها، خوبی ها و بدی ها بایدها و نبایدها فطرت است. سرشت و خلقت انسان به گونه ای است که ذاتاً ارزش خواه آرمان،جو

کمال طلب وجویای زیبایی هاست و از زشتی ها و منکرات اجتناب می ورزد.

ادیـان الهی بر اساس اهمیت فطرت، مطابق و هماهنگ با آن پیریزی شـده است و پیامبران الهی برای بیـدار کردن همین فطرت، برانگیخته شده اند؛ چراکه فطرت انسان بر اثر عوامل بیرونی (مظاهر حیات مادی سرگرمی های روزگار) و عوامل درونی (هواهای نفسانی، فراموشی) دچار سـردرگمی و ضـلالت می گردد. خداگرایی، خداشناسـی، حقیقت جویی، گرایش به فضایل انسانی و کارهای خیر تمایل به زیبایی و کمال مطلق از جمله گرایش های فطری و غیر اکتسابی بشـر به حساب می آیند. (1) سـرشت انسان بر خیر و راستی و درستی نهادینه شده است و آگاهانه یا ناآگاهانه خواسـتار آن است اگرچه به آن توجه و التفات نداشته باشد. فطرت سلیم در شناخت معروف و منکر خوب و بد بهترین ملاک و روشن ترین معیار است. (وَ نَفْس وَمَا سَوّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا) (2)

2. عقل

یکی دیگر از راه های شـناخت معروف و منکر عقل می باشد. یکی از امتیازات بزرگ بشـر بر سایر جانداران نیروی تعقل آن است عقل از دیدگاه قرآن و حدیث نور و روشـنی است که خدای متعال به ارواح انسان ها افاضه می کند. عقل در وجود آدمی قاضـی شـریف و منزهی است که قوت و توانـایی درک تمیز خوبی ها و بـدی های بسـیاری را دارد ایمان به خـدا و آن چه بر آن مترتب می شود تصـدیق پیامبران و اعتقاد به آن ها به واسـطه عقل بر انسان واجب می گردد. با عقل است که حق از باطل، شـر از خیر و هدایت از ضلالت مشخص می شود خوبی ها و بدی ها، پستی ها و شـرافت ها، واجبات و محرمات بدیهی عقلی است که به وسـیله عقل شناخته می شود. (وعَرَفوا بِهِ الحَسَنَ مِنَ القَبیحِ). (3)

از پیامبر نقل شده است: «پس در قلب انسان نوری واقع می شود که به وسـیله آن فریضه و سنت و نیک و بد را می فهمد آگاه باش که عقل در قلب چون چراغی

1- همان، ص 60

2- قسم به جان آدمی و آن کس که آن را منظم ساخته سپس فجور و تقوا را به او الهام کرده است. شمس / 7 8.

3- به واسطه عقل حسن را از قبیح می شناسند، کلینی، اصول کافی، ج 1، ص 33.

است در وسط اتاق». (1)

البته از نظر شیعه، عقل به تنهایی قادر به تحصیل سعادت انسان نیست عقل با هدایت وحی می تواند در تشخیص مصالح و مفاسد زندگی به کار گرفته شود.

3. دین (وحی)

کامل ترین و جامع ترین معیارها، در شناخت معروف و منکر دین می باشد؛ چه عقل و استعدادهای بشری به تنهایی برای هدایت انسان در عرصه زندگی کافی نیست اگر مشعل هدایت، به دست پیامبران بر سر راه انسان ها، روشن نمی گشت و راه از چاه نموده نمی شد حجت بر مردم تمام نشده و گمراهان در دادگاه عدل الهی عذری داشتند خداوند در قرآن کریم با اشاره به این نکته می فرماید: (رُسُلاً مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ لِئَلاـ يَكُونَ لِلنّاسِ عَلَى اللّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُل وَكَانَ اللّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا). (2) چون پیامبران، در مکان ها و زمان های مختلفی ظهور کرده اند هر یک به مقتضای آن شرایط به تبیین معروف ها و منکرها پرداخته اند. تعلیمات انبیاء یک سیر تکاملی داشته که با رشد و بلوغ فکری و اجتماعی بشر همراه بوده است. در نتیجه دین اسلام که تکامل یافته شریعت های پیشین است به گونه ای جامع و کامل معروف ها و منکرها، زشتی ها و زیبایی ها را روشن نموده است.

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قرآن

در قرآن کریم آیات متعددی در مورد امر به معروف و نهی از منکر آمده است که ضمن برشمردن اهمیت و عظمت این دو فریضه بزرگ اسلامی، آن را نشانه بهترین امت (3) و صفات مؤمنان (4) بیان می کند. (5)

امر به معروف و نهی از منکر از جمله احکامی هستند که در قرآن کریم یک مرحله تکاملی را سیر کرده است و به طور تدریجی تشریع شده و چندین سال طول

1- ملکی میانجی، توحید الامامیه، ص31.

2- نساء / 165

3- آل عمران / 110.

4- آل عمران / 113.

5- اعراف / آیات 159، 163، 164، 165 و 166، 190؛ آل عمران / 110، 113؛ لقمان /17.

کشیده تا به صورت کنونی واجب گشته است. در تاریخ تشریع این فریضه دو مرحله اساسی وجود دارد:

الف- دوره مکی، قبل از هجرت؛ ب دوره مدنی، بعد از هجرت.

سوره هـای مکی، معمولاً ـ درباره مسائل و اصول اساسـی دعوت و دین اسـلام از قبیل ایمان به خـدا، توحیـد، نبوت، مبارزه با بت پرستی، باورها و اخلاق سـخن گفته است و برعکس در سوره های مـدنی بر وظایف فردی و اجتماعی از جمله زکات جهاد امر به معروف و نهی از منکر اخوت و برادری تأکید شده است.

امر به معروف و نهی از منکر در دوره مکی زمینه سازی شده و در توصـیف و تمجید آن به صورت غیر مستقیم سخن رفته است اما در دوره مدنی که حکومت و جامعه اسلامی شکل گرفته بود به صورت دو حکم و فریضه الهی به تصویب نهایی رسیده و همه مسلمانان مکلف به انجام آن شده اند. (1)

تدریجی بودن تشـریع امر به معروف و نهی از منکر بیانگر آن است که این مسئله از اهمیت و عظمت خاصی برخوردار است که پذیرش و اجرای آن برای مردم سـنگین بوده و لـذا شارع مقدس ابتدا با تشویق به آن و گوشـزد به عواقب ترک آن، دل های مسـلمانان را آماده پذیرش نموده، سپس آن ها را ملزم به اجرای آن می نماید.

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در احادیث و روایات

در باب امر به معروف و نهی از منکر اخبار و روایات متواتر بسـیاری رسـیده است که مشـتمل بر اهمیت و وجوب امر به معروف و نهی از منکر عواقب ترک آن مراحل و آداب و شرایط آن می باشد. اینک پاره ای از روایات را می آوریم:

از پیامبر صـلی الله علیه و آله نقل شـده است که فرمود: «گروهی که معصـیت کننـد و در میان ایشان کسـی قادر بر نهی آنان باشد و نهی نکند، نزدیک است که خداوند همه آنان را دچار عذاب گرداند». (2)

باز در جای دیگر می فرماید: «حلال (سزاوار و شایسته) نیست، چشم انسان با

1- فولادیان، بررسی اصول و فروع دین در نزد جوانان شهر مشهد، ص 80 .

2- «ما من قوم عملوا بالمعاصـی وفیهم من یقـدر أن ینکر علیهم فلم یفعل الا یوشك أن یأخذهم الله بعذاب من عنده»، المحجة البیضاء، ج 4، ص 98.

ایمان هنگام دیدن معصیت خداوند به هم خورد مگر آن که آن را تغییر دهد». (1)

از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل شده است وای بر مردمی که متعبد و متدین به امر به معروف و نهی از منکر نمی باشند». (2)

حضرت علی علیه السلام در نامه ای به حسنین علیهما السلام می فرماید: «خدا را! خدا را! در جهاد در راه خدا، با مال، جان و زبان مورد توجه قرار دهید بر شما باد تا روابط خود را حفظ کنید و در راه خدا بخشش کنید و از قطع رابطه و اختلاف برحذر باشید. امر به معروف و نهی از منکر را وامگذارید که بدترین شما حکمرانی شما را به دست گیرند»! (3)

باز در جای دیگر می فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر دو صفت از صفات خدا هستند این دو قطعاً نه مرگ انسان را نزدیک می کنند و نه از رزق و روزی می کاهند». (4)

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود امر به معروف و نهی از منکر دو آفریده از آفریده های خدای عزوجل هستند. هرکس این دو را یاری نماید خداوند وی را عزیز کند و هرکس این دو را ترک کند، خدای عزوجل خوارش گرداند. (5)

روش تحقیق

اشاره

در علوم اجتماعی روش های متفاوتی برای تحقیقات علمی وجود دارد که به دو دسته بزرگ تحقیقات کمی و تحقیقات کیفی تقسیم می شوند هر محقق با توجه به موضوع مورد بررسی و شرایطی که در آن قرار دارد یک یا چند شیوه را برای بررسی

1- (لاَ یَحِلُّ لِعَیْنٍ مُؤْمِنَهٍ، تَرَی اللَّهَ یُعْصَی،فَتَطْرِفَ حَتَّی تُغَیِّرَهُ) نک حر عاملی، وسائل الشیعة، ج 11، ص 399.

2- (وَیْلٌ لِقَوْمٍ لاَ یَدِینُونَ اَللَّهَ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ اَلنَّهْیِ عَنِ اَلْمُنْکَرِ) مشکاة الانوار (ترجمه)، ج 1، ص 132.

3- (وَاللهَ اللهَ فِی الْجِهَادِ بِأَمْوَالِکُمْ وَأَنْفُسِکُمْ وَأَلْسِنَتِکُمْ فِی سَبِیلِ اللهِ وَ عَلَیْکُمْ بِالتَّوَاصُلِ وَالتَّبَاذُلِ وَإِیَّاکُمْ وَالتَّدَابُرَ وَالتَّقَاطُعَ. لاَ تَتْرُکُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْیَ عَنِ الْمُنْکَرِ فَیُوَلَّی عَلَیْکُمْ أَشْرَارُکُمْ، ثُمَّ تَدْعُونَ فَلاَ یُسْتَجَابُ لَکُمْ)، نهج البلاغه، نامه 47.

4- (وَإِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ، وَالنَّهْیَ عَنِ المُنْکَرِ، لَخُلُقَانِ مِنْ خَلَقِ اللهِ سُبْحَانَهُ، وَإِنَّهُمَا لَا یُقَرِّبَانِ مِنْ أَجَلٍ وَلَا یَنْقُصَانِ مِنْ رِزْقٍ) همان خطبه 156.

5- (الأمرُ بِالمَعروفِ والنَّهیُ عَنِ المُنکَرِ خُلُقانِ مِن خُلُقِ اللَّهِ عَزَّوجلَّ ، فمَن نَصَرَهُما أعزَّهُ اللَّهُ، ومَن خَذَلَهُما خَذَلَهُ اللَّهُ عَزَّوجلَّ)، مشکاة الانوار، ج 1، ص 130.

موضوع مورد مطـالعه انتخـاب می کنـد در پژوهش حاضـر نیز با توجه به شـرایط و موضوع مورد بررسـی از روش تحقیق کیفی و از روش تغییرات اجتماعی برنامه ریزی شده برای رسیدن به اهداف پژوهش خود استفاده کردیم.

1. روش تغییرات اجتماعی برنامه ریزی شده

روش تغییرات اجتمـاعی برنامه ریزی شـده یکی از نوین ترین روش های تحقیقات اجتماعی در راسـتای تولیـد کاربست های پژوهشـی و دستیابی به راهکارهای اجرایی تحقیقات به شـمار می آیـد مراد از تغییرات اجتماعی برنامه ریزی شده «تغییری قابل رؤیت در طول زمان به طوری که موقتی و کم دوام نباشـد و بر روی ساخت یا وظایف سازمان اجتماعی اثر گـذارد و جریان تاریخ آن را دگرگون سازد» می باشد. (1) تغییر اجتماعی برنامه ریزی شـده تغییری است که عامل یا کارگزار تغییر معطوف به علل خاصـی در هدف تغییر ایجاد می کند و آن را در زمان TO تا Tn از وضع موجود به وضع مطلوب (از نظر خود) انتقال می دهد. (2)

2. چارچوب تغییر اجتماعی برنامه ریزی شده

اشاره

فیلیپ کوتلر در دههٔ 70 میلادی پس از مطالعه طیف وسـیعی از روش های به کار رفته در حل مسائل اجتماعی پنج عامل مشترک را برای تمام دخالت های اجتماعی شناسایی می کند و آن ها را پنج یا عامل تغییر اجتماعی می نامد که عبارت اند از:

1) علت تغییر

یک موضوع اجتماعی است که فرد یا گروهی اعتقاد دارند پاسخ به یک مشکل اجتماعی است. (3)

در این تحقیق، علت تغییر، تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش آموزان دختر و پسر دبیرستان های شهر مشهد است.

1- روشه، مقدمه ای بر جامعه شناسی عمومی، ترجمه هما زنجانی زاده، ص 20

2- جوادی یگانه، تغییرات برنامه ریزی شده، ص 20.

3- جوادی، یگانه، تغییرات برنامه ریزی شده، ص 20.

2) کارگزار تغییر

افراد، گروه ها یا سازمان هایی که اولین مأموریت آن ها اقامه یک علت اجتماعی است و قصدشان تغییر دادن گروه هدف است. (1)

3) اهداف تغییر

موضوع تغییر اجتماعی است و کسانی است که کارگزاران تغییر قصد تغییر دادن آن ها را دارند. (2)

4) کانال های ارتباطی

کانال ارتباطی وسیله ای است که با آن پیام از منبع به گیرنده می رسد. بنابراین کانال های ارتباطی به عنوان وسایل برقرار کننده ارتباط، نقش ویژه ای می یابند. (3)

5) استراتژی های تغییر

خط مشی های اساسی که از سوی کارگزاران برای ایجاد تغییر در اهداف به کار گرفته می شوند که شامل:

- استراتژی های بازآموزی: این استراتژی ها به دنبال بیان بی تعصب حقیقت به قصد توجیه عقلی کنش تغییر هستند. (4)

- استراتژی های ترغیبی: بر خلاف استراتژی های بازآموزی استراتژی های ترغیبی، استراتژی هایی هستند که تلاش می کنند تغییر را از طریق روش هایی به وجود آورند که در آن ها تعصب نیز وجود دارد آن ها می کوشند تغییر را از طریق دلیل آوردن اصرار و تشویق شروع کنند، اما می توانند حقیقت را درست و یا کاملاً غلط منعکس نمایند. (5)

- استراتژی های قدرتی: استراتژی های قدرتی برای فراهم کردن همراهی گروه هدف از اجبار بهره می گیرند. (6)

1- همان، صص 27- 28

2- همان، ص 20.

3- همان، ص 35

4- همان جا.

5- جوادی، یگانه تغییرات برنامه ریزی شده، ص 35.

6- همان جا.

عکس

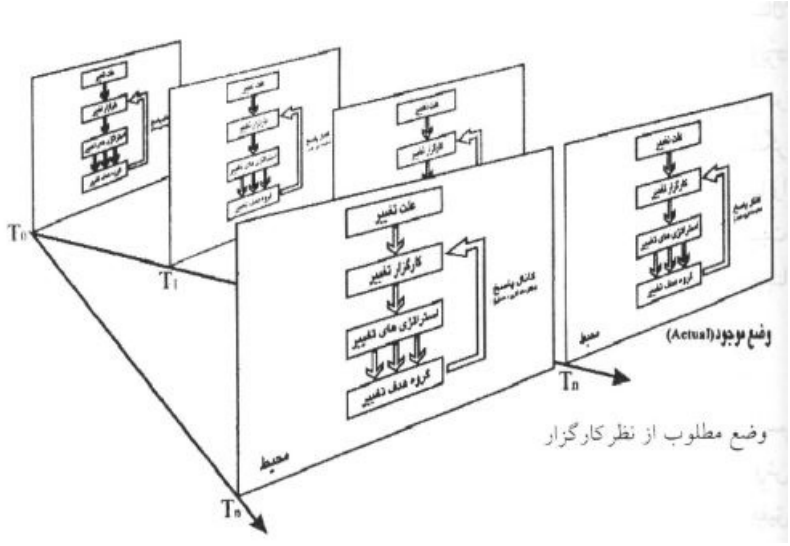

نمودار 1- تغییرات برنامه ریزی شده در حالت ایستا

عکس

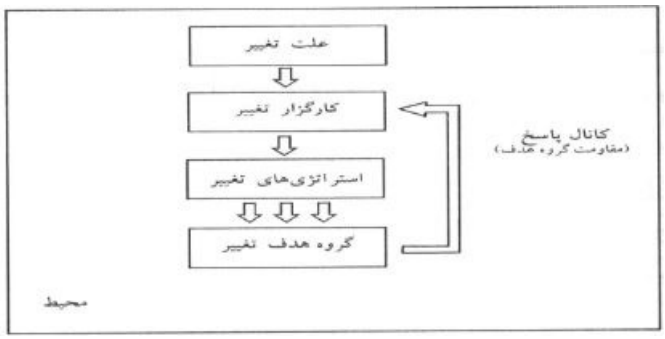

نمودار2- تغییرات برنامه ریزی شده در حالت پویا

جامعه آماری

از آن جایی که مقاله حاضـر با روش کیفی انجام شـده است، فاقد جامعه آماری و نمونه آماری می باشد به طوری که برخلاف تحقیق های کمی که محقق به دنبال

ص: 313

بررسـی و انـدازه گیری خصوصـیات و روابـط در جـامعه مورد مطالعه است به دنبال معنای واقعیت بوده و به همین جهت معرف بودن در تحقیق ما کاربرد.

بررسی چندانی نداشته است. به عبارت دیگر اندک بودن تعداد نمونه های مورد بررسی در این روش، ارزش آن را مخدوش نکرده بلکه یک نمونه تحقیق خود می توانـد نشانگر یک مقوله یا صـفت مفهومی باشـد و داشـتن چنـد مورد بیشتر می تواند این نشانه ها را تأیید کند. (1) محقق در این مقـاله بـا توجه به موضوع تحقیق و بـا توجه به حساسـیت موضوع مورد مطـالعه، حجم نمونه خود را انتخـاب نموده است که شامل مصاحبه با کارشناسان و صاحب نظر امر به معروف و نهی از منکر می گردد.

روش نمونه گیری

مـا در این تحقیق بـا توجه به موضوع مقاله از نمونه گیری گلوله برفی اسـتفاده کرده ایم که به قرار زیر است در این روش از اولین نمونه مورد مصاحبه که معمولاً به روش ساده انتخاب شـده است خواسـته می شود تا اگر افراد دیگری را که به موضوع تحقیق احاطه کامل دارنـد و در این عرصه صاحب فکر و اندیشه هسـتند، می شناسند، برای شرکت در مطالعه به ما به ما معرفی کنند. سپس از آن افراد نیز خواسته می شود تا به نوبه خود افراد دیگری را معرفی نمایند. (2)

بر این اساس، ما به صورت تصادفی نزد یکی از کارشـناسان و متخصـصان مسائل دینی و به خصوص مسـئله امر به معروف و نهی از منکر رفته و بعـد از مصاحبه با وی از ایشان می خواهیم در صورتی که فرد یا افراد دیگری را می شناسـند که دارای اطلاعات کافی برای راهنمایی ،ماست معرفی کنـد و در ادامه رونـد تحقیق به سـراغ فرد معرفی شـده رفته و پس از پایان مصاحبه دوباره از این شـخص نیز می خواهیم تا یکی دیگر را به ما معرفی کند و این کار را آن قدر ادامه می دهیم تا مصاحبه های ما حالت دوباره گویی به خود گرفته و دچار اشـباع نظری گردد. بر اسـاس روش گلوله برفی در این تحقیق، توانستیم با 20 نفر از صاحب نظران پژوهشـگران و مدیران عرصه های مختلف فرهنگی و آموزشی کارشناسان مسائل ارتباطات اجتماعی هنرمندان و

1- ذکائی، نظریه و روش در تحقیقات کیفی، ص 55

2- صانعی، اشرف السادات، روش شناسی تحقیقات کیفی در علوم پزشکی، ص 32

مدیران فرهنگی شهر مصاحبه کنیم تا به اشباع نظری (دوباره گویی در راهکارهای پیشنهادی) برسیم.

عکس

گروه‌های صاحب‌نظر	تعداد
مسئولان امر به معروف و نهی از منکر نواحی مختلف آموزش و پرورش	۵ نفر
جامعه‌شناسان	۲ نفر
روان‌شناسان و مشاوران	۲ نفر
کارشناسان مسائل ارتباطات اجتماعی	۲ نفر
هنرمندان	۲ نفر
صاحب‌نظران مسائل دینی	۲ نفر
مدیران و مسئولان صاحب‌نظر مدارس	۲ نفر
کارشناسان و مدیران فرهنگی شهر	۳ نفر

یافته های تحقیق

تمامی راهکارها و یافته های استراتژی های تغییر در راستای مقابله با تضعیف اعتقادات دینی به صورت جدول مطرح گردیده است.

عکس

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش‌آموزان، شماره ۱

گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
معلمان	آموزش و پرورش	کلاس‌های ضمن خدمت	آشنا کردن معلمان با راه‌های صحیح و نوین امر به معروف و نهی از منکر و آشنایی آن‌ها با نحوه آموزش آموزه‌های دینی	انتقال مفاهیم دینی، فرهنگی به دانش‌آموزان	بازآموزی

فرایند اجرای برنامه:

در این راهکار لازم است تمامی معلمان در تمامی مقاطع آموزشی مکلف گردند، در کلاس‌های ضمن خدمت که به‌صورت هرساله برگزار می‌گردد شرکت نمایند و در طول این دوره آموزشی با مفاهیم صحیح و نوین امر به معروف و نهی از منکر، روش‌ها و پیامدهای تهاجم فرهنگی و سایر آموزه‌های دینی آشنا شوند. از آن‌ها خواسته می‌شود، همواره در لحظات تأثیرگذار کلاس این مفاهیم را به دانش‌آموزان انتقال دهند، در این بین خود معلم نیز مکلف است به عنوان یک فرد مسلمان این اصول و مفاهیم را که به او آموزش داده شده، سرمشق رفتار و کردار خود سازد و در طول دوران آموزش از طریق رفتار و آموزش آن به دانش‌آموزان، آن‌ها را هدایت کند. مدیران امر به معروف و نهی از منکر نواحی مختلف آموزش و

ص: 315

عکس

پرورش نیز در این راهکار موظف هستند با رعایت اصول علمی تمامی معلمان را ارزیابی کرده و معلمان نمونه را که در انجام وظایف محوله کوشیده‌اند، مورد تقدیر قرار دهند. این راهکار با توجه به تکرار آن در طول یک ترم تحصیلی و تکرار و عمل آن از سوی معلمان مختلف یکی از مهم‌ترین راه‌های پیشگیرانه و نوین امر به معروف و نهی از منکر برای مقابله با تضعیف اعتقادات دینی به شمار می‌رود.

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش‌آموزان، شماره ۲

گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
دانش‌آموزان کم اعتقاد مذهبی دانش‌آموزانی که دیدگاه بد نسبت به روحانیت دارند	آموزش و پرورش حوزه و مدارس علمیه سازمان تبلیغات اسلامی	گروه مرجع	جهاد تربیتی	افزایش پایبندی به اعتقادات دینی مثبت شدن دید دانش‌آموزان نسبت به روحانیت	بازآموزی

فرایند اجرای برنامه:

با توجه به گسترش پهنه تهاجم فرهنگی و به تبع آن فاصله گرفتن قشر دانش‌آموز از ارزش‌های اسلامی و روحانیت، در این راهکار نیاز به جهاد تربیتی احساس می‌گردد. در این طرح لازم است طلبه‌های جوان «که در حال تحصیل در حوزه‌های علمیه می‌باشند»، اعم از زن و مرد، بین یک تا دو ماه به‌صورت شبانه‌روزی در مدارس زندگی کنند (در این راستا لازم است مدیر مدرسه امکانات رفاهی مورد نیاز زندگی طلبه‌ها را مرتفع سازد).

طلبه‌های جوان وظیفه دارند، ابتدا بدون لباس روحانیت با دانش‌آموزان روابط صمیمی و حسنه برقرار کنند، در این راستا طلبه می‌تواند با شرکت و همراهی دانش‌آموزان در بازی‌ها، برگزاری کلاس‌های فراغتی در خارج از وقت آموزشی و روزهای تعطیل، تشکیل دادن گروه‌های مختلف فرهنگی و آموزشی، تشکیل گروه کوهنوردی و... اقدام نماید. در طول این دوران نکته‌ای که مهم می‌باشد شناسایی و برقرای ارتباط صمیمی با دانش‌آموزانی است که دارای رفتار کجروانه بوده و اعتقاد مذهبی در آن‌ها ضعیف شده و یا دیدگاه مثبتی نسبت به روحانیت ندارند.

در طول این دوران طلبه‌های جوان باید از طریق برقرای روابط صمیمی و برادرگونه و همراه با اعتمادسازی با این دانش‌آموزان خود را به الگو و گروه مرجع دانش‌آموزان کجرو درآورده و بعد از طریق اعمال رفتار مذهبی و انتقال پیام‌های دینی به‌صورت علمی و دقیق دانش آموز کجرو را ارشاد نمایند. لازم به ذکر است طلبه باید قبل از رفتن به مدرسه آموزش کامل در باب نوع رفتار و گفتار ارشادی با دانش‌آموزان را فرا بگیرد و از برخورد بد و شتابزده با دانش‌آموزان کجرو جلوگیری کند.

ص: 316

عکس

هنگامی که طلبه‌ها احساس کردند به عنوان یک دوست، برادر و گروه مرجع برای دانش‌آموزان درآمده و دانش‌آموزان سخنان و پیام‌های او را قبول می‌کنند، باید لباس روحانیت بر تن کرده و در بین دانش‌آموزان با لباس روحانیت تردد نماید. نکته قابل توجه در این راهکار این است که طلبه نباید با بر تن کردن لباس روحانیت رفتار صمیمی‌خود را با دانش‌آموزان تغییر دهد و باید همچنان در بازی‌های دانش‌آموزان و سایر فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی شرکت نماید، تا تغییر دیدگاه نسبت به روحانیت در آن‌ها محقق گردد.

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش‌آموزان، شماره ۳

گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
خانواده دانش‌آموزان	آموزش و پرورش+ هنرمندان متعهد	تولید و نمایش فیلم، داستان‌های کوتاه، برگزاری جلسات گفت‌وگو	نشان دادن پیامد عدم نظارت صحیح خانواده‌ها، آموزش رفتارهای صحیح ترویج اعتقادات مذهبی	آموزش ترویج صحیح آموزه‌های دینی	ترغیبی

فرایند اجرای برنامه:

بی‌شک یکی از علل اصلی تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش‌آموزان، عدم صمیمیت و ارتباط خانواده‌ها با فرزندانشان و عدم آموزش صحیح اعتقادات دینی از سوی والدین به فرزندانشان می‌باشد، که ریشه آن را باید در عدم آشنایی خانواده‌ها با مسائل تربیتی دانش‌آموزان و نحوه صحیح ترویج آموزه‌های دینی پیگیری کرد. در این راهکار آموزش و پرورش لازم است با تعاملی که بین خود و حوزه هنری سازمان ارشاد اسلامی، هنرمندان متعهد و مسلمان، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و سایر مسئولان صورت می‌دهد، نسبت به ساخت فیلم و یا داستان با محتوای نحوه ارتباط صحیح والدین با فرزندان، نحوه ارتباط صحیح بین والدین با مدارس، روش‌های آموزش صحیح ترویج اعتقادات مذهبی والدین به دانش‌آموزان و... بکوشد. در این قبیل از فیلم‌ها و داستان‌ها نکته‌ای که می‌تواند تأثیرگذاری آن را افزایش دهد، نشان دادن نمونه‌های واقعی از ضعف اعتقادات دینی در بین دانش‌آموزان و به تبع آن گسترش رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان و نحوه ناصحیح ترویج آموزه‌های دینی از طریق والدین به دانش‌آموزان کم اعتقاد و همچنین آموزش رفتار صحیح تربیتی به خانواده‌ها می‌باشد. در ادامه این راهکار، آموزش و پرورش باید این فیلم‌ها و داستان‌ها را در قالب لوح فشرده آماده‌سازی کرده و در اختیار مدارس بگذارد، مدارس نیز باید سعی نمایند که لوح‌های فشرده را در اختیار تمامی والدین قرار داده و بعد در جلساتی که بدین منظور ترتیب داده، والدین را دور هم جمع کرده و در راستای نوع برخورد صحیح والدین با فرزندان و آموزش آموزه‌های دینی به گفت‌وگو بپردازند تا بدین ترتیب والدین به اهمیت نحوه ارتباط صحیح با فرزندان آشنا گردند.

عکس

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش آموزان، شماره ۴

گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
تمام دانش‌آموزان	آموزش و پرورش+ حوزه هنری+ هنرمندان متعهد+ اداره ارشاد اسلامی	نصب تلویزون LCD در مدارس	انتقال پیام‌های مذهبی، فرهنگی از طریق نمایشگر	افزایش پایبندی اعتقادات دینی در مدارس	بازآموزی

فرایند اجرای برنامه:

در این راهکار آموزش و پرورش نیاز است، در گام اوّل با تعاملی که بین سازمان ارشاد اسلامی، حوزه هنری و سایر هنرمندان مسلمان متعهد ایجاد می‌کند، نسبت به تهیه فیلمنامه‌های کوتاه ۲ الی ۵ دقیقه‌ای با محتوای پیام‌های دینی، مذهبی و فرهنگی اقدام کند. در گام دوم، تمامی فیلمنامه‌های مزبور در یک کارگروه متشکل از معلمان با سابقه دینی، مدیران منتخب مدارس، مدیر هنری، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، کارشناس امور تربیتی و روحانیان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در نهایت فیلم‌نامه‌هایی را که از بیشترین تأثیرگذاری برخوردار هستند به تصویب برسانند. در قدم بعدی لازم است آموزش و پرورش با کارگردانان، تهیه‌کنندگان فیلم و انیمیشن قراردادی را در جهت ساخت فیلم یا انیمیشن منعقد کرده و کلیه مدارس را مکلف کند، نمایشگرهای بزرگ را در فضاهای مناسب و در معرض دید دانش‌آموزان نصب کنند و تمامی فیلم‌ها، انیمیشن‌ها و پیام‌ها را در این نمایشگرها به نمایش گذارند، تا بدین ترتیب پیام‌های مذهبی و فرهنگی موجود در این‌گونه آثار ملکه ذهن دانش‌آموزان گردد. این راهکار از این مزیت برخوردار است که مدارس می‌توانند از طریق نمایش کالاهای تبلیغاتی فرهنگی مخصوص دانش‌آموزان درآمدزایی داشته باشند.

ص: 318

عکس

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش آموزان، شماره ۵

گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
دانش‌آموزان	مدیران مدرسه انجمن‌ها و نهادهای دانش‌آموزی	نمایش و تحلیل فیلم	فواید علمی و اخلاقی نماز	گسترش روحیه و اخلاق مذهبی در دانش‌آموزان	بازآموزی

نحوه اجرای برنامه:

در این راهکار، مدیران مدرسه باید با همکاری نهادهای دانش‌آموزی در مدارس به‌صورت هفته‌ای، اقدام به نمایش فیلم‌های سرگرم‌کننده و جذاب با محتوی دینی و اخلاقی نمایند. نکته‌ای که در نمایش این فیلم‌ها لازم است، این می‌باشد که مدیران باید فیلم‌ها یا مستندهایی را به نمایش گذارند که به‌صورت علمی فوائد برپایی نماز و پایبندی به اعتقادات مذهبی و وطن‌پرستی را به نمایش گذارد. در گام بعدی بعد از نمایش فیلم، یک متخصص جوان باید با دانش‌آموزان در این باب به پرسش و پاسخ پردازد و به دانش‌آموزان کمک کند تا در درک محتوای فیلم‌ها با مشکل مواجه نشوند. این راهکار از این مزیت برخوردار است که ضمن پرکردن اوقات فراغت دانش‌آموزان، باعث گسترش روحیه و اخلاق مذهبی در دانش‌آموزان می‌گردد، و بدین ترتیب می‌توان با نمودها و عناصر تهاجم فرهنگی مقابله نمود.

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش آموزان، شماره ۶

گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
دانش‌آموزان کم‌اعتقاد	مربیان پرورشی	جلسات پرسش و پاسخ اجرای تئاتر	شناساندن رفتارهای اخلاقی و عمل اخلاقی	اخلاقی عمل کردن دانش‌آموزان کم اعتقاد، که خود اخلاقی عمل‌کردن همان دین است	ترغیبی

فرایند اجرای برنامه:

از آنجا که دین مبین اسلام چیزی به‌جز اخلاقی عمل کردن انسان نسبت به انسان‌ها و محیط اطرافشان نیست، بنابراین در این راهکار پیشنهاد می‌گردد، معلمان پرورشی در جلسات پرسش و پاسخ در باب اخلاق و مزایای اخلاقی عمل کردن با دانش‌آموزان به گفت‌وگو بپردازند. در این جلسات نیاز نیست شخص سخنور رابطه بین دین و عمل اخلاقی را توضیح دهد، بلکه باید طوری صحبت کند که دانش‌آموزان درک کنند که اخلاقی عمل کردن چگونه است و در باب مزایای آن و اینکه در کشورهای غربی انسان‌ها نسبت به یکدیگر با اخلاق رفتار می‌کنند صحبت کند. در مرحله بعدی مربی باید به‌وسیله تئاتر اخلاقی عمل کردن و احساس آرامش و وجدان را به دانش‌آموزان انتقال دهد تا بدین‌وسیله حرف‌ها و صحبت‌های مربی در ذهن دانش‌آموزان نمودسازی گردد. پس از آن مربی باید از دانش‌آموزان دعوت کند برای یک ماه نسبت به انسان‌های دیگر و محیط اطرافشان بر پایه اخلاقیات رفتار کنند و هر روز در باب اینکه اخلاقی عمل کردن باعث احساس آرامش در شخص می‌گردد با دانش‌آموزان صحبت کند، در این مرحله مربی باید سعی کند بیشتر انرژی خود را بر روی دانش‌آموزانی معطوف کند که دچار تضعیف اعتقاد دینی هستند. لازم است در طول این

ص: 319

عکس

ک ماه مربی خود همواره در اعمال و کردار خود اخلاق را رعایت کند.
عد از یک ماه و مشاهده اینکه دانش‌آموزان در اعمال خود اخلاق را رعایت می‌کنند لازم است مربی از دانش‌آموزان
خواهد در مورد نحوه اخلاقی عمل کردن اعمالشان توضیح دهند. در این مرحله لازم است، مربی با تیزهوشی اعمال
خلاقی آن‌ها را با دین مبین اسلام ارتباط دهد و به دانش‌آموزان بفهماند دین اسلام چیزی جز اخلاق نیست. در ادامه
مربی می‌تواند از دانش‌آموزانی که اخلاقی عمل می‌کنند بخواهد برای چند ماه نماز را نیز بخوانند تا تأثیر آن را بر
رامش روح و روان خود ببینند.

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش آموزان، شماره ۷

گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
تمام دانش‌آموزان	انجمن‌های علمی دانش آموزی ـ بسیج دانش‌آموزی	نصب برد یا تابلو نمایش تئاتر	فوائد عینی نماز	تقویت اعتقادات دینی	ترغیبی

فرایند اجرای برنامه:

در این روش انجمن‌های علمی یا بسیج دانش‌آموزی باید فضایی را به‌صورت تابلو، در محلی که در مسیر تردد دانش‌آموزان است آماده کنند. در گام بعدی این نهادهای دانش‌آموزی باید مسابقاتی را تحت عنوان خاطره‌نویسی با موضوع «تأثیر نماز بر من» را به اجرا درآورده و خاطرات برگزیده را انتخاب و پس از تقدیر در مقابل تمامی دانش‌آموزان آن‌ها را در برد نصب کرده و در طول مدت نصب (حدود یک ماه) معلمان وظیفه دارند از خاطرات نصب‌شده در برد تعریف و تمجید نمایند تا دانش‌آموزان ترغیب به مطالعه خاطرات گردند. همچنین می‌شود این راهکار را به‌صورت ناحیه‌ای و یا در کل شهر مشهد به اجرا درآورد تا در این صورت بتوان خاطرات دیگر مدارس را نیز در برد نصب کرد (خواندن خاطراتی تأثیرآموز می‌تواند در دانش‌آموزان حسی را به‌وجود آورد تا آن‌ها ترغیب به خواندن نماز گردند). همچنین در ادامه این راهکار لازم است خاطراتی را که از بیشترین تأثیرگذاری برخوردارند در قالب تئاتر به اجرا درآورد. نکته‌ای که در اجرای این خاطرات نهفته است این است که بهتر است این اجرای تئاتر توسط کسانی صورت بگیرد که از اعتقادات مذهبی ضعیف‌تری برخوردارند و نماز نمی‌خوانند. بی‌شک در این صورت شخص دانش‌آموز در هنگام تمرین تئاتر با خواندن نماز انس گرفته و به خواندن نماز ترغیب خواهد شد و از سوی دیگر اجرای یک تئاتر تا حدود زیادی اوقات فراغت او را پوشش داده و انرژی او را می‌گیرد، و مانع از انحراف بیشتر او خواهد شد.

ص: 320

عکس

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش آموزان، شماره ۸

گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
تمام دانش‌آموزان	آموزش و پرورش + امور مساجد + شهرداری + آستان قدس + هیئت امنای مسجد	خادمان جوان ساجد گروه مرجع	آشنایی با مفاهیم دینی، غنی‌سازی اوقات دانش‌آموز	تقویت پایه دین ایجاد اعتماد به نفس و خودباوری در دانش‌آموز	ترغیبی

فرایند اجرای برنامه:

در این راهکار آموزش و پرورش لازم است در گام اول با شهرداری، امور مساجد، سازمان تبلیغات، آستان قدس، هیئت امنای مسجد و سایر سازمان‌های ذی‌ربط تعاملی در راستای باز بودن مساجد محلات و مدارس به‌صورت تمام‌وقت و تجهیز کردن مساجد به امکانات رفاهی، آموزشی و فرهنگی اقدام کند. در گام بعدی باید اطلاع‌رسانی دقیقی به دانش‌آموزان صورت گیرد که آن‌ها می‌توانند به عنوان خادمان مساجد عضو گردند و از امکانات رفاهی، آموزشی و تفریحی مساجد محلات به‌صورت رایگان در تمام مدت روز استفاده کنند. حضور یک روحانی یا طلبه جوان در تمام مدت روز در مساجد که قادر به برقرار کردن رابطه صمیمانه با دانش‌آموزان باشد، در این راهکار بسیار اصولی می‌باشد. لازم است این شخص نه‌تنها مانع تفریح دانش‌آموزان در محیط مسجد نگردد، بلکه باید آن‌ها را در بازی‌ها همراهی کرده و سعی کند رابطه صمیمانه و سرشار از اعتمادی را با دانش‌آموز به‌وجود آورد و در طول مدت حضور دانش آموزان در مسجد، اصول دینی را به آن‌ها آموزش دهد.

تشویق دانش‌آموزان به آمدن به مساجد جهت پر کردن اوقات فراغت آن‌ها و حتی حضور در مساجد جهت انجام تکالیف درسی می‌تواند به شخص روحانی یا طلبه این موقعیت را بدهد که از طریق رفتارهای دوستانه و صمیمانه آن‌ها را با فرائض دینی و اهمیت آن آشنا کرده و آن‌ها را به تقویت باورهای دینی ترغیب کند. بی‌شک حضور دانش‌آموزان در فضای مساجد همراه با برخورد صحیح روحانی و هیئت امنای مسجد در باور کردن نوجوانان و سپردن مسئولیت‌هایی به او (خادمان مساجد) سبب ایجاد اعتماد به نفس و خودباوری در دانش‌آموز خواهد گردید که خود مهم‌ترین راهکار مقابله با تضعیف اعتقادات دینی به شمار می‌رود.

ص: 321

عکس

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش‌آموزان، شماره ۹					
گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
تمام دانش‌آموزان	مدیر مدارس مربیان پرورشی معلمان	سخنرانی‌های دلنشین در سر کلاس	صحبت علمی در باب سیره رفتاری افراد پرهیزکار ملی و مذهبی	آشنایی با اسلام حقیقی	بازآموزی

فرایند اجرای برنامه:

در این راهکار، مربیان پرورشی و معلمان محبوب دانش‌آموزان لازم است در سر کلاس به نحو جذاب، ساده و دلنشین به دانش‌آموزان سیره رفتاری بزرگان دینی و ملی را آموزش داده و آن‌ها را با اسلام حقیقی و رفتار اخلاقی آشنا کنند. در این راهکار نیاز است جلسات تداوم داشته باشد و معلم باید دانش خوبی نسبت به سیره رفتاری بزرگان دینی و ملی داشته باشد. بی‌شک آشنایی صحیح با زندگی و سیره رفتاری بزرگان دینی و ملی می‌تواند آن‌ها را به گروه‌های مرجع در ذهن دانش‌آموزان تبدیل کرده و رفتار و کردار دانش‌آموزان را تحت تأثیر خود قرار دهد.

قابل ذکر است که صحبت‌های معلم نباید از اعمال و کردار او به دور باشد و بهتر است معلم همواره از دانش‌آموزان در جلسه آینده بپرسد که کدام‌یک از اعمال و رفتار خودش را در طول هفته گذشته، مطابق رفتارهای بزرگان دینی می‌داند و آن‌ها را تأیید یا رد نماید تا سایر دانش‌آموزان در اجرای اعمالی مطابق رفتار و کردار بزرگان دینی و ملی بکوشند. بی‌شک با تکرار این راهکار در طول چند سال رفتار بزرگان دینی و ملی ملکه ذهن او خواهد شد و رفتارهای او را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد.

ص: 322

عکس

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش‌آموزان، شماره ۱۰					
گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
تمام دانش‌آموزان	مسئولان برگزاری اردوهای راهیان نور+ بسیج	فضای مجازی و سایت	تقابل دیدگاه‌های دانش‌آموزان در باب ارزش‌های دفاع مقدس	پیوند ارتباط دانش‌آموزان با ارزش‌ها و باورهای شهیدان و ایثارگران و تقویت ارزش‌های دینی	ترغیبی

فرایند اجرای برنامه:

از آنجا که اردوهای راهیان نور، یکی از مهم‌ترین راه‌های آشنایی دانش‌آموزان با ارزش‌ها و باورهای دینی و انقلابی می‌باشد، باید ضعف‌های موجود در این راهکار برطرف گردد. بی‌شک مقطعی بودن و زمان اندک این اردوها نمی‌تواند ارزش‌ها و باورهای شهیدان، جانبازان و ایثارگران را در دانش‌آموزان نهادینه و درونی سازد. بنابراین دانش‌آموزان پس از مدتی این ارزش‌ها و اعتقادات مذهبی را به دست فراموشی می‌سپارند. برای حل این مهم راهکار که پیشنهاد می‌گردد استفاده از فضای سایبری به عنوان یک فضای عمومی در بین دانش‌آموزان است. برای این منظور لازم است نسبت به راه‌اندازی یک سایت جذاب که به دانش‌آموزان امکان تبدیل شدن به کنشگران فعال را می‌دهد، اقدام نماید.

مراحل کار به این‌گونه است که مسئولان اردو در ابتدا لازم است تمام دانش‌آموزانی که قرار است به اردوی راهیان نور بروند نام کاربری (User) و رمز ورود (password)، تهیه کنند و در طول اردو نحوه ورود و نحوه کار در این سایت به آن‌ها آموزش داده شود، (مثلاً چگونه می‌توانند به این سایت وارد شوند و عکس‌های خود را دانلود نمایند و در آن خاطرات خود را یادداشت نمایند و...).

مطمئناً اکثر دانش‌آموزانی که از اردو برمی‌گردند، دوست دارند برای دیدن عکس‌های خود و دیگران به این سایت مراجعه نمایند. در این راستا متخصصان باید در این سایت صفحه‌ای را به‌وجود آورند که دانش‌آموزان بتوانند در باب موضوعی که با ایثار و شهادت و سایر ارزش‌های دینی و مذهبی ارتباط دارد، به پرسش و پاسخ بپردازند. حتی صفحه‌ای که دانش‌آموزان بتوانند خاطرات خود را یادداشت نمایند و سایر دانش‌آموزان بتوانند آن‌ها را نقد یا تأیید نمایند. بی‌شک وجود این سایت به‌صورت کشوری و در طول سالیان متمادی می‌تواند این سایت را به فضای عمومی مجازی بزرگی تبدیل نماید که از طریق آن می‌توان همواره ارزش‌ها و باورهای دینی و انقلابی را به دانش‌آموزان دیگر انتقال داد. جایزه به افراد فعال سایت، می‌تواند از راهکارهای مهم جذب دانش‌آموزان به سایت راهیان نور به شمار آید.

ص: 323

عکس

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش آموزان، شماره ۱۱

گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
تمام دانش آموزان	وزارت آموزش و پرورش+ فیلم سازان+ هنرمندان	تصویرسازی کتاب‌های معارف اسلامی	درونی‌سازی پیام کتب معارف اسلامی	تأثیرگذاری بیشتر و درونی کردن مفاهیم دینی در دانش آموزان و تبدیل آن به باور و اعتقاد	ترغیبی

فرایند اجرای برنامه:

با توجه به تأثیرگذاری و جذابیت فیلم نسبت به خواندن کتاب در بین دانش‌آموزان، در این راهکار نیاز است وزارت آموزش و پرورش به‌عنوان متولی امر آموزش در کشور نسبت به تغییر شیوه آموزش مفاهیم اقدام نماید. در همین راستا در این طرح لازم است، آموزش و پرورش با تعامل با فیلم‌سازان و سایر هنرمندان معتقد و دلسوز، از آن‌ها بخواهد کتب معارف اسلامی دانش‌آموزان را به فیلم، انیمیشن و... تبدیل نمایند. این فیلم‌ها باید همسو با مفاهیم درسی بوده و عامل جذاب و مدرن بودن در آن‌ها دیده شود. سپس فیلم‌ها و انیمیشن‌های تولیدی پس از بازبینی و حل مشکلات به عنوان سی‌دی‌های درسی جایگزین کتب گردد.

بی‌شک نمایش تصویری معارف دینی به دلیل جذابیت آن در ذهن دانش‌آموز نهادینه می‌شود. در این راهکار همچنین لازم است معلمان معارف اسلامی بعد از نمایش فیلم با دانش‌آموزان به گفت‌وگو و آموزش پرداخته و از شبیه‌سازی‌های صورت گرفته در فیلم‌ها برای درونی‌سازی مفاهیم دینی در دانش‌آموزان بهره بگیرند. در همین راستا بهتر است این اقدام در دوران دبستان و راهنمایی به‌صورت انیمیشن و در دوران دبیرستان به‌صورت فیلم و مستند تدوین گردد.

ص: 324

عکس

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش‌آموزان، شماره ۱۲

گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
تمام دانش‌آموزان	انجمن‌ها و نهادهای دانش‌آموزی+ مربی پرورشی	برگزاری مراسم دینی و مذهبی متنوع	برپایی مراسم مذهبی	تحکیم باورهای دینی ایجاد عزت نفس افزایش سرمایهٔ اجتماعی	ترغیبی

فرایند اجرای برنامه:

در این راهکار لازم است دانش‌آموزان داوطلب مراسم مذهبی و اعیاد مذهبی را زیر نظر مربی پرورشی در نمازخانه‌های مدرسه برگزار کنند. نکته‌ای که در این طرح لازم است به اجرا دربیاید این است که همه عناصر اجرایی باید از خود دانش‌آموزان باشد، به عبارت دیگر مرثیه‌خوانی، مداحی، پذیرایی و... همه بر عهده دانش آموزان داوطلب قرار بگیرد و مدیر مدرسه حمایت مادی و معنوی را در حق آنان مبذول دارد. همچنین در این طرح لازم است بیشتر از دانش‌آموزان داوطلبی استفاده گردد که در آن‌ها رفتارهای انحرافی دیده شده است، تا بدین وسیله آنان ضمن مشغول شدن به فعالیت‌های دیگر و تخلیه انرژی خود با مسائل مذهبی و دینی آشنا شده و به خاطر از دست ندادن این سِمَت، رفتارهای انحرافی خود را اصلاح نمایند.

اجرای این مراسم توسط خود دانش آموزان ضمن ایجاد اعتماد به نفس و عزت نفس باعث شکل‌گیری حس مشارکت و افزایش سرمایه اجتماعی در درون دانش‌آموزان خواهد شد. همچنین اجرای این مراسم به‌صورت خودجوش کمک می‌کند تا دانش‌آموزان متصدی دانش‌آموزان دیگر را ترغیب کنند که در این مراسم حضور به هم رسانند. حضور دانش‌آموزان خود سبب تحکیم باورهای دینی در دانش‌آموزان خواهد شد.

ص: 325

عکس

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش‌آموزان، شماره ۱۳					
گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
دانش‌آموزان کم اعتقاد مذهبی	مربیان پرورشی+ دانش‌آموزان محبوب	ایجاد گروه دوستی هدفمند	حل مشکلات رفتاری و دینی دانش‌آموزان	اصلاح رفتار انحرافی دینی دانش‌آموزان	ترغیبی

فرایند اجرای برنامه:

در این راهکار نیاز است بعد از دو ماه از حضور دانش‌آموزان در مدرسه، از طریق اجرای تست گروه‌سنجی در میان دانش‌آموزان، افراد محبوب و معقول (هم از بعد احساسی و هم از بعد عینی) را شناسایی کرده، در ادامه این دانش‌آموزان را از دل دانش‌آموزان دیگر جدا کنیم و برای آن‌ها به‌طور غیر علنی و مخفی جلساتی گذاشته و به آن‌ها آموزش‌هایی در باب تهاجم فرهنگی و اهداف آن داده و آن‌ها را مجاب کنیم که برای مقابله با تهاجم فرهنگی به آن‌ها نیازمند هستیم. در مرحله بعد از دانش‌آموزان بخواهیم به‌صورت ناشناخته در بین دانش‌آموزان نفوذ کرده و در طول یک هفته معضلات و انحرافات دینی و رفتاری دوستان خود را یادداشت کنند تا در پایان هفته در جلسه‌ای (فکوس گروپ) با حضور مربی پرورش به‌دنبال یافتن راهکارها برای مقابله با آن باشند. مربی باید با زیرکی فراوان این جلسات را به نحوی اداره نماید، که خود افراد منتخب، مجری هدایت دانش‌آموزان منحرف، از طریق بسط رابطه دوستی و گسترش ارتباطات با این دانش‌آموزان گردند. این دانش‌آموزان منتخب باید بکوشند با استفاده از جذابیت و محبوبیت خود، افراد دارای ضعف اعتقادات دینی را با خود همنوا کنند تا بدین وسیله بتوانند عقاید و اعتقادات خود را در آن‌ها درونی ساخته و جلوی رفتارهای انحرافی دانش آموزان را بگیرند.

ص: 326

عکس

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش‌آموزان، شماره ۱۴

گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
دانش‌آموزان	وزارت آموزش و پرورش مدیران مدارس	مسابقات و برنامه‌های فرهنگی و هنری	آگاهی از فرهنگ ملی مذهبی به سخره گرفتن فرهنگ غرب	تقویت و نهادینه کردن فرهنگ ایرانی ـ اسلامی در دانش‌آموزان، تخلیه هیجانات	بازآموزی

فرایند اجرای برنامه:

در این طرح، وزارت آموزش و پرورش باید، هفته‌ای را تحت عنوان «هفته نکوداشت فرهنگ ایرانی ـ اسلامی» نام‌گذاری کرده و آن را مانند دهه فجر در مدارس پررنگ نماید. در این راهکار لازم است تمامی مدارس در تمام سطوح، در طول هفته اقدام به برگزاری مراسم شاد و مهیج نمایند که در آن ضمن آشنایی دانش‌آموزان با فرهنگ غنی ملی ـ اسلامی ـ قومیتی، نکات منفی فرهنگ مهاجم را پررنگ و فرهنگ غرب را به سخره بگیرند.

مدارس در راستای محتوای این هفته می‌توانند از ابزار تئاتر دانش‌آموزی، نمایش فیلم، کاریکاتور، مسابقات داستان‌نویسی و وبلاگ‌نویسی و... بهره بگیرند. یکی دیگر از ابزارها که در طول این هفته می‌تواند مهم و کاربردی باشد، آشنایی دانش‌آموزان با عمق و غنای موسیقی ایرانی و تقبیح موسیقی غرب است.

ص: 327

عکس

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش‌آموزان، شماره ۱۵

گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
تمامی دانش‌آموزان	اداره آموزش و پرورش مدیران مدرسه	چاپ کتاب و برگزاری مسابقه	آگاهی دادن به دانش‌آموزان نسبت به اهداف شوم تهاجم فرهنگی	اصلاح رفتار انحرافی مذهبی افزایش پایبندی به اعتقادات دینی	بازآموزی

فرایند اجرای برنامه:

در این راهکار آموزش و پرورش باید با یک گروه متخصص و صاحب فکر، که با ادبیات دانش‌آموزان و مفاهیم تهاجم فرهنگی آشنایی داشته، قراردادی در باب تدوین کتابی مصور با محتوای آشنایی با فرهنگ غرب و اهداف شوم تهاجم فرهنگی منعقد کند. این کتاب باید با نثری بسیار ساده و در قالب عکس و کاریکاتور مطالب خود را به دانش آموزان انتقال دهد. در گام بعدی، مدیر مدارس باید هر ساله مسابقات مختلفی از جمله کتاب‌خوانی، مسابقه راهکارهای مبارزه با تهاجم فرهنگی، شناسایی نمودها و مدهای جدید غربی و... برگزار کرده و جوائز ارزنده‌ای را به این کار اختصاص بدهند. این کار سبب می‌گردد دانش‌آموزان ضمن خواندن این مطالب با اهداف تهاجم فرهنگی آشنا شده و به‌دنبال راهکار مبارزه با آن باشند.

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش‌آموزان، شماره ۱۶

گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
تمامی دانش‌آموزان	آموزش و پرورش مربی پرورشی	تبدیل مربی پرورشی به گروه مرجع	جذابیت مربی برای دانش‌آموز	الگوبرداری از رفتار و منش مربی پرورشی	ترغیبی

فرایند اجرای برنامه:

در این راهکار در گام نخست، آموزش و پرورش باید مربیان پرورشی را ترغیب به پوشیدن لباس مرتب، ظاهر آراسته و خلق و خوی صمیمانه و دوستانه کند، که این مهم می‌تواند به‌وسیلهٔ بخشنامه و برگزاری دوره‌ها برای مربیان پرورشی حاصل آید. حضور مربی پرورشی با ظاهر آراسته و خلق و خوی صمیمانه و دوستانه، به وی این امکان را می‌دهد که در ذهن دانش‌آموزان به چهره‌ای مثبت تبدیل گردد، که این مهم خود سبب تبدیل مربی به عنوان گروه مرجع دانش‌آموزان می‌گردد.

در این راستا مهم است مربی بتواند با رفتار صمیمانه با دانش‌آموزان اعتماد آن‌ها را جلب کرده به‌طوری که دانش آموزان او را به عنوان یک دوست و یا برادر بزرگ‌تر قبول کرده و به او اعتماد داشته باشند.

ص: 328

عکس

مربی لازم است در این راهکار بیشتر با دانش‌آموزانی که دارای رفتار انحرافی هستند رابطه برقرار کرده و آن‌ها را به خود جلب کند تا بدین وسیله بتواند آن‌ها را با اعتقادات و باورهای خود آشنا کرده و آن‌ها را برپایی فرایض دینی ترغیب کند.

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش‌آموزان، شماره ۱۷

گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
تمامی دانش آموزان	بسیج مدارس سپاه انقلاب اسلامی آموزش و پرورش	اردوی راهیان نور	ارزش‌های انقلابی ایثار و شهادت	تقویت ارزش‌های دینی و انقلابی در بین دانش‌آموزان	ترغیبی

فرایند اجرای برنامه:

اردوهای راهیان نور که هر ساله برگزار می‌گردد هر چند در آشنایی با ارزش‌های انقلابی مفید هستند، نیاز به تغییراتی در آن‌ها احساس می‌گردد. این راهکار نیز به برپایی این اردوها در بین دانش‌آموزان اختصاص دارد. آنچه بیش از پیش در این راهکار قابل تأکید می‌باشد، برنامه‌ریزی صحیح برای مسیر رفت، مدت و مکان اقامت و مسیر برگشت می‌باشد. بر اساس این راهکار لازم است؛ اولاً این اردوها شامل قشر خاص نباشد (بسیجیان) و حتی بیشتر تلاش شود دانش‌آموزانی که دارای ضعف اعتقادی هستند با آنها همراه گردند. در ثانی، در مسیر رفت این اردوها مسئولان باید اطلاعاتی در باب تهاجم فرهنگی و هدف از آن به‌صورت بروشورهای جذاب و دارای عکس تهیه و در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند، سپس مدتی جهت مطالعه به آن‌ها وقت داده و سپس سعی شود گفت‌وگوی صمیمانه بین دانش‌آموزان در این بین راه‌انداخت. همچنین در مسیر رفت باید همواره سعی گردد از ابزار پخش فیلم با محتوای فرهنگی استفاده گردد (مستندهای شهید آوینی، فیلم‌هایی از ایثار و استقامت رزمندگان، فیلم‌هایی با محتوای افتخارآفرینی نوجوانان و جوانان ایرانی و...).

در مسیر برگشت نیز لازم است برنامه‌ریزی جامعی صورت گیرد بدین صورت که فردی که همراه گروه است در زمان‌های مناسب در اتوبوس در باب اتفاقات و داستان‌های واقعی از جنگ و عملیات‌های موفقیت‌آمیز و ایثار رزمندگان به صحبت پرداخته و در ادامه به طرح این سؤال بپردازد که امروزه چطور می‌توان ایثار کرد و کشور را در مقابله با هجوم بیگانه حفاظت کرد و از دانش‌آموزان بخواهد در این مورد به گفت‌وگو پرداخته و نظر خودشان را بگویند. فرد مسئول باید سعی کند تا دانش‌آموزان متوجه شوند که امروز خطر و دشمن اصلی غرب است که با سلاح تأثیرگذار خود (فرهنگ) به حمله به ما پرداخته است و راهکارهای دانش‌آموزان را بدین سو هدایت نماید. در باب مسیر رفت بهتر است از نقاط دینی و تفریحی عبور کنند تا بدین ترتیب انگیزه حضور در اردوها برای دانش‌آموزان تقویت شده و در مسیر برگشت از مسیر شهرهای مذهبی و زیارتگاه‌ها عبور کنند.

عکس

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش‌آموزان، شماره ۱۸					
گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
تمام دانش‌آموزان	مدیر مدارس شهرداری	برگزاری اردوهای تفریحی و کوه‌پیمایی	تخلیه هیجانات و افزایش روحیه مشارکت پیام‌های مذهبی	تقویت اعتقادات مذهبی	ترغیبی

فرایند اجرای برنامه:

در این راهکار، مدارس در راستای تخلیه هیجانات دانش‌آموزان و نفوذ حس مشارکت و پیام‌های مذهبی در دانش‌آموزان باید با همکاری نهادها و سازمان‌های دیگر از جمله شهرداری به‌صورت هفته‌ای اقدام به برگزاری اردوهای تفریحی، ورزشی، فرهنگی و از جمله کوه‌پیمایی نمایند. در طول اردوها، مربیان و معلمان باید همواره سعی نمایند که از طریق چاپ بروشورهای کوچک، برگزاری مسابقات مذهبی، فرهنگی، برپایی شعائر مذهبی (نماز جماعت، دعا) و... دانش‌آموزان با اصول اعتقادی آشنا گردند. بی‌شک برپایی این اردوها از یک طرف باعث تخلیه هیجانات دانش‌آموزی شده و از سوی دیگر همراهی این اردوها با پیام‌های اسلامی و اخلاقی، باعث اصلاح رفتار انحرافی دانش‌آموزان و تقویت اعتقادات مذهبی دانش‌آموزان خواهد شد. همچنین حضور معلمان در این اردوها می‌تواند سبب صمیمانه شدن رابطه بین آنان و دانش‌آموزان گردد و معلم در این حین می‌تواند با گفتار و رفتار خود، اصلاح رفتار انحرافی دانش‌آموزان را باعث شود.

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش آموزان، شماره ۱۹					
گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
مربیان پرورشی	آموزش و پرورش	جلسات هم‌اندیشی	انتقال روش‌های مقابله باتضعیف اعتقادات دینی انتقال روش‌ها و برنامه‌های موفق	دستیابی به کاربست راهکارها	قدرتی

فرایند اجرای برنامه:

در این راهکار اداره آموزش و پرورش باید جلساتی را به‌صورت ماهیانه برای مربیان پرورشی برگزار نماید. در این جلسه همهٔ مربیان پرورشی به همراه چند تن پژوهشگر معتقد و آگاه حضور داشته و در باب نمودها و مظاهر جدید تهاجم فرهنگی و راهکارهای نوین مقابله با تضعیف اعتقادات دینی به بحث و گفت‌وگو پرداخته و سعی نمایند از نتیجهٔ این جلسات به راهکارهای نوین و کاربست‌گونه

عکس

دست یابند. برگزاری این جلسات ضمن آشنایی مربیان با مفاهیم و اهداف تهاجم فرهنگی باعث می‌گردد که مربیان پرورشی تقویت اعتقادات دینی دانش‌آموزان را جدی گرفته و با راهکارهای مقابله با آن به‌صورت علمی و کارشناسانه آشنا شده و از رفتارهای خشن و غیر علمی پرهیز نمایند. در این راهکار مربیان پرورشی باید هر یک از راهکارهای به‌دست‌آمده در این جلسات را به‌صورت همزمان در چند مدرسه به اجرا درآورده و در پایان هر سال به اثربخشی هر یک از راهکارها پرداخته و در صورت موفق بودن راهکارها آن را جهت استفاده و بهره‌برداری به سایر مدارس انتقال دهند.

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش‌آموزان، شماره ۲۰

گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
تمام دانش‌آموزان	مدیر مدرسه	چاپ بنر و لمینت، برگزاری مسابقات	احادیث و سخنان بزرگان مربوط به تعلیم و تربیت	درونی شدن سخنان و احادیث در ذهن دانش‌آموز و تاثیر آن بر رفتار	بازآموزی

فرایند اجرای برنامه:

در این راه حل، مدیر مدرسه لازم است در هر ماه ۲ تا ۳ حدیث را به‌صورت بنر یا لمینت با طراحی زیبا و جذاب به چاپ رسانده و در داخل مدرسه نصب نماید. این احادیث باید موضوعی بوده و به حوزه تربیتی دانش‌آموزان نزدیک باشد و در ادامه هر معلم و مربی، به‌خصوص معلمان محبوب باید در سر کلاس ضمن یادآوری و پررنگ کردن این احادیث در ملکه شدن این احادیث در اذهان دانش‌آموزان بکوشد. در این راهکار بسیار مهم است که احادیث هر ماه تغییر نماید. در گام بعدی مدیر مدرسه باید مسابقه‌ای را برگزار نماید و از دانش‌آموزان بخواهد در کتابخانه‌ها و اینترنت بهترین احادیث را در باب یک موضوع شناسایی کرده و در مسابقه شرکت کنند، تا بدین ترتیب دانش‌آموزان با جستجو در منابع با احادیث آشنا شوند و بعد بهترین احادیث را به‌صورت بنر یا لمینت چاپ کنند و از دانش‌آموزانی که در این مسابقه شرکت کردند به نحوه شایسته‌ای تقدیر گردد. این کار سبب می‌گردد که احادیث دینی یا سخنان بزرگان دینی ملکه ذهن دانش‌آموزان گردد و رفتار آن‌ها را تحت تأثیر خود قرار دهد.

ص: 331

عکس

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش آموزان، شماره ۲۱

گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
دانش‌آموزان دارای رفتار انحرافی	آموزش و پرورش مدیر مدرسه	معلم محبوب (گروه مرجع)	رفتار و کردار صحیح پیام‌های تأثیرگذار مذهبی	بالا بردن اعتقادات دینی در بین دانش آموزان	ترغیبی

فرایند اجرای برنامه:

در این راهکار، مدیران مدرسه یا آموزش و پرورش باید در باب شناسایی محبوب‌ترین معلم در نزد دانش‌آموزان نظر سنجی کرده و معلم محبوب را شناسایی کنند. در مرحله بعد لازم است به مربی محبوب و معتقد، امکانات و مزایایی بیشتری پرداخت گردد و از معلم درخواست شود در ساعاتی که مدرسه تعطیل است، با دانش‌آموزان (به‌خصوص دانش‌آموزان دارای رفتار انحرافی) برای برگزاری کارگاه‌های فرهنگی، ورزشی همکاری نماید. معلم نیز باید با دلسوزی فراوان ضمن صمیمی‌تر کردن روابط با دانش‌آموزان دارای رفتار انحرافی آن‌ها را به‌وسیلهٔ اعمال و کردار خود (نه با زبان) هدایت کند. معلم حتی می‌تواند کلاس‌ها و کارگاه‌هایی را در شب‌های جمعه و دیگر تعطیلات در مدارس به‌وجود آورد و از دانش‌آموزان بخواهد در این جلسات شرکت کنند. در طول کلاس‌های شبانه، معلم بیشترین وقت را دارد تا دانش‌آموزان دارای رفتار انحرافی را هدایت کند.

ص: 332

عکس

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش آموزان، شماره ۲۲

گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
دانش‌آموزان بی نماز	مربی پرورشی دانش‌آموزان محبوب و معقول	ایجاد رابطه صمیمی برادرگونه (گروه مرجع دانش‌آموزی)	ایجاد رابطه دوستانه جهت ترغیب به نماز	نماز خواندن دانش‌آموزان بی نماز	ترغیبی

فرایند اجرای برنامه:

در این راهکار نیاز است بعد از دو ماه از حضور دانش‌آموزان در مدرسه، از طریق اجرای تست گروه‌سنجی در میان دانش‌آموزان، افراد محبوب و معقول (هم از بعد احساسی و هم از بعد عینی) شناسایی شوند. در ادامه این دانش‌آموزان را از دانش‌آموزان دیگر جدا کنیم و برای آن‌ها به‌طور غیر علنی و مخفی جلساتی گذاشته و آن‌ها را با وظیفه‌شان آشنا کنیم. این دانش‌آموزان که از جذابیت زیادی برای دوستی با دانش‌آموزان دیگر برخوردارند، مکلف هستند در طول یک ماه با برقراری ارتباط هر کدام با ۱۰ دانش‌آموز، به شناسایی دانش‌آموزانی که نماز نمی‌خوانند و یا تظاهر به خواندن می‌کنند اقدام کنند. این گروه بعد از شناسایی باید رابطه دوستانه خود را با این افراد تشدید نمایند، به‌طوری که بیشتر زمان مدرسه و بیرون مدرسه با هم باشند. داشتن ویژه‌گی‌هایی از جمله جذابیت فردی، و درس‌خوان بودن به دانش‌آموز منتخب این امکان را می‌دهد که به گروه مرجع دانش‌آموز منحرف تبدیل گردد، بنابراین دانش‌آموز الگو یا گروه مرجع می‌تواند از طریق تأثیرگذاری بر دانش‌آموزی که نماز نمی‌خواند یا نماز را سبک می‌شمارد او را به خواندن نماز ترغیب کند. مدیر مدرسه نیز در این راهکار باید برای این دانش‌آموزان گروه مرجع عوامل تشویقی مؤثری را در نظر بگیرد.

ص: 333

عکس

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش‌آموزان، شماره ۲۳

گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
تمامی دانش‌آموزان	مربیان پرورشی هادیان سیاسی	جلسه پرسش و پاسخ تریبون آزاد	کم کردن ارتباط بین دین با مسئولان حکومتی	تحکیم پایه‌های دینی دانش‌آموزان از طریق برقراری ارتباط با حکومت	ترغیبی

فرایند اجرای برنامه:

از آنجایی که حکومت ما دینی است، اگر شخصی از مسئولان و متولیان مملکتی حرکت و برخورد ناشایستی نشان دهند، بی‌شک این دستمایه عده‌ای از سوءاستفاده‌گران خواهد شد که در دین و اعتقاد جوانان شبهه ایجاد کنند و پایه‌های اعتقادی آنان را هدف قرار دهند. برای مقابله با این مهم در این راهکار لازم است در ابتدا از هر کلاس ۵ نفر از دانش‌آموزان را که دارای ویژگی‌های هوشی بالا، سخنور، محبوب و... هستند، انتخاب کنیم. در گام بعدی به این ۵ نفر آموزش‌های غیر علنی در باب مسائل روز، مسائل فرهنگی، علت حمله فرهنگی غرب و... داده شود، به‌طوری که پس از مدتی این‌ها تبدیل به مبلغان ما گردند. در ادامه مربی پرورشی باید جلسه پرسش و پاسخ با محتوای دین و سیاست را برگزار نماید و از دانش‌آموزان بخواهد که هر سؤالی که در دل دارند، مکتوب بپرسند. مربی نیز باید جهت افزایش اعتماد، سؤال را عیناً در حضور دانش‌آموزان بخواند و از دانش‌آموزان بخواهد به این سؤالات پاسخ گویند. در این زمان نقش هادیان سیاسی برجسته خواهد شد؛ زیرا اینان که در اصل مبلغان ما هستند باید با اطلاعات کافی بکوشند، تمامی این سؤالات را برای دانش آموزان باز و از زوایای مختلف تحلیل کنند و بتوانند سؤالات و شبهات دانش‌آموزان را برطرف کنند و در ادامه ارتباط حکومت و دین را کم کنند و این حقیقت را به دانش‌آموزان یادآور شوند که ناکارآمدی بعضی از مسئولان ربطی به دین و اعتقادات دینی و مذهبی ندارد. این مبلغان همچنین باید در خارج از جلسه نیز با دانش‌آموزانی که دارای ضعف باورهای دینی هستند، به گفت‌وگو بپردازند.

ص: 334

عکس

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش‌آموزان، شماره ۲۴

گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
دانش‌آموزان بی‌نماز	مدیر مدرسه+ مربی پرورشی معلم ورزش	برگزاری مسابقات ورزشی یا هنری	تخلیه هیجان دانش‌آموزان، تشویق دانش‌آموزان به برپایی نماز	ایجاد پایبندی دینی برپایی نماز	ترغیبی

فرایند اجرای برنامه:

مربی پرورشی با همکاری معلم تربیت بدنی و سایر نهادها... اقدام به برگزاری بازی‌های ورزشی و مورد علاقه دانش‌آموزان می‌کند. در پایان بازی‌ها مربی با رفتن خود به نمازخانه مدرسه دانش‌آموزان را نیز دعوت به نماز می‌کند. در ضمن همراهی مربی آموزشی در این تفریحات از نظر نزدیک شدن و ایجاد جلب اعتماد دانش‌آموزان مهم است و برقراری روابط دوستانه با آن‌ها در ادامه این کار با پوشش بازی‌های جالب برای دانش‌آموزان ادامه پیدا می‌کند و به مرور جلب نماز خواندن می‌شود. حتی در این روش مدیر مدرسه می‌تواند با تجهیز مدرسه به وسایل بازی از جمله فوتبال‌دستی، پینگ‌پونگ، شطرنج، وسایل بدنسازی سبب شود که دانش‌آموزان اوقات فراغت خود را در مدرسه به‌صورت هدفمند پر کنند و شرط بازی با این وسایل را برپایی نماز همراه با معلم اعلام کند. مطمئناً جذابیت بازی با معلم سبب می‌گردد، دانش‌آموزان منحرف نیز با معلم همراه شده و به اقامه نماز بپردازند.

ص: 335

عکس

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش‌آموزان، شماره ۲۵

گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
تمام دانش‌آموزان	آموزش و پرورش	ایجاد شبکه‌های اجتماعی در دنیای مجازی	برخورد اندیشه دینی دانش‌آموزان، ترویج اعتقاد مذهبی	آشنایی با نحوه صحیح استفاده از اینترنت تقویت اعتقادات مذهبی	بازآموزی

فرایند اجرای برنامه:

در این راهکار، آموزش و پرورش باید نسبت به تأسیس و طراحی سایت‌های مختلف دانش‌آموزی اقدام نماید. این سایت‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شود که ضمن سادگی، دانش‌آموز را به یک کنشگر تبدیل کند، به‌طوری که سایت از این قابلیت برخوردار باشد که هر دانش‌آموز دارای یک پروفایل بوده و در درون آن بتواند عکس‌ها، فیلم‌ها و یادداشت‌های خود را بنویسد. همچنین این سایت باید به دانش‌آموزان این اختیار را بدهد که گروه‌های مختلفی را به‌صورت شبکه‌های اجتماعی به‌وجود آورده و در آن تمام اندیشه‌ها و اعتقادات خود را بنویسند و دیگران نیز قادر باشند دیدگاه‌های او را رد یا تأیید نمایند. در این راهکار بسیار مهم است که دانش‌آموز احساس امنیت کرده و بتواند نظر خود را در یک شبکه مجازی عنوان کند. در گام بعدی و پس از تشکیل این سایت و عضویت دانش‌آموزان در آن آموزش و پرورش باید اشخاصی مؤمن و آشنا با مسائل و ادبیات دانش‌آموزی را مأمور کند که در پوشش دانش‌آموزان، ضمن برقراری رابطه دوستانه با دانش‌آموزان، در صورت مشاهده اندیشه یا دیدگاه‌هایی انحرافی، با دانش‌آموزان دیگر به بحث پرداخته و سعی نماید با استدلال درست آن‌ها را راهنمایی کرده و از بسط اعتقادات ضد دینی و شرعی ممانعت کند.

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش‌آموزان، شماره ۲۶

گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
تمامی دانش آموزان	مدیران مدارس مربیان پرورشی	صندوق نظرسنجی تابلوی اعلانات	دیدگاه‌ها و سؤالات دانش‌آموزی در باب نمودهای تهاجم فرهنگی	آشنایی با تهاجم فرهنگی اصلاح رفتارهای انحرافی	بازآموزی

فرایند اجرای برنامه:

در این راهکار، در گام نخست مدارس باید نسبت به تهیه و نصب صندوق نظرسنجی در محیط مدارس اقدام نمایند. در گام بعدی مدیران مدارس یا مربیان پرورشی باید در باب اعتقادات دینی و مظاهر جدید دینی و شیطان‌پرستی با دانش‌آموزان صحبت کرده و از آن‌ها بخواهند سؤالات و دیدگاه‌های خود را که

ص: 336

عکس

در میان دانش‌آموزان دیگر مشاهده کردند، از طریق صندوق نظرسنجی به مربیان پرورشی انتقال دهند. در گام بعدی مربی پرورشی با آشنایی به مبانی اعتقادی قوی باید سعی نماید پاسخ صحیحی را در تابلوی اعلاناتی که بدین منظور آماده گردیده، نصب کند و از دانش‌آموزان بخواهد در صورت قبول یا عدم قبول پاسخ او از طریق صندوق پستی با او در ارتباط باشند.

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش‌آموزان، شماره ۲۷

گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
دانش آموزان	آموزش و پرورش هنرمندان	جلد کتاب	امر به معروف و نهی از منکر	آشنایی دانش‌آموزان با امر به معروف و نهی از منکر و احیای آن	ترغیبی

فرایند اجرای برنامه:

در این راهکار، آموزش و پرورش باید ضمن تعامل با هنرمندان، از آن‌ها بخواهد تصاویر و نمادهایی را با محتوای امر به معروف و نهی از منکر تهیه نمایند. سپس از میان نمادها و تصاویر آماده شده، تصاویری را که دارای بیشترین تأثیر بر دانش‌آموزان بوده، انتخاب کرده و آن‌ها را بر رو و پشت جلد کتاب به چاپ برسانند. لازم است این تصاویر ضمن رنگ‌پردازی زیبا و مهیج متناسب با سن دانش‌آموزان بوده و از پیچیدگی به دور باشد. همچنین فضای موجود بر روی و پشت جلد کتاب به آموزش و پرورش این امکان را می‌دهد که پیام‌های زیبا در باب نیاز جامعه به امر به معروف و نهی از منکر و احیای آن در جوامع آماده ساخته و بر روی کتاب‌ها به چاپ برسانند.

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش آموزان، شماره ۲۸

گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
تمامی دانش‌آموزان	مدیران مدارس	کانال‌های رایانه‌ای	انتقال مفاهیم دینی	آشنایی دانش‌آموزان با مفاهیم دینی	ترغیبی

فرایند اجرای برنامه:

در این راهکار، نیاز است مدیران مدارس نسبت به راه‌اندازی سایت مدارس اقدام نمایند. در گام بعدی تمام دانش‌آموزان مکلف شوند تا پست الکترونیکی خود را در سایت یادداشت نمایند تا عکس‌ها و اخبار مدرسه برای آن‌ها ارسال گردد. در ادامه مدیران مدرسه می‌توانند پیام‌ها و تصاویری با محتوای دینی و اخلاقی ـ که از جذابیت و تأثیرگذاری بالایی برخودار است ـ آماده کرده و برای دانش‌آموزان ارسال نمایند، تا بدین وسیله دانش آموز در خانه و در ایام فراغت نیز مورد هدف پیام‌های جذاب و تأثیرگذار دینی و

ص: 337

عکس

اخلاقی بوده و تأثیر پیام‌های تهاجم فرهنگی در او کمرنگ شود. در این راهکار همچنین مدیران مدرسه می‌توانند جهت آماده‌سازی پیام‌ها تأثیرگذار دینی و اخلاقی از خود دانش‌آموزان کمک بگیرند، که این نیز سبب می‌گردد دانش‌آموزان جهت پیدا کردن این پیام‌ها به جستجو پرداخته و ضمن مطالعه بسیاری از پیام‌های دینی و اخلاقی، به انتخاب از میان آن‌ها بپردازد. این در باعث شکل‌گیری محتوای این پیام‌ها در ذهن دانش‌آموز خواهد شد که بی‌شک رفتار و اعمال او را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش‌آموزان، شماره ۲۹

گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
دانش‌آموزان	آموزش و پرورش صدا و سیما	برنامه‌های تلویزیونی	آشنایی با مسائل دینی	آشنایی دانش‌آموزان و خانواده‌ها با تأثیرات تهاجم فرهنگی حل مسائل دینی دانش‌آموزان	بازآموزی

فرایند اجرای برنامه:

در این راهکار لازم است وزارت آموزش و پرورش نسبت به تهیه برنامه‌ای با محتوای پیامدهای تلخ تهاجم فرهنگی در میان دانش‌آموزان و آشنایی با مسائل و مشکلات دینی و اعتقادی دانش‌آموزان اقدام نماید. این برنامه باید شامل مواردی از جمله گفت‌وگوی صمیمانه بین دانش‌آموزان و روان‌شناسان و سایر متخصصان دینی، آشنایی با مسائل دانش‌آموزان، پخش کلیپ با محتوای پیامد تلخ تهاجم فرهنگی و... باشد. در این برنامه تلویزیونی نیاز است مجریان برنامه از میان دانش‌آموزان بوده و سعی نمایند با برگزاری گفت‌وگوی صمیمانه بین متخصصان با دانش‌آموزان بتوانند مسائل و مشکلات فرهنگی و اعتقادی را که دانش‌آموزان با آن‌ها رو به‌رو بوده، معرفی کرده و به دنبال دستیابی به راهکارها در این زمینه باشند.

ص: 338

عکس

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش‌آموزان، شماره ۳۰

گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
گروه‌های سنتی دوستان	سازمان ملی جوانان، سازمان تبلیغات	تشکیل NGO گفت‌وگو و تعامل چهره به چهره با افراد مؤثر در گروه‌های دوستی	پیام از پیش تعیین شده نیست	ایجاد اعتماد به نفس در میان دانش‌آموزان اصلاح رفتارهای انحرافی	ترغیبی

فرایند اجرای برنامه:

در این راهکار، سازمان ملی جوانان یا سازمان تبلیغات با کمک گرفتن از طلاب و دانشجویان رشته روان‌شناسی، باید در بین گروه‌های دوستی دانش‌آموزان در خارج از نظام آموزشی نفوذ کنند. یکی از راه‌های نفوذ در میان گروه‌های دوستی دانش‌آموزان، می‌تواند تشکیل گروه‌ها و نهادهای مردمی (NGO) با حضور دانش‌آموزان باشد. بدین ترتیب دانش‌آموزان زیادی در نهادهای مردمی عضویت داشته و افراد فوق الذکر باید از طریق شناسایی دانش‌آموزان مؤثر در گروه و گفت‌وگو و برقرای رابطه صمیمانه با این افراد بر روی آن‌ها تأثیر گذاشته و از این طریق به فردی تأثیرگذار در میان تمام دانش‌آموزان تبدیل گردد. به‌وجود آمدن این فرصت، به این افراد این امکان را می‌دهد که با مشاهده اصلاح رفتارهای انحرافی در میان برخی دانش‌آموزان، آن‌ها را هدایت کرده و جلوی رفتارهای انحرافی آنان را بگیرد. از سوی دیگر، تشکیل این نهادهای دانش‌آموزی ضمن ایجاد اعتماد به‌نفس در میان دانش‌آموزان به آن‌ها کمک می‌کند که با اهداف احیای امر به معروف و نهی از منکر و مقابله با تهاجم فرهنگی به فعالیت پرداخته و سایر دانش‌آموزان را نیز به‌وسیلهٔ اجرای برنامه‌های خود هدایت کنند.

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش آموزان، شماره ۳۱

گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
تمام دانش آموزان	معلمان و افرادی با افکار مدرن - روان‌شناس متخصص - مسئولان نظام تربیتی	سخنرانی و گفت‌وگو	بیان فواید ارزش‌ها و اعتقادات دینی و مذهبی	متقاعد کردن دانش‌آموزان برای انجام کارهای دینی و مذهبی	ترغیبی

فرایند اجرای برنامه:

مسئولان نظام تربیتی و یا مدیر آموزشگاه با کمک روان‌شناسان متخصص و افرادی با تفکر مدرن و به روز با سخنرانی در مورد فواید ارزش‌ها و اعتقادات دینی و مذهبی و پاسخگویی به سؤالات دانش‌آموزان جلسائی را تحت عنوان برنامه‌های آموزشی متعدد دینی و مذهبی به‌وجود می‌آورند. این آموزش‌ها باید دارای شیوه‌ها و مدل‌های متنوع و طراحی دقیق باشند و بیشتر بر پایه مجاب‌سازی دانش‌آموزان عمل کنند.

ص: 339

عکس

و حضور دانش‌آموزان در این جلسات نباید بر پایه اجبار باشد بلکه کاملاً آزادانه و اختیاری باشد. دانش‌آموز در این جلسات باید دارای آزادی بیان باشد و هیچ ترسی از عنوان کردن مسئله و بحثی نداشته باشد. در این صورت ضمن اینکه جلسات از حالت خسته‌کننده بودن خارج می‌شود، تمایل دانش‌آموزان جدید هم برای حضور در جلسات بعدی بیشتر می‌گردد.

برنامه‌ترویجی مقابله با تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش‌آموزان، شماره ۳۲

گروه هدف	کارگزاران	ابزار	پیام	هدف	نوع استراتژی
تمامی دانش‌آموزان	مربی پرورشی	روزنامه یواری	شناخت نگرش دانش‌آموزان نسبت به مذهب	تخلیه هیجانی دانش‌آموزان منتقد یا بدبین نسبت به اعتقادات مذهبی	بازآموزی

فرایند اجرای برنامه:

مربی پرورشی به کمک دانش‌آموزان عضو یکی از تشکل‌های دانش‌آموزی (انجمن علمی، بسیج) پارچه یا مقوایی رنگی را در یکی از کلاس‌ها یا سالن مدرسه در معرض دید عموم قرار می‌دهد و از تمامی دانش‌آموزان درخواست می‌کند هر چه دل‌تنگشان می‌خواهد در ارتباط با دین و اعتقادات مذهبی بر روی آن مقوا، یا پارچه یا پوشش بنویسند. سپس مربی برای ترغیب دانش‌آموزان و رفع خودسانسوری آنان ابتدا با تعدادی از دانش‌آموزان معتمد هماهنگ می‌کند و از آنان درخواست می‌کند برای یادداشت انتقادی در این زمینه پیشقدم شوند. او برای این کار یک هفته به دانش‌آموزان فرصت می‌دهد. مربی سرانجام به کمک دانش‌آموزان علاقه‌مند فهرستی از انتقادات، پیشنهادها و حتی جملات و عبارات تمسخرآمیز دانش‌آموزان را گردآوری و دسته‌بندی می‌کند و سپس با تشکیل جلسه‌ای از کارکنان و دانش‌آموزان علاقه‌مند آن‌ها را مورد نقد و بررسی قرار داده و به راه‌حل‌های ساده، کوتاه و عملی فکر می‌کنند.

ص: 340

- جمعبندی استراتژی های تغییر در راستای مقابله با تضعیف اعتقادات دینی

عکس

برنامه ترویجی	نوع راهکاری	نوع کانل ارتباطی	جهت پیام	اثرات ممکن
۱	پیشگیری	شخصی	دو سویه	شکل گیری عقاید و یا تغییر آن‌ها
۲	پیشگیری و مداوا	شخصی	دوسویه	شکل گیری عقاید و یا تغییر آن‌ها
۳	پیشگیری و مداوا	ارتباط جمعی	یک سویه	شکل گیری دانش
۴	پیشگیری و مداوا	ارتباط جمعی	یک سویه	شکل گیری دانش
۵	پیشگیری	ارتباط جمعی	یک سویه	شکل گیری دانش
۶	مداوا	شخصی	دو سویه	شکل گیری عقاید و یا تغییر آن‌ها
۷	مداوا	شخصی	دو سویه	شکل گیری عقاید و یا تغییر آن‌ها
۸	پیشگیری	شخصی	دو سویه	شکل گیری عقاید و یا تغییر آن‌ها
۹	پیشگیری	شخصی	دو سویه	شکل گیری عقاید و یا تغییر آن‌ها
۱۰	پیشگیری	رایانه‌ای	یک و دو سویه	شکل گیری دانش و عقاید
۱۱	پیشگیری	ارتباط جمعی	یک سویه	شکل گیری دانش
۱۲	مداوا	شخصی	دو سویه	شکل گیری عقاید و یا تغییر آن‌ها
۱۳	مداوا	شخصی	دو سویه	شکل گیری عقاید و یا تغییر آن‌ها
۱۴	پیشگیری	شخصی، ارتباط جمعی، رایانه‌ای	یک و دوسویه	شکل گیری دانش و عقاید
۱۵	پیشگیری	ارتباط جمعی	یک سویه	شکل گیری دانش
۱۶	پیشگیری و مداوا	شخصی	دوسویه	شکل گیری عقاید و یا تغییر آن‌ها
۱۷	پیشگیری	شخصی	دو سویه	شکل گیری عقاید و یا تغییر آن‌ها
۱۸	مداوا	شخصی	دو سویه	شکل گیری عقاید و یا تغییر آن‌ها
۱۹	مداوا	شخصی	دو سویه	شکل گیری عقاید و یا تغییر آن‌ها
۲۰	پیشگیری	ارتباط جمعی	یک سویه	شکل گیری دانش
۲۱	مداوا	شخصی	دو سویه	شکل گیری عقاید و یا تغییر آن‌ها
۲۲	مداوا	شخصی	دو سویه	شکل گیری عقاید و یا تغییر آن‌ها
۲۳	مداوا	شخصی	دو سویه	شکل گیری عقاید و یا تغییر آن‌ها
۲۴	مداوا	شخصی	دو سویه	شکل گیری عقاید و یا تغییر آن‌ها
۲۵	مداوا	رایانه‌ای	یک و دوسویه	شکل گیری دانش و عقاید
۲۶	مداوا	ارتباط جمعی	یک سویه	شکل گیری دانش
۲۷	پیشگیری	ارتباط جمعی	یک سویه	شکل گیری دانش
۲۸	مداوا	رایانه‌ای	یک و دوسویه	شکل گیری دانش و عقاید
۲۹	پیشگیری	ارتباط جمعی	یک سویه	شکل گیری دانش
۳۰	مداوا	شخصی	دو سویه	شکل گیری عقاید و یا تغییر آن‌ها
۳۱	مداوا	شخصی	دو سویه	شکل گیری عقاید و یا تغییر آن‌ها
۳۲	مداوا	ارتباط جمعی	یک سویه	شکل گیری دانش

ص: 341

جدول 3- جدول تقسیم بندی استراتژی تغییر بر اساس شاخص تضعیف اعتقادات دینی

عکس

نوع راهکار	تعداد برنامه‌های ترویجی	درصد برنامه‌های ترویجی
راهکار پیشگیری	۱۶ برنامه	٪۴۵
راهکار مداوا	۲۰ برنامه	٪۵۵
مجموع	۳۲ برنامه ترویجی	٪۱۰۰

تجزیه و تحلیل برنامه های ترویجی بر اساس استراتژی پیشگیرانه، استراتژی مداوا

همان گونه که در جدول 3 مشاهده می شود تجزیه و تحلیل برنامه های ترویجی مقابله با شاخص تضعیف اعتقادات و باورهای دینی اسلامی و انقلابی نشان که از مجموع 32 برنامه ترویجی، 16 برنامه و راهکار به استراتژی پیشگیرانه و 20 راهکار و برنامه ترویجی به استراتژی مداوا اختصاص دارد که این خود حاکی از آن است که اولاً مسئله تضعیف اعتقادات دینی در دبیرستان های دخترانه و پسرانه شهر مشهد یک شاخص عینی و قابل مشاهده است. در همین راستا جهت مقابله با این پدیده شوم باید از برنامه ها و راهکارهای مداوا بهره جست. در ثانی از دید صاحب نظران شاخص تضعیف اعتقادات دینی و مذهبی در بین دانش آموزان شهر مشهد در حال گسترش می باشد بنابراین متخصصان برنامه های ترویجی با استراتژی پیشگیرانه را برای مقابله با آن مطرح کرده اند.

تجزیه و تحلیل استراتژی های تغییر بر اساس نوع کانال ارتباطی

در یک تقسیم بندی دیگر در این تحقیق و برای دستیابی به بهترین کانال ارتباطی شاخص تضعیف اعتقادات و باورهای دینی تمام برنامه های ترویجی ارائه شده برای مقابله با این شاخص را بر اساس نوع کانال های ارتباطی در سه شاخه کانال های شخصی، کانال های ارتباط جمعی و کانال های رایانه ای تقسیم بندی کردیم و مورد تجزیه و تحلیل قرار دادیم.

ص: 342

جدول 4- جدول تقسیم بندی استراتژی تغییر شاخص تضعیف اعتقادات دینی بر اساس نوع کانال ارتباطی

عکس

نوع کانال ارتباطی	تعداد برنامه‌های ترویجی	درصد برنامه‌های ترویجی
کانال شخصی	۲۱ برنامه ترویجی	٪۶۰
کانال ارتباط جمعی	۱۰ برنامه ترویجی	٪۲۹
کانال ارتباط رایانه‌ای	۴ برنامه ترویجی	٪۱۱
مجموع	۳۲ برنامه ترویجی	٪۱۰۰

همان گونه که در جدول 4 مشخص گردیده است از مجموع برنامه های ترویجی که در راستای مقابله با شاخص تضعیف اعتقادات و باورهای دینی از دیدگاه صاحب نظران معرفی گردیده است استفاده از کانال های شخصی (برگزاری جلسات بحث و گفت و گو ،مشاوره ساعات درسی اردوها و...) با بیش از 60 درصد از بیشترین کاربرد برای مقابله با شاخص تضعیف اعتقادات و باورهای دینی اسلامی و انقلابی برخوردار است همچنین (استفاده و بهره برداری از کانال های ارتباطی جمعی با 29 درصد استفاده از تلویزیون سینما فیلم بردهای تبلیغاتی) و کانال های رایانه ای با 11 درصد (استفاده از سایت، ایمیل، وبلاگ و....) از دیگر کانال های ارتباطی به شمار می روند.

نتایج این یافته مشخص می سازد که برگزاری جلسات بحث و گفت وگو، مشاوره، ساعات درسی اردوها و... که به طور مستقیم در آن بین ،معلم مربی و سایر مسئولان با دانش آموزان ارتباط دوسویه برقرار می شود و سبب شکل گیری عقاید در بین دانش آموزان می گردد مهمترین ابزار و کانال ارتباطی برای مقابله با شاخص تضعیف اعتقادات و باورهای دینی اسلامی و انقلابی در بین دانش آموزان شهر مشهد به شمار می رود هر چند نباید از برنامه های ترویجی که از طریق کانال های ارتباط جمعی و رایانه ای نیز اجرا می گردد، غافل ماند.

ص: 343

تجزیه و تحلیل برنامه های ترویجی تضعیف اعتقادات و باورهای دینی بر اساس نوع استراتژی

همان گونه که در جدول شـماره 5 مشاهده می کنید 20 برنامه ترویجی معادل 60 درصد کل برنامه های ترویجی برای مقابله با تضـعیف اعتقادات دینی از استراتژی ترغیبی بهره گرفته انـد بـدین معنا که برای مقابله با این مسـئله بایـد تلاش کرد تغییری را از طریق روش هایی به وجود آورد که در آن هـا تعصب به وجود آورد. به عبارت دیگر بهترین استراتژی در راسـتای مقابله با پدیـدهٔ فوق تغییر از طریق دلیل آوردن اصـرار و تشویق در بین دانش آموزان دبیرسـتان های شـهر مشـهد است. هر چند استراتژی بازآموزی هم با 33 درصد کل راهکارها برای مقابله با مسئله تضعیف اعتقادات دینی از نظر صاحب نظران از جایگاه ویژه ای برخوردار است به طوری که صاحب نظران بر این اعتقادند که می توان با بیان بی تعصب حقیقت به قصد توجیه عقلی با مسئله تضعیف اعتقادات دینی در دانش آموزان شهر مشهد مقابله کرد.

جدول 5- جدول تقسیم بندی برنامه های ترویجی تضعیف اعتقادات دینی براساس نوع استراتژی تغییر

عکس

استراتژی تغییر	تعداد برنامه‌های ترویجی	درصد برنامه‌های ترویجی
استراتژی ترغیبی	۲۰	٪۶۰
استراتژی بازآموزی	۱۱	٪۳۳
استراتژی قدرتی	۲	٪۷
مجموع	۳۲ برنامه ترویجی	٪۱۰۰

سایر نتایج جدول 5 نیز مشخص می سازد که تنها کم تر از 7 درصد برنامه های ترویجی بهره گیری از استراتژی های قدرتی را توصیه کرده انـد که این خود حکایت از آن دارد که اسـتفاده از قـدرت و زور بر پایه ترس دانش آموزان نمی تواند راهکار مناسب برای مقابله با شاخص تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش آموزان شهر مشهد به شمار آید.

ص: 344

تجزیه و تحلیل برنامه های ترویجی تضعیف اعتقادات و باورهای دینی براساس نوع کارگزار

در این قسمت ما مهمترین کارگزارانی را که همان افراد گروه ها یا سازمان هایی اند را که مأموریت آن ها مقابله با شاخص تضعیف اعتقادات و باورهای دینی در دبیرستان های شهر مشهد است. مورد بررسی قرار می دهیم.

جدول 6- مهمترین کارگزاران برای مقابله با پدیده تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش آموزان

عکس

کارگزاران	فراوانی
آموزش و پرورش	۱۶
مدیران مدارس	۱۳
مربیان پرورشی	۹
سایر معلمان دلسوز	۴
هنرمندان	۴
انجمن‌های علمی دانش‌آموزی	۴
سپاه و بسیج دانش‌آموزی	۳
دانش‌آموزان محبوب، معقول و دواطلب	۲
روان‌شناس یا مشاور	۱
شهرداری	۲
سازمان و دفتر تبلیغات اسلامی	۱
اداره ارشاد اسلامی	۱
آستان قدس رضوی	۱
هیئت امنای مسجد	۱
مسئولان امور مساجد	۱

همان گونه که در جدول 6 مشاهده می شود مهمترین کارگزار از دیدگاه صاحب نظران عرصه امر به معروف و نهی از منکر در راستای مقابله با شاخص تضعیف اعتقادات و باورهای دینی اسلامی و انقلابی سازمان آموزش و پرورش (16 مورد) است که این خود نشان می دهد که این سازمان نه تنها متولی اصلی آموزش دانش آموزان به شمار

می آیـد، بلکه مهمترین سازمان متولی کارهای فرهنگی و مذهبی با هدف افزایش پایبندی به اعتقادات دینی و مذهبی نیز می باشد هر چند برای رسـیدن به این مهم نقش کارگزاران دیگر ماننـد مدیران مدرسه (13 مورد) مربیان پرورشی (9 مورد) و سـایر معلمان دلسوز نیز قابل تأکید می باشد.

شناسایی پرکاربردترین ابزارهای برنامه های ترویجی تضعیف اعتقادات دینی در بین دانش آموزان

همـان گونه که در جـدول 7 مشاهـده می گردد برگزاری مراسم سـخنرانی، گفت وگـو صـمیمانه کرسـی آزاداندیشـی تریبون آزاد (7 برنامه ترویجی) از مهم ترین ابزارهایی است که تأکیـد صاحب نظران برای مقابله با پدیـدهٔ تضـعیف اعتقادات و باورهای دینی در دبیرسـتان های شهر مشـهد قرار گرفته است بعد از این ابزارها می توان از برگزاری مسابقات فرهنگی ورزشی و هنری ویژه دانش آموزان (5 برنامه ترویجی) و الگوسازی یا ایجاد گروه مرجع هدفمند (4 برنامه ترویجی) نام برد.

جدول 7- پرکاربردترین ابزارهای برنامه های ترویجی مقابله با مسئله تضعیف اعتقادات دینی

عکس

ابزار	فراوانی
برگزاری مراسم سخنرانی، گفت‌وگو صمیمانه، کرسی آزاداندیشی، تریبون آزاد	۷ مورد
برگزاری مسابقات فرهنگی، ورزشی، هنری ویژه دانش‌آموزان	۵ مورد
الگوسازی یا ایجاد گروه مرجع هدفمند	۴ مورد
چاپ کتاب و جلد کتاب	۴ مورد
اینترنت و فضای سایبری	۳ مورد
ایجاد گروه دوستی هدفمند	۲ مورد
نمایش تئاتر	۲ مورد
تولید، نمایش و نقد فیلم و انیمیشن	۲ مورد
نصب برد و روزنامه دیواری	۱ مورد
برگزاری اردوهای فرهنگی و ورزشی	۱ مورد
نصب تلویزیون در مدارس	۱ مورد
برگزاری مراسم ملی و دینی	۱ مورد
چاپ بنر و لمینت	۱ مورد

ص: 346

عکس

نصب صندوق پیشنهادها	۱ مورد
کلاس‌های ضمن خدمت	۱ مورد

نکته قابل توجه این است که سه ابزار اصلی مقابله با شاخص فوق در حوزه کانال های ارتباطی شخص قرار می گیرد که به موجب آن عقاید دانش آموزان مورد تغییر قرار می گیرد و برای تغییر عقاید آنان اکثریت زودپذیر از کارایی بالایی برخوردارند، هر چند ابزارهای تولید نمایش و نقـد فیلم و انیمیشن (2 برنـامه) و نصب برد و روزنامه دیواری و تلویزیون در مـدارس و... (1 برنـامه) که از کانال های ارتباط جمعی به تغییر دانش می پردازند از تأکید کم تری برخوردارند.

نتیجه گیری

تهاجم فرهنگی یکی از مهمترین ابزار غرب در راسـتای به اسـتحاله کشیدن فرهنگ ملی اسلامی جامعه ما و تضعیف اعتقادات و باورهای دینی و اسـلامی به شـمار می آیـد. به خصـوص قشـر جـوان و دانش آمـوزان بیشـک احیـای فریضه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان مهمترین راهکار مقابله با تضـعیف اعتقادات دینی و مذهبی همواره از جایگاه خاصـی در نزد صاحب نظران و مسـئولان اجرایی کشورمان برخودار است.

اما ذکر این نکته ضروری است که در طول سال های اخیر کشورهای غربی با پی بردن به این مسئله ابزارها و وسایل تهاجم فرهنگی خود را تغییر داده اند، به طوری که ابزارهایی جدید را که مظاهر و نمودهای مدرنی به دنبال خود داشـته جایگزین ابزارهای گذشـته خود کرده اند تا از این طریق احیای این فریضه را به معنای سـنتی و قـدیم آن ناکارآمد جلوه دهند. از سوی دیگر با ترویج فرهنگ غربی و نهادینه کردن این فرهنگ در اذهان جامعه، کشورهای غربی شـرایطی را در فرهنگ افراد جامعه ما به وجود آورده انـد که دیگر اجرای امر به معروف و نهی از منکر در بین مردم از رواج کمتری برخوردار بوده و گاه اجرای آن را به منزله دخالت در حریم خصوصی و زندگی شخصی قلمداد کرده و به شدت با آن برخورد می کنند.

در همین راسـتا به نظر محققـان این مقـاله بایـد در راسـتای مقابله با تضـعیف اعتقادات و باورهای دینی و مـذهبی در جامعه – بخصوص نوجوانان و جوانان دانش آموز – به

دنبال راهکارهای روزآمد و جدیدی بود که یارای مقابله با حملات جدید غرب را داشته باشد در همین راستا توانستیم به 32 برنامه ترویجی و استراتژی تغییر دست یابیم که همگی آن ها در حوزه مفهوم امر به معروف و نهی از منکر قرار دارد:

بر اساس اهداف اصلی این تحقیق می توان به نتایج زیر اشاره کرد:

1. از مجموع برنامه های ترویجی استفاده از کانال های شخصی (برگزاری جلسات بحث و گفت و گو، مشاوره، ساعات درسی، اردوها و...) با بیش از 60 درصد از بیشترین کاربرد برای مقابله با تضعیف اعتقادات و باورهای دینی برخودار است همچنین استفاده و بهره برداری از کانال های ارتباطی جمعی با 29 درصد (استفاده از تلویزیون، سینما فیلم، بردهای تبلیغاتی) و کانال های رایانه ای با 11 درصد (استفاده از سایت، ایمیل، وبلاگ و....) از دیگر کانال های ارتباطی به شمار می روند.

2. از مجموع برنامه های ترویجی برای مقابله با پدیده تضعیف اعتقادات دینی در دانش آموزان مشهدی 60 درصد آن از استراتژی ترغیبی بهره گرفته اند، بدین معنا که برای مقابله با مسئله باید تلاش کرد تغییری را از طریق روش هایی به وجود آورد که در آن ها تعصب وجود دارد به عبارت دیگر در استراتژی ترغیبی تلاش شد تغییر را از طریق دلیل ،آوردن اصرار و تشویق به وجود آوریم همچنین 33% از برنامه های ترویجی بر پایه استراتژی باز آموزی که همان بیان بی تعصب حقیقت به قصد توجیه عقلی است به کار رفته است اما کم ترین تأیید بر برنامه هایی ترویجی است که بهره گیری از استراتژی های قدرتی را توصیه کرده اند که این خود نشان می دهد که مسئولان اجرایی و فرهنگی کشورمان باید راهکارهای امر به معروف و نهی از منکر خود را بیشتر بر پایه اصول و استراتژی های ترغیبی و بازآموزی بنا کنند، نه استراتژی های قدرتی که کم ترین تأثیرگذاری را دارند.

3. از مجموع برنامه های ترویجی برای مقابله با تضعیف اعتقادات و باورهای دینی مشخص گردید که مهم ترین کارگزار بیشک سازمان آموزش و پرورش است، به نوعی که در 16 برنامه ترویجی دست اندرکار و کارگزار اصلی طرح بر عهده این نهاد بوده است هر چند در این راستا نباید از جایگاه مدیران مدرسه با 13 برنامه ترویجی و مربیان پرورشی با 9 برنامه ترویجی غافل ماند. بنابراین این نتیجه قابل احصاست

که ستون اول مقابله با پدیده تضعیف اعتقادات دینی و باورهای مذهبی در سطح دبیرستان های شهر مشهد از داخل مجموعه آموزش و پرورش است. بنابراین در این قسمت سازمان آموزش و پرورش مدیر مدرسه مربیان پرورشی از مهم ترین کارگزاران داخلی برنامه های ترویجی به شمار می روند در بین کارگزاران خارجی، هنرمندان، روان شناسان، سپاه پاسداران، شهرداری سازمان تبلیغات اسلامی، صدا سیما و اداره ارشاد اسلامی مهمترین کارگزارانند.

از مجموع برنامه های ترویجی مشخص گردید که برگزاری مراسم سخنرانی، گفت و گو صمیمانه کرسی آزاداندیشی تریبون آزاد (7 برنامه ترویجی) از مهم ترین ابزارهایی است که مورد تأکید صاحب نظران برای مقابله با پدیده تضعیف اعتقادات دینی در دبیرستان های شهر مشهد قرار گرفته است بعد از این ابزارها می توان از برگزاری مسابقات فرهنگی ورزشی و هنری ویژه دانش آموزان (5 برنامه ترویجی) و الگوسازی یا ایجاد گروه مرجع هدفمند (4 برنامه ترویجی) نام برد. نکته قابل توجه این است که سه ابزار اصلی برای مقابله با پدیده ضعف اعتقادات و باورهای دینی در حوزه کانال های ارتباطی شخص و ارتباطات دوسویه قرار می گیرد که به موجب آن عقاید دانش آموزان مورد تغییر قرار می گیرد و برای تغییر عقاید دانش آموزان اکثریت زودپذیر از کارآیی بالایی برخوردارند هر چند ابزارهایی همچون استفاده از اینترنت و فضای مجازی چاپ کتاب و تولید نمایش و نقد فیلم و انیمیشن در مراحل بعدی، پرکاربردترین ابزارها هستند. با استفاده از کانال ارتباط جمعی به تغییر دانش پرداخته می شود که از جمله استراتژی های مهم برای تغییر اقلیت دیرپذیر به شمار می آیند.

منابع

1. ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، چ اول، دار إحیاء التراث العربی، ج 1، 5، 6 و 15، بیروت، 1408 ق.

2. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نفرات برتر دانش آموزان مدارس شاهد مورخ 1368/5/25

3. بی نـام، فرهنـگ و تهـاجم فرهنگی (سـخنان مقـام معظم رهبری در دیـدار وزیر و معـاونین آموزش و پرورش)، تهران سازمان مـدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، 1370ش.

4. بی نـام، مصـاحبه هـا (مجموعه مصـاحبه هـای حضـرت آیت الله خامنه ای در دوران ریاست جمهوری پیرامون شورای عالی انقلاب فرهنگی)، شورای عالی انقلاب فرهنگی 1380ش.

5. بی نام، مجموعه سخنان رهبری در دیدار دانشجویان، شورای عالی انقلاب فرهنگی، 1385ش.

6. پایگاه اطلاع رسانی حوزه www.hawzah.net، رؤیت شده در تاریخ 1389/8/22.

7. پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری www leader.ir رؤیت شده در تاریخ 1386 /10/11

8. جوادی یگانه، محمدرضا، عباسی خانی، مهدی، تغییرات برنامه ریزی شده، تهران، اداره کل تحقیقات و توسعه صدا، 1380ش.

9. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت، 1414ق.

10. دشتی، محمد، نهج البلاغه، قم، انتشارات الهادی، 1379ش.

11. ذکـائی، محمـد سـعید نظریه و روش در تحقیقـات کیفی، تهران فصـلنامه علـوم اجتمـاعی دانشـگاه علاـمه طباطبـایی، شـماره 17، 1381ش.

12. روشه گی مقدمه ای بر جامعه شناسی عمومی، ترجمه هما زنجانی زاده، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی ساروخانی، 1362ش

13. سبحانی نیا، محمد کارکرد دین در زندگی بشر، قم، انتشارات بوستان کتاب قم،

ص: 350

1388ش.

14. صانعی، اشـرف السادات – نیکبخت نصـر آبادی علی رضا، روش شناسی تحقیقات کیفی در علوم پزشکی تهران انتشارات برای فردا، 1383ش.

15. طبرسی، علی، مشکاة الانوار انتشارات طوس،

16. طریحی، شیخ فریدالدین مجمع البحرین، ج 3، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

17. عاملی زین الدین (شهیدثاني)، الروضة البهية، تصحیح سید محمد کلانتر لبنان بیروت، انتشارات دار العالم الاسلامی

18. علامه طباطبایی، تفسیر المیزان ترجمه موسوی همدانی تهران دفتر انتشارات اسلام.

19. فولادیان، مجید بررسی اصول و فروع دین در نزد جوانان شهر مشهد طرح پژوهشی شورای عالی انقلاب فرهنگی، 1389ش.

20. کاشانی، مولا محسن، المحجة البیضاء، ج 4، دفتر انتشارات اسلامی.

21. مصباح یزدی، محمدتقی تهاجم فرهنگی، برگرفته از سایت: www. mesbahyazdi. org

22. آذرخش دیگر از آسمان کربلا، تهران انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، 1386ش.

23. مطهری، مرتضی، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، انسان و ایمان، انتشارات صدرا 1389ش.

24. ملکی میانجی، محمد باقر، توحید الامامیه، انتشارات مؤسسه نبأ.

25. یعقوبی، جعفر، آموزش سپاه جلد اول اداره آموزش ستاد مشترک، 1381ش.

ص: 351

ارزشمندی امر به معروف و نهی از منکر از انگیزش تا بازدارندگی: دکتر امیر سلمانی رحیمی

اشاره

*ارزشمندی امر به معروف و نهی از منکر از انگیزش تا بازدارندگی: دکتر امیر سلمانی رحیمی (1)

إذا أبصَرتكَ العَينُ مِن بُعدِ غايَةٍ *** و عارض فيك الشك أثبتك القلبُ

ولو أنّ قومًا أمّموك لقادَهُم *** نسيمُك حتى يُستدلَّ بك الركبُ (2)

(چون چشم تو را از دور ببیند و شک در برابر آن خود نماید دل به حقیقت تو گواهی دهد).

(و اگر قومی تو را پیشوای خود قرار می دادند بی تردید نسیم خوش تو راه را به ایشان می نمایاند.)

ص: 352

1- استادیار زبان و ادبیات عرب دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان

2- ابن بابویه، م381ه- ، عیون أخبار الرضا، ص 155 ابونصر محمد بن حسن بن ابراهیم کرخی گوید: ابوالحسن ابوالحسن محمد بن صقر غسانی برای من حدیث کرد که ابوبکر محمد بن یحیی صولی گوید از ابوالعباس محمد بن یزید مبرد شنیدم که می گفت روزی ابونواس از خانه اش خارج شد؛ پس به سواری برخورد که به سبب دوری نتوانست چهرهٔ او را ببیند و بشناسد اما ناخودآگاه دل به او سپرده بود پرسید او کیست؟ و چون به او گفته شد که علی بن موسی الرضا علیه السلام است این دو بیت را خواند. از آن جا که این مقاله به همایش علمی - پژوهشی بررسی جلوه های عملی و نظری امر به معروف و نهی از منکر در سیره رضوی علیه السلام ارائه شد این دو بیت تیمناً و برای بهره مندی از نور هدایت حضرتش در طلیعه سخن قرار گرفت.

درآمد

با همه امیدواری به آینده ای آباد و توأمان سعادت و کمالی معنوی – الهی برای بشر و نظام هستی، که آن را وعده تخلف ناپذیر قرآن کریم و از آموزه های ارزشمند پیامبران علیهم السلام در می یابیم؛ پیوسته یکی از مهمترین نگرانی های رهبران مذهبی دور شدن مردم از حقایق ایمانی در دو عرصه اندیشه و عمل بوده است.

در بیان فرجام نظام طبیعت در قرآن کریم می خوانیم (وَالشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِیرُ الْعَزِیزِ الْعَلِیم)، (1) چنان که این کتاب آسمانی، صالحان را میراث بران زمین خوانده و فرموده است: (وَلَقَدْ کَتَبْنَا فِي الزَّبُور مِنْ بَعْدِ الذِّکْر أَنَّ الأَرْضِ یَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ) (2)

با این همه، مجاهدت مستمر راهبران الهی در کنار تلاش های نظام مند و رسمی حکومت ها البته با انگیزه های متفاوت برای دعوت شمار بیشتری به ورود در حریم ارزش ها و حفظ باورمندان در این راه در همین راستا قابل ارزیابی و پی جویی است.

این مقاله بر آن است تا با نگاهی به میراث فکری سخنان و سیره عملی حضرات معصومین به ویژه امام علی بن موسی الرضا علیه السلام ابزار تحقق و فراگیری امر به معروف و نهی از منکر را در میان آحاد جامعه اعم از جامعه اسلامی و انسانی معرفی نماید. پیشتر یادآوری این نکته را لازم می داند که تلاش های بسیاری همچون تعلیم و تعلم، کار با هدف آباد کردن زمین و اداره بهتر زندگی فردی و خانوادگی و مانند آن در زمرهٔ معروف در معنای وسیع آن قرار می گیرند اما در فرهنگ اسلامی امر به معنی فرمان دادن به انجام کاری پسندیده و نهی در معنی بازداشتن آشکار از انجام کاری ناپسند (منکر) منظور نگارنده در این مقاله است.

تأکید بر قید آشکار از آن روست که امر به معروف و نهی از منکر هم در عرف و مهمتر در فقه دارای مراتب و مراحلی است که والاترین آن امر و نهیی آشکار و دارای نمود بیرونی است به دیگر بیان با اصطلاح امر به معروف و نهی از منکر سر و کار داریم و این مقوله به تعبیر امام راحل خمینی کبیر قدس سره با بیان کلی و ضمنی

1- یس / 38 (خورشید به سوی جایگاه خود در حرکت است این تقدیر آن توانای داناست).

2- انبیا /105، در زبور پس از ذکر نوشته ایم که بندگان صالحم زمین را به ارث خواهند برد.

یا بیان حکم بدون تعیین مخاطب واقع نمی شود ایشان می فرماید: در سقوط وجوب، بیان حکم شرعی یا بیان مفاسد ترک واجب و انجام حرام کافی نیست، مگر آن که حسب عرف، امر و نهی از آن دانسته شود... . (1)

نیز شایان ذکر می داند که نگارنده با هدف اطمینان بخشی به خوانندگان فرهیخته خود بهره مندی از منابع معتبر و مجامیع روایی دست اول را اصلی پذیرفته دانسته و از همین رو کوشیده است فقط به آن دسته از کتاب های حدیثی مراجعه کند که مؤلفان آن ها تا پایان قرن چهارم می زیسته اند.

آمران به معروف و ناهیان از منکر

نگاهی به آیات و روایات نشان می دهد که امر به معروف و نهی از منکر تکلیفی واجب با منشأ نقلی است. به دیگر بیان، عقل حسابگر را نرسد تا شخص را به کاری وادارد که در بسیاری اوقات فایده مستقیم آن به خود او بازنگردد و احیاناً زحمت و زیانی را بروی مترتب سازد.

ابن ادریس حلی در بیان این حقیقت گوید جمهور متکلمان و تحصیل کنندگان فقه گفته اند که آن دو به سمع واجب می شوند و در عقل چیزی که نشانگر وجوب آن دو باشد وجود ندارد و ما این را به دلیل اجماع امت و با [استناد به] آیاتی از قرآن و اخبار دانسته ایم». (2)

این حقیقت فراموش نشود که دفع ضرر از جان بی هیچ خلافی، واجبی عقلی است و مراد ابن ادریس و مانند وی از این بیان آن است که به علم ضروری نتوان راهی به وجوب امر به معروف و نهی از منکر یافت.

پیش از ادامه بحث شایسته می بیند یادآور شود که معروف در ادبیات قرآن و حدیث بیشتر در دو معنا به کار می رود.

الف) کار پسندیده و نیک؛ چنان که در قرآن کریم آمده است (وَ المُؤمِنونَ وَالمُؤمِنَاتُ بَعضُهُم أَولِیاءُ بَعض یَأمُرونَ بالمَعروفِ وَ یَنهَونَ عَن المُنکَر وَ یُقِیمُونَ الصّلاةَ وَیُؤتون

1- خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ص 464

2- حلی، ابن ادریس، السرائر، ص 21

الزكاةَ وَيُطيعونَ اللهَ وَرَسُولَهُ أولئكَ سَيَرحَمُهُمُ الله إن الله عَزيزٌ حَكِيمٌ). (1)

ب) بخشش و کمک مالی؛ چنان که در قرآن کریم آمده است (.... فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنّ أُجُورَهُنّ وَأَتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوف .....) (2)

اما با نگاهی عمیق تر به خوبی می توان دریافت که معنای دوم مصداقی روشن از معنای نخست است و به هیچ رو نمی تواند از نظر وزن و کاربرد همسنگ معنای اول باشد و با این نگاه تقریباً و در همه جا می توان آن چه را در خصوص معنای دوم وارد شده به معنای اوّل حمل کرد.

النهایة «معروف را اسمی جامع برای هر آن چه طاعت خداوند شناخته شود و موج تقرب به او گردد و نیکی به مردم و هر مستحبی در شرع» معرفی کرده است. (3)

همچنین از مجموع آیات و روایات درس هایی ارزنده را در موضوع بحث، یعنی امر به معروف و نهی از منکر می آموزیم که پس از اشاره ای گذرا به آن ها مطلب اصلی در ارتباط با بازشناسی مفهوم معروف و چگونگی کاربست آن در فراگیر و همگانی ساختن امر به معروف تقدیم خواهد شد.

از جمله این درس ها تبیین جایگاه آمر به معروف و ناهی از منکر است. در این معنا و با تکیه بر سخنان حضرت امام علی علیه السلام (4) آمران به معروف و ناهیان از منکر به چهار گروه یا طبقه تقسیم می شوند:

طبقه اول کسانی اند که در دل از منکر بیزار به زبان، ابراز کننده پسندیدگی معروف و زشتی منکر و در عمل در جهت تحقق معروف و پیشگیری از منکر کوشا هستند؛ به تعبیر روایات این گروه زندگان اند و آثار حیات در زندگی فردی و اجتماعی شان پدیدار؛

طبقه دوم کسانی اند که به درجه ای از باور رسیده پسندیدگی معروف و زشتی

1- توبه/71، در این آیه با عنایت به ذکر زکات می توان معروف را به معنای کار نیک و پسندیده دانست تا تکراری در معنا پیش نیاید.

2- طلاق/ 6

3- به نقل از بحار الأنوار، ج 71، ص 172

4- نهج البلاغه، حکمت 374

منکر را دریافته انـد و کـج دار و مریز و شاید در پرده و بیمناک از آن که مبادا با واکنش تندی مواجه شوند یا با توجیه خود به این معنا که هر کاری مسـئول و مجری خاص خود را دارد تنها به تذکری زبانی در برخورد با منکران بسـنده می کنند؛ این گروه شایسـته سـتایش اند زیرا به درجه ای در اصلاح جامعه مؤثرند.

طبقه سوم، آنانی هستند که متأثر از باوری نه چندان عمیق، با دیدن منکر مختصر رنجشی در خویش احساس کنند اما از آن جا که به درجه یقین نرسیده اند، شجاعت و شهامت برخورد را در خود نمی یابند و حاضر نیستند زبانی به حرکت آورده یا دستی به کار اندازند.

و طبقه چهارم که از آنان به «مرده ای در میان زنـدگان» تعبیر شده کسانی اند که چونان مردگان هیچ واکنشـی در برابر کارهای دیگران حتی هیچ اگر آزارشان دهد، نیز ندارند. این گروه حتی بر این باور نیستند که:

طاعت از دست نیاید گنهی باید کرد *** در دل دوست به هر حیله رهی باید کرد

یا به گفته شاعر عرب:

إذا أنت لم تنفع فضُر فإنّما *** یُرجی الفتی کَی ما یضر و ینفع (1)

(اگر از رساندن سود به دیگران ناتوانی دست کم زیانی برسان زیرا از شخص زنده انتظار می رود که زیان یا سودی برساند)

دردمندی در این گروه که متأسـفانه شمار آنان نیز کم نیست، وجود ندارد و از همین روست که در برابر زشتی ها و ناهنجاری ها (منکرات) بی تفاوت اند. به گفته شاعر آنان مردگانی اند که هر اندازه به ایشان نیشتر زده شود به دردشان نیاورد زیرا حسگرهای خود را از کف داده اند. به قول متنبی:

وَ مَن یَهُن یَسهل الهَوانُ عَلیهِ *** ما لِجُرح بِمَیّتِ إیلام (2)

(کسی که زبونی و خواری را برگزیند برایش خواری و ذلت آسان خواهد شد زیرا مرده از هیچ زخمی احساس درد نمی کند).

1- النابغة الجعدی دیوان (نابغه از شاعران خوشـنام است. وی پیش از اسلام تولد یافت و پس از ظهور اسلام به آن ایمان آورد و در صفین به شهادت رسید).

2- دیوان متنبی متنبی از مشهورترین شاعران عرب و متوفای 354ه- است.

فراموش نشود که اگرچه ارزش و پـاداش هر یـک از این طبقـات از ارزش و پـاداش طبقه پیش از آن کمتر است اما این به آن معنا نیست که مسـلمان می توانـد در حداقل آن کوتاهی کند و با کم اثرترین ابزار که همانا دل است نهی از منکر نکند؛ زیرا فقیهان امکان و توان را شـرط دانسته اند.

شیـخ الطائفه در این باره گویـد: هر که توان هر سه را داشـته باشد انجام هر سه بر او واجب است و اگر همه (هر سه) او را ممکن نشد نهی باید (دست) بر او واجب شود و اگر امکان آن برایش فراهم نیامد نهی با دل و زبان و اگر نهی زبانی هم برایش ممکن ،نبود باید که در دل از آن منزجر و برائت خواه باشد». (1)

در بیان این گروه های چهارگانه روایت شـده است که «امیرمؤمنان علیه السـلام خطبه می خواند مردی با حضـرتش وارد گفت و گو شد و پرسید: ای امیرمؤمنان! از مرده زندگان برایمان حدیث کن.

حضرتش خطبه را قطع کرد و فرمود منکری که با قلب و زبان و دست در برابر منکر می ایستد چنین شخصی همه صفات نیک را حائز شده است و منکری که با دل و زبان خویش به مقابله با منکر بر می خیزد اما دست به کار نبندد او دو خصـلت از خصـلت های خوب را کسب کرده است و [سوم] منکری که تنها به دل انکار کنـد و زبان و دست را به کار نگیرد او یکی از خصـلت های نیک را حائز شده و آن که ترک نهی از منکر با دل و زبان و دست کند، چنین کس مرده ای در میان زندگان است و سپس به خواندن خطبه ادامه داد». (2)

ارزشی بازدارنده!

از دیگر نکته های آموزنده و برانگیزاننده در این موضوع توجه دادن حضـرات معصومین علیهم السـلام به چگونگی امر به معروف و نهی از منکر است. نگارنده مایل است خواننده فرهیخته نیز چون او از فضای معمول و کاربست رایج این حدیث شریف خارج شود و از زاویه ای متناسب، به موضوع بنگرد.

پیشتر اشاره شد که «معروف» را در دو معنای «کار پسندیده» و «بخشش مالی» به

1- طوسی، الرسائل العشر، ص 246.

2- علی بن بابویه، 1406 ه-.ق، ص 377

کار برده انـد اما تقریباً بی هیـچ تردیـدی می توان معنای دوم را مصـداقی روشن از معنای نخست دانست. به دیگر بیان، رابطه میان این دو معنـا برای «معروف» در نگـاه اهل منطق، عموم و خصوص مطلق است به این گونه که می توان هر بخشـش مالی را «معروف» دانست، اما «کار پسندیده» دامنه ای فراخ تر دارد و نمی توان آن را به بخشش مالی محدود کرد.

شایـد بتوان ادعا کرد که در این نگاه به معانی معروف، نقل نیز به یاری عقل و لغت آمده و مهر تأییدی بر آن نهاده است. در حدیثی از امام صـادق علیه السـلام است که حضـرتش فرمود معروف، چیزی جز زکـات است پس با نیکی و صـله رحم به خداونـد عزیز و جلیل تقرب بجویید. (1)

اکنون انتظار می رود با این نگاه به حدیثی شـریف که از امام صادق علیه السـلام به ما رسیده است پرداخت حضرتش فرموده است: بر آنم که معروف جز با سه خصلت سه خصلت به سامان نرسد؛ کوچک شمردن ،آن پنهان داشتنش و شتاب در آن.

امام علیه السـلام در ادامه همین حدیث و در شـرح راز و همین حدیث و در شـرح راز و حکمت سخن خویش می فرماید: زیرا وقتی آن را کوچک شمری بزرگش داشته ای نزد آن کس که معروف را در حق او روا داشته ای و چون آن را پنهان ،داری به پایان و کمالش برده ای و آن گاه که در آن شتاب نمایی گوارایش ساخته ای و اگر جز این باشد، آن را نابود کرده و از ارزش آن کاسته ای. (2)

به نظر می آید این سه حکمت یا سه راهکار می تواند اصلی ترین نقش را در تحقق عملی امر به معروف و نهی از منکر ایفا نماید چه این که بسیاری از مردم حتی همانان که به باور بایستگی امر به معروف رسیده اند گرفتار تضاد و به تعبیر امروز پارادوکسی بازدارنده شده اند

از سویی در مواجهه با منکر مایلاند در نقش ناهی ظاهر شوند و از سویی آن چنان

1- ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ص 1686

2- ابن بابویه، در جلد دوم صـفحهٔ 57 کتاب ارزشـمند من لا یحضـره الفقیه چنین روایت کرده است و قال الصادق علیه السـلام: (رَأَیْتُ اَلْمَعْرُوفَ لاَ یَصْلُحُ إِلاَّ بِثَلاَثِ خِصَالٍ تَصْغِیرُهُ وَ سَتْرُهُ وَ تَعْجِیلُهُ فَإِنَّکَ إِذَا صَغَّرْتَهُ عَظَّمْتَهُ عِنْدَ مَنْ تَصْنَعُهُ إِلَیْهِ وَ إِذَا سَتَرْتَهُ تَمَّمْتَهُ وَ إِذَا عَجَّلْتَهُ هَنَّأْتَهُ وَ إِنْ کَانَ غَیْرَ ذَلِکَ مَحَقْتَهُ وَ نَکَدْتَهُ).

کـار را بزرگ و ناشـدنی و متوجه دیگران می بیننـد که تـا به خود می آینـد، صـحنه تغییر یـافته و عامل به منکر دور شـده است و همین امر موجب می شود خود را به گونه ای هم تا حـدی تبرئه کننـد و هم در درون گرفتار عـذاب وجدان و احساس ترک مسـئولیت شوند البته باید اعتراف نمود که دو آموزه دینی در این میدان به جای آن که به کمک هم بیایند در برابر هم قرار گرفته اند یعنی آموزه اهمیت و شـروط آمر به معروف و ناهی از منکر در برابر آموزه کوچک شمردن و لزوم شتاب در انجام دادن این کار پسندیده ایستاده است و این همانی است که در تعبیر برخی روشنفکران از آن به ایستادگی «مذهب علیه مذهب» یاد می شود.

بنابراین با تدبیری عالمانه ضمن بیان اهمیت امر به معروف و نهی از منکر و تلاش در جهت علاقه مند کردن مردم به این نکته نیز باید توجه داد که شـرط رسـیدن به مقصود و تحقق این مهم شتاب کردن در آن است زیرا چه بسیار که شخص علاقه مند به امر به معروف با یادآوری شروط و بزرگی کار خود را چنان سرگرم اندیشه چگونگی این مهم بیابد که عامل به منکر از دسترس او دور شده است.

به باور نگارنده لازم است آمر به معروف و ناهی از منکر ضـمن توجه داشتن به کار ارزنده اش بداند که همه آن پاداش ها و پیامدهای مثبت هنگـامی است که این کـار شـکل عمـل به خـود گیرد و امر به معروف یـا نهی از منکر تحقق یابـد و این تحقق در صورتی است که آمر به معروف و ناهی از منکر در کار خود شتاب کند و آن را چنان پراهمیت و بزرگ نیابد که گمان برد نمی تواند از عهده آن برآید.

نگاهی به آموزه های تربیتی نیز این سخن را تأیید می کند؛ به عنوان نمونه اگر بخواهیم به فرزندمان شنا کردن بیاموزیم پس از بیان مقدماتی نظری و بردن او به کنار اسـتخر از او می خواهیم خود را به درون آب بیندازد و در مقام تشـجیع و ترغیب او می گوییم کار دشواری نیسـت خیلی ها شنا را همین گونه یاد گرفته اند، اصلاً کار مهم و عجیبی نیست فقط لازم است تصمیم بگیری نترسی و وارد آب شوی.

دومین دسـتور راهگشـا برای قاصـد امر به معروف پنهان داشـتن آن است. در این که شـماری از عاملان به منکر و تارکان معروف، در کار خود مقاصدی شوم چون مقابله علنی با دین و اهل ایمان یا کمک به جنود شیطان را دنبال می کنند تردیدی نیست اما

باید پذیرفت که بسیاری هم از سر جهل به حکم خدا یا گرفتار آمدن در دام شیطان و شیطان صفتان مرتکب منکر می شوند یا معروفی را ترک می کنند. از این رو، امر و نهی پنهانی به طور قطع کارساز و اثربخش است.

چه این که در این صورت است که عامل منکر یا تارک معروف در برابر دیگران تحقیر نمی شود و در می یابد که آمر یا ناهی با اخلاص و به قصد واقعی اصلاح یک کژی به سراغش آمده است و از سویی از مقاومت درونی او در برابر آمر می کاهد سومین و آخرین دستور عملی در کار امر به معروف و نهی از منکر، شتاب کردن در آن و روا نداشتن تأخیر .است زیرا در این صورت است که کار به وقت خود و توأمان اثر بخش خواهد بود و مصونیت آن را از آفات تأخیر تضمین خواهد کرد. همه ما شاهد بوده ایم که بسیاری از باورمندان ارزندگی امر به معروف، در برخورد با تارک معروف یا عامل منکر بحث های حاشیه ای و بی نتیجه ای را طرح می کنند؛ نظیر آن که می گویند: باید کار را از اساس درست کرد، یا این صحنه ها فراوان دیده می شود و من سعی می کنم با تذکر به فلان مسئول مانع وقوع این منکرات شوم. برخی نیز همه افراد اعم از مسئولان اجرایی و رهبران مذهبی و فکری را به باد انتقاد می گیرند و گناه را متوجه ایشان می دانند و با این نحو سخنان و توجیهات از کنار مسئولیتی مهم می گذرند در حالی که علاج کار شتاب در امر به معروف و کمک به تحقق و فراگیری این تکلیف الهی است.

من خود بارها از بزرگ ترهایمان شنیده ام که در سال های دهه 40 در مشهد روحانی سیدی به نام آقای شاه (1) اهتمامی مثال زدنی در امر به معروف و نهی از منکر داشته است ایشان در برخورد با خانم های بدحجاب، بی هیچ ترس و تأنی، ترکه کوتاهی را که در دست داشته متوجه شخص بدحجاب می کرده و آشکارا تذکر می داده است و از ،قضا کارش مؤثر بوده و عده زیادی حتی از افراد باحجاب وقتی ایشان را از دور می دیده اند به فوریت چادر و موی سر خود را کنترل می کردند تا

1- معروف است که رضاشاه حکم کرده بود همه روحانیان از کسوت روحانی بیرون آیند و برای برخی کت و شلوار و شب کلاه فرستاده بود اما وقتی بسته ارسالی لباس ایشان را گشوده بودند درون آن به جای لباس رسمی عبا و عمامه بوده و همین موجب شهرت بیشتر آقای شاه شده بود.

مبادا قسمتی از مویشان بیرون باشد و گرفتار تذکر زبانی ایشان شوند.

در خصوص جمله مشهور «فی التأخیر آفاتٌ» نیز تا آن جا که بررسی شده، منتسب به امامی معصوم نیست و در یکی دو شعر در قالب ارسال مثل دیده می شود، از جمله در کشکول شیخ بهاءالدین عاملی می خوانیم:

یا صاح قد صاحتِ الأطیارُ مِن طَرَبٍ *** ماذا التأخر، في التأخیر آفاتٌ

(ای دوست! پرندگان شادمانه نغمه برآورده اند که کندی و تأخر از چه رو؟ [که] در تأخیر آفت هاست)

نیز در نهج السعادة آمده است:

قدّم جمیلاً إذا ما شئت تفعلهُ *** و لا تؤخّر ففي التأخیر آفاتُ (1)

(کاری زیبا/ پسندیده پیش فرست اگر اراده انجام آن داری، و به تأخیر میفکن که در تأخیر آفت هاست).

تواکل آسیبی فراگیر

سخنی مشهور از حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در منابع معتبر حدیث نقل شده که حکایت از اهمیت و ضرورت ورود جدی و بی تأنی اهل ایمان به عرصه امر به معروف و اقدام به آن دارد و از نظر نگارنده از این حدیث شریف نیز می توان به عنوان هشدار و تذکاری برای کشاندن آحاد جامعه اسلامی به میدان اقدام بهره جست.

علت این که گفته شد این حدیث می تواند آحاد جامعه اسلامی، نه فقط شیعی را برانگیزد، نقل آن از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان شخصیت مورد احترام همه مسلمانان است. و نکته دیگر آن که در آن به یکی از اصلی ترین عوامل ترک امر به معروف و نهی از منکر اشاره شده است زیرا بررسی ها نشانگر آن است که متوجه ساختن مسئولیت به ارکان حکومت یا طبقه ای خاص در جامعه نظیر روحانیان از عمده ترین علل رواج نیافتن این تکلیف الهی در جامعه است.

حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: آن گاه که امتم امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر وانهند پس سزد که گرفتار عذابی

1- العاملی، بهاءالدین، الکشکول، ج 7، ص392.

از سوی خداوند شوند. (1)

البته این نکته گفتنی است که سستی و تواکل بسیاری از مردم به موضوع امر به معروف محدود نمی شود و این آفت یا بیماری را علاجی باید تا مشکلات بسیاری در جامعه اسلامی و شرقی حل شود آیا به حقیقت نمی توان این معنا را در ساخت و تأمین نیازهای مادی زندگی امروز یافت؟ آیا تکیه بر ثروت های خدادادی همچون نفت و فروش آن به صورت خام نمودی از انتظاری بی پایان برای فرآوری آن از سوی کمپانی های غربی و تولید و فروش محصولات آن به خود ما نیست؟ و آیا زمان آن نرسیده که با نهادینه کردن روحیه خودباوری و جسارت ورود به انجام کارهای بزرگ، چهره جامعه مان را تغییر دهیم و تا این اندازه در برابر غرب استعمارگر منفعلانه و با اعجاب سکوت نکنیم؟

به نظر می آید به خروش آمدن شاعرانی چون حافظ ابراهیم در پی رسیدن به چنین احساسی بوده است آن جا که می گوید:

کاشف الکهرباء لیتك تعنی *** باختراع یروض مِنا الطباعا

آلة تَسحَق التواکل فی الشر *** ...ق وَ تُلقِی عن الریاء القناعا (2)

(ای کاشف برق! کاش به فکر اختراعی بودی که سرشت ما را تربیت می کرد. دستگاهی که [خوی] به هم سپاری در شرق را از بین می برد و نقاب از چهره ریا فرو می افکند)

تذکاری تأمل برانگیز از استاد مطهری

غالباً فقهای عظام نداشتن پیامدی زیانبار (عدم خوف) برای آمر به معروف یا ناهی از منکر را از شروط امر به معروف و نهی از منکر می دانند در تحریر الوسیله در این باره و پس از مقدمه ای نسبتاً مبسوط و مهم می خوانیم اگر بر جان یا آبرو یا جان و آبروی اهل ایمان بیم برد، نهی از منکر حرام گردد و نیز اگر بر میزان قابل توجهی

1- عطاردی، مسند الإمام الرضا، ج 2، ص 382. عن محمد بن عیسی عن محمد بن عرفة قال: سمعت أبا الحسن الحسن الرضا علیه السلام یقول: کان رسول الله یقول: (إِذَا أُمَّتِی تَوَاکَلَتِ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْیَ عَنِ الْمُنْکَرِ فَلْیَأْذَنُوا بِوِقَاعٍ مِنَ اللَّهِ تَعَالَی).

2- دیوان محمد حافظ ابراهیم، از شاعران معاصر مصر، 1932م.

از اموال مسلمانان بیمناک شود اما اگر نسبت به مال خویش بیم برد، بلکه بداند زیانی مالی متوجه او خواهد شد اگر آن زیان او را به حرج و سختی نیندازد، ظاهر عدم حرمت انکار است و با وجود ایجاب ،آن حرمت نیز بعید نیست. (1)

اما سخن تأمل برانگیز استاد شهید مرتضی مطهری آن است که منظور از «عدم خوف»، اطمینان از عدم توجه زیانی به حقیقت دین است به بیانی دیگر آمر به معروف یا ناهی از منکر باید به این قطعیت برسد که کار او زیانی را متوجه اصل دین نخواهد کرد و چنین نخواهد بود که امر به منکری کرده باشد یا به چیزی فرمان داده که حقیقتاً معروف نیست یا از چیزی نهی نموده که به منکر بودن آن در دین حنیف یقین نیافته است زیرا بسیار اتفاق افتاده که افراد به سبب برداشت های نادرست و سست بنیان از آموزه های دینی منکری را معروف یا معروفی را منکر پنداشته اند و خرافه ها عمدتاً از همین رهگذر به میان مسلمانان راه یافته است.

ایشان معتقد است این که آمر یا ناهی در مسیر کار ارزنده خود متحمل زیانی مالی آبرویی یا جانی خواهد شد امری طبیعی و مورد انتظار است و نمونه برجسته این تحمل زیان را حضرت امام حسین علیه السلام می داند؛ آن حضرت به نقل صحیح با هدف امر به معروف قیام کرد و در عین حال می دانست که در این راه باید از جان خود فرزندان و اصحاب وفادارش بگذرد او می دانست که پس از وی چه بر اهل بیت علیهم السلام او خواهد گذشت و بارها این حقایق را به ایشان گوشزد کرد اما بر این باور نیز بود که کار امت جز با امر به معروف و نهی از منکر اصلاح و راستی نپذیرد. (2)

یاری رسانی و مشارکت در امر به معروف

در این که امر به معروف و نهی از منکر واجبی کفایی شمرده می شود جای گفت و گویی نیست و به قطع بهترین حجت بر این ادعا آیه شریف قرآن کریم است که می فرماید: (کُنتُم خَیْرَ أمة أخرجَتْ لِلنّاسِ تَأْمُرُونَ بالمَعروفِ وَ تَنهَونَ عَنِ المُنکَرِ) (3) (شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند

1- خمینی، روح الله، تحریر الوسیلة، ص 472

2- مطهری، حماسه حسینی، ص 102.

3- آل عمران/ 114

باز می دارید ...) اما سخن در این است که حد کفایت کجاست؟ آیا ورود یک نفر به عرصه امر به معروف و نهی از منکر همیشه و در همه جا کارساز است و مانع ادامه منکر می شود یا این که لازم است در مواردی بیش از یک نفر یعنی تا مرز یک امت وارد صحنه شوند و کاری مشترک و چندجانبه را شکل دهند؟ و البته که این معنا از آیه معروف (وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ...) نیز دریافت می شود.

باید اعتراف کرد که تنها گذاشتن ناهی از منکر متأسفانه و در مواردی نه تنها تأثیری بر عامل منکر نداشته که سکوت و به بیانی همراهی نکردن با آمر به معروف و ناهی از منکر موجب گستاخی وی شده و درستی معروف و ناپسندی منکر را به چالش کشیده است و از همین خاستگاه است که لازم می آید یک یک مؤمنان افزون بر ورود به عرصه نهی از منکر و امر به معروف با مشاهده ورود دیگری به این عرصه، کار را تمام شده تلقی نکنند و چنین نپندارند که چون امر به معروف واجبی کفایی است تکلیف ایشان ساقط شده است بلکه باید و به اعتبار قید «أمة» در آیه یادرفته به گونه ای پیامد نهی از منکر صورت گرفته را رصد کنند زیرا در مواردی لازم می آید به یاری ناهی یا آمر برخاسته و اجازه ندهند کار نهی از منکر خود موجب منکری دیگر شود.

البته این به آن معنا نیست که به نتیجه رساندن نهی از منکر یا امر به معروف از تکالیف ماست زیرا اصل نهی از منکر با رعایت شروط و لوازم آن از واجبات است و چنین امری وارد نشده که شخص آمر یا ناهی موظف است تا حصول نتیجه کار خود را دنبال کند.

و این نکته مهم یعنی یاری رساندن به آمر به معروف و ناهی از منکر به زیبایی در کتاب شریف ثواب الأعمال دیده می شود. در آن جا به نقل از امام باقر می خوانیم: (اَلآمِرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ اَلنَّاهِی عَنِ اَلْمُنْكَرِ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِ اَللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَنْ نَصَرَهُمَا أَعَزَّهُ اَللَّهُ وَ مَنْ خَذَلَهُمَا خَذَلَهُ اَللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ) (امرکننده به معروف و نهی کننده از منکر دو گروه خلق از آفریدگان خدای عزیز و بلند مرتبه اند پس هر که این دو را یاری رساند خدا را یاری رسانده است و هر که آن دو را تنها گذارد، خداوند او را

تنها گذارد دست از یاری اش بردارد) (1)

نتیجه گیری

شایسته و بلکه بایسته است تا مفاهیم معروف و شروط آن از جمله خوف ضرر، تعجیل پوشیده داری و کوچک شمردن امر به معروف بازشناسی و بازتعریف شود. تا از این رهگذر نگاه اهل ایمان و آحاد جامعه به این مهم در جهت اهمیت و رواج آن تغییر یابد.

بدیهی است کوچک شمردن در این حوزه به معنی کمارجی یا سستی جایگاه در میان آموزه های دینی نیست بلکه با تحول باور عموم به اهمیت و فراگیری امر به معروف و نهادینه شدن آن این کار را در توان و بر عهده خویش دیده از تواکل و کوتاهی در آن دست برخواهند داشت.

از سویی با تطبیق دستورهای رسیده در خصوص هر یک از دو مفهوم معروف بر یکدیگر دامنه بهره مندی از راهنمایی های ارزشمند حضرات معصومین علیهم السلام گسترش خواهد یافت.

1- ابن بابویه، ثواب الاعمال، ج 2، ص 160.

منابع

1. قرآن کریم.

2. نهج البلاغه.

3. الحلی، ابن ادریس، السرائر، قم، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين، ج2، 1410 ه-.ق.

4. حافظ ابراهیم، محمد، دیوان، مکتبة الأدب، مصر، بی تا.

5. ابن بابویه، محمد بن علی (صدق)، ثواب الأعمال، تقدیم السید محمد مهدی السید حسن الخرسان ،قم، منشورات الشریف الرضی، 1368 ش.

6. عیون اخبار الرضا، بیروت، اعلمی، چ اول، دوره دوجلدی، 1984/1404م.

7. فقه الرضا، قم، مؤسسة آل البیت علیهم السلام لإحیاء التراث، چ اول، 1406ق.

8. [کتاب] من لا یحضره الفقیه، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری دوره سه جلدی، قم، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.

9. الطوسي محمد بن حسن الرسائل العشر، قم، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.

10. العاملی، بهاءالدین، الکشکول، بی تا.

11. العطاردی الخبوشاني، الشیخ عزیز الله، مسند الإمام الرضا علیه السلام، 2ج، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی (از منشورات کنگره جهانی امام رضا علیه السلام)، 1406ق.

12. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، تحقیق میانجي و بهبودی، 110ج، بیروت،

ص: 366

مؤسسة الوفاء (دار إحياء التراث العربی)، 1403ق.

13. المحمودی، محمدباقر، نهج السعادة، 8 ج، بیروت، مؤسسة الأعلمی، بي تا.

14. مطهری، مرتضی حماسه حسینی، تهران، انتشارات صدرا، 1365

15. خمینی رحمه الله، روح الله، تحریر الوسیلة، 2ج، نجف اشرف، مطبعة الآداب، چ اول، 1390ه- .ق.

16. سایت بیداری اسلامی، ناصر العمر/ ترجمه عادل حیدری؛ خواستن توانستن است.

ص: 367

امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر در سیره رضوی: زهرا شیخوند- دکتر اکرم مرادی

اشاره

*امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر در سیره رضوی: زهرا شیخوند- دکتر اکرم مرادی (1) (2)

مقدمه

جهان بشـریت همچون جهان خلقت از نظمی دقیق و نظامی ثابت برخوردار است. از همین رو گردش دقیق جهان خلقت و اداره صحیح جهان بشـریت - با سـنت های آسـمانی و قوانین الهی - هماهنگ و تـداوم پذیرند و همچنان که آفریدگار، نظم را در جهان پایدار ساخته، همین نظم را نیز به مدد ادیان آسـمانی در جوامع بشری برقرار فرموده است، و با برهم خوردن هر یک از این دو نظم (طبیعی و اجتماعی)، آشفتگی هلاکت بار و خانمان براندازی به وجود خواهد آمد.

از آن جا که بشـر در مواردی از اختیار و آزادی برخوردار است، نظم اجتماعی جهان و بشریت نیز اختلال پذیر بوده و تنها غریزه حب ذات و علاقه شدیـد به بقای خود است که می توانـد در این راسـتا به او کمک کنـد از این دیدگاه، بشـر می تواند با پذیرش راهنمایی ها و آگاهی هایی که شرایط زندگانی سالم را برای او تأمین می کند سنت های فاسد و مخل زندگی را بزداید.

بنابراین می توان «امر به معروف و نهی از منکر» را قانونی طبیعی دانست که برخاسته از سرشت و سرنوشت انسان و همسو و همگام با عقل بشری و فطرت

1- مدرس و عضو هیئت علمی دانشگاه

2- اکرم مرادی (دکترای روان شناسی).

انسانی است. فطرت سالم در ابتدا به مبدأ هستی توجه دارد و با لطافت خود پی به لطافت وجود او می برد: (فِطْرَةَ اللّهِ الّتِي فَطَرَ النّاسَ عَلَيْهَا)؛ (1) فطرت خدایی که مردم را بر آن آفرید.

عقل سلیم نیز با روشنگری های خود می تواند به رسیده های فطرت دست یابد. عقل بشری فقط کلیات مجرد ذهنی همچون عدل کلی و ظلم کلی را درک می کند چنین عقلی فقط یکی را تحسین و دیگری را تقبیح می نماید، اما نمی تواند همه جزئیات آن را بشناسد فقط ادیان الهی (که در این جا مقصود دین اسلام است) و ناجیان آن (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام) می توانند گستره، بستر و لوازم، روش و راهکار و.... این واجب همگانی (امر به معروف و نهی از منکر) را مشخص کنند و به وسیلهٔ تشریعات و دستورها مرزهای آن را تعیین کنند.

در این پژوهش با توجه به گستردگی مسئله امر به معروف و نهی از منکر تلاش خواهد شد تا تنها به رسالت نوشتار یعنی «امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر» در سیره رضوی (نظری و عملی) اشاره شود.

الف. مفهوم شناسی

اشاره

بی تردید بازشناسی واژه ها و مفاهیم کلیدی در هر پژوهش در رفع ابهام و شتاب بیشتر و پایانی تحقیق تأثیر به سزایی دارد. این کار در واقع به مفهوم درک صحیح موضوع مورد بحث است که بررسی و حل مسئله را نیز میسرتر می سازد؛ به ویژه در مقدمه های اجتماعی، سیاسی و مذهبی که به سبب کاربرد وسیع واژگان و عدم دقت علمی در استعمال آن ها، همواره با نوعی اختلاط مفاهیم و امتزاج معانی مواجهیم. بنابراین پیش از ورود به متن پژوهش با نگرشی ویژه و دقیق تر به بررسی واژه های کلیدی این نوشتار می پردازیم.

1) امر به معروف

اشاره

فریضه «امر به معروف» مرکب از دو واژهٔ «امر» و «معروف» است که هر کدام نیازمند شرحی کوتاه می باشد:

1- روم / 30.

امر

در فرهنگ لغت واژهٔ «امر» را چنین معنا کرده اند: «1. کاری که شخص دارای قدرت یا مقام از فرد تحت اختیار خود می خواهد که انجام دهد؛ 2. خواستن مافوق از زیردست که کاری را انجام دهد مقابل نهی؛ 3. کار 4. حادثه رویداد؛ 5. زندگی معاش؛ 6. سفارش». (1)

امر دوگونه است: مصدر و اسم مصدر. امر مصدری، امری قولی و به معنای دستور، فرمان و طلب ایجاد شیء و جمع آن «اوامر» است. اسم مصدری امری فعلی و به معنای تلاش و کار، شأن و جمع آن «امور» است. شایان ذکر است آن چه در عنوان این فریضه آمده است امر مصدری و به معنای دستور است. (2)

معروف

«معروف» در لغت به معنای آن که یا آن چه در نزد دیگران یا در نزد همه شناخته شده است مشهور نامی، مرسوم و شناخته شده و از نظر فقه واجب شرعی آمده است. (3) در جای دیگر نیز آمده است: «هر فعل یا عملی که شایستگی آن به واسطه شرع یا عقل محرز گشته است و به نیکی شناخته شده است». (4)

علامه طباطبایی نیز در تعریف این واژه گفته است: «معروف» از ماده «عرف» است و «عُرف به آن دسته از سنت های نیکوی رایج در جامعه اطلاق می شود که عقلای جامعه آن ها را به خوبی می شناسند. به بیان دیگر معروف چیزی است که با عقل، شرع و اصول اخلاقی و صحیح رایج در جامعه مغایرت نداشته». (5) باشد در آیات قرآن

1- انوری، فرهنگ روز سخن، ص 100

2- راغب اصفهانی، المفردات ص 24؛ به نقل از: وطن دوست فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه های اسلامی، ج 2، ص 132.

3- انوری، فرهنگ روز سخن، ص 1163.

4- راغب اصفهانی، المفردات، ص 561؛ به نقل از: فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه های اسلامی، ج 2، ص 132.

5- علامه طباطبایی، المیزان، ج 8، ص 380

مانند: (فَأَمْسِکُوهُنّ بِمَعْرُوفِ) (1)، (عَاشِرُوهُنّ بِالْمَعْرُوفِ) (2) و (وَقُولُوا لَهُم قَولاـً معروفاً). (3) هم «معروف» به معنـای رفتار و گفتاری است که با طبع و فطرت آدمی همسو گشته و از دید عقل سالم و در شرع مقدس به نیکی شناخته شده باشد. (4)

2) نهی از منکر

اشاره

در «نهی از منکر» نیز واژگان «نهی» و «منکر» موجود است که به ترتیب توضیحات آن عبارتست از:

نهی

معنای لغوی «نهی» نیز این چنین آمـده است: «1. عمل باز داشـتن از انجام کاری، منع مقابل امر. 2. (ادبی) در دسـتور زبان فعلی که بر منع و بازداشتن از انجام کاری دلالت می کند، مانند نرو، مرو» (5) و در جای دیگر نیز آمده است: نهی، منع و زجر قولی است و یا منع و زجر عملی. نهی در صورت اول امری عدمی و به معنای بازداشتن دیگران از ارتکاب رفتار ناپسند می باشد و در صورت دوم امری وجودی و به مفهوم جلوگیری نفس از انجام فعل (کف النفس) است. آن چه در عنوان این فریضه آمده ،است نهی به معنای اول است.

منکر

در برابر واژه معروف «منکر و نُکر» است که به معنـای هرگونه عمـل یـا رفتـار زشت، ناپسـند و ناروا و نازیبا است. (6) به تعبیر دیگر منکر عملی است که در نگـاه شـرع و عقـل سالم به نیکی شـناخته نشـده است. پس منکر آن دسـته از اعمال نادر و است که با ملاک های فوق متعارض می نماید و خارج از قلمروی معنای غیر مرسومی معروف می باشد.

1- بقره / 231.

2- نساء /19.

3- نساء /5

4- علامه طباطبایی، المیزان، ج 2، ص 232

5- انوری، فرهنگ روز سخن، ص 1286

6- همان، ص 1192.

منکر در آیـات قرآنی چون (فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ) (1) و (إِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَراً مِنَ الْقَوْل) (2) به مفهوم هر عمـل یا کاری است که به خوبی و نیکی شـناخته نشـده باشـد که از آن به حرام یا مکروه تعبیر شـده است و روی گردانان از وظیفه نهی از منکر در لسان الهی لعن و نفرین شـده انـد (لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَان دَاوُدَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ كَانُوا لا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ) (3)

ب. امر به معروف و نهی از منکر رسالت یا دخالت

ممکن است گفته شود امر به معروف و نهی از منکر نسـبت به یکـدیگر، دخالت در کارهای هم محسوب می شود و عقل به ما اجازه نمی دهد در کار دیگران دخالت کنیم؛ زیرا احترام به شـئون مردم و حفظ حریم و شخصیت آنان یکی از آداب معاشرت در روابط میان فردی و نیز از ویژگی های انسان متخلق به اخلاق اسـلامی است. به بیان دیگر انسان نباید در حریم اختصاصـی دیگران بدون رضایت و اجازه آنان وارد شود.

حال از سویی در پاسخ باید گفت شـکی نیست که زندگی بشر اجتماعی است و زندگی اجتماعی همان گونه که فواید و ثمرات فراوانی برای عموم افراد دارد، طبعـاً محـدودیت هایی نیز دارد و بایـد این محـدودیت ها را جهت رعایت حقوق همگانی .پـذیرفت لـذا از آن جا که در زندگی دسـته جمعی سرنوشت افراد به یکدیگر مربوط است افراد حق دارند در اعمال یکدیگر نیز- در حدی که مربوط به سرنوشت آنان می شود - دخالت کنند و امر و نهی داشـته باشـند از این روست که هیچ کاری چه خوب و چه بد در زندگی در نقطهٔ خاصی محدود نمی شود چنان که کارهای خلاف (منکر) همانند آتش است که از یک نقطه شروع می شود و به نقاط دیگر و زندگی انسان های دیگر نیز سرایت می کند پس عقل سلیم به ما می گوید امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر یک رسالت است نه دخالت. از این رو باید

1- نور / 21

2- مجادله /2.

3- مائده 78- 79

انسان ها نسبت به یکدیگر ارزش ها (معروف) را یادآوری نمایند و از این طریق از گسترش فساد گناه فحشا و... جلوگیری کنند.

در حدیثی زیبا امام رضا علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مضمون این سخنان را چنین به تصویر می کشند که: «یک فرد گناهکار در میان مردم همانند کسی است که همراه با عده ای سوار کشتی شود و هنگامی که در وسط دریا قرار گرفت تبری بردارد و به سوراخ کردن موضعی که در آن نشسته است بپردازد وقتی هم به او اعتراض کنند، در جواب بگوید: من در سهم خودم تصرف می کنم اگر دیگران به او اعتراض نکنند و جلوی عمل او را نگیرند طولی نمی کشد که آب همهٔ کشتی را فرا می گیرد و همه را غرق می کند» (1)

ج. اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام

امر به معروف و نهی از منکر یکی از اصول عملی اسلام و از مهمترین و عظیم ترین فرایض دینی در اسلام و فقه اسلامی است فقهای بزرگوار شیعه در کنار تدوین کتب و ابواب فقهی در عبادات و معاملات مثل: «کتاب الصلاة»، «کتاب الزکاة»، «کتاب الحج»، «کتاب البیع»، «کتاب الاجاره» و... «کتاب الامر بالمعروف و النهي عن المنکر» را نیز تدوین کرده و وجوب آن را با استناد به ادلهٔ چهارگانهٔ فقهی قرآن، سنت، عقل و اجماع مورد تأکید قرار داده اند.

موضوع «امر به معروف و نهی از منکر در کتب فقهی شیعه، بالاتر و برتر از حد یک واجب معمولی مطرح گشته و در ردیف ضروریات دین مبین اسلام قلمداد شده است که منکر آن - در صورت آگاهی از لوازم انکار - کافر شناخته می شود. امام خمینی رحمه الله در این زمینه می فرماید: «این دو (امر به معروف و نهی از منکر) از والاترین و شریف ترین واجبات می باشند و به وسیله آن دو (دیگر) واجبات بر پا می شوند و وجوب این ها از ضروریات دین است که منکر آن در صورت توجه به لازمه انکار و ملتزم شدن به آن، از کفار به شمار می رود». (2)

قرآن کریم و روایات رسول گرامی اسلام و خاندان بزرگوار آن حضرت، با بیانات

1- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 11، ص 359.

2- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج 2، ص285.

و تعبیرهای گوناگون اهمیت، جایگاه عظمت و شأن این دو فریضه بزرگ اسلامی را بیان کرده اند اینک یک آیه و چند روایت:

(كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُؤْمِنُونَ باللهِ)؛ (1) شما بهترین امتی بودید که پدید آمدید (از این جهت که) امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید.

در این آیه شریفه امت اسلامی بهترین امت معرفی شده است و دلیل آن دو چیز است:

«امر به معروف و نهی از منکر و ایمان به خدا»

نکته جالب توجه این که در آیه شریفه امر به معروف و نهی از منکر بر ایمان به خدا مقدم داشته شده است که نشانه اهمیت و عظمت این دو فریضه بزرگ الهی و بیانگر این است که این دو واجب، ضامن گسترش ایمان در میان جامعه بشری است و چنان چه این دو فریضه اجرا نشوند ریشه ایمان در دل ها سست می گردد و پایه های آن فرو می ریزد. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: (مَنْ اَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللهِ فِي اَرْضِهِ وَ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللهِ وَ خَلِيفَةُ كِتابِهِ)؛ «کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند، جانشین خداوند در زمین و جانشین رسول خدا و جانشین کتاب خداست» (2)

دو فریضه «امر به معروف و نهی از منکر» در این روایت، از برنامه های خداوند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و کتاب آسمانی او قلمداد شده است و چنان چه کسی موفق به انجام آن دو شود به عنوان جانشین خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن، زیر پوشش همین برنامه قرار گرفته و در این راستا گام نهاده است.

امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز می فرماید: (وَ مَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنْ الْمُنْكَرِ إِلاَّ كَنَفْثَةٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ)؛ «تمام کارهای نیک (حتی) جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر همچون قطره ای (آب

1- آل عمران/ 110 ؛ برای شناخت بیشتر به سوره بقره / 27 ، 44 و آل عمران / 104؛ اعراف / 28 ، 157 و 199 توبه/، 67 71 و 112؛ لقمان /17؛ حج / 41 مراجعه شود.

2- طبرسی، مجمع البیان، ج 3، ص 484

دهانی) در برابر دریایی پهناور است». (1) در این روایت امر به معروف و نهی از منکر از تمـامی نیکی هـا و حتی جهاد به مراتب برتر و با اهمیت تر شـمرده شـده است. سـرّ آن شاید این باشد که قوام و اسـتواری تمامی واجبات و بقای آن ها با حدود و شـرایطشان در گرو بر پا بودن این دو فریضه بزرگ است.

«جهاد» مبارزه با مفاسـد و موانع خارجی است اما فرد و جامعه در جبهه رویارویی با دشـمن خارجی وقتی می توانـد به موفقیت برسد که مفاسـد و موانع داخلی را در پرتو امر به معروف و نهی از منکر ریشه کن کرده باشـد. امام صادق علیه السـلام فرمودند: (اَلْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ اَلنَّهْیُ عَنِ اَلْمُنْکَرِ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِ اَللَّهِ فَمَنْ نَصَرَهُمَا أَعَزَّهُ اَللَّهُ وَ مَنْ خَذَلَهُمَا خَذَلَهُ اَللَّهُ) «امر به معروف و نهی از منکر دو آفریده از آفریده های الهی هسـتند. هر کس آن دو را یاری رسانـد خداوند او را عزیز می گرداند و هرکس آن دو را خوار و ذلیل کند، خداوند خوار و ذلیلش خواهد کرد.» (2) پیشوای ششم علیه السلام در این روایت، امر به معروف و نهی از منکر را دو مخلوق از مخلوق های پروردگار دانسته که یاری آن ها عزت پروردگار و بی توجهی نسـبت به آن ها بی توجهی پروردگار نسـبت به انسان را در پی خواهد داشت و این علاوه بر آن که اهمیت و عظمت این دو فریضه را می رساند بهترین بیان برای تشویق و ترغیب افراد به انجام این دو فریضه است.

د. ملاک شناخت معروف و منکر

قرآن کریم می فرمایـد: در ذات اعمال و افعال حسن و قبح (خوبی و بدی) نهاده شده .است قرآن از آن گونه کارهایی که متصف به حُسـن هسـتند، با کلمه «معروف» یاد می کنـد؛ یعنی کارهای خوبی که برای همه مردم قابل شـناسایی انـد. از کارهای زشت نیز به منکر یاد می کند؛ یعنی بدی هایی نشاندار و همه کس شـناس آوای فطرت سلیم در شناخت معروف و منکر خوبی ها و بدی ها بهترین ملاک و روشن ترین معیار است: (وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا)، (3) سوگند به نفس و آن که او

1- نهج البلاغه حکمت 374

2- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج 74، ص 179

3- شمس 8-7

را چنین آفرید. پس بدی ها و خوبی ها (تقوی) را به او الهام کرد.

می توان بهترین ملاک های شناخت معروف و منکر را چنین بر شمرد:

1. شرع مقدس

2. عقل سلیم

3. فطرت پاک

هر چیزی که شارع مقدس مردم را به آن تشویق کرده و عقل آن را پسندیده و فطرت سلیم آن را پذیرفته است «معروف» است و هر چیزی که شارع از آن نهی کرده و عقل و فطرت آدمی آن را ناپسند و ناخوشایند شمرده، منکر و زشت است.

ه- کارایی یا ناکارایی امر به معروف و نهی از منکر در جوامع امروزی

مشاهده مواردی از ناکامی و بی تأثیری در مکانیسم امر به معروف و نهی از منکر، چنین احساسی را به افراد القا می کند که این راهکار در جامعه امروزی چندان مؤثر نمی باشد. احساس ناکارآمدی امر به معروف و نهی از منکر در جوامع امروزی آن گاه درست است که در یکی از قالب های معقول و منطقی ذیل قرار گیرد:

1. باید ثابت گردد، بر اساس روش های علمی (و نه مشاهدات شخصی و غیر روشمند) امر به معروف و نهی از منکر نه تنها در سطح خرد (امر و نهی که یک فرد نسبت به دیگری دارد) بلکه در سطح کلان نیز در جامعه امروزی فاقد تأثیر و کارایی است. البته این نظریه از طرق علمی قابل اثبات نیست؛ زیرا ممکن است سطح خرد امر به معروف و نهی از منکر به سبب موانعی ساختاری که توضیح داده خواهد شد، بی تأثیر و یا کم تأثیر گردد ولی سطح کلان آن به قوت خود باقی می باشد؛ برای نمونه امر و نهی که از طریق نیروهای انتظامی صورت می گیرد بر کاهش میزان منکراتی چون ،قتل سرقت و تجاوز به عنف غیر قابل انکار است.

2. باید ثابت گردد، ناکارایی امر به معروف و نهی از منکر نسبت به تمام انواع مختلف آن می باشد و نه این که در انتقاد به آن صرفاً به صورت گزینشی عمل شود؛ زیرا ممکن است امر و نهی نسبت به نوع خاصی از معروف و یا منکر بی تأثیر باشد، ولی نسبت به انواع دیگری از آن مؤثر باشد؛ به عنوان مثال امر و نهی نسبت به پوشش و یا آرایشی نامناسب و خلاف شرع ممکن است در بسیاری از موارد تأثیری را به

همراه نداشته باشد ولی آیا امر و نهی نسبت به کسی که در حال کثیف کردن یک محیط عمومی (مثلاً کتابخانه) و یا درصدد ایجاد مزاحمت و اذیت دیگری (مثلاً یک کودک) است، آیا در جامعه امروز این موارد هم بی تأثیر می باشند؟

به طور مسلم امر به معروف و نهی از منکر نسبت به آن دسته از معروف و یا منکرهایی که زیبایی و معروفیت آن و یا زشتی و ناپسندی آن از «شعور عمومی» محو شده و یا منقلب گردیده است بی تأثیر و یا کم تأثیر است، ولی این امر ربطی به ناکارایی امر به معروف و نهی از منکر در جوامع امروزی ندارد؛ بلکه علت آن است که افراد با ارتکاب منکرهایی که زشتی آن از میان رفته و یا با ترک معروف هایی که زیبایی آن محو گردیده است با واکنش خودسنجی منفی از خود روبه رو نمی شوند و در نتیجه تشویق و تنبیه هایی بیرونی به جهت ناهمسازی با تشویق و تنبیه های درونی بی تأثیر می گردد.

3. باید ثابت گردد در جوامع امروزی حتی با به کارگیری شیوه های درست و معقول در امر به معروف و نهی از منکر با ناکارایی آن مواجه هستیم. در غیر این صورت ممکن است عدم تأثیر امر و نهی در جامعه کنونی ناشی از شیوه های نادرستی باشد که در جامعه به عنوان امر به معروف و نهی از منکر به کار گرفته می شود.

4. باید ثابت گردد، در ناکارایی امر به معروف و نهی از منکر موانع ساختاری وجود ندارد؛ زیرا چه بسا موانع ساختاری وجود داشته باشد که تأثیر امر و نهی را در جامعه کنونی با دشواری روبه رو سازد و با برداشتن این موانع میزان تأثیرگذاری امر و نهی شدت و گسترش یابد وجود موانع ساختاری نه تنها قابل نفی نیست، بلکه تبیین های روشنی برای آن می توان ارائه کرد که به جهت اهمیت آن مورد بحث بیشتری قرار می گیرد.

و. موانع ساختاری امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر

جوامع امروزی برخوردار از ویژگی هایی است که بر اساس سنخ شناسی های اندیشمندانی همچون «دورکیم»، «وبر» و «زیمل» می توان آن را این گونه توصیف نمود: در این جوامع مبنای ارتباطات گروهی نسبت به یکدیگر اموری ارادی و عقلانی است. سپهر شخصیت فردی (فردیت) توسعه یافته ،است علایق و پیوندهای

شخصی آن چنان کاهش و سست شده است که به قول دورکیم، حتی همسایه ها و افراد یک خانواده نیز کمتر با هم ارتباط و تماس دارند و پیوندهایشان چندان منظم نمی باشد. همچنین تخصیص کارکردی گروهی تکنیک وظایف و نقش ها تفکیک جایگاه ها و سلسله مراتب و تعیین جایگـاه ها بر اساس نقش ها و حاکمیت معیارهای عام، معقول و غیر شخصـی در روابط اجتماعی از جمله ویژگی های این جوامع است که مبنای روابط اجتماعی قرار می گیرد. (1)

ویژگی های مذکور ساختی از روابط اجتماعی (ارتباط افراد با یکدیگر) را اقتضا دارد که بر اساس متغیرهای الگویی «پارسونز» می توان آن را ســاختی از روابـط مبتنی بر عـام گرایی (Universalism)، بی طرفی عــاطفی (Neutrality)، «دسـتاورد (Accomplishment) و «ویژگی» (Specificity) توصیف نمود. در ساختار این گونه روابط، به جهت این که افراد صرفاً در راستای کسب دستاوردی خاص ارتباط برقرار می کننـد و بـه طرف مقابـل بـه عنـوان کسـی که عامـل و فاعـل این دسـتاورد است نگـاه می کننـد، فقـط به دست آوردن اطلاـع از خصوصـیات و ماهیت یکدیگر که در ارتباط با آن منظور خاص می باشد برایشان اهمیت دارد به طور کلی به سبب فقدان ارتباط گسترده و همه جانبه بین افراد (ویژگی) دخالت ندادن احساسات و عواطف (بی طرفی عاطفی)، توجه نداشتن به ماهیت یکدیگر (توجه به دستاورد) و عـدم دخـالت معیارهای خاص (دخالت دادن معیارهای عام)، روابط افراد با یکـدیگر از عمق و شـدت چنـدانی برخوردار نبوده و آگاهی یافتن از جنبه های مختلف ماهیت افراد و زیر و بم زندگی آنان چندان ممکن نمی باشد و به اعتقاد دورکیم، اساساً انگیزه ای برای شـناخت و آگاهی یافتن افراد از جنبه های مختلف ماهیت یکدیگر وجود ندارد. (2)

همچنین در این ساخت از روابط، به سبب تک بعدی بودن ارتباط و انحصار آن در جنبه ای ویژه و در جهت دستاوردی خاص وابستگی و ارتباط افراد به یکدیگر تنها در همان جهت ویژه محدود گردیده و صـرفاً در آن مورد خاص بر یکدیگر کنترل دارند. به طور خلاصه ساختار روابط اجتماعی افراد با یکدیگر امروزه مبتنی بر

1- هاشمی، بررسی کارایی امر به معروف و نهی از منکر، ص 48

2- دورکیم، تقسیم کار اجتماعی، ص 319

دو خصوصیت ذیل می باشد:

الف. محدود گشتن و دشوار شدن آگاهی یافتن کنشگران از جنبه های مختلف ماهیت و خصوصیات یکدیگر.

ب. محصور شدن وابستگی افراد به یکدیگر تنها در جنبه ای خاص و ویژه.

این دو ویژگی ساختار موجب می گردد تا مکانیسم های تأثیرگذاری امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر که عبارت است از قدرت تشویقی و تنبیهی، جذابیت و اعتبار آمر و ناهی با محدودیت و دشواری روبه رو شود و در نتیجه تأثیر و کارایی امر به معروف و نهی از منکر در سطح خرد آن (نسبت به یکدیگر) در جوامع امروزی کاهش یابد که البته با حس مسئولیت شناسی و عمل به وظیفه و بهره گیری از سیره معصومان علیهم السلام که در این جا مقصود امام رضا علیه السلام است، می توان تا حدود بسیار زیادی بر این مشکل نیز غلبه نمود.

ز. امام رضا علیه السلام و بایستگی امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر

آن چه اکنون در پی آنیم بایستگی و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر در سیره و کلام امام رضا علیه السلام است؛ چرا که بدون تأمل در آن نمی توان درباره سایر مباحث و مطالب مربوطه در این باره از منظر آن حضرت به چارچوب روشن و مشخصی دست یافت.

واژه و نیز اهمیت امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر، به طور اخص و صریح اگرچه در بیانات ایشان کمتر مورد اشاره قرار گرفته است، مضامین کلام امام رضا علیه السلام و نیز سخنانی که از ایشان در این زمینه به یادگار مانده است، گواه روشنی بر این مدعاست. (1)

بنابراین هر چند ارائه کلیتی از این امر که مستند به کلام حضرت رضا علیه السلام باشد خالی از اشکال دشواری و مناقشه نیست با ملاحظه مجموع رهنمودها و آموزه های والای ایشان می توان به استنباط بایستگی و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر از دیدگاه ایشان با تکیه بر کلام پدران بزرگوارش پرداخت:

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 27، ص 395؛ کلینی، اصول کافی، ج 2، ص 199.

«همانا این فریضه پایه ای است که نخست شـریعت اسلام بر آن استوار است» (1) و «عاملی مؤثر برای تضعیف منافقان است» (2) و نیز «سـببی در بـاز پس گرفتن حقوق از دست رفته سـتمدیدگان مخـالفت و ستیز بـا سـتمگران جمع آوری مالیـات در توزیع عادلانـه آن و... است». (3) چنان که به فرمایش قرآن کریم نیز اهمیت و بایسـتگی این مسئله در این است که: (وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْض يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَن الْمُنْكَر...)؛ (4) مردان و زنان مؤمن دوستان یکدیگرند و میان آنان رابطه مودت و دوستی حکمفرماست امر به معروف و نهی از منکر می کنند و ... .

ح. علی بن موسی الرضا علیه السلام و نقاط آغازین در امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر

اشاره

اما هـدف از نقطه آغاز و به تعبیری بسترسازی و زمینه پردازی برای ظهور و شـکوفایی فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر مردم نسـبت به یکدیگر ازدیدگاه رضوی چیست؟ چرا باید این زیر ساخت ها و نقطه آغازین را بنیان یا تقویت و توسعه داد؟ در مورد این مسئله از نگاه امام رضا علیه السـلام علیه السـلام بایـد اظهار داشت که تحقق این امر، در گرو برطرف ساختن موانعی چند و فراهم آمدن بسترها و زیرساخت های مناسب در این باره است مهمترین این موانع عبارت انـد از فقدان یا ضـعف پشـتوانه های اعتقادی در فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر؛ وجود پاره ای خصایص منفی اخلاقی همچون تکبر، تعصب، لجاجت و...؛ تلقی نادرست از برخی مفاهیم رفتاری مثل عدم مرزبندی قاطعیت با عصـبانیت، اعتماد به نفس با تکبر و....؛ نبود انگیزه لازم برای تغییر و اصلاح ناآگاهی از آداب شرایط امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر در عرصه های گوناگون.

جهت برطرف نمودن این موانع و آسـیب ها برای ایجاد یک بستر مناسب و شروع شایسته در نهادینه سازی فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 97 ، ص 93

2- همان، ج 7، ص193.

3- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص 241

4- توبه / 71

یکدیگر، توجه به زیر ساخت های ذیل از منظر امام رضا علیه السلام می تواند مؤثر و سودمند باشد:

1) خودسازی و رشد شخصیتی

شخصیت ترکیبی از ویژگی های روانی بدنی، زیستی و اجتماعی است که به تدریج برای شخص حاصل می شود و به فرد چگونگی رفتار و تطابق با محیط را که با عاطفه و احساسات همراه است القا می کند. (1)

در این که شخصیت انسان معلول چه عواملی است دیدگاه های متفاوتی ابراز گشته است؛ برخی شخصیت را وراثتی می دانند و بر این باورند که شخصیت هر فردی از پیش تعیین گشته است و ویژگی های او با وی متولد می شود. در این صورت هیچ جایی برای تأثیر عوامل بیرونی در شخصیت آدمی باقی نمی ماند و برخی دیگر نیز تنها عامل مؤثر بر شخصیت را تربیت و عوامل محیطی می دانند و بر اساس این دیدگاه اعتقاد دارند که شخصیت هر کسی با انتخاب و آگاهی های خود او ساخته می شود.

اما به نظر می آید معتقدان به دو دیدگاه یاد شده هر دو به افراط و تفریط رفته اند؛ زیرا شخصیت پرتنوع آدمی چیزی نیست که فقط معلول ساختار فیزیولوژیک و عوامل درونی باشد و یا پدیده ای شکل گرفته از تربیت و عوامل بیرونی بلکه شخصیت سازمانی پیچیده است که از حالات و ویژگی های جسمانی و روانی تأثیر می پذیرد و تنها دیدگاه پذیرفتنی که آن را می توان تلفیقی از دو نظریه اول و دوم دانست، دیدگاه اسلام است که شخصیت را هم متأثر از عوامل درونی و سرشتی می داند و هم از عوامل محیطی و بیرونی.

پس شخصیت تأثیر مستقیمی در رفتارهای آدمی با دیگر افراد در هر زمینه ای دارد. از این رو شناخت عوامل و عناصری چون: ایمان، خردورزی، نیک رفتاری، عبادت و پرستش، علم و آگاهی عفت و پاکدامنی همانندی و همراهی با الگوها و.... سبب رشد و شکوفایی قابلیت های شخصیت انسانی در فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر می شود پس امری مهم و ضروری است. در این میان

1- محسنی، جامعه شناسی عمومی، ص 447

حضرت رضا علیه السلام نیز از کنار این مسئله به سادگی عبور نکرده است و اعتقاد دارد اولین عاملی که در نقطه آغاز امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر به عنوان زیرساخت در خودسازی و رشد شخصیت مؤثر است، مبارزه با نفس و آراستن آن به فضایل اخلاقی می باشد؛ چرا که تا وقتی صفات پسندیده در دل و روح آدمی ریشه نکرده باشد انتظار رفتار و گفتاری نیکو و نیز تغییر در ماهیت رفتاری دیگران انتظاری نابجاست.

امام علیه السلام درباره این مسئله فرمودند: «بالاترین جهاد آدمی، جهاد با نفس خود است» (1)

ارزش خودسازی و رشد شخصیتی در این مسئله (امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر) تا آن جاست که امام علیه السلام فرد بی توجه به نفس را فرومایه می داند و می فرماید: «کسی که بر اثر تسلط هوای نفس به امور دنیوی سرگرم شود و.... در اوامر الهی کوتاهی ورزد فرومایه است» (2) در ادامه می فرمایند: «... از پیروی هوای نفس بر حذر باش که سبب سقوط و هلاکت است» (3)

مصداق عملی فرمایش حضرت رضا علیه السلام درباره مراقبت از نفس در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر را در کلام ایشان خطاب به احمد بن ابونصر بزنطی، از شاگردان و اصحاب ایشان، می توان دریافت ابو نصر بزنطی می گوید: شبی مهمان حضرت بودم ایشان بستر خودش را برایم گستراند، شخصاً لحاف و ملحفه را به رویم انداختند. در این هنگام به خویش بالیدم که مانند من در خانه ولی خدا و بر خوابگاه او؟ امام رضا علیه السلام با خلقی خوش مرا صدا زد و از این رفتار مرا نهی فرمودند که ای احمد امیرمؤمنان از صعصعة بن صوحان عیادت کرد و به وی فرمود: «... به این که تو را عیادت کردم بر دیگران مباهات مکن و مواظب نفس خویش باش» (4)

1- نوری، طبرسی، مستدرک الوسائل، ج 2، ص 144

2- مجلسی، بحار الانوار، ج 78، ص335.

3- همان.

4- همان، ج 49، ص 36

2) باورمندی به نظارت دائمی پروردگار

باورمنـدی به نظارت دائمی پروردگار و احساس حضور او دگرگونی ژرفی در روح و فکر آدمی و در نتیجه گفتار و رفتار او در اجرای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر ایجاد می کند و وی را وا می دارد تا در برپایی این فریضه سـخنانی سـنجیده و پاک بر زبان جاری سازد از این رو امام رضا علیه السلام برای ساماندهی رفتار و گفتار انسان ها در امر به معروف و نهی از منکر نسبت به یکدیگر، آگاهی و نظارت الهی را همواره خـاطر نشـان ساخته است؛ برای نمونه در خصوص نظارت بر گفت و گوها با تمثیل زیبایی از قرآن کریم می فرمایـد: (مَا یَکُونُ مِنْ نَجْوَی ثَلاثَـةٍ إِلّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَـةٍ إِلاـ هُوَ سَادِسُـهُمْ وَلَا أَدْنَی مِنْ ذَلِـكَ وَلَا أَکْثَرَ إِلّا هُوَ مَعَهُمْ أَیْنَ مَا کَانُوا، ثُمّ یُنَبِّئُهُمْ بمَا عَمِلُوا یَوْمَ الْقِیَامَةِ)؛ (1) هیـچ گفت و گـوی محرمـانه ای میـان سه تن نیست، مگر این که او چهـارمین آن هـاست و نه میـان پنـج تن مگر این که او ششـمین آن هاست و نه کمتر از این (عـدد) و نه بیشتر مگر این که هر کجا باشـند او با آن هاست، آن گاه روز قیامت آنان را به آن چه کرده اند آگاه خواهد گردانید.

نیز می فرمایند: خداوند بر هر انسانی فرشـتگانی را مأمور نموده است تا سـخنان وی را ثبت نمایند: (ما یَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ اِلاّ لَدَیْهِ رَقیبٌ عَتیدٌ)؛ (آدمی) هیچ سخنی را به لفظ در نمی آورد مگر این که مراقبی آماده، نزد او (آن را ضبط می کند). (2)

افزون بر این سـخنان مردم در امر به معروف و نهی از منکر نسبت به یکدیگر باید بدانند که در قیامت حسابرسی دقیق می شوند آن سان که گاه سخنی به ظاهر کوتاه، خشنودی خداوند یا خشم او را بر می انگیزد. (3)

به خوبی روشن است که از دیـدگاه امام رضا علیه السـلام ایمان و باور به همـهٔ این آموزه ها می توانـد سدی محکم در برابر امواج سـخنان باطل ایجاد نماید و انگیزه و بستر مناسب برای اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر را فراهم سازد.

1- مجادله /7

2- انفطار / 10-12

3- حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 12، ص 251.

3) نیندیشیدن پیش از سخن

افزون بر ایجاد مشکلات متعدد در تعامل با افراد مختلف در امر به معروف و نهی از منکر و تضعیف و ناکارآمد کردن آثار آن پیامدهای فراوان مادی و معنوی دیگری را نیز در پی دارد؛ چرا که به طور کلی ارتباط فرایندی برگشت ناپذیر است و ممکن است یک ارتباط کلامی نادرست در همه زمینه ها و از آن جمله اجرای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر معضلی جبران ناپذیر بیافریند که به هیچ رو قابل بازسازی نباشد همان گونه که امام رضا علیه السلام با تکیه بر کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرمایند: (فَإِذَا تَكَلَّمْتَ بِهِ صِرْتَ فِي وَثَاقِهِ)؛ «چون سخن بر زبان رانی، دربند آنی» (1)

بنابراین در منظر رضوی، فرد خردمند دوراندیش پیش از آغاز سخن در توجه و توصیه به ارزش ها اندکی درنگ می کند اندیشه اش را به کار می گیرد و آثار و پیامدهای احتمالی سخنان خود را پیش بینی می.کند آن گاه در صورت لزوم، سخن ارزشی و معروف خویش را سنجیده و آراسته به آداب، جهت تأثیر بر مخاطب بر زبان جاری می سازد. حضرت علیه السلام در این باره فرمودند جدم چه زیبا فرمودند: «زبان مؤمن در پس دل اوست و دل منافق از پس زبان او؛ چه مرد با ایمان چون خواهد سخنی بر زبان آرد در آن نیک بیندیشد اگر نیک است آشکارش کند و اگر بد است پنهانش دارد و منافق می گوید آن چه بر زبانش آید و نمی داند چه به سود اوست و چه به زیانش» (2)

4) آموزش و یادگیری، تمرین و تکرار

رفتارهای آدمی در صورت تکرار نخست به صورت «حالت» و آن گاه «عادت» در می آید و به تدریج شکل «ملکه» و صفت پایدار نفسانی به خود می گیرد آن سان که به راحتی و بیدرنگ از انسان سر می زند. از این رو تا پیش از تبدیل شدن یک صفت یا رفتار مثبت به «ملکه»، باید – هر چند با زحمت و تکلف – خود را به انجام آن وادار نمود. (3)

از سوی دیگر مردم در امر به معروف و نهی از منکر نسبت به یکدیگر نباید

1- همان، ج 12، ص 300.

2- نوری، طبرسی، مستدرک الوسائل، ج 6، ص 297.

3- نهج البلاغه، حکمت 207

فراموش نمایند که برقراری این فریضه و اجرای آداب مربوط به آن نخست یادگرفتنی و آموختنی است نه استعدادی و ذاتی بنابراین تحقق آن، نیازمند آموزش و یادگیری و سپس تمرین و تکرار است تا تأثیر گذار باشد.

حضرت رضا علیه السلام با اشاره به مطلب فوق می فرمایند: (اَلْعَقْلُ حِبَاءٌ مِنَ اَللَّهِ وَ اَلْأَدَبُ کُلْفَهٌ فَمَنْ تَکَلَّفَ اَلْأَدَبَ قَدَرَ عَلَیْهِ وَ مَنْ تَکَلَّفَ اَلْعَقْلَ لَمْ یَزْدَدْ بِذَلِکَ إِلاَّ جَهْلاً)؛ «عقل هدیه ای است از سوی خدا و ادب (با) زحمت (دست یافتنی) است. پس هر که به زحمت خود را با ادب جلوه دهد بر آن توانا خواهد بود ولی هرکس خود را به زحمت، خردمند بنمایاند جز بر رنج خویش نیفزاید». (1)

ط. شاکله و ماهیت امر به معروف و نهی از منکر

اشاره

مردم نسبت به یکدیگر در سیره و کلام رضوی پس از نقاط آغازینی که علی بن موسی الرضا علیه السلام در امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر در سیره و کلام خویش بر می شمارند معتقدند که افراد نسبت به یکدیگر به لحاظ حسن اجرای این فریضه بایسته است تا شاکله و ماهیت این امر را نیز به درستی رعایت نمایند.

1) احترام به حقوق و کرامت انسان ها

به طور کلی مردم در برخوردهایشان نسبت به یکدیگر به دو دسته تقسیم می شوند و روابط خویش را با یکدیگر از دو دیدگاه پی می ریزند: 1. رفتار مبتنی بر تکریم و احترام به حقوق همگانی؛ 2. شیوه ای مبتنی بر اهانت و بی احترامی به دیگران.

نمونه دوم رفتار مردم با یکدیگر را در طول تاریخ فراوان می توان یافت که نمونه های بارز آن در رفتار فرعون و فرعون صفتان نمایان است و شیوهٔ آنان بر بی احترامی و تحقیر مردم مبتنی است چنان که قرآن به صراحت به آن اشاره کرده است (فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ کَانُوا قَوْمًا فَاسِقِینَ)؛ (2) فرعون مردم خویش را کوچک شمرد و آنان از او پیروی کردند آن ها قومی فاسق.اند ،قرآن فرعون را مظهر برخورد تحقیر آمیز با انسان معرفی کرده است و به این ترتیب هرکس در هر کار و زمینه ای و از آن جمله امر به معروف و نهی از منکر مردم را به دیده حقارت بنگرد و آن ها را کوچک

1- کلینی، اصول کافی، ج 1، ص 23

2- زخرف / 54

شمارد، پیرو فرعون است.

در مقابل این گروه، پیامبران و اولیای خدا قرار دارند که در سیره و رفتار خویش با مردم تکریم انسان ها و احترام به حقوق آنان را سرلوحه برنامه های هدایت بخش خویش جهت تأثیرگذاری و عمل به ارزش ها قرار داده اند که نماد عینی این گروه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و از آن جمله حضرت رضا علیه السلام هستند. ایشان در برخورد با مردم، در رابطه با اجرای درست این فریضه دیدگاهی فراتر از دید مسلمان به مسلمانی دیگر داشت؛ چرا که از دیدگاه حضرت آدمی علیه السلام از شرافت و کرامت انسانی خاصی برخوردار است و خداوند وی را بر بسیاری از مخلوقات برتری بخشیده است. ایشان مصداق عینی فرمایش خویش را در توصیه به امر به معروف و نهی از منکر نسبت به مردم استوار بر کلام قرآن می سازند که (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً)، (1) ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم و به ایشان ارج و ارزش دادیم و وسایل حملشان را در خشکی و دریا فراهم کردیم، (یعنی به آن ها قدرتی دادیم) که در خشکی و دریا بتوانند خود و وسایلشان را از نقطه ای به نقطه دیگر حمل کنند و روزی های خوب و پاک به آن ها دادیم و آن ها را بر بسیاری از موجوداتی که آفریدیم برتری دادیم.

نگاه کرامت آمیز حضرت علیه السلام به انسان در دعوت به امر به معروف و نهی از منکر آن چنان که از رفتار و سخن ایشان بر می آید ناشی از این حقیقت است که انسان به عنوان خلیفه خداوند بر روی زمین (2) از آن چنان شرافتی برخوردار است که سزاوار هیچ برخورد ناشایست و تحقیر آمیزی نیست شاهد این ادعا رفتارهای عملی حضرت علیه السلام در توصیه های ایشان در امر به معروف و نهی از منکر با مصادیق و رویکردهای گوناگون است. (3)

در واقع حضرت علیه السلام به این فرمایش نبوی جامه عمل پوشانید که: «مبادا فردی از

1- اسراء / 70.

2- بقره / 30.

3- کلینی، اصول کافی، ج 4، ص 23؛ نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج 2، ص 397؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 2، ص 14.

انسان ها را کوچک بشمارید و تحقیر کنید که کوچک آنان نزد خدا بزرگ است». (1)

2) مروت و مدارا نه خشونت و ارعاب

بر اساس روایات نیمی از زندگی اجتماعی و معاشرت با مردم در هر امری در گرو مدارا با آنان است نه خشونت، تندی تهدید و ارعاب (2) انسان عاقل و با تدبیر در امر به معروف و نهی از منکر نسبت به مردم کسی است که از این موضوع بهره کامل بگیرد و با استفاده عاقلانه و مدبرانه از مدارا با مردم بنای امر به معروف و نهی از منکر را با روش سالم و منطقی پی ریزی نماید.

حقیقت نیز جز این نیست که مروت و مدارا نسبت به مردم در همه امور و به ویژه (در امر به معروف و نهی از منکر)، سنتی حسنه و نیک در اسلام است که از گسترش مخالفت ها و دشمنی ها جلوگیری می کند: (الرِّفْقُ یقل حَدَّ الْمُخَالَفَة)؛ «با اعمال سیاست مبتنی بر رفق و مدارا مخالفت های اجتماعی کاهش می یابد». (3)

بنابراین در امر به معروف و نهی از منکر افراد نسبت به یکدیگر باید بپذیرند که هدف از انجام این فریضه دعوت افراد به خیر و نیکی ها و بازداشتن آنان از فساد و آلودگی است و شکی نیست که این هدف با حسن نیت و پاکی و خیرخواهی امکان پذیر است. پس جز در موارد ضرورت باید از خشونت و برخوردهای خشن پرهیز نمود. تجربه هم نشان داده است که انجام این وظیفه همراه با ملایمت ملاطفت و خیرخواهی اثر بیشتری داشته است تا با تندی و خشونت.

چنان که سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام نیز نشان می دهد که در امر به معروف و نهی از منکر نهایت لطف و محبت را به کار می گرفتند و به همین دلیل سرسخت ترین افراد در برابر برخورد آنان تسلیم می شدند.

امام رضا علیه السلام نیز در راستای اجرای این امر (امر به معروف و نهی از منکر)، تنها به سفارش و مدارا با مردم و رفق و ملایمت و نه تهدید ارعاب و خشونت با آنان بسنده نکرد بلکه خود در عمل و سیره رفتاری حتی در برخورد با مخالفان و

1- ابی فراس مالکي، تنبیه الخواطر، ج 1، ص31.
2- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 11، ص 214.
3- همان.

دشـمنانش در جلسات مناظره همه آن چه را که در بعد نظری (پیرامون امر به معروف و نهی) از منکر به آن اعتقاد داشت به کار می بست و می فرمود: «شـما انسان ها پیوسته در خیر و سعادت خواهید بود تا مادامی که یکدیگر را دوست بدارید و در حق دیگران رفق و مدارا داشته باشید...» (1)

البته تمام توصـیه ها و تأکیدات ایشان در راسـتای اجرای امر به معروف و نهی از منکر با مردم چه در سیره نظری و چه در بُعد عملی فقط با کسانی است که در امور دین سـهل انگاری نمی کنند و احیاناً تنها در حق حضرت علیه السلام ظلم و ستمی روا داشته اند. در این صورت است که امام رضا علیه السـلام به آسانی از آنان گذشـته و پیرامونشان حتی با رفق و مـدارا نیز برخورد نموده است اما در آن جا که حق خدا پایمال می شود یا احکام الهی به تعطیلی و نادیده گرفتن کشانده می شود و باطل مسـلط می گردد رعایت این مسـئله در دیدگاه ایشان هیچ گونه معنایی ندارد.

ی. حضرت رضا علیه السلام قواعد و فنون اساسی

اشاره

مهمترین قواعد و فنون اساسی امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر در سیره و کلام رضوی عبارتست از:

1) معرفت نسبت به معروف و منکر

اگر افراد پیرامون ارزش ها (معروف) و نهی از ضد ارزش ها (منکر) شـناخت و آگاهی کافی داشـته باشـند به خوبی می توانند در توصـیه، تذکر و پند خویش موفق باشـند و در این صورت است که اثر و نتیجه آن نیز محقق خواهد شد. حال کسـی که خود شـناختی از معروف و منکر ندارد چگونه می تواند دیگری را هدایت کند؟

بیشتر مشـکلات مردم در این مسـئله ناشـی از جهل به معنا و مصداق معروف و منکر است. از این رو آمده است: «خداوند هیچ عملی را جز با شناخت نمی پذیرد». (2)

امام رضا علیه السـلام نیز از زبان رسول اکرم صـلی الله علیه وسلم نقل می کند که ایشان فرمودند: تنها کسی امر به معروف و نهی از منکر می کند که این صفت در او باشد: «... بدانچه امر می کند

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 72، ص 460.

2- کلینی، اصول کافی، ج 1، ص 44

دانا باشد و از آن چه نهی می کند آگاه باشد» (1)

علی علیه السلام هم نتیجه عدم شناخت معروف و منکر را چنین اظهار می دارد: «هرکس خود را پیشوای خویش دانسته و بدین ترتیب در این زمینه به اجتهاد خود متکی است». (2) در در واقع چنین افرادی «آن چه را خود نپذیرد علم به حساب نیاورد و جز شیوه خود شیوه دیگری را به رسمیت نشناسد». (3) شاید این توصیه و تأکید پیرامون شناخت معروف و منکر به منظور جلوگیری از خود محوری و خودمداری افراد است به گونه ای که در معرفی مسائل دینی سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام را کنار گذاشته و هر آن چه را که خود بشناسد به عنوان معروف و آن چه را نشناسد، منکر بپذیرد و در حقیقت خود را معیار معروف و منکر قرار دهند: (اَلْمَعْرُوفُ فِیهِمْ مَا عَرَفُوا وَ اَلْمُنْکَرُ عِنْدَهُمْ مَا أَنْکَرُوا). (4)

2) پایبندی به گفته های خود

ذات نایافته از هستی بخش *** کی تواند که شود هستی بخش

بر اساس اندیشه امام رضا علیه السلام دومین قاعده و فن اساسی در امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر پایبندی به گفته های خود است و این بدان معناست که افرادی که قصد دارند این فریضه الهی را نسبت به یکدیگر انجام دهند، نخست خود به گفته هایشان پایبند باشند و سپس تمام تلاش و کوشش خود را در ادای وظیفه نسبت به یکدیگر به کار گیرند نه آن که در اجرای این مسئله تنها دیگران را توصیه نمایند و خود فراموش کننده هر آن چه باشند که بیان کرده اند: (أَتَأْمُرُونَ النّاسَ بالبرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَکُمْ)؛ (5) آیا مردم را به نیکی و خوبی امر می کنید و خود را فراموش می کنید؟ (یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لا تَفْعَلُونَ)؛ (6) ای مؤمنان! چرا آن چه را که بدان

1- نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج 12، ص 186.

2- نهج البلاغه، خطبه 88

3- همان، خطبه 17.

4- همان.

5- بقره /44.

6- صف /2

عمل نمی کنید، می گویید؟. مگر آگاه نیستید که: «خداوند سخت به خشم می آید که چیزی بگویید و به جای نیاورید». (1)

با توجه به اهمیت این مسئله است که امام رضا علیه السلام نیز با تبعیت از سیره پدران بزرگوارش بر این امر پافشاری نموده و می فرماید: «خداوند کسانی را که مردم را دعوت به خیر می کنند ولی خود آن را وا می گذارند و بدان عمل نمی کنند لعنت کرده است»، (2) پس «نهی از منکر کنید ولی خود از آن باز نایستید؛ چرا که پس از بازایستادن به بازداشتن فرمان یافته اید». (3) همان گونه که امام علی علیه السلام نیز در این خصوص می فرمایند: «ای مردم! به خدا سوگند من شما را به طاعتی ترغیب نمی کنم، مگر آن که پیش از شما بدان روی می آورم و شما را از معصیتی باز نمی دارم، مگر آن که پیش از شما خود از آن باز می ایستم». (4)

بنابراین از منظر امام رضا علیه السلام آن کس که به امر به معروف و نهی از منکر نسبت به دیگران اقدام می نماید شایسته است که نخست خود پایبند به آن چه می گوید باشد و سپس دیگران را امر و ارشاد به ارزش ها نماید؛ چرا که در غیر این صورت این فریضه تنها فریادی در برهوت خواهد بود بدون کمترین اثری.

3) پرهیز از دستور دادن

بدیهی است انسان فطرتاً از امر و نهی که در آن شکل دستوری به خود گرفته باشد، بیزار است و در صورت شنیدن آن سعی می کند به نحوی از انجام آن سر باز زند، هر چند کلام موجه و منطقی باشد و افراد در امر به معروف و نهی از منکر نسبت به یکدیگر از آن بهره گرفته باشند؛ چرا که مخاطب پیرامون هر مسئله ای و از آن جمله فریضه امر به معروف و نهی از منکر انتظار احترام از طرف مقابل را دارد. پس دستور دادن در این امر هم کاملاً مغایر با این خواسته است؛ زیرا نوعی بی احترامی است و ممکن است حالت تهدید و تحقیر را به خود بگیرد.

1- صف /3

2- کلینی، اصول کافی، ج 1، ص48

3- 3 - همان، ج 1، ص 225

4- نهج البلاغه، خطبه 175

همه مـا بارهـا شاهـد این واقعیت بوده ایم که مطـالبه کردن، فرمـان دادن، فشار آوردن و رفتارهایی از این قبیل افراد را وا می دارد در مقابل یکـدیگر صف آرایی کننـد برای جلوگیری از چنین واکنش هـایی کـافی است خواسـته و امر به معروف خود را محترمانه و در قالب تقاضـا (درخواست مؤدبـانه) نمودن درخواست نمـاییم؛ چرا که وقتی چیزی را درخواست می نماییم رفتاری بر اساس احترام شـکل گرفته است. امام رضا علیه السـلام در این زمینه فرمودند: «کسـی که در اجرای این فریضه به دنبال برتری خود بر دیگران است و همواره دستور می دهد کم کم ارزش و اعتبارش را از دست خواهـد داد و دیگران را به خشم آورده و موجب هلاکت خود خواهد شد». (1) در حدیثی مشابه امام صادق علیه السلام نیز به این امر توصیه فرموده است. (2)

4) شفاف، منطقی و قابل فهم بودن کلام

در آموزه های اسـلامی در لزوم داشتن این فن در فریضه امر به معروف و نهی از منکر آمده است: «نیکوترین گفتار، کلامی است که منطق و نظم، زیبایش کرده باشد و برای همهٔ مردم از خواص و عوام قابل فهم باشد». (3)

با توجه به این سـخن باید مردم در پند دادن به یکدیگر در پرهیز از منکر و توصـیه به معروف به چند نکته توجه نمایند نخست ،این که سخن باید منطقی باشد تا برای هر شخصی از نظر عقلی پذیرفتنی نماید؛ دوم این که سخن باید نظم داشته باشد، یعنی افراد در استفاده از کلمات دقت نمایند تا کلمات در هدایت دیگران همانند کلافی سر در گم نشود و مخاطب (فرد امر شونده) منظور اصلی گوینده (فرد پنددهنده) را دریابـد (از پراکنده گویی و اسـتفاده از کلمات بی مورد پرهیز شود)؛ سوم این که امر به معروف و نهی از منکر برای هر شخصـی قابل فهم باشد یعنی به میزان درک مخاطب توجه نماید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این خصوص می فرمایند به ما پیامبران امر شده است تا با مردم در حد فهمشان سخن گوییم» (4) و یا در حدیثی دیگر می فرمایند: «وقتی با

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 2، ص 405

2- کلینی، اصول کافی، ج 3، ص 405

3- آمدی، غرر الحکم، ص 463

4- محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج 2، ص 297

قومی سخن گویی که عقولشان بدان نرسد، برای بعضی شان مایه فتنه خواهد بود». (1) امام رضا علیه السلام نیز در این خصوص می فرمایند: «با مردم (در هر امری) آن گونه که می فهمند سخن بگویید و آن چه را که نمی پذیرند، رها کنید» (2)

در حقیقت بسیاری از مشاجرات و دلخوری های پدید آمده بین مردم در توصیه به معروف و نهی از منکر برآمده از شفافیت نداشتن سخن و مبهم بودن کلام و نیز منطقی نبودن آن است. فردی که قادر نباشد کلام خود را در توصیه به معروف و بازداشتن از منکرات شفاف بیان کند، به طوری که برای طرف مقابل قابل فهم باشد ممکن است نه تنها به مقصود خود که پرهیز از منکرات ،است، نرسد، بلکه کلام او ناخواسته موجب کج فهمی و دلخوری دیگران هم بشود.

5) اجتناب از سرزنش و عیب جویی

تجربه ثابت کرده است که سرزنش و عیب جویی در هر شرایطی بی فایده است؛ چون انسان را در موقعیت های دفاعی قرار می دهد و او را وادار می کند تا برای توجیه کردن خود از هر راهی استفاده .کند بنابراین سرزنش خطرناک است؛ زیرا غرور ارزشمند فرد را جریحه دار می کند و حس نفوذ را در او می کاهد و موجب ایجاد حس خشم و تنفر وی می.شود فریضه امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر هم از این قاعده مستثنی نیست.

«بی اف اسکینز» یکی از روانشناسان مشهور جهانی ثابت کرد حیوانی که برای رفتار درستش پاداش می گیرد، خیلی سریع تر از حیوانی که برای رفتار نادرست تنبیه می شود، چیز یاد گیرد و بهتر در خاطر نگه .دارد بعدها مطالعات نشان داد که این نظریه در مورد انسان ها نیز صدق می کند. پس با سرزنش و عیب جویی نسبت به یکدیگر در توصیه به ارزش ها و نهی از ضدارزش ها نمی توانیم تغییرات اساسی ایجاد کنیم؛ چون این کار اغلب موجب بیزاری و تنفر دیگران و در نتیجه عدم اجرا و ثمردهی این فریضه مقدس می شود.

از این روست که امام رضا علیه السلام در توصیه به معروف این امر اجتناب از سرزنش و

1- پاینده، نهج الفصاحه، ج 2، ص 669

2- ملایری معزی، جامع أحادیث الشیعه، ج 18، ص 432.

عیب جویی) را خاطر نشان می سازد و می فرماید: «در پی عیب ها و لغزش های یکدیگر نباشید تا امر الهی را اجرا نمایید؛ چرا که هر کس (در نهی از منکر) در پی شمارش و یافتن عیب های برادر خود باشد، خدا هم پی جوی عیبش می شود و سرانجام رسوا خواهد شد». (1) امام صادق نیز در حدیث دیگری می فرماید: «کسی که به منظور عیب جویی و ریختن آبروی مؤمنی پاسخی بگوید تا او را از چشم مردم بیندازد، خداوند او را از ولایت خود بیرون می کند و به سوی شیطان می فرستد و شیطان هم او را نمی پذیرد». (2)

بنابراین سرزنش و عیب جویی از دیگران و همواره تذکر دادن به آنان با چنین شیوه ای در امر به معروف و نهی از منکر و نیز استفاده از واژگان منفی نه تنها موجب سردی و ناخوشایندی بین افراد خواهد گشت بلکه چندی نمی گذرد که آسیبی اجتناب ناپذیر از سوی فرد تحقیر شده با اعمال تلافی و جبران و تکرار (منکر) را در بر خواهد داشت.

6) برخورد نرم و آرام همراه با محبت و مهرورزی

برخورد نرم و آرام همراه با محبت و مهرورزی از زیباترین آموزه های اخلاقی است که نقش سازنده و مؤثری را برای گرایش انسان ها به یکدیگر خصوصاً در اجرای فریضه ای چون امر به معروف و نهی از منکر ایفا می کند: «دل های مردم رمنده است، هر که به آن ها محبت کند به او رو می آورند». (3) مطابق این توصیه برخورد نرم و آرام همراه با محبت و مهرورزی افراد به یکدیگر در پند و اندرز به ارزش ها هم روحیه سخت و خشن آنان را تعدیل می کند و هم رابطهٔ قلبی عمیقی را نسبت به ارزش ها در بینشان به وجود می آورد رعایت این امر در نهادینه سازی امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر موجب می شود در تمامی مراحل زندگی و فراز و نشیب های آن شریک و پشتیبان و فریادرس هم بوده و در برابر گرفتاری ها و دشواری ها محکم و استوار بایستند نه این که تنها به دنبال تجسس در گفتار و رفتار و

1- کلینی، اصول کافی، ج 46، ص58.

2- فیض کاشانی، الوافی، ج 5، ص 976

3- حرّ عاملی، آداب معاشرت از دیدگاه معصومین علیهم السلام، ص 155

برخورد با یکدیگر به منظور تلافی، انتقام ..... باشند.

در روایت است که مردی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و گفت: سخنان من در قبیله ام تأثیر نمی گذارد مرا سفارش فرمایید پیامبر صلی الله علیه و آله در سخنانش ضمن توصیه به مهربانی به عنوان یک ارزش و معروف و همراهی آن با لحن نرم و آرام فرمودند: «با آنان دوستی و مهربانی کن تا با تو دوست شوند». (1) حضرت علیه السلام در یادآوری این معروف مهربانی و دوستی با دیگران را راه نفوذ در قلب آنان برای تأثیر گذاری معرفی می فرمایند. امام علی علیه السلام نیز در این زمینه چنین می فرمایند: (قُلُوبُ الرِّجَالِ وَحْشِيَّةٌ، فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ)؛ «دل های انسان ها بیگانه و نامأنوس است و هرکس از راه مهرورزی و محبت وارد شود، با آن الفت می گیرند». (2)

مطابق این سخنان ارزشمند محبت و مهربانی در پند و اندرز و نصیحت به دیگران به عنوان یک ارزش و معروف موجب جذب دل ها به یکدیگر شده و همین امر زمینه های تأثیرگذاری بهتر امر به معروف و نهی از منکر را ایجاد می کند.

شاید به همین دلیل است که امام رضا علیه السلام نیز اظهار دوستی و محبت به مردم را نیمی از عقل دانسته اند (3) و در تمامی رفتارهای معرفت افزایشان در توصیه به معروف ها و نهی از منکرات در تمامی زمینه های فردی اجتماعی و.... آن را لحاظ نموده اند. (4)

نتیجه گیری

با توجه به آن چه در این پژوهش به دنبال آن بودیم می توان دریافت که در دنیای جدید دنیای پرشتاب و تغییر اغلب افراد احساس می کنند امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر از کارایی لازم برخوردار نیست؛ چرا که آنان اعتقاد دارند که در زندگی با مشکلاتی مواجه شده اند که راه برون رفت از آن آن ها را با وضعیت تعارض آمیز مواجه ساخته است. بنابراین دیگر زمان لازم و نیز انگیزه کافی جهت توجه به انجام این فریضه در سطح خُرد نسبت به یکدیگر را ندارند.

1- صفایی، تاریخ پیامبر اسلام، ج 1، ص 527

2- نهج البلاغه، حکمت 50

3- مجلسی، بحار الانوار، ج 4، ص 459

4- کلینی، اصول کافی، ج 2، ص 104؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 78، ص 335

حال بدیهی است در این میان از یک سو سـمت و سوی تغییرات و تحولات اجتماعی به ویژه در سایه توسعه روزافزون شاخه های مختلف علوم امیـدبخش توان افزایی بشـر در مواجهه بـا طبیعت زنـدگی اجتماعی می باشـد که روز به روز ابعاد و زوایای نامکشوف عالم هستی به تسـخیر انسـان در می آیـد ولی از سوی دیگر همزمـان احسـاس عام گرایی و بی طرفی عاطفی مسـئولیت گریزی از خودبیگانگی تنهایی و گرفتـاری در «قفس آهنین» خودسـاخته کُنش های روابط انسانی را آنچنان تحت تأثیر قرار داده است که دیگر دقتی نسـبت به محیط خود و نیز انسان های اطرافشان ندارنـد، چه رسـد به این که دربارهٔ فریضه مهمی همچون امر به معروف و نهی از منکر احساس مسـئولیت کننـد؛ چنان که شواهـد نیز به نوعی حکایت گر آن است که در برخی موارد عده ای حتی این عمل را به عنوان دخالت در زندگی دیگران محسوب می کنند، نه یک رسالت و وظیفه همگانی.

از این رو در این فضـا (فضـای تعارض آمیز همراه با گریز از حس مسـئولیت شناسـی پیرامون امر به معروف و نهی از منکر مردم نسـبت به یکـدیگر) در زنـدگی ایشان با آمریت و اجبار ساخت های اجتماعی روز به روز قدرت انجام این عمل (امر به معروف و نهی از منکر مردم نسـبت به یکدیگر) کمرنگ تر شده و در این جوّ خودمختاری کارکردی، شاهد محصور شدن این فریضه با اهمیت در میان افراد نسـبت به هم هستیم؛ چرا که واقعیت این است که حوزه نگرش و نگاه بشر محدود به مناظر بسیار نزدیک تر شده است.

به تعبیر دیگر این وضـعیت به صورت تـدریجی انسـان فعـال و اجتماعی را به موجودی بی تفاوت، عاریتی و تماشاگر تنها مردم گریز و.... تبدیل می کند، تا این که به مسـئولیت پذیری نسـبت به یکدیگر با توصـیه به ارزش ها و نیکی ها و برحذر داشـتن از منکرات و زشتی ها در نهایت فراینـد تبـدیل شدن افراد به انسان هایی شـکل گرفته بر اساس این قالب بی تفاوتی و عاری از هرگونه مسـئولیت پذیری و مسـئولیت شناسی در ارتباط با خیر خواهی و دلسوزی نسبت به یکدیگر در عمل به معروف ها و ترک منکرات، ساختارهای قبلی تشکیل دهنده کُنش انسانی را در برقراری این فریضه و میزان کارایی آن به هم ریخته و با بهانهٔ ناکارایی این مسـئله (امر به معروف و نهی از منکر مردم نسـبت به یکدیگر و جلوه دادن آن به شکل دخالت) از مسئولیت خویش

گریز زده و شانه خالی می نمایند تعجبی نیست که این وضـعیت سـبب گشـته است که تنها رابطه یک انسان با دیگران بر اساس مقتضـیات زمان و مکان است و به عبارت دیگر نگاه انسان ها به یکـدیگر حتی در برقراری رابطه ها یک نگاه و رابطه ابزارمنـد است؛ نه نگاهی متأثر و برخاسته از حس مسئولیت شناسی و توصیه و تأکیدات ارزشی دین مبین اسلام در برپایی ارزش های اخلاقی – انسانی.

این در حـالی است که دقت در محتوای آموزه هـای دینی و از آن جمله آموزه های ارزش محور و معروف گستر رضوی در جهت برقراری فریضه امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر از این واقعیت پرده بر می دارد که نخست اجرای آن از کارایی فراوانی برخوردار است؛ چرا که نگـاه حضـرت رضا علیه السـلام به این مقوله (امر به معروف و نهی از منکر مردم نسـبت به یکـدیگر) از چه جایگاهی ویژه نسـبت به انسان خبر می دهد پس در جای جای سـخنانشان به این امر مهم همچون سایر مباحث مرتبط به زندگی انسان نیز توجه شایسـته ای داشـته و توصـیه های گرانسـنگ ایشان در قالب: «نقاط آغازین»، «شاکله و ماهیت» و نیز «قواعد و فنون» در راسـتای «امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر گواه روشنی بر این مدعاست».

اگر حضـرت رضـا علیه السـلام در این وادی نقـاط آغـازینی چون: خودسازی و رشـد شخصـیتی، باورمنـدی به نظارت دائمی پروردگار، اندیشـیدن پیش از سـخن گفتن، آموزش و یادگیری و تمرین و تکرار را بایسـته می دانند چنین نیست که نسبت به آدمی در انجام این فریضه پیرامون یکدیگر بعد شاکله و ماهیت را فراموش نمایند؛ چرا که سـیره حضرت برخاسته از مکتبی است که در هنگامهٔ ورود به حریم دیگران و برقراری ارتباط با آن ها برای اجرایی شـدن و نهادینه نمودن این فریضه باارزش معتقدند از طریق احترام به حقوق و کرامت انسان ها و نیز مروت و مدارا با آنان، نه خشونت و ارعاب می توان به نحو احسن شاهد به ثمر رسیدن امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر بود. پس امام رضا علیه السلام جهت اجرایی شدن این مسئله آن چنان کارشناسانه و اصولی عمل می نمایند که دیگر جایی برای مسئولیت گریزی باقی نمی گذارد چرا که مراجعه به سـخنان حضـرت علیه السـلام در باب قواعد و فنون اساسـی این مسـئله خود راه را بر هر نوع بی تفاوتی عام گرایی و ناکامی و بهانه هایی از این

دست می بنـدد. به واقع نیز چنین است؛ به کـارگیری هر یـک از نکـات مطروحه در سـیره امام رضا علیه السـلام پیرامون این امر علاوه بر اجرایی شدن این فریضه در میان مردم، حتی به خلق زیباترین الگوهای رفتاری مردم نسبت به یکدیگر نیز خواهد انجامید.

بنابراین تفکر و فرهنگ رضوی در توصیه به امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر به اقتضای دارا بودن فرهنگی منطبق بر قرآن کریم و سـیره و سـنت نبوی شایسـته الگوگیری از مانـدگارترین و بهترین فرهنگ در برقراری این مسـئله است؛ چرا که علاوه بر جامعیت و پویایی می تواند برای ارتباطی پایا و مانا برای همیشه و همه زمان

ها باقی بماند.

ص: 397

منابع

1. قرآن کریم، ترجمه محمدمهدی فولادوند.

2. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.

3. آمدی عبدالواحد، غرر الحکم و دررالکلم، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، قم، 1366ش.

4. ابن شعبه حرانی ابو محمد حسن بن علی بن حسین، تحف العقول عن آل الرسول، نشر مکتبه بصیرتی، قم، 1394ق.

5. ابن منظور، محمد بن مکرم لسان العرب، نشر ادب الحوزه، قم، 1405ق.

6. انوری، حسن، فرهنگ روز سخن نشر سخن، تهران، 1383ش.

7. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، نشر جاویدان، تهران، 1377ش.

8. حر عاملی، محمد بن حسن آداب معاشـرت از دیدگاه معصومین علیهم السلام، ترجمه محمد فارابی نشر آستان قدس رضوی، مشهد، 1372ش.

9. وسائل الشیعه، نشر دار احیاء التراث العربي، بیروت، 1403ق.

10. دورکیم امیل، تقسیم کار ،اجتماعی ترجمه باقر پرهام، نشر کتابسرای بابل، 1369ش.

11. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات في غریب القرآن تحقیق صفوان عدنان داوودی، دمشق، 1416ق.

12. صفایی شیخ علی تاریخ پیامبر اسلام نشر مسجد جمکران، قم، 1381ش.

13. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، نشر مؤسسه اعلمی للمطبوعات، 1390ق.

14. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان في تفسیر القرآن، نشر ناصر خسرو، تهران، 1374 ش.

ص: 398

15. فیض کاشانی محمد بن مرتضی (ملامحسن)، الوافی، نشر مکتبة المرعشی النجفي، قم، 1404ق.

16. کلینی ،رازی محمد بن یعقوب، اصول کافی تحقیق علی اکبر غفاری نشر دار الکتب الاسلامیه تهران، 1387ق.

17. گروه پژوهشی علوم قرآن و حدیث فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه های اسلامی، نشر دانشگاه علوم اسلامی، مشهد، 1387ش.

18. محسنی، منوچهر، جامعه شناسی عمومی نشر کتابخانه طهوری تهران 1357ش.

19. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا سیفی نشر دار الحدیث، قم، 1377ش.

20. ملایری، معزی، اسماعیل، جامع أحادیث الشیعه، اشراف: حسین طباطبایی،بروجردی، بی جا، 1484ق.

21. مالکی، ابوالحسین ورام بن ابی فراس، تنبیه الخواطر نشر دار الصعب، بی تا.

22. نوری ،طبرسی حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل نشر آل البیت، 1408ق.

23. هاشمی سیداحمد بررسی کارایی امر به معروف و نهی از منکر در ساخت های مختلف، تهران، 1381ش.

ص: 399

نقش رسانه ها در ترویج امر به معروف و نهی از منکر با تأکید بر سیره رضوی: سمیه صادقی

اشاره

*نقش رسانه ها در ترویج امر به معروف و نهی از منکر با تأکید بر سیره رضوی: سمیه صادقی (1)

مقدمه:

مشخصه اصلی یک جامعه سالم رصد نمودن همهٔ مسائل اجتماعی در کنار امور دینی است تا زمینه پیدایش خوبی ها را فراهم کنند و مسیر ورود بدی ها را سد کنند تا یک امر نامطلوب شکل عادی پیدا نکند یافتن راهکارهای گسترش یا کاهش مواردی که در آن جامعه ظهور و رواج پیدا کرده اند حائز اهمیت است و بی تفاوتی نسبت به این مسائل موجه و مورد پذیرش هیچ عقل سلیمی نیست. یک جامعه پویا و شایسته نیازمند اصلاح ارتباط بوده و برای این منظور ناگزیر از واکنش مثبت یا منفی در قبال مسائل اجتماعی است به طوری که حیات و ممات جامعه با این معیار سنجیده می شود.

نهاد امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی نشانگر این است که معروف و منکر در جامعه وجود دارد و واکنش نسبت به آن ها یک ضرورت اجتماعی است؛ ضرورتی که در اسلام به آن سفارش اکید گردیده و اهل بیت علیهم السلام در این باب سخن ها رانده اند همان طور که امام رضا علیه السلام فرمود: همواره در اجرای امر به معروف و نهی از منکر کوشش و اهتمام نمایید که اگر در این مسیر اهمال و سستی و سستی کنید، بدترین افراد بر شما مسلط خواهند شد و هر چه خوبان شما دعا کنند به اجابت نخواهد رسید.

1- کارشناس شیمی محض، دبیر آموزش و پرورش

لذا بر هر مسلمانی واجب است تا پس از شناخت دقیق ابعاد مختلف این فریضه و آماده سازی خود و مقدمات لازم برای اجرای اثر بخش آن به اجرای این امر الهی پرداخته و سهم خود را در اصلاح جامعه و آماده سازی آن برای رشد و تعالی انسان ها به جای آورد هر کار و فعالیتی فضای خاص خود را می طلبد و برای رسیدن به موفقیت در هر امری باید راهکارهای مناسب برای ترویج آن را مهیا سازیم، لذا فریضه امر به معروف و نهی از منکر نیز از این اصل کلی مستثنی نیست، به ویژه در عصر کنونی که نیاز به تحقیق و پژوهش در مورد عوامل مؤثر در ترویج این امر لازم و ضروری می نماید و در مقاله حاضر این موضوع را بررسی خواهیم کرد.

اهمیت و ضرورت موضوع

آفریدگار جهان نخستین کسی است که امر به معروف و نهی از منکر کرده است. این صفت صفتی خداوندی است؛ چرا که در قرآن کریم می خوانیم: همانا خداوند به عدل و احسان و بخشش به خویشاوندان امر می کند و از کارهای زشت و ناپسند و تجاوز به حقوق دیگران نهی می نماید و شما را موعظه کند؛ باشد که پند گیرید.

رشد و تعالی انسان ها تنها در محیط و اجتماع سالم و پاک، امکان پذیر است؛ چون افراد یک اجتماع سالم همانند اعضای یک بدن در حیات اجتماعی و سامان دادن به زندگی صحیح انسانی سهیم و شریکند و هیچ یک از آنان نمی تواند خود را در قبال اعمال و رفتارهای دیگران بی تفاوت دانسته و عکس العملی از خود نشان ندهند. این جاست که با توجه به مسئولیت انسان ها و به ویژه مسلمانان پرداختن به مسئله امر به معروف و نهی از منکر ضرورت می یابد. (1)

در این میان سیاست های رسانه ای نقش اساسی در توسعه و گسترش این امر دارند و رسانه ها با اتخاذ سیاست های متفاوت ارتباطی توسعه امر به معروف و نهی از منکر را تسهیل و تسریع می کنند؛ چرا که آثار رسانه ها بر همه ابعاد زندگی اجتماعی و فرهنگی آحاد جامعه پیداست.

رسانه ها تار و پود نمادین زندگی اجتماعی را تشکیل می دهند. نقش و اهمیت آن ها به حدی است که به گفته تامپسون امروزه نمی توان امور را بی حضور کتاب روزنامه

1- محمد اصل و همکاران، پیش نیازها و ویژگی های شخصیتی در تذکر لسانی اثر بخش.

یا رادیو و تلویزیون و سایر رسانه ها قابل تصور دانست.

جایگاه شایسته رسانه ها در تنویر افکار و ایجاد فضاهای مناسب برای گفت و گو و برخورد سالم و سازنده دیدگاه ها و همچنین اهمیتی که رسانه های گروهی در ارتقای سطح آگاهی و تعالی مسائل دینی دارند بی گمان یکی از مهمترین عوامل توسعه امر به معروف و نهی از منکر و از نشانه های پویایی و تحرک هر جامعه است. رسانه ها تقریباً همراهان ناگزیر زندگی روزمره هستند که ما را وادار می سازند تا عادات اجتماعی خود را با توجه به حضور در آن ها تنظیم کنیم. از سوی دیگر منابعی ارزشمند و متنوع اند که ما را در مواجهه با موقعیت های اجتماعی و مشکلات فردی یاری می دهند.

این میزان نفوذ رسانه ها در زندگی افراد، خود می تواند هشداری باشد برای مؤمنان که کسانی در رأس این کار باید قرار گیرند که صلاحیت کافی را داشته باشند؛ چرا که لغزش و اشتباه در آن ها می تواند جامعه ای را رو به انحطاط بکشاند.

بزرگانی مانند مقام معظم رهبری هوشیارانه بیشترین همتشان بر این موارد متمرکز است و با هشدارهای خردمندانه و حکیمانه خود «جریان خطرناکی» چون تهاجم فرهنگی یا «رسانه ای» را از ریشه بررسی کرده و هشدار داده اند: «ما نمی توانیم اجازه دهیم به اسم دفاع از آزادی از شیوه های مورد نظر دشمن برای ایجاد انحراف در اصلاحات کشور استفاده شود» و نیز «هیچ مسئولی نباید اجازه دهد اهداف دشمن در برخی مطبوعات در قالب آزادی بیان و اصلاحات دنبال شود». (1) به همین دلیل صاحب نظران کارشناسان و پژوهشگران سعی کرده اند درباره این موضوع از ابعاد مختلفی به اظهار نظر بپردازند.

با همهٔ این تفاسیر به جرئت می توان :گفت مسئله امر به معروف و نهی از منکر از معدود مسائلی است که رسانه های داخلی بدون هیچ گونه طرح مدونی به آن پرداخته و بیشتر دچار سر در گمی گردیده اند. بعضی اوقات دفاع و پرداخت به شیوه نادرست، آثار منفی بر جای گذاشته و موجب سوء استفاده بیشتر شده است. نمونه آشکار و

1- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار سران سه قوه با ایشان، مورخه 19/ 4/ 79، برگرفته از روزنامه کیهان، مورخ 79/4/20

بزرگ آن رسانه ملی است که کاملاً مشهود است و در این موضوع برنامه مدونی ندارد و گاهی دچار تناقض می شود.

با توجه به اهمیت دینی و ضـرورت اجتماعی مسـئله و همچنین با توجه به این که موفقیت در این امر مستلزم توجه به فرهنگ سازی و ایجاد بستر منـاسب برای انجـام این واجب است سؤال مهمی که مطرح می گردد این است که فریضه ای بـا این میزان از اهمیت و تـأثیر گـذاری چگونه باید ترویج شود تا آثار مهم آن در جامعه مشهود و ملموس گردد؟

لذا در مقاله حاضـر ابتدا به طور اجمال جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و سـیره رضوی بررسـی می شود سپس به آسیب ها و مشـکلات رسـانه هـا در این خصوص توجه می گردد و در ادامه سـیاست ها و راهکارهای ترویـج آن را مطالعه می کنیم در پایان نیز پیش نیازهای موفقیت این پدیده از بعد اجرایی شناسایی می گردد.

سؤالات پژوهشی

آن چه در پیش رو دارید تلاشی تحقیقی است که پاسخ به چهار پرسش اساسی زیر را پی می گیرد:

1. جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و سیره رضوی چیست؟

2. نقش رسانه ها در ترویج معروف و منکر چگونه است؟

3. آسیب ها و مشکلات رسانه ها در این خصوص چگونه است؟

4. سیاست ها و راهکارهای ترویج آن کدام است؟

روش شناسی تحقیق:

پژوهش حاضر از نوع کتابخانه ای است و جمع آوری اطلاعات از طریق مطالعه و بررسی متون دینی و منابع کتبی و اینترنتی می باشد.

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

با بررسـی دقیق و نگاهی اجمالی به مسـئله امر به معروف و نهی از منکر اهمیت، عظمت و ارزش این دو فریضهٔ بزرگ الهی در آیات قرآن کریم و روایات

معصومین علیهم السلام و حکم عقل، کاملاً روشن و آشکار می گردد. امر به معروف و نهی از منکر از اصول عملی اسلام و از مهمترین فرائض دینی است. (1)

امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن بقاء اسلام است. اگر این اصل نباشد، اسلامی در کار نیست این امر رسیدگی دائم به وضع مسلمانان است. حسین بن علی (2) در راه امر به معروف و نهی از منکر یعنی در راه اساسی ترین اصلی که ضامن بقاء اجتماع اسلامی است، جان خود را نثار کرد. (3)

وظیفه و مسئولیت مهم امر به معروف و نهی از منکر تا آن جا اهمیت و عظمت دارد که همه معصومین علیهم السلام، فرزندان و یاران آنان در طول تاریخ شیعه خود را فدا کرده و اسلام را بیمه نمودند شهید مطهری می گوید امر به معروف و نهی از منکر مرز نمی شناسد هیچ چیز یا هیچ امر محترمی نمی تواند با امر به معروف و نهی از منکر برابری کند؛ نمی تواند جلویش را بگیرد

اباعبدالله علیه السلام در چنین جریانی ثابت کرد که به خاطر امر به معروف و نهی از منکر؛ به خاطر این اصل اساسی می توان جان داد، عزیزان داد، می توان مال و ثروت داد، می توان ملامت مردم را خرید و کشید. چه کسی توانسته است در دنیا به اندازه حسین بن علی علیه السلام به اصل امر به معروف و نهی از منکر ارزش بدهد؟». (4) خداوند خطاب به حضرت شعیب علیه السلام فرمود: صد هزار نفر از قومت را عذاب می کنم! شصت هزار از بی گناهان و چهل هزار از گناهکاران! چون گناهکاران هر چه کردند آن ها بی تفاوت گذشتند و نهی از منکر نکردند. (5)

تأکیدهای مکرر قرآن کریم (سوره آل عمران آیات 110، 114؛ سوره اعراف آیات 157 و 165، 199؛ سوره لقمان آیه 17؛ سوره هود آیه 116؛ سوره حج آیه 41؛ سوره بقره آیه 44؛ و بسیاری از آیات دیگر....) و احادیث و روایات معتبر و متعدد در این خصوص بیانگر ضرورت و اهمیتی است که اسلام از این طریق برای سالم سازی

1- علی ابوالقاسمی، نظارت عمومی ص 16.

2- مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، صص 75-76

3- مطهری، مرتضی عنصر امر به معروف و نهی از منکر در نهضت حسینی علیه السلام، نشریه شماره 34، ص92.

4- تفسیر معین

5-

جوامع بشری و مبارزه با عوامل فساد و گناه قائل شده است. (1) در نهایت این سخن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای تقویت مسئولیت اجتماعی باید همواره به یادمان باشد که فرمود: «هرکس صبح خود را آغاز کند اما اهتمامی برای حل مشکلات مسلمانان نداشته باشد مسلمان نیست» (2)

این وظیفه ای است که از طریق دو فریضه بزرگ الهی یعنی امر به معروف و نهی از منکر برعهده تک تک افراد جامعه قرار گرفته است.

در تبیین اهمیت امر به معروف و نهی از منکر از دو موضع ذیل بهره گرفته و مطلب را پی می گیریم:

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قرآن:

امر به معروف و نهی از منکر در قرآن از ویژگی های انبیاء برشمرده شده است:

قرآن در توصیف حضرت اسماعیل می فرماید:

(وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُولا نَبِيًّا * وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بالصّلاة والزّكَاة وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا)؛ (مریم /55)؛ از اسماعیل در کتاب آسمانی خود یاد کن، همانا او در وعده های خویش صادق، فرستاده و پیامبر بود، او همواره اهل (خانواده و نزدیکان) خود را به نماز و زکات فرمان می داد و نزد پروردگارش مورد رضایت بود. (3)

امر به معروف و نهی از منکر در قرآن از خصائص انسان های مؤمن، صالح و مفلح دانسته شده است خداوند در توصیف انسان های با ایمانی که با جان و مال خویش با خداوند معامله می کنند فرموده است: (التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ) (4)

مؤمنان اهل توبه و عبادت هستند خدا را حمد گویند، سیاحت گرند (به معنای

1- محمد اصل و همکاران پیش نیازها و ویژگی های شخصیتی در تذکر لسانی اثربخش

2- نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج 12، ص 383.

3- محمد اسحاق، مسعودی، پژوهشی در امر به معروف و نهی از منکر، ص 77

4- توبه/ 112.

ظاهری یا عرفانی آن) رکوع کنندگان، سجده کنندگان آمرین به معروف و ناهین از منکر و پاسداران حدود (و احکام) خداوند ،هستند به این مؤمنان بشارت ده. (1)

امر به معروف و نهی از منکر در قرآن از اوصاف بهترین امت به حساب آمده است: (کُنتُمْ خَیْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ تُؤْمِنُونَ بالله)؛ (2) شما بهترین امتی بودید که برای مردم آفریده شدید (و دارای این ویژگی هستید) که امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خداوند ایمان دارید. (3)

برای تسریع در روند اصلاح جامعه اسلامی و جلوگیری از نشر فساد و گسترش آن بر لزوم تشکیل هسته های ویژه امر به معروف و نهی از منکر تأکید شده است (وَلْتَکُنْ مِنْکُمْ أُمَّةٌ یَدْعُونَ إِلَی الْخَیْرِ وَ یَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)؛ (4) باید از میان شما گروهی باشند تا (مردم را) به خیر (و نیکی) دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و اینان رستگارانند.

بنابراین، ظاهر آیه مبارکه و متبادر از آن این است که عده ای اجرای این فریضه بزرگ را بر عهده گیرند. (5)

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در سیره رضوی:

حضرت رضا علیه السلام در مقاطع مختلف زندگی خویش با جلوه های گوناگون توانست با بالاترین جهاد سیاست های باطل زمامداران ستمگر زمان خویش را نقش بر آب نماید و چهره حق و حقیقت را بنمایاند.

نقش امر به معروف و نهی از منکر به حدی در زندگی آن حضرت بارز بود که یکی از مهمترین علل شهادت حضرت رضا علیه السلام محسوب می گردد.

مرحوم شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام در باب اسباب شهادت آن حضرت، سه خبر نقل کرده است که مؤید ادعای مزبور می باشد و جالب این جاست.

1- محمد اسحاق مسعودی، پژوهشی در امر به معروف و نهی از منکر، ص 77 -78

2- آل عمران / 110

3- محمد اسحاق، مسعودی، پژوهشی در امر به معروف و نهی از منکر ص 79

4- آل عمران / 104

5- محمد اسحاق، مسعودی، پژوهشی در امر به معروف و نهی از منکر، ص 81 .

که در ضمن خبر اول حضرت به پرونده ثروت های بادآورده مأمون و غیرقانونی بودن آن ها نیز اشاره کرده است.

مرحوم شیخ کلینی (در گذشته به سال 329) درباره عذاب تارکان امر به معروف و نهی از منکر حدیثی از امام رضا علیه السلام نقل کرده که آن حضرت از قول رسول خدا علیه السلام فرموده است: زمانی که امت من نسبت به امر به معروف و نهی از منکر سهل انگاری کنند و مسئولیت را به گردن یکدیگر اندازند (و هر کس منتظر این باشد که دیگری و آن را انجام دهد) در این صورت بایستی منتظر عذاب الهی باشند و این کار آن ها به منزله اعلان جنگ با خداست.

نیز در روایاتی دیگر از آن حضرت آمده است که می فرمود: کان رسول الله صلی الله علیه و آله یقول: (إِذَا أُمَّتِي تَوَاكَلَتِ الأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَلْيَأْذَنُوا بِوِقَاعٍ مِنَ اللهِ)؛ (1) زمانی که امت من امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر واگذارند (آن را ترک گویند) باید آماده پذیرش وقاع (= عذاب و هلاکت) خداوند باشند.

نیز فرمود: (الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاجِبٌ)؛ (2) اظهار امر به معروف و نهی از منکر با زبان واجب است.

همچنان که در سخنی دیگر بیان داشت تارک امر به معروف و نهی از منکر باید آماده عذاب الهی باشد.

اصحاب رسانه و امر به معروف و نهی از منکر:

با گذری به سخنان ائمه و تعمق در آن ها به راحتی می توان فهمید که امر به معروف و نهی از منکر آن قدر ارزنده است که خداوند عاملان به آن را «بهترین ها» معرفی کرده و به تاج «برترین بودن» مفتخر فرموده است مولا علی علیه السلام در هشدار از عمل نکردن به آن فرموده است: (لاتَترُکُوا الأمرَ بِالمَعروفِ وَالنَّهیَ عَنِ المُنْکَرِ فُیَولّی عَلَیکُم شِرارُکُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فلایُستَجابُ) (3) امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید، که اگر ترک کنید، اشرار شما بر شما مسلط می شوند آن وقت هرچه دعا کنید،

1- کلینی، کافی، ج 5، ص 59 حدیث 13؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج 6، ص 77.

2- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص 444

3- تفسیر معین، ص 198.

مستجاب نمی شود لذا نهی از منکر یک وظیفه همگانی است، همان گونه که در فقه ما در جای خود ثابت است این وظیفه نسبت به «منکرات رسانه» ای بسیار سنگین تر و حساس تر است؛ چون فراورده های رسانه ای غذای روح و قلب مردم است و اگر فاسد باشد، روح اجتماع را مسموم می کند. در این مورد حضرت جوادالائمه علیه السلام زیبا فرموده است: (عَجِبْتُ لِمَنْ یَتَفَکَّرُ فِی مَأْکُولِهِ کَیْفَ لَا یَتَفَکَّرُ فِی مَعْقُولِهِ)؛ (1) تعجب می کنم از کسی که نسبت به غذای جسمش اهمیت قائل است و در در آن جستجو و دقت می کند تا بهترین ها را تهیه و تناول کند، اما نسبت به غذای فکری خود، نسبت به غذای روح و قلب خود بی تفاوت است و فکر نمی کند چه غذاهای آلوده و مسمومی در روح خود وارد می کند و جان خود را انباشته از سموم مهلک می کند!

در یک نظر ساده و ابتدایی و یک تقسیم سرانگشتی می توان با تقسیم رسانه ها به «صوتی» و تصویری و مکتوب هر یک را در جای خود بررسی کرد و از معروفات و منکرات آن سخن گفت رسانه ها از دیرباز و گذشته دور تاریخ در سرنوشت انسان ها نقش به سزایی داشته و در ساختار فرهنگ و افکار و عقاید و بینش انسان ها و در نتیجه در شکل گیری زندگی آن ها و حتی سرنوشت جاودان آن ها مؤثر بوده و هست. این امر آن قدر مهم است که خداوند حکیم به برخی از آن ها سوگند یاد کرده است: (نَ وَالْقَلَمِ وَ مَا یَسْطُرُونَ)، (2) سوگند به قلم و آن چه می نویسند.

بدون تردید مکتب اسلام همان طور که به مصرف کننده غذاهای مسموم (منکرات رسانه ای) هشدار داده و مصرف کننده را بر حذر داشته است، تولید کننده این گونه غذاهای روحی مسموم (اصحاب رسانه) را بیشتر هشدار داده و انذار فرموده است. در حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است (یُؤتی بصاحِبِ القَلَمِ یَومَ القِیامَهِ فی تابوتٍ مِن نارٍ یُقفَلُ علَیهِ بِأقفالٍ مِن نارٍ فَیُنظَرُ قَلَمُهُ فیما أجراهُ ؛ فإن کانَ أجراهُ فی طاعَهِ اللَّهِ و رِضوانِهِ فُکَّ عَنهُ التابوتُ، و إن کانَ أجراهُ فی مَعصیَهِ اللَّهِ - هَوَی التابوتُ سَبعینَ خَریفاً ...!)؛ (3) روز قیامت صاحب قلم آورده می شود همراه با تابوتی از آتش که بر آن

1- کتاب یکصد و پنجاه درس زندگی به نقل از سفینة البحار.

2- قلم / 1.

3- محمد ری شهری، میزان الحکمة، ج 8، باب قلم.

قفل های آتشین است! پس نگاه می شود به قلمش که در چه مسیری جاری شده است اگر در طاعت خداوند جاری شده تابوت آتش از او جدا و دور می شود، اما اگر قلمش در مسیر معصیت خدا جاری شده باشد پس درون آن تابوت به قعر جهنم افکنده می شود این روایتی است واقعاً تکان دهنده و هشدار دهنده برای اهل قلم و اصحاب رسانه!

رسانه های جمعی

رسانه های جمعی به تمام ابزارهای غیر شخصی ارتباط گفته می شود که به وسیله آن، پیام های دیداری و یا شنیداری به طور مستقیم به مخاطبان انتقال می یابند. تلویزیون، رادیو، سینما، اینترنت، ماهواره و مجلات، کتب و.... از رسانه های جمعی محسوب می شوند. (1)

«ژودیت لازار» دربارهٔ اهمیت و نقش رسانه ها می گوید: رسانه ها نقش های متعددی را در حیات اجتماعی به عهده دارند، از جمله این که صحنه ای را ایجاد می کنند که حیات سیاسی در آن به نمایش گذاشته می شود فرهنگ بال می گستراند، مدها جولان می دهند و سبک های تازه و هنجارهای زندگی رخ می نمایند. (2)

کارکردهای رسانه ها

اشاره

رسانه های گروهی با کارکردهای متفاوت در حوزه های مختلف دارای تأثیر می باشند که از جمله مهمترین آن ها به موارد آتی می توان اشاره نمود:

1. کارکرد فرهنگی:

اگر فرهنگ را به مجموع روش ها آداب و رسوم، ارزش های یک اجتماع معین، ساخت سیاسی، علم، دین، تربیت و هنر و.... اطلاق کنیم ارائه مباحث نظری پیرامون هر یک از این موارد را می توان کارکرد فرهنگی رسانه های گروهی محسوب داشت و از این نظر سهم ویژه ای برای آن ها در توسعه فرهنگی و بالا بردن سطح دانش و معلومات افراد جامعه قائل شد.

2. کارکرد سیاسی:

به مدد قدرت تأثیر فوق العاده امروزه رسانه ها می توانند

1- گولد، ص 436

2- لازار، ص 136

جریانات و گرایش های سیاسی را برای مخاطبان خود هدایت و راهبری یا تبیین و تحلیل نمایند با یک نگاه گذرا به تاریخ سیاسی معاصر به خوبی می توان دید که بسیاری از منازعات و کشمکش های سیاسی با یاری و یا هدایت و پرچمداری رسانه ها تبدیل به جریانات قوی سیاسی شده و یا تعدیل و حتی خاموش گردیده اند. البته این تأثیر به بافت اجتماعی خاستگاه رسانه ها بستگی دارد.

3. کارکرد تفریحی:

شنیدن و دیدن فیلم ها، نمایشنامه ها، تئاترها، مسابقات و سرگرمی ها سرودها و اشعار مفرح که از طریق رسانه های صوتی و تصویری پخش می شوند در کنار مطالعه و ملاحظه قصه ها، لطیفه ها، جدول ها و معماهایی که در مطبوعات (روزنامه ها و مجلات) چاپ و منتشر می گردند، قسمت زیادی از اوقات فراغت افراد را به خود اختصاص داده است. (1)

رسانه ها و ترویج معروف ها و منکرها

در این جا برای نشان دادن نقش بی بدیل رسانه ها در ترویج معروف ها و منکرها و کارکردهای مثبت و منفی آن در اجتماع به ذکر چند نمونه بسنده می کنیم:

رسانه ها و ترویج معروف ها:

اطلاع رسانی و هشدار:

پیشرفت بهت انگیز وسائل ارتباط جمعی در قرن حاضر جهان را به دهکده کوچکی تبدیل کرده است که انسان ها امکان اطلاع از همه وقایع و حوادث جهان را به طور سریع و جامع دارند در عصر ارتباطات هیچ حادثه ای هر چند در دورترین مناطق جهانی باشد، منحصر به یک منطقه جغرافیایی نیست. (2) از این رو سه ویژگی فرا زمانی، فرا مکانی و سرعت فوق العاده از خصیصه های وسائل ارتباط جمعی است. امروزه تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان ها در رسانه ها رسوخ کرده و از خصوصی ترین رفتار انسان ها تا بزرگترین تغییرات نهادهای اجتماعی و ساختارهای فرهنگی و سیاسی از طریق رسانه ها ارائه می شود.

1- جواد فخار طوسی، امام خمینی و رسانه های گروهی، صص 74

2- ساروخانی، جامعه شناسی ارتباطات، ص 72

رسـانه هـای جمعی اعم از روزنـامه هـا مجلاـت رادیو و تلویزیون، گاه از انحرافات اجتماعی، نظیر تجاوز، خشونت، قتل و... پرده بر می دارند و زوایای پنهان داسـتان های عشـقی و جنایی را برای مخاطبان خود آشکار می سازند و انوع دام هایی را که بر سر راه جوانان قرار دارد به آنـان گوشـزد می نماینـد و راه هـای لغزش دیگران را برای مخاطبـان ترسـیم می کننـد و بـا اطلاع رسانی به موقع و مناسب برای اعضای جامعه، در پیشگیری از انحرافات اجتماعی نقش مؤثری ایفا می کنند.

رسـانه هـای جمعی بـا شـناخت آسـیب هـای مختلف اجتمـاعی و گزارش آن به کنشـگران اجتماعی، نسـبت به گسترش نابهنجاری های اجتماعی هشـدار می دهند و بدین ترتیب کنشـگران اجتماعی را از نوع رفتارها و خرده فرهنگ های کجرو آگاه می کنند تا بر اساس ارزش ها و هنجارهای مورد پـذیرش جامعه حرکت کنند و در دام این گونه خرده فرهنگ ها نیفتند. لذا رسالت رسانه ها ایجاب می کند که ابعاد، نوع و کیفیت شکسـته شـدن هنجارها و ارزش های اجتماعی را منعکس نماینـد تا اعضای جامعه بتواننـد با درک همه جانبه آن ها ضـمن حفظ خود از ارتکاب انحرافات ،اجتماعی از شکسته شدن هنجارهای مقبول جامعه جلوگیری نمایند.

وسایل ارتباط جمعی می توانند با در اختیار نهادن سـخنان بزرگان دین و اهل بیت علیه السـلام به شکل های مختلف سخنرانی نمایشی یا نوشـتاری مردم جامعه را آگاه و بیدار نمایند. هسـتند کسانی که روزها می گذرد و برای مطالعه و آگاهی به کتابخانه ها سـری نمی زنند ولی برنامه های رسانه های صوتی و تصویری را به خوبی دنبال می کنند و رساندن پیام ائمه از این طرق به آنان چه بسا سـبب بیداری دل هاشان گشـته و آن ها را به راه راست هدایت نماید همان طور که در روایات به آن نیز اشاره گشـته است ابوصـلت هروی گوید شنیدم که امام رضا علیه السـلام می فرمود: «خـدا رحمت کنـد کسـی را که امر ما را زنـده می سازد» پرسـیدم امر شـما چگونه زنده می شود؟ فرمود: علوم و احادیث و معارف ما را فرا گیرد و به دیگران بیاموزد؛ زیرا مردم اگر با زیبایی های سخنان ما آشنا گردند از ما پیروی خواهند کرد. (1) نیز در جایی دیگر در اهمیت زنده کردن معارف اهل بیت علیه السلام فرمودند: (مَنْ جَلَسَ مَجْلِساً یُحیی فیه أَمْرَنَا، لَمْ یَمُت قَلْبُهُ

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 2، ص 30

یَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ)؛ هر که در مجلسی بنشیند که در آن معارف ما [اهل بیت] زنده شود، در روزی که قلب ها می میرد قلب او نخواهد مرد. (1)

وسائل ارتباط جمعی می توانند با بهره گیری از شگردهای تبلیغی و آفرینش های هنری نفرت و زشتی «تزلزل باورها و ارزش های ملی و دینی» را به مخاطبان خود القا کنند. بر این اساس یکی از وظایف و کارکردهای مهم را رسانه ها، آگاه سازی و اطلاع رسانی عمومی است؛ یعنی اطلاع رسانی در مورد وقوع جرائم و انحرافات اجتماعی و کیفیت وقوع و ابعاد و راه های لغزش افراد به سوی کجروی و هنجار شکنی و در بعد دیگر ایجاد نفرت از وقوع انحرافات و جرائم اجتماعی.

کارگزاران رسانه های جمعی می بایست با حساسیت ویژه ای از ارزش های عام و هنجارهای نهادینه شده اجتماعی پاسداری نمایند و برای تحقق عینی آن با دیگر نهادهای فرهنگی هماهنگی کرده و تمام امکانات را برای حفظ کرامت انسانی به کار گیرند.

طبیعی است هر گاه ارزش ها و باورهای جامعه مصون بماند، وفاق و همبستگی اجتماعی بیشتر تضمین خواهد شد؛ زیرا ارزش ها و باورها از مهم ترین عوامل همبستگی اجتماعی کنشگران اجتماعی محسوب می شوند و چنان چه هر روز به بهانه ای خاص یکی از ارزش های عام به طور بی رحمانه از سوی خرده فرهنگ های کجرو مورد هجوم قرار گیرد بنیان های وفاق و همبستگی اجتماعی تضعیف شده و جامعه تا هنگامه شکل گیری هنجارها و ارزش های نوین آسیب های فراوانی خواهد دید. بنابراین رسانه ها با تبیین ابعاد انحرافات وفاق و همبستگی اجتماعی را بیشتر خواهند کرد.

صفحه حوادث روزنامه ها هشداری به مردم است تا بدون توجه و آگاهی به هر کسی و هر چیزی اعتماد مطلق نداشته باشند، نقل این حادثه که دختر جوانی به علت تأخیر مجبور می شود به جای تاکسی عمومی از وسائل نقلیه شخصی استفاده کند و راننده که آدم ربایی حرفه ای بوده است به بهانه این که راه اصلی پر ترافیک است، از

1- همان، ج 49، ص 90.

راه های فرعی دختر را می ربایـد، (1) می توانـد دختران جوان جامعه را نسـبت به این خطرات هوشـیار نمایـد و نوعی زیرکی و دقت را در روابط اجتماعی افراد آموزش دهد.

1. قانون شناسی و کیفرشناسی

کـارکرد مهم رسانه ها در این زمینه شـناساندن قانون و کیفر آن به کنشـگران اجتماعی جهت کاهش میزان ارتکاب جرائم می باشـد وجود قـانون در کتب قـانون نظم اجتمـاعی را به ارمغـان نمی آورد تبیین و انتقال فرهنگ قانون گرایی به عاملان اجتماعی آنان را هنگام مواجهه با جرم و زمینه های آن واکسـینه می کنـد. وسائل ارتباط جمعی می بایست با ارائه فوائـد و منافع قانون، روحیه قانون گرایی را ترویج نمایند و نشان دهنـد که به عنوان توجیهی برای عملکرد قدرتمنـدان و حاکمان عمل نمی کننـد بلکه تذکرات قانونی را به عنوان مبنای نظم اجتماعی مطرح می نمایند.

ارائه گزارشی از ضوابطی که قانون عرضه می کند و کیفری که قانون برای متخلفان معین ساخته است کارکرد ارزشمندی است که رسانه ها در عصر ارتباطات بر عهده دارند.

رسانه های جمعی از طریق تبیین قانون و مقررات می کوشـند تا رفتارهای افراد را در مسـیر هنجارهای تعریف شده جامعه رهبری نمایند و به افراد بیاموزنـد که هر گـاه فرد رفتارهـای خود را بر اساس هنجارها و قواعـد اجتماعی تنظیم نمایـد از طرف جامعه پاداش داده می شود؛ بـالطبع کنشـگران اجتماعی نیز در می یابنـد برای رسـیدن به خواسـته های خود می بایست به رفتارها و هنجارهایی روی بیاورنـد که قانون معین کرده است. رویه آموزش غیر مسـتقیم ،قـانون همچنین می توانـد احترام درونی به قـانون و احساس تقـدس نسـبت به قانون را در بین اعضای جامعه ایجاد کند به طوری که قانون را به عنوان امری مقدس و تخلف ناپذیر تصور نمایند.

به عبارت دیگر رسانه ها از طریق اقناع و رسوخ به ذهن انسان ها، به درونی سازی، جـذب و پـذیرش قلبی هنجارها می پردازند رسانه ها با نمایش کیفرهایی که برای مجرمان در برابر تخلف و تخطی از قانون در نظر گرفته شده است، می توانند در

1- روزنامه انتخاب، 38 آذر، ش1056.

کاهش جرم تأثیر گذار باشـند. تا هنگامی که مجرم، از مجازات های قانونی هنجارشکنی تصور روشنی در ذهن خود نداشته باشد و تنها به منافع و مزایای تخطی از مقررات بیندیشـد، انگیزه ارتکاب جرم در او تشدید می شود بدین لحاظ رسانه ها موظفند که شـناخت همه جانبه ای از مضرات و زیان ها و عواقب جرم را در اختیار اعضای جامعه بگذارند و به این وسیله انگیزه ارتکاب جرم را کاهش دهند.

برای عینیت بخشیدن به دو کارکرد فوق بهترین راه ارائه الگوهای جذاب امروزی و متناسب با نیازهای انسان معاصر است. رسانه می تواند از طریق نشان دادن عواقب انسان های مجرمی که دچار کجروی شدنـد زشتی و قبـح گناه و جرم را در ذهن مخاطبان ترسـیم نمایـد و مایه عبرت آموزی انسان ها باشد.

2. کنترل اجتماعی

در تعریف کنترل اجتماعی گفته اند کنترل اجتماعی به مجموعه شیوه ها، تدابیر و وسایلی اطلاق می شود که یک جامعه یا یک گروه در راه تحقق اهداف خود و هدایت افرادش به رعایت آداب، شعائر، مناسک و هنجارهای پذیرفته به کار می گیرد. (1) کنترل اجتماعی به دو شیوه انجام می شود یکی از طریق فشارهای اجتماعی که ابزار آن همان «قوانین و ضمانت اجرای» آن است و دیگری از طریق «اقناع» که افراد را به رعایت هنجارها ملزم می کند.

امر به معروف و نهی از منکر در اسلام یکی از مهمترین ابزارهای کنترل اجتماعی می.باشد با این نگاه جامعه شناختی رسانه های همگانی نیز کـارکرد کنترل اجتماعی دارنـد. رسانه ها با درج و انعکاس نابهنجاری های اجتماعی و عواقب شومی که در انتظار افراد کجرو قرار دارد به طور غیر محسوس اقدام به کنترل و پیشگیری از نابهنجاری ها در جامعه می کنند رسانه ها عمدتاً از طریق اقناع پذیری بهتر می توانند در کنترل اجتماعی مؤثر باشند.

1- ساروخانی، دائرة المعارف علوم اجتماعی، ص 698

رسانه ها و ترویج منکرها:

1. ایجاد امواج جرم

رسانه ها اغلب جرم را در قالب موج هایی برجسته و متمایز و به تعبیر نویسندگان، امواج جرم به تصویر می کشند، بدین شکل که با ارائه گزارش های مکرر از ارتکاب برخی اشکال خاص جرم شامل جرم خیابانی مانند ضرب و شتم تجاوز به عنف و قتل، موجب می شوند که توجه افکار عمومی با شدت بیشتری به این دسته از جرائم جلب شود. نکته جالب توجه آن است که برای تحقق مفهوم امواج جرم، ضرورتی وجود ندارد که موارد وقوع یک رفتار مجرمانه در عمل نیز افزایش داشته باشد بلکه کافی است که در افکار عمومی این تلقی ایجاد شود که این موارد با شدتی توجه برانگیز رو به فزونی است.

2. عادی سازی هنجار شکنی

تا زمانی که ناهنجاری در نظر کنشگران اجتماعی، امری زشت و غیر منطقی جلوه کند، میزان ارتکاب انحراف اجتماعی و خروج از هنجارهای اجتماعی کاهش خواهد یافت. انعکاس کجروی های اجتماعی در رسانه ها در کاهش نفرت از انحرافات و عادی شدن نابهنجاری در جامعه تأثیر به سزایی دارد؛ زیرا فرد ضمن اطلاع از نقض هنجارها توسط رسانه ها، در می یابد که هنجارهای اجتماعی که به نظر وی غیر قابل تخطی بودند، قابل شکستن و تخلف هستند لذا انگیزه ارتکاب جرم در فرد تقویت می شود و این یکی از کارکردهای منفی بیان کجروی ها و انحرافات اجتماعی در رسانه هاست؛ به طور نمونه دختر شهرستانی که از پدیده فرار دختران از خانه اطلاع چندانی ندارد، با شنیدن یا دیدن خبر مربوط به فرار دختران متوجه می شود که این کار می تواند یکی از راه های رهایی او از برخی مشکلات و تضادهای خانوادگی باشد و هنگامی که در کانون خانواده احساس ناامیدی و سرخوردگی و خلأ عاطفی به او دست می دهد ممکن است همان راهی را برگزیند که برخی دختران برای رهایی از رنج های خانوادگی انتخاب کرده بودند.

3. گسترش خشونت و پرخاشگری

امروزه خشونت و پرخاشگری در میان جوانان شایع شده است که معلول عوامل

متعـددی است. مطالعات انجام شـده نشان می دهد که رسانه های جمعی در این زمینه تأثیر بسـیاری داشـته اند؛ زیرا رسانه ها با تبلیغات کالاهای رنگارنگ زندگی مرفه را آرمان و هدف مخاطبان ترسیم می کنند، در حالی که این هدف با شغل و درآمد مخاطبان قابل دسترسی نیست. در نتیجه میان اهـداف و ابزار مشـروع دستیابی به این اهـداف فاصـله ایجاد می شود (یعنی فرد احساس محرومیت می نماید). این وضـعیت منجر به خشونت و پرخاشـگری در میان افراد می گردد. به عبارت دیگر رسانه ها ب می شوند که میل به مصرف کالاهای لوکس در بین مردم افزایش یابـد، امـا موجب وقتی این میل و تقاضا ارضا نمی شود در نتیجه به خشونت تبـدیل می شود و یا فرد را به انجام عملی غیرقانونی نظیر سرقت جهت دستیابی به کالاهای تبلیغی ترغیب می نماید.

نمـایش فیلم هـای جنـایی نیز از سوی دیگر روحیه خشونت تنـدخویی و ارتکـاب جرم را به مخاطبـان خود القا می نمایـد و موجب بروز رفتارهـای خشونت آمیز می گردد. انتشـار اخبار مربوط به قتل و بیان راه ها و شـیوه های ارتکاب این جنایات موجب بـدآموزی گسترش و نهادینه شدن این روش ها در جامعه می شود. احساس می شود رسانه ها در این امر دچار تندروی بیش از حد گردیده اند و این خود سبب ضربه زدن بر پیکر اجتماع خواهد شد.

محتوای خشونت بـار رسـانه هـا به بروز رفتارهـای خشن در افراد جـامعه دامن می زنـد و ممنوعیت هـای اخلاقی و اجتماعی به کارگیری خشونت را کمرنـگ می کنـد. صـاحب نظران ارتباطـات سازوکارهای تحریک کننـده خشونت را شامل بازداری زدایی (کاهش خودداری بیننـدگان و قبول خشونت) و برانگیختگی زایی می داننـد. آن ها معتقدنـد که رسانه ها قادرنـد فنون ارتکاب جرائم را آموزش دهند جرائم را مهیـج و لـذت بخش جلوه دهنـد ارضا شـدن آنی را ترویـج دهند و فرد را به همانندسازی با مجرم ترغیب کنند. البته جرم زایی رسانه ها به تعامـل محصولاـت رسـانه ای (خصوصـیات جرائم و مجرمـان آن) بافت رسانه ها (مقـدار پوشـش رسانه ای سـبک های ارائه حمایت از ارتکـاب جرائم) و بـافت اجتمـاعی (هنجارهـای فرهنگی موجـود، گرایش هـای مصـرف کننـدگان، فرصت هـای ارتکـاب جرم و تعـداد خلافکاران موجود) بستگی تام دارد.

ص: 416

4. اشاعه فحشا و بی بندوباری

قرآن کریم با هشدار در مورد خطر اشاعه زشتی ها در جامعه اسلامی می فرماید:

(إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ)؛ (1) کسانی که دوست دارند زشتی ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد عذاب دردناکی برای آن ها در دنیا و آخرت است و خداوند می داند و شما نمی دانید».

گسترش فحشا در این آیه شریفه مذمت شده است البته در قرآن کریم واژهٔ فحشا در خصوص انحرافات جنسی استفاده شده است اما از نظر مفهوم لغوی فحشا به معنای هر گونه رفتار و گفتاری است که زشتی آن بزرگ باشد. (2)

پس از دیدگاه منطق قرآن، بازگو کردن زشتی ها و ترویج و ارائه آن ها نهی شده است؛ زیرا موجب آشکارسازی زشتی ها و بر ملاکردن آن ها می شود. امام رضا علیه السلام می فرمایند: (الْمُذِيعُ بِالسَّيِّئَةِ مَخْذُولٌ وَ الْمُسْتَتِرُ بِالسَّيِّئَةِ مَغْفُورٌ لَهُ)؛ «آن کس که گناه را نشر دهد مطرود است و آن کس که گناه را پنهان می دارد، مشمول آمرزش الهی است». (3)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرمایند: (ن أذاعَ فاحِشَةً كانَ كمُبتَدِئها)؛ «کسی که کار زشتی را نشر دهد، همانند کسی است که آن را در آغاز انجام داده است». (4)

یکی از کارکردهای رسانه های جمعی، مفهوم سازی و به تبع آن، شکل دادن به هنجارهای مناسب با آن مفهوم می باشد. بر این اساس ارائه تصاویر مستهجن و مبتذل و خلاف عفت عمومی از طریق رسانه های جمعی و نگارش متون خلاف اخلاق و هرزه نگاری می تواند منجر به گسترش جرائم به ویژه از نوع جرائم جنسی گردد و چه بسا سبب ایجاد جرم های جدیدی گردد که پیشتر رواج نداشته است. در این صورت جامعه ما باید منتظر بلاهای جدید هم باشد. همان طور که ولی نعمتمان امام

1- نور / 19.

2- مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 14، ص 403.

3- کلینی، اصول کافی، ج 2، ص 428

4- همان، ج 2، ص 356

رضا علیه السلام فرموده اند: هرگاه مردم گناهان تازه ای را که سابقه نداشته و مرتکب آن نمی شده اند انجام دهند خداوند هم بلاهای نو به نو و جدیدی را که سابقه نداشته برای ایشان ایجاد می کند. (1)

5. تضعیف اعتماد اجتماعی

اعتماد اعضای جامعه به یکدیگر سرمایه اصلی تعامل اجتماعی است؛ تعاملی که برای رفع نیازهای زیستی و اجتماعی اعضای جامعه صورت می گیرد لذا تضعیف این اعتماد مشکلات عدیده ای را در مراودات اجتماعی و تأمین خواسته های افراد ایجاد خواهد کرد اما در هر صورت ممکن است اعتماد اجتماعی تضعیف شود که یکی از عوامل آن ترویج انحرافات اجتماعی از طریق رسانه هاست؛ زیرا ذکر انواع انحرافات از رسانه ها و اعلام رشد سرسام آور آن منجر به ایجاد روحیه سوء ظن و شک نسبت به سایر افراد جامعه می شود و احتمال وقوع این انحراف را از سوی تک تک اعضای جامعه تقویت می نماید و روحیه اعتماد عمومی را تضعیف می کند در نتیجه تعامل اجتماعی دچار اختلال می شود.

انعکاس انحرافات اجتماعی علاوه بر سست کردن اعتماد اجتماعی، موجب عدم احساس تعلق جمعی می شود و روابط اجتماعی افراد را دچار مشکل می سازد.

رسانه ای کردن جرائم بر نهاد خانواده نیز آثار مخربی دارد؛ به طور نمونه پدران و مادران را نسبت به رفتار فرزندانشان بدبین می کند چرا که والدین احتمال می دهند که انجام این انحراف اجتماعی که از طریق رسانه منعکس شده است، در مورد فرزندان جوان خانواده وجود دارد این نگرش منجر به تضاد و ناسازگاری های خانوادگی خواهد شد.

رسانه ها گاه با انعکاس آمار و ارقام اغراق آمیز جرائم می توانند اعتماد اجتماعی را نسبت به نظام سیاسی تضعیف نمایند؛ به طور نمونه انعکاس پرونده های کلان اختلاس های عمومی و یا پرونده های مربوط به رابطه میان حاکمیت و مردم می تواند منجر به سلب اعتماد گردد.

هر چند نمی توان ضرورت برخورد قوی با متخلفان را در هر سطح و نهادی انکار

1- کلینی، اصول کافی، ج 3، ص 250

نمود، رسانه ای کردن این گونه حوادث به بی اعتمادی مردم از حکومت منجر شده و اقتدار و مشروعیت مدیران صالح نظام را نیز از بین برده و در نتیجه نظام سیاسی کشور کارکرد کنترلی و پویایی خود را از دست خواهد داد سکوت یا بی تفاوتی مؤمنان در این باب مجاز نیست؛ چرا که سکوت علامت رضاست. در حالی که مولا یمان امام رضا علیه السلام فرموده اند: (مَنْ رَضِيَ شَيْئاً كَانَ كَمَنْ أَتَاهُ)؛ هر که از کاری راضی باشد مثل کسی است که آن را انجام داده است. (1)

6. شکستن حریم خصوصی افراد

هر چند افراد جامعه بر اثر داشتن ارتباطات اجتماعی وسیع با کنشگران، وجوه مشترک رفتاری دارند هر یک از آن ها دارای حریم خصوصی می باشند که مربوط به امور شخصی و خانوادگی و روابط میان فردی است تمام اعضای جامعه تلاش می کنند این حریم (نظیر میزان علاقه به همسر و فرزند، اختلافات خانوادگی، روابط، سلائق، رفت و آمدها، میزان درآمد و سفرها و....) را از تیررس دیگران دور نگاه دارند از سوی دیگر مطبوعات به جهت وظیفه خبررسانی و اطلاع رسانی با ورود به اسرار خصوصی افراد به ناچار اصل ممنوعیت ورود به این حریم را نقض می کنند. امروزه رسانه ها قدرت بی سابقه ای برای در نوردیدن حریم خصوصی افراد دارند مانند انتشار خبرهای متفاوتی که در روزنامه ها عاملی برای فروش آن ها شده است.

ورود در حریم خصوصی افراد از نظر بازخوردهای اجتماعی و کارکردهایی که در شکستن مرزهای خصوصی مردم دارد اهمیت فوق العاده ای دارد، به گونه ای که تجسس و افشای زوایای پنهان زندگی مردم برای دستیابی به اطلاعات جزیی از آنان به شدت در متون دینی نهی و مذمت شده است.

به تعبیر دیگر اسلام می خواهد مردم در زندگی خصوصی خود از هر نظر در امنیت باشند. امام رضا علیه السلام فرموده اند: (الْمُذِيعُ بالسَّيِّئَة مَخْذُولٌ وَ الْمُسْتَتِرُ بالسَّيِّئَة مَغْفُورٌ له)؛ هر که کار زشت دیگران را بر ملا کند خوار می گردد و هر که آن را بپوشاند خدایش می آمرزد. (2) بدیهی است اگر اجازه داده شود که هر کس به تجسس دربارهٔ

1- ابن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 273

2- محمد ری شهری، میزان الحکمة، ج 2، ص 988.

دیگران برخیزد، حیثیت و آبروی مردم بر باد می رود و جهنمی به وجود می آید که همه افراد اجتماع در آن معذب خواهند بود. (1)

نیز در این باب امام رضا علیه السلام فرموده اند: مؤمن، حقیقت ایمان را درک نمی کند مگر آن که سه خصلت را دارا باشد خصلتی از خداوند که کتمان اسرار افراد باشد؛ خصلتی از پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله که مدارا کردن با مردم باشد؛ خصلتی از ولی خدا که صبر و شکیبایی در مقابل شدائد و سختی ها را داشته باشد. (2)

به نظر می رسد منابع شناخت مردم از حوادث و مسائل اجتماعی منحصر به رسانه ها نیست و آنان از راه های مختلفی از جمله مشاهده عینی و ارتباطات کلامی با دیگران از حوادث تلخ و انحرافات اجتماعی آگاهی می یابند. از این رو تصور این که چشم و گوش مردم تنها از دریچه وسائل ارتباط جمعی به دنیای حوادث و انحرافات باز می شود خیالی بیش نیست لذا گزارش این گونه انحرافات اجتماعی توسط رسانه ها چنان چه با تحلیل و تبیین آسیب های آن ها و به منظور حفظ جامعه از گسترش انحرافات صورت گیرد، امری مفید، بلکه ضروری است که ضمن افزایش آگاهی مخاطبان رسانه ها موجب می شود که رفتار اجتماعی خود را بر این اساس تنظیم نمایند و از پیامدهای کجروی اجتماعی در امان باشند قرآن کریم بارها با بیان سرگذشت اقوام گذشته از انواع آلودگی ها و انحرافات اجتماعی سخن به میان آورده است و مقصود از بیان آن ها را عبرت آموزی و پیشگیری از وقوع و تکرار آن ها در بین امت اسلامی برشمرده است قرآن کریم در سوره یوسف داستان عشق و شیفتگی زلیخا به یوسف را با تمام جزئیات و تفاصیل آن بیان کرده و انحراف اخلاقی زلیخا را با انواع مکرها و ترفندهای آن تشریح نموده است ولی بی تردید مقصود از ارائه این گزارش ها تقویت جنبه معنوی بشر می باشد خداوند می فرماید و آن زن که یوسف در خانه او بود از او تمنای کامجویی کرد درها را بست و گفت: بیا به سوی آن چه برای تو مهیاست گفت: به خدا پناه می برم او صاحب نعمت من است مقام من را

1- کلینی، اصول کافی، ج 2، ص 184.

2- همان، ج 3، ص 339؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 75، ص 334 ح 1؛ نوری ،طبرسی، مستدرک الوسائل، ج 9، ص 37، ح 10138.

گرامی داشته، مسلماً ظالمان رستگار نمی شوند. آن زن قصد او کرد و او نیز اگر برهان پروردگار را نمی دید قصد وی می نمود این چنین کردیم تا بدی و فحشا را از او دور سازیم؛ چرا که او از بندگان مخلص ما بود». (1)

در این آیات هر چند خداوند از انحرافات اخلاقی زن عزیز مصر، سخن به میان آورده و آن را برای همه مردم بیان کرده است این اطلاع رسانی را با تحلیل، تذکر و شیوه معنوی رهایی از انحرافات اجتماعی توأم ساخته است.

قرآن کریم در هنگام بیان تاریخ قوم لوط به اعمال ناشایست آن ها اشاره کرده و می فرماید: قوم لوط فرستادگان را تکذیب کردند هنگامی که برادرشان لوط به آنان :گفت آیا تقوا پیشه نمی کنید؟... یا در میان جهانیان شما به سراغ جنس ذکور می روید و همسرانی را که پروردگارتان برای شما آفریده است رها می کنید؟ (2)

قرآن کریم انحرافات اجتماعی آن قوم را ذکر کرده ولی در ضمن بیان این انحراف جنسی به راه درمان آن (یعنی ازدواج) اشاره می کند همچنین موارد دیگری همانند قتل هابیل توسط قابیل در قرآن ذکر شده است ولی به جهت این که در کنار نقل این خبر مضرات و پیامدهای آن انحراف تحلیل و تبیین می شود از اشاعه فحشاء، شکستن قبح گناه... و سایر کارکردهای منفی که در این رابطه وجود دارد، جلوگیری می شود.

با استشهاد به آیات گذشته، ملاک نقل و گزارش انحرافات به طور گسترده مشخص می شود این ملاک همان طور که در مورد قرآن وجود دارد، در مورد رسانه های جمعی هم محقق است و آن ها باید در کنار ذکر حوادث به جنبه عبرت آموزی حوادث جهت پیشگیری از وقوع انحراف توجه داشته باشند و در این راستا به تحلیل انحرافات و راه های مبارزه با آن و شیوه های جایگزینی مثبت آن ها اشاره نمایند و اگر به صرف نقل و ذکر انحرافات اکتفا شود افزایش دامنه و نوع کارکردهای منفی رسانه ها دور از انتظار نخواهد بود.

زمانی که نقش انکارناپذیر رسانه ها را در جامعه در ترویج معروف ها و منکرها

1- یوسف / 23-24.

2- شعراء / 160- 166

مشاهـده می کنیم، این پرسـش مطرح می شود که آیا رسانه ها مجازنـد بدون طرح و برنامه مدونی به تولید تدوین برنامه ها و اطلاع رسانی های خود بپردازند؟ آیا این خود ضربه مهلکی به پیکره اجتماع وارد نخواهد کرد؟

اشاره به برخی آسیب ها و مشکلات دیگر رسانه ها در زمینه اجرا و ترویج امور دینی:

با سـپاس از تلاش هایی که تاکنون از سوی رسانه ها در خصوص ترویـج امر به معروف و نهی از منکر انجام پذیرفته است به نظر می رسـد برای ترویـج آن باید گام های بیشتری برداشـته می شد که به عللی از انجام آن بازمانده اند و این خود نیازمند آسـیب شناسـی جدی و دقیق است.

1- یکی از مهم ترین آسـیب ها و مشـکلات این است که در ساختار مدیریتی رسانه ها همه چیز بخش بندی شده و بخش معارف دینی یا مناسـبت های دینی در عرض و کنار بخش ها و گروه های دیگر قرار دارد به ویژه در رسانه ملی؛ در حالی که دیدگاه دینی باید بر تمام بخش های رسانه دیـداری، شـنیداری و نوشـتاری حاکم باشـد. رسانه نخست باید تلقی درستی از دین و مفاهیم دینی داشـته باشد تا بتواند امر به معروف و نهی از منکر را که بخشـی از دین است، به شـیوه های مختلف و به شـکل شایسـته برای مردم تبیین کند بنابراین جداسازی برنامه های دینی و معارفی از سایر برنامه های جذاب و سـرگرم کننده آسیب جدی در رسانه است؛ به عنوان مثال رسانه ملی با تأسیس شبکه قرآن یا رادیو معارف گویا به تعهد دینی خود عمل کرده است. گر چه این امر در جای خود ارزشمند و قابل تقدیر است، باعث شده است که در شبکه های دیگر به مباحث معرفتی کمتر توجه شود.

2- سـطحی نگری و بسـنده کردن به مطـالب صـرف علمی و خشـک و سـهم نـاچیز هنر و ادبیات باعث می شود که القای معارف بـدون جذابیت لازم صورت گیرد از این رو بخش عمده ای از برنامه های رسانه ها برای سـطح تحصـیل کرده جامعه قابل استفاده است در حالی که عمـده کسانی که این اصل مهم را نادیده می گیرند، حاضـر به تحقیق و تعقل درباره این موضوع نیسـتند و بیشتر باید غیر مسـتقیم مورد خطاب قرار گیرند و یا در برنامه ها نوعی سطحی نگری و ساده انگاری وجود دارد.

یکی دیگر از اشکالات مهم و عمده رسانه ها در این زمینه، ضعف برنامه ریزی دقیق و هماهنگ و عدم اهتمام جدی به ترویج امر به معروف و نهی از منکر است. در یک کلام انسان نمی تواند این مسئله را به عنوان جریان فرهنگی در رسانه ها پیگیری کند هر چه هست کار مقطعی است که به مناسبت هایی مثل ماه رمضان تابستان و..... آن هم بسیار سطحی مطرح می شود. بدیهی است فرهنگ سازی یک ارزش و هنجار دینی یا ،اجتماعی نیاز به برنامه مدون و جریان سازی مناسب دارد و الا ممکن است نه تنها تأثیر گذار نباشد، بلکه موجب دلسردی و دلزدگی شود.

4- اگر برنامه نسبتاً مدوّن و سیاست اصولی نیز در دستگاه ها و رسانه ها وجود داشته، تاکنون این سیاست ها کمتر ضمانت اجرایی داشته اند؛ به خصوص محصولات رسانه ملی که عملاً جذاب ترین و پرمخاطب ترین رسانه است، عمدتاً بر اساس طرح ها و ایده های سلیقه ای و شخصی برنامه سازان تهیه شده اند. در رسانه ملی، حرف آخر را نویسندگان و سازندگان برنامه ها می زنند و تشکیلاتی هم برای هدایت و ارزیابی مسئولیت آنان وجود ندارد شاید بتوان گفت سیاست های سیما در امور دینی مشخص است ولی این سیاست ها به بخش تولید برنامه ها راه نیافته اند؛ در نتیجه انتقادها و پیشنهادها در این زمینه بی پاسخ مانده اند.

5- تهران محور بودن رسانه ها در این زمینه و بسیاری از مقولات فرهنگی اجتماعی، از دیگر آسیب هاست. رسانه ها از جمله صدا و سیما معمولاً تهران را محور برنامه سازی خود قرار می دهند در بسیاری موارد این مسئله باعث می شود که روند تغییر برخی از هنجارها به ناهنجارها و ارزش ها به ضد ارزش ها در کل کشور تسریع شود. در واقع تهران به دلیل شرایط خاص بسیار سریع تر در معرض ناهنجاری ها از جمله «بدحجابی» و سایر ناهنجاری های غلط که در دین رد شده است قرار می گیرد و چون محور برنامه های رسانه ها تهران است، فضای حاکم بر شهر تهران به دیگر شهرها منتقل می شود. انتقال مدها و رسوم به غلط مدرن در پایتخت که خود حاصل تهاجم فرهنگی و غرب زدگی بیش نیست خود راه را برای ارتکاب گناهان و مسائل بزرگ تر باز می کند و سبب ترویج بیشتر منکر در زندگی افراد می گردد، همان طور که حضرت رضا علیه السلام فرمود: گناهان کوچک راهنمای

رسیدن به گناهان کبیره است و هر کس در گناهان اندک و کوچک از خدا نترسد در ارتکاب گناهان کبیره هم از او پروا نخواهد داشت. (1)

امروزه اکثر نشـریات عمومی در طرح های روی جلد یا صـفحات حساس و پرخواننده و نیز در کتاب ها و از همه مهمتر برخی برنامه های نمایشـی تلویزیون سـینما و تئاتر به روال نشریات و فیلمسازان خارجی برای جذب مخاطبان از تصاویر زنان زیبا با آرایش های تند و غلیظ بهره می گیرند و آن دسـته از نشریاتی که تا حدودی می خواهند حرمت نگه دارند از تصاویر دختران خردسال و غیر بالغ ولی با آرایش های زنانه استفاده می کنند. این نوع نگاه ابزاری به زن، که حقیقتاً با روح دین کاملاً مغایر است در واقع بازگشت خزنده و پنهان و کمرنگ همان رسانه های قبل از انقلاب و خارجی است.

6- غالباً در داستان ها، رمان ها، تصاویر فیلم ها و سریال ها نقش های منفی و مشاغل سطح پایین جامعه مانند مستخدمه و.... برای زنان چادری و مـذهبی اختصاص می یابـد، ولی زنانی که واجبات دینی را به خوبی رعایت نمی کنند به عنوان زنان تحصـیل کرده، موفق مؤثر و اجتماعی قلمداد می شوند، بدین شکل پوشش اسلامی اختصاص به زنان فقیر، بیسواد، مستخدمه، سالخورده و زنان درمانده مانند زنان بیوه و همسر مردان معتاد نشان داده شده یا از آن به عنوان پوششی برای حضور در قبرستان، مجالس عزا زندان و غیره استفاده شده است.

اخلاق حرفه ای رسانه ای

از همه آن چه گفته شـد به این نتیجه رسـیدیم که در حقیقت امر به معروف و نهی از منکر آنطور که بایـد و شایـد در رسـانه هـای ما جاری نیست... مسـئله ای که در خصوص اخلاـق حرف های رسانه ای بسـیار حایز اهمیت است آن که از چه منظری بایستی اخلاق حرفه ای را رعایت کنیم؟ بی مورد نیست اگر از نوشته مدیر مسؤول روزنامه جوان که الحق به درستی بیان کرده است اشاره ای به این مطلب بکنیم. از دیـدگاه ایشان در این رابطه بررسـی دو دیـدگاه رایج «اسـلام» و «غرب» ضـروری به نظر می رسد. جوامع غربی بر اساس معیارهایی که به عنوان ارزش برای آن ها مطرح است، مدلی از «اخلاق

1- ابن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 2، ص 180

حرفه ای» متناسب با ارزش های غربی را برای خود تعریف کرده انـد و روی آن مانور می دهنـد اما اخلاق حرفه ای در جوامع اسـلامی با مواردی که امروزه بـا این عنوان در غرب مطرح است کاملاً متفـاوت می باشـد. در جوامع غربی رعـایت برخی مسائل و یا ورود آن ها در حریم هـای اخلاقی به دلیل احساس گناه وجـدان و یا رعایت مسائل اخلاقی نمی باشـد در واقع این ملاک ها به عنوان عامل بازدارنـده از خطا و گناه مطرح نیست و در حقیقت انجام دادن یا عدم انجام کاری صرفاً به دلیل نفع موجود در آن کار خواهد بود نه مسائل اخلاقی.

اما دیدگاه اسـلام نسـبت به اخلاق در یک جامعه اسـلامی فراتر از هزینه و فایده صرف و یا نفع مادی و عینی اشخاص می باشد در اخلاق اسـلامی غیر از نفع شخصـی که گاهی ممکن است در موضوعی وجود داشـته و یا نداشـته باشد؛ بحث خدا و اعتقاد به آخرت بسیار حایز اهمیت است. در حقیقت شخصی که عملی را انجام می دهد یا نمی دهد فارغ از منافع مادی و دنیوی خود را در محضر خداوند احساس می کنـد و بـا وجود اعتقادهـای درونی که نسـبت به درست یـا غلط بودن عمل خود دارد به نوعی مصادیق آن را رعایت می نمایـد به طور طـبیعی در حـوزهٔ اخلاـق حرفه ای رسـانه ای این موضـوع مصـداق دارد؛ یعنی ممکن است در جوامع غربی در نگـاه حرفه ای رسـانه ای پرداختن یا نپرداختن به یک موضوع صرفاً از باب منافع شخص گرداننده آن رسانه خبرنگار یا صاحب سازمانی که آن رسانه به آن تعلق دارد باشد و یا حتی در نگاهی کلانتر منفعت حزب یا کشور لحاظ شود.

نگاه رسانه های فعال در یک نظام اسلامی نگاهی متفاوت است؛ زیرا آن ها از منظر دیگری به موضوع می نگرند. در واقع اخلاق رسانه ای در یک جامعه اسـلامی به نحوی است که شخصـی که قلم در دست می گیرد و می نویسـد و یا اقدام به انتشار مطلبی می نماید خود را در محضر خداوند می بیند و بررسی می کند مطلبی که می نویسد و کاری که انجام می دهد چقدر مورد رضایت خداوند است.

یک فرد مسلمان معتقد است که عالم محضر خداوند است و اگر به واقع چنین حتی در فرد وجود داشته باشد آن وقت شاخص ها و ملاک ها برای نوشتن و یا انتشار یک مطلب ارزش ها و رضایت الهی خواهد بود ارزش هایی مانند تقوا ایمان

عـدالت، معنویت و امر به معروف و نهی از منکر دفاع از محروم و تاختن بر ظالم و مسائلی از این قبیل... در این صورت اخلاق رسانه ای در کشور مـا با چیزی که در ژورنالیسم غربی شاهـد آن هستیم کاملاً متفاوت می شود یعنی رعایت اموری ماننـد: انصاف عـدالت و دیگر شاخصه های ارزشـی مبتنی بر ارزش های الهی و ایمانی خواهـد بود و این شاخص ها زمانی ایجاب می کند که حرفی زده شود و کند که حرفی زده شود و گاهی ایجاب می کند که حرفی زده نشود حتی اگر زدن این حرف و یا انتشار مطلب به نفع نویسنده آن باشد یا نباشد.

در این شـاخص هـای ارزشـی، حقیقت حرف اول را می زنـد نه منـافع شخصـی یـک فرد این مهم ترین تفاوتی است که اخلاق حرفه ای اسـلامی را از ژورنالیسم غربی متمایز می سازد و باید این دو نگاه را کاملاً با یکدیگر متفاوت بدانیم. البته زمانی که بحث از مسائل دینی و اعتقادی به میان می آیـد عـده ای تصور می کنند که قصد داریم برای رسانه محدودیت ایجاد کنیم در حالی که این تصور غلط است و قیود ایمانی و اعتقادی هیـچ محدودیتی برای رسانه ایجاد نخواهد کرد بلکه برعکس دست رسانه را برای نفوذ و برداشـتن محدودیت ها و مسائل جدیـد بـاز خواهـد گـذاشت؛ به عنوان مثـال در یک رسانه غربی فرد ممکن است گاهی به دلیل برخی ملاحظه ها ماننـد محـدودیت های سازمانی، جریانی حزبی و گروهی مجبور به سـکوت شود که در واقع این یک سـکوت مصلحت آمیز به نفع یک فرد جناح و جریان خاص می باشد و گاهی ممکن است خبری را سانسور کند و یا حقوق افراد را زیر پا بگذارد و یا حتی اصلاً نسبت به مسئله ای ورود پیدا نکند.

اما شـخص در رسانه اسلامی موظف است که به عنوان امر به معروف و نهی از منکر و یا مقابله با ظلم و یا دفاع از محروم تمام این مسائل را مطرح سازد.

بـا همه این تفاسـیر ما هنوز به دلایل متعـدد در نقطه مطلوب قرار نـداریم و یکی از ایراداتی که به رسانه های ما وارد است – تا حـدودی – حاکم بودن نگاه ژورنالیست غربی بر آن هاست و متأسفانه هنوز نتوانسته ایم خود را از قید ژورنالیسم غربی، رها سازیم؛ یعنی گاهی اوقات احساس می کنیم که رسانه ها بر اساس منافع شخصـی، گروهی و یا حزبی و.... اخبار و مطالب را بزرگ نمایی و کوچک نمایی می کنند یا

گـاهی اوقـات به حریم هـا تعرض می شود یا گاهی به انتخاب های مردم احترام گذاشـته نمی شود و در واقع بحث تقوا ایمان و.... رعایت نمی گردد.

در حقیقت مشـکل اساسـی ما این است که امر به معروف و نهی از منکر آن طور که بایـد و شاید در رسانه های ما جاری نیست البته طرح این گونه مسائـل به معنـای نفی مزایای رسانه های کشور نیست در واقع پس از انقلاب اسـلامی شاهـد رشـد بسـیار فزاینـده ای در کیفیت مطبوعات بوده ایم و در حال حاضـر – الحمد لله – رسانه های ارزشی و انقلابی بسیاری در جامعه وجود دارد که بدون توجه به نگاه رسانه ای غربی و ژورنالیسم غربی تا حـدودی سـعی می کننـد که مبتنی بر ارزش های اسـلامی و نگاه حرفه ای اسـلامی به موضوعات مختلف بپردازند. (1)

پیش نیازها در امر به معروف و نهی از منکر

اشاره

در این بخش مواردی بررسی می شود که در جهت افزایش گرایش به معروف ها و ارزش ها و دوری از منکرات مؤثر هستند.

1. شناساندن معروف ها و منکرها:

پیش از آن که نوبت به امر به معروف و نهی از منکر برسـد لازم است در جهت شـناساندن معروف ها و منکرها اقدام مناسب به عمل آید؛ زیرا امکـان دارد افرادی ندانـند فلان عمل از نظر اسـلام خوب یا معروف است و کار دیگر منکر و حرام است اولین مرحله از مسـئله تبلیغ اسلام را همین شناساندن معروف و منکر تشکیل می دهد. (2)

2. تبیین حد و مرز هر یک از معروف ها و منکرها:

واقعیت این است که هنوز بسـیاری از افراد تصویر روشن و دقیقی از حـد و مرز حلال و حرام ها ندارنـد و تعریف مشخصـی از معروف و منکر ارائه نکرده اند برای اثبات این مطلب کافی است به مصاحبه هایی که گاهی از رادیو و تلویزیون پخش می شود دقت کنید.

1. تبیین اهمیت هر یک از معروفها و منکرها

2. تبیین آثار و نتایج عمل به هر یک از معروف ها و منکرها

3. شناخت موقعیت ها و شرایط جهت انجام این فریضه الهی

1- سید نظام الدین موسوی؛ مدیر مسؤول روزنامه جوان.

2- محمد اسحاق مسعودی، پژوهشی در امر به معروف و نهی از منکر، ص 236.

4. زمینه های پذیرش

نتیجه گیری

به طور کلی رسانه ها می توانند با استفاده از تمامی ظرفیت های فرهنگی، اجتماعی جامعه و با رویکرد فرهنگ سازی الگو سازی رفتار سازی در ترویج احیای امر به معروف و نهی از منکر گام های مؤثر و تأثیر گذاری بردارند.

سیاست ها و راهکارها

گسترش و تعمیق این فریضه الهی در حقیقت نیازمند عزم ملی و همگانی است چنان چه در سوره لقمان، آیه 17 می فرماید: (یا بُنَيّ أَقِمِ الصّلاةَ وَ أَمُرَ بِالمَعْرُوفِ وَ انهَ عَنِ المُنكَر واصبر عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنّ ذلِكَ مِن عَزمِ الأُمور). براساس این کریمه الهی، در راه اجرای این ،فریضه باید سختی ها و مصایب را تحمل کرد و صبر پیشه نمود. عزم الامور به کارهایی گفته می شود که باید روی آن تصمیم و عزم داشت و به تعیین کارهای انسان از روی اراده وابسته است اما در بعضی از کارها باید از قبل درباره آن فکر و مشورت کرد و سپس تصمیم گرفت اگر کاری مهم و اجتماعی باشد و بدون هماهنگی مستمر همگان حاصل نشود، می گویند این کار عزم ملّی می طلبد، و امر به معروف و نهی از منکر امری ملی، مصمم و جزمی است که با عزم همه مردم همراه است. (1) امر به معروف از جایگاه قدرت سخن گفتن است نه سخنرانی و موعظه و اندرز یا مقاله نوشتن که این امور آسان و فراوان است، امر به معروف، صدور و دستور جلوگیری عملی از ناروایی ها و زشتی هاست... لذا این بحث در کتب فقهی در مبحث جهاد آمده است... کسی که ندانسته گناه می کند مورد امر به معروف و نهی از منکر نیست بلکه باید او را به حکم شرعی آگاه نمود... اما کسی که فلان کار را عالماً و عامداً مرتکب می شود... در این جا باید از مواضع قدرت برخورد نمود و جلوی تبهکار را گرفت. چنین کاری نیازمند عزم ملی است، از این رو به عنوان واجب کفایی مطرح است که مسئولیت همگان را به همراه دارد. (2) در بعضی از مباحثی که ذکر کردیم به سیاست ها و راهکارها نیز اشاره شد. در این جا موارد دیگری را

1- جوادی آملی، آیة الله شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، نشر اسراء، ج 81، ص 109.

2- همان، ص 101.

یادآور می شویم:

- تعریف و تبیین صحیح امر به معروف و نهی از منکر برای مدیران و دست اندرکاران رسانه ها، به ویژه صدا و سیما و نشریات مختص زنان خانواده و جوانان.

- تربیت نیروهای کارشناس در بحث امر به معروف و نهی از منکر از میان کارآمدترین نیروهای رسانه ها.

- تشویق و ترغیب مدیران کلان و میانی رسانه ها به حساسیت در برابر منکرات هم در میان کارکنان و هم محتوای مطالب رسانه ای خود.

- برگزاری نشست ها و همایش ها برای دست اندرکاران رسانه ها در این زمینه.

- تشکیل ستاد برنامه ریزی و اجرایی امر به معروف و نهی از منکر در رسانه ها و رصد کردن این موضوع در جامعه.

- تبیین استدلالی احکام شرعی امر به معروف و نهی از منکر (مستند به قرآن و روایات و سیره معصومان علیهم السلام)

- تهیه و انتشار ویژه نامه های جذاب برای اشاعه فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر.

- انجام هماهنگی های لازم رسانه های ارتباط جمعی با یکدیگر جهت تقویت این فریضه الهی.

- ارایه و تبلیغ چهره های موفق و الگو؛ ارایه الگو و مسئله نقش پذیری از آن ها یکی از مسائل مهم در تربیت انسان است چنان چه قرآن کریم پیامبر اسلام را به عنوان الگویی خوب برای سعادت جامعه معرفی می نماید. (1) معرفی الگوهای خوب و شایسته به جوانان اثبات پوچی الگوهای نامناسب در حوزه اندیشه و رفتار اجتماعی طرح الگوهای زنده در هدایت نسل جوان و ایجاد روحیه احساس مسئولیت و توجه به معیارهای اخلاقی و معنوی جامعه می تواند نقش ارزنده ای در هدایت

1- دادسرای مبارزه با مواد مخدر و منکرات شیوه های صحیح امر به معروف و نهی از منکر، ص 202.

• جامعه به سوی آرمان های مطلوب انسانی داشته باشد. به اعتراف روان شناسان تربیتی ویژگی نقش پذیری جوان از جمله امتیازاتی است که می تواند خیلی زود او را تحت تأثیر قرار دهد. (1)

• معرفی مراکز علمی موفق، تهیه فیلم ها و برنامه های مستند از نحوه تأثیرات مثبت انجام این فریضه الهی.

• ارایه دیدگاه های واحد و ایجاد وحدت رویه در این خصوص.

•ارایه شعارها و ضرب المثل های مثبت.

• تهییج احساسات عمومی مردم نسبت به پاسداشت ارزش ها.

• توجه به فعالیت های ویرانگر دشمن و مسئله تهاجم فرهنگی.

• ایجاد پوشش رسانه ای مناسب به منظور رفع مظاهر غیر اسلامی از محیط جامعه اسلامی.

• تشریح و تثبیت توانایی های بالقوه و بالفعل نسل جوان در پاسداشت این فریضه الهی.

• تبیین جایگاه والای این فریضه در فرهنگ اسلامی.

• ترغیب نهادهای دولتی و مردمی به انجام امر به معروف و نهی از منکر از درون خود.

• انعکاس اخبار مستمر و صحیح درباره گزارش های ناهنجاری ها و انحرافات اجتماعی و اخلاقی و ریشه یابی آن ها در فرهنگ غربی و هشدار به آحاد جامعه اسلامی.

• تهیه مقدمات و برگزاری مناظرات علمی، فرهنگی و هنری بین کارشناسان با گرایش های مختلف و فراگیر کردن فرهنگ نقد و بررسی در خصوص اجرای این فریضه الهی.

• آموزش مراحل و کیفیت امر به معروف و نهی از منکر.

• توصیه و انتقال مفاهیم، ارزش ها و ضوابط اسلامی با روش های علمی و جذاب هنری به توده های مردم.

1- نک: نهج البلاغه، نامه 31

- تقبیح مدگرایی افراطی و تشریح آثار و پیامدهای فرهنگی و اجتماعی آن و...

- تهیه گزارش های مستند و منتقدانه از عملکرد دستگاه های مربوط.

- عدم استفاده از تصویر زنان بدحجاب و دختران زیباروی با آرایش غلیظ در مطبوعات و صدا و سیما.

- عدم پخش فیلم های محرک و مهیج که نقشی عمده در ترویج منکرات دارد.

- استفاده از پوشش های سنتی و غیر محرک در تصاویر و فیلم ها.

راه کارهای سلبی و بازدارنده

- طبیعی است که در راستای اجرای این فریضه الهی موانعی چه در داخل فرهنگ خودی و چه در خارج و از سوی فرهنگ بیگانگان وجود دارد که می توان به راهکارهای زیر اشاره نمود:

- توجه به نقش فراگیر و حساس مطالب منتشر شده رسانه ها و تأثیر آن بر فرهنگ عمومی.

- تحقیق و کشف شیوه های کنترل نسبت به فرهنگ های مبتذل در حیطه نظارت توجه بیشتر به مناطق آلوده و حساس از نظر رواج ابتذال و مسائل غیر اخلاقی.

- تشکیل شبکه نظارت مردمی و تصویب قوانین لازم برای پشتیبانی از آمران و ناهیان در عرصه عمل.

- برخورد قانونی با عناصر عوامل و مروجان اصلی منکرات در جامعه.

- برگزاری نشست های علمی در مراکز آموزشی با هدف تقویت روحیه اعتماد به نفس و عزت نفس در بین پسران و دختران جوان.

- جلوگیری از تکالیف تحمیلی توأم با خشونت و بدرفتاری در مراکز آموزشی.

- آموزش کیفیت و شیوه های صحیح نهادینه کردن ارزش های الهی در خانواده، در محیط کار و آموزش در مراکز تفریح و ورزش.

- پرهیز از تحمیل عقایـد و ارزش های بـدون اسـتدلال و رعایت شخصـیت و حقوق الهی جوانان در جهت فراهم آوردن فضایی علمی و صمیمی.

تدابیر عملی در این خصوص عبارت اند از:

- توجیه و آموزش خانواده ها.
- تقویت باورها و اعتقادات دینی و تأیید و تشویق نوجوانان و جوانان.
- استفاده از شیوه های تبلیغی مؤثر.
- معرفی الگوهای اسلامی و تشویق و تجلیل از ممتازین در احیای این فریضه.

ص: 432

نقش رسانه ها در ترویج امر به معروف و نهی از منکر: دکتر شهلا عزیزی

اشاره

*نقش رسانه ها در ترویج امر به معروف و نهی از منکر: دکتر شهلا عزیزی (1)

مقدمه

در جهان امروز رسانه ها (دیداری، شنیداری، نوشتاری، هنری و...) منابع عمده آفرینش و پویایی فرهنگ به شمار می روند قدرت و توان این ابزارهای فکری از پایه ای آن چنان بلند برخوردار است که بدون حضور آن دسترسی به جامعه ای با فرهنگ پویا، دست نیافتنی و محال است چشم انداز اطلاعاتی مردم هر جامعه خود ریشه در آگاهی هایی دارد که از رسانه ها می ستانند در این باره می توان بیان داشت که رسانه ها سپهر اطلاعاتی هر جامعه را پایه ریزی می کنند و دانسته های اعضای آن را رقم می زنند.

نقش رسانه های مذکور در سپهر یاد شده می تواند شفاف، تاریک یا مبهم باشد در بازتاب ثبت عملکرد رسانه ها شهروندان جامعه آسمانی، آگاهی ها و دانسته های اجتماعی و فرهنگی را در پیش دیدگان خود خواهند داشت که شفاف بوده و عاری از موقعیت ها و برداشت های مبهم است.

با این زاویه دید و نیز انکار ناپذیری تأثیرات ،رسانه ها می توان به نقش های گوناگون این ابزار هنجار آفرین از دو جنبه منفی و مثبت اعتراف نمود؛ بدین معنا که هرگاه رسانه ها عهده دار نقش منفی و وارونه شوند، فضای اطلاعاتی جامعه را آلوده، مبهم، تاریک و آسیب زا معرفی خواهند نمود و در این تاریکنا وجود شایعه به عنوان معرفتی کاذب، ارتباطی غیر عقلانی و واژگونه با واقعیت رخ می نماید و زمانی نیز با

1- دکترای جامعه شناسی استان تهران

نشر آثار امام خمینی رحمه الله مؤسسه چاپ و نشر عروج، چاپ دوم، 1385ش.

15. قرائتی، محسن، امر به معروف و نهی از منکر، انتشارات مؤسسه فرهنگی درس هایی از قرآن، بهار 1388ش.

16. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری دار الکتب الاسلامی، چاپ ششم، 1375ش.

17. کورانی علی امر به معروف و نهی از منکر تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی 1371ش.

18. مجلسی محمد باقر، بحار الانوار، بی جا، بینا، بی تا.

19. محمدی ری شهری محمد، میزان الحکمه، باب قلم.

20. مسعودی، محمد اسحاق، پژوهشی در امر به معروف و نهی از منکر نشر بین الملل، تابستان 1388

21. مصباح یزدی، محمدتقی، بزرگ ترین فریضه نشر امام خمینی، 1389ش.

22. مطهری ،مرتضی حماسه حسینی، انتشارات صدرا، 1366ش.

23. عنصر امر به معروف و نهی از منکر در نهضت حسيني عليه السلام، نشريه شماره 34 حزب جمهوری اسلامی.

24. مقاله سیدنظام الدین موسوی؛ مدیر مسئول روزنامه جوان.

25. یکصد و پنجاه درس زندگی به نقل از سفینة البحار.

ص: 434

نقش رسانه ها در ترویج امر به معروف و نهی از منکر: دکتر شهلا عزیزی

اشاره

*نقش رسانه ها در ترویج امر به معروف و نهی از منکر: دکتر شهلا عزیزی (1)

مقدمه

اشاره

در جهان امروز رسانه ها (دیداری، شنیداری، نوشتاری، هنری و...) منابع عمده آفرینش و پویایی فرهنگ به شمار می روند قدرت و توان این ابزارهای فکری از پایه ای آن چنان بلند برخوردار است که بدون حضور آن دسترسی به جامعه ای با فرهنگ پویا دست نیافتنی و محال است چشم انداز اطلاعاتی مردم هر جامعه، خود ریشه در آگاهی هایی دارد که از رسانه ها می ستانند در این باره می توان بیان داشت که رسانه ها سپهر اطلاعاتی هر جامعه را پایه ریزی می کنند و دانسته های اعضای آن را رقم می زنند.

نقش رسانه های مذکور در سپهر یاد شده می تواند شفاف، تاریک یا مبهم باشد در بازتاب ثبت عملکرد رسانه ها شهروندان جامعه آسمانی، آگاهی ها و دانسته های اجتماعی و فرهنگی را در پیش دیدگان خود خواهند داشت که شفاف بوده و عاری از موقعیت ها و برداشت های مبهم است.

با این زاویه دید و نیز انکار ناپذیری تأثیرات رسانه ها، می توان به نقش های گوناگون این ابزار هنجار آفرین از دو جنبه منفی و مثبت اعتراف نمود؛ بدین معنا که هرگاه رسانه ها عهده دار نقش منفی و وارونه شوند، فضای اطلاعاتی جامعه را آلوده، مبهم تاریک و آسیب زا معرفی خواهند نمود و در این تاریکنا وجود شایعه به عنوان معرفتی کاذب ارتباطی غیر عقلانی و واژگونه با واقعیت رخ می نماید و زمانی نیز با

1- دکترای جامعه شناسی استان تهران

برانگیختگی و بیـداری و یـا بـازگویی مفاهیم و ارزش های متعالی، کنترلی خودجوش و درون زا را بر رفتار و کنش همـهٔ افراد انـداخته و به تعبیری در این مرحله متولی نقش مثبت خواهند گشت

حال مقصود از نقش رسانه ها در این نوشتار جنبهٔ دوم یعنی عهده داری روند مثبت آن در موضوع امر به معروف و نهی از منکر و ترویج آن است که در ادامه به تشریح و توضیح مبسوط آن خواهیم پرداخت.

1. مفهوم امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر راهکـاری عملی است که در دین جایگاه ویژه ای دارد و بر آن تأکیـد فراوانی شـده است به طوری که از آن به بلند مرتبه ترین و شریف ترین فرائض و نیز فریضه بزرگی که همه فرائض دیگر در امتداد آن اقامه می شوند، نام برده شده است.

ساز و کار امر به معروف و نهی از منکر در بازداشـتن از انحراف ها، در دو سطح خرد و کلان قابل مطالعه است در سطح خرد وقتی سخن از ساز و کار امر به معروف و نهی از منکر در بازداشـتن از انحراف ها می رود مقصود این است که چگونه عمل فرد امر کننـده به معروف و نهی کننده از منکر در بازداشتن افراد از انحراف اثرگذار است.

لکن در سـطح کلان ساز و کار امر به معروف و نهی از منکر از زاویه عمل آمر و بازتاب فرد مورد امر و نهی مطالعه نمی شود بلکه موضوع مطـالعه مجموع فعـالیت هـایی است که در سـطح جامعه و نه فرد در راسـتای جلوگیری از انحراف ها در سـطح کلان انجام می گیرد کلیه فعـالیت هـای سازمـان هـای دولتی و غیر دولتی از جمله دسـتگاه قضـایی نیروی انتظامی رسانه و... در همین سـطح قابل مطالعه است. بررسـی همه سـطوح کلان به خاطر گستره وسـیع آن و نیز خروج از دایره و محدوده نوشـتار، امکان پذیر نمی باشد لذا تنها به بررسی نقش رسانه ها در ترویج امر به معروف و نهی از منکر بسنده می شود.

ص: 436

2. تعریف و ماهیت رسانه

اشاره

«فرد اینگلیس» در کتاب نظریه رسانه ها در این باره می نویسد یک رسانه عبارت است از: «هر ابزاری برای برقراری ارتباطات رسانه حامل یا واسطه پیام است، او به نام خود صحبت نمی کند از طریق او صحبت می شود در انگلیسی (Medium) هم به معنی رسانه است و هم واسط». (1) از این تعریف چنین به نظر می رسد که رسانه ها تنها به انتقال محتوای نمادین پیام ها می پردازند و نقشی فراتر از این را نمی توانند بر عهده بگیرند.

اما در مقابل، دانشمندانی دیگر، از واسطه ای بودن صرف رسانه ها در حمل و انتقال پیام فراتر رفته و مانند مک لوهان رسانه را معادل پیام می دانند مک لوهان با طرح این جمله که وسیله همان پیام است معتقد است که جوامع بیشتر در اثر ماهیت وسایل ارتباطی شکل گرفته اند تا در نتیجه محتوای ارتباط به عقیده او وسیله نه تنها از محتوای پیام خود جدا نیست بلکه به مراتب مهمتر از خود پیام نیز هست و بر آن تأثیر چشمگیر دارد. (2) به عبارت دیگر وسایل ارتباط جمعی مظهر و پیام یک عصر است که تحت تأثیر آن دنیایی دیگر و انسان هایی دیگر پدید می آیند. اما پرسش از ماهیت رسانه به واقع پرسش از ظهور و انکشافی است که «پدیده» در حاق خود است. حال این پرسش، پرسشی سهل و آسان نیست، چرا که توأم با حیرت است. حیرت حاصل از این پرسش ما را در طریق انس با حقیقت پدیده مدد می رساند و از نگاه سطحی و ظاهر بین، بر حذر می دارد نگاهی که چنین به ما القا می کند که پدیده ابزار است البته کیست که نداند هر پدیده ای شأن ابزاری دارد و می توان در نسبت با انسان او را به کار گرفت اما این شأن ابزاری ما را به حقیقت پدیده راه نمی دهد و دیگر آن که حتی ابزاری بودن پدیده نیز هنوز خود محل تأمل است. ابزار در حقیقت خود چیست؟ چه چیز ابزار را ابزار می سازد؟ پس چنان که می بینیم نگاه ابزاری به رسانه و هر پدیده تکنولوژیک ما را از دو سو به غفلت از حقیقت وا می دارد. از یک سو به واسطه نگاه انسان مدارانه ای که در تلقی ابزاری از

1- اینگلیس نظریه رسانه ها، ص 37

2- دادگران، مبانی ارتباطات جمعی صص 90 -91

پدیده ها نهفته، پدیده تنها در نسبت با انسان است که حقیقت و بلکه هستی می یابد و بدین، گونه هستی پدیده ها منوط به سوژه می شود از سوی دیگر انسـان مـداری خود حقیقت انسان را نیز به غفلت می سـپارد چرا که انسان صـرفاً سوژه ای دانسـته می شود که در معنا دهی به اشـیاء خود نیز معنا می یابد و چون این نسبت به هر دلیلی حذف یا به کناری گذاشته شود، معنای سوژه نیز از میان می رود نگاه ابزاری که برخاسـته از همان تلقی پوزیتیویستی از عالم است در مواجهه با پدیـده ای ماننـد رسانه آن را چونان مسـئله ای می یابد که در مقابل انسان معنای خود را می یابد. حال این پرسش مطرح می شود که رسانه مسئله است یا راز؟

مسـئله چیزی است که در برابر ما ایسـتاده و مجهول است، ماننـد یک وسـیله الکترونیکی که به تازگی به بازار آمـده و فرد محقق باید آن را تجزیه و تحلیل کند تا مسئله برایش حل شود تلقی ابزاری از رسانه گونه ای تقلیل ماهیت رسانه به یک مسئله است. در چنین نگاهی انسان چیزی است و مسـئله نیز چیزی دیگر. مسئله نیاز به راه حل دارد حل مسئله منوط به تجزیه و تحلیل آن است و انسان اگر در صدد حل این مسـئله است باید بر مسئله احاطه یابد و آن را تحت قدرت خود در بیاورد. اما راز چیزی ایستاده در برابر ما نیست بلکه ما را فرا گرفته است، تعیین حدود راز برای ما ممکن نیست حال آن که هر مسئله ای را می توان تحدید نمود و آن را با کلیتش مورد مطالعه قرار داد اما راز محاط بر وجود آدمی است. گابریل مارسل تفاوت راز و مسئله را این چنین بیان می

را کند میان یک مسئله و یک راز این فرق اساسی هست که مسئله امری است که من به آن بر می خورم و تمام آن را در مقابل خود می یابم و به همین جهت می توانم پیرامون آن بگردم و آن را از میان بردارم، در صورتی که یک راز امری است که من خود در بنـد آن افتاده ام و لذا آن را جز همچون سـپهری که در آن جـا تمـایز میان «در من» و «در برابر من» دیگر معنایی نـدارد، نمی توانم فکر بکنم در صورتی که یک مسـئله واقعی بـا نوعی تکنیـک، حل شـدنی است و با نسـبت با آن تعریف می شود یک راز بر حسب تعریف، از هرگونه تکنیکی که تصور شود فراتر است و بر می گذرد (1) از چنین افقی رسانه به ماهو رسانه در انکشاف و

1- وال، ژان، نگاهی به پدیدارشناسی و فلسفه های هست بودن، ص 141.

ظهور خود ماهیت خود را با دو مقولهٔ فراگیری و رضایت مداری می نماید.

2-1) فراگیری

رسانه برای تثبیت مرجعیت خودمـدار خود نیاز دارد تا شـبکه ای گسترده شـکل دهـد که چیزی یا ذهنی آزاده، خارج از آن نباشد تا بتواند بیرون از این شبکه فراگیر دست به تخریب یا نقد آن زند باید همه چیز درون این شبکه فرو بلعیده شود. رسانه در ذات خود نیاز دارد تا خود را تنها عالم ممکن بنمایـد عالمی که همه چیز را درون این شـبکه در اختیارتان قرار می دهـد هیـچ اهمیتی ندارد که شـما چه چیزی را در رسانه انتخاب می کنید. این که به درون این شبکه وارد می شوید به شهروند رسانه ای بدل شده اید مهم نیست در رسانه ای مانند تلویزیون طنز می بینیـد یـا گفت و گوی علمی و یا حتی برنامه ای مـذهبی با رسانه ،بودن خود غایت و مطلوب رسانه است چرا؟ برای آن که ورود به عالم رسانه اقتضائات خود را دارد رسانه عالمی است که از هر چیز نمونه مجازی آن را در اختیار مخاطب یا همان «شهروند» خود قرار می دهد.

امروزه شاید بسـیار دشوار باشد که بتوان عالمی غیر از عالم رسانه را حتی تصور نمود چرا که عالم، اساساً اندیشـیدنی نیست بلکه زیسـتنی است. عالم را باید زیست تا آن را شـناخت عالم رسانه، ما را دعوت به تماشای مراسم دعای کمیل (یک ارزش و معروف) می کند و ما نیز اجـابت می کنیم. چنین می نمایـد که ساعات یا لحظات معنوی و ملکوتی را با این برنامه گذرانـده ایم عالمی را که تلویزیون برای ما خلق کرده را ما به خوبی می شناسـیم؛ چرا که با آن زیسته ایم اما عالم دیگری را که امروزه هنوز می توان سراغی از آن یافت، عالمی است که ما برای خوانـدن دعای کمیل ابتـدا قصد می کردیم و مهیای رفتن به مسـجد می شدیم و برنامه های دیگر را به گونه ای تنظیم می کردیم که به دعای کمیل برسـیم، سـپس به سوی مسـجد می رفتیم در راه مسـجد کسان یا چیزهایی را می دیدیم و به مسـجد می رسیدیم. وضویی می گرفتیم نمـازی می خوانـدیم و در نهـایت دعـایی را زمزمه می کردیم و به همـان ترتیب به خانه باز می گشتیم این همه عالمی است که در خـارج از رسـانه امکـان تحقق دارد می گویم «امکان» چرا که تحقق آن در عصـر رسانه ها نیز امکان دارد اما انسان رسانه ای در ذیل عالم رسانه است که چنین تجربه ای را نیز برای خود ایجاد می کند لذا ماهیت این

تجربه با تجربـهٔ آن در عالم پیش از رسانه ها متفاوت است. ما در عالم رسانه ای قادر به تجربه آن دعای کمیلی نیستیم که در خارج از عالم رسانه و پیش از آن تحقق می یافت. امروزه حتی رسانه به ما چنین القا می کند که به یمن دنیای جدید و تکنولوژی رسانه ها شـما از سختی ها و مشـقات عالم رسانه و تکنولوژی رها شـده ایـد. رسانه ای مانند تلویزیون همهٔ این زیست جهانی را که در خارج از عالم رسانه امکان تحقق داشت را از میـان بر می دارد و درون جعبه جـادو، فشـرده تمام زیست جهان حقیقی را به انسان ارائه می دهـد اما به نحو مجازی در عـالم رسانه دیگر نیازی به صـرف وقت فراوان برای خوانـدن دعای کمیل نیست درون خانه خود و در حال استراحت و تکیه بر راحتی منزل می توانید با رسانه لحظاتی معنوی داشته باشید.

2-2) رضایتمداری

دومین اصل ماهوی رسانه رضایتمـداری است رضایت مخاطب لازمه حیات رسانه است. بایـد مخاطب را راضـی نگه داشت تا درون این عالم مانـدنی شـد. اگر رضایت ،نباشـد امکان خروج از آن نیز وجود دارد ضـرورت این رضایتمداری در رسانه ای نظیر رسانه کشور ما دو چندان می شود چرا که تهدید رسانه ها و فرهنگ غربی و دام گسترانی ماهواره ها ارباب رسانه را بیش از پیش به اصل رضایتمداری سوق می دهد.

رسانه باید رضایت مخاطب را تأمین کند خواه با آموزش، خواه با تفریح، باید مخاطب را پای تلویزیون نشاند، چه با دعای کمیل چه با فیلم سینمایی. البته رضایتمداری نیز معنای مشـککی می یابد که رسانه برای آن نیز صورت های مختلفی ارائه می کند. اصل رضایتمداری بدین معنـا نیست که در رسـانه ای ماننـد تلویزیون همیشه بایـد برنامه های جـذاب و غیر تکراری پخش شود بلکه این رسانه است که رضایت و جـذابیت را برای مخاطب خود تعریف می کند و معنا می دهد. مخاطب همچون معتادی به مواد مخدر چنان نیاز به حل شدن در خلسـهٔ رسانه ای دارد که دیگر چندان هم کیفیت، جذابیت و نو بودن نیز برایش مهم نیست رسانه این اعتیاد مخاطبان به خود را خوب می شـناسد. در رسانه ای مانند تلویزیون ایران به راحتی می توان این خود معنایی رضایت

مخاطب را دیـد. به رغم پخش سـریال ها و مجموعه هایی با موضوع های تکراری روابط دختر و پسـر تقریباً در غالب برنامه های نمایشـی موضوع اصلی داستان همین روابط عشقی و مشکل های آن است و با این همه مخاطب یا همان شهروند رسانه ملی بار دیگر و با اشتیاق به تماشای آن می نشـیند و به رغم روشن بودن پایان هر داستان در همان دقایق نخست برنامه، تا انتها آن را دنبال می کند. چرا؟ به دلیل آن که شهروند رسانه به رسانه اعتیاد یافته است.

رسـانه نیاز دارد تا مخاطب داشـته باشـد، در غیر این صورت قادر به ادامه حیات نخواهـد بود. فراگیری و رضایتمـداری ذاتی رسانه است و براساس همین فراگیری و رضایتمداری خود مرجع نیز می شود زیرا دیگر خارج از این شـبکه گسترده جایی باقی نمی ماند که رسانه را به آن ارجاع داد فراگیری، رسانه را بدل به امری اجتناب ناپذیر می کند که هر کوششی در جهت خروج از سیطره آن محکوم به نابودی می نماید.

قدرت پنهان در ذات رسانه در نسـبتی تام و تمام با ماهیت تکنولوژی است و به واقع این قدرت را از ماهیت تکنولوژی اخذ می کند بسـیار سـاده انگاری خواهـد بود که ماهیت رسانه را به شأن اطلاع رسانی فرو بکاهیم چنان که نمی توان تکنولوژی را با برخی ابزار کار زمان های گذشـته سـنجید دیدگاه سـنتی در فلسفه تکنولوژی را برابر با مصنوعات و ابزار می داند و نوآوری های فنی را به سطح تولیدات فنی تنزل می دهـد. امـا در دیـدگاه پدیدارشـناسانه تکنولوژی فعـل و فراینـدی است که در آن وجود انسـان به صورت مرتبـط با طبیعت شـکل می گیرد تکنولوژی و انسان هماننـد معجونی خوراکی در هم ریخته و با هم ترکیب شـده انـد. تکنولوژی صـرفاً کاربرد علم نیست، شـیوه هنرمندانه سـاخت اجتمـاعی نیز است. تکنولوژی به آشـکار سـاختن یـا تجلی بخشـیدن امر ممکن می پردازد و متعلق به نیروی زایش و قوهٔ آفرینش است.

رسـانه در چنین نگـاهی و از چنین منظری دیگر نه یک مسـئله بلکه رازی است که ما را فرا گرفته است اگر این سـخن در باب هر پدیـده ای صادق باشد درباره رسانه با شدت و تأکید بیشتری صدق می کند. امروزه در عادتی روزمره رسانه را بسان اثاثیه منزل تصور می کنیم و حتی نحوه دسترسی به لوازم رسانه ای که خرید آن ها در کنار لوازم زندگی است، این تصور را تقویت می کند اما نسبت ما با این لوازم بسیار

پیچیـده تر و عمیقتر از نسـبتی است که با دیگر اثاث منزلمان داریم. برای مثال رسانه ای مانند رادیو و تلویزیون را در نظر بیاورید. صـبح با صـدای رادیو یا تصویری از برنامه صـبحگاهی تلویزیون از خواب بیدار می شویم. در حین صـبحانه این همراهی ادامه دارد. از خانه بیرون می آییم در اتومبیـل شخصـی یـا وسایل نقلیه عمومی اسـتمرار حضور رسانه را داریم در محل کارمان اگر از رادیو و تلویزیون خبری نبود، اینترنت به سراغمان می آید و اگر هم آن نبود. روزنامه این وظیفه را بر عهده می گیرد. در پایان روز به خانه باز می گردیم دوباره تلویزیون به استقبالمان می آید تا انتهای شب.

حضور رسانه حتی زمانی که ظاهراً هیـچ ردپایی از او نیست در خلوت ترین اوقات زنـدگی ما پر قدرت ادامه دارد ما در اندیشه و ذهن خود رسانه ای می اندیشـیم هجوم اطلاعات در ذهنمان ما را به رسانه ای متحرک بدل نموده است. در همین نگاه سطحی و ظاهری نیز می توان تسـلط و فراگیری رسانه را یافت اما نسبت عمیق رسانه با انسان را نه در این ظواهر که باید در جایی دیگر جست انسان امروز محصول رسانه است. این همان نسـبت عمیقی است که در عین تلخی و تندی ناگزیر از قبول آنیم رسانه همهٔ مناسـبات را شکل و سامانی خاص می دهد انسان موجودی است که با دنیای پیرامون خود مناسـباتی دارد این مناسـبات امروزه زیر سـلطه رسانه به گونه ای خاص سامان می یابد فهم این سامان ما را در فهم رسانه یاری می رساند.

3. انسان عصر رسانه

انسان عصـر ،رسانه رسانه ای می اندیشد، زیرا رسانه ای زندگی می کند. زندگی رسانه ای، زندگی در سایه قدرت سحرآمیز ولی نرم و پنهان رسانه هاست. انسان عصـر رسانه، مفری از این قـدرت ندارد. قدرت رسانه درون ذهن انسان و در تلقی او از رسانه پنهان شده است. تلقی ابزاری از رسـانه، یکی از مناسـباتی است که رسانه در ذات خود به ما القا می کنـد، قـدرت در ذات خود صورت های مختلفی برای ظهور دارد، میهمان ناخوانـده از در که نه از پشت دیوار به خانه می آیـد. اگر مایل نیستید از زبان رسانه سـکس و خشونت بشـنوید هیچ اشـکالی نـدارد دعا و نیایش بشـنوید. رسانه این امکان را برای انسان فراهم می کند تا آن چه را که دوست دارد، بیابد. این گونه عالمی را می سازد که همه چیز در آن امکان دارد عالم رسانه واقعیت دارد

اما این واقعیت با واقعیتی که در عالم خارج تجربه می شود چه شباهتی دارد؟

استعاره واقعیت مجازی بسیار گویای این وضعیت است. واقعیت مجازی وضعیتی است که انسان به واقعیات مجازی آن دست می یابد ولی تفاوتی میان آن و واقعیت عالم خارج نمی بیند این ناآگاهی به وضعیت دیگر مناسبات او را شکل می دهد. پیش از عالم رسانه وقتی هوای دعای کمیل می کردی نخست قصد نموده، سپس مقدمات کار برای حضور در مراسم دعا در مسجد محل را فراهم می کردی و آن گاه با وضو به راه می افتادی و مسیری را طی ،کرده خود را به مسجد می رساندی همه این وقایع عالم یا زیست جهانی (Life World) را به وجود می آورد که دیگر مناسبات اجتماعی اقتصادی و فرهنگی در آن زیست جهانی صورتی دیگر می یابد. همه چیز در عالم رسانه به صورت فشرده و مجازی در دسترس است. این وضعیت خاص که با ماهیت تکنولوژی عجین گشته است ما را از تجربه عالم واقع بی نیاز می سازد وقتی می توان با هواپیما مسیر چند هزار کیلومتری برای خانه خدا را طی کرد، دیگر نیازی به پیاده روی و صرف زمان چند ماهه نیست. به موازات پیشروی تکنولوژی در عرصهٔ زندگی معنای زندگی به عقب می کشد شش ماه پیاده روی که حامل معنای زندگی بود گم می شود و سفر چند ساعته با تکنولوژی جای آن می نشیند. شاید چنین به نظر آید که رسانه و تکنولوژی با فشرده کردن و کوتاه ساختن مسیرها وقت بیشتری را برای انسان فراهم می کند و در این صرفه جویی زمان انسان مجال بیشتری برای زندگی می یابد؛ اما نباید فراموش کرد که زمان به دست آمده در بستر صرفه جویی تکنولوژیک دیگر بار درون ماتریس رسانه – تکنولوژی به سر می رسد و این گونه زیست جهان و عالمی را که در آن انسان با سفری چند ماهه آن را بسط می داد، جای خود را به زیست جهان این چند ساعت زمان فشرده می دهد دعای کمیل رسانه ای با دعای کمیل مسجد دو عالم و زیست جهان متفاوت اند که هنوز به رغم سیطره تام و تمام تکنولوژی می توان آن را تجربه نمود و شاید به دلیل تفاوت در این دو زیست جهان است که متن قرآنی در لوح فشرده هیچ گاه در شب های احیاء بر سر هیچ هیچ مسلمانی قرار نمی گیرد.

عالم رسانه، واقعیت زیست جهان عالم حقیقی را محو می کند و در این محو شدن

به واقع چیز دیگر محو می شود و آن معنا است. عالم رسانه عالم فروپاشی معناست. ژان بودریار در این باره می نویسد: «ما در دنیایی به سر می بریم که در آن اطلاعاتی هر چه بیشتر و معنایی هر چه کمتر وجود دارد». (1)

عالم رسانه با انفجار اطلاعات به جای تولید معنا در پدید آمدن این نیست انگاری معنا گام بر می دارد همه چیز در رسانه بدل به نمایشی می شود تا آن دو اصل ذاتی (فراگیری و رضایتمداری) فربه تر گردد. معنا نیز به نمایش گذاشته می شود بی معنایی در رسانه خود را در پس پرده این نمایش معنا نهان می سازد این فرآیندِ عظیم نمایش گذاری معنا آن فتوای مشهور مک لوهان را نیز بی معنا می سازد که می گفت: «رسانه پیام است» کدام پیام هیچ پیامی وجود ندارد زیرا هیچ معنایی وجود ندارد. رسانه در بی معنایی محض خود مرجعی (Auto Referent) تنها به نمایش گذاری معنا اشتغال دارد. گفت و گوهای جدی مناظره های داغ علمی، تماس های تلفنی مخاطبین (شهروندان رسانه)، همه و همه نمایشی از معنا و در عین حال تحقق بی معنایی است. فهم این بی معنایی زمانی قابل فهم خواهد بود که معنا را نه یک امر مفهومی که حقیقتی زیستنی بدانیم که در فرایند زیست جهانی حقیقی مکشوف می گردد. معنا امری زیستنی است نه انتزاعی و ذهنی وقتی از معنای زندگی سخن می گوییم، به واقع از نحوهٔ انکشاف زیستن و تجربه ای بنیادین پرده برداشته می شود. معنای یک چیز یعنی انکشاف آن چیز در مقام پراکسیس اصیل لذا از همین جا می توان تفاوت میان معنا و مفهوم را نیز دانست بی معنایی و به بیانی دقیق تر فروپاشی معنا در رسانه دقیقاً تقلیل و فروکاستن همهٔ آن انکشاف اصیل پراکتیک در سطح آگاهی ذهنی و اطلاعات است. رسانه بدین معنا وانموده ای بیش نیست وانموده ای از معنا تماشای یک فیلم یا برنامه ای که معنویت ارزش ها و احوال خوشی پدیدار می سازد، همگی نشان از این وانمودگی دارد.

در گفتمان رسانه چنان که اشاره گردید مناسبات انسانی دچار تغییر و تحول می شود. این تغییر مناسبات که با فروپاشی معنا همراه است عالمی را پدید می آورد که به تعبیر بودریار انسان را به وانموده (Simulacrum) بدل می سازد وانموده در لسان

1- بودریار، ژان در سایه اکثریت خاموش، ص117.

بودریـار هرگز آن چیزی نیست که حقیقت را پنهـان می دارد. وانمـوده حقیقـتی است که عـدم حقیقت را پنهـان می دارد. وانمـوده حقیقی است. (1)

بنابراین انسان رسانه ای انسانی وانموده است نوع رفتار افراد در مقابل یک دوربین خبرنگار در کوچه و خیابان را در نظر آوریـد چنان رفتاری را هرگز در مناسـبات غیر دوربینی و در زمان فقـدان دوربین نمی یابیـد آیا آن چه در مقابل دوربین رخ می دهد حقیقی است یا رفتار پشـت دوربین؟ به واقع هم این و هم آن و نه این و نه آن هیـچ یـک حقیقی نیست چون دیگر در عـالم رسـانه ای معنـایی از اصـالت رفتار انسانی وجود نـدارد که بتوان بر طبق آن سـنجید و قضاوت نمود. دیگر مرجعی خارج از چارچوب رسانه وجود ندارد یا دست کم اعتباری ندارد تا رفتـار انسـان را بـا آن مرجع سـنجید. رسـانه خود هم مرجع است، هم رفتار ساز و هم قاضـی رسانه به واسـطه فروپاشـی معنا به این خود مرجعی رسیده است. اما از سوی دیگر هر نوع رفتار، گونه ای از حقیقت است اما این حقیقت چیزی وانموده نیست انسان رسانه ای انسانی نهان روش است که در عین بی معنایی و فقـدان معنا نبود معنا و فقـدان آن را نفی می کند و چنان که بودریار اشاره کرده است «وانمودن به سادگی برابر با تظاهر کردن نیست». کسـی که تظاهر به بیمار بودن می کند در بسترش می خوابد و تمارض می کند، اما کسی که وانمود به بیمار بودن می کند بعضـی از علائم بیماری را در خود تولید می کند. انسان رسانه ای فاقد معنا علائمی از معنویت را در خود به ظهور می رساند؛ چندان که دیگر نمی توان مرز حقیقت و ناحقیقت را به وضوح دید. انسان فاقد معنا مرزهای معنا و بی معنایی را محو می کند.

4. چرایی نیاز به رسانه

اهمیت روزافزون رسانه ها در پیدایش تحولات اجتماعی سیاسی از ماهیت سیال و توانمند این ابزار ناشی می شود. این اهمیت حکایت از آن دارد که اطلاعات به عنوان مهمترین عنصر ماهوی این ابزار، به ویژه در اشکال جدید سازمان سیاسی - اجتماعی از منابع قدرت قلمداد می گردد. امروزه نقش اطلاعات در سازوکارهای

1- بودریار، سرگشتگی نشانه ها، ص 85

تصـمیم گیری اهمیت بالایی دارد و همین امر نقطه تلاقی رسانه» و «قدرت» را شکل می دهد. ابزار رسانه ها مخصوصاً در طلیعه قرنی که اطلاعات» به مثابه منبع اولیه و مهم «قـدرت» مطرح می باشـد از حساسـیت بالایی دارند است. همزادی «رسانه» و «اطلاعات» و تلاقی این مفاهیم با قدرت و نقش مسـتقیم و غیرمستقیم «رسانه» در شکل دهی به هنجارهای اجتماعی عمومی و ارزش های فردی مطالعه مهم و تازه ای را در جهان معاصر رقم می زند.

از سوی دیگر، از نقش رسـانه های جمعی در ایجاد روابط افقی و عمودی که در جوامع بیش از پیش چشـمگیر شـده است به سادگی نمی توان گذشت چنان که این مسـئله در هیچ دوره ای از تاریخ به اندازهٔ دوران حاضـر نبوده و بشـر خود را بدان نیازمند ندیده است. رسانه های گروهی بـا انعکـاس اخبـار و اطلاعـات مربوط به رویـدادها و مسائـل اجتمـاعی در واقع میان مردم ارتباط (افقی) برقرار کرده و آن ها را از مسائل یکـدیگر مطلع می سازند. این تأثیر به خصوص در تصـمیم گیری های سازگار با برنامه های زندگی برای مردم (مخاطبان رسانه ها) سودمند است و از طرفی قادر خواهد بود با جمع آوری و انعکاس نظرات، انتقادات و عقاید مردم و مسـئولان، ارتباط عمودی میان دسـت اندرکاران امور حکومت و مردم برقرار سازد. (1)

گزاف نیست اگر ادعا کنیم امروزه بـدون رسانه ها زندگی اجتماعی مقدور نخواهد بود. بر این اساس در جهان کنونی فرایند ارتباط جمعی با واسـطه ای همچون رسـانه صورت می.پـذیرد رسانه ها افراد را در فضایی نمادین و متفاوت از دنیای روزمره گرد می آورنـد و به این ترتیب کلیتی مفروض را به نـام مخاطبان رسانه ها ایجاد می کننـد. (2) این کلیت به کمـک رسانه ها وحـدت یافته و ماهیتی همبسـته و ملی می گیرند.

محققان، طبقه بنـدی کم و بیش متفاوتی را برای دلایل اسـتفاده از رسانه های گوناگون عرضه کرده انـد به عنوان مثال منـدلسون برای گوش دادن به رادیو از دلایلی چون همدم یابی، گذراندن وقت، تغییر روحیه رفع تنهایی و کسالت، کسب اطلاع و اخبار مشارکت در رویدادها و کمک به تعامل اجتماعی نام می برد.

1- عطارزاده، مجتبی، مطبوعات و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، ص 17

2- نیکو، مینو شناخت مخاطب تلویزیون، ص13.

مندلسون درباره استفاده از روزنامه به انگیزه هایی چون کسب اطلاع و آگاهی از رویدادهای عمومی اشاره دارد و آن را وسیله ای متداول در زندگی روزمره برای کسب آرامش و اعتبار و برقراری ارتباط اجتماعی می داند روزنامه ها به دلیل اهمیت نقش بهره مندی از اطلاعات و تأثیر آن در نمایش یک پایگاه اجتماعی مقبول، مردم را به خود می خوانند آنان که روزنامه را می خوانند به یکی از نیازهای مهم زندگی در روزگار ما پاسخ می دهند و به همین دلیل مردمی فرهیخته و بهنگام جلوه می کنند.

اهمیت همین موضوع است که نگاه نظریه پردازانی چون مک کویل، بلامر و براون را به بررسی نیازهای مخاطب رسانه معطوف می سازد؛ یعنی ارتباط شخصی هویت شخصی و کسب اطلاع رابین در بررسی خود به رابطه میان انگیزه تماشای تلویزیون و الگوی تماشا در بین بزرگسالان پرداخت. او رفتار تماشای تلویزیون را تنها تحت تأثیر انگیزه ای منفرد و جدا شده نمی داند بلکه عقیده دارد مخاطب می تواند با انگیزه های گوناگون مرتبط با یکدیگر به تلویزیون روی آورد. در بررسی های گوناگون انجام شده در فرهنگ های مختلف ارتباط بین نیازهای خاص با رسانه ای خاص به طرق گوناگون ترسیم شده است. اما الگوی مدوّر کاتز و همکارانش را می توان گویاترین الگو در این زمینه دانست این محققان برای آن که به این سؤال پاسخ دهند که چرا مردم برای برآوردن نیازی خاص، رسانه ای را بر رسانه ای دیگر ترجیح می دهند؟ تحقیقی را با نمونه ای بزرگ انجام دادند و از پاسخگویان خواستند نیازهای مرتبط با رسانه را (بر مبنای احساس خودشان) نام ببرند و بگویند کدام رسانه بهتر این نیاز را برآورده می کند.

الگوی مطرح شده این محققان نشان داد که هر رسانه (از نظر برآوردن نیازهای رسانه ای مخاطبان) با رسانه های مجاورش بیشترین مشابهت را دارد. به این معنا که سینما از یک رو شبیه کتاب است و از سوی دیگر شبیه تلویزیون، روزنامه از یک سو با کتاب و از سوی دیگر با رادیو مشابهت دارد و.... (1)

1- همان، شناخت مخاطب تلویزیون، صص 83-88

5. رسالت رسانه ها و ترویج ارزش ها

اشاره

مقصود از رسالت رسانه در این عرصه، چیزی متفاوت از نقش و وظیفه رسانه است، پس این امر (رسالت) به احساس تعهدی گفته می شود که رسانه ها و گردانندگان آن ها در ارائه یا عدم ارائه برنامه های خود و اخبار احساس می کنند. برای مثال می توان رسالت را روح حاکم بر فعالیت های حرفه ای و التزام درونی و عملی به دنبال کردن هدف یا اهداف خاص در ضمن انجام وظایف ذاتی دانست اهمیت و جذابیت این بحث را باید در این چالش بنیادین و نظری جستجو کرد که اصولاً آیا تعیین رسالت برای رسانه ها که این جا مقصود رسانه های جمهوری اسلامی در جهت ترویج ارزشی چون امر به معروف و نهی از منکر است با فلسفه وجودی آن ها سازگار است؟

5-1) دیدگاه ارتباطات و حقوق بین الملل

اشاره

به طور کلی یکی از موضوع های مهم در مباحث نظری علوم ارتباطات آن است که آیا رسانه ها می توانند (یا باید) ارزش گرا و برای خود تعهد اخلاقی و مذهبی قائل باشند یا داشتن چنین گرایشی عدول از معیارهای حرفه ای است و با چرایی پیدایش آن ها منافات دارد؟

5-1-1) استدلال مخالفان

برخی نظریه پردازان این حوزه معتقدند که رسانه ها Mass Medial Media نیز دقیقاً به معنای «وسایل ارتباط جمعی» به کار می روند چنان که از نام آن ها پیداست، تنها «وسیله» ارتباط جمعی اند و باید ابزاری در خدمت انتقال پیام میان آدمیان باشند. رسانه ها حامل و توزیع کننده هر پیامی هستند که در جامعه وجود دارد و ممکن است از طریق آن ها ارسال شود به همین دلیل جانبداری آنان از نوع خاصی از پیام مغایر با هدف تأسیس آن هاست به بیان دیگر «وسیله» و «ابزار» بودن رسانه ها فلسفه پیدایش و شأن ذاتی آن هاست در حالی که متعهد بودن به هر چیز، حتی اگر از ارزش های مورد قبول باشد به معنای تبدیل آنان از «وسیله» به «هدف» است و به همین دلیل ابزار نباید در کار «نتیجه» دخالت کند.

به منظور توجیه حقوقی این نظریه نیز ممکن است به اصل جریان آزاد اطلاعات

(Free Flow Of informatoni) و حق گزینش و انتخاب مخاطبان استناد گردد. این اصل که که در اسناد شناخته شده بین المللی نیز بر آن تأکید شده است، گردش آزاد اطلاعات را یکی از حقوق اساسی بشریت معرفی می کند. توجه به مفاد این اصل نشان می دهد که آزادی مخاطبان در دسترسی به همه گونه اطلاعات و نیز ارسال آزادانه آن از جلوه های بارز آزادی گردش اطلاعات است.

برای مثال اعلامیه جهانی حقوق بشر (International Convenant On Civil and political Rights مصوب 10 دسامبر 1947 مجمع عمومی سازمان ملل متحد) در ماده 19 خود این اصل را حق مشترک بشر معرفی می کند که بدون هیچ گونه تمایز از هر حیث، به ویژه از نظر نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب و... باید به رسمیت شناخته شود. طبق این ماده هر کسی حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.

چنان که ملاحظه می شود آزادی گردش اطلاعات در این اعلامیه جهانی به صراحت مطرح گشته و بر آزادی همه انسان ها در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن تأکید شده است به این اصل در بند 2 ماده 19 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب (16 دسامبر 1966) نیز این گونه توجه شده است: «هرکسی حق آزادی بیان دارد این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا . چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می باشد».

اندک تأملی در عبارت های فوق نشان می دهد از نظر اسناد بنیادین و پذیرفته شده حقوق بشر یکی از ابتدایی ترین نیازها و حقه ای بشری دسترسی او به همه گونه اطلاعات و اخبار ،است به گونه ای که هیچ خدشه ای به حق جست وجو، انتخاب و انتشار او وارد نگردد.

به عقیده برخی رسالت مند بودن رسانه ها آنان را متعهد به انتشار اطلاعات و اخباری می کند که همسو با تمایلات و باورهای گردانندگان آنان است. از سوی دیگر طبیعی است که در این صورت رسانه ها از ارائه مطالبی که مغایر با اهداف خود تلقی

می کنند خودداری خواهند کرد و در نتیجه تنها طیف خاصی از پیام ها را در دسترس مخاطبان می نهند. آیا این امر ناقض حق دسترسی و انتخاب مخاطبان نخواهد بود؟

2-1-5) استدلال موافقان

نظریه مزبور با همهٔ تلاشی که برای تلقین آن به جهان سومی ها صورت گرفته، نه در حوزه نظر و نه در حوزهٔ عمل قبول نشده است.

پاسخ حقوقدانان این است که اصل آزادی اطلاعات منافاتی با ارزش گرا بودن رسانه ها ندارد. این اصل نه در اسناد و متون و نه در نظریه پردازی ها بدون حد و مرز نیست و می تواند تابع محدودیت هایی باشد که برای رسانه ها الزام آور است. برای مثال مادهٔ 29 اعلامیه جهانی حقوق بشر پس از بیان بنیادی ترین حقوق انسانی، در مواد پایانی خود به وجود محدودیت هایی برای «رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی» تصریح می کند.

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز پس از آن که در بند 2 ماده 19، چنان که دیدیم، اصل آزادی اطلاعات را بنیان می نهد بلافاصله در بند 3 یاداوری می کند که اعمال حقوق مذکور در بند 2 این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت های خاصی است و لذا ممکن است تابع محدویت های معینی شود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد.

الف. احترام به حقوق یا حیثیت دیگران

ب. حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت یا اخلاق عمومی.

بنابراین نه تنها اعمال محدودیت های قانونی بر کار رسانه ها با مبانی حقوق ارتباطات بین الملل منافات ندارد بلکه رسانه ها نیز می توانند یا باید بنا به اعتقادات گرایش ها و آرمان های خویش محدودیت هایی را برای خود در نظر بگیرند. ضمناً ارزش گرا بودن رسانه ها را نمی توان تجاوز به حق گزینشگری مخاطبان تلقی کرد. زیرا صاحبان رسانه ها نیز، همانند مخاطبان، حق دارند برای اشاعه و انتشار افکار و اطلاعات مقبول خود تلاش نمایند مخاطبان نیز از حق گزینشگری خود با گزینش رسانه های مورد علاقه و رضایت خویش استفاده می کنند و به این ترتیب هم مالکان رسانه ها و هم آنان از حقوق قانونی خویش بهره مند می شوند، بدون آن که به حق

دیگری تجاوز کرده باشند.

در عمل نیز چنین است و نه تنها اصحاب رسانه ها برای جهت دهی خاص به افکار عمومی و هدایت آن در مسیر دلخواه تردیدی به خود راه نمی دهند که مخاطبان نیز ایفای چنین نقشی را برای آنان پذیرفته اند.

3-1-5) داوری دانشمندان و نهادهای بین المللی

سازمان علمی، تربیتی و آموزشی سازمان ملل متحد (Unesco) در گزارش معروف خود تأیید می کند: «روزنامه نگاران به خاطر ماهیت کارشان در جهت شکل دادن به اندیشه ها و عقاید در موضعی به ویژه نیرومند قرار دارند و از نظر بسیاری از مردم روزنامه نگاری تنها یک حرفه نیست بلکه یک رسالت است». (1)

ادبورن نیز از مطالعاتی که در خصوص تأثیرات متقابل ارتباطات و توسعه انجام داده است چنین نتیجه گیری می کند: «تقریباً شکی نیست که ارتباطات و استفاده از رسانه ها، شدیداً وابسته به ایدئولوژی ها سیاست ها، و منافع بوده اند» (2)

پیر آلبر در عبارتی دقیق و گویاتر می نویسد: «یک فرمول قدیمی روزنامه نگاری آمریکایی می گوید، اگر سگی پای مردی را گاز بگیرد یک خبر نیست وقتی مردی پای سگی را گاز بگیرد خبر روزنامه ای درست شده است».

البته منظور این نیست که روزنامه نگار باید بدون احساس تعهد یا مسئولیتی صرفاً به نقل اخبار بپردازد.

روزنامه خوب و با ارزش باید در خلال خبرهای خود چیزی مفید و آموزنده هم به خوانندگان بدهد اما هنر اصلی روزنامه نویس همین است که خبرها را در چه لفافی بپوشاند و در چه شرایطی به خواننده عرضه کند که خواننده احساس نکند به جای کسب اطلاع و سرگرمی مشغول خواندن یک درس اخلاق است. (3)

بنابراین هدفمند بودن فعالیت های خبری و رسانه ای و تلاش آن ها برای ایجاد نظام فکری و ارزشی خاص موضوعی نا آشنا با علوم ارتباطات نیست. بازتاب این

1- مک براید، مثن یک جهان چندین صدا، ص 174

2- بورن، اد، بعد فرهنگی ارتباطات برای توسعه، ص 175

3- آلبر، پیر، مطبوعات از مجموعه چه می دانم؟ صص 34 - 35

واقعیت خارجی را در شمارش تأثیرات حرفه ای رسانه ها نیز می توان ردیابی کرد.

سومین هـدف یا تأثیر اجتماعی این وسایل راهنمایی و رهبری نامیـده می شود که آشـکارا بر ارزش گرا و رسالت مند بود فعالیت رسانه ها دلالت می کنـد. اسـتادان علوم ارتباطات تأییـد می کننـد که: «نقش رهبری کننـدهٔ وسایل ارتباطی و تأثیر آن ها در بیـداری و ارشاد افکار عمومی اکنون بر هیچ کس پوشـیده نیست و روز به روز نیز بر اهمیت آن افزوده می شود چنان که می دانیم مطبوعات در دو قرن گذشته در مبارزات آزادی خواهی ملل جهان تأثیر قاطع داشـته اند و در میدان این مبارزات برای طرد اسـتبداد و کسب دموکراسی از سلاح های برندهٔ سیاسی بوده اند» (1)

از همین جاست که ابداع نظریهٔ بی طرفی ذاتی رسانه ها در مقابل اطلاعات و اخباری که منتشر می کنند و اصراری که برای ایجاد مقبولیت به ظاهر علمی برای آن نشان داده می شود مشکوک و دارای انگیزه های سیاسی به نظر می رسد.

در حـالی که بـدون تردیـد بزرگ ترین و مؤثرترین بنگـاه های اطلاع رسانی دنیا در انحصار کانون های قـدرت اسـتعماری است و از هیچ فرصتی برای بهره برداری از آن ها در راه انتشار و اشاعه فرهنگ و ارزش های مطلوب خود چشم پوشی نمی کنند؛ چگونه می توان پافشاری آنان برای دور کردن رسانه های جهان سوم از آرمان ها ارزش های حاکم بر خود را صادقانه ارزیابی کرد؟

با بررسـی های انجام شـده بر روی سـمت و سوی جریان بین المللی خبرها، نخستین نتیجه این است که اکثر خبرهای بین المللی از مرکز یعنی شـمال یا غرب جریان می یابـد. این کار از سوی خبرگزاری های حاکم صورت می گیرد؛ یعنی در حقیقت جریان عمودی است و از کشورهای توسـعه یافته به سوی کشورهای رو به توسـعه در جریان است و در همین حال اصرار دارند تا دیگران از ابزار رسانه ای برای بسط ارزش ها و تفکرات خود سود بجویند یکی از محققان علوم ارتباطات این تناقض آشکار را چنین تحلیل می کند: «رایج ترین فرضیه ای که در مباحث زیربنایی فراینـد جهانی سازی مطرح می شود آن است که رسانه های جمعی بر فرض بی طرف بودن ذاتی اطلاعات و اخبار بنا شده اند این فرض را سازمان ها و کمپانی های ذی نفع در فرایند جهانی شدن

1- مولانا، حمید، جریان بین المللی اطلاعات، ص 62

به شدت بزرگ نمایی کرده اند و از این نکته مهم غفلت شده است که ارزش های اجتماعی و فرهنگی در شکل دادن به اخبار و اطلاعات نقش بسیار مهمی بازی می کنند». (1)

5-2) دیدگاه حقوق ایران

اشاره

گفته شد که برخلاف برخی گفته ها تعقیب رسالت ویژه در فعالیت های رسانه ای هم از نظر حقوق علوم ارتباطات پذیرفته شده است و هم واقعیت های جهان خارج تردیدی در عمل به آن باقی نمی گذارند. در این دو گفتار طی دو قسمت نگاهی به همین موضوع در نظام حقوقی ایران خواهیم داشت.

5-2-1) قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به خوبی نشان می دهد که این نظام حقوقی به همهٔ چالش های نظری در این باب پایان داده است و به صراحت و با بیان های مختلف بر امکان و بلکه وجوب حاکمیت ارزش ها بر فعالیت های وسایل ارتباط جمعی تأکید کرده است طبق قانون اساسی، رسانه ها نه تنها می توانند که باید در انجام وظایف حرفه ای خویش به رسالت های دینی، اخلاقی و انقلابی و به تعبیری به ترویج و انتشار ارزش ها (از جمله امر به معروف و نهی از منکر) پایبند باشند.

در مقدمه قانون اساسی که در حقیقت عهده دار بیان پایه های فکری آن است با عنوان وسایل ارتباط جمعی آمده است: «وسایل ارتباط جمعی (رادیو و تلویزیون) بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه های متفاوت بهره جوید و از اشاعه و ترویج خصلت های تخریبی و ضد اسلامی جداً پرهیز کند».

ذکر رادیو و تلویزیون در کمان و پس از وسایل ارتباط جمعی با توجه به مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در خصوص اصل 175 و متن این اصل و اصلاحی که در بازنگری سال 1368 صورت گرفت را باید به معنای تأکید بر اهمیت و کارایی خاص صدا و سیما از نظر نویسندگان قانون اساسی دانست به بیان

1- مولانا، حمید، فرآیند جهانی شدن فرهنگ، ص 16

دیگر سیاق مقدمهٔ قانون اساسی ذکر خاص بعد از عام است و نه تخصیص و محدود کردن مقصود از وسایل ارتباطی در «رادیو و تلویزیون».

به همین دلیل در اصول مربوط به قانون اساسی رسالت گرا بودن رسانه ها هم از جنبه اثبات و هم از جنبهٔ نفی برای همه وسایل ارتباط جمعی مطرح گردیده است و نه فقط صدا و سیما

از نظر اثباتی بند دوم اصل 3 «بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل دیگر» را از جمله وظایفی معرفی می کند که «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است... همه امکانات خود را» برای نیل به آن به کار گیرد از نظر سلبی هم، به طور روشن تر قانون اساسی در دو اصل جداگانه «نشریات و مطبوعات» و نیز «صدا و سیما» را مکلف به رعایت موازین اسلامی کرده و تأکید می کند که آزادی رسانه ها تا جایی پذیرفته می شود که در چارچوب شرع باشد.

طبق اصل بیست و چهارم نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. براساس اصل یکصدو هفتاد و پنجم نیز «در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد».

2-2-5) قوانین عادی

در اجرای اصول و مبانی فوق، قوانین رسانه ای به تشریح بسط و تفصیل رسالت های عقیدتی و اخلاقی و نیز گسترش ارزش ها همت گمارده اند برای مثال در ماده 2 قانون مطبوعات مصوب سال 1364 برای اولین بار در تاریخ حقوق ،ایران فصلی زیر عنوان «رسالت مطبوعات» گشوده شد و همهٔ نشریات ملزم شدند، دست کم در گسترش یکی از اهداف ارزشی مذکور در آن سهیم باشند و با اهداف دیگر نیز در تضاد نباشند.

همچنین ماده 9 قانون «اساسنامه صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران» مصوب 1362/7/27 تأکید می کند هدف اصلی سازمان به عنوان یک دانشگاه عمومی نشر فرهنگ اسلامی، ایجاد محیط مساعد برای تزکیه و تعلیم انسان و رشد فضائل اخلاقی

و شـتاب بخشیدن به حرکت تکاملی انقلاب اسلامی در سراسر جهان می باشد. این هدف ها در چارچوب برنامه های ارشادی، آموزشی، خبری و تفریحی تـأمین می گردد. مشـروح هـدف ها و برنامه های سازمان در زمینه های گوناگون در قانون خط مشـی و اصول برنامه های سازمان مصوب مجلس شورای اسلامی، ذکر شده است.

ذیل ماده مـذکور اشاره به قانونی با همین نام دارد که در تاریخ 1361/4/17 طی 64 ماده به طور مفصل اهداف و معیارهای ارزشـی را در برنامه های مختلف ذکر کرده است.

در بخشـی از مقـدمه این قانون آمـده است: «رادیو و تلویزیون در نظام جمهوری اسـلامی می توانند و می باید با طرد ارزش های منحط و پوسـیده طاغوتی و طرح ارزش های متعالی اسـلامی در جهت رهانیدن انسان از بندهای شـیطانی همت گمارند و به گفته امام دانشـگاهی بزرگ تبدیل شوند...» ذیل ماده 40 نیز به طور مسـتقیم پیرامون ترویـج و تحقق فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر آمده است: «صدا و سیمـا بایـد روحیه انتقـاد سالم و سازنـده و انتقادپـذیری متواضـعانه را در مردم مسـئولان و دست انـدرکاران ایجاد کنـد انتقادات مردم از مسئولان و توقعات آن ها از مردم را بازگو نماید». (1)

از این رو، تبلیغ و ترویـج فرهنـگ دینی به طور عـام و فریضهٔ «امر به معروف و نهی از منکر به طور خاص، بخشـی از مأموریت رسانه ملی است. البته تأکید بر نقش رسانه ملی صـرفاً از باب نمونه مطرح گشته است و به هیچ وجه به معنای غفلت از وظایف سایر بخش ها و عموم مردم در این زمینه نیست اصـل هشـتم قـانون اساسـی با الهام از آموزه های دینی همگان را به مشارکت فعال و متعهـدانه در این امر خطیر فراخوانده است: «در جمهوری اسـلامی ایران دعوت به امر معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسـبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت...».

1- اساسنامه سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، به نقل از پایگاه اطلاع رسانی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

6. نقش رسانه ها

نقش رسانه ها امروزه بیش از پیش برجسته شده است رسانه ها به واسطهٔ کشف و به کارگیری فناوری های جدید ارتباطی تا عمق جوامع نفوذ کرده اند و تأثیر بسزا و تعیین کننده ای در جهت دهی افکار عمومی دارند انسان در آغازگاه قرن 21 در هاله ای از امواج و دریایی از اطلاعات غوطه می خورد و این طلیعه عصر جدیدی است که بر پایه ارتباطات و اطلاعات شکل خواهد گرفت تنها افراد یا ملت هایی قادر به بهره گیری بهینه از عصر جدید خواهند بود که قدرت و توان لازم را برای پالایش امواج و سازماندهی اطلاعات داشته باشند.

در حالی به قرن 21 پا نهاده ایم که انسان ها حتی در خانه هایشان از هجوم غول آسای رسانه ها در امان نیستند امواج توفنده رسانه ها به گونه ای در عرصه های گوناگون زندگی اجتماعی در جهان جاری است که هیچ فردی و کشوری نمی تواند خود را مصون از تأثیر پیام های ناخواسته و بی نیاز در فضای جهانی آن بداند.

شاید تأثیر متناقض این امواج که در عین آشنایی ملت ها گاه آن ها را از یکدیگر دچار واهمه می کند در زبان مردان ملی و شخصیت های بومی کشورهایی که مقصد آن ها امواج هستند تجلی پیدا می کند. در دهه 50 گاندی درباره حفظ فرهنگ ملی و بومی خود این نگاه را چنین بیان می دارد: «دلم می خواهد که از پنجره خانه من تمام فرهنگ ها مانند نسیم به داخل خانه بوزند ولی اگر من از این نسیم، نسیمی که بوی گل های مختلف را از فرهنگ های گوناگون کشور من و خانه ام می آورد، لذت نبرم و آن نسیم به طوفان تبدیل شود و بخواهد مرا از جا بکند تمام پنجره ها را خواهم بست».

این گفته گاندی در زمانی بر زبان جاری شد که رسانه های زمان وی قدرت رسانه های امروزی را نداشتند ولی امروزه بارها سخنانی در وحشت از رسانه ها و قدرت دگرگون ساز آن ها شنیده ایم و سخنان نخست وزیر ایتالیا در توجیه سقوطش این اندیشه را واگو می کند: «من در اثر کودتای رسانه ها سقوط کردم همین سخن را نخست وزیر سابق ژاپن نیز تکرار می کند و در کشور ما هم مربی کروات سابق تیم ملی ایران ایویچ اعتراض خود را به تأثیر رسانه ها در از دست دادن موقعیتش بیان

می نمایـد، امـا این تمـام واقعیت نیست برعکس در کشور روسـیه، کودتایی که بر علیه دولت یلتسـین در حال انجام بود به کمک رسانه ها فاش می گردد یا موج بیداری خواهی اسلامی در کشورهایی همچون ،مصر، تونس و بحرین.

بنـابراین کسـی را یارای انکار قـدرت و نقش رسانه ها نیست به هر تعبیر آنان در کنار سایر عواملی همچون خانواده و گروه دوسـتان محیط های آموزشی و کاری، کانون های مذهبی، احزاب سیاسی و کل جامعه، نقش برجسته ای در انتقال فرهنگ جامعه پذیری و تعلیم و تربیت اجتماعی ایفا می کننـد. هر چند گاهی تعابیر مبالغه آمیزی درباره میزان اثر بخشـی این ابزار بیان شده است اما به واقع از نقش تعیین کننده آنان در برخی از سطوح نیز نمی توان گذشت؛ به گونه ای که «نقش مهمی در شکل گیری گرایش های فرهنگی، جهان بینی و اعتقادها و نیز توزیع جهانی ارزش ها و تصاویر ایفا کنند. بدین ترتیب رسانه ها نه تنها آینه روندهای فرهنگی هسـتند، بلکه می توانند مسـیر این روندها را نیز تعیین کننـد آن ها اجزای عمـده تشـکیل دهنده جامعه هسـتند. در برخی موارد، حتی وسـیلهٔ مسـتقیم خشونت بین گروهی و تبلیغات جنگ نیز می شوند». (1)

از این رو این ابزار (رسانه ها) علاوه بر بازتاب دادن فرهنگ جامعه نقش بسـیار مهمی نیز در آفرینش های فرهنگی و هـدایت اجتماع دارند. «رسانه ها در فرهنگ جامعه نقش غالب را بازی می کننـد و این بازی را نه فقط با بازتاب دادن فرهنگ، بلکه با شـرکت در فرهنگ سازی نیز به اجرا می گذارند. نقش آن ها پیچیده است؛ از یک سو جزو فرایندهایی هستند که فرهنگ از آن بیرون می آید و ساخته می شود و از سوی دیگر در صـحنه ای بازی می کننـد که حیات اجتماعی و فرهنگی در آن جریان دارد. رسانه ها در ساختاربنـدی مسائل برای عموم هوشـیار نقش اصلی را به عهده دارند». (2)

از این رو نقش های گوناگونی را برای رسانه ها ذکر کرده اند: اطلاع رسانی و و آگاهی بخشی، آموزش و پرورش (عقاید، احساسات، اندیشه ها و حرفه ها)، راهنمایی و

1- کارلسون، اولا، کودکان و خشونت در رسانه های جمعی، ص 270

2- لازار، ژودیت، افکار عمومی، ص 86

رهبری، همگن سازی (نزدیک کردن سلیقه ها خواسته ها و انتظارات اعضای جامعه) تقویت احساس تعلق اجتماعی، کارکرد تفریحی و تبلیغی و.... بنابراین رسانه ها در صورت رشد و توسعه مناسب معمولاً قدرت چشمگیر و بعضاً منحصر به فردی در ،فرهنگ سازی شکل دهی به عقاید و باورها و تغییر عادات افراد جامعه دارند. وابستگی بشر امروز به رسانه ها و نفوذ روز افزون و تعیین کنندهٔ رسانه های مدرن در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی آشکارتر از آن است که نیازی به توضیح داشته باشد.

همگان آگاهند که پیام های رسانه ای محرک های پرقدرتی هستند و اگر با ویژگی های فرهنگی و شخصیتی مخاطبان سازگار آیند بیشترین و ماندگارترین تأثیرات را به جا می گذارند. البته روشن است که خود رسانه ها علت لازم و کافی برای این نوع تأثیر گذاری و همسویی مخاطبان با آن ها شمرده نمی شوند همواره در این فرایند شبکه ای عوامل میانجی دخالت دارند که به صورت پیدا و ناپیدا نقش آفرینی می کنند برای مثال بدون تردید هر رسانه در چارچوب ساختارهای معین و شرایط اجتماعی و فرهنگی مشخصی عمل می کند چگونگی این ساختارها و شرایط در نحوه عمل رسانه و آثار ناشی از آن تأثیر بسزایی دارد. (1)

در یک بیان کلی، می توان تأثیرات رسانه را در چند عنوان خلاصه نمود: تأثیرات شناختی (مربوط به دانش، بینش و عقیده)، تأثیرات عاطفی (مربوط به گرایش ها، نگرش ها و احساسات) و تأثیرات رفتاری. مک کوایل در گونه شناسی تأثیرات رسانه به ویژه در سطوح فرا فردی گفته است رسانه ممکن است «1. عمداً باعث تغییر شود (تغییر و تبدیل)؛ 2. ناخواسته تغییر به وجود آورد؛ 3. تغییر صوری ایجاد کند (شکل یا شدت)؛ 4. تغییر را آسان کند (به عمد یا ناخواسته)؛ 5. آن چه را موجود است تقویت کند (عدم تغییر)؛ 6. مانع تغییر شود». (2)

همچنین رسانه علاوه بر تغییرات بینشی و رفتاری، می تواند تغییرات ساختاری ایجاد کند. «... وسایل انتشار جمعی می توانند تأثیراتی روی ساخت های اجتماعی

1- شرف الدین، الاهیت اجتماعی، ص 47

2- مک کوایل، ژان درآمدی بر نظریه ارتباطات اجتماعی

داشته باشند، با تحمیل ارزش های نوینی قشربندی اجتماعی را تغییر دهند و سلسله مراتب اجتماعی را واژگون سازند». (1)

میزان موفقیت رسانه در دستیابی اهداف مورد نظر و ایجاد تغییرات فرهنگی اجتماعی به زمینه هایی بستگی دارد که انتقال پیام در آن صورت می گیرد. ارتباط شناسان، عواملی را در تأثیر بخشی پیام رسانه مهم شمرده اند از آن جمله: «منبع پیام (اعتبار، موقعیت و منزلت)، ماهیت پیام، چگونگی انتقال پیام، ویژگی های پیام گیرنده، محیط پیام یا شرایط دریافت پیام» (2)

در هر حال تأکید مناسب بر موضوع هدف و عملکرد رسانه ها در برخورد با آن، احتمال اثر بخشی پیام در افکار عمومی را بیش از پیش افزایش می دهد. دفلور ودنیس در بیان شرایط تأثیر می نویسد: «اول رسانه ها باید به صورتی تکراری روی مسئله ای تمرکز داشته باشند دوم، رسانه ها باید در این کارشان پیگیر و همسو باشند و کم و بیش تفسیر و توضیح مشابهی از قضیه ارائه بدهند و سوم رسانه های متنوع و مهم نظیر روزنامه ها رادیو تلویزیون و مجلات باید در واقع فعالیت های یکدیگر را تقویت کنند و مکمل تلاش هایشان در این زمینه باشند». (3)

تردیدی نیست که موفقیت عملی رسانه ها در تأمین اهداف مورد نظر بیش از هر چیز به عوامل زیر بستگی دارد احساس مسئولیت جدی گستردگی پوشش و ایجاد ارتباط با گروه های مختلف مردم، درک وضعیت فرهنگی اجتماعی، توجه به نیازهای مخاطبان، برنامه ریزی دقیق و متناسب هماهنگی رسانه ها در عمل هوشیاری و مراقبت و ایجاد تنوع در اشکال پیام و محصولات ،رسانه ای تکرار پیام و مداومت در القای آن، حذف پارازیت ها، بازخوردگیری مستمر، نداشتن رسانه های رقیب و....

7. جایگاه رسانه ها در ترویج امر به معروف و نهی از منکر در جامعه

مأموریت رسانه ها (اعم از دیداری، شنیداری، مکتوب، هنری و...) در هر جامعه تابع موقعیت ساختاری اقتضائات فرهنگی، انتظارهای جمعی، ظرفیت های هنجاری و

1- کازنو، ژان، قدرت تلویزیون، ص 249

2- دادگران، سید محمد، مبانی ارتباطات جمعی، صص 145- 151.

3- دفلور، ملوین اورت، ای، دنیس شناخت ارتباطات جمعی، ص 625

ضرورت هـای اجتمـاعی خواهـد بود از این رو در جامعه اسـلامی مروج فریضه امر به معروف و نهی از منکر نقش اصـلی رسانه ها نشـر فرهنگ دینی پاسـداری از ارزش های اسـلامی، هدایت انسان ها به سوی رشد و تعالی و مبارزه با آسـیب ها و انحراف ها و به ویژه توسـعه فرهنگ مـذکور خواهـد بود امام خمینی رحمه الله در تشـریح جایگاه اجتماعی رسانه ها در بیانی هنجاری فرموده است: «اهمیت رادیو و تلویزیون بیشتر از همه است. این دسـتگاه هـا، دسـتگاه هـای تربیتی هسـتند، بایـد تمام اقشار ملت با این دسـتگاه ها تربیت بشونـد، یک دانشـگاه عمومی است... یعنی دانشـگاهی است که در تمام سـطح کشور گسترده است. باید این دسـتگاه دسـتگاهی باشد که بعد از چند سال تمام قشر ملت را روشن کند تمام را مبارز بار بیاورد تمام را متفکر بار بیاورد، تمام این ها را مستقل بار بیاورد آزادمنش بار بیاورد... آن که از همه خدم تها بالاتر است، این که نیروی انسانی ما را رشد بدهد و این به عهده مطبوعات است، مجله هاست رادیو و تلویزیون است. سینماهاست، تئاترهاست این ها می توانند نیروی انسانی ما را تقویت کنند و تربیت صحیح بکنند و خدمتشان ارزشمند باشد». (1)

مقـام معظم رهبری نیز می فرماینـد: «امروز دنیـا بر مـدار جنگ تبلیغاتی و رسانه ای می گردد. امروز مهمترین ابزار جنگ بین قـدرت ها، رسانه است».

8. رسانه های مروّج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر و مهمترین نقش های آنان

اشاره

مهمترین نقش های رسانه های مروج امر به معروف و نهی از منکر را می توان در دو گسترهٔ فروملی و فراملی تبیین نمود:

8-1) فرو ملی

8-1-1) افزایش معرفت و آگاهی عمومی

مثلی است جامعه شـناختی تا چیزی در ضمیر مردم جا نگیرد، نمی تواند در زمین مردم پا بگیرد؛ لذا رسانه های مهاجم با فرهنگ خویش که شکلی دیگر از قوم مهاجم

1- معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی رحمه الله صص 354 - 356

هستند نیازمند بسترسازی برای خود در خانهٔ دیگران هستند در این فرایند ابتدا ساز و کارهایی لازم است که با نازک کردن لایه های اعتقادی و فکری جامعه امکان گذار را برای فرهنگ مهاجم فراهم آورد و پس از فراهم شدن این بستر، فرهنگ ضعیف شده خودی در برابر فرهنگ مهاجم خود به خود تسلیم خواهد شد؛ چه این لایه نازک نمی تواند جلوی سیل را بگیرد و در این ماجرا رسانه ها به جای ترویج صحیح فرهنگ اسلامی، راهگشای این فرایند زشت فرجام می شوند شاید این که رهبر معظم انقلاب به دلیل عملکرد ضعیف برخی رسانه ها آن ها را پایگاه دشمن دانستند پیش از آن که نظر به برخورد آنان با نهادهای قدرت داشته باشد به این حقیقت اشاره دارد که آن ها لایه های اعتقادی جامعه را تضعیف می کنند تا جا پا برای دشمن فراهم شود و چنین برنامه ای جز در خانه دشمن برنامه نویسی نمی شود و نام افرادی چنین را نیز جز در لیست دشمن نمی نویسند.

حال آن که رسانهٔ مروج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در پرتو نظارت عالمانه و دقیق، نخست سعی در افزایش معرفت و آگاهی از فرهنگ اسلامی و از آن جمله فرهنگ سازی پیرامون این ارزش می نماید؛ به گونه ای که با ارتقای سطح آگاهی مردم از جایگاه این فریضه با ارزش در نظام هنجاری دین با بیان تأکید بر اهمیت فریضهٔ مذکور در جامعه و نیز مصادیق آن (معروف و منکر)، شرایط، موانع و آثار اجرایی (امر به معروف و نهی از منکر) بیان و توجه به آثار سهمگین شیوع انحرافات و مفاسد، فضاسازی مناسب و حساسیت زایی و..... نه تنها به عمق بخشی افکار و اندیشهٔ مخاطب کمک می نماید بلکه با ژرف نگری پیرامون این مقوله فهم مخاطب خود را هم افزایش می دهد و به واقع آن ها را از عمق اطلاعاتی بایسته پیرامون جامعه هدف، نوع پیوندها و روابط در آن و چگونگی عمل به عهد و پیمان ها، شکل گیری تعاون و همکاری در جامعه با لحاظ نمودن عناصری همچون پرهیز از هرگونه کبر غرور، خودخواهی و خودپسندی در مقام ضدارزش ها (منکر) و در مقابل برقراری معیارها و ملاک های همکاری و همیاری جامعه ارزشی با تطبیق بر قرآن آن هم تنها با بسط فرهنگ تقواگرایی در پرتو نگاهی به آینده روشن و.... در مقام ارزش(معروف)، در راستای ترویج و بسط امر به معروف و نهی از منکر گام بر می دارد.

ص: 461

چنین رسانه ای با ویژگی های ذکر شده اعتقاد دارد جامعهٔ معروف گرا و ارزشی جامعه ای است که با هدایت امام ولی فقیه و نشانی های او حتی به سوی برپایی دولت ظهور هم پیش می رود و این هـدایت پـذیری زمانی اتفاق می افتـد که معرفت و شـناخت به امام هدایت گر و رهنمـا هم در سـطحی شایسـته به دست آمـده باشـد؛ به واقع نیز چنین است اگر چنین جـامعه ای از ارزش هـای حاکم بر جامعه خویش معرفت بایسته ای نداشته باشد، بدون شک در طی مسیر به دام رهبران ضلالت و گمراهی می افتند و به بیراهه می روند به همین سبب رسانه مروّج فرهنـگ امر به معروف و نهی از منکر در نقش خـویش، بـا فرهنـگ قرآن محورش (1) تأکیـدهای فراوانی از نظر فکر عقیـده و عمل پیرامون معروف هـا و منکرهـا می نمایـد و در صـدر تمـامی پردازش هـای خویش پیرامون ترویـج این فریضه در همه ابعاد و آثار با لحاظ نمودن نیاز سنجی گروه های هدف جامعه را نیز به اوج گیری معرفت و اندیشه رهین خواهد شد.

همچنین از دیـدگاه جامعه شناسـی نیز چنین است که تا وقتی انسان راجع به پدیـده ای فاقـد علم و اطلاع باشد، در مقابل آن هیچ انگیزه و گرایش مثبت یـا منفی نخواهـد داشت. البته هر علم و اطلاـعی، لزوماً به انگیزش یا گرایش فرد به سوی آن منتهی نمی شود ولی قطعاً زمینه ساز شـکل گیری انـدیشه ها، انگیزه ها، علاقه ها و رفتارهای متناسب اند. از این رهگذر آموزش های عمومی و اطلاع رسانی همگانی، در ساخت و ساز جمعی و فرهنگ عمومی در هر جامعه ای نقش تعیین کننده ای دارد.

برای تقویت رفتار فرد (در هر موضوع و گستره ای) لازم است آگاهی های متناسب و مورد نیاز به آنان ارائه گردد.

چرا که وقتی مردم اهمیت مسـئله ای را نمی شناسند و خسارت فقدان آن را در نمی یابند و از راه های تحقق آن آگاهی ندارند چگونه انتظار می رود در برقراری آن با هر سازمان و ارگانی همکاری نمایند؟

2-1-8) بازشناسی انگاره های صحیح

بی تردیـد معرفی صـحیح و بی کم و کـاست گفتمان امر به معروف و نهی از منکر و مقوله هایی از این جنس و تفسـیر درست و واقعی این رویکرد و نیز انتقال مفاهیم و

1- آل عمران/ 104 و 110 - 114؛ توبه/ 67 - 71؛ نحل / 90؛ اعراف/ 157؛ حج/41؛ مائده/78- 79 و.....

پیام های موجود در این فریضه، یکی دیگر از نقش های رسانه مروج این فرهنگ در عرصه فروملی است.

رسانه های ترویج کننده امر به معروف و نهی از منکر همچون ابزاری کارآمد، زنده و پویا نقش بسیار مهمی در شناساندن مفاهیم جهتدار و پر محتوا در این زمینه را بر عهده دارند؛ چرا که آنان می توانند با ابهام زدایی از واژه ها و تفسیرهای ناصواب و نیز نگرش های سطحی واهی، افراطی و... که از ناحیهٔ برخی از افراد ناآگاه یا مغرض بر این فریضه و شاخصه های آن مطرح گشته است برخورد و مبارزه نمایند و جامعه اسلامی را به سوی واقعیات حاکم بر این فرهنگ والا سوق دهند و وقتی چنین فضایی بر اندیشهٔ مردم با توجه به نقش رسانهٔ مروج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر مستولی شود، دیگر جایی برای تحریف ها غرض ورزی ها طی و توسعه مسیرهای منفعت طلبانه باقی نخواهد ماند و آسیب ها در این مسیر به حداقل ممکن خواهد رسید.

بنابراین رسانه مروّج این فریضه با نقش ارزشمند خویش به مبارزه با فهم غلط و به دور از واقع نگری تعصبات اشتباه و بدون توجیه دقیق در این راستا خواهد پرداخت و در حقیقت رسانه مذکور جهت بسط این فرهنگ، جامعه را از دست اشخاصی که هیچ گونه تعهد دینی ندارند و به راحتی از انجام تکالیف الهی از سر راحت طلبی و عافیت خواهی گریز می زنند و عده ای را نیز به ورطه ناآگاهی سوق می دهند، رهایی می بخشد و با پیام های درس آموز و زمینه ساز خود تفسیرهای ناصواب را از چهره این فرهنگ مقدس و ناب می زداید. به بیانی سبب هدایت نگرش های عمومی به سوی التزام عملی بیشتر به این فریضه کلیشه سازی و کلیشه زدایی زدودن شبهات و تعدیل انگاره های اخلال گر ایجاد نزدیکی در بین ذهنیت ها، حالت ها و انگیزه ها و بسترسازی مناسب روحی- روانی برای تعامل مثبت مردم با این آموزه می شود.

3-1-8) تشویق انگیزه معطوف به نتیجه

بسیاری از اندیشمندان حوزهٔ نظامی و استراتژی هدف و انگیزه معطوف به نتیجه را در نبرد پیروزی می دانند.

برای نمونه سون تزو اندیشمند چینی می گوید پیروزی هدف اصلی و نهایی جنگ است. اگر دسترسی به آن بیش از اندازه دچار تأخیر شود، سلاح ها کُنـد روحیه ها متزلزل و گروه ها افسـرده می شوند و در نتیجه به هنگام حمله [نهایی] ناتوان شده و به تنگی نفس خواهند افتاد در نگاه سون تزو اساسـی ترین و در واقع، تنها هـدف و انگیزه ،جنگ رسـیدن به پیروزی است و اگر جنگی پیروزی به دنبال نداشـته باشد، در واقع جنگ نیست و منظور از پیروزی نیز شـکست دشـمن است؛ بنابراین بهترین جنگ آن است که در کوتاه ترین مـدت زمان و با کمترین ضایعات و تلفات نیروی انسانی و بدون هجوم و غارت و ویرانی بتوان دشمن را شکست داد.

در نگرش اندیشـمندی مانند کلاوزویتس هدف و انگیزه اصـلی در جنگ، پیروزی بر دشـمن یا غلبه بر او و خلع سـلاح اوست؛ زیرا جنگ برخـورد دو اراده از طریـق نیروی فیزیکی است که برای غلبه یکی بر دیگری صورت می گیرد؛ بنـابراین هـدف چیزی جز پیروزی بر طرف مقابل و شکست او نیست.

طرح این نظریات (در مسـئله ای همچون جنگ) خلاف عقاید اسلامی است؛ چرا که تنها با نیت رسیدن به پیروزی و غلبه بر خصم جنگ صورت نمی گیرد بلکه آن چه اهمیت دارد نه نتیجه بلکه انگیزه و نیت اولیه ای است که نبرد برای رسیدن به آن صورت می گیرد؛ زیرا لحاظ نمودن این مسئله معطوف شدن به ارزش های پایدار و جهان شمول است.

امـا در مسـئله ای مهم و ارزشـی همچون امر به معروف و نهی از منکر، رسانه مروج که متأثر از فرهنگ اسـلامی ارزشـی است با انگیزه یا نیت معطوف به نتیجه و کارآیی در نبرد با رسانه های مهاجم و فرهنگ بیگانه به ترویـج ارزش ها و نهی از ضد ارزش ها پرداخته و از این راه می کوشد تا با بهره گیری از بن مایه های فرهنگ اصـیل و ناب اسلامی و نیز شرایط و مقتضیات همراه با امکانات و توانایی های علمی و به کارگیری افراد توانمند در تعیین مسیر رواج و بسط این فرهنگ به ایفای نقش و رسالت خویش بپردازد.

به تعـبیر دیگر رسانـهٔ مروّج فرهنـگ امر به معروف و نهی از منکر در نقش خویش، انگیزه معطوف به نتیجه یعنی نتیجه کُنش و رفتـار ارادی انسان مذکور و جامعه هدف

را براساس نتیجه عمل و هدفی که از انجام آن کنش یا رفتار مورد توجه در امر فرهنگ سازی این فریضه در شاخصه هایی چون ویژگی عمل کننـدگان به این فریضه و آثـار آن ارزش این فریضه و... که در تاکتیـک ها و استراتژی های خویش لحاظ نموده است را دنبال و تشویق می کند؛ در نتیجه این انگیزه ها نیز همان هدف و نیت ترویج و گسترش این مسئله در گامی دیگر است. البته هدف و نیتی که به نتیجه کارایی و حاصـل فعـل و کنش بر می گردد. این نـوع انگیزه حاصـل هـدف والاـتر و انگیزه ای برتر یعنی انگیزه معطوف به هـدف در راسـتای ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر و نیز امیدواری در رسیدن به جامعه ای سالم و پویا و به تعبیری آینده ای روشن است.

پس در این وادی یعنی ترویـج امر به معروف و نهی از منکر، انگیزه معطوف به نتیجه کارساز و مؤثر است؛ چرا که در این جا هدف به پیش راندن ارزش های متعالی در فرهنگ اسـلامی حتی برای ایجاد جامعه جهانی است پس قطعاً بایسته است تا تلاش ها در این راستا به نتیجه دلخواه منجر شود.

بنـابراین بایسـتگی تشویق انگیزه معطوف به نتیجه در رسـانه مروج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر هنگامی بیشتر آشـکار می شود که بزرگ ترین و مؤثرترین رسـانه ها در غرب، امروزه در راه انتشار و اشاعه فرهنگ و ارزش های مورد نظر خود و همسو و همساز نمودن افراد قطعـاً نه تنهـا در قالب چالش های ایـدئولوژیکی و اخلاقی، بلکه فراتر از آن در عرصه هستی شـناسانه نیز به سـمت جلو در حال حرکت و پیشروی هستند.

8-1-4) تقویت احساس تعلق اجتماعی

رسـانه های مروج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر ابزاری هسـتند که احساس تعلق اجتماعی فرد را در جامعه ارزشـی - اسـلامی نیز افزایش می دهنـد زیرا این رسـانه ها با تبلیغ و تشـریح ایـدئولوژی و فرهنگ این فریضه برای بسط ارزش ها و نهادینه سازی سازه ها و مؤلفه هایی که روش ها و نگرش های افراد را از مجرای تعلیم و تربیت صـرف به سـمت مسئولیت پذیری و نقش آفرینی سوق می دهد می توانند القا کننده و عهده دار تکالیف و وظایفی باشند که نمایانگر سلامت اندیشه یک جامعه

شکل گرفته براساس عنصر ارزشی امر به معروف و نهی از منکر است.

در حقیقت رسانه های مروج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر با ابزارهای ارتباطی می توانند همچون پُلی ایفاگر نقش واسطه بین افراد و جامعه در پیاده نمودن شاخص های این فرهنگ برای تقویت روحیه همدلی و احساس مسئولیت گروهی (آحاد جامعه به یکدیگر و هر یک از آنان به حکومت و برعکس)، ترویج روحیه اصلاح گری و اصلاح پذیری ایجاد حساسیت نسبت به لزوم رفع نیازها و آرمان ها، محدود ساختن زمینه های انحراف منحرفان، همسو کردن افکار عمومی با رشد فرهنگ انتقادگرایی و انتقادپذیری ایجاد و تقویت پیوندهای میان ذهنی در خصوص کاستی های فرهنگی، اجتماعی، مبارزه با اباحه گرایی و تسامح های توجیه ناپذیر نهادینه ساختن برخی عادت واره های پسندیده تقویت روابط گفتمانی میان مردم و ... در تداوم سایر نقش هایشان کوشا باشند و از این طریق احساس تعلق افراد به جامعه هدف (جامعه ای که قرار است فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در آن نهادینه شود) را افزایش دهند؛ زیرا افراد در چنین شرایطی با بهره گیری از اطلاعات و اخبارشان از طریق رسانه های مذکور در می یابند که عملکرد مثبت آن ها در واقع برای تغییر ارزش ها و اصول حاکم بر زندگی فردی و اجتماعی آحاد جامعه ای سالم و پویا است و به واقع صفحه جدیدی در زندگی دیگران خواهد گشود که متضمن دگرگونی های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... نیز خواهد شد.

اغراق نیست اگر گفته شود رسانه مروج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر می تواند بکوشد تا هر چند به شکل غیر مستقیم اما هدفمند زمینه اشتراک منافع فردِ حاضر در این جامعه را به دیگر افراد جامعهٔ عصر ظهور که جامعه ای آرمانی است و معروف ها و منکرها در آن به واقع رعایت می شود پیوند زند و از این راه آن ها را به یکدیگر نیز نزدیک تر سازد.

پس در این نقش هر چه اطلاعات و اخبار روایات و ارزش های حاکم بر بسط امر به معروف و نهی از منکر جهت نهادینه سازی این فرهنگ در این نوع رسانه ها – مروج – بیشتر باشد به همان نسبت میزان تعلّق اجتماعی و به بیانی مشارکت اجتماعی افراد در یاری رساندن شاخص های جامعه هدف افزایش خواهد یافت.

ص: 466

حال فرایند همبستگی مثبت بین مشارکت اجتماعی جامعه مذکور و استفاده از رسانه های ترویج کننده این فریضه در بازخوانی و بازیابی هویت افراد در فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در چارچوب نمادهای مشترک و تقویت احساس تعلق اجتماعی در این گونه رسانه ها قابل تحلیل است؛ زیرا یادآوری شاخص های محقق شدن فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر باعث می شود افراد از این طریق خود را عضو اصلی و واقعی جامعه ای سالم پویا، هدفمند و نیز آرمانی بدانند.

5-1-8) پیوند با مقام ولایت و تبعیت از ایشان

رسانه ترویج دهنده فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر می کوشد تا در چارچوب دیگر نقش های خویش به حفظ و تقویت پیوند قلبی افراد با ولی عصر خویش (ولی فقیه) و تجدید دائمی عهد و پیمان با ایشان بپردازد. بدین معنا که آنان (مخاطبان) با بهره گیری از اخبار و اطلاعات این رسانه ها در می یابند که با وجود غیبت ظاهری حجت الهی هرگز نباید احساس کنند در جامعه رها و بی مسئولیت مانده و هیچ تکلیفی به امام و مقتدای خود در این زمان ندارند، بلکه آنان از طریق رسانه مروّج، آگاهی می یابند که ایشان (مردم) باید تا آمدن امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به همه آن چه اسلام از آن ها خواسته است عمل نمایند به این مفهوم که در حال حاضر چون امکان دسترسی به امام معصوم و فرا گرفتن مستقیم احکام دین از ایشان وجود ندارد، پس به توصیه های ارزشی نائب بر حق و فرزانه ایشان (مقام معظم رهبری دامت برکاته) در باب ارزش ها (معروف) و ضد ارزش ها (منکر) عمل نمایند و این گونه نپندارند که حال در این شرایط چه باید کرد؟ آیا دست روی دست بگذارند و به هیچ یک از احکام اسلامی و ارزش های نهفته در آن عمل ننمایند؟ یا به هر آن چه خود احتمال می دهند که درست باشد عمل کنند؟ قطعاً هیچ یک از این دو راه، شخص و جامعه هدف را به مقصود نمی رساند؛ زیرا رسانه مذکور ضمن آگاهی به این امر که امامان معصوم علیهم السلام تدابیر لازم برای شیعیان خود در زمان غیبت را نموده اند، آنان را به وحدت و دوری از هرگونه تفرقه و عوامل ،آن صلابت و نپذیرفتن هیچ گونه سازش منفی تکیه نکردن به ابرقدرت ها جهاد علیه رهبران کفر، برائت از مشرکین اقامه ،نماز زکات و... نیز راهبری می نمایند.

ص: 467

پس آنان با آگاهی کامل و اطمینان از صحت اخبار رسانه های مروج این فرهنگ (امر به معروف و نهی از منکر) وظیفه خود را در اطاعت از فقیه جامع الشرایطی که از طرف خداوند به واسطهٔ امام معصوم به چنین مقامی نصب شده است، می دانند. وی در عصر غیبت همان ولایت معصوم را داراست و منظور از ولایت او ولایت حکومتی و نه تشریعی و تکوینی یا مقامات معنوی و مانند آن است. این ولایت منحصر به امور حسبیه و جزئی نیست، بلکه اجتماع ها و سیاست ها را هم در بر دارد و اطلاق آن ناظر بر این ایده است که دایره تصرف فقیه شامل امور حکومت و مدیریت جامعه و نه تشریع نه تشریع و تکوین است. (1)

همان شخصیتی که مردم محوری را در کنار وظیفه محوری در برنامه های خویش لحاظ می نماید؛ بدین معنا که با مردم محوری خویش به آنان احساس هویت و قدرت می دهد و تصویری از یک نظم جدید و عادلانه را برای آن ها ترسیم می کند و با وظیفه محوری اش نیز بر استراتژی مناسب و برنامه زمانبندی شده تکیه می کند و علاوه بر دارا بودن صفاتی از قبیل ،تدبیر اعتدال و شکیبایی، آگاهی و تسلط به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و ... شتابنده به سوی نیکی ها، معروف ها، و ارزش ها و بزرگواری ها، داناترین، حکیم ترین، پرهیزگارترین، بردبارترین، بخشنده ترین، عابدترین و تقوا پیشه ترین است و برای پیشروی بیشتر به سوی جامعه هدف تنها از روی بصیرت و هدایت گام برمی دارد.

6-1-8) هدایت مؤثر در فرایند کنترل اجتماعی

کنترل اجتماعی از یک دیدگاه به دو صورت امکان پذیر است:

1. از طریق فشار اجتماعی با وادار نمودن انسان ها به قبول هنجارها و رعایت آنان در عمل صورت می گیرد ابزار آن قوانین مقررات و ضامن اجرای آن قدرت مسلح است. این شیوه به واقع ضعیف ترین طریق تحقق کنترل اجتماعی است؛ چرا که بسیار آسیب پذیر است و اکثراً در عمق وجود انسان ها رسوخ نمی کند، درونی شدنی نیست و چون فاقد بعد اعتقادی است واکنش های منفی نیز پدید می آورد از این رو جامعه یا گروه در صدد تعبیه شیوه های دیگر بر می آید.

1- بشیریه، حسین، گفت و گو اسلام دولت قدیم و جدید، ص193.

2. از طریق اقناع با رسوخ به عمق اعتقادات انسان ها صورت می پذیرد. (1)

اما رسانه ترویج دهندهٔ فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در فرایند کنترل اجتماعی خویش برای بسط این فرهنگ از دیدگاه دوم یاری می جوید؛ بدین معنا که در این بینش تقویت و هدایت مؤثر فرایند کنترل اجتماعی در رسانه های مذکور به سود ارزش های حاکم بر فرهنگ این فریضه برای گسترش آن از طریق قانع سازی و توجه عموم به صورت غیر مستقیم به سیره بزرگان دین و انعکاس دیدگاه های کارشناسان و متخصصان در این زمینه به منظور هدایت مردم با واکنش های مناسب در به کارگیری ارزش ها طرح سبک ها و شیوه های مختلف در این زمینه مشاهده پذیر است؛ زیرا تجربه ثابت کرده است روش غیر مستقیم مؤثرتر و نافذتر است.

این رسانه با هدایت مؤثر در فرایند کنترل اجتماعی، تمکین و تعهد در مقابل ارزش های مذکور را ایجاد می کند و از این طریق برنامه ریزان و دیگر عناصر فعال و رسانه مروج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر می توانند از طریق ابزارهای خویش و جهت گیری کلان برنامه های فرهنگی، جوهرهٔ کنترل اجتماعی را در راستای دفاع از فرهنگ ارزشی و شاخصه های حاکم بر آن و... و آن چه ترویج و بسط این فریضه می شناسیم گسترش داده و به جامعه آموزش دهند ارزش های حاکم بر این فرهنگ برای عمق و باروری خود نیازمندند اهمیت پیدا کنند بدین منظور مبانی عقلانی این ارزش ها می بایست از سوی رسانه مروج تبیین و عرضه شود، زیرا به همان میزان که ارزش های حاکم بر این فرهنگ واضح تر می شوند، قابلیت پذیرش آن ها از سوی دیگران تسهیل می گردد.

2-8) فرا ملی

اشاره

نقش رسانه ها در ترویج امر به معروف و نهی از منکر تنها معطوف به بعد ملی نیست، بلکه می توانند در عرصه فراملی نیز خالق نقش هایی باشند که مهمترین آن ها عبارتست از:

1- ساروخانی، باقر، درآمدی بر دایرة المعارف علوم اجتماعی، ص 698

8-2-1) توسعه اطلاعات و معلومات

اصولاً پخش هر نوع خبر، اطلاع رسانی توسعه اطلاعات، معلومات و دانش پیرامون ترویج ارزش ها در جامعه اسلامی بر عهده این گونه رسانه ها اعم از نشریه روزنامه، مجله، رادیو، تلویزیون، فضاهای مجازی و... می باشد؛ زیرا به طور کلی این مسئله همان باور پژوهشگران است که افرادی رسانه ها و فناوری های ارتباط جمعی را در اختیار دارند گویی دنیا از آنان است پس طبیعی است که در چنین وضعیتی «تاکتیک های اطلاعاتی» حرف نخست را خواهند زد و محور مانورهای قدرت را در آینده همین تاکتیک های اطلاعاتی شکل خواهند داد.

پس یک رسانه مروج در امر به معروف و نهی از منکر از آن جایی که این ابزار را در انتقال پیام های سریع و هدفمند و نیز آگاهی بخش خود پیرامون فرهنگ اسلامی در این زمینه در اختیار دارد سبب خواهد شد افراد جامعه جهانی را به همگرایی در بسط دادن این فریضه در حاکمیت ارزش ها و نهی از ضد ارزش ها سوق دهد؛ البته این رسانه ها قطعاً این مسئله را در بسط و توسعه این فرهنگ مدنظر دارند که این اطلاعات و دانش ها پیرامون ترویج ارزش ها و نهی از ضد ارزش ها، تنها مختص به یک منطقه جغرافیایی خاص نیست بلکه منظور تمام جوامع مسلمان و حتی فراتر برای جذب سایر فرهنگ ها به فرهنگ غنی اسلامی می باشد؛ زیرا نهادینه شدن ارزش ها مختص به جامعه خاصی نیست پس به این سبب آگاهی از فرهنگ ناب اسلامی نیاز به اطلاع رسانی رسانهٔ مروّج دارد لذا با بازی کردن نقش حلقه واسط توسط این گونه رسانه ها خبررسانی دقیق توسط این ابزار از فرهنگ اسلامی، جامعه اسلامی و شاخصه های حکومت اسلامی می تواند آگاهی های عمومی را از فرهنگ غنی توحیدی - اسلامی افزایش دهد.

8-2-2) تشابه سازی و همرنگ گرایی

یکی از منتقدان جدی فناوری های نوین ارتباطی و اطلاعاتی و از آن جمله رسانه ها «نیل پُستمن» است. وی فناوری را مایه زوال می داند او بی آن که تکنیک را به طور کلی نفی کند آن را به باد انتقاد گزنده خود می گیرد و تلاش می کند در فضایی که انسان ها از پیشرفت های رسانه ای خود سرخوشاند و به این سبب به طور مستمر به خود

تبریک می گویند جبهه جدیدی بگشاید و نشان دهد اوضاع آن قدرها هم خوب نیست. پستمن در «تکنوپولی»، ابداعات رسانه ای را وسایلی تکامل یافته ای می داند که برای رسیدن به اهداف تکامل نیافته به کار می روند معنای صریح این سخن این است که انسان قرن بیست و یکم فاصله زیادی از بدویت نگرفته است. مسائل اساسی او هنوز حل نشده اند عادات و خلقیاتش هم دگرگونی چندان نیافته اند. انسان قرن بیست و یکم هنوز هم علاقه زائدالوصفی به استثمار دیگران و حتی دریدن آن ها دارد. تنها اتفاقی که افتاده این است که تکنولوژی های رسانه ای روش های مؤثرتر و بهداشتی تری در اختیار او گذاشته است وی عقیده دارد آدمی به دوره پارینه سنگی عقب تر نرفته باشد، چیزی جلوتر نیامده است. زیرا انسان مدرن چند قرن است که از شاهراه تکامل برون افتاده و در بیراهه راه می.پیماید پستمن بی آن که معترض فلسفه ای که در پس تکنیک خفته است بشود، آن را مقصر اصلی می داند.

انسان ها در جا زده اند و حتی به جانب قهقرا رفته اند به این دلیل که اجازه داده اند فناوری های نوین بر آن ها مسلط شوند و معانی ارزش های انسانی را دگرگون سازند چیزی که نباید به آن ناامید بود تکنیک مثل هر محصول بشری دیگری محتاج تربیت و کنترل است. وقتی آن را به حال خود بگذارید هستند کسانی که برای مقاصد ناصواب خود از آن استفاده کنند.

حال به اعتقاد ما نقش رسانه چیزی غیر از نظریات فوق می باشد به این معنا که رسانه ها البته در این جا منظور رسانه مروج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر است، می توانند برای همرنگ گرایی مردم در سطح جهان نقش اساسی داشته باشند.

پس یکی دیگر از نقش های رسانه های مذکور در قبال ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در بعد فراملی همرنگ کردن مردم در سراسر دنیا برای بسط و توسعه ارزش ها است نه در مقابل یکدیگر قرار دادن دریدن استثمار و...؛ لذا رسانه های هدف (رسانه های مروج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر) می توانند به نوعی تمامی جوامع را از قشرهای گوناگون به این فرهنگ ناب آشنا ساخته و در فرهنگ جهانی یک تشابه برای «حاکمیت حق» به وجود آورند.

بنابراین رسانه های مذکور در این نقش (تشابه سازی و همرنگ گرایی) می توانند به

طرح بیداری و علت های عقب ماندگی جوامع انسانی رابطهٔ غفلت از هویت انسانی، ماهیت شناسی برون رفت از وضعیت حاکم بر جهان امروز و نیز بازسازی روانی پیرامون مبارزه با ظلم و طغیانگری بدعت تحریف و.... بپردازند و از این طریق تمام فرقه ها و مذاهب و حتی مذاهب غیر ابراهیمی را هر یک به طریقی به فرهنگ ناب اسلامی و به عبارتی در اجرا و بسط ارزش ها پیوند زنند؛ چرا که همهٔ این باورها و به عبارتی این همرنگ گرایی از فطرت و نهاد انسانی سرچشمه می گیرد و رسانه مروج با بهره مندی از این مسئله می تواند طرفداران بسیاری را به خود در سطح جهانی برای جذب به فرهنگ توحیدی اسلام جلب کند.

3-2-8) تقویت و انسجام هویت جوامع

به اعتقاد جامعه شناسان جامعه موجود زنده است و افراد به مثابه یاخته هایی هستند که اعضای این جامعه را تشکیل داده و به صورت یک موجود زنده از نظر همبستگی اجتماعی متحول می شوند. جوامع به طور مستمر از حالت ابتدایی و ساده حالت مدرن و پیچیده سیر می کنند و در مرحلهٔ همبستگی های قبلی فرو می پاشند و همبستگی های جدیدی جای آن ها را می گیرد جوامع ابتدایی نوعی همبستگی سلولی – مکانیکی ساده داشتند ویژگی اساسی این نوع جوامع وجود وجدان جمعی بسیار قوی بود؛ به گونه ای که وجدان فردی در چنین جوامعی تا حد زیادی زیر سیطرة وجدان جمعی قرار داشت.

به تدریج که جوامع از حالت ابتدایی خارج شده و به سوی نوگرایی پیش می روند، همبستگی های اجتماعی پیشین فرو می پاشند. این در حالی است که هنوز همبستگی های اجتماعی جدید شکل نگرفته اند؛ از این رو در حالت گذار جوامع از یک مرحله به مرحله دیگر برای مثال از حالت ابتدایی به پیشرفته – همبستگی اجتماعی به ضعیف ترین نقطهٔ خود می رسد و نیروهای گسسته در اوج قرار می گیرند در چنین حالتی جوامع دچار گشتگی و بی هویتی شده و به تعبیری حالت «آنومی در آن ها پدید می آید. این حالت تا زمانی استمرار خواهد یافت که جامعه از حالت گذار خارج شده در مرحلهٔ بعدی استقرار یابد در مرحله جدید از تحول اجتماعی، نیروهای همبستگی جدیدی به وجود می آیند و جامعه از حالت «آنومی» خارج می شود.

براساس این نظریه جوامع همانند ارگانیسم دچار تحول و در نتیجه عدم انسجام و از هم گسیختگی می شوند گسیختگی مورد بحث شباهت زیادی با نظریه روانشناسان در مورد فقدان ارزش ها و هنجارهای یگانه در ذهن فرد یا تعدد شخصیت در فرد دارد حالت گسیختگی در فواصلی که جامعه از مرحله ای به مرحله دیگر در حال گذار است به وجود می آید در چنین وضعیتی وجدان مشترک جامعه به زوال می گراید، ارزش ها و هنجارهای قبلی فرد فرو می پاشند چندگانگی ارزشی در سطح جامعه پدیدار شده و جامعه دچار تعدد شخصیت می شود. این وضعیت در مرحلهٔ گذار و نوسازی جوامع اتفاق می افتد. در حالت نوسازی، همبستگی قبلی از میان می رود؛ در حالی که هنوز ابزارهای همبستگی جدید به وجود نیامده اند از این رو حالت سرگشتگی یا آنومی در سطح جامعه نمایان می شود نوسازی جامعه موجب پیدایش گروه های جدید و جابه جایی گروه های قدیم می شود این گروه های جدید به ناچار باید خود را با وضعیت نو تطبیق دهند و هویت جدیدی به دست آورند.

در چنین وضعیتی (گسستگی جوامع)، رسانهٔ مروج امر به معروف و نهی از منکر با بهره گیری از ارزش های موجود در فرهنگ اسلامی به تقویت و انسجام هویت جوامع جهانی اقدام می نماید بدین معنا از هویت جهانی که یکی از مفاهیم مهمی است که احیای آن در عصر جدید به منظور ایجاد نوعی همبستگی جهانی برای مقاومت در برابر مجموعه ای از حوادث پیش آمده از سوی این رسانه ها ضرورت دارد، در امر تقویت، بسط و گسترش فرهنگ توحیدی اسلام و ارزش های حاکم بر آن یاری می گیرد. در واقع این نوع رسانه ها ابتدا به نوعی جامعه و سپس هویت جامعه جهانی را به سمت مشابه و یکسانی برای توسعه و بسط فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر پیش می برند.

چنین رسانه ای با در پیش گرفتن برنامه عملیاتی خود با راهبردهایی همچون:

- برقراری پیوند نظری بین نظریه های گفت و گوی جهانی سازی اسلامی جهت ترویج ارزش های متعالی انسانی؛

- شناسایی و همکاری با نخبگان دیگر کشورها در حوزه های مربوط به این امر به منظور تبیین این ایده؛

- ثبت ایده ارزش گرایی در راستای عزمی جهانی برای دستیابی به فرهنگ ناب اسلامی؛

- تلاش برای جلب گروه های بین المللی طرفدار صلح برابری، عدالت و سایر گروه های حامی حقوق بشر برای ورود به فرهنگ اسلامی و ارزش های عقلانی - منطقی آن؛

- همکاری با گروه های مذهبی برای ترویج فرهنگ اسلامی؛

و همچنین شناسایی روش های تأثیرگذار بر روی جوامع مذهبی از دریچه بسط و ترویج ارزش ها و.... برای تقویت و انسجام هویت جوامع جهانی می کوشد.

4-2-8) تحول در قالب ها و ساختارهای جامعه جهانی

واژگان سیطره و سلطه بدون توجه به بنیادش که همان قدرت باشد تهی و بی معناست. پر واضح است تا زمانی که قدرتی در کار نباشد هویت بیرونی سیطره و سلطه نمود و بودی ندارد سیطره و سلطه در ذهن توده مردم و نیز در ذهن نخبگان آن ها در مرحله ای از تطور و تکامل حیات اجتماعی همواره با قهر عامل زور و اجبار بوده است لیکن در دنیای معاصر جامعه اطلاعاتی و در زبان رسانه ها سیطره و سلطه با قهر و زور و اجبار ظاهراً فاصله می گیرد دلیلش واضح به نظر می آید؛ چون این واژگان در نظام جدید در کنش و تفاهم قرار می گیرند و معنای نوینی پیدا می کنند در این نظام قدرت برهنه که توأم با زور و اجبار بود، تبدیل به قدرت پنهان و پوشش دار شد که از توانایی های بالایی بهره مند است قدرت به معنای توانایی شخص، گروه و جامعه در تغییر بینش و منش اشخاص گروه ها و جوامع دیگر می باشد. طبعاً این گونه توانمندی در گرو به دست گرفتن منابع قدرت مثل اقتصاد علم و در دنیای اطلاعات و ارتباطات فناوری رسانه ای است؛ زیرا در دنیای معاصر و جوامع انفورماتیک رسانه های ارتباط جمعی از عمده ترین زیر ساخت های قدرت محسوب می شوند. همان گونه که آمده است: «اینترنت و تکنولوژی های امثال آن زیر ساخت های قدرت هستند، نه آزادی...». (1)

بنابراین مقصود از سیطره رسانه ای قدرت و توانمندی رسانه ها در دگرگون سازی

1- مولانا، حمید، رسانه ها و نارسایی ها، ص 42

فرهنگی جوامع است. از آن رو که اتحادیه اروپا و آمریکای شـمالی در میـدان تکنولوژی ارتباط جمعی گوی سـبقت را از دیگران ربودنـد، طبعاً در تغییر زایی فرهنگی توانمندی بیشتری به دست آورند.

بنابراین محتوای این رسانه ها نه تنها همخوانی با فرهنگ جوامع اسـلامی و از آن جمله گفتمان امر به معروف و نهی از منکر موعود نـدارند بلکه تغییرات اساسی در نحوه زندگی آداب و رسوم ارزش ها و نگرش ها و به طور کلی تحول در هویت افراد و جهت دهی به افکار و امیال انسان ها سبب ناسازگاری و در یک کلام پدید آوردن تضاد عینی رفتاری هم خواهند شد.

حـال آن که رسانه مروج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر با بهره گیری از نقش مثبت خویش با تحول در قالب ها و ساختارهای جامعه جهانی در مقابل سـیطره رسانه ای غرب می کوشـد با تبیین ناعادلانه بودن مدیریت فعلی جهان و لزوم جایگزینی وضـعیت فعلی حاکم بر جهان و بهره گیری از این ارزش های متعالی در فرهنگ اسـلامی و نظام مبتنی بر توحیـد، عـدالت و تعالی جامعه بشـری و کرامت انسانی مهری بر نامطلوب و نامشـروع بودن وضـعیت موجود بزند و سپس با طرح پاسخ به ایده های منبعث از مکتب های بشری که خود را پیروز تاریـخ معرفی کرده انـد به نقد و چالش کشـیدن نظام جهانی سازی لیبرالیست که رسانه های غربی آن را هر روز پر رنگ تر نشان می دهند اقدام نماید. در این راستا این رسانه ها به مقابله با تهدیدهای موجود آنان و تلاش برای تبدیل تهدیدهای رسانه ای به فرصت ها می کوشند و تلاش دارند تا با اتهام رسانه های غربی به جوامع اسلامی در چارچوب بنیادگرایی دینی، مقابله نمایند. به بیانی به تفکیک نظری اندیشه های افراطی و انـدیشه هـای شـیعی در منظر متفکران اسـلامی می پردازنـد تـا به بهترین نحو نقش خویش را در ترویـج فرهنگ ناب اسـلامی و انتخاب روشـی برای جایگزین کردن آن به جای فرهنگ غربی و مکاتب بشـری نقشه راه دیگر جوامع برای دستیابی به صلح و توسعه باشد، ایفا نمایـد. همچنین با توسل به ارزش های اصـیل ریشه دار و تثبیت شده برای دستیابی به حقیقت مشترک بین الادیانی برای ظلم ستیزی و سوق دادن جوامع به سوی صلح دوستی، تحقق آزادی عدالت بدون اتکا به روش های مستبدانه تلاش می کند.

ص: 475

نتیجه گیری

آن چه تا به حال از آن سـخن گفتیم تأکیـد روشـنی بر نقش رسانه ها در ترویج امر به معروف و نهی از منکر بود رسانه هایی که می توانند و بـاز هم فراتر از آن چه تاکنون در جامعه شاهـد آنیم در تحولات جامعه با توجه به دگرگونی های پیش آمـده در اثر جهانی شـدن ارتباطات جامعه اطلاعاتی، فرا نوگرایی مسـئله ای کلیدی و در حقیقت مفهوم و عنصری محوری در راه ترویج فریضه ای ارزشی چون امر به معروف و نهی از منکر به شـمار آیند هر چند گاهی تعابیر مبالغه آمیزی دربارهٔ میزان نقش و اثر بخشـی رسانه ها بیان شده است اما در واقع از نقش تعیین کننده این ابزار در برخی سطوح نمی توان گذشت. در این میان رسانه های مروج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر با برنامه ریزی هـای دقیق کلاـن و کنترل شـده خود در زمینه بسـط، توسـعه و تقویت و نهـادینه نمودن این فریضه برای حـاکمیت فرهنـگ ناب و متعالی اسـلامی نقش مرکزی و مهمی را در شـکل گیری گرایش های فرهنگی و اعتقادی مردم در سطح ملی و حتی توزیع جهانی ارزش های این فرهنگ در سطح فراملی ایفا نمایند؛ زیرا رسانه های مذکور نه تنها آینه روندهای فرهنگ فوق هستند بلکه می توانند مسیر این امر را نیز برای آماده سازی جامعه به سـمت مؤلفه های آرمانی حاکمیت الله تعیین نمایند. از این رو این رسانه ها علاوه بر بازتاب دادن فرهنگ جامعه به سمت هدف خویش نقش بسیار مهمی را نیز در آفرینش های فرهنگ اصیل اسلامی و هدایت جامعه به سوی آرمان های الهی برعهده می گیرند.

اما نکته با اهمیت این که گرچه رسانه ها می توانند مهمترین عامل تولید، انعکاس، انتقال و بازسازی نقش های خویش در دو عرصهٔ ملی و فراملی به شـمار آینـد، اما تنها زمانی این مسـئله (نقش ها) مفیـد و مؤثر واقع خواهـد شـد که تمامی این رسانه های ارزشـی، در شـرایطی هماهنگ با یکـدیگر در راسـتای هدفمندسازی این مقصود گام بردارند؛ زیرا اگر در این زمینه رسانه های مذکور از یک آهنگ بی نظم و بی نظم و ناهماهنگ پیروی نمایند بی شک مردم را نیز در پذیرش فرهنگ ارزشی امر به معروف و نهی از منکر به عقب خواهند راند.

به واقع رسانه های مروّج امر به معروف و نهی از منکر نباید در نقش هایشان این

مهم را فراموش نماینـد که در مقابـل خود رسـانه هـای غربی را دارنـد؛ رسانه هایی که به صورت طبیعی، عرصه های آموزشـی پژوهشـی، خدماتی، ارتباطی، فرهنگ دینی، ملی جوامع دیگر را آن چنان تحت پوشـش خویش در آورده و ارزش ها، روش ها و هویت های مطلوب خود را به نحوی در آن ها تزریق نموده است که فرایند دگرگونی عناصر فرهنگی را به سوی خویش سرعت می بخشند و از هیچ فرصتی برای بهره برداری از مقاصـد خویش در راه انتشـار و اشـاعه فرهنگ و ارزش های مورد قبول خود به ویژه در بُعـد جهانی سازی و به دست گرفتن آینده جهان به نحو مطلوب خویش چشم پوشی نمی کنند.

ص: 477

منابع

1. آلبر، پیر، مطبوعات (از مجموعه چه می دانم؟) ترجمه فضل الله جلوه، تهران، نشر سازمان آموزش انقلاب اسلامی، 1368 ش.

2. اسکیدمور، ویلیام، تفکر نظری در جامعه شناسی، ترجمه علی محمد حاضری و دیگران، تهران، نشر سفیر، 1372ش.

3. اینگلیس، فرد، نظریه رسانه ها، ترجمه محمود حقیقت کاشانی، تهران، نشر مرکز تحقیقات و سنجش، 1377ش.

4. بودریار، ژان، در سایه اکثریت خاموش ترجمه پیام یزدانجو، تهران، نشر مرکز 1381ش.

5. سرگشتگی نشانه ها، ترجمه مانی حقیقی، تهران، نشر مرکز 1374ش.

6. بورن، اد، بُعد فرهنگی ارتباطات برای توسعه، ترجمه مهرسیما فلسفی، تهران، نشر مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه ای صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران 1379ش.

7. دادگران، سید محمد، مبانی ارتباطات جمعی، تهران، نشر فیروزه، 1377ش.

8. دفلور، ملوین، اورت. ای، دنیس، شناخت ارتباطات جمعی ترجمه سیروس مرادی، تهران نشر دانشکده صدا و سیما، 1383ش.

9. ساروخانی باقر درآمدی بر دایرة المعارف علوم اجتماعی، تهران، نشر کیهان 1371ش.

10. شرف الدین، الاهیت اجتماعی، بی جا، بی نا، بی تا.

11. عطارزاده، مجتبی، مطبوعات و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ،ایران، تهران، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1380ش.

12. کارلسون، اولاـ فایلیتزن سیسیلیافن، کودکان و خشونت در رسانه های جمعی ترجمه مهدی شفتی، تهران، نشر مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه ای صدا و سیمای

ص: 478

جمهوری اسلامی ،ایران 1380ش.

13. کازنو، ژان، قدرت، تلویزیون، ترجمه علی اسدی تهران نشر امیرکبیر، 1364ش.

14. لازار، ژودیت، افکار عمومی ترجمه مرتضی ،کتبی ،تهران، نشر نی، 1380ش.

15. مک، براید شن، یک جهان چندین صدا ترجمه ایرج ،پاد تهران، نشر سروش 1375ش.

16. مولانا، حمید، جریان بین المللی اطلاعات، ترجمه یونس شکرخواه تهران، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، 1371ش.

17. معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی تهران، نشر آثار حضرت امام، 1378ش.

18. نیکو، مینو، شناخت مخاطب تلویزیون، تهران، نشر سروش، 1381ش.

19. وال ژان و روژه ورنو، نگاهی به پدیدارشناسی و فلسفه های هست بودن ترجمه یحیی مهدوی تهران نشر خوارزمی، 1377ش.

ص: 479

کارکرد امر به معروف و نهی از منکر در مبارزه با بزهکاری: طاهره غلامی سرملی- نجمه سادات حسینی

اشاره

*کارکرد امر به معروف و نهی از منکر در مبارزه با بزهکاری: طاهره غلامی سرملی- نجمه سادات حسینی (1) (2)

مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر در هر مرتبه بیانگر حساسیت اجتماع در مقابل اعمال زشت و نابهنجار است این حساسیت وقتی به شکل مؤثری ظاهر گردد راه را بر رواج ناهنجاری ها در جامعه می بندد. به عکس وقتی جامعه ای در مقابل نابهنجاری ها هیچ گونه مخالفتی نشان ندهد یا حساسیت ها و مخالفت ها بسیار ضعیف باشد، زمینه ترویج و تثبیت ناهنجاری ها فراهم می گردد.

از آن جا که سیاست ما عین دیانت ماست و از طرفی در نظام حقوقی قوانین ملهم از موازین و احکام شرعی می باشند در اکثر موارد میان گناه و جرم آن چنان قرابتی وجود دارد که امر به معروف و نهی از منکر همان گونه که می تواند افراد را از ارتکاب گناه باز دارد از ارتکاب جرم نیز جلوگیری می کند.

جرم پدیده ای است که در آن افراد با نقض اوامر و نواهی مقنن کیفری، نظم اجتماعی را مختل می سازند از این رو نظام های اجتماعی برای مقابله همه جانبه و کنترل این واقعه مجرمانه علاوه بر توسل به ضمانت اجراهای کیفری و سرکوبگرانه به تدابیر خارج از نظام حقوق کیفری متوسل می شوند این اقدامات غیر سرکوبگرانه با تمهید زمینه های بنیادین مانع از تحقق جرم می گردد این مهم در قالب جرم شناسی

1- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی tmadad@yahoo. com.

2- کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی hnajmehsa@yahoo. Com.

پیشگیرانه متبلور می گردد این شاخه از جرم شناسی با بهره گیری از اقدامات کنشی و غیر کیفری، قبل از وقوع جرم سعی دارد تا به نوعی ریشه های جرم را در جامعه بخشکاند یا از میزان آن بکاهد.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مورد اثر پیشگیرانه این نهاد اسلامی می فرماید: «حتماً امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه خدای متعال اشخاص بد و نابکار شما را بر افراد شایسته و خوب مسلّط می کند، آن گاه خوبان دعا می کنند ولی مستجاب نمی شود». (1)

امر به معروف و نهی از منکر سازه ای نیست که مقبول هر نظام اجتماعی باشد در نظام های لیبرال انجام آن نه تنها واجب نبوده، بلکه افراد به دلیل کاربرد آن به مجازات نیز محکوم می گردند. از آن جا که پایه های این نظام بر آزادی فردی بنا شده است، محدود نمودن آزادی فرد توسط افراد دیگر توجیه ناپذیر است. اصل اساسی نظام لیبرال این است که هر کسی حق دارد هر کاری را فکر می کند درست است و دوست دارد انجام دهد مگر این که کار او باعث ضرر به دیگری شود. اولین برخورد امر به معروف و نهی از منکر با اصل نفی ضرر است؛ حکومت لیبرال می پذیرد شهروندش بیشترین آزادی عمل را داشته باشد مبنای این پذیرش در انسان گرایی این نظام، ارزش عمل انسانی، ایجاد امکان بیشترین تلاش برای رسیدن به خواسته ها و وجود حاکم برای رفع اختلاف میان افراد است آن چه امر به معروف و نهی از منکر با آن برخورد دارد لیبرالیسم است نه دموکراسی.

مفهوم شناسی:

الف. معروف و منکر

از لحاظ لغوی معروف به معنای شناخته شده در بردارنده افعال و صفاتی است که عقل و شرع آن ها را تأیید می کند. برخی معنای «معروف و منکر» را واجبات و محرمات می دانند؛ (2) برخی دیگر مستحبات و مکروهات را نیز به معنای این دو

1- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 2، ص 176.

2- تفتازانی، مسعود بن عمر، شرح المقاصد، ج 2، ص 580

افزوده اند. (1) در تبیین مفهوم این دو واژه مرجع تشخیص (شرع و عقل) نیز لحاظ شده است. (2) مرحوم علامه طباطبایی معروف را به معنای آن چه با ذائقه افراد جامعه سازگار و در میان آنان مرسوم و متداول باشد دانسته و می گوید: «فالمعروف یتضمن هدایة العقل و حکم الشرع و فضیلته الخلق الحسن و سنن الأدب»؛ (3) در این معنا مرجع تشخیص معروف علاوه بر عقل و شرع عرف اجتماعی نیز می باشد منکر نیز به معنای ناشناخته و زشت قول و فعلی است که خلاف رضایت خدا باشد. (4) امر و نهی هر دو واجد وصف امری اند که به دو صورت مثبت و منفی تجلی می یابند. (5) در اغلب موارد امر به معروف همان نهی از منکر است در دین اسلام بر انجام محسنات و افعال معروف تأکید شده است خودداری از انجام معروف، کاری ناپسند و حرکت به سوی منکر است.

جز در مواردی که شارع به بیان صریح مصادیقی از معروف و منکر اهتمام ورزیده در سایر موارد باید به قانون گذار اجازه داد تا مصادیق معروف و منکر را در امور مستحدثه برشمارد.

از نظر اسلام اعمال انسان در پنج دسته طبقه بندی ی شوند واجب (ضرورت انجام) حرام (ضرورت ترک) مستحب (اولویت انجام) مکروه (اولویت ترک)، مباح (بدون اولویت) نظارت اجتماعی تنها در دایرهٔ حقوق مطرح نیست و مسائل اخلاقی را نیز در بر می گیرد. عناوین پنجگانه ذکر شده عکس ظهور اولیه آن مربوط به مربوط به اعمال و رفتار اخلاقی و حقوقی می شوند بنابراین منظور از این عناوین پنج گانه در این نوشتار هم هنجارهای حقوقی است و هم هنجارهای اخلاقی که دارای ضرورت یا اولویت ترک یا عدم ترک می باشند واجبات، محرمات، مستحبات و مکروهات نمایانگر هنجارها هستند و در واقع این چهار قسم راهنمای اعمال و رفتار فرد

1- فاضل مقداد، النافع لیوم الحشر في شرح باب حادی عشر، ص 57 و 58.

2- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ص 331

3- طباطبایی، سید محمد حسین، ملاحظاتی در موضوع پیشگیری از جرم، ج 2، ص 236.

4- میر محمد صادقی، حسن، ملاحظاتی در موضوع پیشگیری از جرم مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ص 5

5- قربانی لاهیجی، زین العابدین، فریضه امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه کتاب و سنت، ص 35 و 36

مسلمان می باشند از این رو هنجارهای اسلامی به دو دسته کلی تقسیم می گردند:

الف) هنجارهایی که ضرورت دارند و در صورت تخلف، با مجازات همراه است؛ این قسم محرمات و واجبات را شامل می شوند.

ب) هنجارهایی که تنها اولویت دارنـد و تخلف از آن ها مجازات زیادی به دنبال نخواهد داشت؛ این قسم شامل مسـتحبات و مکروهات می باشند.

اگر مقصود از ،معروف تنهـا واجبات و مقصود از منکر تنها محرمات باشـد کارکرد این آموزه در سـیاست جنایی اسـلام تنها به این بخش رفتاری محدود می شود؛ در حالی که منطقه رفتاری سـیاست جنایی اسـلام به غیر از این دو مستحبات و مکروهات و حتی مباحات را نیز در بر می گیرد (1)؛ از آن جا که محور بحث در سـیاست جنایی رایج هنجارها و نابهنجارها ،است تبیین نوع رابطه معنایی میان معروف و منکر با هنجارها و نابهنجارها در تعیین قلمرو و کارکرد این آموزه ضروری است.

در معنای هنجار دو نکته مهم مـد نظر قرار می گیرد «مقبولیت و پذیرش اجتماعی» و «ارزشـمندی بنفسه یا بالتبع یک رفتار» به بیان دیگر، هنجارها شـکل پذیرفته شده و مقبولیت یافته ارزش های اجتماعی هسـتند در مقابل امر نابهنجار رفتاری است که از نظر همه یا بیشتر افراد اجتماع، امری بد و ناپسـند تلقی می شود و مغایر با ارزش های پذیرفته شده آن اجتماع است؛ از این رو هنجار و نابهنجار، معرف خوبی و بـدی است و به همین لحـاظ است که به معروف و منکر نزدیـک می شود بـا وجود ،این تفاوت معناداری میان معروف و هنجار و منکر و نابهنجار وجود دارد این که معروف بیانگر خوبی و نیکی و ضـرورت انجام کار است اما لزوماً دلالتی بر مقبولیت اجتماعی آن ندارد؛ منکر نیز گرچه حکایت از قبح و زشتی یک عمل (فعل یا ترک فعل) دارد ولی ضرورتاً به معنای عدم مقبولیت اجتماعی آن نیست.

ب. معنای امر و نهی

گرچه در لغت امر به معنای واداشـتن و نهی به معنای بازداشـتن است که در آن نوعی اسـتعلای آمر و ناهی وجود دارد اما در مبحث امر به معروف و نهی از منکر، تبیین مفهومی این دو واژه با مراتب آن پیوند خورده است از این رو معانی جدیدی

1- حسینی جزوه درسی

از این دو اراده شـده است. معمولاً ـ سه مرتبه قلبی، لسـانی و یـدی برای امر به معروف و نهی از منکر بیـان می شود برخی مرتبهٔ قلبی را از لوازم ایمان دانسته اند که امر و نهی شدنی نیست. (1) از این رو غالباً آن را به اظهار این مرتبه در رخسار و چهره آدمی تفسیر کرده اند.

در مرتبه لسانی، نیز صـرف دسـتور دادن به انجام کاری یا «بازداشـتن» از انجام کاری، تفسیر امر یا نهی دانسته نشده است بلکه به نصیحت کردن تشویق کردن و اموری از این دست نیز معنا شده است.

تفسـیر عمومی، یـد را ضـرب و جرح و حتی قتل می دانـد، در حالی که در کلمات برخی از فقها «ید» محدود به این موارد نبوده و کنایه از قدرت تلقی شده که دامنهٔ رفتاری بسیار گسترده ای را شامل می شود بدیهی است نوع برداشتی که از امر و نهی در هر یک از مراتب آن می شود و نیز جواز یا عدم جواز اعمال هر یک از آن مراتب، نقش و کارایی این آموزه را در سیاست جنایی اسلام تحت الشعاع قرار می دهد.

در برداشت موسع امر به معروف و نهی از منکر شامل کلیه تدابیر مردمی حکومتی (قوه مجریه) و قضایی است در این برداشت عمل به هر یک از قوانین و تکالیف شـرعی و از جمله قوانین جزایی مصداقی از عمل به این آموزه به شمار می آید. از این نظر می توان امر به معروف و نهی از منکر را عنوانی برای عمل به همهٔ احکام و قوانین توصیه ها و نصایح اخلاقی دانست.

در برداشت دوم، اجرای قوانین جزایی توسط قضات از شـمولیت آموزه جدا شده و نیز اقدامات دسـتگاه حکومتی تحت عنوان نهاد حسـبه مورد توجه است نهایت آن چه تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر باقی می ماند، ناظر به تکالیف شـهروندان جامعه اسـلامی است در بحث مشـارکت عمومی در پیشـگیری از بزهکـاری امر به معروف و نهی از منکر به معنـای آن چه تکلیف عـامه مردم است منظور می باشد.

مبنای نظری امر و نهی

در بیان مبنای امر و نهی می توان چنین گفت که اسلام معتقد به مسئولیت اجتماعی

1- نوری، حسین، امر به معروف و نهی از منکر، ج 12، ص 283

انسان است. از آن جا که زنـدگی وی در جامعه با افراد دیگر گره خورده است و تعاملات اجتماعی وی هم سـبب شـکوفایی اسـتعدادها یا شکست و نابودی وی می شود اسـلام سـرنوشت افراد را تنیـده در هم می دانـد. تأثیر عملکرد دیگران در زنـدگی فرد، مجوزی است تا اگر ایشان به خطا رفت او را متنبه و اقدامات لازم را انجام دهند این مسئولیت اجتماعی، نظریه «اصالت جمع» را به ذهن متبادر می سازد؛ (1) شکل ویژه مسـئولیت اجتماعی که اسلام آن را پذیرفته و بر حفظ آن اصرار می کند، بر مبنای ولایت مؤمنان به یکدیگر است این ولایت تا حـدی است که همـهٔ مؤمنان را فارغ از منصب و موقعیتشان پوشـش می دهد به گونه ای که نوعی حق و تکلیف متقابل را برای به همهٔ افراد اجتماع به رسـمیت می شـناسد اساسـی ترین مبنای امر به معروف و نهی از منکر نوع ولایت خاصـی است که شریعت مقدس اسلام بین افراد جامعه اسلامی به رسمیت شناخته است.

در جامعه اسلامی، افراد با ایمان، در جایگاه ناظران اجتماعی، با نفی هرگونه حق نظارت برای کافران بر مسلمانان در قالب امر به معروف و نهی از منکر در فرایند نظارت اجتماعی مشارکت می نمایند.

امر به معروف و نهی از منکر قانونی طبیعی و برخاسته از فطرت انسانی است. گرایش به آن بازگشت به فطرت و عقل و طبع اصیل انسان ها و برخورداری از نظـام اصـلح و قـانون جهان آفرینش و شـرع است (2)؛ عقـل بشـری هم بر جلوگیری از رفتارهای فردی مغایر با اهـداف اجتماعی که سبب انحطاط جامعه می شوند، صحه می گذارد.

در دسته بندی کلاسیک، پیشگیری به دو دسته پیشگیری اجتماعی (رشد مدار - جامعه مدار) و پیشگیری وضعی تقسیم می شود.

پیشـگیری یکی از تدابیر بنیادین حوزه کنترل اجتماعی است و شامل تمام اقدامات مسـتقیم و غیر مستقیم بازدارنده از وقوع جرم انحراف و کج روی است. (3)

در ابتدا پیشگیری به اقدامات ناظر بر جلوگیری از وقوع مجدد جرم مربوط بود،

1- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، ص 40

2- حکیمی، سید مرتضی، چکیده مقالات نخستین اجرای امر به معروف و نهی از منکر، ص 7.

3- اسحاقی، محمد، مجموعه مقالات پیشگیری از جرم، ص 3

اما این مفهوم بسط یافته و به تدابیر ناظر بر قبل از وقوع جرم تسری یافت. برخی جرم شناسان پیشگیری را در بردارنده تدابیر سیاست جنایی – به استثنای اقدام کیفری – می دانند که غایت انحصاری یا دست کم جزئی آن، تحدید امکان وقوع جرم از طریق غیر ممکن ساختن دشوار کردن یا کمتر محتمل کردن آن هاست. (1)

در مفهوم موسع، پیشگیری شامل تدابیر کیفری و غیر کیفری نظام عدالت کیفری است که درصدد است از مجرم شدن و بزه دیده شدن جلوگیری نماید و با دست کاری در وضعیت های پیش جنایی درصد وقوع جرم را به حداقل برساند. پیشگیری را پیش بینی، شناسایی ارزیابی خطر جرم و انجام اقدامات برای رفع یا تقلیل آن و مدیریت کردن خطر می دانند (2) در پیشگیری وضعی، بر بزه دیده و امکان زدایی از ارتکاب جرم تأکید می گردد.

پیشگیری اجتماعی از یک سو بر محیط های فیزیکی جغرافیایی و اجتماعی (عمومی – شخصی) و از سوی دیگر بر فرد و انگیزه های فردی و تأثیرگذاری بر آن ها در برای حذف و کاهش بزهکاری تمرکز دارد هدف پیشگیری رشد مدار تأثیر گذاری بر فرایند شکل گیری شخصیت فرد یا محیط پیرامون اوست و نیز دربردارنده اقدامات مؤثر بر تمام محیط های پیرامون فرد است که در فرایند جامعه پذیری نقش دارند پیشگیری اجتماعی درصدد است تا از رهگذر تضمین و تأمین حقوق ،اجتماعی اعتقادی و فرهنگی تابعان حقوق کیفری در فرایند اجتماعی علل و عوامل جرم زای مؤثر بر اراده مرتکب را ریشه کن نماید یا حداقل کاهش دهد.

امر به معروف و نهی از منکر با ایجاد روحیه تعاون و حس مسئولیت پذیری میان افراد جامعه، به پیشگیری منجر می گردد در توضیح این کارکرد می توان گفت که از یک سو مبنای این نهاد مسئولیت اجتماعی افراد و تأثیر انحراف یک فرد بر زندگی تمام افراد جامعه است و از جانب دیگر اجتماع صحنه تضاد منافع افراد است. اگر برآوردن خواسته فردی سبب ضرر به دیگری ،گردد فرد متضرر محق است تا خود را از تحمل ضرر برهاند بسیاری از موارد این تأمین خواسته به صورت نقض

1- ابرند آبادی، علی حسین مباحثی در علوم جنایی، ص 7

2- همان، ص 102

هنجارهای اخلاقی و اجتماعی واجد ضمانت اجرای کیفری تبلور می یابد. پس طرف مقابل بایستی ناقض را نهی نماید و این نهی سبب سالم سازی اجتماع می گردد. حاکمیت و قدرت عمومی دولت در اقتدار آن و پاسخگویی به نقض هنجارهاست اما گاهی این قدرت قادر نیست تا به تنهایی مقصود اجتماعی را حاصل نماید و نیازمند مساعدت مردمی است دولت در تعامل با شهروندان برخی از وظایف خود را به ایشان واگذار می کند و خود به نظارت می نشیند این همان مفهوم سیاست جنایی مشارکتی است امر به معروف و نهی از منکر یکی از مجاری اجرای این سیاست جنایی مشارکتی است که در آن شهروندان با کنترل نزدیک یکدیگر در راستای سالم سازی جامعه و پیشگیری از وقوع جرایم تلاش و مساعدت می نمایند.

در سایه امر به معروف و نهی از منکر فرد در می یابد که اولاً باید از هرگونه تعدی به هنجارهای اخلاقی، اجتماعی و دینی واجد وصف کیفری بپرهیزد و از طرفی کمک می کند تا دیگران در منجلاب انحراف گرفتار نشوند. اقدام به امر و نهی هم عامل عدم ارتکاب جرم از سوی خود آمر و ناهی است؛ زیرا که اینان خود را در معرض داوری دیگران می دانند و از طرف دیگر واجد یکی از شرایط امر و نهی؛ یعنی علم و آگاهی به معروف و منکرند، پس میزان ارتکاب جرم در میان خود آمران و ناهیان هم کاهش می یابد.

انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر افراد جامعه را از مطلوبیت های اجتماع آگاه می سازد تعیین و شناسایی این هنجارهای اخلاقی و کیفری افراد را یاری می کند تا حدود و ثغور عمل خویش را بدانند علاوه بر آموزش دیگران این آموزه ها به افراد می آموزند که مؤثر بوده و نه تنها خود به نقض هنجارها نپردازند به اطرافیان هم در این راستا اطلاعات کافی ارائه دهند.

امر و نهی سبب سالم سازی جامعه می شود از طرفی با اجرای آن دیگر افراد جامعه متوجه می شوند که نباید این هنجارها را نقض نمایند، وگرنه ایشان هم مشمول چنین واکنشی خواهند بود.

صرف وجود این نهاد و قابلیت اجرایی آن تابعان را از تعدی و نقض هنجارها باز می دارد. امر به معروف و نهی از منکر با پیشگیری از وقوع جرایم و ابراز

عکس العمل در برابر آن همه شـهروندان را در مقابل رفتار یکدیگر مسـئول و ناظر قرار داده است در مکتب فقهی گاهی از امر به معروف و نهی از منکر بـا عنوان دفـاع همگانی یا دفاع اجتماعی در مقابل دفاع فردی یا دفاع مشـروع یاد می شود؛ (1) حمایت از بزه دیدگان هم دو شکل پیـدا می نمایـد. در حالت اول آمر یا ناهی با امر و نهی بزهکار از ارتکاب جرم علیه بزه دیـدگان احتمالی پیشـگیری می نمایند و در حالت دیگر با انجام امر و نهی بزه دیدگان احتمالی مانع از ارتکاب جرم علیه فرد می شوند؛ توضـیح این که با این امر و نهی زمینه حفاظت بیشتر از بزه دیدگان آسـیب پذیر فراهم می آید. از طرفی وقتی فرد ملاحظه نماید که افراد جامعه در فکر امنیت و حمایت از وی می باشـند، خـود نیز در پیشـگیری از وقوع جرم علیه خویش راغب تر می شود. آموزش و تـبیین ایـده آل هـای جـامعه و هنجارهـای دارای اهمیت به تابعان می آموزد تا فرصت مجرمانه را برای بزهکاران فراهم نکنند امر به معروف به مقوله فرهنگ سازی و رشد و اعتلای اخلاقی افراد توجه خاصی دارد پس در کنار نظارت رسمی نوعی نظارت غیر رسمی از راه ،نزدیک ایجاد می شود. هر شهروندی علم دارد که در صورت انجام منکرات، ارشاد می شود در مکتب اسلام اقدامات جامعه در مقابل پدیده بزهکاری را به دو گروه طبقه بندی کرده اند نخست اقداماتی که با هدف پیشـگیری از جرایم بالقوه صورت می گیرد و دیگری واکنش به اعمال ارتکابی در گذشـته که مبنای تصـمیم قاضـی قرار می گیرد. در سیاست جنایی اسلام دفع منکر، مانند رفع آن، واجب دانسته شده است زیرا ادله وجوب رفع منکر شامل راهکارهای تدافعی در پیشگیری از تحقق منکرات و جنایـات نیز می شود؛ (2) فردی که با تمام اقدامات پیشـگیرانه اجتماعی و ریشه ای تصمیم می گیرد تا مرتکب جرمی گردد بایـد کنترل شود. حالت خطرناک وی که از بررسـی سوابق و وضـعیت زنـدگی روحی و اخلاقی و ارتکاب جرم در گذشـته و کیفیت جرم ارتکابی مشخص می گردد، (3) ایجاب می نماید تا تحت نظارت قرار گیرد کنترل درونی (خود کنترلی) در اثر باورهای دینی و رشـد التزام به

1- فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای خصوصی اسلام، ص 302

2- شهیدی تبریزی، میرزا فتاح، هدایة الطالب الی اسرار المکاسب، ص 34.

3- قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب 1339، ماده 1.

اصول اخلاقی در فرد ایجاد می گردد ایمان به حقایقی از جمله خدا، انبیاء و ائمه، معاد، ابلیس و.... ضمانت اجرای درونی است که می تواند انسان را به صورت مؤمن واقعی در آورد و نوعی تعبّد و تسلیم در فرد ایجاد نماید اثر امر و نهی در افزایش این کنترل به این صورت است که فرد با تذکر آمر و ناهی با این باورها آشنا و این امور در وی درونی می شود یا این که جریان جامعه پذیری وی تکامل یافته و آن چه از آن ها غافل بوده است دوباره با اهمیت می شود و در رفتار فرد جلوه گر می گردد. درونی شدن باورها و ارزش های مذهبی در وجود فرد، کنترل درونی وی را بالا می برد در کنار این کنترل درونی کنترل بیرونی از طریق پیش بینی و اعمال روش ها و تاکتیک های مختلف به منظور پیشگیری از تخلف از هنجارهای لازم الاتباع، اصلاح و سرکوب نقض کنندگان مرزهای رفتاری، ترمیم و جبران خسارات ناشی از نقض هنجار و ایجاد صلح و تفاهم بین اطراف تنازعات استفاده می شود. امر و نهی یکی از تاکتیک های کنترل بیرونی است.

نظارت بیرونی یا از طریق نهادهای حکومتی یا با مشارکت مردم در قالب نهادهایی نظیر امر به معروف و نهی از منکر صورت می پذیرد شرط استمرار گناه که در شرایط امر و نهی ذکر می شود مبین حالت خطرناکی است که اقدامات تأمینی را ایجاب می نماید.

در سیاست جنایی اسلام، مبارزه علیه بزهکاری در سه مرحله مطرح می گردد، این مراحل سه گانه عبارت اند از:

1- مرحله قبل از تصمیم قطعی مجرم به ارتکاب جرم؛

2- مرحله پس از تصمیم قطعی مجرم به ارتکاب جرم و قبل از تحقق عمل مجرمانه؛

3- مرحله پس از اجرای فکر مجرمانه و تحقق بزهکاری.

در مرحله اول تدابیر مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی که در واقع نمود پیشگیری نخستین است برای خشکاندن ریشه جرم و ایجاد جامعه ای سالم به صورتی که تصمیم به ارتکاب آن در ذهن افراد تحقق نیابد اعمال می گردد. این تدابیر یا ناظر به شخصیت و وضعیت درونی فرد است و قصد دارد تا از درون وی را

از ارتکاب جرم مصون بدارد یا ناظر به شرایط بیرونی حیات وی است و هدف آن است تا شرایط خارجی فرد را به ارتکاب جرم سوق ندهد برای تقویت بعد درونی فرد، ذکر خداوند در تمام اوقات ایجاد فرهنگ صبر در مقابل وسوسه های مجرمانه و ایجاد تعهدهای مذهبی توصیه می شود رفع فقر بیکاری و ایجاد همبستگی و تعامل اجتماعی از جمله راهکارهای مصون سازی بیرونی فرد تلقی می شود در این مرحله نیز امر و نهی مؤثر است و التزام به معروف ها زمینه راست کرداری افراد را فراهم می آورد. رواج معروف ها در جامعه به خودی خود از ارتکاب منکرات می کاهد. آموزش ارزش ها و تشویق افراد برای پایبندی به آن ها خود به خود زمینه های ارتکاب جرم را نابود می کند.

در مرحله دوم که فرد تصمیم قاطع به ارتکاب جرم گرفته و شیوه های مرحله اول در او مؤثر نیفتاده است راه حل هایی به کار گرفته می شود تا شخص مصمم به ارتکاب جرم نتواند تصمیم خود را عملی سازد در این مرحله باید وضعیتی ایجاد شود که تحقق عمل مجرمانه را دشوار پرخطر یا ناممکن سازد؛ در این مرحله موضوع پیشگیری وضعی از ارتکاب جرم مطرح می گردد و شیوه ای از پیشگیری است که با تغییر وضعیت فرد در معرض بزهکاری و بزه دیدگی یا تغییر شرایط محیطی، مانند زمان و مکان در صدد است از ارتکاب جرم فرد مصمم به انجام آن جلوگیری کند.

در این روش گاهی فرد در معرض بزه دیدگی مد نظر قرار گرفته و با حمایت از او یا آماج های جرم از تحقق عمل مجرمانه جلوگیری می شود و در مواردی نیز با تغییر شرایط محیطی اعم از مکان و زمان، امکان تحقق جرم، سلب یا وقوع آن دشوارتر می گردد در این مرحله ظرفیت جنایی به بالاترین حد خود رسیده است به گونه ای که کوچک ترین عمل یا عکس العملی منجر به وقوع جرم می شود.

مرحله سوم که با پیشگیری نوع سوم همراه است پس از تحقق عمل مجرمانه، از رهگذر تدابیر مناسب با وضعیت و شخصیت مرتکب درصدد بر می آید تا از بزهکاری مجدد فرد پیشگیری کند.

اسلام در مبارزه با بزهکاری از نیروی عموم مردم استمداد می طلبد؛ زیرا یک

سیاست جنایی کارآمـد از تمامی روش های مؤثر در رویارویی و مبارزه با جرایم و انحراف ها کمک می جویـد نه آن که تنها به روش های کیفری و سرکوب گرایانه بسنده کند.

اصولاً، واکنش همه جانبه و ریشه ای به جرم و انحراف نیازمند به کارگیری همه مراجعی است که با این پدیده سر و کار دارند؛ اما آن چه در این میان نقش اساسـی تری بر عهـده دارد و تجربه های گوناگون کارایی آن را به اثبات رسانـده است مشارکت ،اجتماعی به معنای دخالت دادن و سهیم کردن شهروندان و سازمان ها و گروه های غیر دولتی در این مهم می باشد؛ این امر علاوه بر آن که هزینه های دولتی را پایین می آورد به لحاظ مسئولیتی که متوجه هر یک از افراد جامعه می شود، یک بسیج همه جانبه برای پیشگیری و مبارزه با پدیده مجرمانه شکل می دهد.

مزایای امر به معروف و نهی از منکر

نظارت مؤمنان در قالب امر به معروف و نهی از منکر واجد امتیازات خاصی است از آن جمله:

الف. شـعاع عملیـاتی امر به معروف و نهی از منکر کننـدگان به دیگر ناظران اجتماعی، در جامعه اسـلامی بیشتر است. این گستره هم در جهت افقی مطرح است و هم در جهت عمودی از این رو افراد بـا ایمـان در جایگـاه نـاظران اجتمـاعی و در قالب امر به معروف و نهی از منکر بر اعمال و رفتار افراد هم سطح خود نظارت دارند و از نظارت بر اعمال و رفتار افرادی که در موقعیت های بالاتر یا پایین تر اجتماعی قرار دارنـد نیز غافل نمی مانند. آنان بدون توجه به پست و مقام افراد در این فرایند مشارکت می کنند و موجبات تداوم هنجارها را در سـطح جامعه فراهم می آورند.

ب. عاملان امر به معروف و نهی از منکر می توانند از طیف وسیعی از روش های بازدارنده برای جلوگیری از نقض هنجارها استفاده نمایند این ویژگی امکان می دهد آمران و ناهیان در برخورد با افراد منحرف روش های متفاوت و متناسبی را برای بازداری انتخاب نمایند.

ج. این دسـته از نـاظران اجتمـاعی به انـدازه حجم جـامعه اسـلامی گسترش دارنـد هر فرد مسـلمان یک ناظر اجتماعی است بنابراین افراد منحرف برای انجام یا تکرار

اعمـال و رفتـار نابهنجـار امنیت کـافی ندارنـد و همیشه خطر آزار دهنـده برخورد آمران به معروف و ناهیان از منکر برای آن ها وجود دارد طبیعی است که با وجود چنین طیف گسترده ای از ناظران و روش های متفاوت جلوگیری افراد در جامعه اسـلامی کمتر اقـدام به رفتارهای نابهنجـار کننـد انحراف از جرم جنـایت و گناه عام تر است با توجه به آن که مخاطبان نظارت اجتماعی منحرفان ،هسـتند ناظران اجتماعی علاوه بر مقابله با گناهکاران مجرمان و جنایت کاران با افرادی که هنجارهای غیر ضروری مستحب مکروه را رعایت نمی کنند نیز برخورد مناسب می نمایند.

تاریخچه امر به معروف و نهی از منکر

از صدر اسـلام همواره برای نظارت بر تمام مصالح و حسن اجرای قوانین اسـلام معصومین علیهم السـلام و یارانشان این نظارت را داشته انـد. آن ها در طول تاریـخ حکومت ها، دایره ای به نام «امور حسـبه» تشـکیل دادنـد که به صورت تشـکیلاتی و سازمانـدهی شده، امر به معروف و نهی از منکر می کردنـد عمـده عملکرد آن نظارت کنترل و پیشـگیری بود تا برخورد قضایی با متخلفان ابن خلـدون می نویسد: «حسبه ریشه در قرآن و حدیث دارد و در یک سخن وظیفه و شغلی است دینی – اخلاقی که بر پایه فرمان دادن به کار شایسته و بازداشتن از کار ناشایست تکیه دارد» (1)؛ در تاریخ اسلام، حسبه علاوه بر انجام برخی امور دادرسی، متولی امر پیشگیری وضعی بوده است. (2)

در اجرای این امر و نهی باید به حریم خصوصـی زندگی افراد احترام گذاشـته شود. از سویی دیگر آزادی فردی در اسلام نباید چنان نصب العین باشد که افراد به بهانه آن خود را مختار به انجام هر کاری بدانند.

نتیجه گیری

امر به معروف و نهی از منکر از طرفی در کـاهش موقعیت هایی که انسان را در معرض ارتکاب جرم قرار می دهـد اثر گـذار است از طرف دیگر، با سالم سازی محیطی که انسان در آن زندگی می کند او را از ورود به حیطهٔ جرم باز می دارد و در

1- ابن خلدون، بی تا: 1، 225

2- میرخلیلی، سیدمحمود، پیشگیری وضعی از نگاه آموزه های اسلام، ص 64

واقع عاملی اساسی است که در پیشگیری اولیه از تکوین موقعیت های مجرمانه اثر گذاری خود را نشان می دهد این که پرداختن به این دو حکم الهی با شـرایط و شیوه های مربوط صورت می گیرد و فرد یا افرادی که با سازماندهی حاکمیت اسلامی مبادرت به این امور می کنند بـایستی افرادی شایسـته بوده و خودشـان عامـل به این احکـام باشـند؛ نتیجه این می شود که ارتکاب جرم از جانب این آمران و ناهیان هم منتفی می گردد از کارکردهـای مهم امر به معروف و نهی از منکر فراهم سـازی زمینه عمـل به هنجارهـا و تقـویت هنجارهـای مورد نظر جـامعه اسـلامی و عمل به نیکی ها است؛ وقتی اعضای اجتماع مراقب هم بوده و یکـدیگر را سـفارش به حق و نیکی نماینـد و از بـدی و زشتی باز دارنـد این خود به تدریـج زمینهٔ نهادینه شدن و رسوخ نیکی ها در روح و روان افراد را فراهم می آورد به خصوص اگر آن چنان که بایـد و شاید به این فریضه عمل شود و آداب و سـنن آن (که علاوه بر عمل کردن آمر به مفاد آن چه امر می کند و دست کشـیدن از آن چه خود از آن نهی می کند، شامل تکنیک های روان شـناختی و جامعه شـناختی دقیقی است که در شکل تعامل و کنش آمر ظاهر می گردد) رعایت شود؛ آن چه از عمل به این فریضه به دست می آید نیروی عظیمی است که پشتوانه اجتماعی دارد و می تواند بسیاری از هنجارها را در ذهن و روان افراد درونی سـازد و از این طریق راه عمـل به دیگر واجبـات و سـنن الهی (هنجارهـای دینی در جامعه اسـلامی) را هموار سازد این کارکرد مهم امر به معروف و نهی از منکر است که آن را از دیگر آموزه های سـیاست جنایی و حتی از منظری کلان، دیگر آموزه های اسـلام متمایز و منحصـر به فرد می سازد این نهاد متشـکل از دو بعـد رفتاری است که اقتران عملی داشـته و هدف مشترکی که همانا تنقیـح و پالاـیش رفتارهـای عمومی و تحکیم آن هـا بر پایه ارزش های اسـلامی و اجتماعی تحقق این ارزش ها از طریق نظارت همگانی است دنبال می نماید.

ص: 493

منابع

کتاب ها:

1. ابرند آبادی، علی حسین، مباحثی در علوم جنایی (تقریرات درس جامعه شناسی جنایی) رزیتا دارویی، ویراست پنجم، 1387.

2. اسحاقی، محمد، مجموعه مقالات پیشگیری از جرم رویکرد استراتژیک پیشگیری از جرم، تهران، مرکز انتشارات قوه قضائیه، 1382.

3. تفتازانی، مسعود بن عمر، شرح المقاصد، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1422ق.

4. حکیمی، سید مرتضی، چکیده مقالات نخستین اجلاس امر به معروف و نهی از منکر فریضه امر به معروف و نهی از منکر، تهران، انتشارات ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، 1379

5. رائیجیان اصلی، مهرداد، رهیافتی نو به بنیان های نظری پیشگیری از جرم، مجله حقوقی دادگستری شماره 4948، 1368.

6. رائیجیان اصلی، مهرداد؛ ابراهیمی، شهرام، مباحثی از علوم جنایی و پیشگری از جرم، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، 1376.

7. راغب اصفهانی، حسین، بن محمد مفردات ألفاظ القرآن، قم، دفتر نشر الکتاب، چاپ اول، 1404 ق.

8. شهیدی تبریزی، میرزا فتاح، هداية الطالب إلى اسرار المكاسب، قم، دارالکتاب، بی تا.

9. طباطبایی، سید محمدحسین، الميزان في تفسير القرآن، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا.

10. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، النافع ليوم الحشر في شرح باب حادي عشر، تهران، کتابفروشی علامه، چاپ اول، 1368.

11. فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، 1370.

12. قربانی لاهیجی، زین العابدین، فریضه امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه کتاب و سنت، قم، الهادی، چاپ سوم، 1379

ص: 494

13. کاتوزیان، ناصر، مقدمهٔ علم حقوق، چاپ ششم، تهران، انتشارات مجد، تهران، 1381.

14. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چاپ اول، 1363.

15. گنابادی، محمد پروین، مقدمهٔ تاریخ ابن خلدون، تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب، بی تا.

16. نوری، حسین، امر به معروف و نهی از منکر، ترجمه محمد محمدی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ پنجم، 1375.

مقاله ها:

16. میر محمدصادقی، حسین ملاحظاتی در موضوع پیشگیری از جرم، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره 3635، بهار و تابستان 81 .

17. میرخلیلی، سیدمحمود، پیشگیری وضعی از نگاه آموزه های اسلام، مجله فقه و حقوق سال اول، شماره 1 تابستان 1383.

ص: 495

رفتارشناسی امام رضا علیه السلام در امر به معروف و نهی از منکر: رمضان قوامی دربندی

اشاره

*رفتارشناسی امام رضا علیه السلام در امر به معروف و نهی از منکر: رمضان قوامی دربندی (1)

مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر ریشه در فطرت آدمی داشته و در ادوار مختلف تاریخ بشری هشدار و تشویق وجود داشته است ترک این دو فریضه عامل سقوط و مرگ جامعه می گردد ضرورت به کمال رسیدن انسان و هدف از آفرینش اوست که آدمی را وادار می نماید به مناهی آگاه گردد و معارف را به کار بندد امر به معروف و نهی از منکر نه تنها عامل کمال و تکامل روحی فرد بلکه عامل پیشرفت جامعه بوده و در حقیقت یک ضرورت فردی و اجتماعی است.

پیشوایان معصوم علیهم السلام افزون بر تحلیل علمی و تبیین جایگاه فریضه امر به معروف و نهی از منکر، در رفتار و سیره عملی خود نیز اهتمام زیادی به این فریضه داشتند. ایشان با عمل به سیره فردی و اجتماعی از خود گنجینه ای ارزشمند به جای گذاشته و با طرح همه جانبه این ،فریضه هم راه اجتهاد و استنباط را بر اهل نظر گشودند و هم راه تحریف و سوء برداشت ها را بر تحریفگران و کژاندیشان بستند.

با یک نگاه کلی به گفتار و رفتار پیشوایان معصوم علیهم السلام، به خصوص سیره علی بن موسی الرضا علیه السلام روشن می گردد که آنان در دو بعد علمی و عملی بر اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر تأکید بسیار داشتند ایشان که الگوی کاملی برای انسان ها بودند چه در دوران زندگی و حیات و چه برای مردمان پس از خود،

1- پژوهشگر و عضو حلقهٔ علمی تاریخ اسلام دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی رشته معارف اسلامی

ویژگی هایی داشـتند که همگان را شگفت زده می کرد. آن حضرت در میان مردم و با مردم می زیستند و عملاً به مردم درس ،زندگی پاکی و فضـیلت می آموختند. ایشان الگو و سرمشق دیگران بودند و با آن که مقام رفیع امامت آنان را از مردم ممتاز می،ساخت و برگزیده خدا و حجت او در زمین بودنـد در عین حـال در جـامعه حریمی نمی گرفتنـد و خود را از مردم جـدا نمی کردنـد و به روش جبّـاران انحصـار و اختصاصـی برای خود قائل نمی شدند و هرگز مردم را به بردگی و پستی نمی کشاندند و تحقیر نمی کردند در حقیقت ایشان نمونه بارز اسوه حسنه می باشند.

می دانیم که پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله در اخلاق نمونه بود تا جایی که خـدا در مقام سـتایش پیامبر او را به خُلق نیکو و عظیمش یاد کرده رمز موفقیت او را نیز اخلاق ارزنده وی می داند. امامان نیز تجلّی اخلاق پیامبر بودند به گونه ای که هرکس آنان را می دید بی اختیار به یاد رسول اکرم صـلی الله علیه وسـلم می افتاد. حضرت رضا علیه السلام نیز در زندگی فردی و اجتماعی چنین بود که خلق والای پیامبر را حکایت می کرد. از او نشانه هایی اعجاز آمیز و ارزش هایی در اوراق تاریـخ و بستر روزگاران، متجلی است و گواهانی راستین بر بزرگی او گواهند گویا او آینه تمام نمای اخلاق و صفات پیامبر است.

مقاله ای که از نظر خوانندگان عزیز می گذرد گامی است در بیان اندیشه ها رفتارشناسـی آن حضرت دربارهٔ دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر در واقع آن چه ذکر خواهد شد برخی از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر در سـیره عملی و نظری امام رضا علیه السلام است تـا با آشـنایی با معارف رضوی و با عمل به آن ها در این باب برای ارائه راهکار الگوی مناسب و صـحیحی به دست آوریم. به این امیـد که مطالب ره توشه ای باشد برای پویندگان راه امامت و ولایت و موجبات عنایات ویژه حضرت رضا علیه السلام را فراهم آورد.

بخش اول: تعریف مفاهیم امر نهی منکر و معروف

اشاره

امامان معصوم علیهم السـلام چشـمه های جوشان معرفت و گنجینه های حکمت الهی هسـتند که چون چراغی پرفروغ و خاموش نشدنی فراسوی علم را بـا پرتوافشانی خود روشن می کننـد. آنان با انـدیشه ها و افکار منوّر ،خود تاریکی های جهل را از بین برده در هر زمان امید حق ستیزان را نومید می ساختند.

اما قبل از ورود به بحث اصلی رفتارشناسی امام رضا علیه السلام لازم است به تعریف و توضیح برخی از واژه ها بپردازیم. برخی از واژگان که به تعریف نیاز دارند عبارت اند از: امر، نهی، معروف، منکر و سیره.

الف. امر

امر دو گونه است مصدر و اسم مصدر. (1) امر مصدری، امری قولی و به معنای دستور، فرمان و طلب ایجاد شیء است و جمع آن «اوامر» است. امر اسم مصدری امری فعلی و به معنای کار حادثه و شأن است و جمع آن «امور» است. آن چه در عنوان این فریضه آمده است امری مصدری و به معنای دستور است.

ب. نهی

نهی به معنای منع و زجر قولی یا عملی است. (2) نهی در صورت اول امر عدمی و به معنای بازداشتن دیگران از ارتکاب رفتار ناپسند می باشد و در صورت دوم، امری وجود دارد که به معنای جلوگیری نفس از انجام فعل (کف النفس) است. آن چه در عنوان این فریضه آمده است نهی به معنای اول است.

ج. معروف

معروف در لغت به معنای هر عملی است که شایستگی آن در دین یا خرد آدمی محرز گشته و به نیکی شناخته شده است. (3) سپس مثالی می آورد: «بر همین اساس، میانه روی در جود و بخشش معروف شمرده شده است زیرا این کار نزد عقل و شرع مستحسن (پسندیده) است»؛ و نیز در لغت به معنای ،نیک ،خوب شناخته شده. (4)

در آیات قرآن مانند (فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ) (بقره /231)، (عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ) (نساء/ 19) (و قُولُوا لَهُمْ قَولاً مَعرُوفاً) (نساء/8) آمده است؛ علامه طباطبایی، معروف را به معنای آن چه با ذائقه افراد جامعه سازگار و در میان آنان مرسوم و متداول باشد،

1- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ص 24

2- همان، ص 25

3- همان، ص 331

4- ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین، لسان العرب، ج 9، ص 236؛ ابن اثیر مبارک بن محمد، النهایة في غریب الحدیث، ج 3، ص 3، ص 216؛ جوهری، إسماعیل بن حماد الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، ج 4، ص 1401.

دانسته و می گوید: «فالمعروف یتضمن هدایة العقل و حکم الشرع و فضیلته الخلق الحسن و سنن الأدب» (1) در این معنا مرجع تشخیص معروف علاوه بر عقل و شرع، عرف اجتماعی نیز می باشد.

د. منکر

منکر ضد معروف بوده و به معنای عملی است که نزد شرع و عقل به نیکی شناخته نشده است. (2) همچنین منکر به معنای زشت، ناپسند و مردود آمده است. (3)

منکر در قرآن مانند آیات (فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ) (نور/ 21) و (إِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَراً مِنَ الْقَوْلِ) (مجادله/2) به معنای هر عملی است که به نیکی شناخته نشده باشد و از آن به حرام یا مکروه تعبیر می شود.

در تبیین معنای معروف و منکر اقوال گوناگونی ارائه شده است؛ برخی معنای معروف و منکر را واجبات و محرمات می دانند. (4) برخی دیگر مستحبات و مکروهات را نیز به معنای این دو افزوده اند. (5)

امر به معروف وادار کردن دیگران به پیروی از اوامر پروردگار است به زبان باشد یا به عمل نهی از منکر مانع شدن از انجام گناهان است آن هم به زبان باشد یا به عمل با توجه به معانی فوق، می توان گفت که حدود امر به معروف و نهی از منکر محدود به امور عبادی یا اخلاقی نمی شود بلکه شامل تمام برنامه های اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، فرهنگی، اقتصادی و معنوی است.

بنابراین معروف، آن است که خوبی آن به واسطهٔ عقل یا شرع شناخته شده باشد و در دین، شامل واجبات و مستحبات می گردد. منکر، آن است که به خوبی شناخته نشده و به زشتی و بدی معرفی شده باشد چه به واسطهٔ عقل باشد یا شرع و یا هر دو.

1- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 2، ص 236.

2- راغب اصفهانی، حسین بن محمد المفردات فی غریب القرآن، ص 55

3- جوهری، إسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، ج 2، ص 836؛ ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین، لسان العرب، ج 5، ص 232؛ فراهیدی، کتاب العین، ج 5، ص 355.

4- تفتازانی، مسعود، بن عمر شرح المقاصد في علم الکلام، ج 2، ص 580.

5- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله النافع لیوم الحشر في شرح باب الحادی عشر، ج 1، صص 57-58

مفهوم سیره

سیره بر وزن فعله از ریشهٔ «س ی ر» در لغت عبارت است از: «السیره: الطریقة و منه سار بهم سیرة حسنة أو قبیحة، والجمع سیر مثل سدرة و سدر و السیرة أیضاً: الهیئة و الحالة.» (1) روش، حالت و هیأت و به معنای رفتن و سیر کردن در زمین است؛ و به گذشتن روان شدن و حرکت کردن دلالت می کند. در اصطلاح: «ثبات حالت، هیأت و روش مستمر است که آن را می توان سنت، مذهب، روش، رفتار راه و رسم سلوک طریقهٔ خاص زندگی معنا کرد». یکی از معانی سیره نیز «سنت» است که عبارت است از: «مجموعه رفتار و گفتار پیامبر صلی الله علیه وآله و اهل بیت او». (2) گاهی افزون بر رفتار و گفتار، تقریر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او را نیز شامل می شود که در این صورت سیره عبارت است از: «رفتار، گفتار و تقریر (امضای) معصوم علیه السلام». (3) چنان که معصومی در برابر عملی سکوت کند و شخص انجام دهنده را راهنمایی نکند، به معنای این است که آن عمل را پسندیده و از آن خشنود است یا دست کم از آن ناراضی نیست وگرنه باید یادآوری می کرد این اصطلاح بیشتر در علم اصول به کار می رود. بر همین اساس نویسنده در این مقاله از مفهوم سیره که دلالت بر رفتار کردار و عمل معصوم علیه السلام می کند، بیشترین استفاده را نموده است.

ضرورت امر به معروف و نهی از منکر در سیره رضوی

امر به معروف و نهی از منکر ریشه در فطرت آدمی دارد. در ادوار مختلف تاریخ بشری نیز هشدار و تشویق وجود داشته است ترک این دو فریضه سبب سقوط و مرگ جامعه می شد ضرورت به کمال رسیدن انسان و هدف از آفرینش اوست که آدمی را وادار می نماید به مناهی آگاه گردد و معارف را به کار بندد. امر به معروف و نهی از منکر نه تنها عامل کمال و تکامل روحی فرد بلکه عامل پیشرفت جامعه بوده و در حقیقت یک ضرورت فردی و اجتماعی است.

ارزش و اهمیتی که در مکتب مقدس اسلام به امر به معروف و نهی از منکر داده

1- طریحی، مجمع البحرین، به تحقیق سیداحمد الحسینی، ج 3، ص 339

2- داوودی، محمد سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ج 2، ص 20.

3- طباطبایی (حکیم)، سید محسن حقائق الأصول، ج 2، ص 110.

شـده است و انسان ها را مسـئول یکـدیگر و نیز مسـئول دین خویش دانسـته است، در دیگر ادیان و مکاتب یا وجود ندارد یا چنان اهمیتی برایش قائـل نشـده انـد. این دو فریضه در بین اصول اسـلامی جایگـاه رفیع و بلنـد مرتبه ای داشـته و مورد توجه و عنایت ویژه حق تعالی و پیشوایان دینی علیهم السـلام بوده است به طوری که در جامعه اسـلامی از صدر اسـلام پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و یاران و اصحاب ایشان و نیز پیشوایان معصوم علیهم السلام بالاخص امام رضا علیه السلام از این دو فریضه برای پاسداری از اصول مکتب به مثابه مؤثرترین ابزار و نیز یک تکلیف الهی بهره گرفته اند. مسـلمانان نیز آن را وظیفهٔ الهی خود دانسـته و به اجرای این فریضه بزرگ پایبند بوده و اهمیت خاصی برای آن قائل بوده اند.

امـام رضـا علیه السـلام در کتـاب عیون اخبـار الرضـا علیه السـلام، فریضه امر به معروف و نهی از منکر را واجب می دانـد در صورتی که خطری برای آمر و عامل نداشـته باشد، آن جا که می فرمایند: (وَ اَلْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ اَلنَّهْیُ عَنِ اَلْمُنْکَرِ وَاجِبَانِ إِذَا أَمْکَنَ وَ لَمْ یَکُنْ خِیفَةٌ عَلَی اَلنَّفْسِ) (1) امر به معروف و نهی از منکر در صورت امکان و نبودن خطر جانی واجب اند.

هر بررسـی کننـده آگاه و تیزبین در بررسـی تاریـخ زندگی پیشوایان معصوم علیه السـلام این نکته را به درستی مشاهده می کند که «امر به معروف و نهی از منکر» از کودکی تا پایان عمر ارتباط ناگسسـتنی با تمام مقاطع زندگی آنان داشـته است و آنان، در تمامی مقاطع سـنی از کودکی تا پایان عمر پیوسته برپا دارنده این فریضه بزرگ بوده اند و در برپایی آن توصیه فراوانی نموده اند.

ائمه معصوم علیهم السـلام بالاخص امام هشـتم علیه السـلام در ادای این رسالت الهی از هیـچ تلاشـی فروگـذار نکردنـد و حتی فراتر از محدودهٔ رسالت خویش بر این کار اصـرار ورزیدند. تلاش و اصـرار آنان به سبب اهمیت این فریضه الهی بود آن ها به دلیل قلب سرشار از رأفت و رحمت حاضـر نبودند هیچ کس به منکرات آلوده شده، به خشم خدا گرفتار آید. در اهمیت امر به معروف و نهی از منکر حضـرت امام رضا علیه السلام می فرمایند: «وقتی امت من از امر به معروف و نهی از منکر شانه خالی کردند و آن را به یکدیگر واگذار

1- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج 16، ص129 باب 2 از ابواب امر و نهی، ح 8.

کردند، حتماً بدانند با هلاکت و عذاب الهی روبه رو خواهند شد». (1)

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر و ضرورت توجه به آن چیزی نیست که در آن جای بحث و گفت و گو باشد امر به معروف و نهی از منکر در میان فرائض اسلام از لحاظ موقعیت و اهمیت دارای امتیاز مخصوصی است وجوب امر به معروف و نهی از منکر مانند وجوب نماز، روزه و زکات از ضروریات دین است و کسی که از روی توجه به لوازم آن وجوب آن را انکار کند جزء کفار محسوب می شود. در این رابطه قرآن می فرماید: (2) «لازم است در میان شما مسلمانان جماعتی برای دعوت مردم به کارهای نیک و امر کردن مردم به معروف و نهی آنان از منکر قیام کنند و تنها راه سعادت این است». (آل عمران/ 104) در آیه دیگری می فرماید: (3) «یعنی شما فلاح و مسلمانان به علت این که به وظیفهٔ امر به معروف و نهی از منکر قیام می کنید و ایمان به خداوند دارید بهترین امت های جهان می باشید» (آل عمران/110)

دلیل اهمیت امر به معروف و نهی از منکر نقش اساسی آن در تحقق دیگر احکام دینی است. بی گمان اجرای درست آن اجرای دقیق احکام دینی و ترک آن، فراموشی احکام دینی را در پی دارد بنابراین بر همهٔ افراد واجب است که به نیکی امر و از بدی نهی کنند؛ در همین زمینه امام رضا علیه السلام در روایتی دیگر فرموده است: (لَتَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهُنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ، أَوْ لَيَسْتَعْمِلَنَّ عَلَيْكُمْ شِرارُكُمْ، فَيَدْعُو خِيارُكُمْ فَلا يُسْتَجابُ لَهُمْ) (4) اگر امر به معروف و نهی از منکر نکنید، اشرار بر شما چیره می شوند در این حال حتی اگر نیکان دعا کنند مستجاب نمی شود در روایت دیگری از حضرت رضا علیه السلام آمده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره می فرموده: (اِذَا أُمّتِی تَوَاکَلَتْ الأمرَ بالمَعرُوفِ وَالنّهَی عَن المُنکَرِ فَلْیَأْذَنُوا بوقاع مِنَ الله تَعَالی)؛ (5) اگر روزی بر امتم برسد که امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر واگذار کنند در آن روز باید

1- همان، ج 11، ص 394.

2- (وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَأُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)

3- (كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَ تُؤْمِنُونَ باللهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَاء لَكَانَ خَيْرًا لَهُم مِّنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ ....)

4- همان، ج 16، ص118 .

5- همان، حدیث 5

اعلان جنگ با خدای تعالی کنند. حضـرت در روایت دیگری می فرمایند: زمانی که امت من در مورد امر به معروف و نهی از منکر کار را به گردن دیگران بیندازند و هر شخصی یا دسته ای به انتظار بنشیند که دیگران آن کار را انجام دهند، در این صورت باید در انتظار فرا رسیدن عذاب الهی و گرفتار شدن به یک زندگی نکبت بار باشند. (1)

بخش دوم: مصادیق امر به معروف و نهی از منکر در سیره رضوی

در حقیقت در بررسـی فریضه امر به معروف و نهی از منکر در سـیره ائمه علیهم السلام بالاخص سیره رضوی هم می توان به سیره کلامی (نظری) ایشان استناد کرد و هم به سیره عملی

در فرهنگ دین اسلام و نگاه عقل، گسترهٔ معروف شامل مسائل اعتقادی (ایمان به خدا، معاد، پیامبران، عدالت، و...)، عبادی (زکات، دعا، نیایش، توکل، یاد خدا و...)، اخلاقی (نیکی به پدر و مادر، فرو بردن خشم، بخشش و گذشت و...) خانوادگی (ازدواج، صله رحم و ...)، اقتصادی (قناعت، انفاق و...) ، اجتماعی (خیرخواهی مسـلمانان، گره گشایی، حفظ اتحاد و...)، سیاسی (احترام به قوانین نظام اسلامی و حفظ ارزش های آن و...) می باشد.

گستره منکر شامـل مسـائلی مثـل منکرات اعتقادی (کفر به اصول و فروع دین، ترویـج باطل و...)، منکرات اخلاقی (دروغ گویی، غیبت، حسـد و...)، منکرات خـانوادگی (عاق والـدین، قطع پیونـد خویشاونـدی و...)، منکرات اقتصادی (احتکار، کم فروشـی و...) ، منکرات فرهنگی (جهل و نادانی، عقب گرد به سـنت های جاهلی، گرایش به فرهنگ مبتذل غربی، معرفی الگوهای غیر اسلامی، اختلاط دختران و پسران، عدم رعایت حجاب و...) می شود.

منکر را نمی توان منحصـر در مصادیق خاص دانست آن چه در فرهنگ قرآن، منکر است کفر، نفاق، دوستی با بیگانگان، سستی در دفاع از حق، تفرقه افکنی و... است. از این رو همانگونه که بـدحجابی منکر است تضـعیف دولت ،اسـلامی ناامیـد کردن ،مردم تلقین روحیه بی تفاوتی در مردم نیز از مصادیق منکرند و باید از آن ها اجتناب کرد.

1- کلینی، محمد بن یعقوب الکافی، ج 5، ص 59

امر به معروف و نهی از منکر به معنای عام آن، هرگونه تلاشی است که شخص برای تأثیر بر دیگری انجام می دهد؛ به گونه ای که او را وادار به انجام کار واجب کند یا از کار حرام باز دارد این کوشش مقدس، ممکن است از طرق مختلف صورت گیرد؛ مانند تعلیم حکم و موضوع موعظه تـذکر و رفتـار منـاسب و به موقع این تصور که امر به معروف و نهی از منکر فقـط تـذکرات زبـانی است، خطـاست. همچنین نباید پنـداشت که برای واداشـتن دیگران به خیر و صـلاح راه هـای محـدودی وجود داد؛ بلکه برای توسـعهٔ اصـلاحات فکری و عملی و اخلاقی صدها راه وجود دارد که هر یک از آن ها در جای خود بهتر از دیگری است.

در این جـا برخی از راههـا یـا مصـادیق امر به معروف و نهی از منکر را در سـیره رضوی نام می بریم و دربارهٔ هر یک به علت اطاله نشـدن کلاـم، انـدکی توضـیح خواهیم داد تـا علاـوه بر گسترش فرهنگ رضوی از سـیره عملی و نظری حضـرت رضا علیه السـلام الگو و راهکار مناسبی برای انجام این دو فریضه مهم ارائه نماییم.

معروف در سیره رضوی

اشاره

توجه کامل به مسائل اخلاقی و اجتماعی شامل:

اهمیت به نماز اول وقت

همـهٔ پیامبران و اولیای الهی پس از معرفت خدا و اصول اعتقادات نماز را بر همه چیز مقدم می شـمردند و آن را پیوند مقدس عبد سالک با ربّ مالک می دانستند از منظر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام هیچ عملی برتر و ارزشمندتر از نماز نیست. زیرا نزدیک ترین راه برای رسیدن به قرب الهی است.

آن حضـرت بارها می فرمودند: (الصَّلَاهُ قُرْبَانُ کُلِّ تَقِیٍّ) (1) نماز هر نماز هر انسان پارسایی به خداونـد نزدیک می کند. امام هشـتم علیه السـلام اهمیت نماز و تأثیر آن را در جامعه و آثار پربار نمازهای جماعت و قدرت تحول آفرینی آن را به مسلمانان و زمامداران ثابت نمود، لذا به هیچ قیمتی فضیلت نماز اول وقت را از دست نمی داد. حتی در مهمترین جلسات سیاسی و علمی به نماز اول وقت اهمیت می داد. مناظره جالب و خواندنی

1- همان، ج 3، ص 265.

امام رضا علیه السلام با عمران صابی که خیلی مشهور می باشد در بیان تأیید اهمیت نماز اول وقت می باشد چنان که در روایت آمده است زمانی که حضرت رضا علیه السلام در خراسان بود، روزی یکی از دانشمندان بزرگ به نام عمران صابی که منکر خدا بود، به مجلس آن حضرت آمد و بین آن دو مذاکره و بحث شروع شد و ادامه یافت. بحث به جای داغ و باریکی رسیده بود و در همین هنگام صدای اذان ظهر به گوش رسید. امام همان لحظه برای نماز آماده شد و به مأمون عباسی گفت: وقت نماز فرارسیده است. عمران صابی با احساسات پرشور به امام عرض کرد: ای آقای من قلبم رام و آماده شده بحث خود را قطع مکن بنشین پس از پایان بحث برای نماز برو. آن حضرت با کمال قاطعیت گفت نماز را برگزار کنیم سپس برای بحث برمی گردیم. امام با همراهان برخاستند و نماز خواندند و پس از اقامه نماز به همان مجلس بازگشت و به بحث ادامه داد. (1) این روایت نشان دهندهٔ ارزش و اهمیت امر معروفی به نام نماز را می رساند چنان که حضرت در مهمترین زمان که می توانست عمران صابی را هدایت کند امر به نماز خواندن اول وقت می کند تا خود این معروف باعث هدایت شدن عمران صابی شود به این ترتیب امام رضا علیه السلام عملاً امر به معروف کرد و در شرایط بحرانی نماز اول وقت را از یاد نبرد برخاست و پس از ادای نماز به مجلس بحث بازگشت و به ما آموخت که حریم مقدسات را حرمت نهیم.

در حدیث دیگری آمده است ابراهیم بن موسی از القزاز روایت می کند امام رضا علیه السلام برای استقبال از بعضی از طالبان خارج شد در حالی که من با عده ای از یاران با آن حضرت همراه بودیم وقت نماز فرا رسید قصری در آن حوالی بود. امام با یاران به سوی آن رفتند و در کنار سنگ بزرگی ایستادند و سپس امام علیه السلام به من فرمودند: اذان بگو عرض کردم منتظر رسیدن و ملحق شدن بعضی از یاران هستیم که بیایند. حضرت فرمود: خدا تو را بیامرزد نماز را از اول وقت بدون عذر به تأخیر نیانداز بر تو باد خواندن نماز در اول وقت راوی گفت: پس اذان گفتم و نماز خواندیم. (2)

1- ابن بابویه، محمد بن علی عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 172

2- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 3، ص 21

خواننـده محترم، نمازی که امام رضا علیه السـلام به پا داشت نماز جماعت بود که هر چه جمعیت بیشتر باشد، ثواب آن بیشتر است، ولی توجه کردید که امام علیه السـلام اجازه نداد نماز اول وقت که یک امر معروف به شـمار می آید به خاطر رسیدن و ملحق شدن بقیه یاران به تأخیر بیفتد بلکه تأکید کرد که نماز اول وقت خوانده شود و تأخیر را صـلاح ندانست. این که امام رضا علیه السلام فرمود: ای موسی، بر تو باد که همیشه نماز را در اول وقت بپا داری؛ خطاب به فرد فرد ماست و اختصاص به آن شخص ندارد.

در روایت دیگری آمـده است یکی از کنیزان مـأمون چنین گفته است: «هنگـامی که در منزل مـأمون بـودیم در بهشـتی از خـوردنی هـا و نوشیدنی ها و بوی خوش و پول فراوان به سر می بردیم اما همین که مأمون مرا به امام رضا علیه السلام بخشید، دیگر از آن همه ناز و نعمت خبری نبود زنی که سرپرست ما بود شب ما را بیدار می کرد و به نماز وادار می ساخت که بر ما سخت ما سخت و گران می آمد و آرزو می کردم از آن جا رهایی یابم...» که البته به زودی توسط حضرت به دیگری بخشیده شد، زیرا لیاقت خدمت در منزل امام را نداشت. (1)

همان طور که ملاحظه می شود امام به نماز شب خواندن اهل منزل عنایت داشـتند؛ لذا به سـرپرست زنان دسـتور داده بودند تا آن ها را در آن موقع بیـدار کنند. در این جا یادآوری این نکته بجاست که میان تحمیل عقیده و تحمیل عمل در برخی امور تفاوت وجود دارد. در قرآن کریم می خوانیم (لا إِکْراهَ فِی الدِّینِ). در دین تحمیل عقیده راه ندارد (بقره/ 256) در صورتی که تحمیل عمل در برخی موارد که مصلحت بالاتری وجود دارد نه تنها جایز بلکه ضروری می باشد. برای مثال وقتی معلمی دلسوز، دانش آموز خود را به انجام پاره ای از تکالیف وادار می سازد، هیچ گاه نمی خواهد تحمیل عقیده نماید بلکه به علت در نظر گرفتن صـلاح و مصلحت دانش آموزش کاری را اجبار می کند و چه بسا همان دانش آموز پس از رسیدن به مدارج عالی علمی از کار معلم بسیار خشنود و دلشاد گردد.

ایشان در جای دیگر می فرمایند هر گاه در حال کسب و کار بودی و وقت نماز

1- ابن بابویه، محمد بن علی عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 179.

رسید، کسب و کار تو را از نماز باز ندارد. (1) ایشان در این فراز ترک کردن کار و تلاش را در هنگام اجرای فریضه معروفی به نام نماز تذکر می دهند و از ما می خواهند به هیچ وجه معروف را ترک نکنیم.

امام و نصیحت زمامدار

نقش امر به معروف و نهی از منکر به حدی در زندگی آن حضرت بارز بود که یکی از مهمترین علل شهادت حضرت رضا علیه السلام محسوب می گردد.

مرحوم شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام در باب اسباب شهادت آن حضرت، سه خبر نقل کرده است که مؤید ادعای مزبور می باشد. جالب این جاست که در ضمن خبر اول حضرت به پرونده ثروت های بادآورده مأمون و غیرقانونی بودن آن ها نیز اشاره کرده است.

(... وَكَانَ الرِّضَا علیه السلام لايُحَابِی المأمون مِنْ حَقٍّ وَ كَانَ يُجيبُهُ بمَا يَكْرَهُ فِی أكثر أحوَالِهِ فَيَغِيظُهُ ذَلِكَ، وَ يَحْقِدُهُ عَلَيْهِ، وَ لَا يُظْهِرُهُ لَهُ. فَلَمَّا أَعْيَتْهُ الْحِيلَهُ فِی أَمْرِهِ اغْتَالَهُ فَقَتَلَهُ بِالسَّم) (2)؛ ... و عادت امام رضا علیه السلام این بود که از بیان حق در برابر مأمون باک نداشت، و در بسیاری از حالات مأمون به او جواب هایی می داد که بر وی ناپسند می آمد. این ها موجب غیظ و خشم مأمون می شد، و در دل حقد و کینه می بست، اما بر امام رضا علیه السلام ظاهر نمی کرد. چون تدبیر و حیله در امر امام رضا علیه السلام برای مأمون ایجاد خستگی و سختی نمود، با مرگ پنهانی و غیله او را با خورانیدن سمّ بکشت.

در بسیاری از موارد دیده می شد که حضرت بارها مأمون را امر به انجام معروف می نمود و هنگامی که عمل منکری را انجام می داد او را از این کار باز می داشت.

زهد امام

مرحوم ابن شهر آشوب (متوفا به سال 588) نیز می نویسد: روزی امام وارد حمام شد، مردی (که حضرت را نمی شناخت) از وی درخواست کرد تا او را کیسه کشد، امام نیز پذیرفت و مشغول شد حاضران به آن ،مرد حضرت را معرفی کردند و او با

1- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 103، ص 100.

2- ابن بابویه، محمد بن علی عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 237 و 238؛ علل الشرایع، ج 1، ص 228؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 49، ص 288 - 290

کمال شـرمندگی و سـرافکندگی از حضـرت پوزش خواست اما حضـرت رضا علیه السلام او را آرام نمود و به کار خود همچنان ادامه داد. (1)

و نیز آن جا که از «ابراهیم بن عباس» نقل شده است که در خصوص حضـرت امام رضا علیه السـلام می گوید: «هیچ گاه ندیدم امام رضـا علیه السلام در سخن بر کسی جفا ورزد، و نیز ندیدم که سخن کسی را پیش از تمام شدن قطع کند هرگز نیازمندی را که می توانست نیازش را برآورده سازد رد نمی کرد در حضور دیگری پایش را دراز نمی فرمود، هرگز ندیـدم به کسـی از خـدمتکاران و غلامانشان بـدگویی کنـد، خنده او قهقهه نبود، بلکه تبسم بود چون سفره غذا به میان می آمد همه افراد خانه حتی دربان و مهتر را نیز بر سفرهٔ خویش می نشاند و آنان همراه با امام غذا می خوردند. شب ها کم می خوابید و بیشتر بیدار بود و بسـیاری از شب ها تا صـبح بیدار می ماند و به عبادت می گذراند بسـیار روزه می داشت و روزه سه روز در هر ماه را ترک نمی کرد کار خیر و انفاق پنهانی بسـیار داشت و بیشتر در شب های تاریک مخفیانه به فقرا کمک می کرد. (2)

یا در حدیث دیگری تواضع امام در هنگام به دست آوردن نعمت آمده است که ابراهیم بن عباس می گوید: (کَانَ اَلرِّضَا عَلَیْهِ السَّلاَمُ یُنْشِدُ کَثِیراً إِذَا کُنْتَ فِی خَیْرٍ فَلاَ تَغْتَرِرْ بِهِ وَ لَکِنْ قُلِ اَللَّهُمَّ سَلِّمْ وَ تَمِّمْ). (3)

ابراهیم بن عبـاس گفت: امـام رضـا علیه السـلام بیشتر اوقـات این شـعر را زمزمه می کرد. هنگامی که در ناز و نعمت هستی به آن مغرور مباش، بلکه بگو خدایا نعمتت را تمام کن و سـلامتی بده تمام این رفتار و کردار حضـرت نشان دهنده این است که حضـرت با سیره عملی خود مصـداق معروف و منکر را معرفی می کنـد تـا عاملاـن امر به معروف و نهی از منکر الگو و راهکار مناسبی برای ادای این دو فریضـه داشته باشند.

مهمان نوازی و مذمت به کارگیری مهمان

عبید بن أبي عبدالله البغدادی عمن أخبره قال: (نَزَلَ بِأَبِی اَلْحَسَنِ اَلرِّضَا عَلَیْهِ اَلسَّلاَمُ ضَیْفٌ وَ

1- ابن شهر آشوب، مناقب، ج 4، ص 362؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 49، ص 99.

2- اربلی، کشف الغمه، ج 2، ص 316؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 49، ص 90.

3- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 191، ح 9.

كَانَ جَالِساً عِنْدَهُ يُحَدِّثُهُ فِي بَعْضِ اَللَّيْلِ فَتَغَيَّرَ اَلسِّرَاجُ فَمَدَّ اَلرَّجُلُ يَدَهُ لِيُصْلِحَهُ فَزَبَرَهُ أَبُو اَلْحَسَنِ عَلَيْهِ اَلسَّلاَمُ ثُمَّ بَادَرَهُ بِنَفْسِهِ فَأَصْلَحَهُ ثُمَّ قَالَ عليه السلام: (إِنَّا قَوْمٌ لاَ نَسْتَخْدِمُ أَضْيَافَنَا.)) (1)

عبید بن ابی عبدالله بغدادی از شخصی نقل می کند که گفت: در محضر امام رضا علیه السلام بودم که میهمانی بر او وارد شد هنگامی که امام با میهمان مشغول صحبت بود، شعله چراغ تغییر کرد، میهمان دستش را دراز کرد تا آن را اصلاح کند امام علیه السلام او را از این کار باز داشت و خودش آن را اصلاح نمود، سپس فرمود: «ما مردمی هستیم که میهمانان خود را به کار نمی گماریم».

توجه به حقوق شهروندان، کارگران و خدمه

شخصیت واقعی افراد، نوعاً در تعامل با یکدیگر تبلور یافته و جوهره اصلی آن ظاهر می شود توجه به حقوق شهروندان کارگران و خدمه یکی دیگر از مصادیق معروف در رفتارهای امام علیه السلام است. ایشان به هنگام غذا خوردن، حتی حقوق افرادی که کمتر مورد توجه اند، را به دقت مراعات می کردند.

از عواملی که موجب بروز هیجان های اجتماعی و استرس های فردی است، شفاف نبودن قراردادهاست. امروزه کارفرما با به کار گرفتن عده ای کارگر به منافعی زیاد می رسد اما شاید شنیده باشید کارگرانی که مدت ها از حقوق روزانه خود محروم اند و کارفرما حق آنان را نمی دهد و همین امور به بیماری های روحی و روانی در افراد منجر شده است. الگویی که حضرت به همهٔ نسل ها ارائه می دهد کاملاً منطقی و به روز است. سلیمان بن جعفر می گوید خدمت امام علیه السلام بودم خواستم به خانه ام بازگردم. امام فرمود: با من بیا و امشب را نزد من بمان با آن حضرت روانه شدم تا وارد خانه شدیم هنگام غروب آفتاب بود و غلامان در محل نگهداری حیوانات مشغول کار بودند با آنان مرد سیاهی کار می کرد که از غلامان حضرت نبود. امام علیه السلام فرمود: این مرد که با شماست کیست؟ گفتند به ما کمک می کند و مزدش را می دهیم. امام علیه السلام فرمود: اجرتش را معین کرده اید؟ گفتند خیر، هر چه به او بدهیم راضی است. امام علیه السلام به شدت برآشفت. گفتم: فدایت شوم چرا خشمگین می شوید؟ فرمود: من بارها آن ها را نهی کرده ام از این که کسی را پیش از آن که اجرتش را معین

1- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 49، ص 102، ح 20؛ کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج 6، ص 283.

کنند، به کار گیرند امام علیه السلام به نکته مهمی اشاره می کنند که خوب است به دقت خوانده و برای همگان نقل کنیم فرمودند: اگر سه برابر آن چه مزدش است، به او بپردازی باز گمان می کند که از اجرت او کاسته ای و اگر پیش از انجام دادن مزدش را معین کنی و پس از آن پرداخت کنی تو را به سبب وفای به عهد می ستاید و اگر اندکی زیادتر از مزدش به او بدهی آن را بخششی از تو می داند. (1)

نزاع هایی را شاهدیم که با اندکی دقت از آن ها پیشگیری می شود. حقوق کارگر از مهمترین حقوق است حقوقی که قبل از خشک شدن عرق پیشانی باید پرداخت شود و چه زیبا امام به قانون کار و نقش آن در آرامش و امنیت زندگی اشاره می کنند. آیا این الگوی رفتاری امام علیه السلام بهترین مؤثرترین و پایدارترین روش یادگیری مفاهیم آموزشی، دینی و... نیست. این شیوه رفتار آن قدر مهم است که در فقه بابی تحت عنوان «سنت» مطرح است در این باب به رفتار امام علیه السلام در مقام حجت و دلیل استناد می شود و قانون نویسان و عاملان امر به معروف و نهی از منکر بهتر است به این شیوهٔ امام علیه السلام دقت بیشتری داشته باشند.

نکته دیگری که در این باره باید بدان اشاره کرد التزام عملی امام علیه السلام به قانون است. مشکل نسل امروز نبود قانون نیست بلکه عمل نکردن به قانون است. امام علیه السلام با تأسی به قانون اسلام به سایر خدمه اعتراض می کنند و آن ها را نهی می کنند که چرا قانون را مراعات نمی کنید؟ که حقیقتاً مصادیق امر به معروف و نهی از منکر در این شیوهٔ حضرت نمایان است، زیرا اصولاً امام و رهبر سمت الگودهی دارند و آحاد جامعه نیز سِ مَت الگوگیری و می بینیم پیشوای هشتم چگونه نقش خود را ایفا نمودند. سیره درس آموزی حضرت، نوعاً رفتاری بود تا با گفتار و کردار خویش دیگران را به مراعات قانون (معروف) وادار کنند قانون چیزی جز مراعات حقوق افراد نیست و امام علیه السلام احترام حقوق دیگران را در جای جای زندگی به مردم نشان داده اند.

امر به انفاق

امام رضا علیه السلام در نامه ای به فرزندش امام جواد علیه السلام نوشت ای ابوجعفر! به من خبر

1- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 68، ص 157

رسـیده است وقتی می خواهی از منزل بیرون روی غلامان تو را از درب کوچک منزل بیرون می برند و این به دلیل بخل آن هاست که نمی خواهنـد از سوی تو خیری به نیازمندان برسد به حقی که بر تو دارم سوگندت می دهم که پیوسـته از در بزرگ رفت و آمد کن وقتی که سوار مرکب می شوی درهم و دینـار به همراه داشـته بـاش و به هر کسـی که از تو درخواستی می کنـد عطا کن عموهایت از تو کمک خواسـتند بخشش تو به آن ها کمتر از پنجاه دینار نباشد اگر بیشتر دادی اختیار با توست و اگر عمه هایت درخواست کمک کردند کمتر از 25 دینار به آن ها نـده، اگر بیشتر دادی مختاری، همانا من می خواهم خداوند مقام تو را بالا برد پس انفاق کن و از کم شدن در درگاه خداوند صاحب عرش ترسی به خود راه نده. (1)

در روایتی دیگر آمـده است: (عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلاَّدٍ ، قَالَ: كَانَ أَبُو اَلْحَسَنِ اَلرِّضَا (عَلَيْهِ اَلسَّلاَمُ) إِذَا أَكَلَ أُتِيَ بِصَحْفَهٍ، فَتُوضَعُ بِقُرْبِ مَائِدَتِهِ، فَيَعْمِدُ إِلَى أَطْيَبِ اَلطَّعَامِ مِمَّا يُؤْتَى بِهِ، فَيَأْخُذُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ شَيْئاً، فَيُوضَعُ فِي تِلْكَ اَلصَّحْفَهِ، ثُمَّ يَأْمُرُ بِهَا لِلْمَسَاكِينِ...)؛ (2) معمر بن خلاد گوید: امام رضا علیه السـلام به هنگام خوردن غذا، سـینی بزرگی برایش آورده می شد و در کنار سـفره اش قرار می گرفت و آن حضرت از بهترین غذاهایی که برایش آورده می شد، مقداری بر می گزید و در آن می نهاد، سپس آن را برای فقرا می فرستاد.

در این دو روایت به خوبی مشـخص و معین است که حضـرت اصرار بر انفاق کردن و کمک به فقرا و نیازمندان که از مصادیق معروف می باشـد دارند. ایشان در این روایت فرزندش را امر به انفاق می کند و مصادیق انفاق را نیز مشـخص و معین می نمایند و تأکید بر این مسـئله می کنند که در هر زمان و مکان نباید اوامری که معروف هسـتند و به اعمال نیک مشهور می باشند ترک کرد بلکه باید اذعان داشت بهترین راه برای داشتن یک زندگی آسوده و راحت میانه روی در خرج کردن است. و این راهی است که در اسلام و قرآن به ما می آموزند.

امام و صله رحم

از جمله الطاف الهی که خداوند در اثر بعضی از اعمال بنده را مورد عنایات

1- قمی، عباس، الأنوار البهیه، ص 661

2- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 49، ص 97، ح 11.

خاصه خود قرار داده و از نعمت هایی که اصلاً به ذهن نمی گذرد، بهره مند می فرماید، صله رحم است. در این باره امام رضا علیه السلام می فرمایند: (تَزَاوَرُوا تَحَابُّوا وَ تَصَافَحُوا وَ لَا تَحَاشَمُوا) (1) به دیدن یکدیگر روید تا یکدیگر را دوست داشته باشید و دست یکدیگر را بفشارید و به هم خشم نگیرید.

در جایی دیگر می فرمایند: (صِلْ رَحِمَکَ و لو بِشَربَهٍ مِن ماءٍ، و أفضَلُ ما تُوصَلُ بِهِ الرَّحِمُ کَفُّ الأذی عَنها) (2) صله رحم کن هر چند با جرعه آبی باشد و بهترین صله رحم خودداری از آزار اوست.

اصل هدف نباید فراموش شود و از بین برود و به فخرفروشی و تجمل گرایی مبدل گردد. صله رحم باید با تقوای الهی نیز همراه باشد حضرت در این فراز از روایت امر به انجام دادن اعمالی که معروف هستند، می نماید و دستور می دهد؛ اگر چه انجام برخی از اعمال شما اندک هستند، آن را انجام بدهید.

امام و امر به دعا

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) امید بشریت و بنیانگذار عدالت پایدار جهانی هستند. ایشان که وجودشان سراسر نور و عظمت است؛ نیاکانشان از پاک ترین مردم و دارای مقام و منزلتی والا نزد خدا هستند عصمت و فضیلت و تقوا در این خاندان انحصار یافته و ستمکاران را در مقام ولایت راهی نیست بلکه از امامی به امام دیگر منتقل می شود.

عن یونس بن عبدالرحمان عن مولانا أبی الحسین علی بن موسی الرضا علیه السلام (أَنَّهُ کَانَ یَأْمُرُ بِالدُّعَاءِ لِلْحُجَّةِ صَاحِبِ الزَّمَانِ) (3) از یونس بن عبدالرحمن نقل شده: امام علی بن موسی علیه السلام ما را همواره به دعا برای امام زمان علیه السلام امر می نمود.

یکی دیگر از مظاهر زندگی روحانی امام رضا علیه السلام این است که وی در مناجات با خدا از دعا به مثابه یک حربه استفاده می نمود و در تمام امورش به آن اشاره می کرد چرا که در دعا و تضرع سودی معنوی یافته بود که هیچ سودی در زندگی با آن برابری نمی کرد و همیشه یاران خود را به دعا کردن امر می فرمودند: (أَنَّهُ کَانَ یَقُولُ

1- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 78، ص 347؛ حرانی ابن شعبه تحف العقول، ص 445.

2- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص3؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 2، ص151.

3- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار ج 33، ص 95 ح 4 و ص 332، ح 5.

لِأصحابِهِ: عَلَيْكُمْ بِسِلاح الأنبياءِ، فَقيلَ: وَ ما سِلاح الأنبياء؟ قال: الدُّعاءُ.) حضرت رضا علیه السلام همیشه به اصحاب خود می فرمود: بر شما باد به اسلحه پیامبران، گفته شد: اسلحه پیامبران چیست؟ فرمود توجه به خداوند متعال و دعا کردن و از او کمک خواستن می باشد. (1)

با فضیلت ترین اعمال در نزد خداوند دعا کردن برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. دعا که یکی از مصادیق معروف به شمار می رود و نقش اساسی در زندگی مسلمانان دارد به همین علت امام رضا علیه السلام علاوه بر این مسئله بسیار تأکید داشتند، و همه را به دعا برای فرج امام زمان علیه السلام امر می فرمودند.

حُسن ظنّ به خدا

حضرت می فرمایند: (أحْسِن الظّنّ بِاللّهِ، فَإِنّ مَنْ حَسُنَ ظَنُّهُ بِاللهِ كانَ الله عِنْدَ ظَنّهِ وَ مَنْ رَضِيَ بِالْقَليلَ مِنَ الرّزْقِ قُبلَ مِنْهُ الْيَسِيرُ مِنَ الْعَمَلِ. وَ مَنْ رَضِيَ بِالْيَسير مِنَ الْحَلال خَفّتْ مَؤُونَتُهُ وَ نَعْمَ أَهْلُهُ وَ بَصَرَهُ اللهُ داءَ الدُّنْيا وَ دَواءَها وَ أَخْرَجَهُ مِنْهَا سالِمًا إلى دارِ السّلام)؛ (2) به خداوند خوش بین باش، زیرا هر که به خدا خوش بین باشد، خدا با گمان خوش او همراه است و هر که به رزق و روزی اندک خشنود باشد، خداوند به کردار اندک او خشنود باشد و هر که به اندک از روزی حلال خشنود باشد، بارش سبک و خانواده اش در نعمت باشند و خداوند او را به درد دنیا و دوایش بینا سازد و او را از دنیا به سلامت به دارالسلام بهشت رساند.

همهٔ این موارد ذکر شده در این روایت مصادیق معروفی هستند که حضرت به انجام آن ها تأکید می ورزیدند و سفارش فراوانی می کردند که انجام این اعمال نیک و شایسته، انسان را به معبود الهی و بهشت برین نزدیک می گرداند.

امر به عیادت از مریض

یکی از اخلاق پسندیده اسلامی و از مصادیق معروف، عیادت از بیماران و به طور کلی دید و بازدید در میان مؤمنان است در تاریخ وارد شده که آن حضرت همانند جد بزرگوارش پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم اگر چند روز یکی از دوستان و مؤمنان را نمی دید،

1- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج 2، ص 368.

2- حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ص 449

حالش را می پرسید و اگر مطلع می شد که بیمار است، به دیدار او می شتافت.

یکی از روزها فردی از شیعیان آن حضرت بیمار شد و امام رضا علیه السلام برای دیدار او به خانه اش تشریف برده، حالش را پرسیدند؟ سپس در همان چند لحظه آن بیمار را تسلّی خاطر و موعظه و اندرزش داده و به او فرمودند مردم دو گروه هستند، یکی با مرگ به راحتی و آسایش دست می یابد و دیگری با مرگش مردم را از شر خود راحت می کند. تو اگر می خواهی از گروه اول باشی، ایمان به خدا و ولایتت را تجدید کن تا پس از مرگ در آسایش باشی آن مرد چنین کرد و پس از چند لحظه در محضر پر مهر و محبّت حضرت چشم از جهان فرو بست چون یکی از شما بیمار شد باید به مردم اذن دهد بر او وارد شوند؛ زیرا هیچ کس نیست مگر آن که برای او دعای مستجابی هست. (1)

در این روایت حضرت علاوه بر سفارش عیادت از مریض، زمانی که او را در این وضع اسفناک می بیند ایشان را موعظه و سفارش به داشتن ایمان به خدا و تجدید بیعت با ولایت و امامت که از مصادیق بارز معروف به شمار می آیند می نماید.

امر به انجام معروف به صورت پنهانی

شخصی نزد امام علیه السلام آمد و به او سلام داد و گفت من یکی از آن هایی هستم که تو و پدرت را دوست دارند من از حج برگشته و پول و داراییم را تمام کرده ام و هیچ پولی ندارم تا به منزلم برسم از تو خواهش دارم که مرا به وطنم بازگردانی وقتی به منزلم رسیدم، آن چه صدقه به من داده ای از طرف تو به فقیری می دهم. امام به آن مرد فرمود: «بنشین، خدای من به تو خیر دهد» سپس امام رو به مردم کرد و با آنان سخن گفت تا متفرق شدند و کسی جز سلیمان جعفری و حیثمه باقی نماند امام اجازه ورود به خانه اش را داد او وارد شد و در را بست و گفت «خراسانی کجاست؟» خراسانی نزد او حاضر شد و امامان به او فرمود: این دویست دینار را بگیر و برای رفع احتیاج خود صرف کن و آن را از طرف من برای صدقه به فقیر مده.

آن مرد با خوشحالی آن جا را ترک کرد زیرا لطف خداوند و امام معصوم علیه السلام شامل حال وی شده بود.

1- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 49، ص 297

سپس سلیمان جعفری رو به امام کرد و پرسید فدایت شوم شما مقدار زیادی پول به آن مرد بخشیدی در حالی که صورتت را پوشاندی حضرت در جواب او گفت: این کار را به این علت انجام دادم که مبادا آثار پستی و شرمندگی در صورتش ببینم، چون ممکن است نیازش را بر طرف کرده باشم. مگر نشنیده ای این حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم را که فرمود: «کسی که در خفا عمل حسنه ای انجام دهد، مانند کسی است که هفتاد حج به موقع انجام داده است.» آیا نشنیده ای بیان شاعر را که می گوید: «وقتی برای حاجتی نزد وی (رسول خدا) آمدم، مرا با آبرو به خانه برگردانید». (1)

امر به میانه روی

امام رضا علیه السلام می فرمایند: (عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ فِي الْغِنَى وَ الْفَقْرِ وَ الْبِرُّ مِنَ الْقَلِيلِ وَ الْكَثِيرِ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُعْظِمُ شِقَّةَ التَّمْرَةِ حَتَّى يَأْتِيَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَجَبَلِ أُحُدٍ)؛ (2) بر شما باد به میانه روی در فقر و ثروت و نیکی کردن چه کم و چه زیاد زیرا خداوند متعال در روز قیامت یک نصفه خرما را چنان بزرگ نماید که مانند کوه احد باشد و بهترین راه برای داشتن یک زندگی آسوده و راحت میانه روی در خرج کردن است و این راهی است که در اسلام و قرآن به ما می آموزند.

امر به روزه گرفتن در ایام محرم

ریان بن شبیب گوید بر امام رضا علیه السلام وارد شدم در حالی که روز اول ماه محرم بود؛ پس امام علیه السلام رو به من نموده و فرمودند: ای پسر شبیب آیا امروز را روزه ای؟ گفتم: نه. فرمود: بدان امروز یعنی روز اول محرم همان روزی است که جناب زکریا به درگاه پروردگار دعا کرد و گفت: «بارالها عطا کن به من ذریه و فرزندی پاکیزه و مؤمن که من پیر شده ام و برایم ذریه ای نمانده تا نسلم به آن ادامه یابد. همانا تو شنونده هر دعا کننده ای می باشی» پس خدای متعال به احترام این روز دعای او را به اجابت رساند و ملائکه را به سوی زکریا فرستاد در حالتی که او در محراب عبادتش مشغول راز و نیاز ،بود ملائکه به او بشارت دادند که خداوند دعایش را قبول نموده و پسری به نام «یحیی» به او خواهد داد پس بدان ای پسر شبیب هر کس روز اول ماه

1- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 12، ص 28؛ قمی، عباس سفینة البحار، ج 1، ص 418 و 419.

2- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 78، ص 346

محرم را روزه بگیرد آن گـاه از درگـاه حق تعالی طلب حاجت نمایـد، خـدای عزوجل دعایش را به اجابت می رسانـد همان گونه که دعای جناب زکریا را به اجابت رساند. (1)

در حقیقت مطالبی که عنوان شد برخی از مصادیق معروف در سـیره رضوی بود که ذکر کردیم؛ خواننده ای که بتواند به سـیره رضوی با دید باز و آگاهانه نگاه کند، خواهد دید، آن حضـرت در جای جای زندگی خود (چه در سیره عملی و چه در سیره کلامی) از انجام اعمال نیک و شایسته روی گردان نبود و در مواقعی که ضرورت ایجاب می کرد و معروفی زشت و بالعکس منکری، زیبا جلوه داده می شد آن حضرت وارد عمل می شد و آن ها را امر به انجام معروف و نهی از انجام منکر می نمود، تا با بهره گیری از سیره حضرت بتوانند الگوی مناسبی برای زندگی خود پیدا کنند و آن را سرلوحهٔ امور فردی و اجتماعی قرار دهند.

در جامعه امروزی نیز مسـلمانان و شیعیان با تأسی از شیوه و سیره آن امام همام می توانند الگو و راهکار مناسبی برای انجام امور اجتماعی و فردی خـود، و اموری که مربوط به دو فریضه امر به معرف و نهی از منکر می شود داشـته باشـند تـا بـا به کـارگیری درست و صـحیح آن جامعه مطلوب اسلامی و به دور از هرگونه انجام منکرات داشته باشیم.

مصادیق منکر در سیره رضوی

اشاره

مصـادیق منکر در جامعه اسـلامی نمود بیشتری دارد تا آن جا که ائمه هـدی و پیشوایان راستین دین مبین اسـلام در جای جای زنـدگی پر برکتشان مصادیق منکر را بیان کرده اند و به انجام ندادن آن ها تأکید ورزیده اند؛ در این بخش نیز همانند بخش قبل برخی از مصادیق منکر که در سـیره رضوی آمده و آن حضـرت در سـیره عملی و کلامی خود تأکید بسـیار فراوان بر دوری و پرهیز از منکرات و اعمال ناشایسـت داشـته اند را بیان می کنیم امیدواریم با تأسـی از سیره آن حضرت بتوانیم از اعمال ناشایست و منکرات دوری کنیم و انجام کارهای نیک و معروف را سرلوحه زندگی خود قرار دهیم.

1- عطاردی، عزیز الله، مسند الامام الرضا علیه السلام، ج 2، ص 256

تواضع و فروتنی امام

مرحوم علامه مجلسی (متوفا به سال 1111) چنین نقل کرده است: مردی از اهالی بلخ گوید در سفر خراسان با حضرت همراه بودم به دستور وی سفره انداخته شد و خدمتکاران و ،غلامان چه سیاهان و چه غیر ایشان، همگی را بر سر یک سفره نشاند به امام عرض کردم فدایت شوم خوب بود برای این ها سفره جداگانه ای می انداختید. حضرت فرمود: ساکت باش پروردگار همه یکی است پدر و مادر همه یکی است و پاداش و جزا (فقط) به عمل بستگی دارد (نه بر حسب و نَسَب و جاه و مقام). (1)

این تذکر امام رضا علیه السلام به خوبی نشان دهنده تأکید ایشان به موضوع نهی از منکر فرد همراه و همچنین توصیه به برابری انسان ها است. مسلماً این گونه رفتار نزد اهل بیت علیهم السلام به منظور از بین بردن تفاوت رنگ و نژاد در میان مردم بوده و نیز عمل امام رضا علیه السلام در مسجد نشان دهنده عدم تبعیض است و این که هیچ کس بر دیگری برتری ندارد مگر این که تقوا پیشه کند و در مقابل دیگران عمل نیکو انجام دهد.

منع قرائت و تفسیرهای نادرست

امام هشتم علیه السلام در فرصت های مناسب از تفسیرهای نادرست قرآن کریم جلوگیری کرده و معنای صحیح آیه را بیان می کرد آن حضرت در ضمن گفتاری مفصل به علی بن جهم فرمود: (اِتَّقِ اَللَّهَ وَ لاَ تَنْسُبْ إِلَی أَوْلِیَاءِ اَللَّهِ اَلْفَوَاحِشَ وَ تَتَأَوَّلْ کِتَابَ اَللَّهِ بِرَأْیِکَ) (2) از خدا بترس و نسبت های ناروا به اولیای الهی نده و بپرهیز از این که کتاب خدا را طبق رأی خودت معنی و تفسیر کنی.» در یکی از جلسات علمی که در دربار مأمون تشکیل شده بود امام رضا علیه السلام «حسن بن موسی وشاء» (یکی از دانشمندان عراق) را مورد خطاب قرار داد و به او فرمود: اهل عراق این آیه قرآن را چگونه قرائت می کنند؟ (إِنَّهُ لَیْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَیْرُ صَالِحٍ) (هود/46)؛ ای نوح! او از اهل تو نیست او عمل غیر صالحی است.

او پاسخ داد: یابن رسول الله! بعضی طبق معمول «انه عمل غیر صالح»؛ او فرزند

1- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 49، ص 101؛ ابن بابویه، محمد بن علی عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 180؛ طبرسی، اعلام الوری، ج 2، ص63؛ اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، ج 2 ص 316

2- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج1، ص 81.

ناصالحی است قرائت می کنند اما بعضی دیگر بر این باورند که خداوند هرگز پسر پیامبری را مشمول قهر و غضب خود قرار نمی دهد و آیه را این گونه قرائت می کنند: «انّه عمل غیر صالح»؛ او فرزند آدم بدی است فرزند تو نیست! و می گویند او در واقع از نسل نوح علیه السلام نبود. خداوند به او گفت: ای نوح! این پسر از نسل تو نیست. اگر از نسل تو می بود، من به خاطر تو او را نجات می دادم امام فرمود: ابداً این طور نیست. او فرزند حقیقی نوح و از نسل نوح بود، چون بدکار شد و از دستور خداوند نافرمانی کرد پیوند معنوی اش با نوح بریده شد و به حضرت نوح گفته شد این فرزند تو ناصالح است از این رو نمی تواند در ردیف انسان های صالح و برگزیده قرار گیرد. (1)

و نیز در عیون أخبار الرضا علیه السلام مرحوم صدوق، با إسنادش از إبراهیم بن عبّاس صولی چنین روایت می کند که او می گوید روزی در محضر حضرت علیّ بن موسی الرضا علیه السلام بودیم و آن حضرت گفتند در دنیا نعیم حقیقی نیست.

بعضی از فقهایی که در محضر بودند چنین گفتند خداوند عزّ وجل می فرماید: (ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ) (نحل/8) ؛ البته منظور همین نعیم در دنیاست، و آن آب خوشگوار است.

حضرت رضا علیه السلام در حالی که صدای خود را بلند کردند گفتند شما این طور تفسیر می کنید و آن را به اقسامی تقسیم می نمائید به نحوی که بعضی می گویند آب خنک است و بعضی می گویند غذای لذیذ است و بعضی می گویند خواب راحت است!

اما پدر من روایت کرد برای من از پدرش حضرت ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیه السلام که چون این اقوال شما در محضر او بیان شد درباره تفسیر آیه (ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یُوْمَئِذٍ عَن النَّعِیمِ)، خشمگین شد و گفت خداوند عزوجل، از تفضلی که به بندگان خود نموده است پرسش نمی کند و بر این منّت نمی گذارد؛ منت گذاردن در مقابل نعمتی که مخلوقان خدا می دهند قبیح است تا چه رسد به این که به خدای عزوجل نسبت داده شود چگونه می توان نسبت به خدا داد چیزی را که خداوند

1- ابن بابویه، محمد بن علی، امالی، ج 1، ص 98.

برای مخلوقان خود نمی پسندد؟

اما نعیم، محبّت ما اهل بیت علیهم السلام است و موالات ماست، که خداوند بعد از سؤال از توحید و نبوت از آن سؤال می نماید چون بنده خدا به این مهم وفا کند، او را به بهشت و سعادتی که زائل شدنی نیست، می رساند. (1)

هدایت منحرفان

یکی دیگر از مصادیق منکر هدایت منحرفان و کژ اندیشان بود که حضرت در برخی از مسائل برای آشکار و روشن شدن ذهنیت آن ها به مسائل اسلامی و سیره انبیا و اولیای الهی مناظره می کرد ایشان در برخی از مسائل به راهنمایی و هدایت منحرفان فکری و سیاسی بسیار اهمیت می داد و آن ها را از این عمل باز می داشت. پس از شهادت امام کاظم علیه السلام گروهی چنین پنداشتند که امام موسی کاظم علیه السلام همچنان زنده است. حضرت رضا علیه السلام به شیوه های گوناگون با این گروه روبه رو می شد و به هدایت آن ها می پرداخت.

«عبدالله بن مغیره می گوید: من به مذهب «واقفیه» اعتقاد داشتم. وقتی برای به جای آوردن مراسم حج به مکه رفتم. شک و تردید تمام وجودم را فرا گرفت. خود را به دیوار کعبه چسباندم و گفتم: خدایا! حاجتم را می دانی مرا به بهترین و کامل ترین دین ها ارشاد فرما همان جا به قلبم خطور کرد که به مدینه نزد امام رضا علیه السلام بروم. وقتی به خانه آن حضرت رسیدم به خدمتگزار گفتم: به مولایت بگو مردی عراقی آمده است. در این لحظه صدای امام رضا علیه السلام را شنیدم که دوبار فرمود: عبدالله بن مغیره وارد شو! وارد خانه شدم به چهره ام نگریست و فرمود: خداوند دعایت را مستجاب و تو را به دین خویش هدایت کرد گفتم (أَشْهَدُ أَنَّکَ حُجَّهُ اَللَّهِ وَ أَمِینُهُ عَلَی خَلْقِهِ). (2)

رازداری و افشای سر

رازداری و افشای سرّ را می توان فضیلت و رذیله اخلاقی به شمار آورد همچنین

1- ابن بابویه، محمد بن علی عیون اخبار الرضا علیه السلام ، ج 2، ص 127 - 128؛ مشهدی، میرزا محمد، تفسیر کنزالدقایق، ج 14، ص 422

2- ابن بابویه، محمد بن علی عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 436.

می توان افشای سر از مصادیق هتک حرمت و مسئله تجسّس درباره اسرار دیگران به حساب آورد. از یک سو، حفظ آبرو و حیثیت افراد لازم است و نباید راز آن ها را کشف کرد و آبرویشان را ریخت از سوی دیگر می بایست آن ها را معالجه کرد. در صورتی که بتوان بین این دو ارزش جمع کرد؛ یعنی کاری کرد که خطاکار متنبه شود و دست از کار زشتش بردارد بدون این که آبرویش حتی نزد شخص ارشاد کننده بریزد در این صورت اشکالی پیش نمی آید چنان که بتوان او را راهنمایی کرد تا کتابی بخواند از موعظه ای استفاده کند یا خودش کلیاتی را برایش مطرح نماید و بدون این که به او بگوید من می دانم که تو مرتکب کار زشتی هستی زیان ها و عواقب آن کار را برایش بیان کند، هم آبرویش نریزد و هم متنبه بشود، امری بسیار پسندیده است. دربارهٔ این مسئله بسیار مهم و حیاتی حضرت رضا علیه السلام می فرمایند: «بر شما باد راز پوشی در کارهایتان در امور دین و دنیا»؛ روایت دیگر آن حضرت این که «افشاگری کفر است» و نیز این روایت که فرمودند: «کسی که افشای اسرار می کند با قاتل شریک است» همچنین آن حضرت فرمودند: «هرچه از دشمن پنهان می داری، دوست تو هم بر آن آگاهی نیابد». (1) این ها همه از مصادیقی است که به منکر بودن عمل افشای سر تأکید دارند و چه بسا همین افشای اسرار زندگی مایه یک عمر بدبختی و بیچارگی افراد شود به همین دلیل حضرت رضا علیه السلام بسیار تأکید داشتند از این عمل زشت و خانمان سوز دوری و پرهیز نمایید.

نهی از اسراف

اسراف یکی دیگر از مصادیق منکر و اعمال ناشایست است که ائمه علیهم السلام برای پرهیز از این رذیلهٔ اخلاقی روایات زیادی ذکر کرده اند.

در حقیقت اگر شخص بداند که در به وجود آمدن حتی لقمه ای نان «ابر و باد و مه و خورشید و فلک» و ده ها عامل پیدا و پنهان دیگر مؤثر است هرگز اسراف نمی کند.

شکوفایی و رونق اقتصادی، با اسراف و هدر دادن بیهوده اموال امکان پذیر نیست. همچنین شخص و ملت اسراف کار هرگز به رشد اقتصادی نخواهند رسید. از این رو،

1- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 78، ص 347- 348

اسـراف، آفت کار به شـمار می آیـد، زیرا آن که هم کار می کنـد و هم اسـراف، مانند آن است که در صـندوقی که ته ،ندارد پول می ریزد و بدیهی است ثروتی برایش اندوخته نخواهد شد و پیشـرفتی نخواهد کرد اسراف، عامل اصلی فقر و تهی دستی نیز به شمار می رود از دیدگاه عرفـانی، نعمت های پروردگار ادراک و شـعور دارنـد و آن گاه که بی توجهی فرد را به خود حس کننـد، رخت بر می بندنـد و فرد را از خود محروم کننـد، در مقابل اگر از انسان ،توجه احترام و ارزش ببینند نه تنها مهمان سـفره زندگی آن ها خواهند شد بلکه نعمت های دیگری را نیز به سوی خویش فرا می خوانند. در نتیجه نعمتی بر نعمت شخص افزوده می شود.

با توجه به آن چه گفته شـد امام رضا علیه السـلام تباه سازی اموال را پدیـده ای ناپسـند می داند و دوسـتان و پیروان خویش را از این پدیدهٔ نامبارک باز می دارد و می فرماید: (اِنَّ اللهَ یُبغِضُ ... وَ إضاعَهٔ ألْمالِ)؛ (1) خداوند تباه سازی اموال را دشمن می دارد.

گفتنی است تبـاه کردن اموال و تضـییع آن هـا که در این روایت آمـده، مفهوم گسترده ای دارد و هر نوع تبـاهی و نابودی و فساد در اموال را شامل می گردد. با توجه به کلیت سخن امام رضا علیه السلام، اگر در امور اقتصادی و مسائل مالی، برنامه ریزی درست و حساب شده ای انجام نگیرد تضـییع مال خواهـد بود و اگر در داد و سـتدها نیز دقت لازم به کار نرود و غبن صورت گیرد، اموال، تباه خواهـد شد از این رو ایشان هـدر دادن و تباه ساختن اموال را مصـداقی از فساد دانسـته و فرموده است: (مِنَ الْفَسَادِ قَطْعُ الدِّرْهَمِ وَ الدِّینَارِ وَ طَرْحُ النَّوَی) (2) تکه تکه کردن درهم و دینار (یا هر پولی دیگر) و دور افکنـدن هسـته خرما که ممکن است بـذر نخلی در آینـده شود از جمله کارهای فاسـد و ناشایست است.

همچنین آن حضرت انداختن نیم خورده میوه را اسراف می داند، برای مثال: روزی غلامان امام رضا علیه السلام میوه می خوردند اما هنوز همهٔ میوه را نخورده آن را می انداختند. حضرت به آن ها فرمود: (إِنْ کُنْتُمُ اِسْتَغْنَیْتُمْ فَإِنَّ أُنَاساً لَمْ یَسْتَغْنُوا أَطْعِمُوهُ مَنْ یَحْتَاجُ

1- حرّانی، ابن شعبه، تحف العقول، ص 804.

2- ابن بابویه، محمد بن علی من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 167

إِلَيْهِ) (1) سبحان الله! اگر شما نیازی ندارید انسان هایی هستند که نیاز دارند آن ها را به نیازمندان بدهید در این روایات حضرت آن ها را از اسراف کردن، این عمل ناشایست بازداشت و آن ها را سوق داد به سوی این که انجام برخی از اعمال ناشایست و منکر، باعث نشود عملی ضایع گردد و حق نیازمندی پایمال شود.

تذکر در مواقع ضروری

دعبل بن علی (شاعر و مداح معروف) خدمت امام رضا علیه السلام رسید. حضرت فرمود: به او هدیه ای دادند. او گرفت ولی حمد خدا نکرد امام علیه السلام به او فرمود چرا حمد خداوند نکردی؟ دعبل می گوید بعد از آن خدمت امام جواد علیه السلام رسیدم و آن حضرت دستور داد به من به من هدیه ای دادند من گرفتم و گفتم: الحمد لله. حضرت فرمود: اکنون ادب شدی (از تذکری که پدرم داد ادب شدی). (2)

نهی از دیدار طاغوت دو نفر مسافر به خراسان آمدند، در آن جا به حضور حضرت رضا رفته و پرسیدند ما از فلان جا آمده ایم آیا نماز ما شکسته است یا تمام؟ حضرت رضا علیه السلام به یکی از آن ها فرمود: نماز تو شکسته است و به دیگری فرمود: نماز تو تمام است!

با این که آن ها از یک جا آمده بودند و هیچ گونه فرقی در حد سفر آن ها نبود، لذا تعجب کردند که چرا جواب مسئله دو گونه شد؟ امام هشتم علیه السلام برای آن کس که فرموده بود، نماز تو تمام است؛ چنین توضیح داد زیرا تو به قصد دیدار سلطان (مأمون ظالم) آمده ای بنابراین سفر تو، سفر گناه است و سفر گناه موجب قصر نماز نمی شود. (3) به این ترتیب امام رضا علیه السلام حتی در مسئله گفتن نیز مردم را از طاغوت برحذر می داشت.

منع از شریک قرار دادن در عبادات

یکی دیگر از مصادیق منکر در سیره رضوی، کسی را شریک قرار دادن در عبادت است روایت شده یکی از شاگردان حضرت رضا علیه السلام به نام (حسن وشاء)

1- کلینی، محمد بن یعقوب الکافی، ج 6 ص 297.

2- همان، ج 1، ص496

3- حر عاملی، محمد بن حسن وسائل الشیعه، ج 5، ص 510

می گویـد: به حضور حضـرت رضا علیه السـلام رفتم، دیـدم آفتابه ای را کنار خود نهاده، می خواهـد با آب آن وضو بگیرد. نزدیک رفتم تا آفتـابه را بردارم و آب بریزم و در وضو گرفتن آن حضـرت را کمک کنم امام رضا علیه السـلام از من جلوگیری کرد و فرمود: ای حسن چنین نکن عرض کردم چرا مرا از ریختن آب بر دستت، نهی می کنی؟ آیا نمی خواهی من پاداشی ببرم؟ حضرت فرمود تو پاداش ببری و من گناه کنم؟ عرض کردم: توضیح دهید چگونه شما گناهکار می شوید؟

فرمود: آیا سخن خداوند را نشنیده ای که می فرماید (ولا یُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا) (کهف/ 110) کسی که امید لقای پروردگارش را دارد نباید کسی را در عبادت پروردگار، شریک سازد من اکنون برای نماز وضو می گیرم که عبادت است و (طبق دستور خدا) نمی خواهم کسی را در عبادت خدا شریک خود قرار دهم. (1)

نهی از رها کردن اعمال نیک

(لا تَدَعُوا الْعَمَلَ الصّالِحَ والإجْتِهادَ فِی الْعِبادَةِ إتّکالاً عَلی حُبِّ آلِ مُحمّدٍ علیهم السلام، وَلاتَدَعُوا حُبَّ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام وَ التَّسلیمَ لِاءمْرِهِم اِتّکالاً عَلَی العِبادَةِ، فَإنَّهُ لا یُقْبَلُ اَحَدُهما دُونَ الآخَرِ)، (2) مبادا اعمال نیک را به اتکای دوستی آل محمد علیهم السلام رها کنید و مبادا دوستی آل محمد علیهم السلام را به اتکای اعمال صالح از دست بدهید؛ زیرا هیچ کدام از این دو به تنهایی پذیرفته نمی شود.

واضح است که امام در متن زندگی خود و در سـیره نظری به مصادیق منکر و پرهیز از اعمالی که انسان را از ائمه علیهم السلام دور می کند و بالعکس دوستی آل محمـد علیهم السـلام که باعث انجام ندادن برخی از اعمال صالح و نیک خواهد شد برحذر می کند، و تأکید دارند که هر دوی این ها با هم و مکمل هم باید انجام بگیرند.

پرهیز از دست بوسی

(لا یُقبّلُ الرّجُلُ یَدَ الرّجُلُ، فَإنّ قُبْلَةَ یَدِهِ کَالصّلاة لَهُ) (3) کسـی دست کسـی را نمی بوسد، زیرا بوسیدن دست او مانند نماز خواندن برای اوست. بوسیدن دست در هر صورت

1- کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، ج 3، ص 69

2- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 78 ص 348

3- حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ص 473

می تواند یکی از مصادیق بارز منکرات باشد؛ حضـرت کسـی که دست شخص دیگری را می بوسد از این کار نهی می کند و آن را به منزلهٔ عبادت آن شـخص می داند که این امری ناپسند و ناشایست است و انجام آن باعث می شود آن شخص به جایی برسد که مورد عبادت قرار بگیرد.

منع از ترک کردن عطر و بوی خوش

یکی از افتخارهای دین مبین اسـلام توجه فراوان اولیای دین به اسـتفاده از عطرهای خوشـبو است. اکنون با گذشت قرن ها نتایج تحقیقات دانشـمندان علوم مختلف، نقش مؤثر و سازنـده روایـح خوشـبو را در پیشـگیری از بروز بسـیاری از تنش های روحی و جسـمی برای تمام جهانیان به اثبات رسانیده است امروزه خوشـبو بودن امری اجتناب ناپذیر است درباره این موضوع امام رضا علیه السلام به استعمال عطر و بوی خوش تأکیـد زیادی داشـتند و می فرمایند: (لاتَتْرُکُوا الطّیب فی کُلِّ یَوْمٍ، فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا فَیَوْمٌ وَ یَوْمٌ، فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا فَفی کُلِّ جُمْعَة.) (1) برای انسـان سـزاوار نیست که عطر و بوی خوش را در هر روز ترک کنـد اگر هر روز بر آن دست نیـافت، یک روز در میان و اگر یک روز در میان نتوانستید پس هر جمعه خود را معطر و خوشبو گردانید.

در واقع ترک کردن عطر و اسـتعمال بوی خوش امری ناپسند به شمار می آید زیرا انسان در طول شبانه روز در حال سعی و تلاش برای امرار و معاش زنـدگی است بـدنش عرق می کنـد و نیاز به ،تمیزی اسـتحمام و بوی خوش دارد تا بوی بد عرق از بین برود، پس باید طبق فرموده حضرت رضا علیه السلام از عطر و بوی خوش استفاده کند تا اطرافیانش از او متنفر نباشند.

دوری از مشاجره

حضـرت در حـدیثی می فرماینـد: (إِیَّاکُمْ وَ مُشَاجَرَهَ اَلنَّاسِ فَإِنَّهَا تُظْهِرُ اَلْغِرَّهَ وَ تَدْفِنُ اَلْعِزَّهَ). (2) از مشـاجره و مجـادله با مردم دوری ،کنید چون گستاخی و خودخواهی را آشکار و آبرو و عزت را نابود می سازد.

1- نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج 6، ص 49، ح 6

2- عطاردی، عزیز الله، مسند الامام الرضا علیه السلام، ج 1، ص 274

پرهیز از گناه

امام رضا علیه السلام همواره تلاش می کرد گناهان و آثار زشت و پلید و پیامدهای آن را یادآور شود زیرا انجام گناهان همیشه پیامدهای بسیار شومی را به همراه داشته است. از این رو آن حضرت مردم را از انجام آن ها منع کرده که سخنان فراوان ایشان در این راستا گویای این حقیقت است آن بزرگوار فهرستی از گناهان کبیره را برای توجه دادن مردم به عواقب آن مطرح نموده که عبارت اند از: قتل نفس، زنا، سرقت، شرب خمر، ضایع کردن حق والدین، فرار از میدان جنگ، خوردن مال یتیم، اکل مردار، خوردن گوشت خوک، ذبح غیر شرعی و استفاده از آن، نسبت فحشا به کسی دادن، لواط، شهادت دروغ دادن، یأس از خدا، تکبر، اسراف، تبذیر، خیانت، سبک شمردن امر حج، جنگ با اولیای دین، اشتغال به لهو، اصرار بر گناه، کم فروشی، قمار، خوردن غذای نجس و ... (1)

او در مواردی بسیار به شرح بلایای ناشی از این گناهان می پرداخت و سعی داشت مردم را از آن ها دور و جامعه انسانی را از این آلودگی ها پاک کند. این گونه اقدام های امام بسیار بود که در این نوشتار نمی گنجد و به سبب اختصار از ذکر آن ها خودداری می شود.

پرهیز از داشتن اخلاق بد

(إِيّاكُم وَسوءَ الخُلق فَإِنّ سَيِّئَ الخُلق فِي النّار لا محالة) (2) از بداخلاقی بپرهیزید زیرا بداخلاق بدون تردید در آتش است آن حضرت علاوه بر این که از بداخلاقی، انسان ها را نهی می کرد خوش خلق ترین افراد را معرفی می کنند به همین علت در روایتی می فرمایند: (أَحْسَنُ النَّاسِ إِيمَاناً أَحْسَنُهُمْ خُلُقاً وَ أَلْطَفُهُمْ بِأَهْلِهِ وَ أَنَا أَلْطَفُكُمْ بِأَهْلِي) (3) نیکوترین مردم از نظر ایمان، خوش خلق ترین و با لطف ترین آن ها به اهل خویش است.

بداخلاقی که یکی از مصادیق منکر به شمار می آید همان طور که حضرت در حدیث

1- حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ص 445

2- ابن بابویه، محمد بن علی عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 34.

3- همان، ج 1، ص 36.

به آن اشاره می نماینـد انسان را به آتش می افکند همچنین باعث می شود فرد بداخلاق از همه اطرافیان خود دور و تبدیل به یک فرد گوشـه نشین و منزوی شود.

پرهیز از می و میگساری و شراب خواری

امام رضا علیه السـلام فرموده انـد: خداوند هیچ اکل و شـربی را حلال نکرده است مگر آن که نفع و صـلاح بشـر در آن بوده و هیچ یک را حرام ننموده است مگر آن که مـایه زیـان مرگ و فسـاد است. (1) یا آن حضـرت در حـدیث دیگری حرمت مشـروبات الکلی چنین کنند خداونـد شـراب را حرام کرده برای آن که منشأ فساد اجتماعی است. عقل بیان می را از درک حقایق باز می دارد حیا را از شـراب خوار می برد و در مواجهه با مردم شرم نمی کند و با این همه، باعث بیماری نهانی در اعضای داخلی انسان می شود. (2)

و نیز فرموده است مشـروبات الکلی علاوه بر تمام زیان ها باعث ایجاد بیماری های نهانی در اعضای داخلی بـدن است. (3) همچنین آن حضرت همنشینی با شراب خوار را منع می کند و می فرماید همنشین شراب خوار مباش و به او سلام مکن. (4) در حدیث دیگر حضرت دادن زن به شراب خوار را نهی کرده اند و می فرمایند مبادا به شراب خوار زن بدهی زیرا اگر به او زن دادی گویا که آن زن به زنا نزدیک شده باشد. (5)

سلیمان بن جعفر گفت: به حضـرت رضا علیه السلام عرض کردم: چه می فرمایید در آشامیدن آب جو؟ فرمود آن شرابی است مجهول ای سلیمان آن را نیاشام و مخور بـدان ای سـلیمان اگر حکم با من بود و خانه مال من بود به خورنده اش تازیانه می زدم و فروشـنده اش را می کشتم.

حـدیث دیگر این که محمد بن سـنان گفت: از حضـرت رضا علیه السـلام سؤال کردم از آب جو، فرمود: به آن نزدیک مشو که آن از اقسام خمر است. (6)

1- نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج 3، ص 71

2- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 6، ص 405

3- نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج 3، ص 137.

4- همان، ج 2، ص 67

5- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 72، ص 142، ح 55

6- همان، ج 72، ص145.

نهی از ترک ازدواج

امام رضا علیه السلام فرمودند: زنی به امام باقر عرض کرد: خدایت نیکو گرداند من زنی تارک دنیا هستم. حضرت فرمود منظورت از ترک دنیا چیست؟ عرض کرد: نمی خواهم هرگز ازدواج کنم حضرت پرسید: چرا؟ عرض کرد: در پی کسب فضیلت هستم. حضرت فرمود: دست برادر؛ اگر در این کار (ترک ازدواج) فضیلتی بود فاطمه علیها السلام از تو سزاوارتر به آن بود. هیچ کس نیست که بر او سبقت بگیرد. (1)

به هر تقدیر دوران پر برکت و همراه با کرامات امامت امام رضا علیه السلام جملگی دلالت بر عظمت بیکران ایشان دارد امید است با مطالعه دقیق متون مرتبط با این موضوعات به درک صحیح و درستی از شیوه های زندگی مد نظر اهل بیت علیهم السلام دست یابیم.

ذکر برخی از مصادیق معروف و منکر در سیره امام رضا علیه السلام می تواند برای عاملان این دو فریضه الگوی مناسب و راهکار درستی ارائه دهد تا با عمل به آن ترک برخی از مصادیق معروف و انجام منکر که در جامعه اسلامی رخ می دهد، رخت بربندد و جای خودش را به انجام معروف و ترک منکرات بدهد. انشاء الله.

نتیجه مطالب

با توجه به نکات و مطالب گذشته در سیره ،رضوی علاوه بر این که باید همه مسلمانان با آگاهی علمی و عملی از این قانون، با حفظ شرایط و مراتب لازم در تمام موارد و در همه جا آن را به عمل و اجرا گذارند و خویشتن را مسئول مصالح فرد فرد مردم جامعه و حکومت بدانند و ناظر بر اعمال آحاد و گروه ها باشند. دولت و حکومت اسلامی نیز باید گروه ویژه ای مخصوص انجام این وظیفه به وجود آورند و تشکیلاتی را برای آن سازماندهی کنند.

در جامعه افراد و گروه هایی را می بینیم که نه تنها از معروف و نیکی دفاع نمی کنند و جلوی منکرات و زشتی را نمی گیرند بلکه دقیقاً در نظر آنان حق، ناحق و باطل، حق شمرده می شود و زیبایی را زشتی و زشتی را زیبایی می بینند و بر اثر آن که بینش و دید انسانی آنان بسته شده است با چشم خودخواهی و حیوانی می نگرند، بنابراین

1- همان، ج 103، ص 219

نمی توانند واقعیت ها را آن چنان که هست ببینند.

همـان طور که در کلاـم امام رضا علیه السـلام ذکر شـد این نکته اهمیت دارد که عمل به فریضه امر به معروف و نهی از منکر بهترین نشانه اهتمام فرد به امور خلق و توجه به مسائل مهم زنـدگی است. امر به معروف و نهی از منکر یعنی احساس مسـئولیت کردن در برابر ارشاد و یاری دیگران و سکوت نکردن در برابر اشتباه و گرفتاری دیگران و به هدایت و مدد او شتافتن است.

نتیجه این که امر به معروف و نهی از منکر همچون خون در پیکره دین جریان دارد و ضامن حیات اسـلام است خیزش و قیام مصـلحان در جامعه اسـلامی نیز، بازتابی از عمل به این فریضه می باشد اگر مصلحان بزرگی همچون امام حسین و ائمه هدی علیهم السلام نمی بودند ارزش های انسانی و الهی از بین رفته و اسـلام قرن ها پیش توسط تبهکاران دفن شـده بود انقلاب اسـلامی ایران، یکی از ثمره ها و نتایج با ارزش این اصل در جنبه های سیاسی و حکومتی است که توسط مصلح بزرگ امام خمینی رحمه الله رهبری شده و به پیروزی رسید و هم اکنون به زعامت رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) به راه خود ادامه می دهد.

امر به معروف و نهی از منکر در فرهنگ متعالی اسـلام جایگاه و اهمیتی والا دارد، زیرا این فریضه وسیله ای راهگشا و نوید بخش است که هم به بقا و تعالی مکتب می انجامـد و هم عطری دل انگیز که حاکی از سـعادت و سـلامت فرد و جامعه است در فضای زندگی بشـر می پراکند.

ص: 528

منابع

1. ابـن ،اثیر مبـارک بـن محمـد النهایـة فی غریـب الحـدیث (دوره 5 جلـدی) تحقیـق طـاهر احمـد الزاوی و محمود محمـد الطنـاحی اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم 1364ش.

2. ابن بابویه، محمد بن علی علل الشرائع، نجف المکتبة الحیدریه، 1385 ق.

3. الأمالي، تحقیق، قسم الدراسات الإسلامیة، مؤسسة البعثه، قم، چاپ اول.

4. عیون الخبار الرضا علیه السلام، بیروت، مؤسسة الاعلمی، چاپ اول، 1404ق.

5. من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، 1404ق.

6. من لا یحضره الفقیه، تهران، تحقیق الموسوی الخراساني دار الکتب الاسلامیه، 1390ق.

7. ابن شهر آشوب ابی جعفر محمد بن علی، مناقب، قم، المطبعة العلمیه، 1379ق.

8. ابن منظور ابوالفضل جمال الدین لسان العرب (دوره 15 جلدی)، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1405ق.

9. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة في معرفة الأئمه علیهم السلام، قم، نشر ادب الحوزه، 1364ش.

10. تفتازانی، مسـعود بن عمر ، شـرح المقاصد في علم الکلام، به تصحیح عبدالرحمن عمیره، قم، منشورات الشریف الرضی، چاپ اول 1370 ش.

11. جوهری، اسـماعیل بن حمـاد، الصـحاح تاج اللغه و صـحاح العربیه، (دوره 6 جلـدی) تحقیق احمـد بن عبدالغفور عطار، دارالعلم للملایین ،بیروت چاپ چهارم، 1407ق.

12. حر عاملی، محمد بن حسن وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، دار احیاء التراث العربي، 1983م.

13. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1363ش.

ص: 529

14. داوودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، 1384ش.

15. راغب اصفهانی، حسین بن محمد المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر الکتاب، چاپ اول، 1404ق.

16. طباطبایی (حکیم)، سید محسن حقائق الأصول، چاپ پنجم، کتابخانه بصیرتی، قم، 1408ق.

17. طباطبایی، سید محمد حسین المیزان في تفسیر القرآن؛ تهران، دار الکتب الاسلامیه چاپ ششم 1397ق.

18. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1390ق.

19. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین به تحقیق سید احمد الحسینی، بی جا، مکتب نشر الثقافة الاسلامیه، چاپ دوم، 1409ق.

20. عطاردی، عزیز الله، مسندالامام الرضا علیه السلام، کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، مشهد، آستان قدس رضوی، 1406ق.

21. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله النافع لیوم الحشر في شرح باب الحادی عشر، تهران کتابفروشی علامه، چاپ سوم، 1368ه- . ش.

22. فراهیدی عبدالرحمن خلیل بن احمد کتاب العین (دوره 8 جلدی)، به تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، دارالهجرة، چاپ دوم، 1409 ق.

23. قمی عباس، سفینة البحار (8 جلدی)، چاپ اسوه، 1414ق.

24. کلینی، محمد بن یعقوب الفروع من الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ سوم 1367ش.

25. کافی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیه، 1365ش.

26. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، 1404ق.

27. مشهدی، میرزا محمد، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق الحاج آقا مجتبی العراقي، قم، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین، 1407ق.

28. نوری، الطبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسة آل البیت علیهم السلام، 1991م

ص: 530

شرایط امر به معروف و نهی از منکر در آموزه های رضوی و فتوای مراجع: سیدمهدی نریمانی زمان آبادی

مقدمه

1. موضوع شناسی

اشاره

مراد از امر و نهی در «امر به معروف و نهی از منکر» چیست؟ این اصطلاح چه تفاوتی با اصطلاح های مشابه مانند تواصی به حق تبلیغ و حفظ حدود الهی دارد؟ در ادامه به این مسائل اشاره می شود.

تعریف اصطلاح «معروف»؛ یعنی چیزی که به حکم شرع یا عقل انجام آن واجب یا مستحب است و «منکر»؛ یعنی چیزی که به حکم شرع یا عقل انجام آن قبیح و حرام یا مکروه است. بنابراین معروف و منکر شامل تمام امور خیر و پلید می شوند؛ لذا هر کدام مصادیق فراوانی از امور فردی، اجتماعی، اقتصادی و ... دارند؛ مثل ترک نماز، عادات و رسوم ناپسند، گناه، دزدی و مال مردم خواری با توجه به مراتب و شیوه های امر به معروف و نهی از منکر همچنین آیاتِ وجوب امر به معروف و نهی از منکر همانند (الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِیاءُ بَعْض یأمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهَوْنَ عَن الْمُنْکَر). (1) می توان «امر» را به معنی «سوق دادن طرف مقابل به خوبی» و «نهی» را به معنای «دور کردن شخص گنهکار از بدی» دانست.

1- توبه / 71؛ مردان و زنان مؤمن دوست یکدیگرند؛ به نیکی فرمان می دهند و از بدی باز می دارند.

تفاوت با اصطلاحات مشابه

تبلیغ

«تبلیغ» و «امر به معروف و نهی از منکر» دو مسئله به هم پیوسته اند؛ زیرا تبلیغ، شناسایی و ابلاغ صحیح پیش از عمل است ولی امر به معروف و نهی از منکر مربوط به مرحله عمل است تبلیغ یک وظیفه عمومی برای همه مسلمانان است، همچنان که امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه عمومی است. وظیفه هر مسلمان در تبلیغ این است که باید احساس کند حامل پیام اسلام است. اما وظیفه هر مسلمان در امر به معروف و نهی از منکر این است که احساس کند مجری پیام اسلام است که باید در جامعه به مرحلهٔ عمل و تحقق برسد. (1)

حدود الهی

در امر به معروف و نهی از منکر، کوشش می شود تا دیگران تکالیف الهی را انجام دهند که این دعوت نیز دارای مراتبی .است اولین مرتبهٔ نهی از منکر انزجار قلبی است و آخرین مرتبه اش ضرب و جرح به اذن ولی مسلمین می باشد.

در حالی که حدود الهی در جایی است که شخص مرتکب گناه شود؛ لذا نوبت به حفظ حدود الهی از لحاظ اجرای حدود و تعزیرات و قصاص می رسد که اصل اثبات و نیز اجرای آن بر عهده مسئولان قضایی است به عبارت دیگر، امر به معروف و نهی از منکر برای پیشگیری از وقوع جرم و معصیت است اما حدود و تعزیرات برای تنبیه و تأدیب معصیت کار است. (2)

تواصی به حق و صبر

امر به معروف در جایی است که معروفی ترک گردد؛ ولی سفارش یکدیگر به حق و صبر وظیفه ای ارشادی است که در جامعه همه افراد باید همواره یکدیگر را به مراعات حق و صبر سفارش کنند تا این دو عمود خیر همواره زنده باشند.

1- بنگرید به: شهید مطهری حماسه حسینی، ص 322 و 323.

2- بنگرید به: جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن، ج 12

2. فلسفهٔ امر به معروف و نهی از منکر

امام محمد باقر علیه السلام: «همانا امر به معروف و نهی از منکر فریضه بسیار بزرگی است که به وسیلهٔ آن دیگر فرائض اقامه می گردد. در این مورد است که خشم خداوند بر آنان به نهایت می رسد و عقاب وی همهٔ آنان را در بر می گیرد، پس نیکان در جایگاه بدکاران و کودکان در جایگاه بزرگان به هلاکت می رسند.

همانا امر به معروف و نهی از منکر راه انبیاء و طریقهٔ صالحان است. فریضهٔ بسیار بزرگی که با آن فرائض اقامه می گردد و مذاهب مشرب های گوناگون فکری یا راه ها و محل رفت و آمد مردم امنیت می یابد و کسب و کار حلال می گردد، و حق ستمدیدگان به آنان بازگردانده می شود و زمین آباد می گردد، و از دشمنان انتقام می گرفته می شود، و امور به صلاح می گراید پس منکر را با قلب خویش مورد انکار قرار دهید و با زبان از آن نهی کنید و بر صورت مرتکبان آن بکوبید و در راه خدا از ملامت هیچ ملامتگری باک نداشته باشید. پس اگر اندرز گرفتند و به حق بازگشتند، دیگر کاری با آنان نداشته باشید زیرا مبارزه همواره با کسانی است که به مردم ستم کنند و به ناحق در زمین فساد بر می انگیزند برای اینان است کیفر دردناک با اینان است که باید با پیکرهای خود جهاد کنید و با دل هایتان به آنان کینه بورزید – بدون این که بخواهید خود سلطه یافته اموالی را غصب کنید یا با ستمکاری ظفر یابید – تا آن گاه که به امر خدا بازگردند و به اطاعت خداوند گردن نهند». (1)

خلاصه آن که، امام باقر موارد ذیل را در گروی انجام امر به معروف و نهی از منکر دانسته است امنیت راه ها کسب حلال؛ ادامه راه انبیاء رونق تجارت؛ روش صالحان؛ آبادانی زمین ها رو به راهی کارها؛ فریضه بزرگ الهی؛ تأمین حقوق مردم؛ برپایی فرائض دیگر واداری دشمنان به عدل و انصاف وقتی پیاده شدن امر به معروف و نهی از منکر این خصوصیات را دارد؛ بی گمان بخشی از آسیب های ترک و رهایی آن، دست نیافتن به این اهداف است

1- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 5، ص 55.

3. وجوب امر به معروف و نهی از منکر

در آموزه هـای اسـلامی امر به معروف و نهی از منکر دو وظیفه مهم فرد در ارتبـاط بـا جـامعه است خلاصه امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصـلی است که ضامن بقای اسـلام است به اصطلاح علت مبقیه است. اگر این اصل نباشد، اسلامی نیست. در واقع رسیدگی کردن دائم به وضع مسـلمانان است آیا کارخانه ای بدون بازرسی و رسیدگی دائمی مهندسان ،متخصص قابل بقاست؟! آیا ممکن است سازمانی به حال خود باشد و بازرسی نشود؛ در عین حال به کار خود ادامه دهد؟! حال به کار خود ادامه دهد؟ در ادامه به بر به برخی روایات در این زمینه اشاره می گردد تا اهمیت ویژه این دو وظیفه به خوبی روشن گردد.

پیغمبر اکرم صـلی الله علیه و آله: «کسـی که امر به معروف و نهی از منکر کنـد، جانشـین خدا و پیامبر صـلی الله علیه و آله و کتاب او در زمین است». (1)

پیـامبر صـلی الله علیه و آله بهترین مردم را کسـی معرفی می کنـد که «از همه بیشتر امر به معروف و نهی از منکر کنـد و از همه با تقواتر و خشنودتر به رضای الهی باشد». (2)

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله: «همگی باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه به یقین عذاب الهی شما را فرا می گیرد». (3)

پیامبر صلی الله علیه و آله: «همه شما نگهبانید و همهٔ شما نسبت به زیردستان خود مسئولید؛ امام نگهبان است و نسبت به زیردستان خود مسـئول است مرد در میان خانواده خود نگهبان و نسبت به آنان مسئول است زن در خانه شوهر نگهبان و نسبت به آن چه زیر دست اوست مسئول است. خادم در اموال و زندگی آقای خود نگهبان و نسبت به آن مسئول است». (4)

حضـرت علی علیه السـلام: «همه کارهای نیک و [حتی] جهاد در راه خـدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر همچون قطره ای در برابر دریاست». (5)

1- طبرسی، امین الاسلام، مجمع البیان، ج 2، ص 484

2- همان.

3- حر عاملی، محمد بن حسن وسائل الشیعه، ج 16، ص 407

4- ابن ابی جمهور محمد عوالی اللآلئ، ج 1، ص 129.

5- نهج البلاغه، حکمت 374

امـام حسـین علیه السـلام: «خـدا از امر به معروف و نهی از منکر به عنوان فریضه ای از سوی خود آغاز نمود چون می دانست اگر آن ادا و اقامه شود همه فرائض از آسان و مشـکل اقامه می گردد از آن رو که امر به معروف و نهی از منکر دعوت به اسلام است همراه با بازگرداندن حقوق سـتمدیدگان و مخالفت با سـتمگران و تقسـیم بیت المال و غنائم در بین نیازمندان و گرفتن صدقات از جایگاه خود و مصرف آن در جایگاه خود». (1)

در این زمینه از امام رضا علیه السلام احادیث متعددی نقل شده است که انجام امر به معروف و نهی از منکر را واجب می داند حتی اگر به شیوهٔ ضعیف آن یعنی انکار قلبی از منکر و اقبال قلبی به معروف باشد.

امام رضا علیه السـلام: «کسـی که گناهکاری را دوست داشـته باشد در گناه او شریک است و کسی که نیکوکاری را دوست داشته باشد در نیکی او شریک است؛ کسی که به ستمگر کمک کند، ستمگر است و کسی که ستمگر را خوار کند، به عدالت رفتار کرده است». (2)

در این مورد روایات دیگری نیز از امام رضا علیه السلام نقل شده است، که امکان بیان تمام موارد در این نوشتار، فراهم نیست. (3)

4. تاریخچه فقهی

امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصل ضامن بقای اسلام است که در گذر زمان، با فراز و نشیب های مختلفی مواجه شده است. در واقع بـا توجه به ویژگی های فراوانی که در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نهفته است آیات متعـددی در قرآن و روایات فراوانی در این زمینه صادر شده است؛ لذا در عصـر غیبت نیز این دو فرع فقهی، مورد توجه بسیاری از فقیهان بوده است و حتی باب جدایی برای آن در نظر می گرفتند و کتاب های فراوانی در اینباره به رشته تحریر درآوردند، ولی در

1- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج 16، ص 130.

2- همان، ج 16، ص 185

3- برای مطالعه بیشتر بنگرید به: حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج 16، ص 167 و 169و 179 و 181 و 182

اواخر دورهٔ سیطره اخباریان، از سیر صعودی این بحث کاسته شد تا جایی که محقق بحرانی (م1186ق)، فقط در چند مورد به صورت استطرادی از «امر به معروف و نهی از منکر سخن به میان آورده است این سیره توسط دیگران ادامه می یابد و فحول ذیل باب مستقلی برای این دو فرع فقهی باز نکردند و در این زمینه قلم نزدند:

وحید بهبهانی؛ سید علی طباطبائی؛ محقق نراقی (1)؛ رضا همدانی؛ سید محمد بحر العلوم؛ فضل الله نوری؛ سید کاظم یزدی؛ شیخ عبدالکریم حائری؛ محمدحسین نائینی.

شایان یادآوری است در همین دوره برخی فقها به صورت مستقل به بحث «امر به معروف و نهی از منکر پرداخته اند که اسامی آن ها عبارت است از:

محمدجواد عاملی در کتاب مفتاح الکرامة في شرح قواعد العلامة؛ کاشف الغطاء در کتاب کشف الغطاء و نیز کتاب هدی المتقین الی شریعة سید المرسلین؛ محمد حسن نجفی در کتاب جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام؛ مرتضی انصاری در کتاب سراج العباد که محمدحسن شیرازی و محمد کاظم خراسانی بر آن حاشیه زده اند؛ همچنین محمدکاظم آقا ضیاء الدین عراقی در کتاب شرح تبصرة المتعلمین.

البته مرحوم عاملی و نجفی و عراقی چون در مقام شرح کتب قدما بوده اند، ناگزیر به شرح «امر به معروف و نهی از منکر» نیز پرداخته اند اما کاشف الغطاء و شیخ انصاری با وجود این که کتابشان مستقل بوده به تبیین این دو فرع پرداخته اند.

بعد از این رکود دویست ساله شاید اولین فقیهی که دوباره به صورت مفصل به شرح و تبیین مسئله امر به معروف و نهی از منکر ،پرداخت، محمد محقق داماد (م 1388ق) در کتاب الصلاة است که در تقریراتِ عبدالله جوادی طبری آملی منعکس شد.

تاریخچه فراز و نشیب های ایجاد شده در بحث امر به معروف و نهی از منکر گواه واقعیت اجتماعی است؛ چون رویکرد جامعه به این مسئله، تضعیف شده است. فقها نیز در این زمینه کمتر دست به نگارش و تألیف ،زدند تا جایی که انقلاب

1- شایان یادآوری است که ایشان در کتاب رسائل و مسائل به پرسشی در زمینه امر به معروف و نهی از منکر پاسخ داده است.

مشـروطه نیز به دلیل همین امر به معروف و نهی از منکر نکردن مردم به فساد و تباهی کشیده شد و آن رخداد میمونی که می توانست تحول آفرین باشد، به انحطاط و زوال گرایید.

در ادامه نوشـتار طی دو بخش، به بررسی آسیب های ترک امر به معروف و نهی از منکر پرداخته می شود؛ سپس پاسخ چند شبهه در زمینه امر به معروف و نهی از منکر، ارائه می گردد.

بخش نخست: آسیب های ترک

اشاره

از دید کتاب و سنت امروز در جامعه اسلامی مانند همه دوران ها وظیفه همه است تا به این تکلیف مهم عمل نمایند و نگذارند با تعطیلی این نظارت عمومی، جامعه اسـلامی در ورطهٔ سـقوط اخلاقی و مفاسـد اجتماعی قرار گیرد؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر در حقیقت ضـامن اجرای بقیه وظـایف فردی و اجتماعی است و در حکم روح و جان آن ها محسوب می شود و با تعطیلی آن ها تمام احکام و اصول اخلاقی ارزش خود را از دست خواهند داد.

برخی آسیب های ترک امر به معروف و نهی از منکر که در آموزه های اسلامی بر شمرده شده است عبارت اند از:

پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله: «امت من همواره بر خیر و نیکیاند تا آن گاه که امر به معروف و نهی از منکر نموده و به نیکی امر می کنند پس آن گاه که دست از این کار کشیدند برکت ها از آنان گرفته می شود و برخی از آنان بر برخی دیگر مسلّط می شوند و برای آنان یاوری در زمین و آسمان نمی باشد» (1)

امیرالمؤمنین علیه السـلام: امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که بدان شـما بر شما تسلط می یابند آن گاه [خدا را] می خوانید ولی دعایتان مستجاب نمی شود [و هر چه فریاد کنید کسی پاسخ شما را نمی دهد]» (2)

امام باقر علیه السلام: قومی که بر امر به معروف و نهی از منکر عیب می گیرند و آن را

1- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج 16، ص 398.

2- نهج البلاغه، حکمت 422

بی ارزش می پندارند؛ قوم بدی هستند». (1)

امـام بـاقر علیه السـلام: «در آخر الزمان قومی هسـتند که دیگران از آنان پیروی می کننـد. در میان آنان دست های ریاکار هسـتند که قرآن تلاـوت می کننـد و به ظـواهر شـرع تمسـک می جوینـد، بی تجربه و کم خرد هسـتند امر به معروف و نهی از منکر را بر خود واجب نمی شمرند مگر آن گاه که از ضرر ایمن باشند برای خود راه توجیه و عذر می تراشند. لغزش ها و آگاهی های فاسد علما را ملاک عمل خویش قرار می دهنـد. به نماز و روزه و چیزهای دیگر روی می آورند تا جایی که به مال و جان آنان زیانی وارد نیاید و اگر نماز به کاری که با مال و بدن خود انجام می دهند زیانی وارد کند از آن دست می کشند همان گونه که از کامل ترین و اشرف فرائض دست کشیدند.

همانا امر به معروف و نهی از منکر فریضهٔ بسـیار بزرگی است که به وسیله آن دیگر فرائض اقامه می گردد. در این مورد است که خشم خدا بر آنـان به نهـایت می رسـد، و عقـاب وی همه آنان را در بر می گیرد پس نیکان به جای بـدکاران و کودکان به جای بزرگان به هلاکت می رسند.

خداوند به شـعیب پیامبر صلی الله علیه و آله وحی فرمود: که من از قوم تو یکصد هزار نفر را به هلاکت می رسانم چهل هزار نفر از بدان و شصت هزار نفر از نیکان وی گفت: بارخـدایا بدان به جای خود پس چرا نیکان را خداوند عزوجل به وی وحی فرمود آنان با اهل معصـیت سازش کردند و برای غضب من غضبناک نشدند». (2)

امام باقر و امام صادق علیهما السلام: «وای به حال قومی که با انجام امر به معروف و نهی از منکر به دین خدا پایدار نمانند» (3)

امام صادق علیه السـلام نقل می کند، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چگونه اید در آن زمان که زنانتان فاسد و جوانانتان فاسق می شونـد و امر به معروف و نهی از منکر نمی کنید؟ گفته شد یا رسول الله این گونه خواهد شد؟ حضـرت فرمود: بلی و بدتر از آن. چگونه اید آن گاه که امر به منکر کنید و نهی از معروف؟ گفته شد یا رسول الله این گونه

1- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج 16، ص 293.

2- کلینی، محمد بن یعقوب الکافی، ج 5، ص 55

3- حر عاملی، محمد بن حسن وسائل الشیعه، ج 16، ص 118، ح 1.

خواهد شد؟ فرمود بلی و بدتر از آن چگونه اید آن گاه که معروف را منکر پندارید و منکر را معروف؟» (1)

امام رضا علیه السلام: «یا امر به معروف و نهی از منکر کنید یا افراد بد شما بر شما حکومت می یابند، پس نیکان شما خدا را می خوانند ولی دعایشان مستجاب نمی شود». (2) شاید مراد از (فَیَدعُوا خِیارُکُمْ فَلا یُستَجابُ لَهُم) آن است که اگر امر به معروف و نهی از منکر نداشته باشید اولین خاصیت آن ضعف، پستی و ذلت شماست دشمن هم روی شما حساب نمی کند.

امام رضا علیه السلام: «پیوسته پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: آن گاه که امت من امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر واگذار کنند آماده باشند که جنگ یا آسیبی از ناحیه خدا به آنان برسد.» (3)

سید المعصوم علیه السلام: «همهٔ اقوام گذشته، فقط به خاطر آن عذاب شدند که گناه کردند و کسی ایشان را از گناه باز نداشت» (4)

صاحب الالسن واللغات علیه السلام: «فرشته ای می خواست عذاب قومی را به خاطر مرد عابد، برطرف کند؛ لیکن خدا فرمود این عابد هیچ وقت برای من در برابر منکر روی ترش نکرد». (5)

غیظ الملحدین علیه السلام: برترین عمل بعد از ایمان و صله رحم امر به معروف و نهی از منکر است؛ همچنین بدترین عمل پس از شرک و قطع رحم، ترک امر به معروف و نهی از منکر می باشد». (6)

طود الوقار علیه السلام: «کسی که منکر را به قلب و زبان و عمل انکار نکند مرده ای میان زندگان است» (7)

1- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج 16، ص 118، ح 12.

2- همان ، ح 4.

3- همان، ح 5

4- امام رضا علیه السلام، فقه الرضا، ص 375

5- همان.

6- همان، ص 376

7- همان، ص 375

کافی الخلق علیه السلام: «پیرمردی مشغول عبادت بود در حالی که دو کودک پرهای مرغ را می کندند؛ اما پیرمرد آن ها را امر به معروف و نهی از منکر نکرد؛ لذا خدا دستور داد زمین آن پیرمرد را ببلعد». (1)

محیی سنة الرسول علیه السلام: «بدترین عیب مؤمن این است که منکری را مشاهده کند و حتی در قلبش آن را انکار نکند» (2)

با توجه به این که در آموزه های اسلامی سه نوع ارتباط برای انسان ترس ترسیم شده است، در ادامه آسیب های ترک امر به معروف و نهی از منکر بر اساس سه نوع ارتباط انسان تنظیم و ارائه می گردد.

1. ایجاد اختلال در ارتباط انسان با خدا

اجابت نشدن دعا بر انگیختن خشم خدا؛ تعطیل شدن برترین واجب الهی؛ تعطیل شدن راه انبیاء؛ تعطیلی فرایض دیگر؛ دور شدن از روش صالحان مشمول عذاب الهی گشتن؛ مشمول عقاب الهی شدن.

2. ایجاد اختلال در ارتباط انسان با جامعه و دیگران

اجابت نشدن در خواست ها از حاکمان انحراف از حق انحطاط جامعه بی ارزش شدن جامعه؛ بی برکتی؛ بی یاوری؛ تباهی کودکان؛ تسلط بدان؛ تسلّط ستمکاران؛ دوری از خیر؛ دوری از نیکی؛ رواج فساد اخلاقی؛ زمینه ساز بلاهای آسمانی؛ زمینه ساز فتنه های زمینی؛ شیوع ستم؛ فراوانی بی انصافی؛ فزونی فساد مالی فساد زنان؛ کساد تجارت کسب حرام؛ گره افتادن در کارها گسترش شر؛ ناامنی وارانه شدن ارزش ها؛ ویرانی زمین ها.

3. ایجاد اختلال در ارتباط انسان با خود

جلب عذاب الهی؛ دل مردگی؛ ضعف ایمان علامت کم خردی؛ نشانه بی تجربه گی.

کمی دقت در آسیب های شمرده شده در ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر نشان می دهد بیشترین دهد بیشترین آسیب های ترک این فریضه متوجه جامعه بشری است

1- همان، ص 376

2- همان، ص 376

و همین امر، لزوم تحقق صحیح امر به معروف و نهی از منکر را بیش از پیش مورد توجه قرار می دهد.

خلاصه آن که امر به معروف و نهی از منکر اصلی است که اگر نباشد، به دنبالش متلاشی شدن تفرق و از میان رفتن و گندیدن پیکر اجتماع است. بله، این اصل این مقدار ارزش دارد آیات قرآن در این زمینه بسیار زیاد است. قرآن کریم بعضی از جوامع گذشته را که یاد می کند و می گوید این ها متلاشی و هلاک شدند، تباه و منقرض شدند می فرماید: به موجب این که در آن ها نیروی اصلاح نبود، نیروی امر به معروف و نهی از منکر نبود، حس امر به معروف و نهی از منکر در میان این مردم زنده نبود برای تبیین هر چه بهتر ،مسئله می توان چنین گفت:

مقصود از امر به معروف و نهی از منکر که دو رکن بزرگ اجتماعی اسلام به شمار می روند همان دعوت و راهنمایی افراد به کارهای نیک و سودمند و بازداشتن آنان از کارهای زشت و مبارزه با انواع انحراف های اجتماعی و اخلاقی است. هرگاه اجرای چنین اصلی به نفع اجتماع باشد، باید به دلیل فواید مهم آن آزادی افراد را در چهارچوب این اصل محدود ساخت.

با توجه به شیوه زندگی دسته جمعی با سرنوشت مشترک، مبارزه با فساد و دعوت مردم به کارهای نیک، وظیفه ای خطیر و اجتناب ناپذیر است؛ زیرا در این نوع زندگی، همهٔ افراد یک اجتماع مانند اعضای یک خانواده اند و پیوند وحدت و ارتباط آن چنان در میان آنان محکم و استوار می گردد که هیچ فردی نمی تواند برای خود حساب جداگانه ای باز کند و خود را از نتایج اعمال خوب و بد دیگران جدا فرض نماید. در چنین اجتماعی تمام افراد در سود و زیان اعمال یکدیگر کاملاً شریک و سهیم بوده و نتیجه عمل یک فرد دامن گیر همهٔ افراد می شود. این جاست که هیچ کسی نمی تواند تماشاگر صحنهٔ زندگی گردد و خود را از سود و زیان کارهای افراد دیگر دور بدارد؛ روی همین پیوند و ارتباط است که اگر بر اثر خلاف کاری برخی، ضربه اقتصادی یا فرهنگی بر پیکر اجتماعی وارد شد دود آن به چشم همه رفته و همه در برابر آن متأثر خواهند شد.

انحراف های اخلاقی، مانند بیماری های واگیرداری هستند که خواه یا ناخواه

دامن دیگران را نیز می گیرند. هرگاه میکروب التور در نقطه ای پیدا شد فوراً باید مبارزه پیگیری ضد آن آغاز نمود و دیگران را از معاشرت با آن بیمار باز داشت؛ در غیر این صورت همه کشور یا کشورها را فرا می گیرد همچنین، انحراف اخلاقی و اجتماعی و هر نوع آلودگی فکری و روحی - بسان بیماری جسمی - برق آسا در دل اجتماع رسوخ نموده همهٔ اجتماع را اجتماع را فرا می گیرد.

فرض کنید شخصی خانه خود را به صورت لانه فساد درآورد و پای افراد لاابالی به آن جا باز شود آیا می توان تصور نمود که دختران و پسران آن نقطه که هر روز شاهد رفت و آمد گروهی منحرف به آن لانه هستند؛ مصون و پاک بمانند؟ یا این که آنان نیز به مقتضای طغیان شهوت، به آن نقطه کشیده می شوند و روز به روز دایره فساد گسترش پیدا کرده بازار آن داغ تر می گردد؟ این جاست که می توان گفت اجرای پیگیر اصل مبارزه با انحراف های اخلاقی و اجتماعی ضامن سعادت اجتماعی افرادی است که در کنار یکدیگر زندگی می کنند و سکوت در برابر گناه و مفاسد، غلط و گناهی بزرگ است؛ زیرا هرگز نمی توان حساب فرد را از جامعه جدا ساخت. در حقیقت فرد مبارز، از حقوق خود و اجتماعی که در آن زندگی می کند، دفاع می نماید. هرگز نباید اص آزادی افراد بهانه شود تا ما از این وظیفهٔ انسانی شانه خالی کنیم و باید به این نکته توجه و ایمان داشته باشیم که آزادی افراد تا آن جا محترم است که سلب آزادی دیگران نکند و مصالح جامعه را به خطر نیفکند قرآن مجید با واقع بینی خاصی در این زمینه می فرماید: (وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً). (1) همچنین پیامبر گرامی اسلام در مثالی این نکته را بیان می کند: اجتماع همانند کشتی بزرگی است که در آن کالاهای تجاری حمل شده و سرنشینانی نیز همراه دارد. هر فردی از سرنشینان در طی راه مختار و آزاد می باشد ولی او هرگز نمی تواند زیر پوشش آزادی فردی، بدنه کشتی یا زیر پای خود را سوراخ کند و بگوید: من زیر پای خودم را سوراخ می کنم به بقیه چه ربطی دارد؟!

همین مسئله در جوامع غیر اسلامی نیز مشاهده می شود؛ مثلاً وقتی بیماری واگیری فراگیر شود، دولت مأمورانش را برای واکسیناسیون بسیج می کند تا از انتشار بیماری

1- انفال / 25؛ «از فتنه ای بپرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی رسد (بلکه همه را فرا خواهد گرفت)».

واگیردار جلوگیری کند.

پس در واقع همان طور که مشاهده شد اجرای صحیح امر به معروف و نهی از منکر همانند واکسینه کردن جامعه در برابر خطرها، مشکل ها و فتنه هایی است که همانند بیماری های واگیردار سریع منتقل می شود و به صورت سرسام آوری منتشر می گردد.

بخش دوم: پاسخ شبهات

یکی از موانع جدی در اجرای امر به معروف و نهی از منکر، شبهات فراوانی است که در ذهن افراد نقش بسته است و در مواقع لزوم اجرای این فریضه، جلوی شخص را می گیرد لذا در ادامه به شبهه های مهم در این زمینه بررسی و پاسخ داده شده است.

فرمایش حضرت علی علیه السلام: «من راه راست کردن کژی های شما را می دانم اما اصلاح شما را به بهای فاسد کردن خویش نمی خواهم» (1) با وجوب امر به معروف و نهی از منکر تعارض ندارد؟

مخاطبان این حدیث افرادی هستند که می خواستند امام را وسیله رسیدن به مطامع و خواسته های خود سازند و اصلاح خود را مشروط به عملی شدن این خواسته ها می دانستند؛ برخی از آن درخواست ها عبارت اند از:

توقع داشتند در این دنیا که جایگاه کار و تلاش است، رها شوند تا در آسایشگاه خود بیارمند و معاششان در هر موقع که اراده می موقع که اراده می کنند در اختیار آن ها قرار گیرد.

هوای پُست و مقام در سر می پروراندند و از مولا امیر مؤمنان می خواستند تا به سرعت به ایشان پاسخ مثبت دهد.

می خواستند آزاد و مطلق العنان باشند تا بیت المال را طعمه گوارای خود کرده آن را ببلعند.

رها شوند تا خویشاوندان اقرباء و همه کسانی که با چاپلوسی ایشان را دلخوش می کردند، بر مردم و جامعه مسلّط نمایند تا آنان در زندگی حیوانی خود غوطه ور شوند و آه و ناله مستمندان جامعه، فرشتگان ملکوتی را بیازارد و وبال همه آن ها به

1- نهج البلاغه، خطبه 69

گردن علی بن ابی طالب علیه السلام بیفتد و عقاب و کیفر الهی را برای خود بیندوزد.

لذا امام فرمود: «من راه راست کردن کژی های شما را می دانم اما اصلاح شما را به بهای فاسد ساختن خویش نمی خواهم».

پس این گروه با پیش شرط هایشان شرایط هدایت شدن با امر به معروف و نهی از منکر را نداشتند.

بدون تردید امام حسین علیه السلام می دانست در قیامی که علیه خلیفه زمان دارد کشته خواهد شد. آیا این قیام انتحار به شمار نمی رود؟ و اگر گفته شود که قیام وی برای امر به معروف و نهی از منکر بوده است آیا زمینه های مناسب برای امر به معروف و نهی از منکر تأثیرگذاری و ضرر نداشتن فراهم بود؟

پاسخ جامع و کامل به این سؤال در پرتو بررسی عوامل حرکت و قیام امام حسین علیه السلام روشن می شود. قیام امام حسین علیه السلام سه عامل دارد هر چند میزان نقش و درجه اهمیت این عوامل یکسان و به یک اندازه نیست.

این عوامل عبارت اند از:

1. بیعت خواستن یزید؛

2. دعوت مردم کوفه؛

3. امر به معروف و نهی از منکر.

با توجه به موارد مزبور باید گفت:

یکی از منابع مهم در استخراج احکام شرعی سیره عملی اهل بیت علیهم السلام می باشد؛ پس امام حسین علیه السلام بی گمان بر اساس آموزه های اسلامی از مدینه به مکه و از مکه به سوی کوفه حرکت کرد و خطایی از ایشان سر نزده است.

در حدیثی از امام باقر علیه السلام این صفت به شرح ذیل مذمت شده است: «در آخر الزمان قومی هستند که دیگران از آنان پیروی می کنند. در میان آنان دست های ریاکار هستند که قرآن تلاوت می کنند و به ظواهر شرع تمسک می جویند، بی تجربه و کم خرد هستند امر به معروف و نهی از منکر را بر خود واجب نمی شمرند مگر آن گاه که از ضرر ایمن باشند». (1)

1- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 5، ص 55.

عالمان دینی در مواردی که خلافی را مشاهده می کنند واجب است امر به معروف و نهی از منکر کنند اگر چه احتمال تأثیر ندهند. (1)

اگر مقصود از زمینه مناسب برای امر به معروف محفوظ ماندن جان است، گاهی با توجه به اهمیت فراوان معروف یا تأثیر گذار بودن منکر، رعایت شرط ضرر نداشتن ساقط می شود؛ در واقع شرط مزبور به میزان اهمیت موضوع بستگی دارد که سبب امر به معروف یا نهی از منکر قرار می گیرد یعنی معروف و میزان اهمیت آن و نیز نوع منکر و میزان جرم آن، متفاوت است. گاهی موضوع امر به معروف و نهی از منکر موضوع فردی و کوچکی است این جا اگر امر به معروف و نهی از منکر موجب ضرر به جان یا آبرو شود آن قدر ارزش و اهمیت ندارد تا به سبب آن ضرر جانی یا آبرویی به انسان وارد شود اما گاهی موضوع امر به معروف و نهی از منکر، موضوعی است که اسلام برای آن اهمیتی بالاتر از جان و مال و آبروی انسان قائل است، اساس اسلام و قرآن به خطر افتاده تعالیم اصیل اسلام کنار رفته و اموری که اسلام به مبارزه با آن ها برخاسته به نام اسلام ترویج و عمل می شود همچنان که امام حسین علیه السلام در سخنانشان به این مطلب اشاره کرده اند: «باید با اسلام وداع کرد؛ زیرا امت به راعی و شبانی مانند یزید مبتلا شده است»؛ (2) یعنی وقتی یزید زمامدار مسلمانان شود معلوم است اسلام به چه سرنوشتی گرفتار می شود. آن جا که یزید است، اسلام نیست و آن جا که اسلام است، یزید نیست؛ در این صورت کشته شدن و قربانی شدن ارزش دارد. در این جا چیزی محترم تر از اساس اسلام نیست؛ لذا جان و مال و آبرو باید فدا شود. از این روی امام حسین علیه السلام می فرماید: (إنْ كَانَ دِينُ مُحَمَّدٍ لَمْ يَسْتَقِمْ اِلَّا بِقَتْلِي، فَيَا سُيُوفُ خُذِينِي) (3) و نیز می فرماید: در این شرایط (إِنِّي لا أَرَي الْمَوْتَ إِلا سَعَادَةً، وَلا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلا بَرَماً). (4)

اگر مقصود از زمینه مناسب تأثیر گذاری امر به معروف و نهی از منکر است، باید

1- خمینی، تحریر الوسیله شرط چهارم، م7 تا 11

2- قریشی، باقر شریف، حیاة الامام الحسین علیه السلام، ج 2، ص 257.

3- عبدالله حسن، مناظرات في العقائد و الاحکام، ج 2، ص 147.

4- مغربی تمیمی، ابو حنیفه، شرح الاخبار في فضائل الائمة الاطهار، ج 3، ص 150.

گفت: اثر بخشی امر به معروف و نهی از منکر در مسئلهٔ فردی و شخصی تنها به پذیرش و تأثیر پذیرفتن فرد مقابل است اما در مسائل اجتماعی و اساسی مانند قیام امام حسین علیه السلام که اساس اسلام و جامعه اسلامی در خطر است ملاک تأثیر گذاری آن در اجتماع است نه فردی مثل یزید؛ یعنی اگر این امر به معروف و نهی از منکر موجب نجات اساس اسلام و جامعه اسلامی و کشف چهرهٔ نفاق و انحراف شود، آن هم تا ابدیت تاریخ، در این صورت زمینه مناسب وجود دارد و امر به معروف واجب است؛ چون مؤثر است.

در ضمن در دنیای معاصر هم بیشتر ملت هایی که توانسته اند بندهای اسارت خویش را پاره کنند و به آزادی و استقلال برسند همین راه را انتخاب کرده اند آنان با فداکاری و تحمل ناملایمات و تهییج احساسات دشمنان خود را در افکار عمومی محکوم و پایه های تسلط و نفوذ آنان را متزلزل و به تدریج ساقط می سازند و در این مبارزات آن افرادی که پرچم را به دست می گیرند پیروز شده و خون هایشان بهای آزادی جامعه و برافتادن نفوذ بیگانه است. آنان این پیکار را - اگر چه نتیجه اش در آینده ظاهر می شود - موفقیت آمیز و افتخار می شمارند؛ زیرا هدفشان ریاست و حکومت نیست، بلکه اصلاح و نجات جمعیت است.

مردان خدا نیز برای هدف های عالی انسانی و الهی خود، گاهی چنین مبارزاتی دارند؛ یعنی با این که می دانند دشمنان خدا خونشان را می ریزند و سرشان را بالای نیزه می برند ولی باز هم برای نجات اسلام و توحید، پیکار و جهاد می کنند تا عکس العمل قیام آن ها به تدریج مردم را بیدار و مسیر تاریخ را عوض کند.

با وضعی که پیش آمده بود خطرات شدیدی احکام قرآن و موجودیت اسلام را تهدید می کرد و آینده اسلام را تاریک و مبهم می نمود. حتی معلوم بود که در آینده نزدیک، خورشید نورانی اسلام غروب و دوران شرک و جاهلیت بازگشت خواهد کرد. در این صورت امام حسین علیه السلام نمی توانست با در نظر گرفتن احتمال یا قطع به ضرر، دست روی دست بگذارد و در خانه بنشیند و ناظر این مصیبت ها برای عالم اسلام شود.

گذشته از این که شرط احتمال تأثیر هم موجود ،بود بلکه امام حسین علیه السلام یقین به

تأثیر داشت و می دانست که نهضت و قیام او اسلام را حفظ کرده و حرکت او ضامن بقای دین خواهد بود آن حضرت می دانست اگر بنی امیه او را – که نوه پیغمبر و مرکز تحقق آمال معنوی و اسلامی مردم و شریف ترین و گرامی ترین خلق و محبوب ترین افراد در قلب جامعه است – بکشند، دیگر قدرتشان درهم شکسته می شود و چنان سیل خشم و نفرت مردم به سویشان سرازیر می گردد که باید برای حفظ موقعیت حالت دفاعی به خود بگیرند تا بتوانند چند صباحی پایه های لرزان حکومت کثیفشان را از سقوط حفظ کنند.

سید الشهدا علیه السلام می دانست که شهادت او و اسارت اهل بیت علیهم السلام ماهیت بنی امیه و عداوت های آن ها را با اسلام و شخص پیغمبر آشکار می سازد و بازتاب قتل او، ریشه های اسلام را در دل ها استوار کرده، حس تمرد و سرپیچی از اوامر امویان را در همه ایجاد می کند و احساسات اسلامی و شعور دینی مردم را بیدار و زنده می سازد.

ابا عبد الله علیه السلام می دانست وقتی بنی امیه او را شهید کنند، دستگاه خلافت رسوا خواهد شد و مردم به مسیر نادرست حکومت پی خواهند برد و معلوم است حکومتی که به دشمنی با دین و خاندان رسالت شناخته شده ،باشد هر چند مدت کوتاهی به ظاهر بر مردم فرمانروایی ،کند اما نمی تواند ادعای خلافت اسلامی را داشته باشد و به حکومت خود ادامه دهد.

فاجعه کربلا دنیای اسلام را تکان داد و مثل آن بود که شخص پیغمبر شهید شده باشد. در تمام شهرها احساسات خشم آگین مردم در مقابل بنی امیه به جوش آمد و حرکت های ضد امویان یکی پس از دیگری شروع شد تا آن که حکومتی که به اسم اسلام، ترویج شرک و کفر می کرد ساقط شد و آن خون های پاک اهل بیت علیهم السلام، بهای نجات اسلام و شور و هیجان دینی مردم علیه بنی امیه گردید.

پس معلوم شد که امر به معروف و نهی از منکر امام حسین علیه السلام از نظر قواعد عمومی و فقهی نیز لازم و از واجبات بوده است و آن حضرت در راه ادای این تکلیف، از جان خود و عزیزترین و لایق ترین جوانان برادران و یارانش چشم پوشید و همه را فدای مقاصد بزرگ و عالی اسلامی کرد، و با این که سیل مصیبت ها به سوی او هجوم آورد ثابت و پایدار ایستاد و از دین و هدف خود دفاع نمود.

معنای احتمال تأثیر این نیست که در خانه بنشینی و بگویی من احتمال اثر می دهم یا نمی دهم بلکه باید بروی و حداکثر تحقیق را انجام دهی تا ببینی که آیا به نتیجه می رسد یا نه؟ کسی که بی اطلاع است و به دنبال تحقیق هم نمی رود، نمی تواند چنین عذری بیاورد.

آیا امر به معروف و نهی از منکر با این روحیه که مؤمن باید هر کسی را از خود بهتر بداند منافات ندارد؟

نکته اخلاقی مزبور مربوط به جایی است که خود را با دیگران مقایسه می کنید؛ اما امر به معروف و نهی از منکر در مقام هدایت دیگران است؛ اساساً با کمی دقت در می یابیم این دو نکته با هم تنافی ندارند بلکه مکمل همدیگرند. در واقع اگر خطایی از کسی سر زد باید از سر دلسوزی و مهربانی او را ارشاد کرد؛ اما در عین حال شخص آمر و ناهی نباید خودش را از طرف مقابل بالاتر و بهتر بداند؛ زیرا ممکن است وی در همان لحظه یا در آینده هدایت شود و از ما سبقت بگیرد.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر دو صفت و خلق هستند، از جمله خوهایی که محبوب و پسندیده خداست این دو امر مرگ را نزدیک نمی گردانند و روزی را کم نمی کنند» (1) این سخن با روایاتی که وجوب امر به معروف و نهی از منکر را مشروط به نبود ضرر می کنند چگونه قابل جمع است؟

با توجه به روایات متعدد در این زمینه می فهمیم که مراد حضرت علی علیه السلام آن است که اگر امر به معروف و نهی از منکر با شرایط و حدود صحیح اجرا شود، ضرر و زیانی نمی رساند.

اجرای امر به معروف و نهی از منکر که سبب سلب آزادی از انسان ها و افراد جامعه است؛ چگونه قابل توجیه است؟

آیا امر به معروف و نهی از منکر دخالت در زندگی خصوصی افراد نیست؟

خیر، زیرا قرآن تجسس در کار دیگران را با لسان (ولَا تَجَسّسُوا)، (2) یعنی: «در کار دیگران جاسوسی نکنید مشخص کرده است؛ ولی امر به معروف و نهی از منکر، در

1- نهج البلاغه، خطبه 154

2- حجرات / 12.

جایی است که گناهکار در برابر دیگران دست به گناه بزند لذا کسی به بهانه امر به معروف و نهی از منکر نمی تواند در کار دیگران دخالت و تجسس کند ما وظیفه نداریم در امور دیگران تجسس کنیم. آمر به معروف و ناهی از منکر لازم نیست دیگران را تعقیب کند که آیا واجبی را ترک می کنند تا به آنان امر کند آن را انجام دهند یا حرامی را مرتکب می شوند تا آنان را از آن کار باز دارد بلکه به طور عادی اگر متوجه شد که فلان شخص دارد و اجبی را ترک می کند یا فعل حرامی را مرتکب می شود، به او تذکر دهد.

رعایت نکردن این موارد در حکایتی به خوبی بیان شده است: شخصی از دیوار خانه ای بالا رفت؛ وقتی گناه کردن آن ها را دید گفت: گمان می کنید چون در نهان معصیت می کنید خدا کنید خدا سر شما را آشکار نمی کند؟ صاحبخانه گفت: اگر من یک خطا کرده ام تو سه خطا کرده ای!

نخست: تو با نهی (وَلَا تَجَسَّسُوا) (1) یعنی: «در کار دیگران جاسوسی نکنید»؛ مخالفت کردی .

دوم: تو به دستور (وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا) (2) یعنی: «از درب خانه ها وارد شوید»؛ عمل نکردی.

سوم همچنین با (فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا) (3) یعنی: «هر گاه وارد خانه ای شدید، سلام کنید»؛ مخالفت نموده ای!

وجوب امر به معروف و نهی از منکر با آیه (لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ) (4) یعنی: «در دین هیچ اجباری نیست»؛ معارض است!

آیه مزبور مربوط به اصل پذیرش دین است؛ یعنی با اجبار و اکراه نمی توان کسی را به دین اسلام، فراخواند؛ ولی اگر کسی خودش اسلام را پذیرفت، باید به اصول و احکام آن پایبند باشد.

1- حجرات/ 12

2- بقره / 189

3- نور / 61

4- بقره / 256

کلیه نظـام هـای فکری، برای خود نظـامی اجتمـاعی را نیز طراحی می کننـد اکراه و اجبـار از ابزارهـای پیش بینی شـده در کلیه نظـام های اجتماعی است؛ یعنی در هر نظامی در مقوله های اجتماعی و حقوقی ،آن جبر قانونی وجود دارد و بدون آن جامعه اداره و کنترل نمی شود نظام های قضایی و نیروهای انتظامی در همـهٔ نظام ها امری مقبول و معقول هسـتند بنابراین بایستی محـدودهٔ عقیـده را از محـدوده عمل و حقوق جـدا کرد. در حیطهٔ عقیـده اجبـار راهی نـدارد ولی در حیطه عمـل، تـا آن جـا که به نظم عمومی جـامعه مربوط می شود رفتارهای اجتماعی تحت نظارت و کنترل درآمده و احیاناً با آن برخورد می شود.

از جمله اموری که پیامدهای ناخوشایندی در زندگی اجتماعی افراد دارد، منکرات است. به همین جهت شارع مقدس برای دور نگه داشتن جامعه از پیامدهای سوء آن ها، امر به معروف و نهی از منکر را در سطح جامعه واجب کرده است.

با مروری به شرایط و آداب امر به معروف و نهی از منکر روشن می شود که نهی از منکر در منکرات آشکار واجب است و آمر به معروف و ناهی از منکر حق تجسـس و تفتیش و دخالت در زندگی افراد را ندارد خواست اسـلام آن است که ظاهر جامعه از هر گناهی پیراسته باشد، اما داوری درباره درون انسان یا کارهای ناشایستی که برخی در نهان مرتکب می شوند با خداست.

خلاـصه افزون بر این که در پـذیرش شـریعت اسـلام اجبـاری نیست، پس از پـذیرش آن نیز کسـی حق تفتیش عقایـد و تجسـس در امور شخصـی افراد را ندارد اما در صورتی که رفتار شـخص در اجتماع با قوانین اجتماعی اسـلام ناهماهنگ باشد همانند همهٔ نظام های جهان اسلام حق برخورد را با او برای خود با شیوه های گوناگون محفوظ می دارد.

آیا امر به معروف و نهی از منکر با آیهٔ (وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى) (1) یعنی: «هیچ کس گناه دیگری را به گردن نمی گیرد»؛ تعارض ندارد؟

این آیات در مورد کسانی است که هدایت الهی را نپذیرفته اند و براهین یقینی را انکار می کنند؛ چنان که در ابتدای این آیه چنین آمده است من برای خدا شریکی

1- انعام / 164.

نمی گیرم و اولین مسلمانم آیا (انتظار دارید) غیر خدا را در مقام پروردگار برگزینم؟! در حالی که او پروردگار همه چیز است و هیچ کس عملی را انجام نمی دهد مگر این که کیفرش بر عهده خودش است؛ و هیچ کسی گناه دیگری را به گردن نمی گیرد».

این مفهوم، با آیاتی که انسان را به امر به معروف و نهی منکر تشویق می کنند منافی .نیست زیرا آیه مزبور می گوید: «اگر فردی براهین الهی را نپذیرد و مرتکب گناهی شود، کیفرش متوجه خودش است و دیگران در جرم آن شریک نیستند». ولی در زمینه امر به معروف و نهی از منکر می گوید: «اگر دیگران، گناهکاری شخصی را دیدند و شرایط مهیا بود، باید او را به کار خوب تشویق نمایند».

نتیجه گیری

امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است به اصطلاح، علت مبقیه است. اگر این اصل نباشد، اسلامی نیست. در واقع رسیدگی کردن دائم به وضع مسلمانان است. با تشبیه جامعه به کارخانه ای که همانند جامعه از اجزاء و بخش های متفاوت و گوناگون تشکیل شده است لزوم امر به معروف و نهی از منکر بهتر روشن می شود؛ زیرا هیچ کارخانه ای بدون بازرسی و رسیدگی دائمی مهندسان متخصص، قابل بقا نیست، همین طور اگر هر سازمانی به حال خود رها شود و بازرسی نشود، بر اثر فسادهای مختلفی که در آن به وجود می آید توانایی مقاومت و جنگیدن برای بقا را ندارد و پس از مدت کوتاهی متلاشی می شود و جز نام از او چیزی باقی نمی ماند.

همان گونه که بیان شد یکی از نمونه های عینی این آسیب ها، در انقلاب مشروطه رخ داد. این انقلاب به خاطر امر به معروف و نهی از منکر نکردن مردم، به فساد و تباهی کشیده شد و آن رخداد مهم که باید تحول آفرین می شد به انحطاط و زوال گرایید.

پس می توان یکی از مهمترین عوامل ثبات و پایداری جوامع مختلف بشری را منوط به انجام یا ترک امر به معروف و نهی از منکر دانست هر قدر این عنصر، قوی تر و درست تر اجرا ،شود جامعه پایدارتر خواهد ماند و هر قدر امر به معروف و نهی از منکر، ضعیف تر و کم رنگتر محقق شود جامعه با رکود و انحطاط و ناپایداری مواجه می گردد.

منابع

1. قرآن کریم.

2. نهج البلاغه، قم، دار الذخائر، 1421ق.

3. ابن ابی جمهور، محمد، عوالی اللآلئ، قم، کتابخانه مرعشی، 1403ق.

4. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، چاپ دوم، قم، آل البیت علیهم السلام، 1414ق.

5. خمینی سید روح الله تحریر الوسیله قم، انتشارات دارالعلم، 1387ش.

6. طبرسی، امین الاسلام، مجمع البیان، بیروت، الاعلمی، 1415ق.

7. عبدالله حسن، مناظرات فی العقائد والاحکام، قم، دلیل ما، 1421ق.

8. علی بن موسی الرضا امام هشتم علیه السلام، فقه الرضا، مشهد، آل البیت علیهم السلام، 1406ق.

9. قریشی، باقر شریف، حیاة الامام الحسین علیه السلام، نجف، آداب، 1394ق.

10. کلینی، محمد بن یعقوب الکافی، چاپ سوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1363ش.

11. لوح فشرده پرسمان 2.

12. لوح فشرده پرس وجو.

13. لوح فشرده جامع التفاسیر نور.

14. لوح فشرده مکتبة اهل البیت علیهم السلام.

15. لوح های فشرده.

16. مغربی تمیمی، ابوحنیفه نعمان، شرح الاخبار في فضائل الأئمة الاطهار، قم، نشر اسلامی، 1414ق.

17. نوری طبرسی، میرزاحسین، مستدرک الوسائل، بیروت، آل البیت علیهم السلام، 1408ق.

ص: 552

درباره مرکز

بسمه تعالی

جَاهِدُواْ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملا مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیباني مي‌شود.

براي خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 88318722 ـ 021

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109

مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹